

شما هم می‌توانید انجیل را درک کنید

حد پولس، نامحدودی انجیل

نامه های زندان

(کولسیان، افسسیان و فیلمون و

سپس فیلیپیان)

دکتر باب آتلی

پروفسور بازنشسته علم هرمنوتیک

(علم تفسیر کتاب مقدس)

سری راهنمای مطالعاتی

BIBLE LESSONS INTERNATIONAL, MARSHALL, TEXAS

2000 (Revised 2007)

حق چاپ © ۲۰۰۰ بایبل لسنز اینترنشنال، کلیه حقوق محفوظ می‌باشد. تکثیر و توزیع این کتاب به هر ترتیب یا وسیله‌ای، با ذکر نام دکتر باب آتلی و اضافه کردن منبع www.freebiblecommentary.org و به صورت رایگان مجاز می‌باشد.

فهرست مطالب

۶	مقدمه نویسنده:
۸	راهنما برای مطالعه صحیح کتاب مقدس
۱۵	اختصارات انگلیسی کاربردی در این تفسیر
۱۶	مقدمه ای بر کولسیان
۲۴	کولسیان ۱
۵۶	کولسیان ۲
۷۳	کولسیان ۳
۹۱	کولسیان ۴
۱۰۲	مقدمه ای بر افسسیان
۱۱۰	افسسیان ۱
۱۳۸	افسسیان ۲
۱۶۲	افسسیان ۳
۱۷۸	افسسیان ۴
۱۹۸	افسسیان ۵
۲۱۳	افسسیان ۶
۲۲۸	مقدمه ای بر فیلمون
۲۳۰	فیلمون
۲۴۰	مقدمه ای بر فیلیپیان
۲۴۵	فیلیپیان ۱
۲۶۵	فیلیپیان ۲
۲۸۰	فیلیپیان ۳
۲۹۲	فیلیپیان ۴
۳۰۲	اصطلاحات دستور زبان یونانی
۳۱۰	موضوع خاص: انتقادات متنی
۳۱۳	واژه نامه
۳۲۱	بیانیه دکترین

موضوعات خاص

۲۵	موضوع خاص: فرستادن (apostellō)
۲۶	موضوع خاص: مسیح (از دانیال ۹:۲۶)
۲۸	موضوع خاص: مقدسین (hagios)
۲۸	موضوع خاص: ایمان، باور یا اعتماد
۳۰	موضوع خاص: پدر

۳۱ موضوع خاص: اسامی خدا
۳۵ موضوع خاص: امید (<i>elpis</i>)، در پولس)
۳۶ موضوع خاص: استفاده پولس از کاسموس (جهان).
۳۹ موضوع خاص: وراثت ایمانداران (از اول پطرس ۱)
۴۰ موضوع خاص: پسر خدا
۴۱ موضوع خاص: خونبها/باز خرید
۴۴ موضوع خاص: نخست زاده
۴۵ موضوع خاص: منشا (<i>archē</i>)
۴۶ موضوع خاص: کلیسا (<i>ekklesia</i>)
۴۷ موضوع خاص: صلح (عهد جدید)
۴۸ موضوع خاص: گوشت (<i>sarx</i>)
۴۹ موضوع خاص: بی گناه، معصوم، منزه، بدون رسوایی
۵۳ موضوع خاص: عیسی و روح
۵۷ موضوع خاص: قلب/دل (عهد جدید)
۶۴ موضوع خاص: جنگ در بهشت (از مکاشفه ۱۲: ۷ الی ۹)
۶۴ موضوع خاص: جسارت (<i>parrhēsia</i>)
۶۶ موضوع خاص: داوری در عهد جدید
۷۰ موضوع خاص: تخریب، نابودی، فساد (<i>phtheirō</i>)
۷۱ موضوع خاص: آزادی مسیحی در برابر مسئولیت مسیحی (از رومیان ۱۴: ۱ الی ۱۵: ۱۳)
۷۴ موضوع خاص: توصیف خدا با زبان انسانی
۷۶ موضوع خاص: اصطلاحات عهد جدید برای بازگشت مسیح
۷۸ موضوع خاص: فساد و تقوا در عهد جدید
۸۰ موضوع خاص: سخن گفتن
۸۱ موضوع خاص: نو شدن دوباره (<i>anakainōsis</i>)
۸۲ موضوع خاص: نژاد پرستی
۸۹ موضوع خاص: بخشنده/صمیمی (<i>haplotēs</i>)
۹۲ موضوع خاص: شکرگزاری
۹۵ موضوع خاص: نماز روحانی
۹۸ موضوع خاص: "درب" در عهد جدید
۱۱۲ عناوین عهد عتیق برای آن موعود که می آید
۱۱۳ موضوع خاص: تقدس در عهد جدید
۱۱۵ موضوع خاص: تثلیث
۱۱۷ موضوع خاص: مقدس
۱۱۹ موضوع خاص: تقدیر (کالوینیسم) در برابر اراده آزاد انسان (ارمنیسم)

۱۲۳	موضوع خاص: افعال یونانی که برای رستگاری استفاده شدند
۱۲۵	موضوع خاص: وفور
۱۲۶	موضوع خاص: اراده (<i>THELĒMA</i>) خدا
۱۲۷	موضوع خاص: انتخاب/تقدیر و نیاز به یک تعادل الهیاتی
۱۲۸	موضوع خاص: حقیقت (مفهوم آن در نوشته‌های یوحنا)
۱۲۹	موضوع خاص: مهر تأیید
۱۳۰	موضوع خاص: شخصیت روح
۱۳۳	موضوع خاص: استفاده پولس از حالات ترکیبی HUPER
۱۳۵	موضوع خاص: سن انسان
۱۴۰	موضوع خاص: شیطان فردی
۱۴۳	موضوع خاص: سلطنت در پادشاهی خدا
۱۴۵	موضوع خاص: باور، اعتقاد، ایمان و وفاداری در عهد عتیق
۱۴۸	موضوع خاص: شواهد عهد جدید برای رستگاری فرد
۱۴۹	موضوع خاص: بالیدن
۱۵۱	موضوع خاص: پیمان
۱۵۴	موضوع خاص: پوچ و خالی (<i>katargeō</i>)
۱۵۵	موضوع خاص: شریعت موسی و مسیحیان
۱۵۷	موضوع خاص: نبوت عهد جدید
۱۵۹	موضوع خاص: سنگ (BDB 6, KB 7) و سنگ زیر بنا (BDB 819, KB 944)
۱۶۰	موضوع خاص: تقدیس
۱۶۴	موضوع خاص: راز
۱۶۵	موضوع خاص: برنامه رستگاری جاودانی بیهوه
۱۶۹	موضوع خاص: رنج
۱۷۲	موضوع خاص: دعا، تمجید و شکرگزاری پولس از خدا
۱۷۴	موضوع خاص: برای همیشه (<i>'olam</i>)
۱۷۶	موضوع خاص: آمین
۱۸۰	موضوع خاص: فراخواندن
۱۸۲	موضوع خاص: یکتاپرستی
۱۸۴	موضوع خاص: بهشت و بهشت سوم
۱۸۹	موضوع خاص: پارسایی
۱۹۴	موضوع خاص: ثروت
۲۰۱	موضوع خاص: پادشاهی خدا
۲۰۵	موضوع خاص: تسلیم/ارائه (<i>hupotassō</i>)
۲۰۵	موضوع خاص: زنان در انجیل

۲۰۹ موضوع خاص: سر (<i>kephalē</i>)
۲۱۶ موضوع خاص: نصایح پولس به بردگان
۲۱۸ موضوع خاص: قوی باشید
۲۱۹ موضوع خاص: ایستادگی (<i>histēmi</i>)
۲۲۰ موضوع خاص: سطوح فرشتگان در نوشته های پولس
۲۲۱ موضوع خاص: فرشتگان و شیاطین
۲۲۵ موضوع خاص: دعای موثر
۲۳۳ موضوع خاص: <i>KOINŌNIA</i> (رفاقت/دوستی)
۲۳۴ موضوع خاص: مقدسین (<i>hagios</i>)
۲۵۱ موضوع خاص: استقامت
۲۵۵ موضوع خاص: گارد سلطنتی
۲۵۹ موضوع خاص: مردگان، کجا هستند؟ (<i>SHEOL/HADES, GEHENNA, TARTARUS</i>)
۲۷۱ موضوع خاص: اعتراف/اقرار
۲۷۶ موضوع خاص: اصطلاحات یونانی برای آزمودن و مفاهیم آنها
۲۸۲ موضوع خاص: فریسیان
۲۸۸ موضوع خاص: فرم (<i>Tupos</i>)
۲۹۵ موضوع خاص: مارانانا

مقدمه نویسنده:

چگونه این تفسیر می‌تواند به شما کمک کند

تفسیر انجیل یک فرایند منطقی و معنوی است که تلاش می‌کند تا نویسنده باستانی تحت الهام را به شیوه‌ای درک کند که بتواند پیام خدا را به زبانی که امروزه قابل درک است، بیان کند.

فرایند معنوی بسیار حساس است و به سختی می‌توان آن را تعریف کرد. این فرایند شامل تعادل و باز بودن با خداست. باید تشنه (۱) او، (۲) شناختن او و (۳) خدمت به او باشیم. این فرایند شامل دعا، اعتراف و تمایل به تغییر شیوه زندگی است. روح در فرایند تفسیر قاطع است، ولی چرا درک انجیل به صورتی دیگر برای مسیحیان صادق و خداپرست عجیب است؟

فرایند منطقی را راحتتر می‌توان توصیف کرد. ما باید نسبت به متن استوار و بیطرف باشیم و نباید تحت تاثیر تعصبات فردی یا مذهبی قرار بگیریم. ذهنیت همگی ما از لحاظ تاریخی شکل خاصی گرفته است. هیچکدام از ما مفسر واقعگرا یا بی طرف نیست. این تفسیر یک فرایند دقیق منطقی را که حاوی سه اصل ساختار یافته تفسیر است را ارائه می‌کند تا کمک کند بر تعصبات مذهبی خود غلبه کنیم.

اصل اول

اصل اول توجه به زمانهای تاریخی است که در کتاب مقدس نگاشته شده و نیز توجه به مناسبتهای تاریخی از دید نگارنده. نویسنده اولیه هدفی و پیامی برای برقراری ارتباط داشت. متن نمی‌تواند معنایی داشته باشد که غیر از منظور نویسنده باستانی تحت الهام بوده است. قصد او - و نه تفکر تاریخی، احساسی، فرهنگی، فردی یا تعصبات دینی - نکته کلیدی است. کاربرد، بخشی جدایی ناپذیر از تفسیر است، ولی تفسیر مناسب باید همیشه بر کاربرد تقدم داشته باشد. همیشه باید تکرار شود که هر متن انجیلی فقط و فقط یک معنی دارد. این معنی آن چیزی است که نویسنده اصلی قصد داشته که تحت هدایت روح القدس با زمان خود ارتباط برقرار کند. یک معنی خاص می‌تواند کاربردهای بسیار متفاوتی برای فرهنگهای مختلف و موقعیتهای متفاوت داشته باشد. این کاربردها باید با اصل حقیقت نگارنده اصلی مرتبط شوند. بدین منظور این راهنمای مطالعاتی تفسیری تنظیم شده تا مقدمه‌ای برای هر یک از کتابهای انجیل باشد.

اصل دوم

اصل دوم شناسایی ادبیات هر واحد است. هر کتاب انجیل یک سند متحدالشکل است. مفسرین حق ندارند که یک جنبه از حقیقت را با حذف بقیه متمایز سازند. بنابراین، ما باید تلاش کنیم تا قبل از اینکه هر تکه را جداگانه تفسیر کنیم، هدف کل کتاب انجیل را درک کنیم. هر بخش به صورت منفرد - فصلها، پاراگرافها، یا آیات - نمی‌توانند معنایی داشته باشد و کل آن واحد معنی دیگری داشته باشد. تفسیر باید از گرایش قیاس کل به گرایش القایی هر بخش تغییر جهت داده شود. بنابراین، این راهنمای مطالعاتی تفسیری تنظیم شده تا به دانشجویان در تحلیل ساختار هر واحد توسط پاراگرافها کمک کند. بخشهای هر پاراگراف و فصل تحت الهام نیستند، بلکه به ما در شناسایی تفکر هر بخش کمک می‌کنند.

تفسیر در سطح یک پاراگراف - نه جمله، عبارت، گزیده، یا کلمه - کلید پیگیری منظور اصلی نگارنده انجیل است. پاراگرافها بر اساس عناوین متحدالشکل هستند، که اغلب به آنها تم یا جمله موضوعی گفته می‌شود. هر کلمه، عبارت، و جمله در پاراگراف به نوعی با این عناوین متحدالشکل در ارتباط هستند. آنها بحث را محدود به موضوعی خاص کرده، آن را بسط داده، توضیح داده و یا مورد سوال قرار می‌دهند. کلید واقعی برای تفسیر درست این است که تفکر نویسنده اصلی را پاراگراف به پاراگراف در طی هر بخش که کتاب انجیل را تشکیل می‌دهند، دنبال کنیم. این راهنمای مطالعاتی تفسیری برای کمک به دانشجویانی تنظیم شده که این کار را با مقایسه با ترجمه‌های مدرن انگلیسی دنبال می‌کنند. برای این هدف ترجمه‌های خاصی انتخاب شده‌اند، زیرا آنها بر اساس نظریات و دیدگاه‌های مختلف ترجمه شده‌اند.

۱. نسخه ویرایش چهارم متن یونانی جامعه متحد انجیلی (UBS) منتشر شده است. این متن توسط اساتید مدرن متن پاراگراف بندی شده است.
۲. نسخه جدید شاه جیمز (New King James Version - NKJV) ترجمه کلمه به کلمه متن دستنویس یونانی است که به Textus Receptus نیز معروف است. تقسیم بندی پاراگراف‌های آن طولانیتر از سایر ترجمه‌ها است. این واحدهای طولانیتر به دانشجویان امکان مشاهده موضوعات متحدالشکل را می‌دهد.
۳. نسخه جدید استاندارد بازبینی شده (New Revised Standard Version - NRSV) نسخه تغییر یافته ترجمه کلمه به کلمه است. این ترجمه در نقطه میانی دو نسخه مدرن قرار می‌گیرد. تقسیم بندی پاراگراف‌های آن کاملاً در شناسایی موضوعات مفید است.
۴. نسخه انگلیسی امروز (Today's English Version - TEV) ترجمه پویایی است که توسط جامعه متحد انجیلی منتشر شده است. این ترجمه تلاش می‌کند که خواننده انگلیسی مدرن امروزی بتواند معنی و مفهوم متن یونانی را درک کند. اغلب، به خصوص در اناجیل، تقسیم بندی پاراگرافها بر اساس گوینده است تا موضوع، درست همانند نسخه بین المللی جدید. برای ترجمه و تفسیر، این نسخه مفید و کمک کننده نیست.

جالب است که به این نکته توجه کنیم که هم ⁴UBS و هم این نسخه توسط یک موسسه ترجمه شده اند، با این حال، پاراگراف بندی آنها تفاوت دارند.

۵. انجیل اورشلیم (Jerusalem Bible - JB) یک ترجمه پویا است که از روی نسخه کاتولیک فرانسه ترجمه شده است. مقایسه پاراگراف بندیهای این نسخه از دیدگاه اروپایی بسیار مفید است.

۶. نسخه چاپی مربوط به سال ۱۹۹۵ بنام انجیل امریکایی جدید بازبینی شده (Updated New American Standard Bible - NASB) ترجمه کلمه به کلمه است. تفسیر آیه به آیه در ادامه این پاراگراف بندی است.

اصل سوم

اصل سوم این است که ترجمه‌های مختلف انجیل را مطالعه کنید تا معنی و مفهوم گسترده‌تر و جامع‌تری را بتوانید از کلمات و عبارات انجیل درک کنید. اغلب یک کلمه یا عبارت یونانی را می‌توان به چندین شیوه مختلف درک کرد. این ترجمه‌های متفاوت این گزینه را در اختیارتان قرار می‌دهند و به شما کمک می‌کنند که بتوانید تنوعات مفهومی نسخ دستنویس یونانی را شناسایی کنید. اینها بر روی دکترین تاثیر نمی‌گذارند، بلکه به ما کمک می‌کنند که به متن اصلی که نویسنده باستانی تحت تاثیر الهام بوده نزدیکتر شویم.

این تفسیر راه سریع‌تری را به دانشجو برای بررسی ترجمه خود ارائه می‌دهد. قطعیت هدف نیست، بلکه اطلاع رسانی و تفکر برانگیز بودن است. اغلب، سایر تفاسیر احتمالی به ما کمک می‌کنند که زیاد کوه نظر، دگم و مذهبی نباشیم. مفسرین لازم است که طیف وسیع‌تری از گزینه‌های تفسیری را در اختیار داشته باشند تا بتوانند تشخیص دهند که زبان یونانی قدیم تا چه اندازه می‌توانسته است مبهم باشد. حیرت آور است که چقدر تفاهم اندکی میان مسیحیانی که ادعا می‌کنند انجیل منبع حقیقت است، وجود دارد.

این اصول به من کمک کردند که برای بیشتر مسائلی که از نظر تاریخی ذهنیت مرا شکل داده بودند، با اجبار کردن خود بر تلاش بر روی متن باستانی، فائق‌گردم. امید من این است که برای شما هم برکتی باشد.

باب آتلی

۲۷ ژوئن ۱۹۹۶

جستجوی شخصی برای حقیقت اثبات پذیر

آیا می‌توانیم حقیقت را بشناسیم؟ حقیقت در کجا یافت می‌شود؟ آیا می‌توانیم از طریق منطق آن را به اثبات برسانیم؟ آیا مرجع نهایی وجود دارد؟ آیا اصول مطلق وجود دارند که بتوانند زندگی ما و جهان ما را هدایت نمایند؟ آیا زندگی معنایی دارد؟ چرا در این دنیا هستیم؟ به کجا خواهیم رفت؟ این سوالات - سوالاتی که همه افراد معقول به آن می‌اندیشند - تفکر بشر را از بدو زمان به خود داشته است (جامعه ۱: ۱۳-۱۸، ۳: ۹-۱۱). جستجوی خود را برای «محور یکپارچه سازنده» در زندگی به خاطر دارم. در کوچکی به مسیح ایمان آوردم و این بیشتر بخاطر شهادت اعضای اصلی خانواده‌ام بود. در سنین بزرگی سوالاتم در باره خود و دنیای من بیشتر شدند. کلیشه‌های ساده فرهنگی و مذهبی، به تجربیاتی که با آنها روبه‌رو می‌شدم یا در باره آنها می‌خواندم، مفهومی نمی‌بخشیدند. آن روزها دوران سردرگمی، جستجو، اشتیاق و اغلب یک احساس نومیدی در مواجهه با دنیای بی‌احساس و مشقت‌باری بود که در آن زندگی می‌کردم. بسیاری ادعا می‌کردند جوابهایی برای این پرسشهای اساسی دارند، اما پس از پژوهش و تعمق پی‌بردم جوابهایشان براین مبانی بود: (۱) فلسفه‌های شخصی، (۲) اسطوره‌های باستانی، (۳) تجربیات شخصی یا (۴) فرافکنیهای روانی [انکار ناآگاهانه افکار و احساسات خود و نسبت دادن آنها به دیگران]. نیاز به مقداری عوامل تایید کننده، تعدادی ادله و پراهمین، و نظریاتی منطقی داشتم تا دیدگاه جهانی خود و محور یکپارچه کننده و دلیل زندگی را بر مبنای آنها بگذارم. اینها را در مطالعات خود در کتاب مقدس پیدا کردم. شروع به جستجوی شواهد برای اعتبار کتاب مقدس نمودم، و پاسخ‌ها را در اینها یافتم: (۱) اعتبار تاریخی کتاب مقدس مطابق تایید علم باستان شناسی، (۲) صحت پیشگوییهای عهد عتیق، (۳) وحدت پیام کتاب مقدس در طول هزار و ششصد سال تالیف آن، و (۴) گواه شخصی کسانی که در اثر تماس با کتاب مقدس زندگی‌شان برای همیشه تغییر یافته است. مسیحیت به عنوان نظام یکی شده ایمان و باور، قادر است جوابگوی سوالات پیچیده زندگی انسان باشد. این موضوع نه تنها چارچوبی منطقی به ارمغان آورد، بلکه جنبه تجربی ایمان کتاب مقدس، به من شادمانی احساسی و استواری بخشید. تصور کردم آن محور یکپارچه سازنده زندگی - مسیح را، آن طوره که توسط کتاب مقدس شناخته می‌شود - یافته‌ام. شعفی ذهنی و تخلیه احساسی به من دست داد. اما هنگامیکه داشت برایم روشن می‌شد چه تفسیرهای گوناگون و عریضه‌ای از این کتاب - حتی گاه در میان کلیساهای و مکاتب فکری یک فرقه - مورد طرفداری و حمایت می‌باشند، شوک و دلشکستگی به من دست داد که تا به امروز بیادم است. اثبات الهام و اعتبار کتاب مقدس پایان کار نبود بلکه آغاز آن بود. چگونه می‌توانم تفاسیر متنوع و متضاد بسیاری بخشهای مشکل کتاب مقدس را تایید یا رد کنم که توسط مدعیان اقتدار و اعتبار آن بودند؟ این کار، هدف زندگی و سیاحت ایمان من شد. می‌دانستم ایمان به مسیح، (۱) به من آرامش و شادمانی عظیمی بخشیده بود. در حین نسبی گرایهای فرهنگ من (پست مدرنیته)، (۲) دگم اندیشی و مطلق انگاری نظامهای متضاد مذهبی (مذاهب جهان) (۳) و خود بینی فرقه‌های کلیسایی، ذهن من مشتاقانه بدنبال اصولی مطلق بود. در جستجو برای راههای صحیح تفسیر ادبیات باستانی، با تعجب متوجه شدم خود من پیش‌داوریهای تاریخی، فرهنگی، فرقه کلیسایی و تجربی داشتم. کتاب مقدس را اغلب تنها به منظور محکم سازی دیدگاه خود خوانده بودم. از آن به عنوان یک منبع آموزه مطلق برای حمله به دیگران استفاده می‌کردم و با این کار نا امنیها و کمبودهای خود را از نو تایید می‌نمودم. هنگامی که متوجه این کار خود شدم برایم بسیار دردآور بود!

اگرچه هرگز نمی‌توانم کاملاً عینی‌گرا باشم، می‌توانم کتاب مقدس را به طرز درست‌تر مطالعه کنم. می‌توانم پیش‌داوریهای خود را از این طریق که آنها را شناسایی کنم و قبول داشته باشم که وجود دارند، محدودیت ببخشم. هنوز از آنها کاملاً آزاد نشده‌ام، اما با ضعفهای خود مواجهه کرده‌ام. مفسر، اغلب بدترین دشمن مطالعه صحیح کتاب مقدس است. اجازه بدهید تعدادی از پیش‌فرضهای خود را که در مطالعه‌ام از کتاب مقدس دخیل می‌کنم، فهرست نمایم تا شما خوانندگان، آنها را همراه من بررسی نمایید:

I. پیش‌فرض‌ها

۱. من ایمان دارم کتاب مقدس، یگانه الهام خدای واحد حقیقی است که در آن خود را شناسانیده است. از این رو تفسیر باید با توجه به مقصود نویسنده اصلی الهی (روح خدا)، از طریق نویسنده بشری در زمینه خاص تاریخی انجام شود.
۲. من ایمان دارم که کتاب مقدس برای مردم عادی نوشته شده است - برای همه مردم! خدا از روی لطف و مرحمت خود با ما به روشنی در چهارچوب تاریخی و فرهنگی سخن گفته است. خدا واقعیت را پنهان نمی‌کند - او مایل است ما بفهمیم. ازین رو کتاب مقدس باید با در نظر گرفتن زمان خود آن، و نه زمان ما تفسیر گردد. کتاب مقدس نباید برای ما مفهومی داشته باشد که هرگز برای آنان که در ابتدا آنرا می‌خواندند یا می‌شنیدند، آن مفهوم را نداشته است. کلام خدا برای ذهن فرد عادی قابل درک است و اشکال و اسلوب تفهیم و تفاهم معمول مردم را به کار می‌گیرد.
۳. من ایمان دارم کتاب مقدس پیام و هدف یگانه دارد. با خود متضاد و مغایر نیست - اگر چه قسمتهایی از آن مشکل هستند و در ظاهر متفاوت، اما در واقع همخوان می‌باشند. بنا براین، بهترین مفسر کتاب مقدس، خود کتاب مقدس است.

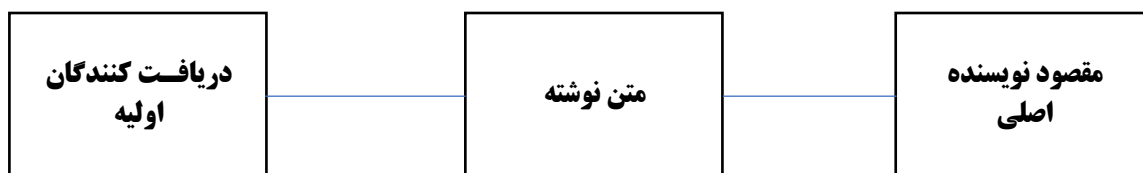
۴. من ایمان دارم که هر بخش کتاب مقدس (به استثناء پیشگوییها) دارای یک مفهوم و تنها یک مفهوم است که بر پایه مقصود نویسنده اصلی و وحی یافته می‌باشد. گرچه هرگز نمی‌توانیم مطلقاً مطمئن باشیم مقصود نویسنده اصلی را می‌دانیم، بسیاری از شاخصها، نشانگر آن می‌باشند:

- a. ژانر (نوع ادبی) انتخابی برای ارائه پیام
- b. زمینه تاریخی و/یا موقعیت خاص که موجب نوشتن گردید
- c. چهارچوب ادبی کل کتاب و نیز هر واحد ادبی
- d. طرح متن (طرح کلی) واحدهای ادبی، آن طور که با تمامی پیام ارتباط پیدا می‌کنند
- e. خصیصه‌های دستوری ویژه که برای بیان پیام به کار رفته‌اند
- f. واژگان انتخابی برای ارائه پیام

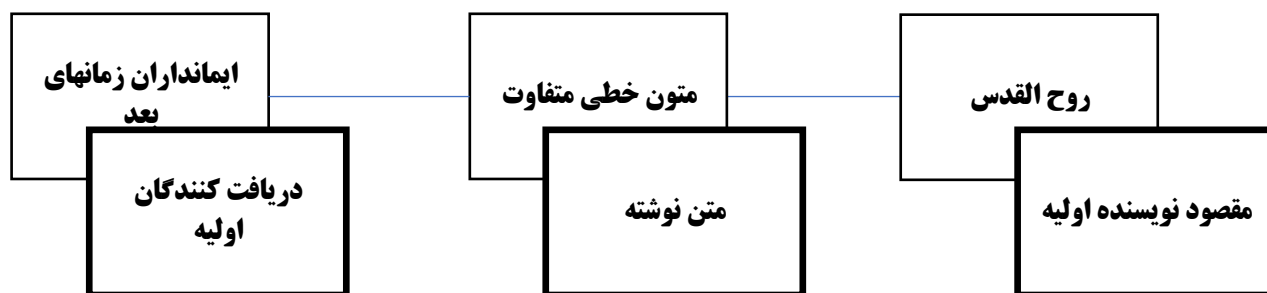
مطالعه هریک از این موارد، موضوع مطالعه ما از یک بخش می‌گردد. بیش از آنکه اسلوب خود را برای مطالعه صحیح کتاب مقدس توضیح دهم، اجازه دهید برخی روشهای نامناسب کاربردی امروز را توصیف نمایم - روشهایی که این قدر باعث گوناگونی در تفاسیر شده‌اند و در نتیجه باید از آنها دوری نمود:

II. روشهای نامناسب

۱. نادیده گرفتن چارچوب ادبی کتب کتاب مقدس، و استفاده از هر جمله، بند، یا حتی واژگان به عنوان اظهاریه‌های واقعیت که ربطی به منظور نویسنده یا متن کلیتر آن ندارد. این کار را معمولاً «اثبات عقیده خود توسط آیات» می‌گویند.
۲. نادیده گرفتن زمینه تاریخی کتب، بوسیله جانشین کردن زمینه تاریخی انگار شده‌ای که شواهد آن در خود متن بسیار کم است یا اصلاً در آن وجود ندارد.
۳. نادیده گرفتن زمینه تاریخی کتب و خواندن کتاب مقدس به عنوان روزنامه صبح شهر که در مرحله اول برای افراد مسیحی امروزی نگاشته شده باشد.
۴. نادیده گرفتن زمینه تاریخی کتب بوسیله مجازی ساختن متن و تبدیل آن به یک پیام فلسفی / الهیاتی که هیچ ارتباطی با شنوندگان اولیه و مقصود نویسنده اصلی ندارد.
۵. نادیده گرفتن پیام اصلی به وسیله جانشین کردن نظام الهیاتی خود شخص، یا آموزه مورد علاقه‌اش، یا مسائل مورد بحث زمان او که ربطی به مقصود نویسنده اصلی و پیام اظهار شده ندارند. این پدیده اغلب پس از آنکه قرائت کتاب مقدس در ابتدا به عنوان اثبات اقتدار گوینده انجام گرفته است، اتفاق می‌افتد. معمولاً این را «واکنش خواننده» (تفسیر بر مبنای «متن برای من چه مفهومی دارد») می‌نامند. حد اقل سه جزء مرتبط در تمامی ارتباطات نوشتاری بشر دیده می‌شوند:



در گذشته روشهای مختلف مطالعه بر روی یکی از این سه جزء متمرکز می‌شدند. اما برای تایید حقیقی الهام منحصر به فرد کتاب مقدس، یک نمودار تغییر یافته مناسبتر می‌باشد:



در واقع هر سه جزء باید در فرایند تفسیر گنجانده شوند. به مقصود بررسی صحت حقیقت، تفسیر من متمرکز بر دو جزء اول می‌باشد: نویسنده اصلی و متن. این احتمالاً عکس العمل من در برابر راههای اشتباهی است که مشاهده کرده‌ام: (۱) مجازی ساختن یا روحانی ساختن متون و (۲) تفسیر بر مبنای «واکنش خواننده» ایمانداران زمانهای بعد (برای من چه مفهومی دارد). راههای اشتباه ممکن است در هر مرحله دیده شوند. ما همواره باید در سنجش

محرکها، پیش داورها، اسلوب، و کاربردهایمان کوشا باشیم. اما چگونه آنها را بسنجیم، اگر هیچگونه مرزها، محدودیتها، شروط و موازینی برای این کار وجود ندارند؟ در اینجاست که منظور نویسنده و ساختار متن، تعدادی موازین در اختیارم می‌گذارند تا بتوان پهنه تفاسیر احتمالا صحیح را محدودیت بخشید. در پرتو اسلوب نامتناسب مذکور در مطالعه، چه روشهای ممکنه‌ای برای مطالعه و تفسیر صحیح کتاب مقدس هستند که تا اندازه‌ای راست آزمایی و همخوانی را فراهم می‌کنند؟

III. روشهای ممکنه برای مطالعه صحیح کتاب مقدس

در این مقطع اسلوب منحصر به فردی را مورد بحث قرار نمی‌دهم که برای تفسیر ژانرهای ادبی خاص به کار می‌روند، بلکه به اصول عمومی علم تفسیر (هرمنوتیک) می‌پردازم که برای همه گونه متون کتاب مقدس مصداق دارند. کتاب ارزنده‌ای درباره روشهای تفسیر ژانرهای خاص، کتاب «چگونه کتاب مقدس را درست درک کنیم» نوشته استادان «گردون فی» و «داگلاس استوارت» از انتشار «زان درون» می‌باشد.

متدولوژی من ابتدا بر خواننده متمرکز است که اجازه می‌دهد روح القدس کتاب مقدس را از طریق چهار دوره مطالعه شخصی تنویر و روشن نماید. این کار، روح القدس و متن و خواننده را در درجه اول قرار می‌دهد نه درجه دوم. این روش همچنین خواننده را از تاثیر نامتناسب مفسران محفوظ می‌دارد. شنیده‌ام که می‌گویند: "کتاب مقدس، کتب تفسیری را خیلی روشن می‌سازد." مقصود از این گفتار، کم ارزش شمردن کمکهای مطالعات نیست بلکه استعدایی است برای استفاده از آنها در زمان متناسب.

ما باید بتوانیم از روی خود متن بر تفسیر خود صحنه بگذاریم. پنج مورد، راست آزمایی حداقل محدودی را ممکن می‌سازند:

۱. شرایط تاریخی
۲. متن ادبی
۳. ساختار دستور زبانی (نحو)
۴. کاربرد معاصر کلمات
۵. متون مرتبط و همسو
۶. ژانر

ما باید بتوانیم دلایل و منطقی را که مبنای تفسیرات ما هستند ارائه کنیم. کتاب مقدس تنها منبع ما برای ایمان و کاربرد است. متأسفانه مسیحیان در این که کتاب مقدس چه تعالیم و تاییداتی دارد اغلب توافق ندارند. اگر ادعا کنیم کتاب مقدس الهامی است و درعین حال ایمانداران نتوانند در مورد تعالیم و الزامات آن به توافق برسند، خودمان را دچار شکست کرده‌ایم.

چهار دوره مطالعه طراحی شده‌اند تا بینشهای تفسیری ذیل را فراهم کنند:

۱. دوره اول مطالعه

- a. کتاب را در یک نشست بخوانید. یک مرتبه دیگر آن را در ترجمه متفاوتی بخوانید - که بهتر است تئوری ترجمه آن متفاوت باشد:
 - (۱) ترجمه تحت اللفظی (NRSV, NASB, NKJV)
 - (۲) ترجمه معادل پویا (JB, TEV)
 - (۳) ترجمه تفسیری («کتاب مقدس ترجمه تفسیری»، «کتاب مقدس تفصیلی»)
- b. بدنبال هدف محوری کل نوشته بگردید. مضمون (تم) آنرا مشخص کنید.
- c. در صورت امکان مشخص کنید کدام واحد ادبی، فصل، پاراگراف یا جمله است که بروشنی این مقصود یا تم اصلی را بیان می‌کند.
- d. ژانر ادبی مقدم را شناسایی کنید:
 - (۱) عهد عتیق
 - a) داستانسرایی عبری
 - b) شعر عبری (ادبیات حکمت، مزامیر)
 - c) نبوت عبری (نظم، نثر)
 - d) قوانین در شریعت
 - (۲) عهد جدید
 - a) داستانسراییها (اناجیل، اعمال رسولان)
 - b) تمثیلهای (اناجیل)
 - c) نامه‌ها/رساله‌ها
 - d) ادبیات آخر الزمانی

۲. دوره دوم مطالعه

- a. کتاب را دوباره کامل بخوانید و عناوین اصلی یا موضوعات را یافته و مشخص نمایید.
- b. عناوین اصلی را به صورت طرح کلی در آورید و در جمله‌ای ساده و مختصر محتوی آنها را توضیح دهید.
- c. جمله حاوی مقصود و طرح کلی عمومی خود را با استفاده از کمکهای مطالعات، بازنگری کنید.

۳. دوره سوم مطالعه

- a. کتاب را دوباره کامل بخوانید، با این هدف که زمینه تاریخی و موقعیت خاصی که باعث نوشتن آن شده است را در خود کتاب مقدس شناسایی کنید.
- b. موارد تاریخی را که در کتاب مقدس ذکر شده اند فهرست کنید.
 - (۱) نویسنده
 - (۲) تاریخ
 - (۳) دریافت کنندگان
 - (۴) دلیل خاص برای نوشتن
 - (۵) جنبه‌های زمینه فرهنگی که به هدف این نوشته مربوط می‌باشند
 - (۶) اشارات به اشخاص و رویدادهای تاریخی
- c. برای آن بخش کتاب کتاب مقدس که دارید تفسیر می‌کنید، طرح کلیتان را به صورت پاراگراف در آورید. همیشه «واحد ادبی» را مشخص کرده، به صورت طرح کلی در آورید. این می‌تواند چند فصل یا چند پاراگراف باشد. بدینوسیله می‌توانید منطق و «طراحی متن» نویسنده اصلی را دنبال کنید.
- d. زمینه تاریخی‌تان را با استفاده از کمکهای مطالعات بازنگری کنید.

۴. دوره چهارم مطالعه

- a. متن مستقل خاص را دوباره در چند ترجمه بخوانید
 - (۱) ترجمه کلمه به کلمه (NKJV, NASB, NRSV)
 - (۲) ترجمه معادل پویا (TEV, JB)
 - (۳) تفسیر (انجیل زنده، انجیل تفصیلی)
- b. ساختارهای ادبی یا گرامری را بیابید
 - (۱) عبارات تکرار شده، افسسیان ۶: ۱ و ۱۳ و ۱۲
 - (۲) ساختارهای دستوری مکرر، رومیان ۸: ۳۱
 - (۳) مفاهیم متضاد
- c. موارد زیر را فهرست کنید
 - (۱) کلمات مهم
 - (۲) کلمات غیر معمول
 - (۳) ساختارهای مهم دستوری
 - (۴) کلمات، عبارتها، و جملات بسیار مشکل
- d. بخشهای همسو [مشابه] مربوط را در کتاب مقدس بیابید
 - (۱) روشن ترین مجموعه آیات تعلیمی را در مورد موضوع خود بیابید، از طریق:
 - a) کتابهای الهیات نظام مند
 - b) کتاب مقدس‌های مخصوص مراجعات
 - c) کشف الایات
 - (۲) در داخل موضوعتان، «دوگانگی متناقض» احتمالی [دو مفهوم بظاهر متضاد و در واقع همخوان] را بیابید. بسیاری از حقایق کتاب مقدس به صورت "دوگانگی دیالکتیکی" (دو مفهوم به ظاهر متضاد اما در اصل سازگار و واحد) معرفی شده‌اند! بسیاری از اختلافات فرقه‌ای از این سرچشمه می‌گیرند که افراد از روی نیمی از این مفاهیم دوگانه و پر تنش در کتاب مقدس برای "اثبات عقیده خود توسط آیات" استفاده می‌کنند. تمامی کتاب مقدس الهام شده است و ما باید پیام کامل آن را بجوئیم تا برای تقصیر خود توازن و تعدیل کتاب مقدسی ارائه دهیم.

- ۳) عبارات موازی یا هم معنی را در همان کتاب یا نوشته‌های همان نویسنده یا همان "ژانر" بیابید؛ کتاب مقدس بهترین مفسر خود است زیرا یک نویسنده دارد که روح القدس می‌باشد.
- e. برای بازیابی مشاهدات خود از زمینه و موقعیت تاریخی، از "کمک‌های مطالعاتی" بهره بگیرید.
- ۴) کتب مقدس دارای راهنمای مطالعات
- ۵) دایره المعارف، کتابهای راهنما، و فرهنگ لغات کتاب مقدس
- ۶) پیشگفتارهای کتاب مقدس
- ۷) تفاسیر کتاب مقدس (در این مرحله مطالعه خود، بگذارید جوامع ایمانداران مسیحی گذشته و حال، مطالعه شخصی شما را یاری و تصحیح کنند.)

IV. کاربرد تفسیر کتاب مقدس

در اینجا به کاربرد می‌پردازیم. شما با صرف وقت کوشیده‌اید تا متن را مطابق زمینه اصلی و اولیه آن درک کنید. اکنون باید آن را در زندگی و فرهنگ خود به کار بگیرید. من اقتدار کتاب مقدس را به این صورت تعریف می‌کنم: "استنباط آنچه نویسنده اصلی به عصر خود می‌گفت، و به کارگیری آن واقعیت در زمان ما."

پس از آنکه قصد نویسنده اصلی، هم از لحاظ زمان و هم منطق آن تفسیر گردد، کاربرد باید انجام شود. ما نمی‌توانیم یک بخش کتاب مقدس را در زمان خود به کار بگیریم مگر آنکه بدانیم برای عصر خود چه می‌گفته است. یک بخش کتاب مقدس نباید معنایی بدهد که بیشتر هرگز آن معنا را نداشته است!

«طرح کلی» مشروح شما، به صورت پاراگراف‌ها، (دوره مطالعه شماره ۳) راهنمای شما خواهد بود. کاربرد باید در سطح پاراگراف‌ها انجام شود نه کلمات. کلمات فقط در چارچوب متن معنا دارند؛ بندها تنها در چهارچوب متن معنا دارند؛ جملات تنها در چارچوب متن معنا دارند. در فرایند تفسیر، تنها شخص الهام یافته‌ای که دست اندر کار می‌باشد نویسنده اصلی است. ما صرفاً از او، به وسیله روشن سازی و تنویر روح القدس، پیروی می‌کنیم. اما تنویر، الهام نیست. برای گفتن "خداوند چنین می‌فرماید"، باید پایبند قصد نویسنده اصلی باشیم. کاربرد باید دقیقاً مربوط به مقصود عمومی کل نوشته، واحد ادبی بخصوص، و بسط اندیشه در سطح پاراگراف باشد.

اجازه ندهید مسایل روز، کتاب مقدس را تفسیر کنند؛ بگذارید کتاب مقدس سخن بگوید! برای این کار ممکن است لازم باشد اصولی را از متن نتیجه گیری کنیم - این زمانی صحت دارد که «اصل» در متن باشد. متأسفانه بسیاری از اوقات، اصول ما فقط اصول "خودمان" هستند - نه اصول متن. در کاربرد کتاب مقدس (بجز در مورد نبوت) مهم است بیاد داشته باشیم برای یک متن خاص کتاب مقدس، یک معنا و تنها همان یک معنا مصداق دارد. آن معنا به قصد نویسنده اصلی مرتبط است که در باره بحران یا نیازی در زمان خود سخن گفته است. از این یک معنا می‌توان کاربردهای ممکنه فراوانی را برگرفت. کاربرد بر پایه نیازهای دریافت کنندگان خواهد بود، اما باید به مفهوم نویسنده اصلی ارتباط داده شود.

V. جنبه روحانی تفسیر

تا اینجا درباره فرایند منطقی و متنی در تفسیر کردن و در کاربرد صحبت کرده‌ام. اجازه بدهید اکنون مختصراً جنبه روحانی تفسیر را مورد بحث قرار دهیم. این لیست نکات مهم، برای من مفید بوده است:

۱. برای کمک روح القدس دعا کنید (مراجعه شود به اول قرن‌تیان ۱: ۲۶ و ۲: ۱۶).
 ۲. دعا کنید خدا شما را ببخشد و از گناہانی که به آنها واقف هستید پاک سازد. (اول یوحنا ۱: ۹).
 ۳. برای اشتیاق بیشتر در شناخت خدا دعا کنید (مراجعه شود به مزامیر ۱۹: ۷ الی ۱۴؛ ۴۲: ۱ به بعد؛ ۱۱۹: ۱ به بعد).
 ۴. هر بینش جدیدتان را بلافاصله در زندگی خود به کار ببندید.
 ۵. فروتن و آموزش پذیر باقی بمانید.
- کار بسیار مشکلی است که توازن بین فرایند منطقی، و هدایت روحانی روح القدس را بتوان حفظ نمود. نقل قولهای ذیل بمن کمک کرده‌اند توازن بین این دو را بیابم:

۱. برداشت از James W. Sire در کتاب *Scripture Twisting*، صفحات ۱۷-۱۸: "تنویر به اذهان قوم خدا می‌آید - نه صرفاً اشخاص بلند مرتبه روحانی. در مسیحیت مبنا بر کتاب مقدس، طبقه گورو [اساتید معنوی] یا اشرافیون [اشخاصی که بدون استدلال منطقی و فقط از روی نیروی ذهنی حقیقت را کشف می‌کنند] و کسانی وجود ندارند که تمامی تفاسیر قابل قبول باید از طریق آنها به دست آید. پس با اینکه روح القدس عطایای مخصوص حکمت، معرفت و بصیرت روحانی را می‌دهد، این کار را به این مسیحیان دارای عطایا واگذار نکرده است که فقط آنها مرجع تفسیر کلام او باشند. هر یک از افراد قوم خدا مسئول هستند با ارجاع به کتاب مقدس، بیاموزند، قضاوت کنند و تمیز دهند، زیرا کتاب مقدس مرجع برتر حتی نسبت به کسانی است که خدا به آنان تواناییهای خاص بخشیده است. در خلاصه، فرض من در سراسر کتاب بر این است که کتاب مقدس، مکاشفه حقیقی خدا به تمامی بشر است، و اینکه کتاب مقدس برای ما مرجع اقتدار نهایی در

تمام مواردی است که در باره آنها سخن می‌گوید، نیز کتاب مقدس یک معمای مبهم نیست، بلکه افراد عادی از هر فرهنگی می‌توانند آن را به اندازه کافی درک کنند."

۲. در مورد Kierkegaard، *Bernard Ramm, Protestant Biblical Interpretation*، صفحه ۷۵: به گفته Kierkegaard، مطالعه دستوری، واژه‌ای و تاریخی کتاب مقدس لازم بود، اما از لحاظ مطالعه حقیقی کتاب مقدس، مرحله مقدماتی به شمار می‌آید. "برای مطالعه کتاب مقدس به عنوان کلام خدا، باید آن را با قلبی پر شور، با تمام حواس، با انتظاری مشتاقانه، و در حال مکالمه با خداوند، خواند. مطالعه کتاب مقدس بدون تفکر و توجه به آن، یا به صورت کتاب درسی، یا برای انجام شغل، مطالعه آن به عنوان کلام خدا محسوب نمی‌شود. وقتی کسی کتاب مقدس را طوری بخواند که نامه عاشقانه را می‌خواند، آنگاه آن را به عنوان کلام خدا خوانده است."
۳. H. H. Rowley در کتاب *The Relevance of the Bible* صفحه ۱۹:

درک کتاب مقدس تنها به صورت عقلانی، هر قدر هم که کامل باشد، هرگز نمی‌تواند همه گنجینه‌های آن را از آن خود سازد. اینگونه فهم، ناچیز به شمار نمی‌آید چون برای استنباط کامل ضروری است. اما باید به درک روحانی گنجینه‌های روحانی این کتاب منتهی گردد تا کامل باشد. و برای آن درک روحانی، چیزی بیشتر از هوشیاری عقلانی لازم است. موضوعات روحانی با بینش روحانی دریافت می‌شوند و دانشجوی کتاب مقدس نیازمند طرز فکری پذیرنده از لحاظ روحانی، و اشتیاقی برای یافتن خدا است تا خود را به او تسلیم کند. در این صورت او می‌تواند از مطالعه علمی خود فراتر رفته، به میراث غنیتر این کتاب که بزرگترین کتابها است دست یابد."

VI. روش این کتاب تفسیر

کتاب تفسیر برای راهنمایی مطالعات به راه‌های ذیل برای کمک به رویه‌های تفسیری شما تنظیم شده:

۱. طرح کلی مختصر تاریخی، معرف هر کتاب است. پس از آنکه «مرحله مطالعه شماره ۳» را انجام داده‌اید، به این اطلاعات مراجعه کنید.
۲. بینشهای متنی در ابتدای هر فصل قرار دارند. اینها به شما کمک می‌کنند به بینید واحد ادبی چه ساختاری دارد.
۳. در ابتدای هر فصل یا هر واحد ادبی عمده، تقسیم بندی پاراگراف‌ها و عناوین توصیفی آنها از چند ترجمه جدید ارائه گردیده‌اند:
 - a. متن یونانی انجمن متحد کتاب مقدس، ویراست تجدید نظر شده (UBS⁴)
 - b. کتاب مقدس استاندارد آمریکایی ترجمه جدید، بروز آورده شده در سال ۱۹۹۵ (NASB)
 - c. کتاب مقدس پادشاه جیمز ترجمه جدید (NKJV)
 - d. ترجمه جدید تجدید نظر شده استاندارد (NRSV)
 - e. ترجمه انگلیسی امروز (TEV)
 - f. کتاب مقدس اورشلیم (JB)

تقسیم بندی پاراگراف‌ها الهام نشده‌اند. آنها باید از روی چارچوب متن محقق شوند. به وسیله مقایسه چند ترجمه معاصر که از تئوری‌های متفاوت ترجمه و دیدگاه‌های مختلف علم الهی می‌باشند، می‌توانیم ساختار گمان شده تفکر نویسنده اصلی را تجزیه و تحلیل کنیم. هر پاراگراف (بند) دارای یک حقیقت اعظم است که به آن «جمله اصلی» یا «ایده محوری متن» می‌گویند. این تفکر یکی کننده، راه تفسیر صحیح تاریخی و دستوری می‌باشد. شخص هرگز نباید تفسیر یا موعظه یا تدریس خود را بر پایه‌ای کمتر از یک پاراگراف انجام دهد! همچنین بیاد داشته باشید که هر پاراگراف با پاراگراف‌های اطرافش مرتبط است. به این دلیل است که «طرح کلی» تمام کتاب به صورت پاراگراف بندی این قدر مهم است. ما باید بتوانیم ترتیب و توالی منطقی مطلبی را که مورد بحث نویسنده الهام یافته و اصلی است دریافت کنیم.

۴. ترتیب یادداشتهای «باب» (نویسنده کتاب) مطابق روش تفسیری آیه به آیه است. با این روش مجبور می‌شویم از اندیشه نویسنده اصلی پیروی کنیم. یادداشتهای از چند جنبه مختلف اطلاعات فراهم می‌کنند:

- a. چهارچوب ادبی
 - b. بینشهای تاریخی و فرهنگی
 - c. اطلاعات دستوری
 - d. مطالعات واژه‌ای
 - e. بخشهای موازی (مشابه یا مترادف) مربوطه
۵. در بعضی مقاطع کتاب تفسیر، متن درج شده ترجمه استاندارد آمریکایی جدید (بروز آمده در ۱۹۹۵) به وسیله چند ترجمه معاصر دیگر تکمیل خواهد شد:

- a. کتاب مقدس پادشاه جیمز ترجمه جدید (NKJV) که مطابق پیرو متن نسخ خطی «متن دریافتی» می‌باشد.

- b. ترجمه جدید تجدید نظر شده استاندارد (NRSV) که بازنگری کلمه به کلمه کتاب مقدس ترجمه استاندارد تجدید نظر شده توسط شورای ملی کلیساها می‌باشد.
- c. ترجمه انگلیسی امروز (TEV) که ترجمه «معادل پویا» توسط انجمن کتب مقدسه آمریکا است.
- d. کتاب مقدس اورشلیم (JB) که ترجمه‌ای انگلیسی است بر مبنای ترجمه «معادل پویا» کاتولیک فرانسوی.
۶. برای کسانی که به زبان یونانی آشنا نیستند، مقایسه ترجمه‌های انگلیسی به تشخیص مسائل در متن کمک می‌کند:
- تفاوتها در متون خطی
 - معانی جانشین واژگان
 - متون و ساختار مشکل دستوری
 - متون دارای چند معنی
- اگر چه ترجمه‌های انگلیسی نمی‌توانند این مسایل را حل کنند، آنها را برای مطالعه بیشتر و کاملتر مورد نظر قرار می‌دهند.
- e. در پایان هر فصل سوالات مربوطه برای گفتگو فراهم شده‌اند و در این سوالات سعی شده است مسائل عمده تفسیری آن فصل مورد نظر قرار بگیرند

اختصارات انگلیسی کاربردی در این تفسیر

کتاب‌های تفسیر کتاب مقدس آنکر، ویرایش ویلیام فاکسول آبرایت و دیوید نوئل فریدمن	AB
قاموس کتاب مقدس آنکر (۶ جلد) ویرایش دیوید نوئل فریدمن	ABD
کلید تحلیلی عهد عتیق، نویسنده: جان جوزف اوونز	AKOT
متون باستانی خاور نزدیک، نویسنده: جیمز ب. پریچارد	ANET
لغتنامه عبری و انگلیسی عهد عتیق، نویسندگان: اف. براون، اس. آر. درایور، سی. ا. بریگز	BDB
Biblia Hebraica Stuttgartensia: GBS 1997	BHS
قاموس کتاب مقدس مفسرین، ۴ جلد، ویرایش: جورج ا. باتریک	IDB
فرهنگنامه کتاب مقدس استاندارد بین‌المللی، ۵ جلد، ویرایش جیمز اور	ISBE
کتاب مقدس اورشلیم	JB
کتاب مقدس مطابق متن ماسورتیک، ترجمه جدید چاپ از انجمن انتشارات یهودی آمریکا	JPSOA
لغتنامه عبری و آرامی عهد عتیق به قلم لودیک کوهلر و والتر بام گارتنر	KB
کتاب مقدس از روی متون باستانی شرقی (پشیتا) به قلم جورج م. لامسا	LAM
ترجمه هفتاد (یونانی - انگلیسی)، نویسنده: زان درون، ۱۹۷۰	LXX
ترجمه جدیدی از کتاب مقدس، نویسنده: جیمز موقات	MOF
متن ماسورتیک عبری	MT
متن جدید کتاب مقدس آمریکایی	NAB
کتاب مقدس استاندارد آمریکایی ترجمه جدید	NASB
کتاب مقدس جدید انگلیسی	NEB
کتاب مقدس، ترجمه جدید انگلیسی	NET
قاموس جدید بین‌المللی الهیات و تاویل عهد عتیق، ۵ جلدی، ویرایش ویلم آ. ون گمرن	NIDOTTE
کتاب مقدس تجدید نظر شده جدید استاندارد	NRSV
ترجمه جدید بین‌المللی	NIV
کتاب مقدس جدید اورشلیم	NJB
راهنمای تجزیه و تحلیل دستوری جملات عهد عتیق، اثر: تاد س. بیل، ویلیام آ. بنکس و کالین اسمیت	OTPG
کتاب مقدس تجدید نظر شده	REB
ترجمه تجدید نظر شده استاندارد	RSV
ترجمه هفتاد (یونانی - انگلیسی) نویسنده: زاندرن، ۱۹۷۰	SEPT
، توسط اتحادیه انجمن‌های کتاب مقدس Today's English Version	TEV
ترجمه تحت‌اللفظی کتاب مقدس، نوشته رابرت یانگ	YLT
فرهنگنامه مصور کتاب مقدس زاندرن، ۵ جلد، ویرایش مریل س. تینی	ZPBE
نسخه جدید شاه جیمز	NKJV
انجمن متحد کتاب مقدس	UBS

مقدمه ای بر کولسیان

کلام آغازین

- A. خدا را به خاطر مرتدهای کولسی شکر کنید، به خاطر آنها پولس این نامه قوی را نوشت. به خاطر داشته باشید که برای درک کتاب، ما باید آن را با شرایط تاریخی مرتبط سازیم. نامه‌های پولس "اسناد مناسبی" نامیده می‌شوند زیرا در آنها او مشکلات محلی را بر اساس حقایق انجیلی مورد خطاب قرار می‌دهد. ارتداد در کولسی یک ترکیب غیر معمول از فلسفه یونانی (عرفان) و یهودیت است.
- B. سروری کیهانی عیسی (یا به بیان دیگر، عیسی به عنوان خالق، رهایی بخش، و سرور همه مخلوقات و مفهوم زندگی مسیحی) موضوع محوری است (مراجعه شود به کولسیان ۱: ۱۵ الی ۱۷). مسیح شناسی این کتاب بی نظیر است! کولسیان چهار چوب اولیه افسسیان را شکل می‌دهد. پولس می‌دانست که ارتداد در آسیای صغیر پخش می‌شود. کولسیان به تعالیم دروغین حمله می‌کند در حالی که افسسیان موضوعات محوری خود را بسط داده تا سایر کلیساها را برای ارتداد پیش رو آماده سازد. تاکید کولسیان مسیح شناسی است در حالیکه افسسیان وحدت همه چیز در مسیح است که سرور همه چیز است.
- C. پولس قانونگرایی، هم یهودی و هم یونانی را با اصطلاحاتی بسیار قوی رد می‌کند (مراجعه شود به کولسیان ۲: ۶ الی ۲۳). با در نظر گرفتن این نامه به عنوان یک الگو، شخص حیرت می‌کند که چگونه ارتداد عصر مدرن امروزی را مورد خطاب قرار می‌داد. یقیناً با آنها درگیر می‌شد.

شهر

- A. اساساً شهر کولوسا بخشی از پادشاهی پرگاموم در فیریگی بود. در سال ۱۳۳ قبل از میلاد به سنای روم داده شد.
- B. کولسی یک مرکز تجاری بزرگ قبل از روزگار پولس بود (مراجعه شود به Heroditus' Histories VII:30 و Xenophon Anabasis ۱: ۲: ۶).
۱. دره‌ای که کولسی در آن واقع شده بود تولید کننده پیشتاز پشم در دنیای مدیترانه باستان بود، به خصوص پشم سیاه، پشم رنگ شده و ارغوانی و سرخ. خاک آتشفشانی علفزارهای بزرگی را به وجود آوردند و آب گچی به روند رنگرزی کمک می‌کرد (Strabo، ۱۳: ۴: ۱۴).
۲. فعالیت‌های آتشفشانی (Strabo، ۱۲: ۸: ۶) در طول تاریخ باعث شدند که چندین مرتبه شهر نابود گردد، آخرین مرتبه آن سال ۶۰ میلادی (تاسیتوس) یا ۶۴ میلادی (ایزوبیوس) بود.
- C. کولسی در کناره رودخانه لیکوس، که بخشی از رودخانه مایاندر است و از افسس آغاز می‌شود و ۱۰۰ مایل طول دارد. در این دره چندین شهر کوچک که کلیساهای اپافارس از آنجا آغاز شدند: هیراپولیس (۶ مایل دورتر)، لائودیکیه (در ۱۰ مایلی آن، مراجعه شود به کولسیان ۱: ۲، ۲: ۱، ۴: ۱۳ و ۱۵ الی ۱۶) و کولسی.
- D. پس از اینکه رومیان بزرگراه اصلی شرق به غرب خود را ساختند، از طریق ایگناتیا، که از کولسی عبور می‌کرد، تدریجاً اهمیت خود را از دست داد و تحلیل رفت (Strabo). این مشابه اتفاقی بود که برای پترا در بخش اردن فلسطین رخ داد.
- E. جمعیت شهر عمدتاً از غیر یهودیان تشکیل می‌شد (فیریگیانها و یونانیان)، ولی همچنین تعداد زیادی یهودی نیز در شهر ساکن بودند. جوزفوس به ما می‌گوید که آنتیوخوس سوم (بین سالهای ۲۲۳ الی ۱۸۷ قبل از میلاد)، ۲۰۰۰ یهودی را از بابل به کولسی منتقل کرد. سوابق نشان می‌دهند که تا سال ۷۶ میلادی، ۱۱۰۰۰ یهودی مرد در منطقه ای که کولسی پایتخت آن بود، زندگی می‌کردند.

نگارنده

- A. دو فرستنده وجود دارند، پولس و تیموتائوس (مراجعه شود به کولسیان ۱: ۱). با این حال، نگارنده اصلی پولس است، تیموتائوس به عنوان همکار پولس و احتمالاً کاتب (amanuensis) وی، سلام و خوشامدگویی اولیه را از طرف خود اضافه می‌کند.
- B. ادبیات باستان متفقاً قبول دارد که پولس رسول نگارنده است.
۱. مارسیون (که در سال ۱۴۰ میلادی به رم آمد)، یک مرتد ضد عهد عتیق، این را در فهرست نوشته‌های پولس اضافه کرده است.
۲. در فهرست نوشته‌های مقدس Muratorian Canon (فهرست کتب و نوشته‌های مقدس از روم حدود سالهای ۱۸۰ الی ۲۰۰ میلادی) همراه با نامه‌های پولس فهرست شده است
۳. بسیاری از پدران کلیساهای اولیه از آن نقل قول کرده و پولس را به عنوان نگارنده اعلام کردند
- a. ایرنئوس (بین سالهای ۱۷۷ الی ۱۹۰ میلادی نوشته است)
- b. کلمنت اسکندریه (بین سالهای ۱۶۰ الی ۲۱۶ میلادی زندگی می‌کرد)

ارتباط ادبی میان کولسیان و افسسیان

- A. ارتباط تاریخی میان این دو نامه‌های زندان در پی مسائل زیر می‌باشند

۱. اپافارس (مراجعه شود به کولسیان ۱: ۷، ۴: ۱۲، فیلمون ۱: ۲۳) در طول دوره بشارت پولس در افسس ایمان آورد (مراجعه شود به اعمال رسولان ۱۹).

a. اپافارس ایمان تازه یافته اش را با خود به زادگاهش، دره رودخانه لیکوس، برد (مراجعه شود به کولسیان ۴: ۱۲).

b. اپافارس سه کلیسا را بنا نهاد: هیراپولیس، لائودیکیه (مراجعه شود به کولسیان ۴: ۱۳) و کولسی.

c. اپافارس از پولس تقاضای نصیحت کرد که چگونه با این ادغام شدن مسیحیت، یهودیسم و تفکر یونانی، که مردها تعلیم می دادند، مبارزه کند. آن زمان پولس در زندان (مراجعه شود به کولسیان ۴: ۳ و ۱۸) رم (اوایل دهه ۶۰ میلادی) بود.

۲. معلمین دروغین از منافیزیک یونانی حمایت می کردند

a. روح و جسم با هم ابدی هستند

b. روح (خدا) نیک است

c. ماده (مخلوق) پلید است

d. یک مجموعه از *eon*ها (سطوح فرشتگان)، به خصوص در نوشته‌های والنتینی‌ها، میان خدای والای خوب و خدای کمتر والا که جسم را ساخت وجود دارد

e. رستگاری بر اساس دانش اسرار و رموز است که به مردم کمک می کند در میان سطوح مختلف فرشتگان (ائون‌ها) پیشرفت کنند تا به خدای والای خوب برسند

B. رابطه ادبی میان دو نامه پولس

۱. پولس در مورد ارتداد در این کلیساها که وی شخصا هرگز از آنها بازدید نکرده بود، شنید (مراجعه شود به کولسیان ۱: ۷ الی ۸)

۲. پولس یک نامه دستنویس کوتاه، با عبارات احساسی خطاب به معلمین دروغین نوشت. موضوع مرکزی رهبری کیهانی عیسی بود. این به عنوان نامه پولس به کولسیان شناخته می شود

۳. ظاهراً، مدت کوتاهی پس از نگارش کولسیان، با زمانی که در زندان در اختیار داشت، او موضوعی را در نامه‌ای بسط داد که آن را با نام افسسیان می‌شناسیم. او میدانست که این تلاش برای ادغام تفکر یونانی و انجیلی با هدف مرتبط ساختن مسیحیت با فرهنگ یونانی در سراسر کلیساهای آسیای صغیر منتشر خواهد شد. افسسیان با جملات و عبارات طولانی و بسط مفاهیم الهیاتی مشخص می‌گردد (مراجعه شود به کولسیان ۱: ۳ الی ۱۴ و ۱۵ الی ۲۳، ۲: ۱ الی ۱۰ و ۱۴ الی ۱۸ و ۱۹ الی ۲۲، ۳: ۱ الی ۱۲ و ۱۴ الی ۱۹، ۴: ۱ الی ۱۶، ۶: ۱۳ الی ۲۰). کولسیان را به عنوان نقطه آغازین گرفته و سپس توجه را به سوی دلالت‌های الهیاتی منعطف می‌کند. موضوع مرکزی آن وحدت همه چیز در مسیح است، که در تضاد با ائون‌های (سطوح مختلف فرشتگان) عرفان است.

C. رابطه ساختار ادبی و الهیاتی

۱. ساختار پایه

a. آغاز کلام کاملاً مشابهی دارند

b. هر کدام یک بخش دکتین دارند که اساساً به مسیح می‌پردازد

c. هر کدام یک بخش عملی دارند که بر شیوه زندگی مسیحی با همان طبقه بندیها، اصطلاحات و عبارات تاکید دارد

d. آیات اختتامیه آنها دقیقاً عین هم هستند. در زبان یونانی آنها دارای ۲۹ کلمه متوالی می‌باشند، کولسیان فقط دو کلمه اضافی دارد ("و بردگان هم پیمان"). افسسیان ۶: ۲۱ الی ۲۲ را با کولسیان ۴: ۷ الی ۹ مقایسه کنید.

۲. دقیقاً همان کلمات یا عبارات کوتاه

افسیان ۱: ۱ ا و کولسیان ۱: ۲ الف

افسیان ۱: ۴ و کولسیان ۱: ۲۲

افسیان ۱: ۷ و کولسیان ۱: ۱۴

افسیان ۱: ۱۰ و کولسیان ۱: ۲۰

افسیان ۱: ۱۵ و کولسیان ۱: ۳ الی ۴

افسیان ۱: ۱۸ و کولسیان ۱: ۲۷

افسیان ۱: ۲۷ و کولسیان ۱: ۱۸

افسیان ۱: ۲ و کولسیان ۱: ۱۳

"مصالحه... صلیب"	افسیان ۲: ۱۶ و کولسیان ۱: ۲۰
"نظارت"	افسیان ۳: ۲ و کولسیان ۱: ۲۵
"راز"	افسیان ۳: ۳ و کولسیان ۱: ۲۶ و ۲۷
"وحدت"	افسیان ۴: ۳ و کولسیان ۳: ۱۴
"رئیس" و "رشد"	افسیان ۴: ۱۵ و کولسیان ۲: ۱۹
"پوشیدن"	افسیان ۴: ۲۴ و کولسیان ۳: ۱۰ و ۱۲ و ۱۴
"عصبانیت"، "خشم"	
"افترا/تهمت"	افسیان ۴: ۳۱ و کولسیان ۳: ۸
"بی اخلاقی"، "ناپاکی"، "طمع"	افسیان ۵: ۳ و کولسیان ۳: ۵
"زنا" (گناه)	افسیان ۵: ۵ و کولسیان ۳: ۵
"خشم خدا"	افسیان ۵: ۶ و کولسیان ۳: ۶
"حداکثر بهره را از زمان بردن"	افسیان ۵: ۱۶ و کولسیان ۴: ۵

۳. عبارات و جملات دقیقاً یکسان

افسیان ۱: ۱ الف و کولسیان ۱: الف
افسیان ۱: ۱ ب و کولسیان ۱: ۲ الف
افسیان ۱: ۲ الف و کولسیان ۱: ۲ ب
افسیان ۱: ۱۳ و کولسیان ۱: ۵
افسیان ۲: ۱ و کولسیان ۲: ۱۳
افسیان ۲: ۵ ب و کولسیان ۲: ۱۳ ث
افسیان ۴: ۱ ب و کولسیان ۱: ۱۰ الف
افسیان ۶: ۲۱ و ۲۲ و کولسیان ۴: ۷ الی ۹ (۲۹ کلمه متوالی به استثنای "kai syndoulos" در کولسیان)

۴. عبارات و جملات مشابه

افسیان ۱: ۲۱ و کولسیان ۱: ۱۶
افسیان ۲: ۱ و کولسیان ۱: ۱۳
افسیان ۲: ۱۶ و کولسیان ۱: ۲۰
افسیان ۳: ۷ الف و کولسیان ۱: ۲۳ د و ۲۵ الف
افسیان ۳: ۸ و کولسیان ۱: ۲۷
افسیان ۴: ۲ و کولسیان ۳: ۱۲
افسیان ۴: ۲۹ و کولسیان ۳: ۸ و ۴: ۶
افسیان ۵: ۱۵ و کولسیان ۴: ۵
افسیان ۵: ۱۹ و ۲۰ و کولسیان ۳: ۱۶

۵. مفاهیم مترادف از نظر الهیاتی

افسیان ۱: ۳ و کولسیان ۱: ۳
افسیان ۲: ۱ و ۱۲ و کولسیان ۱: ۲۱
افسیان ۲: ۱۵ و کولسیان ۲: ۱۴
افسیان ۴: ۱ و کولسیان ۱: ۱۰
افسیان ۴: ۱۵ و کولسیان ۲: ۱۹
افسیان ۴: ۱۹ و کولسیان ۳: ۵
افسیان ۴: ۲۲ و ۳۱ و کولسیان ۳: ۸
افسیان ۴: ۳۲ و کولسیان ۳: ۱۲ الی ۱۳
افسیان ۵: ۴ و کولسیان ۳: ۸

دعای شکرگزاری

قدم زدن ارزشمند

بدن عیسی از سر شروع به بالغ شدن کرد

ناپاکی جنسی

کنار گذاشتن گناهان

مسیحیان نسبت به یکدیگر مهربان باشند

کلام مسیحی	افسیان ۵: ۱۸ و کولسیان ۳: ۱۶
لبریز از روح القدس = کلام مسیح	
خدا به خاطر همه چیز شکر	افسیان ۵: ۲۰ و کولسیان ۳: ۱۷
زنان باید مطیع شوهرانشان باشند	
شوهران، زنان خود را دوست بدارید	افسیان ۵: ۲۲ و کولسیان ۳: ۱۸
فرزندان، از والدین خود اطاعت کنید	
اربابان و بردگان	افسیان ۵: ۲۵ و کولسیان ۳: ۱۹
درخواست پولس برای دعا	افسیان ۶: ۱ و کولسیان ۳: ۲۰
	افسیان ۶: ۴ و کولسیان ۳: ۲۱
	افسیان ۶: ۵ و کولسیان ۳: ۲۲
	افسیان ۶: ۹ و کولسیان ۴: ۱
	افسیان ۶: ۱۸ و کولسیان ۴: ۲ الی ۴

۶. اصطلاحات و عباراتی که هم در کولسیان و هم هم در افسسیان استفاده شده اند و در دیگر نوشته های پولس یافت نمیشوند
a. "پر بودن" (یک اصطلاح عرفانی برای سطوح فرشتگان)

"پُری او که همه را در همه پر می سازد"	افسیان ۱: ۲۳
"تا از همه کمالات خدا آکنده شوید"	افسیان ۳: ۱۹
"به بلندای کامل قامت مسیح برسیم"	افسیان ۴: ۱۳
"با همه کمال خود در او ساکن شود"	کولسیان ۱: ۱۹
"زیرا الوهیت با همه کمالش به صورت جسمانی در مسیح ساکن است"	کولسیان ۲: ۹

b. مسیح به عنوان "سر" کلیسا

افسیان ۴: ۱۵، ۵: ۲۳ و کولسیان ۱: ۱۸، ۲: ۱۹

c. "بیگانه"

افسیان ۲: ۱۲، ۴: ۱۸ و کولسیان ۱: ۲۱

d. "فرصت‌ها را غنیمت شمردن"

افسیان ۵: ۱۶ و کولسیان ۴: ۵

e. "ریشه کردن"

افسیان ۳: ۱۷ و کولسیان ۱: ۵

f. "انجیل، کلام حقیقت"

افسیان ۱: ۱۳ و کولسیان ۱: ۵

g. "تحمل کردن"

افسیان ۴: ۲ و کولسیان ۳: ۱۳

h. عبارات و اصطلاحات نامعمول ("با هم نگاهداشتن"، "عرضه کردن")

افسیان ۴: ۱۶ و کولسیان ۲: ۱۹

D. خلاصه

۱. بیش از یک سوم کلمات کولسیان در افسسیان هم تکرار شده اند. تخمین زده میشود که ۷۵ آیه از ۱۵۵ آیه در افسسیان دارای همسویی در کولسیان است. هر دو ادعای نوشته شدن توسط پولس در دوران زندانی بودن او را دارند.
۲. هر دو توسط دوست پولس تیچیکوس تحویل شدند.
۳. هر دو به یک منطقه (آسیای صغیر) فرستاده شدند.
۴. هر دو به یک مورد مسیح شناسی خاص مربوط هستند.
۵. هر دو بر این تاکید دارند که مسیح سر کلیسا است.
۶. هر دو شیوه زندگی مسیحانه را تشویق میکنند.

E. نکات عمده عدم تجانس

۱. همیشه در کولسیان کلیسا محلی است ولی در افسسیان کلی است. این میتواند به دلیل ماهیت تناوبی افسسیان باشد.
۲. ارتداد که یک مورد قطعی است کولسیان است، اصلا در افسسیان دیده نمیشود. با این وجود، هر دو نامه از اصطلاحات خاص عرفان استفاده میکنند (خرد، شناخت، پُری، اسرار، اصول و قدرت، نظارت)
۳. در کولسیان، آمدن دوم بلافاصله است ولی در افسسیان با تاخیر است. از کلیسا خواسته شده و میشود که به جهان گمراه خدمت کند (مراجعه شود به کولسیان ۲: ۷، ۳: ۲۱، ۴: ۱۳).
۴. چندین اصطلاح خاص پولسیبه شیوه های متفاوت استفاده شده اند. یک مثال اصطلاح "راز" است. در کولسیان راز، مسیح است (مراجعه شود به کولسیان ۱: ۲۶ الی ۲۷، ۲: ۲، ۴: ۳)، ولی در افسسیان (مراجعه شود به کولسیان ۱: ۹، ۵: ۳۲) برنامه خدا برای وحدت میان یهودیان و غیر یهودیان است که قبلا پنهان بود ولی اینک آشکار شده است.
۵. در افسسیان چندین اشاره به عهد عتیق به عمل آمده است (افسیان ۱: ۲۲ - مزامیر ۸، افسسیان ۲: ۱۷ - اشعیا ۵۷: ۱۹)، (افسیان ۲: ۲۰ - مزامیر ۱۱۸: ۲۲)، (افسیان ۴: ۸ - مزامیر ۶۸: ۱۸)، (افسیان ۴: ۲۶ - مزامیر ۴: ۴)، (افسیان ۵: ۱۵ - اشعیا ۲۶: ۱۹، ۵۱: ۱۷، ۵۲: ۱، ۶۰: ۱)، (افسیان ۵: ۳۱ - پیدایش ۲: ۲۴)، (افسیان ۶: ۲ الی ۳ - خروج ۲۰: ۱۲)، (افسیان ۶: ۱۴ - اشعیا ۱۱: ۵ و ۵۹: ۱۷)، (افسیان ۶: ۱۵ - اشعیا ۵۲: ۷) ولی فقط یک یا دو مورد در کولسیان دیده میشود، کولسیان ۲: ۳ - اشعیا ۱۱: ۲، و احتمالا کولسیان ۲: ۲۲ - اشعیا ۲۹: ۱۳.

F. هر چند کلمات، عبارات و اغلب ویژگیهای یکسانی دارند، این نامه ها دربر دارنده مفاهیم منحصر به فردی هستند.

۱. برکت تثلیث، افسسیان ۱: ۳ الی ۱۴
 ۲. عبارت فضل، افسسیان ۲: ۱ الی ۱۰
 ۳. ادغام یهودیان و غیر یهودیان در یک بدن جدید، ۲: ۱۱ الی ۳: ۱۳
 ۴. وحدت و نعمت بدن مسیح، افسسیان ۴: ۱ الی ۱۶
 ۵. "مسیح و کلیسا" به عنوان الگو برای "شوهر و زن"، افسسیان ۵: ۲۲ الی ۳۳
 ۶. نبرد روحانی، افسسیان ۶: ۱۰ الی ۱۸
 ۷. عبارات مسیح شناسی، کولسیان ۱: ۱۳ الی ۱۸
 ۸. قوانین و مراسم مذهبی، کولسیان ۲: ۱۶ الی ۲۳
 ۹. موضوع اهمیت کیهانی در مسیح در کولسیان در مقابل موضوع وحدت همه چیز در مسیح در افسسیان
- G. در نتیجه، به نظر بهتر این است که A. T. Robertson و F. F. Bruce را در نظر بگیریم که پولس هر دو نامه را نزدیک به یکدیگر نوشت و افکار کولسیان را با ارائه رساله ای از حقایق افسسیان، بسط داد.

تاریخ

- A. تاریخ کولسیان به یکی از دوره های زندانی بودن پولس مرتبط است (افسس، فیلیپی، سزاریه یا رم). دوران زندانی بودن در رم با حقایق کتاب اعمال رسولان مناسبتر است.
- B. هنگامی که رم به عنوان محل زندانی بودن در نظر گرفته شود، این سوال مطرح می شود که کدام دوران؟ اعمال رسولان چنین ثبت میکنند که پولس در اوایل دهه ۶۰ زندانی شده است. با این حال، او آزاد شد و نامه های مقدس (اول و دوم تیموتائوس و تیتوس) را نوشت و مجددا دستگیر و قبل از روز ۹ ژوئن سال ۶۸ (تاریخ خودکشی نرو)، شاید هم سال ۶۷ میلادی کشته شد.
- C. بهترین حدس زده شده برای نوشتن کولسیان (افسیان و فیلمون) اولین دوران زندانی بودن پولس در اوایل دهه ۶۰ است. (فیلیپیان آخرین نامه زندان بود، و احتمالا در اواسط دهه ۶۰ نوشته شده بود.)
- D. تیچیکوس همراه با اونسیموس احتمالا نامه های کولسیان، افسسیان و فیلمون را به آسیای صغیر برد. بعدا، احتمالا چند سال بعد، اپافرودیتوس، از بیماری جسمی بهبود یافت، نامه فیلیپیان را به کلیسای خانگی فرستاد.
- E. زمانبندی احتمالی نوشته های پولس بر اساس F. F. Bruce و Murry Harris با اندکی مطابقت دادن

کتاب	تاریخ	مکان نگارش	ارتباط با کتاب اعمال رسولان
۱ غلاطیان	۴۸	آنتیوخوس سوریه	اعمال رسولان ۱۴: ۲۸، ۱۵: ۲
۲ اول تسالونیکیان	۵۰	قرنتس	اعمال رسولان ۱۸: ۵
۳ دوم تسالونیکیان	۵۰	قرنتس	
۴ اول قرنتیان	۵۵	افسس	اعمال رسولان ۱۹: ۲۰

۵	دوم قرن تیان	۵۶	مقدونیه	اعمال رسولان ۲:۲۰
۶	رومیان	۵۷	قرنتس	اعمال رسولان ۳:۲۰
۱۰ الی ۱۷	نامه های زندان			
	کولسیان	اوایل ۶۰	رم	
	فیلمون	اوایل ۶۰	رم	
	افسیان	اوایل ۶۰	رم	
	فیلیپیان	اواخر ۶۲-۶۲	رم	اعمال رسولان ۲۸: ۳۰ الی ۳۱
۱۱ الی ۱۳	چهارمین سفر بشارتی		افسس (۴)	
	اول تیموتائوس	۶۳ یا دیرتر ولی قبل از سال ۶۸	مقدونیه	
	تیتوس	۶۳ یا دیرتر ولی قبل از سال ۶۸		
	دوم تیموتائوس	۶۴ یا دیرتر ولی قبل از سال ۶۸	رم	

مخاطبین و مناسبت

A. ظاهراً کلیسا توسط اپافراس (مراجعه شود به کولسیان ۱: ۷ و ۸، ۲: ۱، ۴: ۱۲-۱۳) آغاز شده است، که احتمالاً توسط پولس در افسس ایمان آورده بود (مراجعه شود به کولسیان ۱: ۷-۸ و مقایسه شود با کولسیان ۲: ۱). بیشتر آنها از غیر یهودیان تشکیل شده بودند (مراجعه شود به کولسیان ۱: ۲۱، ۳: ۷). اپافراس به دیدار پولس در زندان رفت تا مشکل با معلمان دروغین را مطرح کند که با ترکیب فلسفه یونانی با عرفان یونانی (کولسیان ۲: ۸) و قوانین یهودی (مراجعه شود به عناصر یهودی، ک. لسیان ۲: ۱۱ و ۱۶ و ۱۷، ۳: ۱۱، پرستش فرشتگان، کولسیان ۱: ۱۶؛ ۱: ۱۵؛ ۲: ۱۸ و ریاضت، کولسیان ۲: ۲۰-۲۳). جامعه یهودی بسیار بزرگی در کولسی وجود داشت که بسیار هلنیست بودند. ماهیت این مشکل حول شخص و کار مسیح قرار دارد. عرفا انکار می کردند که عیسی به طور کامل انسان است اما تأکید میکردند که او به دلیل دوگانگی غیرقابل اجتناب ابدی بین ماده و روح الهی، کاملاً الهی است. آنها الهی بودن او را تأیید می کنند، اما انسان بودنش را انکار می کنند. آنها همچنین برتری میانجیگرانه او را رد می کنند. برای آنها سطوح فرشته‌ای (aeons) بین خدای خوب و بشریت وجود دارد؛ عیسی، حتی به عنوان بالاترین، تنها یکی از خدایان بود. آنها همچنین تمایل این دارند که روشنفکران نخبه (مراجعه شود به کولسیان ۳: ۱۱، ۱۴، ۱۶، ۱۷) و دانش منحصر به فرد (مراجعه شود به کولسیان ۲: ۱۵، ۱۸، ۱۹) به عنوان مسیر به سوی خدا باشد تا عیسی و پاسخ همراه با ایمان و توبه به پیشنهاد بخشش.

B. به واسطه این جو الهیاتی و فلسفی، کتاب کولسیان بر این موارد تأکید دارد:

۱. منحصر به فرد بودن شخص مسیح و کار خاتمه یافته وی برای رستگاری
۲. مالکیت کیهانی، سلطنت و اهمیت عیسی ناصری - تولدش، تعالیمش، مرگش، قیامتش از مردگان و معراجش! او سرور همه است!

هدف

هدف پولس رد ارتداد کولسیان بود. برای تحقق این هدف، او مسیح را تحت این عناوین بالا برد

۱. تصویر خدای (کولسیان ۱: ۱۵) خالق (کولسیان ۱: ۱۶)
۲. پیش از خلقت وجود داشته است (کولسیان ۱: ۱۷)
۳. سر کلیسا (کولسیان ۱: ۱۸)
۴. نخستین کسی که از مردگان برخاست (کولسیان ۱: ۱۸)
۵. تماماً الهی در قالب یک بدن (کولسیان ۱: ۱۹، ۲: ۹)
۶. میانجی میان خدا و نوع بشر (کولسیان ۱: ۲۰ الی ۲۲)

بنابراین، مسیح کاملاً مناسب بود. پولس عنوان "مسیح" را ۲۵ مرتبه در این کتاب کوتاه تکرار میکند! به مومنین "پر بودن در مسیح" داده میشود (کولسیان ۲: ۱۰). ارتداد کولسیان از نظر الهیاتی کاملاً برای ارائه رستگاری روحانی و معنوی نامناسب بود. یک فلسفه توخالی و گمراه کننده (کولسیان ۲: ۸) بود که فاقد هرگونه توانایی در مهار کردن ماهیت گناه آلود گذشته بود (کولسیان ۲: ۲۳).

یک موضوع تکراری در کولسیان کاملاً مناسب بودن مسیح در مقابل پوچ بودن فلسفه محض انسانی است. این کفایت داشتن در سروری کیهانی عیسی بیان شده است. او مالک، خالق و حاکم بر همه چیز است، مرئی و نامرئی (مراجعه شود به کولسیان ۱: ۱۵ الی ۱۸).

رئوس مطالب

A. آغاز کلام مرسوم در نوشته های پولس

۱. شناسایی با فرستنده، کولسیان ۱: ۱
 ۲. شناسایی با گیرنده، کولسیان ۱: ۲الف
 ۳. سلام، کولسیان ۱: ۲ب
- B.** برتری مسیح (موضوعات ۱ الی ۱۰ برگرفته از پاراگراف رئوس مطالب NKJV است)
۱. ایمان به مسیح، کولسیان ۱: ۳ الی ۸
 ۲. برتری مسیح، کولسیان ۱: ۹ الی ۱۸
 ۳. آشتی با مسیح، کولسیان ۱: ۱۹ الی ۲۳
 ۴. خدمت فداکارانه برای مسیح، کولسیان ۱: ۲۴ الی ۲۹
 ۵. فلسفه نه، بلکه مسیح، کولسیان ۲: ۱ الی ۱۰
 ۶. قانونگرایی نه، بلکه مسیح، کولسیان ۲: ۱۱ الی ۲۳
 ۷. شهوت نه، بلکه مسیح، کولسیان ۳: ۱ الی ۱۱
 ۸. در بر گرفتن مسیح، کولسیان ۳: ۱۲ الی ۱۷
 ۹. بگذارید مسیح بر خانه شما تاثیر گذارد، ۳: ۱۹ الی ۴: ۱
 ۱۰. بگذارید مسیح بر زندگی روزمره شما تاثیر گذارد، کولسیان ۴: ۲ الی ۶
- C.** پیام رسانان پولس، کولسیان ۴: ۷ الی ۹
- D.** دوستان پولس درود میفرستند، کولسیان ۴: ۱۰ الی ۱۴
- E.** پولس درود میفرستد، کولسیان ۴: ۱۵ الی ۱۷
- F.** متن پایانی به خط خود پولس، کولسیان ۴: ۱۸

عرفان

- A.** بیشتر آگاهی ما از این ارتداد از نوشته‌های عرفانی قرن دوم هستند. با این وجود، ایده‌های اولیه در قرن نخست وجود داشتند (کنیبه بحر المیت).
- B.** مشکل کولسی‌ها بایرید بودن مسیحیت، عرفان بدوی و قانونگرایی یهود بود.
- C.** برخی اصول عرفان والنتنینی و سرینتنینی قرن دوم
۱. ماده و روح هم ابدی بودند (دوگانگی هستی شناختی). ماده بد است، روح خوب است. خداوند، روح است، نمی تواند مستقیما با ماده شرور در یک قالب قرار گیرد
 ۲. تجلی (اثون یا سطوح مختلف میان فرشتگان) بین خدا و ماده وجود دارد. آخرین یا کمترین آن یهوه عهد عتیق است که جهان (*kosmos*) را تشکیل داد
 ۳. عیسی مانند یهوه بود اما در مقیاسی بالاتر، نزدیک به خدای راستین. بعضی او را به عنوان بالاترین، اما هنوز پائینتر از خدا می دانند و قطعا خدای یکتایی ندارد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱: ۱۴). از آنجا که ماده بد است، عیسی نمی تواند بدن انسانی داشته باشد و با اینحال الهی هم باشد. او به شکل انسان ظاهر شد، اما در واقع روح بود (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱: ۱-۳؛ ۴: ۱-۶).
 ۴. رستگاری از طریق ایمان به عیسی به اضافه دانش خاصی که تنها افراد خاصی از گروه از آن آگاهی دارند، حاصل میشود. شناخت (کلمه عبور) برای عبور از حوزه‌های آسمانی مورد نیاز بود. قانونگرایی یهود نیز برای رسیدن به خدا ضروری بود.
- D.** معلمین دروغین عرفان دو سیستم اخلاقی متضاد را حمایت میکردند
۱. برای برخی، شیوه زندگی اصلا با رستگاری ارتباطی ندارد. برای آنها، رستگاری و معنویت به دانش مخفی (کلمه عبور) از طریق حوزه‌های فرشتگان (aeons) محصور شده است.
 ۲. برای دیگران، شیوه زندگی برای رستگاری بسیار مهم بود. در این کتاب، آموزگاران دروغین، شیوه زندگیشان را به عنوان شواهدی از معنویت واقعی تأکید کردند (مراجعه شود به کولسیان ۲: ۱۶-۲۳).
- E.** برخی منابع مفید

The Gnostic Religion by Hans Jonas, published by Beacon Press

The Gnostic Scriptures by Bentley Layton, Anchor Bible Reference Library

The Dictionary of New Testament Background, IVP, "Gnosticism" pp. 414-417

خواندن حلقه اول

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید. کل کتاب مقدس را در یک نشست بخوانید. مرکزیت موضوع کل کتاب را در قالب کلمات خود بیان کنید.

۱. موضوع کل کتاب.

۲. نوع ادبیات

خواندن حلقه دوم

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور ما باید راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید. کل کتاب مقدس را در یک نشست بخوانید. موضوعات اصلی را مشخص کرده و سپس در یک جملع مبحث را بیان کنید.

۱. موضوع واحد ادبی اول

۲. موضوع واحد ادبی دوم

۳. موضوع واحد ادبی سوم

۴. موضوع واحد ادبی چهارم

۵. و غیره

کولسیان ۱

پاراگراف‌های ترجمه‌های مدرن *

UBS ⁴	NKJV	NRSV	TEV	NJB
تهنیت ۱:۱ الی ۲	درد ۱:۱	تهنیت ۱:۱	تهنیت ۱:۱	خطاب ۱:۱ الی ۲
	۲:۱ الف	۲:۱ الف	۲:۱ الف	
	۲:۱ ب	۲:۱ ب	۲:۱ ب	
پولس از خدا برای کولسیان تشکر میکند	ایمان آنان به مسیح	شکرگزاری و شفاعت	دعای شکرگزاری	دعا و شکرگزاری
۳:۱ الی ۸	۳:۱ الی ۸	۳:۱ الی ۸	۳:۱ الی ۸	۳:۱ الی ۸
شخص و کار مسیح	برتری مسیح			
۹:۱ الی ۲۰	۹:۱ الی ۱۸	۹:۱ الی ۱۴	۹:۱ الی ۱۴	۹:۱ الی ۱۲ ۱۳:۱ الی ۱۴
		ارجحیت مسیح	شخص و کار مسیح	مسیح در راس تمامی خلقت است
	مصالحه از طریق مسیح ۱۹:۱ الی ۲۳	۱۵:۱ الی ۲۰	۱۵:۱ الی ۲۰	۱۵:۱ الی ۲۰ کولسیان سهم خود را در رستگاری دارند
۲۱:۱ الی ۲۳		۲۱:۱ الی ۲۳	۲۱:۱ الی ۲۳	۲۱:۱ الی ۲۳
بشارت پولس به کلیسا	خدمت فداکارانه به خاطر مسیح	علاقه پولس به کولسیان	کار پولس به عنوان کلیسا	کارهای پولس در خدمت غیر یهودیان
		(۲:۲ الی ۷)	(۲:۲ الی ۵)	
۲۴:۱ الی ۵:۲	۲۴:۱ الی ۲۹	۲۴:۱ الی ۵:۲	۲۴:۱ الی ۳:۲	۲۴:۱ الی ۲۹

* تقسیم‌بندی پاراگرافها، تحت تاثیر الهام صورت نگرفته، بلکه کلید درک مطلب و دنبال کردن عزم اولیه نویسنده می‌باشند. هر ترجمه جدید، پاراگرافها را تقسیم و خلاصه کرده است. هر پاراگراف شامل یک موضوع مرکزی، حقیقت یا تفکری است. هر نسخه این موضوع را به شیوه‌ای متمایز به کار می‌گیرد. همانطور که متن را می‌خوانید، از خودتان سوال کنید که کدام ترجمه متناسب با درک شما از موضوع و تقسیم بندی آیه است.

در هر فصل ما ابتدا باید کتاب مقدس را بخوانیم و سعی کنیم موضوعات آن (پاراگرافها) را شناسایی کنیم، سپس درک خود با نسخه‌های جدید را مقایسه کنیم. تنها وقتی می‌توانیم هدف اصلی نویسندگان را دریابیم که با پیروی از منطق و نحوه ارائه آن، بتوانیم واقعا کتاب مقدس را درک کنیم. فقط نویسنده اصلی الهام گرفته است - خوانندگان حق ندارند پیام را تغییر داده یا اصلاح کنند. خوانندگان کتاب مقدس مسئولیت اعمال حقیقت الهام گرفته را روزانه و در طول زندگی دارند.

توجه داشته باشید که تمام اصطلاحات فنی و اختصارات به طور کامل در اسناد زیر توضیح داده شده است: انتقادات متنی و واژه‌نامه.

مطالعه حلقه سوم (رجوع کنید به "سمینار تفسیر کتاب مقدس")

به دنبال نیت اصلی نویسنده در سطوح پاراگراف

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور خود راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید.

کل کتاب مقدس را در یک نشست بخوانید. موضوعات را مشخص نمایید (مطالعه حلقه شماره ۳). تقسیمات موضوعی خود را با پنج ترجمه بالا مقایسه کنید. پاراگراف بندی به نویسنده الهام نشده است، اما کلید پیگیری اهداف اصلی نویسنده است که قلب تفسیر است. هر پاراگراف تنها و تنها یک موضوع دارد.

۱. پاراگراف اول
۲. پاراگراف دوم
۳. پاراگراف سوم و غیره
۴. و غیره

مطالعه عبارت و کلام

NASB (به روز شده): کولسیان ۱:۱ الی ۲

از پولس که به خواست خدا، رسول مسیح عیسی است، و از برادرمان، تیموتائوس،^۲ به مقدسین و برادران وفادار در مسیح که در شهر کولسی هستند: فیض و سلامتی از سوی خدا، پدر ما، بر شما باد.

۱:۱ "پولس" نخستین بار پولس در اعمال رسولان ۱۳: ۹ شائول از تارسوس صدا زده می‌شود. این احتمال هست که اکثر یهودیان دیاسپورا (یهودیانی که خارج از فلسطین زندگی می‌کنند) یک نام یهودی و یک نام یونانی داشتند. اگر چنین باشد، پس والدین شائول او را به این اسم صدا می‌زدند، پس پولس ناگهان در اعمال رسولان ۱۳ ظاهر میشود؟ احتمالاً:

۱. دیگران شروع کردند او را به این اسم صدا زدن
 ۲. او خود شروع کرد به خطاب کردن خودش با عناوینی چون "کوچک" یا "حقیر"
- نام یونانی پائولوس یعنی "کوچک". چندین نظریه در مورد منشا نام یونانی وی وجود دارند.
۱. روایت قرن دوم میگوید که پولس کوتاه، چاق، کچل بود، پاهای خمیده و ابروان پرپشت داشت و چشمانش زاق بودند و احتمالاً منشا این اسم بودند که از یک کتاب غیر مقدس از تسالونیکیا به نام *Paul and Thekla* گرفته شده.
 ۲. عبارتهایی که پولس خود را "حقیر قدیسان" مینامد زیرا کلیسا را مورد آزار و اذیت قرار داده بود، مثلاً اعمال رسولان ۹: ۱ الی ۲ (مراجعه شود به اول قرنتیان ۱۵: ۹، افسسیان ۳: ۸، اول تیموتائوس ۱: ۱۵)

برخی این "کوچگی" را به صورت عنوانی میبینند که خودش برای خود انتخاب کرده بود. با این حال، در کتابی مانند غلاطیان، که او بر استقلال خود تاکید و خود را برابر با دیگر دوازده رسول اورشلیم میدانند، کمی با هم جور نیستند (مراجعه شود به دوم قرنتیان ۱۱: ۵، ۱۲: ۱۱، ۱۵: ۱۰).

■ "یک رسول" این از اصطلاح یونانی "فرستادن" (*apostellō*) می‌آید. عیسی دوازده نفر در مفهومی خاص را انتخاب کرد و آنان را "رسول" (مراجعه شود به انجیل لوقا ۶: ۱۳) نامید. این اصطلاح اغلب توسط عیسی برای موقعی که میگفت توسط پدر فرستاده شده، استفاده میشد (مراجعه شود به انجیل متی ۱۰: ۱۰، ۱۵: ۴۰، ۲۴: ۱۵، انجیل مرقس ۹: ۳۷، انجیل لوقا ۹: ۴۸، انجیل یوحنا ۴: ۳۴، ۵: ۲۴ و ۳۰ و ۳۶ و ۳۷ و ۳۸، ۶: ۲۹ و ۳۸ و ۳۹ و ۴۰ و ۵۷، ۷: ۲۹، ۸: ۴۲، ۱۰: ۳۶، ۱۱: ۴۲، ۱۷: ۳ و ۸ و ۱۸ و ۲۱ و ۲۳ و ۲۵، ۲۰: ۲۱). در منابع یهودی، یک رسول کسی بود که به عنوان نماینده رسمی شخص دیگری عمل میکرد، مشابه "سفیر" (مراجعه شود به دوم قرنتیان ۵: ۲۰).

موضوع خاص: فرستادن (*apostellō*)

(Special Topic: Send (*apostellō*), From Which Comes "Apostle")

این یک اصطلاح متداول یونانی برای فرستادن است (یعنی *apostellō*) که چندین کاربرد الهیاتی دارد:

۱. در یونانی کلاسیک و در میان روحانیون به مفهوم فراخواندن و فرستادن یک نماینده رسمی از طرف شخص دیگری است، همانند سفیر در انگلیسی (*ambassador*) (مراجعه شود به دوم قرنتیان ۵: ۲۰)
 ۲. اناجیل معمولاً از این فعل در مورد عیسی استفاده می‌کنند که از سوی پدر فرستاده شده است. در انجیل یوحنا این اصطلاح مفهوم مسیحانه‌ای دارد (مراجعه شود به انجیل متی ۱۰: ۴۰، ۱۵: ۲۴، انجیل مرقس ۳: ۳۷، انجیل لوقا ۹: ۴۸ و بخصوص انجیل یوحنا ۳: ۳۶ و ۵: ۳۸، ۶: ۲۹ و ۷: ۲۹، ۸: ۴۲، ۱۰: ۳۶، ۱۱: ۴۲، ۱۷: ۳ و ۸ و ۱۸ و ۲۱ و ۲۳ و ۲۵، ۲۰: ۲۱ - هم مترادف آن *pempō* در آیه ۲۱ استفاده شده‌اند). در مورد عیسی که مومنین را می‌فرستند، استفاده شده است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۸: ۱۷، ۲۱: ۲۰ - هم اصطلاح *apostle* و هم مترادف آن *pempō* در آیه ۲۱: ۲۰ استفاده شده‌اند).
 ۳. در عهد جدید حالت اسم *apostle* برای شاگردان استفاده شده است
- a. دوازده شاگرد حلقه داخلی شاگردان (انجیل مرقس ۳: ۳۰، انجیل لوقا ۱۳: ۶، اعمال رسولان ۱: ۲ و ۲۶)

b. گروه خاص شاگردان کمک کننده و همکارانشان

(۱) بارناباس (اعمال رسولان ۴: ۱۴ و ۱۴)

(۲) اندرونیکوس و جانیکوس (KJV, Junia, مراجعه شود به رومیان ۷: ۱۶)

(۳) آپولس (اول قرنتیان ۴: ۶ الی ۹)

(۴) یعقوب برادر خداوند (مراجعه شود به غلاطیان ۱: ۱۹)

(۵) سیلوانوس و تیموتی (اول تسالونیکیان ۲: ۶)

(۶) احتمالا تیتوس (دوم قرنتیان ۸: ۲۳)

(۷) احتمالا اپافرودیتوس (فیلیپیان ۲: ۲۵)

c. هدیه‌ای به کلیسا (اول قرنتیان ۱۲: ۲۸ الی ۲۹، افسسیان ۴: ۱۱)

۴. پولس از این عنوان برای خودش برای تصریح اقتدارش به عنوان نماینده مسیح در اکثر نامه‌هایش استفاده می‌کند (مراجعه شود به رومیان ۱: ۱، اول قرنتیان ۱: ۱، دوم قرنتیان ۱: ۱، غلاطیان ۱: ۱، افسسیان ۱: ۱، کولسیان ۱: ۱، اول تیموتائوس ۱: ۱، دوم تیموتائوس ۱: ۱، تیتوس ۱: ۱)

۵. مسئله‌ای که ما به عنوان مومنین مدرن با آن مواجه هستیم این است که عهد جدید هرگز مشخص نکرده است که این هدیه‌ای که از آن صحبت می‌کند چیست یا شامل چیست و چگونه مومن می‌تواند آن را شناسایی کند. بدیهی است فرد باید میان دوازده شاگرد اصلی (۳ الف) و کاربرد بعدی (۳ ب) بتواند تمایز قائل شود. اگر فرستادگان مدرن تحت الهام نباشند که کتب جدیدی بنویسند (مراجعه شود به یهودا آیه ۳) پس آنها چه کاری می‌کنند که متفاوت با پیامبران عهد جدید و یا مبشرین است (مراجعه شود به افسسیان ۴: ۱۱)؟ اینها احتمالات من هستند

a. آغازگران کلیسای بشارتی در مناطقی که بشارت انجام نشده

b. رهبران شبانها در مناطق خاص

c. ؟

من شماره ۱ را ترجیح می‌دهم

■ "مسیح" کرایست معادل یونانی نام عبری "مسیح" است که به معنی "تطهیر شده" میباشد. دلالت بر کسی دارد که توسط خدا فرا خوانده شده و تجهیز گشته تا وظیفه خاصی را به انجام رساند. در عهد عتیق سه گروه از رهبران: کشیشان، پادشاهان و انبیا تطهیر شده اند. عیسی هر سه این مقامها را تحقق بخشید (مراجعه شود به عبرانیان ۱: ۲ الی ۳).

موضوع خاص: مسیح (از دانیال ۹: ۲۶)

(Special Topic: Messiah (From Dan. 9:26))

دشواری ترجمه این است که استفاده‌های متفاوتی است از کلمه "مسیح" یا "آن تدهین شده" (BDB 603, KB 645) وجود دارد. از این اصطلاح برای روغن مالی مخصوص بر روی یک فرد که مشخص کند فردی توسط خدا فراخوانده شده و تجهیز گشته تا وظیفه رهبری خاصی را به انجام برساند استفاده شده است.

۱. در مورد پادشاهان یهود استفاده شده (برای نمونه، اول سموئیل ۲: ۱۰، ۳: ۱۲، ۶: ۲۴ و ۱۰، دوم سموئیل ۱۹: ۲۱، ۲۳: ۱، مزمور ۸۹: ۵۱).

۱۰: ۱۳۲ و ۱۷، مراثی ارمیا ۴: ۲۰، حبقوق ۳: ۱۳، "شاهزاده تدهین شده" در دانیال ۹: ۲۵)

۲. در مورد کشیشهای یهود استفاده شده (برای نمونه "کشیشهای تدهین شده، کتاب خروج ۲۹: ۷، لاویان ۴: ۳ و ۵ و ۱۶، ۶: ۱۵، ۷: ۳۶، ۸: ۱۲، احتمالا مزمور ۹: ۸۴ الی ۱۰، و ۱۳۳)

۳. در مورد ریش سفیدان قوم و پیامبران استفاده شده (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۲۶: ۷، اول تواریخ ۱۶: ۲۲، مزمور ۱۰۵: ۱۵، که اشاره به پیمان مشارکت مردم دارد، احتمالا حبقوق ۳: ۱۳)

۴. در مورد پیامبران استفاده شده (مراجعه شود به اول پادشاهان ۱۶: ۱۹، احتمالا اول تواریخ ۲۹: ۲۲)

۵. در مورد کورش استفاده شده است (مراجعه شود به اشعیا ۴۵: ۱)

۶. ترکیب شماره‌های ۱ و ۲ در مزمور ۱۱۰ و زکریا ۴

۷. در مورد آمدن خاص خدا استفاده شده، داوود پادشاه که عصر جدید عدالت را می‌آورد

a. عصای یهودا (مراجعه شود به پیدایش ۴۹: ۱۰)

b. قصر ایشا (مراجعه شود به دوم سموئیل ۷)

c. پادشاهی جهانی (مراجعه شود به مزمو ۲، اشعیا ۶: ۹، ۱۱: ۱، ۵، میکاه ۵: ۱ الی ۴)

d. بشارت به نیازمندان (مراجعه شود به اشعیا ۱: ۶۱ الی ۳)

من شخصا تمایل دارم که "آن تدهین شده" را با عیسی ناصری شناسایی کنم (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱: ۴۱، ۴: ۲۵) به واسطه:

۱. معرفی پادشاهی جاویدان در دانیال ۲ در طول امپراتوری چهارم

۲. معرفی "فرزند انسان" در دانیال ۷: ۱۳ که پادشاهی ابدی به او داده می شود

۳. عبارات رستگاری در دانیال ۹: ۲۴ که به نقطه اول تاریخ سقوط جهان اشاره می کند

۴. استفاده عیسی از کتاب دانیال در عهد جدید (مراجعه شود به انجیل متی ۲۴: ۱۵، انجیل مرقس ۱۳: ۱۴)

باید اعتراف کرد که این عنوان به ندرت در عهد عتیق استفاده شده، احتمالاً فقط در کتاب دانیال ۹: ۲۵ استفاده شده است. همچنین باید تأیید

کرد که عیسی در شرایط کلی که در عهد عتیق در مورد مسیح تعریف شده، نمی گنجد.

۱. در اسرائیل رهبر نبوده

۲. به طور رسمی توسط یک کشیش تدهین نشده

۳. فقط نجات دهنده اسرائیل نیست

۴. نه فقط "فرزند انسان" بلکه به طور حیرت انگیزی "فرزند خدا" است.

■ "عیسی" این اسم عبری به معنی "یهوه نجات میدهد"، "یهوه رستگاری است"، "یهوه رستگاری می آورد" است. مشابه اسم عهد عتیقی "یوشع" است. "عیسی" مشتق شده از کلمه عبری "hosea" برای رستگاری است که نام پیمانی خدا "یهوه" به عنوان پسوند به آن اضافه شده است (موضوع خاص: اسامی الهی در بخش مربوط به کولسیان ۱: ۳ را مطالعه کنید). این اسمی است که توسط خدا انتخاب شده و توسط فرشته خدا اعلام گردید (مراجعه شود به انجیل متی ۱: ۲۱).

■ "به خواست خدا" این عبارت در اول قرنیتیان ۱: ۱، دوم قرنیتیان ۱: ۱، افسسیان ۱: ۱ و دوم تیموتائوس ۱: ۱ استفاده شده است. پولس متقاعد شده بود که خدا او را انتخاب کرده تا یک رسول باشد. این احساس خاص فراخوانده شدن از زمان ایمان آوردن او در جاده دمشق آغاز شد (مراجعه شود به اعمال رسولان ۹: ۱ الی ۲۲، ۲۳: ۳ الی ۱۶، ۲۶: ۹ الی ۱۸). این عبارت آغازین بر درک پولس از اقتداری که خدا به او داده تأکید میکند. موضوع خاص: اراده خدا در افسسیان ۱: ۹ را مطالعه کنید.

■ "برادرمان، تیموتائوس" اسم تیموتائوس به معنی "افتخار خداست" یا "افتخار خدا" است. او مادر یهودی (مراجعه شود به اعمال رسولان ۱۶: ۱، دوم تیموتائوس ۱: ۵) و پدر یونانی (اعمال رسولان ۱۶: ۱) داشت. او در نخستین سفر بشارتی پولس به دربی/لیسترا ایمان آورد (مراجعه شود به اعمال رسولان ۱۶: ۱). پولس از او دعوت کرد تا به گروه بشارتی او در دومین سفر بشارتی ملحق شود، احتمالاً برای جایگزین کردن با یوحنا مرقس (مراجعه شود به اعمال رسولان ۱۵: ۳۶ الی ۴۱). پولس او را ختنه کرد تا کارش در میان یهودیان راحتتر شود (مراجعه شود به اعمال رسولان ۱۶: ۳). او تبدیل به نماینده وفادار، شاگرد و حلال مشکلات پولس شد (مراجعه شود به اعمال رسولان ۱۶: ۱ الی ۱۷: ۱۴، ۱۸: ۵ الی ۱۹: ۲۲، ۲۰: ۴، رومیان ۱۶: ۲۱، اول قرنیتیان ۴: ۱۷، ۱۶: ۱۰، دوم قرنیتیان ۱: ۱ و ۱۹: ۱، فیلیپیان ۱: ۲، ۱۹: ۲، غلاطیان ۱: ۱، فیلمون، کولسیان ۱: ۴، و اول و دوم تیموتائوس).

نام او همراه با پولس در چندین نامه ذکر شده است (مراجعه شود به دوم قرنیتیان ۱: ۱، فیلمون ۱: ۱، اول تسالونیکیان ۱: ۱، دوم تسالونیکیان ۱: ۱ و فیلمون). این دلالت بر شراکت در نگارش ندارد، بلکه دلالت بر حضور و خیر مقدم گفتن او دارد. تیموتائوس ممکن است به عنوان کاتب پولس همانند سیلاس و تیچیوکوس عمل می کرد.

۱: ۲ "مقدسین" "مقدسین" (*hagioi*) از دیدگاه الهیاتی با اصطلاح "مقدس" (*holy*) "*kadosh*" مرتبط است، که به معنی "جدا شده برای خدمت به خدا" است (مراجعه شود به اول قرنیتیان ۱: ۲، دوم قرنیتیان ۱: ۱، رومیان ۱: ۱، افسسیان ۱: ۱، فیلمون ۱: ۱). در عهد جدید همه جا به صورت جمع است به استثنای یک مرتبه در فیلمون ۴: ۲۱، حتی در آنجا، در مفهوم گروهی استفاده شده است. نجات یافتن یعنی بخشی از جامعه مومنین، خانواده ای از مومنین بودن، که باید خدمت کنند (مراجعه شود به اول قرنیتیان ۱۲: ۷).

مردم خدا به دلیل پارسیایی عیسی مقدس هستند (مراجعه شود به رومیان ۴ و دوم قرنیتیان ۵: ۲۱). این اراده خداست که آنها زندگی مقدسی دارند (مراجعه شود به کولسیان ۱: ۲۲، ۳: ۱۲، افسسیان ۱: ۴، ۲: ۱۰، ۴: ۱، ۵: ۲۷، اول پطرس ۱: ۱۶). مومنین هم مقدس اعلام شده اند (تقدس موقعیتی) و از آنان خواسته شده تا زندگی مقدسی داشته باشند (تقدس پیشرونده). موضوع خاص: تقدس در افسسیان ۱: ۱ را مطالعه کنید.

موضوع خاص: مقدسین (hagios) (Special Topic: Saints)

این اصطلاح معادل یونانی اصطلاح عبری *kadosh* (اسم، BDB871، فعل BDB 872، KB 1066-1067، موضوع خاص: مقدس را بخوانید) است، که معنی پایه آن جدا کردن کسی یا چیزی یا مکانی برای استفاده انحصاری یهوه است. معادل انگلیسی این اصطلاح "sacred" است. اسرائیل "قوم مقدس" یهوه بود (مراجعه شود به اول پطرس ۲: ۹، که از کتاب خروج ۱۹: ۶ نقل قول میکند). یهوه به واسطه طبیعت او (جاودانی و خلق نشده) و شخصیت او (کمال اخلاقی) جدا از بشریت است. او استانداردی است که توسط آن همه چیز اندازه گیری و قضاوت می‌شود. او متعال و مقدس است.

خدا انسانها را برای دوستی خلق کرد، اما سقوط (پیدایش ۳) باعث ایجاد یک مانع ارتباطی و اخلاقی میان یک خدای مقدس و انسان گناهکار شد. خدا تصمیم گرفت که مخلوق آگاه خود را بازگرداند؛ بنابراین او از مردم خواسته است که "مقدس" باشند (مراجعه شود به لایوان ۱۱: ۴۴، ۱۹: ۲، ۲۰: ۷، ۲۶: ۲۱، ۸). با رابطه از روی ایمان با یهوه، مردم خود با موقعیت پیمانی خود در او مقدس می‌شوند، اما همچنین از آنان خواسته میشود تا زندگی مقدسی داشته باشند (به موضوع ویژه: تقدس، انجیل متی ۵: ۴۸، افسسیان ۴: ۱، ۱۷، ۵: ۲-۳، ۱۵، ۱ پطرس ۱: ۱۵ مراجعه شود).

این زندگی از روی تقدس محتمل است، زیرا معتقدین به طور کامل از طریق (۱) زندگی عیسی و (۲) کار و حضور روح القدس در ذهن و قلب خودشان، پذیرفته شده‌اند. این امر یک موقعیت پارادوکسی برای مؤمنان ایجاد می‌کند:

۱. مقدس بودن به خاطر پارسایی مسیح (به عنوان مثال، رومیان ۴)
۲. به خاطر حضور روح القدس خواسته شده تا با تقدس زندگی کرد (مراجعه شود به موضوع ویژه: تقدس)

مؤمنان به واسطه این موارد "مقدس" (*hagioi*) هستند

۱. اراده آن مقدس (پدر، مراجعه شود به انجیل یوحنا ۶: ۲۹، ۴۰؛ اول پطرس ۱: ۱۵-۱۶)
۲. کار پسر مقدس (عیسی، دوم قرنتیان ۵: ۲۱، اول پطرس ۱: ۱۸-۲۱)
۳. حضور ماندگار روح القدس (مراجعه شود به رومیان ۸: ۹-۱۱، ۲۷)

عهد جدید همیشه به قدیسان به صورت جمع اشاره می‌کند (به جز یک بار در فیلیپیان ۴: ۲۱، اما حتی متن آن را جمع می‌سازد). نجات یافتن یعنی بخشی از یک خانواده، یک بدن، یک ساختمان شدن! ایمان انجیلی با پذیرش شخص شروع می‌شود، اما منجر به دوستی گروهی می‌شود. هر یک از ما نعمت (مراجعه شود به اول قرنتیان ۱۲: ۱۱) سلامتی، رشد و رفاه بدن مسیح - یعنی کلیسا (مراجعه شود به اول قرنتیان ۱۲: ۷) را داریم. ما نجات یافتیم تا خدمت کنیم. تقدس یک ویژگی خانوادگی است!

این تبدیل به عنوانی برای مؤمنان شد (مراجعه شود به اعمال رسولان ۹: ۱۳، ۳۲، ۴۱، ۱۰: ۲۶، رومیان ۱: ۷؛ اول قرنتیان ۱: ۲؛ دوم قرنتیان ۱: ۱؛ افسسیان ۱: ۱؛ فیلمون ۱: ۱؛ کولسیان ۱: ۲) و راهی برای خدمت به دیگران (رومیان ۱۲: ۱۳؛ ۱۶: ۲؛ افسسیان ۱: ۱۵؛ کولسیان ۱: ۴؛ اول تیموتائوس ۵: ۱۰؛ عبرانیان ۶: ۱۰). پولس یک پیشنهاد خاص از کلیساهای غیر یهودی برای فقرا در کلیسای مادر در اورشلیم دریافت کرد (رومیان ۱۵: ۲۶-۲۵؛ اول قرنتیان ۱۶: ۱؛ دوم قرنتیان ۸: ۴؛ ۹: ۱).

■ "برادران وفادار" در کتابی که برای مبارزه با یک گروه از معلمین دروغین مرتد نوشته شده، این ویژگی حائز اهمیت است! پولس معتقد بود که کلیسا به انجیل و عیسی مسیح که به پولس، اپافارس و آنها داده شده، وفادار خواهد ماند!

کلمات "ایمان"، "اعتماد" و "اعتقاد" همه ریشه یکسان *pistis* (اسم) و *pisteuo* (فعل) دارند. تاکید اصلی کلمه اعتماد به خدا، و نه اشتیاق و صداقت پاسخ انسانی است. مومنین باید به شخصیت قابل اعتماد و وعده‌های جاودانی او اعتماد داشته باشند. کلید موضوع ایمان است نه شدت آن (انجیل متی ۱۷: ۲۰؛ انجیل لوقا ۱۷: ۶). مسیحیت یک پاسخ اولیه، توبه/پاسخ از روی ایمان که به دنبالش شیوه زندگی از روی ایمان است. ایمان انجیلی مجموعه‌ای از انتخابهای انسانی است - توبه، ایمان، اطاعت، و استقامت. وفاداری خداوند در فرزندانش تکثیر می‌شود. تصویر خدا (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۱: ۲۶-۲۷) بازسازی شده و دوستی صمیمانه دوباره امکان پذیر است!

موضوع خاص: ایمان، باور یا اعتماد (Special Topic: Faith, Believe, Or Trust)

A. این یک اصطلاح بسیار مهم در انجیل است (مراجعه شود به عبرانیان ۱: ۱ و ۶). موضوع نخستین موعظه های عیسی بود (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱: ۱۵). حد اقل دو پیش نیاز دیگر پیمان جدید هم در پیمان جدید وجود دارند: توبه و ایمان (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱: ۱۵، اعمال رسولان ۳: ۱۶ و ۱۹، ۲۰: ۲۱).

B. ریشه واژه

۱. اصطلاح "ایمان" در عهد عتیق به معنای وفاداری یا اعتماد به نفس و توصیف ماهیت خدا است، نه ما.

۲. این از اصطلاح عبری (BDB 53. *emunah*, *emun*، یعنی، حبوق ۲: ۴) می آید، که در اصل به معنای "مطمئن بودن یا پایدار بودن" بود. صرفه جویی در ایمان یعنی

a. خوش آمد گفتن به یک نفر (اعتماد، ایمان فردی، مراجعه شود به E1 در پائین)

b. باور داشتن حقایق در مورد آن فرد (کتاب مقدس، مراجعه شود به E5 در پائین)

c. همانند آن شخص زندگی کردن (همانند مسیح)

C. کاربرد آن در عهد عتیق

باید تاکید کرد که ایمان ابراهیم در مسیحی که در آینده می آمد، نبود، بلکه در وعده خدا بود که او فرزند و فرزندان خود را خواهد داشت (انجیل متی ۱۲: ۲، ۱۵: ۲-۵، ۱۷: ۴-۸؛ ۱۸: ۱۴؛ رومیان ۴: ۱-۵). ابراهیم با اعتماد به خدا به این وعده پاسخ داد (مراجعه شود به موضوع ویژه: اعتقاد، اعتماد، ایمان و اعتماد در عهد عتیق) و کلام او. شک و تردید او در مورد این وعده که تحقق آن سیزده سال طول کشید، در طی این مدت همچنان ادامه داشت. با این حال، ایمان نافذ او، توسط خدا پذیرفته شد. خدا مایل است انسانهای ناقص به ایمان و وعده های او پاسخ دهند، حتی اگر اندازه دانه خردل باشد (متی ۱۷: ۲۰) یا ایمانشان ترکیبی باشد (به عبارتی انجیل مرقس ۹: ۲۲ الی ۲۴)

D. کاربرد آن در عهد جدید

اصطلاح "باور" از فعل یونانی *pisteuō* یا اسم *pistis* است که در زبان انگلیسی به "اعتقاد"، "ایمان" یا "اعتماد" ترجمه شده است. به عنوان مثال، حالت اسمی در انجیل یوحنا دیده نمی شود، اما حالت فعل آن اغلب استفاده شده است. در انجیل یوحنا ۲: ۲۳-۲۵، عدم اطمینان در مورد یقین تعهد جمعیت به عیسی ناصری به عنوان مسیح وجود دارد. مثالهای دیگر این استفاده سطحی اصطلاح «باور» در انجیل یوحنا ۸: ۳۱-۵۹ و اعمال رسولان ۱۳: ۸، ۱۸-۲۴ است. ایمان انجیلی واقعی فراتر از یک پاسخ اولیه است. باید به دنبال فرایند شاگردی بود (مراجعه شود به انجیل متی ۱۳: ۲۰-۳۱، ۲۳-۳۲؛ ۲۸: ۱۹-۲۰).

E. کاربرد آن به عنوان حرف اضافه

۱. *eis* یعنی "درون"، "بر"، "در". این ساختار منحصر به فرد بر این تاکید دارد که مومنین به عیسی اعتماد میکنند

a. به نام او (انجیل یوحنا ۱: ۱۲، ۲: ۲۳، ۳: ۱۸، اول یوحنا ۵: ۱۳)

b. در او (انجیل یوحنا ۲: ۱۱، ۳: ۱۵ و ۱۸، ۴: ۳۹، ۶: ۴۰، ۷: ۵ و ۳۱ و ۳۹ و ۴۸، ۸: ۳۰، ۹: ۳۶، ۱۰: ۴۲، ۱۱: ۴۵ و ۴۸، ۱۲: ۳۷ و ۴۲، انجیل متی ۱۸: ۶، اعمال رسولان ۱۰: ۴۳، فیلمون ۱: ۲۹، اول پطرس ۱: ۸)

c. بر من، (انجیل یوحنا ۶: ۳۵، ۷: ۳۸، ۱۱: ۲۵ و ۲۶، ۱۲: ۴۴ و ۴۶، ۱۴: ۱ و ۱۲، ۱۶: ۹، ۱۷: ۲۰)

d. بر پسر، (انجیل یوحنا ۳: ۳۶، ۹: ۳۵، اول یوحنا ۵: ۱۰)

e. بر عیسی، (انجیل یوحنا ۱۲: ۱۱، اعمال رسولان ۱۹: ۴، غلاطیان ۲: ۱۶)

f. در نور، (انجیل یوحنا ۱۲: ۳۶)

g. بر خدا (انجیل یوحنا ۱۴: ۱)

۲. *ev* یعنی "در" همانند انجیل یوحنا ۳: ۱۵، انجیل مرقس ۱: ۱۵، اعمال رسولان ۵: ۱۴

۳. *epi* یعنی "در" یا "بر" همانند انجیل متی ۲۷: ۴۲، اعمال رسولان ۹: ۴۲، ۱۱: ۱۷، ۱۶: ۳۱، ۲۲: ۱۹، رومیان ۴: ۵ و ۲۴، ۹: ۳۳، ۱۰: ۱۱، اول تیموتائوس ۱: ۱۶، اول پطرس ۲: ۶

۴. حالت زمانی بدون حرف اضافه همانند انجیل یوحنا ۴: ۵۰، غلاطیان ۳: ۶، اعمال رسولان ۱۸: ۸، ۲۷: ۲۵، اول یوحنا ۳: ۲۳، ۵: ۱۰

۵. *hoti*، که به معنی "باور داشتن که" به متن این را میدهد که به چه چیز باید باور داشت

a. عیسی آن مقدس خدا است (انجیل یوحنا ۶: ۶۹)

b. عیسی همان "من هستم" است (انجیل یوحنا ۸: ۲۴)

c. عیسی در پدر است و پدر در پسر (انجیل یوحنا ۱۰: ۳۸)

d. عیسی همان مسیح است (انجیل یوحنا ۱۱: ۲۷، ۲۰: ۳۱)

e. عیسی پسر خدا است (انجیل یوحنا ۱۱: ۲۷، ۲۰: ۳۱)

- f. عیسی توسط پدر فرستاده شد (انجیل یوحنا ۱۱: ۴۲، ۱۷: ۸ و ۲۱)
- g. عیسی با پدر یکی است (انجیل یوحنا ۱۴: ۱۰ الی ۱۱)
- h. عیسی از جانب پدر آمد (انجیل یوحنا ۱۶: ۲۷ و ۳۰)
- i. عیسی خود را در نام پیمان پدر معرفی کرد، "من هستم"، (انجیل یوحنا ۸: ۲۴ و ۱۳: ۱۹)
- j. ما با او زندگی خواهیم کرد (رومیان ۶: ۸)
- k. عیسی مرد و مجدداً برخاست (اول تسالونیکیان ۴: ۱۴)

■ "در مسیح" این یک ساختار دستوری به نام حالت مکانی (مربوط به مکان) است. این روش مورد علاقه پولس برای توصیف مسیحیان بود. به عنوان مومنین، ما زندگی و حرکت و وجود ما در اوست (مراجعة شود به اعمال رسولان ۱۷: ۲۸)! او منشا و منبع تمام برتریهای معنوی است. پولس از این عبارت ۶۴ بار ("در مسیح"، "در او"، "در معشوق") استفاده می کند. یادداشت کامل را در افسسیان ۱: ۴ مطالعه کنید.

■ "فیض و سلامتی بر شما باد" سلام عادی در نامه نگاری یونانی، کلمه "سلام" بود (چارین، مراجعه شود به اعمال رسولان ۱۵: ۲۳؛ ۲۳: ۳۶؛ یعقوب ۱: ۱). پل به طور مشخص این تغییر را به یک اصطلاح بسیار مشابه اما مسیحی، فضل، (*charis*) تغییر داد. بسیاری تصور می کردند که پولس به نحوی اطلاعات سلام یونانی و سلام عبری، صلح (شالوم) را ترکیب کرده است. اگر چه این یک نظریه جذاب است، ولی میتواند یک زیاده روی در عبارتهای مقدمه پولسی باشد (مراجعة شود به رومیان ۱: ۷، اول قرنتیان ۱: ۳، دوم قرنتیان ۱: ۲، فیلمون ۱: ۲، و فیلمون ۳).

"grace" یا "رحمت" کلمه ویژه‌ای بود که شخصیت مهربان و مهربان خدا را توصیف می کرد. انسانها با خدا رو راست هستند، به خاطر کسی که هست نه به خاطر اینکه آنها هستند. این مهربانی، سخاوتمندی، دوست داشتنی بودن، آمرزنده بودن، به کندی خشمگین شدن خدا است، که تنها امید برای انسان گمراه و سقوط کرده است (مراجعة شود به ۳۴: ۶-۷، نحیما ۹: ۱۷؛ مزامیر ۱۰۳: ۸ الی ۱۴؛ یوئیل ۲: ۱۳؛ میکاه ۶: ۱۸-۲۰)! مسیحیت در شخصیت تغییر نیافتنی خدا ریشه دارد (مراجعة شود به ملاکی ۳: ۶؛ یعقوب ۱: ۱۷)، کار پایان یافته عیسی (مراجعة شود به انجیل مرقس ۱۰: ۴۵؛ دوم قرنتیان ۵: ۲۱) و بشارت روح القدس (انجیل یوحنا ۱۴: ۲۵-۲۶؛ ۱۶: ۷-۱۵).

"صلح" نتیجه درک شخصیت خدا و وعده های انجیل است (مراجعة شود به انجیل یوحنا ۱۴: ۲۷، ۱۶: ۳۳). صلح لذت درونی و ثباتی است جدای از شرایط، تعالیم دروغین مخرب یا شکنجه و آزار (مراجعة شود به فیلمون ۴: ۷، کولسیان ۳: ۱۵).

■ "خدا، پدر ما" این عبارت در نسخ دستنویس یونیکال یونانی B, D, K, L, نسخه باستانی والگیت، پشینا و ترجمه‌های کپتیک و متون یونانی استفاده شده توسط اورینگن و کریسوستوم یافت میشود. نسخ دستنویس A, C, G, و سرورمان عیسی مسیح" اضافه است. این عبارت در کولسیان ۱: ۳ وجود دارد. این جزو عبارات متداول پولس برای دعای آغازین بود (مراجعة شود به رومیان ۱: ۷، اول قرنتیان ۱: ۳، دوم قرنتیان ۱: ۲، غلاطیان ۱: ۳، افسسیان ۱: ۲، فیلمون ۱: ۲، دوم تسالونیکیان ۱: ۲، اول تیموتائوس ۱: ۲، دوم تیموتائوس ۱: ۲، و تیتوس ۱: ۴). ⁴UBS به متن کوتاهتر رتبه A (یقین) میدهد.

اصطلاح "پدر" از منظر مفهوم جنسی و نسلی یا توالی تاریخی استفاده نشده است بلکه از نظر رابطه صمیمانه خانوادگی استفاده شده است. خدا اصطلاحات خانوادگی را انتخاب کرد تا خود را به انسانها نشان دهد (مراجعة شود به هوشع ۲ الی ۳، که خدا به عنوان پدری مهربان و دوست داشتنی نمایان میگردد و فصل ۱۱ که او خود را به صورت پدر و مادری مهربان و نشان میدهد).

جنبه الهی بودن مکاشفه عامل اصلی یا نخستین سبب در فلسفه یونانی نبود، بلکه پدر عیسی مسیح بود. انجیل فلسفه با منطق انسانی نیست بلکه خود مکاشفه الهی است، مکاشفه ای که نمیتواند با تحلیل انسانی حاصل گردد.

موضوع خاص: پدر

(Special Topic: Father)

عهد عتیق به صورت استعاره رابطه صمیمی با خدا را تحت عنوان پدر معرفی می کند (به موضوع خاص: پدر بودن خدا مراجعه شود):

۱. ملت اسرائیل اغلب به عنوان فرزند "پسر" یهوه توصیف می شوند
۲. حتی کمی قبل تر در تشنیه از خدا به عنوان پدر یاد شده است
۳. در تشنیه ۳۲ از اسرائیل به عنوان "فرزندان او" و خدا به عنوان "پدر" شما یاد شده است
۴. این الهام در مزمو ۱۳: ۱۰۳ مطرح شده و در مزمو ۵: ۶۸ (به صورت پدر یتیمان) بسط یافته است
۵. در میان پیامبران متداول بود (رجوع شود به اشعیا ۲: ۱، ۶۳: ۸، اسرائیل به عنوان پسر، خدا به عنوان پدر، ۱۶: ۶۳، ۸: ۶۴، ارمیا ۴: ۳ و ۱۹،

عیسی به زبان آرامی صحبت می کرد که بدین معنی است که بسیاری از جاهایی که "پدر" به کار رفته است، کلمه یونانی آن "*Pater*" است، و می تواند منعکس کننده کلمه *abba* در زبان آرامی باشد (رجوع شود به انجیل مرقس ۱۴:۳۶). این کلمه شبیه "بابا" (*Daddy*) یا "پاپا" (*Papa*) منعکس کننده صمیمیت با پدر است، و افشا کردن آن برای پیروانش رابطه صمیمی ما با پدر را تشویق می کند. کلمه "پدر" به سختی برای **یهوه** در عهد عتیق استفاده شده است، ولی عیسی اغلب و به صورت فراگیر از آن استفاده می کند. این یک مدرک بزرگ رابطه با خدا از طریق مسیح برای پیروان است (رجوع شود به انجیل متی ۹:۶).

NASB (به روز شده): کولسیان ۱: ۳ الی ۸

ما همواره به هنگام دعا برای شما، خدا، پدر خداوندمان عیسی مسیح را شکر می گزاریم،^۴ زیرا وصف ایمان شما به مسیح عیسی و محبتی را که به همه مقدسین دارید، شنیده ایم.^۵ اینها از امیدی سرچشمه می گیرد که در آسمان برای شما محفوظ است و پیشتر درباره اش از پیام حقیقت یعنی انجیل شنیده اید،^۶ انجیلی که به شما رسیده است و در سرتاسر جهان ثمر می دهد و رشد می کند، همان گونه که در میان شما نیز، از روزی که آن را شنیدید و فیض خدا را به معنای واقعی درک کردید، عمل کرده است.^۷ شما آن را از همکار عزیز ما، ایافراس آموختید که خادم وفادار مسیح به نیابت از ماست.^۸ او ما را از محبت شما که در روح است، آگاه ساخت.

۱: ۳ الی ۸ آیات ۳ الی ۸ در یونانی یک جمله هستند که یعنی یک دعای شکرگزاری صمیمانه برای ایمان داشتن کلیسا به مسیح است. دعای شکرگزاری آغازین برای گیرندگان در مکاتبات یونانی متداول بود. در این نامه پولس دو دعای آغازین دارد (یعنی کولسیان ۱: ۳ الی ۸ و کولسیان ۱: ۹ الی ۱۴).

۱: ۳ "شکر می گزاریم" در این نامه شکر کردن یک موضوع تکراری است (مراجعه شود به کولسیان ۱: ۱۲، ۲: ۷، ۳: ۱۵، ۴: ۲)، همانطور که "لذت / شادی" در نامه به فیلیپیان است. به خاطر داشته باشید که پولس در رم در زندان بود و کلیسای کولسی دوران سختی را سپری میکرد. موضوع خاص: شکرگزاری در کولسیان ۴: ۲ را مطالعه کنید.

■ "خدا، پدر خداوندمان عیسی مسیح" به تثلیث در کولسیان ۱: ۳ و ۸ توجه کنید. موضوع خاص در افسسیان ۱: ۳ را مطالعه کنید.

■ "خداوندمان" (در نسخه انگلیسی *Lord* به معنی ارباب / سرور نوشته شده است - مترجم) اصطلاح "ارباب" (*kurios*) میتواند به مفهوم کلی و یا یک مفهوم الهیاتی خاص استفاده شود. میتواند به معنی "آقا"، "ارباب" باشد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۴: ۱۱ و ۱۵ و ۱۹ و ۴۹، ۵: ۷، ۱۲: ۲۱، ۲۰: ۱۵)، "ارباب"، "مالک"، "شوهر" یا "تماما خدا-انسان" باشد (به عنوان مثال، انجیل یوحنا ۴: ۱، ۶: ۳۴ و ۶۸، ۱۱: ۲ و ۳ و ۱۲ و ۲۱ و ۲۷ و ۳۴ و ۳۹). مثالهای خوب برای هر دو مورد را میتوانید در یک متن در انجیل یوحنا ۹: ۳۶ و ۹: ۳۸ ببینید.

استفاده عهد عتیقی این اصطلاح (*adon*) ناشی از تردید ربی ها در بیان کردن نام پیمانی خدا، یهوه بود که از فعل عبری "بودن" است (مراجعه شود به کتاب خروج ۳: ۱۴). آنها از شکستن فرمان که می گوید: «نام خداوند، خدای تان را بیهوده نگوئید میترسیدند (مراجعه شود به خروج ۲۰: ۷، تثنیه ۵: ۱۱). آنها فکر کردند که اگر این اسم را بر زبان نیاورند، آن را بیهوده به کار نبرده اند. بنابراین، آنها کلمه عبری را به *adon* تغییر دادند، که معنی آن مشابه کلمه یونانی، *Kurios* (لرد) بود.

نگارندگان عهد جدید از این اصطلاح برای توصیف تماما الهی بودن مسیح استفاده میکردند. عبارت "عیسی سرور است" اقرار عمومی بر ایمان و فرمول تعمیم کلیسای اولیه بود (مراجعه شود به رومیان ۱۰: ۹ الی ۱۳، اول قرنتیان ۱۲: ۳، فیلیپیان ۲: ۱۱).

موضوع خاص: اسامی خدا

(Special Topic: The Names For Deity)

.A El (BDB 42, KB 48)

۱. ریشه باستانی نام برای خدا قطعی نیست، هر چند، بسیاری از اساتید معتقدند که از ریشه Akkadian به معنی "قوی بودن" یا قدرتمند بودن می آید (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۱: ۱۷، کتاب اعداد ۱۹: ۲۳، کتاب تثنیه ۷: ۲۱، مزمور ۱: ۵۰).
 ۲. در زیارتگاه کنهانیان بالاترین خدا *El* (متون Ras Shamra) است، به معنی "پدر خدایان" و "ارباب بهشت".
 ۳. در انجیل *El* اغلب با سایر اصطلاحات ترکیب میشود. این ترکیب شدن تبدیل به شیوه ای برای مشخصه خدا شده اند.
- .a *El-Elyon* (خدای والاترین، BDB 42 & 751 II)، کتاب پیدایش ۱۸: ۱۴ الی ۲۲، کتاب تثنیه ۸: ۳۲، اشعیا ۱۴: ۱۴

- b. *El-Roi* ("خدایی که میبیند" یا "خدایی که خود را آشکار میکند"، BDB 42 & 909)، کتاب پیدایش ۱۳:۱۶
- c. *El-Shaddai* ("خداوند متعال"، یا "خدای تمامی شفقتها" یا "خدای کوه"، BDB 42 & 994)، کتاب پیدایش ۱:۱۷، ۱۱:۳۵، ۱۴:۴۳، ۲۵:۴۹، کتاب خروج ۳:۶
- d. *El-Olam* ("خدای جاویدان"، BDB 42 & 761)، کتاب پیدایش ۳۳:۲۱. از منظر ایهیات این اصطلاح به وعده خدا به داوود مرتبط است، دوم سموئیل ۱۳:۷ و ۱۶
- e. *El-Berit* ("خدای پیمان"، BDB 42 & 136) داوران ۹:۴۶

۴. El برابر با

- a. یهوه در اعداد ۸:۲۳، مزمور ۱۶:۱ الی ۲:۸، اشعیا ۵:۴۲
- b. الوهیم در کتاب پیدایش ۳:۴۶، یعقوب ۸:۵، "من El هستم، الوهیم پدر شما"
- c. *Shaddai* در کتاب پیدایش ۲۵:۴۹، اعداد ۴:۲۴ و ۱۶
- d. "حسادت" در کتاب خروج ۱۴:۳۴، کتاب تثنیه ۲۴:۴، ۵:۹، ۱۵:۶
- e. "رحم" در کتاب تثنیه ۳۱:۴، نحمیا ۳۱:۹
- f. "بزرگ و حیرت انگیز" در کتاب تثنیه ۲۱:۷، نحمیا ۵:۱، ۳۲:۹، دانیال ۴:۹
- g. "آگاهی" در اول سموئیل ۳:۲
- h. "پناهگاه قوی من" در دوم سموئیل ۲۳:۲۲
- i. "انتقام گیرنده من" در دوم سموئیل ۴۸:۲۲
- j. "آن مقدس" در اشعیا ۱۶:۵
- k. "قدرت" در اشعیا ۲۱:۱۰
- l. "رستگاری من" در اشعیا ۲:۱۲
- m. "قوی و قدرتمند" در ارمیا ۱۸:۳۲
- n. "مجازات" در ارمیا ۵۶:۵۱

۵. ترکیب تمامی اسامی مهم عهد عتیق برای خدا در یوشع ۲۲:۲۲ یافت میشوند (El، الوهیم، یهوه، مجموعه تکرار میشود)

B. *Elyon* (BDB 751, KB 832)

۱. معنی اصلی آن "بالا"، "عالی" یا "بالا برده شده" است (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۱۷:۴۰، اول پادشاهان ۸:۹، دوم پادشاهان ۱۷:۱۸، نحمیا ۲:۲۰، ارمیا ۲:۲۰، ۱۰:۳۶، مزمور ۱۳:۱۸).
۲. از آن به عنوان مفهوم همسو برای چندین اسم دیگر خدا استفاده شده است
- a. الوهیم - مزمور ۱:۴۷ الی ۲:۷۳، ۱۱:۷۳، ۱۱:۱۰۷
- b. یهوه - کتاب پیدایش ۲۲:۱۴، دوم سموئیل ۱۴:۲۲
- c. *El-Shaddai* - مزمور ۱:۹۱ و ۹
- d. *El* - اعداد ۱۶:۲۴
- e. اله - اغلب در کتاب دانیال ۲ الی ۶ و عزرا ۴ الی ۷ استفاده شده است، و مرتبط با *Ilair* (اصطلاح آرامی برای "خدای والا") در دانیال ۲:۳، ۲:۴، ۱۸:۵ و ۲۱ میباشند.
۳. اغلب توسط غیر اسرائیلیها از آن استفاده می شود
- a. ملکیزد، کتاب پیدایش ۱۸:۱۴ الی ۲۲
- b. بلام، کتاب اعداد ۱۵:۲۴
- c. موسی، زمانی که در کتاب تثنیه ۸:۳۲ از قوم صحبت می کند
- d. انجیل لوقا در عهد جدید، هنگامی که خطاب به کفار می نویسد، همچنین از اصطلاح معادل یونانی *Hupsistos* استفاده می کند (مراجعه شود به ۳۲:۱ و ۳۵، ۷۶، ۳۵:۶، ۸:۲۸، اعمال رسولان ۷:۴۸، ۱۷:۱۶)

C. الوهیم (حالت جمع) - الوها (حالت مفرد)، اساسا در اشعار استفاده می شود (BDB 43, KB 52).

۱. این اصطلاح در خارج از عهد عتیق دیده نمیشود

۲. این کلمه میتواند به معنی خدای اسرائیل یا خدای اقوام باشد (مراجعه شود به کتاب خروج ۳:۶، ۳:۲۰). خانواده ابراهیم چندین خدا را می پرستیدند (مراجعه شود به یوشع ۲:۲۴).

۳. می تواند اشاره به داوران اسرائیلی باشد (مراجعه شود به کتاب خروج ۶: ۲۱، مزمور ۶: ۸۲)
۴. اصطلاح الوهیم در مورد سایر موجودات روحانی (فرشتگان، شیاطین) در کتاب تثنیه ۸: ۳۲ (LXX)، مزمور ۵: ۸، یعقوب ۶: ۱، ۷: ۳۸ نیز استفاده شده است
۵. در انجیل این نخستین عنوان/ نام برای خدا بود (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۱: ۱). تا کتاب پیدایش ۲: ۴ انحصاراً از این اصطلاح استفاده شده است، جایی که با یهوه ترکیب میشود. اساساً (از دیدگاه الهیات) اشاره به خدا به عنوان خالق، نگه دارنده، و ایجاد کننده زندگی در این سیاره دارد (مراجعه شود به مزمور ۱۰۴).
۶. مترادف با El است (مراجعه شود به کتاب تثنیه ۱۵: ۳۲ الی ۱۹). همچنین همسو با یهوه در مزمور ۱۴ است (الوهیم، ۱، ۲، ۵، یهوه ۲ و ۶، حتی آدون آیه ۴).
۷. هر چند این کلمه جمع است و در مورد سایر خدایان استفاده میشود، این اصطلاح اغلب به خدای اسرائیل دلالت دارد، ولی معمولاً فعل مفرد برای آن استفاده میشود تا دلالت بر کاربرد یکتا پرستی آن داشته باشد (به موضوع خاص: یکتا پرستی مراجعه شود).
۸. خیلی عجیب است که اصطلاح متداول برای خدای یگانه اسرائیل جمع است (همچنین به "ما" در کتاب پیدایش ۱: ۲۶، ۳: ۲۲، ۷: ۱۱ توجه کنید). هر چند هیچ قطعیتی وجود ندارد، نظریاتی وجود دارند:
- در زبان عبری کلمات جمع زیادی وجود دارند که از آنها برای تاکید استفاده میشود. چیزی که به این حالت نزدیک است در زبان عبری حالت دستور زبانی است که جمع شاهانه نامیده میشود، که حالت جمع برای بزرگ نمایی مفهوم به کار میرود.
 - این میتواند اشاره به شورای فرشتگان داشته باشد که خدا در بهشت با آنان ملاقات می کند و فرامینش را به آنان می گوید (مراجعه شود به اول پادشاهان ۱۹: ۲۲ الی ۲۳، یعقوب ۶: ۱، مزمور ۱: ۸۲، ۵: ۸۹ و ۷)
 - حتی ممکن است منعکس کننده مکاشفه خدا در عهد جدید در قالب یک خدا به شکل سه فرد باشد. در کتاب پیدایش ۱: ۱ خدا خلق می کند، کتاب پیدایش ۲ روح مقدس است و در عهد جدید عیسی نماینده خدای پدر آفریننده است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱: ۳ و ۱۰، رومیان ۱: ۳۶، اول قرنتیان ۸: ۶، کولسیان ۱: ۱۶، عبرانیان ۲: ۱۰، ۲)
- D. یهوه (BDB 217, KB 394)
- این اسمی است که منعکس کننده خدا به عنوان خدای خالق پیمان است، خدا به عنوان ناجی و رهایی بخش. انسانها پیمان شکنی میکنند، ولی خدا به عهد، کلام، وعده و پیمان خود پایبند است (مراجعه شود به مزمور ۱۰۳).
 - کتاب پیدایش ۲: ۴ الی ۳: ۲۴ با مکاشفه خاصی درباره جایگاه برتر و هدف نوع بشر، و همچنین مسئله گناه و شورش که به واسطه جایگاه خاص او بود، آغاز میشود.
 - در کتاب پیدایش ۲۶: ۴، گفته میشود "انسانها شروع به فراخواندن نام خدا (یهوه) کردند". با این حال، کتاب خروج ۳: ۶ دلالت بر این دارد که نخستین انسانهای مطیع پیمان (خان سالاران و خانواده ایشان) خدا را فقط به عنوان *El Shaddai* می شناختند. نام یهوه فقط یک مرتبه در کتاب خروج ۳: ۱۳ الی ۱۶ و به خصوص آیه ۱۴ ذکر شده است. با این حال، نوشته های موسی اغلب با استفاده از شیوه های مرسوم بازی با کلمات تفسیر میکنند، نه از طریق روشهای ریشه یابی لغات (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۵: ۱۷، ۳۶: ۲۷، ۱۳: ۲۹ الی ۳۵). نظریات متعددی در خصوص معنی این کلمه وجود دارد (به نقل از IDB جلد دوم صفحات ۴۰۹ الی ۴۱۱).
- از ریشه عربی "نشان دادن عشق پرشور"
 - از ریشه عربی "دمیدن" (یهوه به عنوان خدای توفان)
 - از ریشه اوگاریت (کنعانی) به معنی "سخن گفتن"
 - بر اساس یک سنگ نبشته فنیقیه ای، صفت فاعلی به معنی "کسی که حمایت میکند"، یا "آن که برپا میکند"
 - از حالت Qal عبری، "آن یگانه ای که هست..."، یا "آن یگانه ای که حاضر است" (در حالت زمان آینده "آن یگانه ای که خواهد بود")
 - از Hiphil عبری به معنی "آن که باعث وجود داشتن است"
 - از ریشه عبری "زندگی کردن" (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۲۱: ۳)، به معنی "همیشه زنده، آن یگانه ای که همیشه زنده است"
 - از متن کتاب خروج ۳: ۱۳ الی ۱۶ حالت غیر کامل استفاده شده در فعل زمان کامل، "باید به آنچه که قبلاً بودم همچنان ادامه دهم" یا "من همانی خواهم بود که همیشه بوده ام" (مراجعه شود به *A Survey of Syntax in the Old Testament* اثر J. Wash Watts صفحه ۶۷). اسم کامل یهوه اغلب به صورت اختصار یا احتمالاً به صورت اولیه استفاده می شود.
- ۱ Yah (به عنوان مثال، BDB 219, Hallelu – yah، مراجعه شود به کتاب خروج ۲: ۱۵، ۱۶: ۱۷، مزمور ۸: ۸۹، ۳۵: ۱۰۴)

۲) Yahu ("iah") پسوند اسم مثلاً اشعیا (Isaiah)

۳) Yo ("Jo") پیشوند اسم، مثلاً جاشوا (Joshua) یا یوئیل (Joel)

۳. بعداً در یهود نام این پیمان بسیار مقدس شد (تتراگرافیتون) که یهودیان از بیان آن وحشت دارند که مبادا فرمان کتاب خروج ۷: ۲۰، کتاب تثنیه ۵: ۱۱، ۶: ۱۳ را بشکنند. بنابراین آنها این نام را با اسامی دیگری همچون "مالک"، "ارباب"، "شوهر"، "سرور" - adon یا Adonai (به معنی سرورم) جایگزین کردند. وقتی که به نام یهوه در زمان خواندن عهد عتیق میرسند آن را "سرور" تلفظ می‌کنند. به همین دلیل است که در ترجمه‌های انگلیسی بجای یهوه "سرور" نوشته میشود.

۴. همانند EI، اغلب یهوه با سایر اصطلاحات جهت تأکید بر مشخصه‌های خاص خدای پیمان اسرائیل ترکیب می‌شود. ترکیبات زیادی وجود دارند که در اینجا به برخی از آنها می‌پردازیم:

a. یهوه - Yireh (یهوه ارائه میکند، BDB 217 و 906). کتاب پیدایش ۱۴: ۲۲

b. یهوه - Rophekha (یهوه شفا دهنده شما است، BDB 217 و 950، وجه وصفی Qal)، کتاب خروج ۲۶: ۱۵

c. یهوه - Nissi (یهوه نشان من است، BDB 217 و 651)، کتاب خروج ۱۵: ۱۷

d. یهوه - Meqaddishkem (یهوه تنها کسی که تو را تطهیر میکند، BDB 217 و 872، وجه وصفی Piel)، کتاب خروج ۱۳: ۳۱

e. یهوه - Shalom (یهوه آرامش است، BDB 217 و 1022)، داوران ۲۴: ۶

f. یهوه - Sabbaoth (یهوه میزبان، BDB 217 و 878)، اول سموئیل ۳: ۱ و ۴: ۴، ۱۵: ۲، اغلب در مورد انبیا

g. یهوه - Ro'I (یهوه چوپان من است، BDB 217 و 944، وجه وصفی Qal)، مزمور ۱: ۲۳

h. یهوه - Sidqenu (یهوه عدالت است، BDB 217 و 841)، ارمیا ۶: ۲۳

i. یهوه - Shammah (یهوه آنجا است، BDB 217 و 1027)، حزقیال ۳۵: ۴۸

■ "همواره به هنگام دعا برای شما" "همواره" را میتوان از نظر دستوری به "دعا" (NASB, NKJV, NJB) یا "تشکر" (NRSV, TEV) مرتبط کرد. در الهیات پولس دعا و شکرگزاری جزو لاینفک هستند. پولس برای آنها دعا میکرد (مراجعه شود به کولسیان ۱: ۹، افسسیان ۱: ۱۶) و درخواست می‌کرد که برایش دعا کنند (مراجعه شود به کولسیان ۴: ۳، افسسیان ۶: ۱۸، اول تسالونیکیان ۵: ۲۵). موضوع خاص: نماز روحانی در کولسیان ۴: ۳ را مطالعه کنید. پولس مجدداً این را در کولسیان ۱: ۹ ذکر میکند. به نظر میرسد که دو دعا باشند که به یکدیگر مرتبط هستند.

۱: ۴ "شنیده‌ایم" ضمیر جمع اشاره به پولس و تیم بشارتی وی دارد. آنان درباره مشکلات معلمین دروغین و ایمان مومنین از اپافراس (مراجعه شود به کولسیان ۱: ۷ و ۸) که این کلیسا را بنا کرده بود، شنیده بودند.

۱: ۴ الی ۵ "ایمان... محبت... امید" این مجموعه سه گانه محبوب الهیات پولس بود (مراجعه شود به رومیان ۵: ۲ الی ۵، اول قرنتیان ۱۳: ۱۳، غلاطیان ۵: ۵ الی ۶، اول تسالونیکیان ۱: ۳، ۵: ۸). این بیانگر اعتماد به نفس است که مومنین دارند، هم در حال حاضر (ایمان) و در یک تحقق مشخص در آینده (امید) هستند. این اعتماد به نفس برای زندگی روزانه همراه با عشق است.

۱: ۴ "ایمان شما" این اصطلاح (pistis) میتواند سه مفهوم کاملاً متمایز داشته باشد

۱. زمینه عهد عتیقی آن به معنی "وفاداری" یا "قابل اعتماد بودن" است، در نتیجه، در مورد مومنین که زندگی خدایسندانه داشتند، استفاده میشود.
۲. در مورد مومنین استفاده میشود که پیشنهاد رایگان بخشش از طریق مسیح را میپذیرفتند
۳. این در مفهوم جمعی دکترین مسیحیت یا حقایق عیسی مورد استفاده قرار میگرفت (یعنی "ایمان"، مراجعه شود به اعمال رسولان ۶: ۷، و یهودا ۱: ۳ و ۲۰).

در چندین عبارت مشکل بتوان تعیین کرد که چه معنایی دارد. موضوع خاص: ایمان، باور، اعتماد در کولسیان ۱: ۲ را مطالعه کنید.

■ "به مسیح عیسی" حرف اضافه ای که معمولاً پولس برای ایمان استفاده میکرد "درون" یا "از طریق" (eis) مسیح بود، که از او به عنوان موضوع ایمان فرد صحبت میکرد، ولی در اینجا حرف اضافه "به" (en) استفاده شده است که اشاره به عیسی به عنوان عامل وجود دارد (مراجعه شود به کولسیان ۱: ۲، اعمال رسولان ۱۷: ۲۸).

■ "محبتی را که به همه مقدسین دارید" ایمان به خدا با محبت نسبت به دیگران بیان میشود، به خصوص آنان که از خانواده مومنین هستند (مراجعه شود به غلاطیان ۶: ۱۰). استفاده از کلمه "همه" در شرایطی که انحصار گرای معلمین دروغین همه چیز را مختل میکند، دارای اهمیت است. مومنین باید بتوانند میان کسانی که قدیس هستند و یا نیستند تمایز قائل شوند! برای "قدیسان" به موضوع خاص در کولسیان ۱: ۲ مراجعه کنید.

۱: ۵ "امید" پولس از این اصطلاح در چندین مفهوم متفاوت ولی مرتبط استفاده کرده است. اغلب با ایمان آوردن مومن همراه است. این می‌تواند به عنوان

جلال، حیات جاویدان، غایت رستگاری، آمدن دوم و غیره بیان شود. تحقق یافتن حتمی است، ولی عنصر زمان آینده و نامشخص است. امید اغلب با "ایمان" و "محبت" همراه است (مراجعه شود به رومیان ۵: ۲ الی ۵، اول قرنتیان ۱۳: ۱۳، غلاطیان ۵: ۵ الی ۶، افسسیان ۴: ۲ الی ۵، اول تسالونیکیان ۱: ۳، ۵: ۸).

موضوع خاص: امید (*elpis*) در پولس)

(Special Topic: Hope)

پولس اغلب از این اصطلاح به شیوه های مختلف ولی در مفاهیم مرتبط استفاده کرده است. اغلب با تحقق یافتن ایمان مؤمن همراه بود (به عنوان مثال، اول تیموتائوس ۱: ۱). این می تواند به عنوان شکوه، زندگی ابدی، نجات نهایی، آمدن دوم و غیره بیان شود. تحقق یافتن قطعی است، اما عنصر زمان، آینده بوده و نامشخص است. امید اغلب با "ایمان" و "عشق" همراه بود (مراجعه شود به اول قرنتیان ۱۳: ۱۳؛ اول تسالونیکیان ۱: ۳؛ دوم تسالونیکیان ۱: ۲). لیستی از برخی از کاربردهای پولس عبارتند از:

۱. آمدن دوم، غلاطیان ۵: ۵، افسسیان ۱: ۱۸، ۴: ۴، تیتوس ۲: ۱۳
۲. عیسی امید ما است، اول تیموتائوس ۱: ۱ (خدا امید ما است، اول تیموتائوس ۵: ۵، اول پطرس ۳: ۵)
۳. مومن به خدا نشان داده میشود، کولسیان ۱: ۲۲ الی ۲۳، اول تسالونیکیان ۲: ۱۹
۴. امید در بهشت قرار دارد، کولسیان ۱: ۵
۵. اعتماد به انجیل، کولسیان ۱: ۲۳، اول تسالونیکیان ۲: ۱۹
۶. رستگاری نهایی، کولسیان ۱: ۵، اول تسالونیکیان ۴: ۱۳، ۵: ۸
۷. شکوه خدا، رومیان ۵: ۲، دوم قرنتیان ۳: ۱۲، کولسیان ۱: ۲۷
۸. رستگاری کفار توسط مسیح، کولسیان ۱: ۲۷
۹. تضمین رستگاری، اول تسالونیکیان ۵: ۸
۱۰. حیات جاویدان، تیتوس ۱: ۲، ۳: ۷
۱۱. نتایج بلوغ مسیحی، رومیان ۵: ۲ الی ۵
۱۲. رستگاری همه مخلوقات، رومیان ۸: ۲۰ الی ۲۲
۱۳. تصدیق پذیرش، رومیان ۸: ۲۳ الی ۲۵
۱۴. عنوان خدا، رومیان ۱۵: ۱۳
۱۵. اشتیاق پولس برای مومنین، دوم قرنتیان ۱: ۷
۱۶. عهد عتیق به عنوان راهنمایی برای مومنین عهد جدید، رومیان ۱۵: ۴

■ "در آسمان برای شما محفوظ است" این استعاره ای برای حفاظت الهی از امید مومنین است (مراجعه شود به دوم تیموتائوس ۴: ۸، اول پطرس ۱: ۴). معلمین دروغین نمیتوانستند بر رستگاری تحقق یافته مومنین (امید) تاثیر گذارند.

■ "پیشتر شنیده‌اید" این زمان آتوریست اخباری دلالتی فعال از اصطلاح مرکب "شنیدن" و "قبل" است. این اشاره به موعظه انجیل اِپاراس دارد که کولسیان پیشتر و شخصاً با ایمان به آن پاسخ داده بودند. مومنین باید بشنوند، پاسخ دهند، اطاعت کنند و استقامت کنند.

■ "پیام حقیقت یعنی انجیل" این عبارت را به چندین شیوه میتوان درک کرد.

۱. به طور اِباراری، از طریق انجیل، حقیقت را می شنوند
۲. به طور موقتی انجیل را میشنوند
۳. به طور خاص به عنوان راهی برای شناسایی انجیل به عنوان کلام حقیقت

توجه کنید که چگونه در کولسیان ۱: ۶ انجیل به عنوان "فیض خدا در حقیقت" مشخص میگردد. موضوع خاص: حقیقت در نوشته‌های پولس در افسسیان ۱: ۱۳ را مطالعه کنید.

۱: ۶ "در سرتاسر جهان" این اشاره به جهان روم-یونان دارد. این یک گزافه گویی معمولی عهد جدید است (اغراق)، که به واسطه انجیل متی ۲۸: ۱۸ الی ۲۰، انجیل لوقا ۲۴: ۴۶ الی ۴۷، اعمال رسولان ۱: ۸ تبدیل به حقیقت میشوند.

اصطلاح یونانی جهان یا کیهان (*kosmos*) کاربردهای زیادی دارد. میتواند اشاره به یکی از اینها باشد

۱. این سیاره فیزیکی
۲. جامعه بشری که بر سطح این سیاره زندگی میکند
۳. ساختارهای دولتی، فلسفی، موسسات آموزشی و سیستم های مذهبی بشر گمراه و سقوط کرده که به آنها اجازه میدهد مستقل از خدا عمل کنند.

موضوع خاص: استفاده پولس از کاسموس (جهان) (Special Topic: Paul's Use Of Kosmos (World))

پولس از کلمه کاسموس یا جهان به شیوه های مختلفی استفاده کرده است

۱. تمام نظم خلق شده (رجوع شود به رومیان ۱:۲۰، افسسیان ۱:۴، اول قرنتیان ۳:۲۲، ۸:۴ و ۵)
۲. این سیاره (رجوع شود به دوم قرنتیان ۱:۱۲، افسسیان ۱:۱۰، کولسیان ۱:۲۰، اول تیموتائوس ۱:۱۵، ۳:۱۶، ۶:۷)
۳. انسانها (رجوع شود به رومیان ۳:۶ و ۱۹، ۱۱:۱۵، اول قرنتیان ۱:۲۷ و ۲۸، ۴:۹ و ۱۳، دوم قرنتیان ۵:۱۹، کولسیان ۱:۶)
۴. انسانهایی که بدور از خدا سازماندهی شده و عمل می کنند (رجوع شود به اول قرنتیان ۱:۲۰ و ۲۱، ۲:۱۲، ۳:۱۹، ۱۱:۳۲، غلاطیان ۴:۳، افسسیان ۲:۲ و ۱۲، فیلیپیان ۲:۱۵، کولسیان ۲:۸ و ۲۰ الی ۲۳). بسیار شبیه کاربرد یوحنا است (یعنی اول یوحنا ۲:۱۵ الی ۱۷)
۵. ساختار فعلی جهان (رجوع شود به اول قرنتیان ۷:۲۹ الی ۳۱، غلاطیان ۶:۱۴، مشابه فیلیپیان ۳:۴ الی ۹، جایی که پولس ساختارهای یهودی را توضیح می دهد)

از برخی لحاظ، اینها یکدیگر را همپوشانی می کنند و سخت می توان هر یک از کاربردها را طبقه بندی کرد. این کلمه، همانند بسیاری دیگر در تفکر پولس باید در مفهوم متن تعریف شوند نه بر اساس یک تعریف از قبل تعیین شده. واژگان پولس سیال هستند (رجوع شود به *A Man in Christ* نوشته جیمز استوارت). او سعی در برقراری ادبیات مذهبی ندارد بلکه صرفاً می خواهد مسیح را معرفی نماید.

■ "ثمر می دهد و رشد می کند" اینها هر دو زمان حال هستند. اولی صدای میانی و دومی مجهول است ولی در این متن هیچ تمایز الهیاتی میان آنها وجود ندارد، بلکه تعادل میان اعمال پیمان الهی و انسانی را به تصویر می کشند. ثمر دادن نشان تولید مثل است (مراجعه شود به کولسیان ۱: ۱۰؛ انجیل متی ۱۳: ۱ الی ۲۳، انجیل یوحنا ۱۵: ۱۶، غلاطیان ۵: ۲۲ الی ۲۳، یعقوب ۲: ۱۴ الی ۲۶).

NASB	"درک شد"
NKJV	"دانسته شد"
NRSV	"متوجه شد"
TEV	"به شناخت رسید"
NJB	"تشخیص داده شد"

این آنوریست اخباری فعال مشدد از اصطلاح یونانی *epignōskō* است که دلالت بر "شناخت کامل و تجربی دارد". کولسیان انجیلی را دریافت کردند که هم فرد و هم حقیقت است (ادغام کردن معنی "شناختن" از زبانهای عبری و یونانی). این واکنش پولس به تاکید دروغین ارتداد بر شناخت انسانی بود (مراجعه شود به کولسیان ۱: ۹ و ۱۰).

■ "فیض خدا را به معنای واقعی" این اشاره به انجیل عیسی مسیح دارد، که نهایتاً و کاملاً طبیعت و شخصیت الهی را برای نسل بشر بیان میکند. امید غایی مومنین شخصیت تغییر ناپذیر و بخشاینده خدا است (مراجعه شود به ملاکی ۳: ۶).

کلمه یونانی "فیض" (*charis*) در یونانی کوبین (بین ۲۰۰ قبل از میلاد تا ۲۰۰ میلادی) و Septuagint (۲۵۰ الی ۱۰۰ قبل از میلاد) در چندین مفهوم دلربایی، زیبایی، لطافت، مورد موافقت، منفعت لطف کردن در حق کسی، یا یک شرط استفاده میشود. در عهد جدید اساساً در مورد محبت و شفقتی که فرد سزاوار آن از جانب تثلیث خدایی که پارسایی میدهد و دوستی با بشر گمراه و سقوط کرده را احیا میکند، نباشد، به کار رفته است (مراجعه شود به افسسیان ۴: ۴ الی ۷). تاکید همیشه بر ارزش دهنده (خدا) است نه گیرنده (نوع بشر). هر آنچه لازم باشد، خدا فراهم کرده است. تنها کاری که فرد میتواند انجام دهد، پاسخ دادن است (مراجعه شود به افسسیان ۲: ۸ الی ۹).

برای "حقیقت" به موضوع خاص: حقیقت در نوشته های پولس در افسسیان ۱: ۱۳ مراجعه کنید.

۷:۱ "پافراس" (مراجعه شود به کولسیان ۴: ۱۲ الی ۱۳، فیلمون ۲۳). او بنیانگذار سه کلیسا (کولسی، هیراپولیس و لائودیکیه) در دره رود لیکوس و نماینده پولس بود (مراجعه شود به کولسیان ۱: ۷). او احتمالاً در طول دوران اقامت پولس در افسس ایمان آورده بود (مراجعه شود به اعمال رسولان ۱۹: ۱۰). نام او

از اپافرو دیتوس کوتاه شده بود که از نظر نحو و ریشه یابی مرتبط با الهه افرو دیتوس است. مرد دیگری به این همین نام در فیلیپیان ۲: ۲۵، ۴: ۱۸ ذکر شده است. با این وجود، او از یک منطقه جغرافیایی دیگر است.

NASB	"بنده وفادار مسیح از طرف ما"
NKJV, NRSV	"مبشر وفادار مسیح از جانب شما"
TEV	"کارگر وفادار مسیح از جانب ما"
NJB	"یک معاون قابل اعتماد برای ما به عنوان بنده مسیح"

در نسخ دستنویس یونانی تفاوت‌هایی در خصوص ضمائر وجود دارد. در برخی ضمیر مالکیت "مال ما/ما" و در برخی ضمیر مالکیت "شما" دیده میشود. از نظر متنی، ضمیر مالکیت "مال ما" مناسبتر است زیرا در نسخ دستنویس یونانی اولیه P⁴⁶، A، B، D*، F و G دیده میشود. ولی اساتید United Bible Society احساس میکنند که "مال شما" اصل باشد به خاطر مکان آن در روایتهای پدران کلیسای اولیه و ترجمه های اولیه لاتین، آرامی و کپتیک (مراجعه شود به Bruce M. Metzger, *A Textual Commentary on the Greek New Testament*، صفحات ۶۱۹ و ۶۲۰).

۸: ۱ "محبت شما که در روح است" به طور حیرت انگیزی این تنها اشاره مشخص و خاص به روح القدس در نامه است، هر چند ممکن است در "پر شده" در کولسیان ۱: ۹ و "ساکن شدن" در کولسیان ۳: ۱۶ به او اشاره شده باشد. هدف ایجاد عشق روح القدس میتواند یکی از اینها باشد:

۱. دیگر مومنین
۲. پولس و تیم مبشرین او
۳. اپافراس
۴. همه موارد فوق و حتی آنهایی که فراموش شده اند

NASB (به روز شده): کولسیان ۱: ۹ الی ۱۴

از همین رو، از روزی که این را شنیدیم، از دعا کردن برای شما باز نایستاده ایم، بلکه پیوسته از خدا می خواهیم که شما از شناخت اراده او در هر حکمت و فهم روحانی پر شوید،^{۱۰} تا رفتار شما شایسته خداوند باشد، و بتوانید او را از هر جهت خشنود سازید: یعنی در هر کار نیک ثمر آورید و در شناخت خدا رشد کنید^{۱۱} و با همه نیرویی که از قدرت پر جلال او سرچشمه می گیرد، از هر حیث نیرومند شوید تا صبر و تحمل بسیار داشته باشید، و تا شادمانه^{۱۲} پدر را شکر گوید که شما را شایسته سهیم شدن در میراث مقدسین در قلمرو نور گردانیده است.^{۱۳} زیرا ما را از قدرت تاریکی رهانیده و به پادشاهی پسر عزیزش منتقل ساخته است،^{۱۴} که در او از رهایی، یعنی از آموزش گناهان برخورداریم.

۹: ۱ الی ۲۰ در متن یونانی، این یک جمله است. کولسیان ۱: ۹ الی ۱۲ دعای پولس برای این مومنین است. کولسیان ۱: ۱۳ الی ۱۴ توصیف میکند که پدر از طریق پسر چه کارهایی برای مومنین انجام داده است. آیات ۱۵ الی ۱۸ احتمالاً نقل قولی از یک سرود مسیحی اولیه و یا یک اقرار مرتبط با بشارت پسر هستند (دیگر سرودهای احتمالی، مراجعه شود به فیلیپیان ۲: ۶ الی ۱۱، اول تیموتائوس ۳: ۱۶، دوم تیموتائوس ۲: ۱۱ الی ۱۲). این یکی از بزرگترین اقرارهای مسیح شناسی در نوشته های پولس است (مقایسه با فیلیپیان ۲: ۱۱).

۹: ۱ "این را شنیدیم" پولس این کلیسا را بنا نکرد، و اعضای آن را هم شخصاً نمی شناخت. او درباره ایمان و عشق آنان از بنیانگذار آن، اپافراس، شنیده بود (مراجعه شود به کولسیان ۱: ۷ الی ۸).

■ "از دعا کردن برای شما باز نایستاده ایم" حالت جمع یا (۱) به خود پولس یا (۲) پولس و تیم مبشرین همراه او اشاره دارد. رهبران باید دائماً گله های خود را به خداوند نگه دارند. موضوع خاص: نماز روحانی در کولسیان ۴: ۳ را ببینید.

■ "پر شوید" این وجه وصفی آثور بیست مجهول است. مومنین نمیتوانند خود را پر کنند، بلکه باید به روح القدس اجازه دهند و با او همکاری کنند (مراجعه شود به افسسیان ۵: ۱۸).

"پر شدن" فعل اصلی در کولسیان ۱: ۹ الی ۱۲ است. این نخستین درخواست از دو درخواست پولس از طرف مؤمنان کولسیان از پدر است. دیگری ارزشمند شمردن گامهای آنان است (کولسیان ۱: ۱۰). توجه داشته باشید که او دانش شناخت خدا را با شیوه زندگی خدا پسندانه پیوند می دهد (افسسیان ۴: ۱، ۱۷، ۵: ۲، ۱۵). ایمان بدون کار مرگ است (یعقوب ۲: ۱۴-۲۶).

■ "شناخت اراده او" محتوای این شناخت (*epignōskō*، یعنی دانش تجربی، مراجعه شود به آیه ۶) انجیل است. انجیل (۱) بدنی از حقیقت است که باید باور شود، (۲) کسی که باید پذیرفته شود، و (۳) یک شیوه زندگی که فرد باید بدان گونه زندگی کند. خواست خدا این است که افراد شخصاً به مسیح پاسخ دهند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۶: ۲۹ و ۴۰) که هدف همه "خرد و دانش معنوی و روحانی" است.

این آیه نمایشی است از الهیات معلمین دروغین. این با (۱) استفاده پولس از "پر شدن" (*plerōma*)، یکی از اصطلاحات محبوب عرفا برای *haeon* میان خدای والا و سطوح فرشتگان و (۲) تاکید آنان بر دانش اسرار (مراجعه شود به کولسیان ۲: ۳) تأیید میشود. از نظر پولس تمامی پُری و دانش در مسیح است، که خرد خدا بود (*sophia*)، مراجعه شود به کولسیان ۱: ۲۸، ۲: ۳ و ۲۳، ۳: ۱۶، ۴: ۵، افسسیان ۱: ۸ و ۱۷، ۳: ۱۰ و تقارب کل حقیقت (*sunesis*)، مراجعه شود به کولسیان ۲: ۲).

به تکرار سه گانه توجه کنید: "شناخت"، "خرد"، "درک". این منعکس کننده تاکید معلمین دروغین بر حقیقت پنهان است (مراجعه شود به کولسیان ۲: ۳). مسیح حقیقت خدا است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۴: ۶)!

۱۰: ۱ " رفتار شما شایسته خداوند باشد " این ائوریست فعال نامحدود است. با چهار وجه وصفی حال تعریف شده است (مراجعه شود به کولسیان ۱: ۱۰ الی ۱۲) که شایسته بودن را توصیف میکند (مراجعه شود به کولسیان ۲: ۶، ۳: ۷، ۴: ۵، افسسیان ۲: ۱۰، ۴: ۱ و ۱۷، ۵: ۲ و ۱۵، اول تسالونیکیان ۲: ۱۲، ۴: ۱). اراده خدا این است که فرزندان روزانه منعکس کننده شخصیت او باشند.

■ " در هر کار نیک ثمر آورید " برای "ثمر آوردن" به یادداشت کولسیان ۱: ۶ مراجعه کنید. این نخستین از چهار وجه وصفی حال است (مراجعه شود به کولسیان ۱: ۱۰ الی ۱۲) که ارزشمند زندگی کردن را توصیف میکند.

خواست خدا این است که تمامی مومنین زندگی خداپسندانه داشته باشند. تحول اخلاقی مومنین شاهدهی است که تصویر خدا احیا شده است! این به عنوان پلی برای بشارت دادن عمل میکند. منعکس کننده مشخصه های خانواده جدید مومن است و نشان میدهد که پدر واقعی کیست- خدا. رستگاری انجیلی یک نعمت رایگان است، که باید منجر به یک زندگی جدید و متفاوت شود (مراجعه شود به افسسیان ۲: ۸ الی ۹ و ۱۰).

■ " در شناخت خدا رشد کنید " این دومین وجه وصفی حال است. این یک اصطلاح مرکب قوی برای دانش تجربی است (*epignōskō*)، مراجعه شود به کولسیان ۱: ۹ و ۱۰، ۳: ۱۰، افسسیان ۱: ۱۷، ۴: ۱۳). مومنین باید همچنان به درک معنای انجیل ادامه داده و به زندگی در پیامدهای آن ادامه دهند.

۱۱: ۱ " از هر حیث نیرومند شوید " این سومین وجه وصفی حال است که به معنی "با تمام قدرتی که در اختیار است" میباشد. همانند رستگاری، زندگی مسیحی یک نعمت ماورا الطبیعه است، نه اینکه یک تلاش صرفا انسانی یا بدون کمک و مستقل (مراجعه شود به غلاطیان ۳: ۱ الی ۳). مومنین باید خود را به روح القدس واگذار کنند تا زندگی خداپسندانه و موثر برایشان ایجاد کند (مراجعه شود به افسسیان ۵: ۱۸). این اصطلاح همیشه در مورد قدرتهای ماورا الطبیعی استفاده میشود (مراجعه شود به افسسیان ۱: ۱۹، فیلیپیان ۴: ۱۳).

■ " با همه نیرویی که از قدرت پر جلال او سرچشمه می گیرد " این عبارت توصیف میکند که چگونه مومنین باید "با تمام قدرت تقویت شوند". آنها باید خود را به خدا و روح القدس واگذار کنند و انرژی، قدرت و جلال از او خواهد بود.

■ " صبر و تحمل " آدم حیرت میکند که آیا اینها به صورت مترادف به کار رفته اند؟ آنها کمی تفاوت داشتند. صبر (*hupomonē*) به معنی بردباری و استقامت است، در حالیکه صبر (*makrothumia*) به معنی صبر و بردباری در برابر پلیدی و درد و رنج است. پولس اغلب در خصوص این دو مورد نصیحت میکرد (مراجعه شود به دوم قرنتیان ۶: ۴ و ۶، دوم تیموتائوس ۳: ۱۰). مومنین فقط با قدرت خدا، توانمند هستند. این اصطلاحات اغلب برای توصیف اینکه خدا چگونه با انسان گمراه و سقوط کرده رفتار میکند استفاده میشود (مراجعه شود به رومیان ۲: ۴، ۹: ۲۲، اول قرنتیان ۶: ۶) و چگونه انسان باز خرید شد و بنابراین هر کدام چگونه باید با دیگری رفتار کنند (مراجعه شود به غلاطیان ۵: ۲۲ الی ۲۳، افسسیان ۴: ۲، کولسیان ۳: ۱۲).

■ "شادمانه" از نظر دستور زبانی این میتواند مرتبط با کولسیان ۱: ۱۱ (NKJV) یا کولسیان ۱: ۱۲ (NASB, NRSV, TEV, NJB) باشد.

■ "شکر گوئید" این آخرین وجه وصفی حال در کولسیان ۱: ۱۰ الی ۱۲ است که شایسته بودن را با شکر گزاری مستمر توصیف میکند. شکر گفتن مشخصه زندگی پر شده با روح است (مراجعه شود به کولسیان ۳: ۱۷، افسسیان ۵: ۲۰، اول تسالونیکیان ۵: ۱۸).

■ "پدر" باید به طور مداوم به مسیحیان یادآور شد که تمرکز عهد عتیق بر بشارت پسر نباید ستایش از خدای پدر کاهش دهد. او کسی است که شخصیت و فیض او در عیسی مسیح نمایش داده می شود. او فرستنده و نگهدارنده پسر بود (مراجعه شود به افسسیان ۱: ۳-۱۴ و ۱۵-۲۳).

چندین تنوع در نسخ یونانی این عبارت وجود دارد. با این حال، این عبارت توسط نسخ یونانی باستان یونانی P^{61} ، A، C، D، K، و P و ترجمه لاتین والگیت پشتیبانی می شود. UBS^4 به آن رتبه "B" (تقریبا یقین) میدهد. این تفاوتها، همانطور که اغلب درست هستند، بر حس، حقیقت یا اعتماد متن تاثیر نمی گذارند. کاتبین و علمای اولیه سعی کردند متون بازنویسی شده واضح تر نوشته شوند. پیوست دورا ببینید.

NASB, NKJV
"واجد شرایط کرد"
NRSV
"قادر ساخت"

این اصطلاح فقط در اینجا و در دوم قرن‌تین ۳: ۵ الی ۶ استفاده شده است (حالت صفتی در دوم قرن‌تین ۲: ۱۶، ۳: ۵ و دوم تیموتائوس ۲: ۲ استفاده شده است). خدا با (۱) اعلام ما مبنی بر اینکه از طریق مسیح پارسا هستیم (توجیه و تقدیس موقعیتی) و (۲) توسعه همانند مسیح بودن در ما (تقدیس پیشرونده) ما را واجد شرایط ساخت. موضوع خاص: تقدیس در افسسیان ۱: ۱ را مطالعه کنید.

■ "ما را" متون دستنویس یونانی به طور مساوی بین "ما را" (NASB, NKJV) و "شما را" (NRSV, TEV, NJB) تقسیم میشوند. ⁴UBS به "شما را" امتیاز "B" (تقریباً یقین) میدهد. ممکن است "شما را" توسط یک کاتب برای مطابقت و هماهنگی با کولسیان ۱: ۱۳ نوشته شده باشد.

■ "سهیم شدن در میراث" ارث به معنای واقعی کلمه عبارت "سهیم" است. خداوند وعده به ابراهیم زمین و بذر را وعده داد (انجیل متی ۱۲: ۱۲). عهد عتیق بر زمین تمرکز دارد؛ عهد جدید بر روی دانه تمرکز می‌کند. در عهد عتیق، سرزمین فلسطین به عنوان یک ارث قبیله‌ای به تمامی فرزندان یعقوب (به جز یوشع ۱۲-۱۹) به جز لایوان داده می‌شود، زیرا وظیفه آنها انحصاراً خدمت به خدا است (مراجعه شود به اعداد ۴: ۴۵). گفته می‌شود که خدا خود ارثیه آنان است (مراجعه شود به اعداد ۱۸: ۲۴). به یک معنی، همه مردم عهد عتیق کشیش بودند (خروج ۱۹: ۴-۶). آنها یک پادشاهی کشیشان بودند تا تمام دنیا را به سوی خدا آورند. با اصطلاحات عهد عتیقی، مردم خدای عهد جدید به عنوان کشیش هستند (مراجعه شود به اول پطرس ۲: ۵ و ۹، مکاشفه ۱: ۶). همانطور که لایوان به عنوان ارث خود، خدا را داشتند، اکنون همه مؤمنان عهد جدید هم او را دارند (مراجعه شود به اعمال رسولان ۲۰: ۳۲؛ رومیان ۸: ۱۷؛ غلاطیان ۴: ۷).

موضوع خاص: وراثت ایمانداران (از اول پطرس ۱)

(Special Topic: Believers' Inheritance (From 1 Peter 1))

در عهد عتیق هر قبیله به غیر از لایوان زمینی را به ارث بردند (مراجعه شود به یوشع ۱۴ الی ۲۲). به لایوان به عنوان کشیشان، خادمان معبد و آموزگاران محلی با دید اینکه یهوه را دارند و وارث او هستند، دیده می‌شد (مراجعه شود به مزمور ۵: ۱۶، ۲۳: ۷۳، ۲۶: ۵۷، ۱۱۹: ۵، ۱۴۲: ۵، مراثی ارمیا ۳: ۲۴). نگارندگان عهد جدید اغلب حقوق و امتیازات لایوان را از آنان سلب کرده و آنها را به تمامی مومنین اطلاق می‌کردند. این شیوه آنان در تصریح این بود که پیروان عیسی مردمان راستین خدا بودند و اینکه، هم اکنون تمامی مومنین برای خدمت به عنوان کشیشان خدا به خدمت فرا خوانده شده‌اند (مراجعه شود به اول پطرس ۲: ۵ الی ۹، مکاشفه ۶: ۱)، همانطور که عهد عتیق در مورد تمامی اسرائیل این امر را تصریح می‌کند (مراجعه شود به کتاب خروج ۴: ۱۹ الی ۶). تاکید عهد جدید برای کشیش بودن هر فرد با امتیازات و مزایای خاص نیست، بلکه بر این حقیقت است که تمامی مومنین کشیشانی هستند که باید به صورت گروهی و جمعی خدمت کنند (مراجعه شود به اول قرن‌تین ۷: ۱۲). به مردم عهد جدید خدا وظیفه بشارت دادن جهانی داده شده است (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۳: ۱۲، کتاب خروج ۵: ۱۹، انجیل متی ۱۸: ۲۸ الی ۲۰، انجیل لوقا ۴: ۴۶ الی ۴۷، اعمال رسولان ۸: ۱، موضوع خاص: برنامه رستگاری جهانی یهوه را مطالعه کنید).

این است مفهوم کار عیسی به عنوان مالک خلقت زیرا او نماینده پدر در خلقت بود (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۳: ۱ و ۱۰، اول قرن‌تین ۸: ۶، کولسیان ۱: ۱۶، عبرانیان ۲: ۱۰ الی ۳). ما شرکای این میراث هستیم زیرا او وارث است (مراجعه شود به رومیان ۸: ۱۷، غلاطیان ۴: ۷، کولسیان ۳: ۲۴). کتاب مقدس درباره مومنین که چیزهای بسیاری را به واسطه رابطه خانوادگی با عیسی که وارث همه چیز است (مراجعه شود به عبرانیان ۲: ۱) به ارث (مراجعه شود به اعمال رسولان ۳۲: ۲۰، ۱۸: ۲۶، افسسیان ۴: ۱، کولسیان ۱: ۱۲، ۳: ۲۴) می‌برند، صحبت می‌کند. بنابراین در به ارث بردن اینها شریک هستند (مراجعه شود به رومیان ۸: ۱۷، غلاطیان ۴: ۷):

۱. پادشاهی (مراجعه شود به انجیل متی ۲۵: ۳۴، اول قرن‌تین ۹: ۶ الی ۱۰، ۱۵: ۵۰، افسسیان ۵: ۵)
۲. زندگی جاویدان (مراجعه شود به انجیل متی ۱۹: ۲۹، عبرانیان ۹: ۱۵)
۳. وعده‌های خدا (مراجعه شود به عبرانیان ۶: ۱۲)
۴. تعهد خدا بر وعده‌هایش (مراجعه شود به اول پطرس ۴: ۱ الی ۵)

■ "مقدسین" موضوع خاص در آیه ۲ را مطالعه کنید.

■ "در نور" این یا (۱) یک اظهار اخلاقی بود (انجیل یوحنا ۳: ۱۹) یا (۲) بیانیه‌ای در مورد همانند مسیح بودن در مخالفت با شیطنی بودن بود (مراجعه شود به افسسیان ۶: ۱۲؛ اعمال رسولان ۱۸: ۲۶).

۱۳:۱ الی ۱۴ این آیات به عنوان یک گذار به اعتقاد مسیح شناسی عالی کولسیان ۱: ۱۵-۲۰ عمل می کند. این آنچه خدای پدر برای مؤمنان از طریق پسر انجام داده است را توصیف می کند.

۱۳:۱ "منتقل ساخته است" ضمیر به پدر اشاره میکند. این زمان آتوریست میانی اخباری (دپوننت) است که در مفهوم نجات دادن، استفاده شده است (NRSV, TEV, NJB).

■ "از قدرت تاریکی" این از نظر مفهومی به معنی اقتدار تاریکی (*exousia*) است (مراجعه شود به کولسیان ۱: ۱۲، انجیل لوقا ۲۲: ۵۳). NJB "قدرت حاکمیت تاریکی" دارد. نور و تاریکی اغلب در یهودیت و کتیبه بحر المیت برای نشان دادن دو حوزه معنوی خیر و شر استفاده می شود (یوحنا ۳: ۱۹-۲۱). پولس از این اصطلاح چند بار در کولسیان استفاده می کند (مراجعه شود به کولسیان ۱: ۱۳، ۱۶، ۱۰: ۲، ۱۵).

■ "منتقل ساخته است" این به معنای لغوی "جابجایی" یا "نقل مکان" است. هر دوی این افعال آتوریست هستند. اینها چیزهایی است که خداوند برای مؤمنان انجام داده است.

■ "پادشاهی" عیسی این مفهوم را در قالب واقعیت حال با تحقق یافتن در آینده استفاده می کرد. متن بر این تاکید دارد که مومنین از طریق مسیح مالک چه چیزی هستند (مراجعه شود به افسسیان ۲: ۵ الی ۶). موضوع خاص: پادشاهی خدا در افسسیان ۵: ۵ را مطالعه کنید.

پولس اغلب دقیقاً از اصطلاح "پادشاهی خدا" عیسی استفاده نمی کرد، احتمالاً به خاطر اینکه غیر یهودیان این مفهوم یهودی را درک نمی کردند.

■ "به پسر عزیزش" خدای پدر این عنوان را به عیسی در زمان تعمید و تغییر چهره داد (مراجعه شود به انجیل متی ۳: ۱۷، ۱۷: ۵). عیسی پسر منحصر به فرد است (*monogenēs*)، مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱: ۱۸، ۳: ۱۶ و ۱۸، اول یوحنا ۴: ۹). مومنین از طریق او پسرانش هستند.

موضوع خاص: پسر خدا

(Special Topic: The Son Of God)

این یکی از القاب اصلی عیسی در عهد جدید است. مطمئناً مفهومی الهی دارد. این لقب عیسی "پسر" یا "پسر" را هم شامل می کند، همچنین خدا به عنوان "پدر" خطاب می شود (به موضوع خاص: پدر بودن خدا مراجعه کنید). بیش از ۱۲۴ مرتبه این لقب در عهد جدید تکرار شده است. حتی وقتی عیسی خودش را "پسر انسان" معرفی می کند، بر طبق دانیال ۷: ۱۳ الی ۱۴، باز هم مفهوم الهی دارد.

در عهد عتیق اصطلاح "پسر" به چهار رده خاص اشاره می کند (به موضوع خاص: پسر... مراجعه شود).

۱. فرشتگان (معمولاً به صورت جمع به کار می رود، مراجعه شود به کتاب پیدایش ۲: ۶، ایوب ۶: ۱، ۱: ۲)

۲. پادشاه اسرائیل (مراجعه شود به دوم سموئیل ۷: ۱۴، مزبور ۷: ۲، ۲۶: ۸۹ الی ۲۷)

۳. مردم اسرائیل به صورت کل (مراجعه شود به کتاب خروج ۴: ۲۲ الی ۲۳، تثنیه ۱: ۱۴، هوشع ۱: ۱۱، ملاکی ۱: ۲)

۴. داوران اسرائیلی (مراجعه شود به مزبور ۶: ۸۲)

مفهوم دوم که به عیسی مرتبط است. بدین ترتیب، "پسر داوود" و "پسر خدا" هر دو با دوم سموئیل ۷، مزبور ۲ و ۸۹ مرتبط می شوند. در عهد عتیق "پسر خدا" هرگز به صورت مشخص و صریح در مورد مسیح به کار نرفته است، به جز بصورت پادشاه اسکاتولوژیک به عنوان یکی از "تدهین شدگان" اسرائیل. با این وجود، در کتیبه بحر المیت، لقب مسیح یک دلالت عمومی دارد (به مراجع خاص در *Dictionary of Jesus and the Gospels*. صفحه ۷۷۰ مراجعه شود. همچنین، "پسر خدا" یک لقب مسیحی در دو اثر یهودی بنیادی در مورد مکاشفه یوحنا است (مراجعه شود به دوم اسدارس ۷: ۲۸، ۱۳: ۳۲ و ۳۷ و ۵۲، ۱۹: ۱۴ و اول انوش ۲: ۱۰۵).

زمینه عهد جدیدی آن، چنان که به عیسی اشاره می کند را می توان به بهترین شکل در چند گروه خلاصه کرد:

۱. از قبل وجود داشتن او (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱: ۱۵ الی ۳۰، ۵۶: ۸ الی ۵۹، ۱۶: ۵، ۱۷: ۵، دوم قرنتیان ۹: ۸، فیلیپیان ۲: ۶ الی ۷، کولسیان ۱: ۱۷، عبرانیان ۱: ۳، ۱: ۵ الی ۸)

۲. تولد منحصر به فرد بودنش (از یک باکره) (مراجعه شود به اشعیا ۷: ۱۴، انجیل متی ۱: ۲۳، انجیل لوقا ۱: ۳۱ الی ۳۵)

۳. تعمیدش (مراجعه شود به انجیل متی ۱۷: ۳، انجیل مرقس ۱: ۱۱، انجیل لوقا ۳: ۲۲، صدای خدا از بهشت که پادشاه مزبور ۲ را با خدمتگذار رنج دیده اشعیا ۵۳ متحد میسازد)

۴. وسوسه های شیطان (مراجعه شود به انجیل متی ۴: ۱ الی ۱۱، انجیل مرقس ۱: ۱۲ و ۱۳، انجیل لوقا ۴: ۱ الی ۱۳. او وسوسه شد تا نسبت به فرزندی خود تردید کند یا حداقل ماموریت خود را به شیوه دیگری غیر از مصلوب شدن انجام دهد)

۵. تأیید او توسط اعتراف کنندگان غیر قابل قبول
- a. شیاطین (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱:۲۳ الی ۲۵، انجیل لوقا ۴:۳۱ الی ۳۷ و ۴۱، انجیل مرقس ۳:۱۱ و ۱۲، ۵:۷، به موضوع خاص: شیطان (روح ناپاک) مراجعه شود)
- b. بی‌ایمانان (مراجعه شود به انجیل متی ۲۷:۴۳، انجیل مرقس ۱۴:۶۱، انجیل یوحنا ۱۹:۷)
۶. تأیید او توسط شاگردانش
- a. انجیل متی ۱۴:۳۳، ۱۶:۱۶
- b. انجیل یوحنا ۱:۳۴ و ۴۹، ۶:۶۹، ۱۱:۲۷
۷. تأیید او توسط خودش
- a. انجیل متی ۱۱:۲۵ الی ۲۷
- b. انجیل یوحنا انجیل یوحنا ۳۶:۱۰
۸. استفاده‌های استعاره‌ای او در مورد خدا به عنوان پدر
- a. استفاده او از *abba* برای خدا
- i. انجیل مرقس ۱۴:۳۶
- ii. رومیان ۸:۱۵
- iii. غلاطیان ۴:۶
- b. استفاده مکرر او از پدر (*patēr*) برای توصیف رابطه خودش با خدا
- به طور خلاصه، عنوان "پسر خدا" برای آنان که عهد عتیق و وعده‌هایش و طبقه‌بندی‌هایش را می‌دانند، مفهوم الهیاتی عظیمی دارد، ولی نویسندگان عهد جدید نسبت به استفاده آن توسط پیروان سایر ادیان به واسطه سابقه شرک آنان در مورد "خدایان" که با زنان صحبت می‌کردند که نتیجه آن تایتان‌ها و ژینت‌ها بودند، نگران بودند.

۱۴:۱ "در او برخورداریم" این زمان حال اخباری فعال است. مومنین از طریق مسیح از نعمت خانواده خدا برخوردار میشوند.

■ "رهایی" این ممکن است اشاره ای به اصطلاحات عهد عتیقی (*paduh*: "آزاد یا رها ساختن" و *gaal*: "رها ساختن از طریق نماینده یکی از اقوام [*go'el*]") باشد. عیسی ما را از بردگی برگرداند (مراجعه شود به اشعیا ۵۳: ۱۱ الی ۱۲، انجیل مرقس ۱۰: ۴۵، افسسیان ۱: ۷). رهایی یک واقعیت حال است (مراجعه شود به افسسیان ۱: ۷) و تحقیقی در آینده (مراجعه شود به افسسیان ۴: ۳۰).

موضوع خاص: خونبها/بازخرید

(Special Topic: Ransom-Redeem)

۱. عهد عتیق

a. اساسا دو اصطلاح عبری وجود دارند که دربردارنده این مفهوم می‌باشند.

i. *Ga'al* (BDB 145 I, KB 169 I) که به معنی "بهای آن پرداخت شده و آزاد است" می‌باشد. حالت دیگر این اصطلاح *go'el*

مفهوم واسطه انسانی را به آن اضافه می‌کند که معمولا عضو خانواده است (سرپرست خانواده). این جنبه فرهنگی حق بازخرید اشیا، حیوانات، زمین (مراجعه شود به لویان ۲۵ و ۲۷) یا اقوام (مراجعه شود به روت ۴: ۱۴، اشعیا ۲۹: ۲۲) از دید الهیاتی به تحویل اسرائیل از مصر توسط یهوه منتقل می‌شود (مراجعه شود به کتاب خروج ۶: ۶، ۱۳: ۱۵، مزامیر ۷۴: ۲، ۷۷: ۱۵، ارمیا ۳۱: ۱۱). او تبدیل به ناجی می‌شود (مراجعه شود به یعقوب ۱۹: ۲۵، مزامیر ۱۹: ۱۴، ۷۸: ۳۵، امثال ۲۳: ۱۱، اشعیا ۴۱: ۱۴، ۴۳: ۱۴، ۴۴: ۶ و ۲۴، ۴۷: ۴، ۴۸: ۱۷، ۴۹: ۷ و ۲۶، ۵۴: ۵ و ۸، ۵۹: ۲۰، ۶۰: ۱۶، ۶۳: ۱۶، ارمیا ۵۰: ۳۴).

ii. *Padah* (BDB 804, KB 911) که به معنی "تحویل دادن" یا "نجات دادن" است.

۱. رستگاری تنها مولود (کتاب خروج ۱۳: ۳۵ الی ۱۵ و اعداد ۱۸: ۱۵ الی ۱۷)

۲. رستگاری فیزیکی برابر رستگاری معنوی (مزامیر ۴۹: ۷ و ۸ و ۱۵)

۳. یهوه اسرائیل را از گناهانشان و شورشیان نجات خواهد داد (مزامیر ۱۳۰: ۷ الی ۸)

b. مفهوم الهیاتی آن دربردارنده چندین رابطه است

- i. یک نیاز، تعهد، مجازات و زندانی شدن وجود دارد
۱. فیزیکی
 ۲. اجتماعی
 ۳. معنوی (مراجعه شود به مزامیر ۱۳۰: ۸)
- ii. برای آزادی، رهایی و احیا بهایی باید پرداخت شود
۱. در ارتباط با قوم اسرائیل (مراجعه شود به تثنیه ۷: ۸)
 ۲. در رابطه با فرد (مراجعه شود به یعقوب ۱۹: ۲۵ الی ۲۷، ۳۳: ۲۸، اشعیا ۵۳)
- iii. شخصی باید به عنوان واسطه و ذینفع عمل کند. در *ga'al* این شخص معمولاً یکی از اعضا خانواده یا نزدیکان است (*go'el*, BDB 145)
- iv. یهوه معمولاً خود را با اصطلاحات خانوادگی معرفی می‌کند.
۱. پدر
 ۲. شوهر
 ۳. یک ناجی از نزدیکان خانواده/ناجی رستگاری از طریق یهوه رها می‌شود، بهایش پرداخت و رستگاری حاصل می‌گردد.
۲. عهد جدید
- a. از چندین اصطلاح که در بر دارنده مفهوم الهیاتی بحث هستند، استفاده شده است.
- i. *Agorazō* (مراجعه شود به اول قرن‌تیم ۶: ۲۰، ۷: ۲۳، دوم پطرس ۲: ۱، مکاشفه ۵: ۹، ۱۴: ۳ الی ۴). این یک اصطلاح تجاری است که منعکس کننده بهای پرداخت شده برای چیزی است. ما مردمانی هستیم که خوبها می‌گیریم که بر زندگی خود کنترلی نداریم. ما به مسیح تعلق داریم.
 - ii. *Exagorazō* (مراجعه شود به غلاطیان ۳: ۱۳) ۴: ۵، افسسیان ۵: ۱۶، کولسیان ۴: ۵). این نیز یک اصطلاح تجاری است. این اصطلاح منعکس کننده مرگ جایگزین عیسی از جانب ما است. عیسی نفرینی که بر مبنای شریعت بر ما بود و انسانهای گناهکار نمی‌توانستند آن را تحقق بخشند، تحمل کرد (شریعت موسی، مراجعه شود به افسسیان ۲: ۱۴ الی ۱۶، کولسیان ۲: ۱۴). او نفرینی را که بر ما بود (مراجعه شود به تثنیه ۲۱: ۲۳) برای همه ما (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱۰: ۴۵، دوم قرن‌تیم ۵: ۲۱) تحمل کرد! از طریق عیسی عدالت و عشق خدا در هم آمیخت و تبدیل به بخشش کامل و پذیرش شد!
 - iii. *Luō* (آزاد کردن/رها کردن)
- i. *Lutron* "بهای پرداخت شده" مراجعه شود به انجیل متی ۲۰: ۲۸، انجیل مرقس ۱۰: ۴۵). اینها کلمات قدرتمندی هستند که از دهان خود عیسی بیرون آمده‌اند و در رابطه با هدف آمدنش می‌باشند، برای اینکه ناجی جهان باشد، برای اینکه بدهی گناهانی را که مرتکب نشده است، بپردازد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱: ۲۹).
۲. *Lutroō*
- a. که ناجی اسرائیل باشد (مراجعه شود به انجیل لوقا ۲۴: ۲۱)
 - b. تا خودش را قربانی کند که مردم را نجات دهد و پاک سازد (تیتوس ۲: ۱۴)
 - c. برای اینکه جایگزین بدون گناه باشد (اول پطرس ۱: ۱۸ الی ۱۹)
۳. *Lutrōsis*, "رستگاری"، "آزادی"
- a. نبوت زکریا در مورد عیسی، انجیل لوقا ۱: ۶۸
 - b. دعای آنا با خدا برای عیسی، انجیل لوقا ۲: ۳۸
 - c. عیسی بهتر است، قربانی برای یک مرتبه، عبرانیان ۹: ۱۲
- iv. *Apolytrōsis*
- v. رستگاری در آمدن دوم (مراجعه شود به اعمال رسولان ۳: ۱۹ الی ۲۱)
 ۱. انجیل لوقا ۲۱: ۲۸
 ۲. رومیان ۸: ۲۳
 ۳. افسسیان ۱: ۱۴، ۴: ۳۰
 ۴. عبرانیان ۹: ۱۵
 - vi. رستگاری در زمان مرگ عیسی

۱. رومیان ۳: ۲۴

۲. اول قرن‌تین ۱: ۳۰

۳. افسسیان ۱: ۷

۴. کولسیان ۱: ۱۴

vii. *Antilytron* (مراجعه شود به اول تیموتائوس ۲: ۶). این یک متن مهم است (همانند تیتوس ۲: ۱۴) که رهایی را با مرگ عیسی بر بالای صلیب به عنوان جایگزین مرتبط می‌کند. او تنها قربانی قابل قبول است، کسی که به خاطر "همه" مرد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱: ۲۹، ۳: ۱۶ الی ۱۷، ۴: ۲۴، اول تیموتائوس ۲: ۴، ۴: ۱۰، تیتوس ۲: ۱۱، دوم پطرس ۳: ۹، اول یوحنا ۲: ۲، ۴: ۱۴).

b. مفهوم الهیاتی در عهد جدید

i. انسان برده گناه است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۸: ۳۴، رومیان ۳: ۱۰ الی ۱۸ و ۲۳: ۶: ۲۳)

ii. وابستگی انسان به گناه در قانون عهد عتیقی موسی آشکار شده است (مراجعه شود به غلاطیان ۳) و موعظه عیسی بر بالای کوه (مراجعه شود به انجیل متی ۵ الی ۷). عملکرد انسان تبدیل به مجازات مرگ برای او شده است (مراجعه شود به کولسیان ۲: ۱۴)

iii. عیسی، بره معصوم خدا، آمد و بجای ما مرد (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱۰: ۴۵، انجیل یوحنا ۱: ۲۹، دوم قرن‌تین ۵: ۲۱). ما را از گناه خریدند تا به خدا خدمت کنیم (مراجعه شود به رومیان ۶).

iv. به طور ضمنی هم پیهو و هم عیسی "نسبت نزدیک" دارند که از طرف ما عمل می‌کنند. این استعاره‌های خانوادگی (یعنی پدر، شوهر، پسر، برادر، نزدیکان) تداوم می‌یابند.

v. رستگاری بهایی نیست که به شیطان (یعنی الهیات قرون وسطی) پرداخت شده باشد، بلکه آشتی با خدا و عدالت خداوند با عشق خدا و کامل بودن در مسیح است. در صلیب صلح بازگردانده شد، شورش بشر آموزش داده شد، تصویر خدا در بشریت در حال حاضر به طور کامل در همکاری صمیمانه عمل می‌کند!

vi. هنوز یک جنبه آینده نگرانه‌ای در رستگاری وجود دارد (مراجعه شود به رومیان ۸: ۲۳، افسسیان ۱: ۱۴، ۴: ۳۰)، که شامل احیا کالبد ما و صمیمیت فردی با تثلیث خدا است (موضوع خاص: تثلیث را مطالعه کنید). کالبدهای احیا شده ما همانند او خواهند بود (مراجعه شود به اول یوحنا ۳: ۲). او یک بدن فیزیکی دارد، ولی با یک بعد اضافی. به سختی می‌توان پارادوکس اول قرن‌تین ۱۵: ۱۲ الی ۱۹ را با اول قرن‌تین ۱۵: ۳۵ الی ۵۹ توصیف کرد. برای هر کسی یک کالبد فیزیکی و زمینی وجود دارد و همچنین یک کالبد معنوی و بهشتی. عیسی هر دو را داشت.

■ "آمزش گناهان" چندین اصطلاح یونانی برای "آمزش" وجود دارند. این یکی (*aphesis*) به معنی "به کناری انداختن" است، که اشاره به مراسم روز تطهیر است (مراجعه شود به لایوان ۱۶). قربانی به صورت نمادین گناهان مردم را با خود حمل میکند.

از *Heresies*, 1:21:2 اثر ایرنئوس میفهمیم که برخی معلمین عرفان رهایی را از بخشش توسط عوامل زمان و بلوغ تفکیک میکنند. پولس ممکن است به این اشتباه اشاره میکند.

نسخه شاه جیمز عبارت "از طریق خون او" را اضافه میکند، که بعداً علما همسوی آن در افسسیان ۱: ۷ اضافه کردند.

NASB (به روز شده): کولسیان ۱: ۱۵ الی ۲۰

^{۱۵} او صورت خدای نادیده است و فرزند ارشد بر تمامی آفرینش،^{۱۶} زیرا همه چیز به واسطه او آفریده شد: آنچه در آسمان و آنچه بر زمین است، دیدنیها و نادیدنیها، تختها و فرمانرواییها، ریاستها و قدرتها، همه به واسطه او و برای او آفریده شدند.^{۱۷} او پیش از همه چیز وجود داشته، و همه چیز در او قوام دارد.^{۱۸} او بدن، یعنی کلیسا، را سر است. او سرآغاز و نخست‌زاده از میان مردگان است، تا در همه چیز برتری از آن او باشد.^{۱۹} زیرا خشنودی خدا در این بود که با همه کمال خود در او ساکن شود،^{۲۰} و به واسطه او همه چیز را، چه در آسمان و چه بر زمین، با خود آشتی دهد، به وسیله صلحی که با ریخته شدن خون وی بر صلیب پدید آورد.

۱: ۱۵ الی ۲۰ این عبارت شاعرانه ممکن است یک شعر یا اعتقاد کلیسای اولیه را نشان دهد. را با (۱) فرمانروایی کیهانی عیسی مسیح و (۲) اقدامات رستگاری مرتبط است. همان جنبه دوگانه در عبرانیان ۱: ۲ الی ۳ هم دیده می‌شود. این نشان دهنده چندین اصطلاح عرفانی، "نخستین زاده"، "کامل" و مفاهیمی مانند سطوح فرشتگان (به عنوان مثال *aeons*) در کولسیان ۱: ۱۶، و کاملاً انسان بودن عیسی و مرگ در کولسیان ۱: ۲۰ است.

توجه کنید که اصطلاح "همه" هفت مرتبه استفاده شده است (مراجعه شود به کولسیان ۱: ۱۵ و ۱۶ [دو مرتبه]، ۱۷ [دو مرتبه]، ۱۸ و ۲۰). بشارت

عیسی جامع است، هر چه هست، همه از او است.

۱. توسط او همه چیز خلق شدند
۲. همه چیز از طریق او خلق شدند
۳. او قبل از همه چیز وجود داشت
۴. از طریق او همه چیز با هم هستند
۵. او خودش خواهد آمد تا در هر چیز اولین جایگاه را داشته باشد
۶. همه پُری‌ها در او ساکن هستند
۷. همه مصالحه‌ها با وی از طریق او انجام میشوند (ضمیر "وی" احتمالا مرتبط با پدر است).

توجه کنید که چند مرتبه ضمیر او با حروف اضافه متفاوت آمده اند:

۱. "در او"، کولسیان ۱: ۱۷ و ۱۷ و ۱۹
۲. "توسط او"، کولسیان ۱: ۱۶ و ۲۰
۳. "به واسطه او/در او"، کولسیان ۱: ۱۶ و ۲۰ (به همین مورد در افسسیان ۱: ۳ الی ۱۴ توجه کنید)

۱۵: ۱ "او صورت خدای نادیده است" همین کلمه (*eikōn*) در کولسیان ۳: ۱۰ و دوم قرنتیان ۴: ۴ در مورد عیسی استفاده شده است. یک عبارت الهیاتی مشابه در انجیل یوحنا ۱: ۱۸، ۱۴: ۹، فیلیپیان ۲: ۶، عبرانیان ۱: ۳ تکرار شده است. عبارت عبرانیان ۱: ۳ اصطلاح یونانی قویتری دارد (*charakter*)، که به معنی "دقیقا نماینده" است، مراجعه شود به پیدایش ۱: ۲۶ الی ۲۷، ۵: ۱، ۹: ۶، اول قرنتیان ۱۱: ۷، یعقوب ۳: ۹). دیدن عیسی، دیدن خدا است! خدای نامرئی، مرئی میشود! خدا تبدیل به انسان میشود (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۴: ۹).

بشارت عیسی احیا تصویر خدا در انسان بود. به یک مفهوم، عدن از طریق عیسی، آدم دوم، احیا شده بود (مراجعه شود به رومیان ۵: ۱۲ الی ۲۱، اول قرنتیان ۱۵: ۲۰ الی ۲۸، فیلیپیان ۲: ۶). حتی این احتمال هست که بهشت، یک عدن احیا شده باشد.

۱. انجیل با خدا، نوع بشر و حیوانات (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۱ الی ۲) آغاز میشود و با خدا و نوع بشر در یک باغ پایان می‌یابد (و به طور ضمنی با حیوانات، مراجعه شود به مکاشفه ۲۱ الی ۲۲).
۲. نبوت اشعیا ۱۱: ۶ الی ۹ فرزندان و حیوانات را در عصر جدید توصیف میکند
۳. اورشلیم جدید برای ایجاد یک زمین از آسمان پائین می‌آید (مراجعه شود به دوم پطرس ۳: ۱۰ الی ۱۳، مکاشفه ۲۱: ۲)

■ "فرزند ارشد بر تمامی آفرینش" این یک استعاره عهد عتیقی در مورد جایگاه خاص و منحصر به فرد عیسی است.

۱. ربی‌ها می‌گفتند که این به معنی برتری است (مراجعه شود به خروج ۴: ۲۲)
۲. در عهد عتیق در مورد پسر بزرگتر به عنوان وارث و مدیر خانواده استفاده میشد
۳. در مزامیر ۸۹: ۲۷ در مفهوم مسیحانه استفاده شده است
۴. در امثال ۸: ۲۲ اشاره به خرد به عنوان نخستین مخلوق خدا و نماینده خلقت دارد. در متن ترکیب گزینه‌های اول و دوم به نظر می‌رسد مناسبترین باشد.

این عبارت نباید چنین درک شود که عیسی نخستین مخلوق (شماره ۴) است. این بازی معلمان عرفان است، که می‌گفتند عیسی در بالاترین سطح فرشتگان در کنار خدای بزرگ بود. این باید در چهار چوب عهد عتیق یهودی تفسیر شود. عیسی پسر منحصر به خداوند بود (انجیل یوحنا ۱: ۱۸، ۳: ۱۸، ۱۶: ۱ یوحنا ۴: ۹)؛ در عین حال عیسی همیشه از جنس خدا بود (مراجعه شود به کولسیان ۱: ۱۷؛ انجیل یوحنا ۱: ۱، ۱۸: ۵؛ ۱۰: ۳۰؛ ۱۴: ۹؛ ۲۸: ۲۰). او در زمان خودش در بیت لحم انسان شد، به طوری که بشر افتاد و گمراه بتواند خداوند را درک کند (انجیل یوحنا ۱: ۱۸، ۱۴).

موضوع خاص: نخست زاده

(Special Topic: Firstborn)

این کلمه "نخست زاده" (*prōtotokos*) در چندین مفهوم خاص در انجیل استفاده شده است.

۱. زمینه عهد عتیقی آن اشاره می‌کند به
 - a. نخست زاده به یهوه تعلق دارد (BDB 114, KB 131)، مراجعه شود به خروج ۱۳: ۲ و ۱۲، ۲۲: ۲۹، ۳۴: ۱۹، اعداد ۳: ۱۳
 - b. نخستین فرزند خانواده (مراجعه شود به تثنیه ۲۱: ۱۷، مزامیر ۸۹: ۲۷، انجیل لوقا ۲: ۷، رومیان ۸: ۲۹، عبرانیان ۱۱: ۲۸)

۲. استفاده آن در کولسیان ۱: ۱۵ از عیسی به عنوان نخستین مخلوق صحبت می‌کند که احتمالاً یک اشاره عهد عتیقی به امثال ۸: ۲۲ الی ۳۱ یا نماینده خدا در خلقت (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱: ۳، اول قرنتیان ۸: ۶، کولسیان ۱: ۱۵ الی ۱۶، عبرانیان ۱: ۲) دارد
۳. کاربرد آن در کولسیان ۱: ۱۵ و ۱۸، اول قرنتیان ۱۵: ۲۰ و ۲۳، مکاشفه ۱: ۵ اشاره به عیسی به عنوان نخست زاده از مردگان دارد
۴. عنوان عهد عتیقی آن در مورد مسیح استفاده شده است (مراجعه شود به مزامیر ۸۹: ۲۷، عبرانیان ۱: ۶، ۱۲: ۲۳)، عنوانی است که چندین جنبه اولویت و محوریت عیسی را ترکیب می‌کند.

۱: ۱۶ "همه چیز به واسطه او آفریده شد" عیسی نماینده خدا در خلقت بود، هم مرئی و هم نامرئی، زمینی و بهشتی (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱: ۳ و ۱۰، رومیان ۱۱: ۳۶، اول قرنتیان ۸: ۶، عبرانیان ۲: ۲، ۱۰: ۱). این جهانبینی عرفانی رابطه ضد تهاجمی میان روح (خدا) و ماده را نفی میکند. این عیسی بود که با جهان خلق شده صحبت میکرد (مراجعه شود به پیدایش ۱). عیسی بود که آدم را شکل داد و بر او نفس زندگی دمید (مراجعه شود به پیدایش ۲).

در کولسیان ۱: ۱۶ فعل "خلق شدن" دو مرتبه استفاده شده است. اولی آئوریست مجهول اخباری و دومی در انتهای آیه (در نسخه یونانی) زمان کامل اخباری مجهول است. قدرت و فشار بر این است که عیسی در خلقت به عنوان نماینده یا عامل است ولی پدر مسبب اصلی است. خلقت در (en) عیسی، از طریق (dia) عیسی و برای (eis) عیسی بود!

■ "تختها و فرمانرواییها، ریاستها و قدرتها" در برخی متون، این اصطلاحات میتوانند اشاره به رهبران دولتهای زمینی باشند (مراجعه شود به رومیان ۱۳)، ولی در متن کولسیان آنها به سطوح فرشتگان معلمین دروغین (aeons)، مراجعه شود به رومیان ۸: ۳۸، اول قرنتیان ۱۵: ۲۴، افسسیان ۱: ۲۱، ۳: ۱۰، ۶: ۱۲، کولسیان ۱: ۱۶، ۲: ۱۰ و ۱۵، اول پطرس ۳: ۲۲) اشاره می‌کنند. قداما جهان را نه فقط به شکل یک عامل فیزیکی و تاثیر روابط و ارتباطات بلکه به عنوان یک قلمرو روحانی و معنوی هم میدیدند. غیر ممکن است که جهانبینی انجیلی داشته باشید و منکر قلمرو معنویت باشید. موضوع خاص: فرشتگان در نوشته‌های پولس در افسسیان ۶: ۱۲ را مطالعه کنید.

موضوع خاص: منشا (archē)

(Special Topic: Arche)

کلمه یونانی *archē* به معنی "آغاز" یا "منشا" چیزی است.

۱. آغاز نظم خلقت (رجوع شود به انجیل یوحنا ۱: ۱، عبرانیان ۱: ۱۰)
۲. آغاز بشارت (رجوع شود به انجیل مرقس ۱: ۱، فیلیپیان ۴: ۱۵، دوم تسالونیکیان ۲: ۱۳، عبرانیان ۲: ۳، اول یوحنا ۱: ۱)
۳. آغاز شاهدان عینی (رجوع شود به انجیل لوقا ۲: ۱)
۴. شروع نشانها (معجزات، رجوع شود به انجیل یوحنا ۲: ۱۱)
۵. اصول ابتدایی (رجوع شود به عبرانیان ۵: ۱۲)
۶. به شرطی که اطمینان آغازین خود را تا به آخر استوار نگاه داریم (رجوع شود به عبرانیان ۳: ۱۴)
۷. سرآغاز، رجوع شود به کولسیان ۱: ۱۸، مکاشفه ۳: ۱۴

برای "حکمرانی" و "قدرت" هم استفاده شده است

۱. در مورد مقامات حاکم
 - a. انجیل لوقا ۱۲: ۱۱
 - b. انجیل لوقا ۲۰: ۲۰
 - c. رومیان ۱۳: ۳ و تیتوس ۳: ۱
۲. مسئولان مبلغین دینی
 - a. رومیان ۸: ۳۸
 - b. اول قرنتیان ۱۵: ۲۴
 - c. افسسیان ۱: ۲۱، ۳: ۱۰ و ۶: ۱۲
 - d. کولسیان ۱: ۱۶، ۲: ۱۰ و ۱۵
 - e. یهودا ۱: ۶

معلمین دروغین کتاب یهودا همه مقامات زمینی و بهشتی را نفرین کردند. آنها آزادخواهان آنتینومی هستند. آنها خود و امیال خود را اول و

■ "و برای او" عیسی نه فقط نماینده و عامل خدا در خلقت بود، بلکه هدف خلقت هم بود (مراجعه شود به رومیان ۱۱: ۳۶، عبرانیان ۲: ۱۰).

۱۷: ۱ "او پیش از همه چیز وجود داشته" هیچ زمانی وجود نداشته است که عیسی نباشد. عیسی یک خدای از قبل وجود داشته است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱: ۱ الی ۲، ۸: ۵۸، ۱۷: ۵ و ۲۴، دوم قرنتیان ۸: ۹، فیلیپیان ۲: ۶ الی ۷، کولسیان ۱: ۱۷، عبرانیان ۱۰: ۵ الی ۷)! به نحوه کاربرد تاکیدی "او" (autos) در کولسیان ۱: ۱۷ و ۱۸ توجه کنید. "او، خودش پیش از همه چیز وجود داشته" و "او خودش سر بدن است!"

NJB NASB, NRSV, "در او همه چیز با هم حفظ می‌شوند"

NKJV "در او همه چیز تشکیل می‌شوند"

TEV "با اتحاد با او هر چیزی در جایگاه خودش قرار می‌گیرد"

این صرف حال کامل فعال اخباری "syn" ترکیب شده با "ایستادن با" (sunistēmi) است که دلالت بر "ادامه دادن"، "تحمل کردن"، "وجود داشتن" دارد.

این دکترین آینده نگرانه (مراجعه شود به عبرانیان ۱: ۳) و شخصی است. "همه چیز" اشاره به مواد خلقت و معنویت دارد. عیسی نگاهدارنده و در عین حال خالق همه چیز است، بنابراین او در کلیسا است. این اشاره به کلیسای جهانی دارد (مراجعه شود به افسسیان ۱: ۲۲ الی ۲۳، ۴: ۱۵، ۵: ۲۳، کولسیان ۱: ۱۸، ۲: ۹). مومنین هم به طور فردی (مراجعه شود به اول قرنتیان ۶: ۱۹) و هم گروهی (مراجعه شود به اول قرنتیان ۱: ۱۶) بدن مسیح هستند (یعنی معبد جدید). پولس اغلب از کلیسا به عنوان بدن مسیح صحبت می‌کرد (مراجعه شود به اول قرنتیان ۱۲: ۱۲ الی ۲۷)، ولی فقط در افسسیان و کولسیان است که گفته میشود عیسی "سر آن بدن" است. در واقعیت او سر همه چیز است، حتی در رهبری و قدرت (مراجعه شود به افسسیان ۱: ۲۲).

موضوع خاص: کلیسا (ekklesia)

(Special Topic: Church (Ekklesia))

کلمه یونانی ekklesia از دو کلمه می‌آید "خارج از" و "فرا خواند". این کلمه کاربرد دنیوی دارد (یعنی اتباع را به گردهمایی فرا خواندن، رجوع شود به اعمال رسولان ۱۹: ۳۲ و ۳۹ و ۴۱) و به واسطه استفاده Septuagint این کلمه برای "حضور در کلیسای" اسرائیل (Qahal, BDB 874, KB 1078، رجوع شود به اعداد ۱۶: ۳، ۲۰: ۴، تثنیه ۳۱: ۳۰)، به عنوان یک کاربرد دینی تلقی می‌گردد. کلیسای اولیه خود را به عنوان ادامه مردم خدا در عهد عتیق می‌دانستند. آنها اسرائیل جدید بودند (رجوع شود به رومیان ۲: ۲۸ و ۲۹، غلاطیان ۳: ۲۹، ۶: ۱۶، اول پطرس ۲: ۵ و ۹، مکاشفه ۱: ۶)، تحقق ماموریت جهانی خدا (رجوع شود به پیدایش ۳: ۱۵، ۱۲: ۳، خروج ۱۹: ۵ و ۶، متی ۲۸: ۱۸ الی ۲۰، لوقا ۲۴: ۴۷، اعمال رسولان ۱: ۸، موضوع خاص: برنامه رستگاری ابدی یهوه را مطالعه کنید).

این کلمه با چندین مفهوم در انجیل و اعمال به کار برده شده است.

۱. دیدارهایی با جنبه غیر روحانی در شهر، اعمال رسولان ۱۹: ۳۲ و ۳۹ و ۴۱

۲. مردم خدا در عیسی، متی ۱۶: ۱۸ و افسسیان

۳. گردهمایی محلی مومنین در عیسی، انجیل متی ۱۸: ۱۷، اعمال رسولان ۵: ۱۱ (در این آیات، کلیسا در اورشلیم)، اعمال رسولان ۱۳: ۱۱، رومیان ۱۶: ۵، اول قرنتیان ۱۶: ۱۹، کولسیان ۴: ۱۵، فیلمون آیه ۲

۴. کل مردم اسرائیل، اعمال ۷: ۳۸ در مراسم استفان

۵. مردم خدا در منطقه، اعمال رسولان ۸: ۳، غلاطیان ۱: ۲ (یهودا یا فلسطین)

کلیسا، یعنی مردمی که گرد هم آمده‌اند، نه یک ساختمان. برای صدها سال هیچ ساختمانی برای کلیسا وجود نداشت. در یعقوب (یکی از نخستین کتب مسیحی) کلیسا به کلمه *synagōgē* (انجمن) اطلاق می‌شد. این اصطلاح برای کلیسا فقط در کتاب یعقوب دیده می‌شود (رجوع شود به کتاب یعقوب ۲: ۲ و ۵: ۱۴).

■ "او سرآغاز است" در نگاه اول به نظر می‌آید که این اشاره دیگری به خلقت باشد (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۱: ۱)، ولی متن تغییر یافته و به کلیسا اشاره دارد. در این وضعیت، اصطلاح "سرآغاز" احتمالاً مرتبط با مفهوم یونانی منشا یا منبع است. عیسی سر یا منشا زندگی مردمان جدید خدا، یهودی و یونانی، برده و آزاد، مرد و زن است (مراجعه شود به کولسیان ۳: ۱۱، غلاطیان ۳: ۲۸). او آدم جدید (منظور حضرت آدم است) است (مراجعه شود به رومیان ۵: ۱۲ الی ۲۱). سر نسل جدید، مسیحیان (مراجعه شود به افسسیان ۲: ۱۱ الی ۳: ۱۳).

■ "نخست‌زاده از میان مردگان است" متن قطعی عهد جدید در مورد قیام از مردگان در اول قرن‌تین ۱۵ است. عیسی "نخست‌زاده" (موضوع خاص در کولسیان ۱: ۱۵ را مطالعه کنید) در قیام از مردگان و همچنین در خلقت (مراجعه شود به کولسیان ۱: ۱۵، رومیان ۱: ۴، مکاشفه ۱: ۵) است. قیام او از مردگان وعده‌ای و نشانه‌ای است که تمام مومنین از مرگ قیام خواهند کرد.

در اول قرن‌تین ۱۵: ۲۰ و ۲۳ عیسی "نخستین ثمر" خوانده میشود. این مترادف با استعاره عهد عتیق است. عیسی در همه زمینه‌ها پیش‌تاز است. او هم "نخست‌زاده" (مراجعه شود به مکاشفه ۱: ۵) و هم "نخستین ثمر" است.

■ "تا در همه چیز برتری از آن او باشد" این عبارت مختصر مشابه افسسیان ۱: ۲۲ الی ۲۳ است. پدر، پسر را برتر و مقدم در همه چیزها ساخته است (مراجعه شود به اول قرن‌تین ۱۵: ۲۷ الی ۲۸).

۱: ۱۹ این با "زیرا" (*hoti*)، یک عبارت هدفمند آغاز میشود. بیان‌کننده اراده خدا برای مسیح است که (۱) تماما الهی بودن در او باید آشکار شود، (مراجعه شود به کولسیان ۱: ۱۹) و (۲) مصالحه همه چیز از طریق او انجام خواهد شد (مراجعه شود به کولسیان ۱: ۲۰).

NASB "زیرا تمام پُری در او ساکن است"

NKJV "که در او همه پُری باید ساکن شود"

NRSV "زیرا در او تمام پُری خداوند ساکن است"

TEV "که پسر در خود ماهیت کامل خدا را دارد"

NJB "تمام پُری در او یافت می‌شود"

این یک بازی با کلمه "پُر" (*plerōma*) که توسط معلمین دروغین استفاده میشود تا سطوح فرشتگان میان خدای نیک و والا و ماده گناهکار را توصیف کنند (مراجعه شود به کولسیان ۲: ۹، افسسیان ۱: ۲۳، ۳: ۱۹، ۴: ۱۳). این یک بیانیه شگفت‌آور بود تا نجاری از ناصره را که به خاطر خیانت اعدام شده بود، توصیف کند! دیدن عیسی، دیدن خداست!

۱: ۲۰ "به واسطه او آشتی دهد" این اصطلاح (مراجعه شود به کولسیان ۱: ۲۲) یعنی "تغییر از حالت دشمنی به صلح" به خصوص میان افراد. گناه باعث جدایی میان خالق و مخلوق شده است. خدا از طریق مسیح عمل کرد تا دوستی را احیا کند (مراجعه شود به رومیان ۵: ۱۸ الی ۱۹). این یک کلمه ترکیبی مضاعف (*apokatallassō*) برای تاکید الهیاتی است (مراجعه شود به کولسیان ۱: ۲۲). پولس از همین کلمه در افسسیان ۲: ۱۶ و همین ریشه در دوم قرن‌تین ۵: ۱۸ الی ۲۰ استفاده کرد.

■ "همه چیز" این به کل خلقت اشاره دارد، مرئی و نامرئی (مراجعه شود به رومیان ۸: ۱۸، اول قرن‌تین ۱۵: ۲۷ الی ۲۸، افسسیان ۱: ۲۲ الی ۲۳).

■ "باخود" از نظر الهیاتی این میتواند به پدر یا پسر اشاره داشته باشد. متن تنها راهنما است. در اینجا به نظر میرسد که پدر، بهترین باشد.

■ "به وسیله صلحی که با ریخته شدن خون وی بر صلیب پدید آورد" این اشاره به مرگ عیسی به عنوان قربانی دارد (مراجعه شود به رومیان ۵: ۹، افسسیان ۱: ۷، ۲: ۱۳ و ۱۶). مصالحه و آشتی بدون یک هزینه گزاف نبود! تاکید احتمالا بر جنبه انسانی (خون) و همچنین خیر خواهی او بود (فداکاری)، مراجعه شود به اشعیا ۵۳، دوم قرن‌تین ۵: ۲۱). معلمین دروغین وجه الهی او را تأیید میکردند، ولی وجه انسانی و مرگ وی را انکار میکردند.

موضوع خاص: صلح (عهد جدید)

(Special Topic: Peace (Eirēnē) [NT])

این اصطلاح یونانی به معنی "به هم پیوستن آنچه شکسته شده است" می‌باشد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۴: ۲۷، ۱۶: ۳۳، فیلیپیان ۴: ۷). عهد جدید به سه روش از صلح صحبت می‌کند:

۱. به عنوان جنبه مفعولی صلح با خدا از طریق مسیح (مراجعه شود به کولسیان ۱: ۲۰)

۲. به عنوان جنبه فاعلی در راستی با خدا بودن (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۴: ۲۷، ۱۶: ۳۳، فیلیپیان ۴: ۷)

۳. که خدا در یک بدن جدید با مسیح یکی شده، هر دو را یهودیان و عرفا باور دارند (مراجعه شود به افسسیان ۲: ۱۴ الی ۱۷، کولسیان ۳: ۱۵)

Newman and Nida, *A Translator's Handbook on Paul's Letter to the Romans* تفسیر جالبی در مورد صلح دارند:

"هم در عهد قدیم و هم در عهد جدید اصطلاح "صلح" طیف معنی گسترده‌ای دارد. اساسا خوشبختی زندگی یک نفر را توصیف می‌کند، حتی در میان یهودیان به عنوان فرمولی برای درود و تبریک پذیرفته شده است. این اصطلاح چنین معنی عمیقی دارد که همچنین می‌تواند توسط

یهودیان برای توصیف رستگاری مسیحی استفاده شود. به دلیل این واقعیت، مواقعی هست که تقریباً به صورت مترادف با "در رابطه درست با خدا بودن" به کار می‌رود. در اینجا این اصطلاح برای توصیف هماهنگی رابطه برقرار شده میان انسان و خدا بر مبنای اینکه خدا انسان را در کنار خود قرار داده استفاده شده است" (صفحه ۹۲).

■ "بر صلیب" تنبیه ۲۱: ۲۳ تصریح می‌کند که هر کسی که بر درخت آویزان شود مورد نفرین الهی است (مراجعه شود به فیلیپیان ۲: ۸). اساساً این به از چوب آویزان کردن پس از مرگ بجای تدفین مناسب اشاره دارد. با این وجود، تا روزگار عیسی ربی‌ها این را به عنوان مصلوب کردن تفسیر می‌کردند. عیسی نفرین نوع بشر را با خود حمل کرد، نفرین پیمان قدیم (مراجعه شود به کولسیان ۲: ۱۴، غلاطیان ۳: ۱۳، فیلیپیان ۲: ۸).

■ "چه در آسمان و چه بر زمین" این عبارت معطوف به ضد و نقیض گویبهای میان "روح" (بهشت) و "ماده" (زمین، مراجعه شود به کولسیان ۱: ۱۶) است.

NASB (به روز شده): کولسیان ۱: ۲۱ الی ۲۳

^{۲۱} شما نیز زمانی بیگانه با خدا، و در افکار خویش دشمن او بودید، و این در اعمال شریانه شما پدیدار می‌گشت. ^{۲۲} اما اکنون مسیح شما را به واسطه بدن بشری خود و از طریق مرگ آشتی داده است، تا شما را مقدس و بی‌عیب و ببری از هر ملامت به حضور خدا بیاورد، ^{۲۳} به شرطی که در ایمان مستحکم بوده، استوار بمانید و از امید انجیل جنبش نخورید، همان انجیل که شنیدید و به تمامی خلقت زیر آسمان موعظه شده است، و من، پولس، خادم آن گشته‌ام.

۱: ۲۱ "شما" این اشاره به مومنین غیر یهودی دارد. به سه ویژگی زندگی کفر آمیز سابق که در این آیه آمده است، توجه داشته باشید.

■ "زمانی بیگانه با خدا بودید" این وجه وصفی کامل مجهول از یک کلمه نادر برای یک غریبه یا خارجی است که رابطه قبلی غیر یهودیان با خدا را توصیف میکند. توصیف الهیاتی این بیگانگی در افسسیان ۲: ۱ و ۳ و ۱۱ الی ۲۲ یافت میشود. توصیف اخلاقی آن در افسسیان ۴: ۱۸ الی ۱۹ است. این احتمال هست که این اصطلاح در مورد بردگان در مفهوم "انتقال یافتن به یک مالک دیگر" استفاده شده باشد. اگر چنین باشد، در این صورت ۱: ۱۳ زمینه آن است.

■ "در افکار خویش دشمن او بودید" انسان گمراه و سقوط کرده طرز تفکر مستقلی دارد (مراجعه شود به رومیان ۱: ۲۸، ۸: ۷، یعقوب ۴: ۴، اول یوحنا ۲: ۱۵ الی ۱۶). نوع بشر، و نه خدا، تبدیل به مقیاسی برای همه چیز میشود (انسان گرایی ضد خدایی).

NASB "درگیر اعمال بد"

NKJV "توسط آثار شریر"

NRSV "انجام اعمال بد"

TEV "چیزهای بد که انجام دادید"

NJB "رفتار بد شما"

ربی‌ها ادعا می‌کنند که فرد فکر می‌کند، بنابراین همان می‌شود. ذهن شرور، متعاقباً اعمال شرارت آمیز نسبت به خداوند و دیگر انسان‌ها را منعکس می‌کند (نگاه کنید به غلاطیان ۵: ۱۹-۲۱؛ دوم تیموتائوس ۳: ۲-۵؛ تیتوس ۳: ۳).

۱: ۲۲ "اما اکنون شما را آشتی داده است" آشتی دادن فعل اصلی کولسیان ۱: ۲۱ الی ۲۳ است. یادداشت کولسیان ۱: ۲۰ را مطالعه کنید. عجب تغییری به واسطه کارهای خدا در مسیح نسبت به این غیر یهودیان گمراه، بیگانه صورت گرفته است (مراجعه شود به کولسیان ۱: ۲۰).

وعده خدا بر رهایی نوع بشر در پیدایش ۳: ۱۵ تحقق یافته است. این وعده کاملاً به عنوان یک کار خدا کامل شده است. انسان گمراه و سقوط کرده نمیتوانست به سوی خالق خود بازگردد (مراجعه شود به اشعیا ۵۳: ۶، نقل قول در اول پطرس ۲: ۲۵، و رومیان ۳: ۹ الی ۱۸ برای مجموعه‌ای از نقل قولهای عهد عتیقی). این چه نوع عشقی است که انسان گناهکار یاغی را دنبال میکند و از طرف ما تنها پسرش را از طرف ما به جانب مرگ میفرستد؟

■ "به واسطه بدن بشری خود و از طریق مرگ" این میتواند مرتبط با انکار انسان بودن عیسی توسط معلمین دروغین باشد (مراجعه شود به کولسیان ۱: ۲۰). عیسی تماماً الهی و تماماً انسان بود (مراجعه شود به اول یوحنا ۴: ۱ الی ۶). او کالبدی فیزیکی داشت (مراجعه شود به کولسیان ۲: ۱۱). او واقعاً یکی از ما بود.

موضوع خاص: گوشت/بدن (sarx)

(Special Topic: Flesh (Sarx))

این کلمه اغلب توسط پولس در غلاطیان و مفهوم توسعه یافته الهی آن در رومیان استفاده شده است. اساتید میان اینکه چگونه میان مفهوم این کلمه تمایز قائل شوند اختلاف نظر دارند. به طور قطع وجوه اشتراکی در معنی وجود دارد. موارد زیر صرفاً در تلاش برای توصیف معنی کلی این کلمه می باشد

۱. بدن انسان، انجیل یوحنا ۱: ۱۴، رومیان ۲: ۲۸، اول قرنتیان ۵: ۵، ۷: ۷، ۱۱: ۴، دوم قرنتیان ۴: ۱۱، ۵: ۷، ۱۲: ۷، غلاطیان ۱: ۱۶، ۲: ۱۶ و ۲۰، فیلیپیان ۱: ۲۲، کولسیان ۱: ۲۲ و ۲: ۲، ۵: ۲، اول تیموتائوس ۳: ۱۶
۲. تبار انسانی، یوحنا ۳: ۶، رومیان ۱: ۳، ۴: ۱، ۹: ۳، ۵ و ۸، ۱۱: ۱۴، اول قرنتیان ۱۰: ۱۸، غلاطیان ۴: ۲۳ و ۲۹
۳. فرد انسانی، رومیان ۳: ۲۰، ۷: ۵، ۸: ۷ و ۸، اول قرنتیان ۱: ۲۹، دوم قرنتیان ۱۰: ۳، غلاطیان ۲: ۱۶، ۵: ۲۴
۴. به صورت انسانی سخن گفتن، انجیل یوحنا ۸: ۱۵، اول قرنتیان ۱: ۲۶، دوم قرنتیان ۱: ۱۲، ۵: ۱۶، ۱۰: ۲، غلاطیان ۶: ۱۲
۵. ضعف انسانی، رومیان ۶: ۱۹، ۷: ۱۸، ۸: ۵ و ۶، ۹: ۴، غلاطیان ۳: ۳، ۵: ۱۳، ۱۶، ۱۹ الی ۲۱، غلاطیان ۲: ۱۸
۶. دشمنی انسان با خدا در ارتباط با سقوط انسان، رومیان ۷: ۱۴، ۱۳: ۱۴، اول قرنتیان ۳: ۱ و ۳، افسسیان ۲: ۳، غلاطیان ۲: ۸، اول پطرس ۲: ۱۱، اول یوحنا ۲: ۱۶

باید تاکید کرد که "گوشت" به عنوان شیطان، آن طور که در تفکر یونانی هست، در عهد جدید دیده نمی شود. از نظر فلاسفه یونانی، "گوشت" منبع مشکلات انسان است، مرگ انسان را از این نفوذ آزاد می سازد. ولی در عهد جدید، "گوشت" زمینه نبرد مناقشات معنوی و الهی است (رجوع شود به افسسیان ۶: ۱۰ الی ۱۸)، با این حال خنثی است. انسان می تواند از بدنش برای نیکی یا پلیدی استفاده کند.

■ "تا شما را به حضور خدا بیاورد" این میتواند اشاره به (۱) روز رستگاری، یا (۲) زمان مرگ مومنین یا (۳) روز داوری/آمدن دوم باشد (مراجعه شود به کولسیان ۱: ۲۸، افسسیان ۵: ۲۷).

■ "مقدس و بی عیب و بری از هر ملامت" این سه صفت به صورت مترادف استفاده شده اند. این خلوص مومنین در مسیح را توصیف میکند (مراجعه شود به فیلیپیان ۱: ۱۵). آنها نه تنها بخشیده میشوند، بلکه کلاً تغییر میکنند. این بسیار مشابه تاکید افسسیان ۱: ۴، ۴: ۱، ۵: ۲۷ است. هدف توجیه نه فقط بهشت آن هم در زمانی که میمیریم است، بلکه تقدس حال نیز هست (مراجعه شود به لایوان ۱۹: ۲، انجیل متی ۵: ۴۸).

تقدس واقعیت موجود برای مومنین به عنوان نعمتی از جانب مسیح است (مراجعه شود به اعمال رسولان ۲۶: ۱۸، اول قرنتیان ۱: ۲ و ۳۰، ۶: ۱۱، عبرانیان ۱۰: ۱۰ و ۱۴). پیشرونده هم هست، همانند مسیح زندگی کردن (مراجعه شود به افسسیان ۱: ۴، ۲: ۱۰، دوم تیموتائوس ۲: ۱۲، یعقوب ۱: ۴، دوم پطرس ۳: ۱۴) و یک هدف اسکاتولوژیک (مراجعه شود به دوم قرنتیان ۱۱: ۲، افسسیان ۵: ۲۷، اول تسالونیکیان ۳: ۱۳، ۵: ۲۳، اول یوحنا ۳: ۲). موضوع خاص: مقدس در افسسیان ۱: ۴ را مطالعه کنید.

موضوع خاص: بی گناه، معصوم، منزّه، بدون رسوایی

(Special Topic: Blameless, Innocent, Guiltless, Without Reproach)

A. کلام آغازین

۱. این مفهوم از نظر الهیاتی شرایط اصلی نوع بشر را توصیف میکند (یعنی کتاب پیدایش ۱، باغ عدن)
۲. گناه و شورش این حالت از رفاقت کامل را تخریب کرده است (یعنی پیدایش ۳)
۳. انسانها (زن و مرد) آرزوی احیا دوستی با خدا را دارند زیرا آنان از تصویر او و شبیه او خلق شده اند (پیدایش ۱: ۲۶ الی ۲۷)
۴. خدا با انسان گناهکار به طریق مختلف برخورد کرد
 - a. رهبران الهی (یعنی ابراهیم، موسی، اشعیا)
 - b. سیستم قربانی (لایوان ۱ الی ۷)
 - c. مثالهای الهی (نوح و یعقوب)
۵. نهایتاً خدا مسیح را فرستاد
 - a. جهت مکاشفه کامل خودش (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱: ۱ الی ۱۴، کولسیان ۱: ۱۳ الی ۱۷، عبرانیان ۱: ۲ الی ۳)
 - b. به عنوان یک قربانی کامل برای گناه (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱۰: ۴۵، دوم قرنتیان ۵: ۲۱)
۶. مسیحیان بی گناه شدند
 - a. به طور قانونی از طریق پارسایی منتسب به مسیح (مراجعه شود به رومیان ۴: ۳، ۶، ۸، ۱۱، ۲۲، ۲۳، ۲۴، یعقوب ۲: ۲۳)

- b. به طور پیشرونده از طریق کار روح القدس (انجیل یوحنا ۱۶: ۸ الی ۱۱)
- c. هدف مسیحیت، همانند مسیح بودن است (مراجعه شود به رومیان ۸: ۲۸ الی ۳۰، دوم قرنتیان ۳: ۱۸، غلاطیان ۴: ۱۹، افسسیان ۱: ۴، ۴: ۱۳، اول تسالونیکیان ۳: ۱۳، ۴: ۳، ۵: ۲۳، دوم تسالونیکیان ۲: ۱۳، تیتوس ۲: ۱۴، اول پطرس ۱: ۱۵)، که در واقعیت احیا تصویر گم شده خدا در آدم و حوای سقوط کرده است.
۷. بهشت احیا کامل رفاقت باغ عدن است. بهشت اورشلیم جدید است که در حضور خدا به یک زمین پاک شده (مراجعه شود به دوم پطرس ۳: ۱۰) به پائین می آید (مراجعه شود به مکاشفه ۲: ۲۱). انجیل با یک موضوع آغاز و خاتمه می یابد.
- a. رابطه دوستانه صمیمانه با خدا
- b. در یک باغ (پیدایش ۱ الی ۲ و مکاشفه ۲۱ الی ۲۲)
- c. با بیان یک نبوت، و حضور و همراهی حیوانات (مراجعه شود به اشعیا ۱۱: ۶ الی ۹)
- B. عهد عتیق
۱. بسیاری واژه‌های عبری وجود دارند که مفهوم کمال، بی گناه و معصوم را بیان میدارند، به طوری که به سختی میتوان آنها را نام برد و تمامی ارتباطات پیچیده میان آنها را گفت.
۲. اصطلاحات اصلی که مفهوم کمال، معصومیت یا بی گناهی را در بر می گیرند (بر طبق Robert B. Girdlestone, *Synonyms of the Old Testament*, صفحات ۹۴ الی ۹۹) به این شرح میباشند
- a. *shalom* (BDB 1022, KB 1532)
- b. *thamam* (BDB 1070, KB 1743)
- c. *calah* (BDB 478, KB 476)
۳. ترجمه Septuagint (انجیل کلیسای اولیه) این مفاهیم عبری را به اصطلاحات یونانی کوین ترجمه میکند که در عهد جدید استفاده شده اند (به بند C در زیر مراجعه کنید).
۴. مفهوم کلیدی به سیستم قربانی کردن مرتبط است.
- a. *amōmos* (BDB 1071). مراجعه شود به خروج ۲۹: ۱، لاویان ۱: ۳ و ۱۰، ۳: ۱ و ۶، اعداد ۶: ۱۴)
- b. *amiantos* و *aspilus* همچنین مفهوم کلاسیک دارند
- C. عهد جدید
۱. مفهوم قانونی
- a. مفاهیم قانون کالتیک عبری ترجمه شده توسط *amōmos* (BDB 1071)، مراجعه شود به افسسیان ۵: ۲۷، فیلیپیان ۲: ۱۵، اول پطرس ۱: ۱۹)
- b. مفاهیم قانونی یونانی (مراجعه شود به اول قرنتیان ۱: ۸، کولسیان ۱: ۲۲)
۲. مسیح آن بیگناه، بی تقصیر و معصوم است (*amōmos*)، مراجعه شود به عبرانیان ۹: ۱۴؛ اول پطرس ۱: ۱۹)
۳. پیروان مسیح باید همانند او رفتار کنند (*amōmos*)، مراجعه شود به افسسیان ۱: ۴، ۵: ۲۷، فیلیپیان ۲: ۱۵، کولسیان ۱: ۲۲، دوم پطرس ۳: ۱۴، یهودا ۱: ۲۴، مکاشفه ۱۴: ۵)
۴. این مفهوم همچنین در مورد رهبران کلیسا استفاده میشود
- a. *anegklētos* "بدون متهم کردن" (مراجعه شود به اول تیموتائوس ۳: ۱۰، تیتوس ۱: ۶ الی ۷)
- b. *anepileptos* "فراتر از انتقاد" یا "هیچ مسئولیتی برای سرزنش وجود ندارد" (مراجعه شود به اول تیموتائوس ۳: ۲، ۵: ۷، ۶: ۱۴، تیتوس ۲: ۸)
۵. مفهوم "بدون شک" (*amiantos*) در موارد زیر استفاده میشود
- a. خود مسیح (مراجعه شود به عبرانیان ۷: ۲۶)
- b. میراث مسیحیان (مراجعه شود به اول پطرس ۱: ۴)
۶. مفهوم "یکپارچگی" یا "یک صدایی" (*holoklēria*) (مراجعه شود به اعمال رسولان ۳: ۱۶، اول تسالونیکیان ۵: ۲۳، یعقوب ۱: ۴)
۷. مفهوم "بدون خطا"، "معصوم بی گناه" با *amemptos* بیان می شود (مراجعه شود به انجیل لوقا ۱: ۶، فیلیپیان ۲: ۱۵، ۳: ۶، اول تسالونیکیان ۲: ۱۰، ۳: ۱۳، ۵: ۲۳)
۸. مفهوم "سرزنش نمیشود" با *amōmētos* بیان میشود (مراجعه شود به دوم پطرس ۳: ۱۴)

۹. مفهوم "بی عیب"، "بدون شک" اغلب در عباراتی استفاده می شود که دارای یکی از موارد فوق نیز هستند (مراجعه شود به اول تیموثائوس

۶: ۱۴، یعقوب ۱: ۲۷، اول پطرس ۱: ۱۹، دوم پطرس ۳: ۱۴)

D. تعداد کلمات در زبان عبری و یونانی که این مفهوم را بیان می کنند اهمیت آن را نشان می دهد. خداوند ما را از طریق مسیح فراهم کرده است و اکنون از ما می خواهد مثل او باشد.

مؤمنان از لحاظ موقعیتی و قانونی از طریق کار مسیح «درست»، «صالح»، «بی تقصیر» اعلام می شوند. اکنون مؤمنان باید جایگاه خود را بدست آورند. "در نور گام بردارند زیرا او در نور است" (مراجعه شود به اول یوحنا ۱: ۷). "ارزش فرا خواندن برای قدم زدن دارد" (مراجعه شود به افسسیان ۴: ۱، ۱۷؛ ۵: ۲، ۱۵). عیسی تصویر خداوند را احیا کرد. دوستی صمیمانه اینک امکان پذیر است، اما به یاد داشته باشید که خداوند مردمی را می خواهد که منعکس کننده شخصیت او باشند، همانطور که پسر، در برابر دنیای گمراه و سقوط کرده رفتار کرد. ما به هیچ چیز کمتر از تقدس فرا خوانده نمی شویم (متی ۵: ۲۰، ۴۸؛ افسسیان ۱: ۴؛ اول پطرس ۱: ۱۳-۱۶). تقدس خدا، نه تنها به لحاظ قانونی، بلکه از نظر وجودی!

۱: ۲۳ "به شرطی که در ایمان مستحکم بوده" این عبارت جمله شرطی نوع اول است که از نظر نویسنده و یا از نظر ادبی تصور میشود که شرط درست باشد. پولس تصور میکند که آنها به ایمانشان ادامه میدهند، که شاهدهی بر اعتقاد واقعی آنان خواهد بود (مراجعه شود به اول یوحنا ۲: ۱۹، مکاشفه ۲: ۷ و ۱۱ و ۱۷ و ۲۶؛ ۳: ۵ و ۱۲ و ۲۱). موضوع خاص: استقامت در فیلیپیان ۱: ۹ را مطالعه کنید.

ایمان (مفعول بدون حرف تعریف) به یا (۱) اعتماد فردی به عیسی یا (۲) برای مسیح مفید بودن یا (۳) دکترین مسیحی (مراجعه شود به اعمال رسولان ۶: ۷، ۱۳، ۸، ۱۴: ۲۲، غلاطیان ۱: ۲۳، ۶: ۱۰، یهودا ۱: ۳ و ۲۰، همچنین نامه های مقدس) اشاره میکند. بلوغ مسیحی شامل (۱) ایمان فردی، (۲) شیوه زندگی خدا پسندانه و (۳) صحت عقیدتی است. در یک متن مربوط به تعالیم دروغین، هر یک از اینها مهم و حیاتی هستند.

■ "استوار بمانید" این وجه وصفی کامل مجهول است (همان حالت فعلی "بیگانه بودن" در کولسیان ۱: ۲۱). "آنها ایجاد شده اند و قاطعانه تداوم دارند (مفهومی، توسط خدا)". این یک ساختار استعاره ای برای یک بنا کردن قطعی است (مراجعه شود به کولسیان ۲: ۷، انجیل متی ۷: ۲۵، افسسیان ۳: ۱۷). ممکن است هم یک بازی در موقعیت جغرافیایی کولسی در یک منطقه زلزله زده بوده باشد.

NASB "و از... به دور برده نشد"

NKJV "و دور برده نمیشوند"

NRSV "بدون تغییر و جابجایی"

TEV "و نباید اجازه دهید که تکان بخورد"

NJB "هرگز اجازه ندهید که رانده شوید"

این اصطلاح فقط در اینجا در عهد جدید استفاده شده است. یک بیان منفی از بیان مثبت قبلی است. میتواند جمله مجهول (خدا ما را حفظ میکند، مراجعه شود به NASB، NKJV) یا حالت میانی (مومنین باید تلاش کنند، مراجعه شود به NRSV، TEV، NJB) باشد.

■ "امید انجیل" پولس اغلب از این اصطلاح به شیوه های متفاوت ولی مفهوم مرتبط استفاده میکند. اغلب به مفهوم ایمان آوردن مومنین است. موضوع خاص: امید در کولسیان ۱: ۵ را مطالعه کنید. این میتواند به عنوان "جلال"، "زندگی جاویدان"، "نهایت رستگاری"، "آمدن دوم" و غیره بیان شود. تحقق یافتن قطعی است ولی زمان آن مشخص نیست.

■ "به تمامی خلقت زیر آسمان موعظه شده است" "همه آفرینش" یک اغراق برای امپراطوری روم است (مراجعه شود به کولسیان ۱: ۶).

حالت دستور زبانی این جمله وجه وصفی آنوریست مجهول است. با این حال، این در متن مناسب نیست. باید در مفهوم وجه وصفی حال فعال استفاده شود. باید به خاطر داشت که حالت دستور زبانی به متن ادبی وابسته است، همانطور هم تعریف واژگان. محتوا، نه حالت دستور زبانی یا معنای لغوی، همیشه اولویت دارد!

■ "خادم" این حالت کلی برای "خادم" یا "خدمت" است (*diakonos*)، مراجعه شود به کولسیان ۱: ۷ و ۲۳ و ۲۵؛ ۴: ۷، افسسیان ۳: ۷، ۶: ۲۱). در انجیل مرقس ۱۰: ۴۵ عیسی از این اصطلاح برای خودش استفاده میکند. این تبدیل به عنوانی برای خادمین و خدمتگزاران کلیساهای محلی شد (مراجعه شود به فیلیپیان ۱: ۱).

NASB (به روز شده): کولسیان ۱: ۲۴ الی ۲: ۵

^{۲۴} اکنون از رنجهایی که به خاطر شما کشیدم شادمانم و هر کاستی رنجهای مسیح را در بدن خود جبران می‌کنم، به خاطر بدن او که کلیساست.^{۲۵} من بنا بر مأموریتی که خدا به من سپرد، خادم کلیسا گشتم، تا کلام خدا را به کمال به شما بیان کنم،^{۲۶} یعنی آن راز را که طی اعصار و نسلهای متمادی پنهان نگاه داشته شده بود، اما اکنون بر مقدسین او آشکار شده است.^{۲۷} خدا چنین اراده فرمود که بر ایشان آشکار سازد که این راز از چه جلال عظیمی در میان غیریهودیان برخوردار است، رازی که همانا مسیح در شماسست، که امید جلال است.

^{۲۸} ما او را وعظ می‌کنیم، و هر کس را هشدار می‌دهیم و با کمال حکمت می‌آموزیم، تا همه را کامل در مسیح حاضر سازیم.^{۲۹} از این روست که من زحمت می‌کشم و با نیروی او که در من نیرومندانه عمل می‌کند، به مجاهده مشغولم.

^۱ پس می‌خواهم بدانید که به خاطر شما و کسانی که در لائودیکیه هستند، و برای همه آنان که روی مرا ندیده‌اند، چه مجاهده‌ای دارم، تا دلگرم شده، در محبت متحد گردند، و از همه غنای فهم و درکی کامل برخوردار گشته، راز خدا یعنی مسیح را بشناسند،^۳ که در او همه گنجهای حکمت و معرفت نهفته است.^۴ این را می‌گویم تا هیچ کس شما را با استدلالهای فریبنده گمراه نسازد.^۵ زیرا هرچند در جسم از شما دورم، لیکن در روح با شما هستم و از مشاهده نظم و ایمان پایدارتان به مسیح شادمانم.

۱: ۲۴ "از رنجهایی که به خاطر شما کشیدم شادمانم" پولس زندانی بودن خود را به نفع کلیسا می‌دید (مراجعه شود به فیلیپیان ۲: ۱۷ و دوم قرنتیان ۱: ۵). پولس زندگی خود را به عنوان هدیه ای از جانب کلیسا به خدا می‌دید. این بخشی از خبر خوش است که ما آن را دوست نداریم (مراجعه شود به انجیل متی ۵: ۱۰ الی ۱۲، رومیان ۵: ۳، ۸: ۱۷، دوم قرنتیان ۴: ۷ الی ۱۱، ۶: ۳ الی ۱۰، فیلیپیان ۱: ۲۹، ۲: ۱۷، دوم تیموتائوس ۳: ۱۲، عبرانیان ۵: ۸، اول پطرس ۱: ۷ الی ۸، ۴: ۱۲ الی ۱۶) همانطور که عیسی از طرف دیگران رنج کشید، همانطور هم پیروانش باید رنج بکشند (مراجعه شود به دوم قرنتیان ۵: ۱۴ الی ۱۵، غلاطیان ۲: ۲۰، اول یوحنا ۳: ۱۶). فقط روح القدس می‌تواند آزار و شکنجه را به شادی تبدیل کند!

■ "در بدن خود" به موضوع خاص در کولسیان ۱: ۲۲ مراجعه کنید.

■ "کاستی رنجهای مسیح را جبران می‌کنم" این فعل تاکیدی مضاعف (*anti, ana, plēroō*) فقط در اینجا در عهد جدید یافت میشود. حروف اضافه به شدت از "از طرف" یا "و برای تکمیل کردن به طور کامل" تأیید می‌کنند. این یک تفسیر بسیار دشوار است. برخی نظریات درباره معنای این آیه عبارتند از:

۱. تطهیر مسیح بدون کلیسا کافی نبود، یعنی کاتولیک رم از مزایای قدیسان بهره میبرد
۲. مومنین به عنوان کلیسا، در رنجهای مسیح شریک هستند (نه بصورت نیابتی)، ولی با اراده و خواست خدا در این جهان گمراه (مراجعه شود به انجیل متی ۵: ۱۰ الی ۱۲، انجیل مرقس ۱۰: ۳۹، انجیل یوحنا ۱۶: ۱، دوم قرنتیان ۴: ۱۰، غلاطیان ۲: ۲۰، فیلیپیان ۳: ۱۰)
۳. مسیح همراه با مومنین رنج می‌کشد (مراجعه شود به اعمال رسولان ۹: ۴ الی ۵، دوم قرنتیان ۱: ۵، اشعیا ۶۳: ۹)
۴. جهت به بلوغ رسیدن رنج کشیدن ضروری است (مراجعه شود به عبرانیان ۵: ۸)
۵. ما باید "درد زایمان" را به خاطر عصر جدید تحمل کنیم (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱۳: ۸)
۶. پولس عبارت عرفانی را رد می‌کند

این اصطلاح برای "رنج کشیدن" هرگز در عهد جدید برای مرگ مسیح در بالای صلیب استفاده نشده است. متن کولسیان ۱: ۱۳ الی ۱۸ کلا شماره ۱ را حذف میکند. من شماره ۵ را بهترین گزینه می‌دانم.

■ "کلیسا" کلمه *Ekklesia* از دو کلمه یونانی "خارج از" و "فرا خواندن" ایجاد شده است. در یونانی کوبین برای توصیف هر گونه اجتماع، همچون گردهمایی شورای شهر (مراجعه شود به اعمال رسولان ۱۹: ۳۲) استفاده میشود. کلیسا این اصطلاح را انتخاب کرد زیرا در *Septuagint* (ترجمه یونانی *Pentateuch*) نوشته شده در اوایل ۲۵۰ قبل از میلاد برای کتابخانه اسکندریه در مصر استفاده شده است. این اصطلاح ترجمه کلمه عبری *qahal* است که در عبارت "شورای اسرائیل" استفاده میشود (مراجعه شود به اعداد ۲۰: ۴). نگارندگان عهد جدید تصریح کردند که آنان "کسانی هستند که از سوی خدا فرا خوانده شده‌اند" تا مردمان خدا در روزگار خود باشند. مومنین باید تصریح کنند که کلیسای عیسی مسیح، و نه روحانیت یهودی مدرن، وارث راستین کتاب مقدس عهد عتیق هستند.

در افسسیان، یک نامه گردشی، اصطلاح کلیسا همیشه معنی کلی دارد، ولی در کولسیان معنی آن محلی است. کلیسا هم مشارکتی است، به تمامی مردمان خدا اشاره میکند، و هم فردی، که به افراد محلی حاضر اشاره دارد. در این متن، پولس به طور بدیهی به جنبه کلی کلیسا اشاره میکند. موضوع خاص: کلیسا در کولسیان ۱: ۱۸ را مطالعه کنید.

۱: ۲۵ "خادم کلیسا گشتم" پولس به فراخوانده شدنش به عنوان رسول برای موعظه جهت غیر یهودیان اشاره میکند (مراجعه شود به اعمال رسولان ۹: ۱۵،

۲۲: ۲۱، ۲۶: ۱۷، رومیان ۱: ۵، ۱۱: ۱۳، ۱۵: ۱۶، غلاطیان ۱: ۱۶، ۲: ۷، افسسیان ۳: ۱ الی ۲ و ۸، اول تیموتائوس ۲: ۷، دوم تیموتائوس ۴: ۱۷). با این وجود، پولس به این فراخواندگی و نعمت به عنوان خادم، برده و مستخدم نگاه میکرد. در انجیل رهبری خدمتگزاری است.

■ "بنابر مأموریتی که خدا به من سپرد" مومنین همه مامورین یا افراد امین انجیل هستند (مراجعه شود به اول قرنتیان ۴: ۱ الی ۵، افسسیان ۳: ۲ و ۹، تیتوس ۱: ۷، اول پطرس ۴: ۱۰). پولس از این اصطلاح در چندین مفهوم متفاوت استفاده میکند.

۱. کمیته رسولان برای بشارت انجیل (مراجعه شود به اول قرنتیان ۹: ۱۷، افسسیان ۳: ۲، کولسیان ۱: ۲۵)
۲. برنامه جاودانی رستگاری (مراجعه شود به افسسیان ۱: ۱۰، ۳: ۹، اول قرنتیان ۴: ۱)
۳. آموزش طرح رستگاری و شیوه زندگی همراه آن (مراجعه شود به اول تیموتائوس ۱: ۴)

NASB "که من می توانم به طور کامل موعظه کلام خدا را انجام دهم"

NKJV "برای تحقق کلام خدا"

NRSV "تا کلام خدا را به طور کامل شناخت"

TEV "به طور کامل پیام خدا را اعلام کنم"

NJB "که از تکمیل پیام خدا"

این از همان ریشه فعل "پر کردن" (*plēroō*) است که در کولسیان ۱: ۲۴ استفاده شده. زندانی شدن و موعظه کردن پولس تحقق برنامه خدا برای غیر یهودیان بود (مراجعه شود به اعمال رسولان ۹: ۱۵ الی ۱۶، ۲۲: ۲۱، ۲۶: ۱۷، رومیان ۱۱: ۱۳، ۱۵: ۱۶، غلاطیان ۱: ۱۶، ۲: ۷، افسسیان ۳: ۲ و ۸، اول تیموتائوس ۲: ۷، دوم تیموتائوس ۴: ۱۷).

۱: ۲۶ "راز" موضوع خاص در افسسیان ۳: ۳ را مطالعه کنید.

■ "که طی اعصار و نسلهای متمادی پنهان نگاه داشته شده بود" این وجه وصفی کامل مجهول است، در گذشته (دلالت) توسط خدا پنهان شده بود و همچنان پنهان بود. این راز از (۱) غیر یهودیان، (۲) یهودیان و (۳) حتی فرشتگان پنهان نگاه داشته شده بود (مراجعه شود به اول پطرس ۱: ۱۲). انبیا نگاه های مجملی بر آن داشتند، ولی هرگز حقیقت کامل را ندیدند (مراجعه شود به عبرانیان ۱: ۱). عبارت "اعصار و نسلها" توسط عرفا برای اشاره به سطوح فرشتگان (*aeons*) استفاده میشود.

■ "اما اکنون بر مقدسین او آشکار شده است" این وجه وصفی آتوریست اخباری دلالتی مجهول از مصدری است که معنی آن "به وضوح آشکار کردن" یا "در نور آوردن" می باشد (مراجعه شود به کولسیان ۱: ۲۷، رومیان ۳: ۲۱، ۱۶: ۲۶). آن چیزی که پنهان بود، اینک به طور کامل آشکار شده است. انجیل اینک باز بوده و بر همگان، و نه فقط بر اندکی افراد منتخب، آشکار است. موضوع خاص: قدیسان در کولسیان ۱: ۲ را مطالعه کنید.

■ "غنا جلال" پولس اغلب از اصطلاح "غنی/غنا" برای توصیف مزایای انجیل استفاده می کند (مراجعه شود به کولسیان ۱: ۲۷، ۲: ۲، افسسیان ۱: ۷ و ۱۸، ۲: ۷، ۳: ۸ و ۱۶، فیلیپیان ۴: ۱۹).

■ "مسیح در شما" از نظر دستور زبانی این امکان هست که این جمله به صورت "مسیح در میان شما" ترجمه گردد، که اشاره به راز انجیل دارد نه ساکن بودن مسیح. همین حرف اضافه یونانی، *en*، در عبارت بعدی "در میان غیر یهودیان"، "در میان" ترجمه میشود. به نظر میرسد که در متن بهترین گزینه باشد.

یک حالت سیال و روان میان کار پسر و کار روح القدس وجود دارد. G. Campbell Morgan میگوید بهترین اسم برای روح القدس "مسیح دیگر" است. مطلب زیر یک مقایسه کلی از کار و عناوین پسر و روح است.

موضوع خاص: عیسی و روح

(Special Topic: Jesus And The Spirit)

جریان روانی میان کار روح و پسر وجود دارد. G. Campbell Morgan میگوید بهترین نام برای روح "عیسی دیگر" است (با این حال، آنها از

یکدیگر متمایز و بوده و زندگی جاویدان دارند). فهرست زیر مقایسه مشخصه کار و عناوین پسر و روح هستند

۱. روح "روح عیسی" یا عبارات خطاب گفته می شود (مراجعه شود به رومیان ۸: ۹، دوم قرنتیان ۳: ۱۷، غلاطیان ۴: ۶، اول پطرس ۱: ۱۱)
a. "حقیقت"

(۱) عیسی (انجیل یوحنا ۱۴: ۱۶)

(۲) روح (انجیل یوحنا ۱۴: ۱۷، ۱۶: ۱۳)

b. "حامی"

۱) عیسی (اول یوحنا ۲: ۱)

۲) روح (انجیل یوحنا ۱۴: ۱۶ و ۲۶، ۱۵: ۲۶، ۱۶: ۷)

c. "مقدس"

۱) عیسی (انجیل مرقس ۱: ۲۴، انجیل لوقا ۱: ۳۵، اعمال رسولان ۳: ۱۴، ۴: ۲۷ و ۳۰

۲. هر دو با اصطلاحات مشابه خطاب می شوند

a. عیسی (انجیل متی ۲۸: ۲۰، انجیل یوحنا ۱۴: ۲۰ و ۲۳)، ۱۵: ۴ و ۵، رومیان ۸: ۱۰، دوم قرنتیان ۱۳: ۵، غلاطیان ۲: ۲۰،

افسیان ۳: ۱۷، کولسیان ۱: ۲۷)

b. روح (انجیل یوحنا ۱۴: ۱۶ الی ۱۷، رومیان ۸: ۹ و ۱۱، اول قرنتیان ۳: ۱۶، ۶: ۱۹، دوم تیموتائوس ۱: ۱۴)

c. پدر (انجیل یوحنا ۱۴: ۲۳، دوم قرنتیان ۶: ۱۶)

۳. هر دو در مومنین مقیم هستند

۴. وظیفه روح شهادت دادن برای عیسی است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۵: ۲۹، ۱۶: ۱۳ الی ۱۵)

۲۷: ۱ "جلال عظیمی در میان غیریهودیان برخوردار است" (در انجیل انگلیسی کلمه *rich* به معنی غنی استفاده شده و این عبارت به صورت "جلال غنی در میان غیر یهودیان" خوانده می شود- مترجم) پولس اصطلاح "غنی" را چندین مرتبه برای توصیف کارهای خیرخواهانه خداوند برای انسان گمراه و سقوط کرده استفاده کرده است (مراجعه شود به کولسیان ۱: ۲۷، ۲: ۲، رومیان ۲: ۴، ۹: ۲۳، ۱۱: ۳۳، دوم قرنتیان ۸: ۲، افسسیان ۱: ۷ و ۱۸، ۲: ۷، ۳: ۱۶).

خدا همیشه برنامه برای متحد کردن یهودیان و غیر یهودیان در رستگاری داشته است (مراجعه شود به افسسیان ۲: ۱۱ الی ۳: ۱۳). آغاز این برنامه رستگاری را می تواند در اینها دید:

۱. وعده خدا در پیدایش ۳: ۱۵، بر تمامی فرزندان آدم دلالت دارد

۲. فرا خواندن ابراهیم توسط خدا که همه مردم را برکت خواهد داد (مراجعه شود به پیدایش ۱۲: ۳)

۳. اعلام پادشاهی کشیشان تا به تمامی جهان برسد (خروج ۱۹: ۵)

۴. حتی معبد سلیمان جایی برای غیر یهودیان داشت تا در آنجا توبه کنند و ایمان آورند و بخشی از جامعه باشند (مراجعه شود به اول پادشاهان ۸: ۴۳ و ۶۰)

۵. اشارات بی شمار انبیا (به خصوص اشعیا) بر حکومت جهانی خدا و دعوت تمامی نوع بشر

■ "امید جلال" این اشاره به روز رستاخیز دارد که تمامی قدیسان کالبد جلال یافته جدید خود را دریافت می کنند (مراجعه شود به اول یوحنا ۳: ۲). انتخاب، توجیه و تقدس منتهی به جلال می شوند (مراجعه شود به رومیان ۸: ۲۹ الی ۳۰). یادداشت کامل در مورد "جلال" را در افسسیان ۱: ۶ مطالعه کنید.

۱: ۲۸ "ما او را وعظ می کنیم" مسیحیت اساسا یک الهیات تصحیحی، استانداردهای اخلاقی یا آداب مذهبی نیست، بلکه یک رابطه فردی با عیسی است. وقتی که این ارتباط برقرار شد، سایر جنبه ها جایگاه مناسب خود را خواهند یافت (مراجعه شود به دوم تیموتائوس ۳: ۱۵ و ۱۶ الی ۱۷).

■ "هشدار می دهیم" این اصطلاح در مورد تربیت کودکان در Septuagint استفاده شده است (مراجعه شود به یعقوب ۵: ۱۷). در عهد جدید در مورد مومنینی که مشوق یکدیگر هستند، استفاده شده است (مراجعه شود به اعمال رسولان ۲۰: ۳۱، رومیان ۱۵: ۱۴). معمولا در بر دارنده مفهوم منفی در قالب هشدار درباره رفتار نامناسب مسیحی است (مراجعه شود به اول تسالونیکیان ۵: ۱۴، دوم تسالونیکیان ۳: ۱۵).

■ "هر کس" این عبارت سه مرتبه در این آیه برای تاکید تکرار شده است. این جامعیت بسیار متفاوت از جدا کردن معلمین دروغین است. انجیل برای همه بشریت است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۳: ۱۶، اول تیموتائوس ۲: ۴، دوم پطرس ۳: ۹).

■ "با کمال حکمت" حکمت خدا کاملا با انحصارگرایی و جادوگری یا به اصطلاح دانش معلمین دروغین تفاوت دارد.

■ "تا همه را کامل در مسیح حاضر سازیم" هدف خدا برای کلیسا این است که هر مومنی در مسیح بالغ شود (مراجعه شود به کولسیان ۴: ۱۲، افسسیان ۴: ۱۳، اول قرنتیان ۲: ۶، ۱۴: ۲۰، فیلیپیان ۳: ۱۵). هیچ گروه ویژه، صفوف، نعمت، دانش یا امتیازات خاصی در بدن مسیح وجود ندارد، فقط خدمتگزاران!

NASB "تکمیل"

NKJV, NJB "کامل"

این اصطلاح یونانی *telos* است (همچنین معمولا در ادبیات عرفانی قرن دوم استفاده می‌شد)، که به معنای "کاملا مجهز برای یک کار خاص" (مراجعه شود به افسسیان ۱۲: ۴) است. از آن در موارد زیر استفاده شده است

۱. اندامهای شکسته که شفا یافته و مجددا کار میکنند
۲. تور ماهیگیری تعمیر شده که مجددا قابل استفاده است
۳. کشتیهایی که بادبانهای آنها برافراشته شده و آماده کشتیرانی در دریا هستند
۴. مرغ هایی که به اندازه کافی بزرگ شده اند که بتوان آنها را به بازار برد. این دلالت بر بدون گناه بودن ندارد، بلکه بر بلوغ کاری دلالت دارد

۱: ۲۹ "از این روست که من زحمت می‌کشم" همین دو اصطلاح قوی یونانی در اول تیموتائوس ۴: ۱۰ برای توصیف بشارت پولس استفاده شده اند.

■ "مجاهده" این وجه وصفی حال میانی (دپوننت) است. این یا یک اصطلاح ورزشی است (مراجعه شود به اول قرن‌تینان ۹: ۲۵، اول تیموتائوس ۶: ۱۲، دوم تیموتائوس ۴: ۷) یا یک اصطلاح نظامی (مراجعه شود به دوم قرن‌تینان ۲: ۱، انجیل یوحنا ۱۸: ۳۶). ما اصطلاح انگلیسی "*agon*" را از ریشه این اصطلاح یونانی برگرفته ایم. کار کلیسا ساده نیست.

■ "نیروی او که در من نیرومندان عمل می‌کند" این وجه وصفی حال میانی است. قدرت خدا است، نه مومن که به تمامی بشارتها "نیرو" می‌دهد (مراجعه شود به اول قرن‌تینان ۲، افسسیان ۱: ۱۹، ۳: ۷ و ۲۰، فیلیپیان ۳: ۲۱، اول تیموتائوس ۱: ۱۲). این اسم و وجه وصفی آن از همان ریشه یونانی است که به معنی "نیروی او به من نیرو می‌دهد".

سوالات بحث

این یک راهنمای مطالعاتی است، که بدین معنی است که شما خودتان مسئول تفسیر انجیل هستید. هر یک از ما باید در مسیر خودمان گام برداریم. شما، انجیل و روح القدس در اولویت تفسیر هستید. شما نباید این امر را به یک مفسر واگذار کنید.

این سوالات مباحثاتی به منظور کمک به شما در تفکر نسبت به مسائل اصلی این بخش از کتاب مطرح شده اند. آنها صرفا تفکر برانگیز هستند نه

قطعی.

۱. چرا پولس از معرفی استاندارد در نامه‌هایش استفاده میکنند؟ چگونه این یکی تفاوت دارد؟
۲. این کلیسا را چه کسی برپا کرد؟ به چه دلیل پولس این نامه را نوشت؟
۳. دلایل پولس برای شکرگزاری برای این قدیسان چه بود؟
۴. سه جنبه اراده خدا را فهرست کنید (۱: ۹)
۵. چهار عنصر دعای پولس در رابطه با "زندگی با ارزش" را فهرست کنید (۱: ۱۰ الی ۱۲)
۶. چیزهایی که پولس در مورد عیسی گفت را فهرست کنید (۱: ۱۵ الی ۱۹، ۲: ۹ الی ۱۰)
۷. چرا پولس در مورد مرگ عیسی بسیار قوی تاکید میکند؟
۸. آیا میشود کسی که مورد مرحمت بوده، محروم شود (۱: ۲۳، ۲: ۱۶ الی ۲۳)؟
۹. آیه ۱: ۲۴ یعنی چه؟
۱۰. "راز" را تعریف کنید.

کولسیان ۲

پاراگراف‌های ترجمه‌های مدرن *

UBS ⁴	NKJV	NRSV	TEV	NJB
بشارت پولس به کلیسا	فلسفه نه، بلکه مسیح	علاقه پولس به کولسیان	کار پولس به عنوان خادم کلیسا	توجه پولس بر ایمان کولسیان
(۱: ۲۴ الی ۲: ۵)		(۱: ۲۴ الی ۲: ۷)	(۱: ۲۴ الی ۲: ۳)	
	۱: ۱ الی ۱۰		۲: ۴ الی ۵	۲: ۱ الی ۳
پر بودن زندگی در مسیح		هشدار در مورد تعالیم دروغین	پر بودن زندگی در مسیح	بر اساس ایمان واقعی به مسیح زندگی کنید، نه بر اساس تعالیم دروغین
۲: ۶ الی ۱۵		۲: ۸ الی ۱۵	۲: ۶ الی ۷	۲: ۶ الی ۷
	قانونگرایی نه، بلکه مسیح		۲: ۸ الی ۱۰	۲: ۸
	۲: ۱۱ الی ۲۳		۲: ۱۱ الی ۱۵	۲: ۱۱ الی ۱۳
				۲: ۱۴ الی ۱۵
				علیه ریاضت غلط بر اساس اصول این دنیا
۲: ۱۶ الی ۱۹	۲: ۱۶ الی ۱۹	۲: ۱۶ الی ۱۹	۲: ۱۶ الی ۱۹	۲: ۱۶ الی ۱۹
زندگی جدید در مسیح			مرگ و زندگی با مسیح	
(۲: ۲۰ الی ۳: ۱۷)				
۲: ۲۰ الی ۳: ۴		۲: ۲۰ الی ۲۳	۲: ۲۰ الی ۳: ۴	۲: ۲۰ الی ۲۳

مطالعه حلقه سوم (رجوع کنید به "سمینار تفسیر کتاب مقدس")

به دنبال نیت اصلی نویسنده در سطوح پاراگراف

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور خودمان راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید.

کل کتاب مقدس را در یک نشست بخوانید. موضوعات را مشخص نمایید (مطالعه حلقه شماره ۳). تقسیمات موضوعی خود را با پنج ترجمه بالا مقایسه کنید. پاراگراف بندی به نویسنده الهام نشده است، اما کلید پیگیری اهداف اصلی نویسنده است که قلب تفسیر است. هر پاراگراف تنها و تنها یک موضوع دارد.

۱. پاراگراف اول

۲. پاراگراف دوم

۳. پاراگراف سوم و غیره

۴. و غیره

NASB (به روز شده): کولسیان ۲: ۱ الی ۵

ا' پس می‌خواهم بدانید که به خاطر شما و کسانی که در لائودیکیه هستند، و برای همه آنان که روی مرا ندیده‌اند، چه مجاهده‌ای دارم، تا دلگرم شده، در محبت متحد گردند، و از همه غنای فهم و درکی کامل برخوردار گشته، راز خدا یعنی مسیح را بشناسند، که در او همه گنجهای حکمت و معرفت نهفته است. ۴ این را می‌گویم تا هیچ کس شما را با استدلالهای فریبنده گمراه نسازد. زیرا هرچند در جسم از شما دورم، لیکن در روح با شما هستم و از مشاهده نظم و ایمان پایدارتان به مسیح شادمانم.

۲: ۱ "چه مجاهده‌ای" "مجاهده" یک اصطلاح ورزشی یا نظامی است (مراجعه شود به کولسیان ۱: ۲۹، ۴: ۱۲). در اینجا به عنوان (۱) یک استعاره برای نماز روحانی یا (۲) کار پولس از طرف غیر یهودیان استفاده شده است.

■ "لائودیکیه" این یک شهر نزدیک بود، فقط ۱۰ مایل با کولسی فاصله داشت و در همان دره بود (مراجعه شود به کولسیان ۴: ۱۳ و ۱۵ و ۱۶، مکاشفه ۳: ۱۴). اپافراس ظاهراً کلیسایی را در هر یک از شهرهای دره رودخانه لیکوس، کولسی، لائودیکیه و هیراپولیس برپا کرده بود (مراجعه شود به کولسیان ۴: ۱۳). این نامه باید در هر یک از آنها خوانده میشد.

■ "همه آنان که روی مرا ندیده‌اند" پولس نه این کلیسا و نه آن دو کلیسای دیگر در دره رودخانه لیکوس را برپا نکرده بود. توسط اپافراس برپا شده بودند (مراجعه شود به کولسیان ۱: ۷). با این حال، پولس برای آنها دعا میکرد. پولس کلیسا و کلیساهای دوست داشت.

۲: ۲ "تا دلگرم شده" این یک جمله هدفمند با وجه وصفی آئوریست مجهول است. از همان ریشه "paracletos" است، که در مورد روح القدس در انجیل یوحنا ۱۴: ۱۶ الی ۲۶، ۱۵: ۲۶، ۱۶: ۷ و در مورد عیسی در اول یوحنا ۲: ۱ استفاده شده است. معنی اولیه آن "فراخواندن برای کمک و تشویق" است. استعاره ای از سیستم قانونی رومی است، مفهوم وکیل مدافع از این کلمه می‌آید.

موضوع خاص: قلب/دل (عهد جدید)

(Special Topic: The Heart (NT))

اصطلاح یونانی *kardia* که در نسخه Septuagint و عهد جدید استفاده شده است منعکس کننده اصطلاح یونانی *lēb* (BDB 523, KB) است. به شیوه‌های مختلفی این اصطلاح استفاده شده است (مراجعه شود به *A Greek-English Lexicon* اثر Bauer, Arndt, Gingrich and Danker چاپ دوم، صفحات ۴۰۴ الی ۴۰۴).

۱. مرکز زندگی فیزیکی، استعاره‌ای برای یک فرد (مراجعه شود به اعمال رسولان ۱۴: ۱۷، دوم قرنتیان ۳: ۲ الی ۳، یعقوب ۵: ۵)
۲. مرکز زندگی معنوی (یعنی اخلاقی)
 - a. خدا دل را می‌شناسد (مراجعه شود به انجیل لوقا ۱۶: ۱۵، رومیان ۸: ۲۷، اول قرنتیان ۱۴: ۲۵، اول تسالونیکیان ۲: ۴، مکاشفه ۲: ۲۳)
 - b. در مورد زندگی معنوی نوع بشر استفاده شده است (مراجعه شود به انجیل متی ۱۵: ۱۸ الی ۱۹، ۱۸: ۳۵، رومیان ۶: ۱۷، اول تیموتائوس ۱: ۵، دوم تیموتائوس ۲: ۲۲، اول پطرس ۱: ۲۲)
۳. مرکز زندگی فکری (یعنی فکر، مراجعه شود به انجیل متی ۱۳: ۱۵، ۲۴: ۴۸، اعمال رسولان ۷: ۲۳، ۱۶: ۱۴، ۲۸: ۲۷، رومیان ۱: ۲۱، ۱۰: ۶، ۱۶: ۱۸، دوم قرنتیان ۴: ۶، افسسیان ۱: ۱۸، ۴: ۱۸، یعقوب ۱: ۲۶، دوم پطرس ۱: ۱۹، مکاشفه ۱۸: ۷، در دوم قرنتیان ۳: ۱۴ الی ۱۵ و فیلیپیان ۴: ۷ قلب مترادف با ذهن است)
۴. مرکز اراده (مراجعه شود به اعمال رسولان ۵: ۴، ۱۱: ۲۳، اول قرنتیان ۴: ۵، ۷: ۳۷، دوم قرنتیان ۹: ۷)
۵. مرکز احساسات (مراجعه شود به انجیل متی ۵: ۲۸، اعمال رسولان ۲: ۲۶ و ۳۷، ۷: ۵۴، ۲۱: ۱۳، رومیان ۱: ۲۴، دوم قرنتیان ۲: ۴، ۷: ۳، افسسیان ۶: ۲۲، فیلیپیان ۱: ۷)
۶. مکان منحصر به فرد فعالیت‌های معنوی (مراجعه شود به رومیان ۵: ۵، دوم قرنتیان ۱: ۲۲، غلاطیان ۴: ۶، [مسیح در قلب ما است، افسسیان ۳: ۱۷])
۷. قلب استعاره‌ای است برای اشاره یک فرد کامل (مراجعه شود به انجیل متی ۲۲: ۳۷، نقل از تثنیه ۶: ۵). افکار، انگیزه‌ها و اعمال منتسب به قلب کاملاً نوع فرد را مشخص می‌سازند. عهد عتیق برخی استفاده خاص از این اصطلاح دارد.

- a. پیدایش، ۶: ۶، ۸: ۲۱، "خدا تا قلبش ناراحت شد"، همچنین به یوشع ۱۱: ۸ الی ۹ مراجعه کنید
- b. تثنیه ۴: ۲۹، ۵: ۶، ۱۰: ۱۲، "با تمام قلب و با تمام روح خود"
- c. تثنیه ۱۰: ۱۶، ارمیا ۹: ۲۶، "قلب غیر یهودی"
- d. حزقیال ۱۸: ۳۱ الی ۳۲، "قبل جدید"

حزقیال ۳۶: ۲۶، "دل جدید" در مقابل "دلی از سنگ"، (حزقیال ۱۱: ۱۹، زکریا ۷: ۱۲)

■ "متحد گردند" این وجه وصفی آئوریست مجهول از ترکیب *syn* است. برای "راهنمایی" در Septuagint استفاده شده است (مراجعه شود به اشعیا ۴۰: ۱۳، اول قرنتیان ۲: ۱۶). در نوشته های پولس به عنوان استفاده از کالبد فیزیکی که به بلوغ واحد میرسد استفاده شده است (مراجعه شود به کولسیان ۲: ۱۹، افسسیان ۴: ۱۶). این رشد و وحدت (حالت مجهول) فقط در مسیح، در روح و در عشق، ممکن است. وحدت در ارتداد بسیار مهم است (مراجعه شود به افسسیان ۴: ۱ الی ۶).

NASB	"تمام ثروت"
NKJV, NRSV	"غنا کامل"
TEV	"ثروت کامل"
NJB	"آنها غنی هستند"

پولس اغلب از اصطلاح "غنی" برای توصیف عشق خدا به مسیح استفاده می کند (مراجعه شود به رومیان ۲: ۴، ۹: ۲۳، ۱۱: ۱۲ و ۳۳، افسسیان ۱: ۷ و ۱۸، ۲: ۷، ۳: ۸ و ۱۶، فیلیپیان ۴: ۱۹، کولسیان ۱: ۲۷، ۲: ۲). مومنین از نظر معنوی غنی هستند (مراجعه شود به یعقوب ۱: ۹) به واسطه غنا و سخاوتمندی خدا از طریق مسیح (مراجعه شود به دوم قرنتیان ۸: ۹، ۹: ۱۵). در اینجا "غنا/ثروت" ("تمامی ثروتها"، مراجعه شود به کولسیان ۲: ۳) درک مومنین از انجیل است. فقط لحظه ای توقف کنید و به نعمت مکاشفه فکر کنید.

■ "فهم و درکی کامل" پولس به استفاده از اصطلاحات و مفاهیم معلمین دروغین ادامه می دهد. در این عبارت "اطمینان کامل" ترکیبی از *plērōma* است که مردها برای اشاره به سطوح فرشتگان استفاده می کردند.

اصطلاح "درک" (*sunesis*) هم اصطلاح مرکبی از *syn* است به *plērōma* در کولسیان ۱: ۹ مرتبط است. ریشه و منشا آن از جریانات فکری است. این معلمین دروغین تلاش میکردند مسیحیت را برای جامعه و فرهنگ یونانی قابل درک، مرتبط و کاربردی سازند. همین انگیزه باعث شد بسیاری از مردهای عصر مدرن تلاش کنند به زور انجیل را در قالبهای تفکر یا طبقه بندیهای امروزی جای دهند.

■ "شناخت واقعی" (این عبارت در نسخه فارسی ترجمه نشده است- مترجم) مجددا این را باید به عنوان حمله دیگری به تاکید معلمین دروغین و ادعای آنان بر دانش اسرار که دانش غایی برای رستگاری است، دانست. از نظر پولس، "شناخت واقعی" (*epignōskō*) فقط در انجیل مسیح یافت میشود، که راز خدا است.

NASB, NKJV,	"راز"
NRSV	"راز"
TEV	"حقیقت پنهان"
NJB	"دلیل پنهانی برای همه اینها"

خداوند یک هدف واحد برای رستگاری بشریت (مراجعه شود به افسسیان ۲: ۱۱-۳: ۱۳) دارد که حتی قبل از سقوط و گمراهی بود (مراجعه شود به پیدایش ۳). نکاتی از این طرح در عهد عتیق آشکار شدند (مراجعه شود به پیدایش ۳: ۱۵، ۱۲: ۳، خروج ۱۹: ۵ الی ۶ و متون کلی در انبیا). با این وجود، این دستور کار کلی تا مکاشفه انجیل عیسی مسیح واضح نبود (مراجعه شود به اول قرنتیان ۲: ۱ الی ۸). با آمدن عیسی و روح القدس این امر واضح تر و بدیهی تر شد. پولس از اصطلاح "راز" استفاده کرد تا این طرح کلی رستگاری را توصیف کند (مراجعه شود به اول قرنتیان ۴: ۲، افسسیان ۶: ۱۹، کولسیان ۴: ۳، اول تیموتائوس ۳: ۹). موضوع خاص در افسسیان ۳: ۳ را مطالعه کنید.

■ "دل" موضوع خاص قلب/دل در کولسیان ۲: ۱ را مطالعه کنید.

NASB	"یعنی، مسیح، خودش"
NRSV	"یعنی خود مسیح"
NKJV	"هم پدر و هم مسیح"

چندین تفاوت در میان نسخ دستنویس وجود دارند. صرف غیر متعارف P⁴⁶، "خدا، مسیح" به بهترین شکل منشا سایر تفاوتها را توضیح میدهد (مراجعه شود به ضمیمه ۲، B-۱ الی ۶). راز خدا، مسیح است- زندگی او، تعالیمش، رنجهایش، مرگش، قیامش از مردگان، معراج و آمدن دومش! راز برنامه رستگاری جاودانی و جهانی پدر با قیام پسر از مردگان آشکار شد.

موضوع خاص: راز در نوشته های پولس در افسسیان ۳: ۳ را مطالعه کنید.

۳: ۲ "در او همه گنجهای حکمت و معرفت نهفته است" این آیه تاکید معلمین دروغین را رد کرده و شخص مسیح را بزرگ میکند. راز خدا (مکاشفه) یک شخص است، برنامه خدا، یک فرد است (مراجعه شود به NASB, NKJV, NRSV, TEV) و رستگاری خدا یک فرد است، نه حکمت یا تلاش انسانی. از نظر دستور زبانی ممکن است که این جمله آغاز کلام خنثی باشد ("در او")، نه مذکر ("در وی") و بنابراین، اشاره به راز دارد (مراجعه شود به NJB).

۴: ۲ "تا هیچ کس شما را با استدلالهای فریبنده همراه ن سازد" این یک جمله هدفمند با وجه شرطی میانی (دپوننت) است. این فعل به دو شیوه استفاده شده است: (۱) فریفتن یا فریب دادن کسی (مراجعه شود به یعقوب ۱: ۲۲) و (۲) دلیل اشتباه آوردن، همراه کردن یا تحریف کردن.

این توهم با استفاده از استدلال فکری، استدلالهای قابل قبول و / یا گفتار متقاعد کننده ایجاد شد. معلمان دروغین همیشه منطقی، جذاب، و متقاعد کننده به نظر میرسند (کاملاً متفاوت از پولس، مراجعه شود به اول قرنتیان ۲: ۱ الی ۵).

۵: ۲ "هر چند" این جمله عبارت شرطی نوع اول است که از دیدگاه نگارنده یا از لحاظ متنی شرط درست است. به طور بدیهی پولس از نظر فیزیکی با آنها نبود، ولی برایشان دعا میکرد و احساس میکرد که با آنها است.

■ "در جسم از شما دورم" این به مفهوم "نزدیک نبودن فیزیکی" است. موضوع خاص: گوشت (sarx) در کولسیان ۱: ۲۲ را مطالعه کنید.

■ "در روح با شما هستم" قلب و دعای پولس به طور مداوم با این مکان دور افتاده، کوچک، مورد آزار و اذیت قرار گرفته پادشاهی خدا بود! در اینجا کلمه "روح" به خود شخص انسان اشاره دارد. این مشابه عبارت استفاده شده در اول قرنتیان ۵: ۳ است.

NASB	"نظم خوب ثبات"
NKJV	"ترتیب خوب پایداری"
NRSV	"اخلاقی سختی"
TEV	"استحکام پایدار که با آن برقرار بمانید"
NJB	"نظم خوب محکم"

اینها (۱) اصطلاحات نظامی برای ثبات و پایداری هستند (مراجعه شود به افسسیان ۶: ۱۰ الی ۱۷) یا (۲) اصطلاحات ساختمانی برای یک بنای محکم و سخت (مراجعه شود به دوم تیموتائوس ۲: ۱۴ الی ۱۹، او پطرس ۵: ۹). این اصطلاحات ایمان مومنین کولسی را، حتی در میانه حملات و سردرگمی معلمین دروغین توصیف میکنند.

NASB (به روز شده): کولسیان ۲: ۶ الی ۷

۱ پس همان گونه که مسیح عیسای خداوند را پذیرفتید، در او سلوک کنید: ۷ در او ریشه گیرید و بنا شوید، و همان گونه که تعلیم یافتید، در ایمان استوار شده، لبریز از شکرگزاری باشید.

۶: ۲ "پس همان گونه که مسیح عیسای خداوند را پذیرفتید" فعلی که در اینجا استفاده شده (*paralambanō*، آنوریست فعال اخباری) دو مفهوم دارد.
 ۱. خوش آمد گویی به یک شخص (مراجعه شود به انجیل متی ۱: ۲۰، انجیل یوحنا ۱: ۱۱، ۱۴: ۳)
 ۲. پذیرفتن یک "سنت" (مراجعه شود به اول قرنتیان ۱۱: ۲۳، ۱۵: ۱ و ۳، غلاطیان ۱: ۹ و ۱۲، فیلیپیان ۴: ۹، اول تسالونیکیان ۲: ۱۳، ۴: ۱، دوم تسالونیکیان ۳: ۶)

کولسیان محتوای انجیل را توسط موعظه اپافارس شنیدند، سپس آنها شخص انجیل را پذیرفتند (انجیل یوحنا ۱: ۱۲). ایمان انجیلی یک پیمان است. خدا دستور کار را تعیین کرده و نخستین تماس را برقرار میسازد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۶: ۴۴ و ۶۵)، ولی افراد باید با توبه، ایمان، اطاعت و استقامت پاسخ دهند (کولسیان ۲: ۶). پیام معلمین دروغین الهیات محتوا و شخص انجیل را خدشه دار ساخته است.

■ "مسیح عیسای خداوند" (در متن انگلیسی *Christ Jesus the Lord* به مسیح عیسای سرور نوشته شده که کلمه *Lord* در فارسی به اشتباه خدا

[God] ترجمه شده است) "عیسی سرورمان است" اقرار به ایمان کلیسای اولیه در زمان تعمید بود (مراجعه شود به رومیان ۱۰: ۹ الی ۱۳، اول قرنتیان ۱۲: ۳، دوم قرنتیان ۴: ۵، فیلیپیان ۲: ۱۱). تأیید این بود که عیسی ناصری مسیح عهد عتیق و مولود الهی است (مراجعه شود به فیلیپیان ۲: ۶ الی ۱۱).

■ "در او سلوک کنید" این زمان حال فعال امری است. مسیحیت یک فرقه الهیاتی نیست، یک شیوه زندگی از روی ایمان است ("گام برداشتن"، مراجعه شود به کولسیان ۱: ۱۰، افسسیان ۴: ۱ و ۱۷، ۵: ۲ و ۱۵). رستگاری محصولی نیست که مومنین مالک آن باشند، بلکه شخصی است که مالک آنها است. پولس در اینجا بر جنبه فردی ایمان مسیحی تمرکز میکند همانند انجیل یوحنا (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱: ۱۲، ۳: ۱۶، ۴: ۴۰، ۶: ۱۱، ۲۵ الی ۲۶).

۷: ۲ این آیه حاوی چهار فعل است (که به صورت امری استفاده شده اند) و ارزش گام برداشتن را توصیف میکنند (مراجعه شود به کولسیان ۲: ۶):

۱. "ریشه گیرید" این زمان مجهول کامل است که بیان کننده یک وضعیت کامل شده ای است که توسط خدا ایجاد شده. این بیان استعاره ای کشاورزی در کولسیان و افسسیان منحصر به فرد است (مراجعه شود به کولسیان ۳: ۱۷).

۲. "بنا شوید" این زمان مجهول است که از یک فرایند در حال اجرا توسط خدا خبر میدهد. پولس اغلب از این ساختار استعاره ای برای توصیف مردم خدا استفاده میکند (مراجعه شود به اول قرنتیان ۳: ۵، افسسیان ۲: ۲۰ و ۲۲). میتواند اشاره به قدیسان به عنوان معبد هم باشد (به صورت فردی، اول قرنتیان ۶: ۱۹ و به اتفاق اول قرنتیان ۳: ۱۶).

۳. "در ایمان استوار شوید" این هم یک زمان حال مجهول دیگر است که از یک فرایند در حال اجرا توسط خدا خبر میدهد. حالت اسم (تأیید) در فیلیپیان ۱: ۷ و عبرانیان ۶: ۱۶ یافت میشود. فعل دلالت بر "تأیید کردن" (مراجعه شود به اول قرنتیان ۱: ۶ و ۸، دوم قرنتیان ۱: ۲۱)، "محکم و قوی کردن" و "احراز کردن" اغلب با بحث و جدل دارد (مراجعه شود به رومیان ۱۵: ۸، اول قرنتیان ۱: ۸).

عبارت "در ایمان" را میتوان به صورت (۱) ایمان مشروط و اعتماد به مسیح یا (۲) ایمان عینی، دکتین درباره مسیح درک کرد (مراجعه شود به یهودا ۳ و ۲۰).

۴. "لبریز از شکرگزاری باشید" این زمان حال فعال است که از یک فرایند در حال اجرا توسط خدا خبر میدهد. زندگی مسیحی یک زندگی شکرگزارانه از خدا به خاطر فیض او در مسیح است. این با بیان اطاعت از روی شادی و استقامت بیان میشود. دانستن انجیل یک شادی وصف ناپذیر (مراجعه شود به کولسیان ۱: ۱۲) و زندگی مناسب (مراجعه شود به کولسیان ۱: ۱۰ الی ۱۱) با شکرگزاری است (مراجعه شود به کولسیان ۳: ۱۷). موضوع خاص: فراوانی (Perisseuō) در افسسیان ۱: ۸ را مطالعه کنید.

NASB (به روز شده): کولسیان ۲: ۸ الی ۱۵

^۸ به هوش باشید کسی شما را با فلسفه ای پوچ و فریبنده اسیر نسازد، که نه بر مسیح، بلکه بر سنت آدمیان و اصول ابتدایی این دنیا استوار است. ^۹ زیرا الوهیت با همه کمالش به صورت جسمانی در مسیح ساکن است، ^{۱۰} و شما در او، که همه ریاستها و قدرتها را سر است، از کمال برخوردار گشته اید. ^{۱۱} و در او ختنه نیز شده اید، به ختنه ای که با دست انجام نشده است. این ختنه همانا از تن به در آوردن شخصیت نفسانی است در ختنه مسیح. ^{۱۲} و در تعمید، با او مدفون گشتید و با ایمان به قدرت خدا که مسیح را از مردگان بر خیزانید، با او بر خیزانیده شدید. ^{۱۳} آن زمان که در گناهان و حالت ختنه نشده نفس خود مرده بودید، خدا شما را با مسیح زنده کرد. او همه گناهان ما را آمرزید ^{۱۴} و آن سندی قرضها را که به موجب قوانین بر ضد ما نوشته شده و علیه ما قد علم کرده بود، باطل کرد و بر صلیب میخکوبش کرده، از میان برداشت. ^{۱۵} و ریاستها و قدرتها را خلع سلاح کرده، در نظر همگان رسوا ساخت و به وسیله صلیب بر آنها پیروز شد.

۲: ۸ الی ۱۵ این یک جمله طولانی است، یک ارائه طولانی و پایدار در زبان یونانی.

۸: ۲

NASB, NRSV,

TEV "به آن توجه کردن"

NKJV "هشیار باشید"

NJB "اطمینان حاصل کنید"

این زمان حال فعال امری است. مسیحیان باید از آزادی خود در مسیح در برابر معلمین دروغین زمانی که به سراغ برادران ضعیفتر خود میروند، محافظت کنند (مراجعه شود به رومیان ۱۴: ۱ الی ۱۵: ۳، اول قرنتیان ۸، ۱۰: ۲۳ الی ۳۳). اغلب به سختی میتوان میان این دو گروه تفاوت قائل شد. معلمین دروغین حقیقت را منحرف میکنند، در حالی که برادران ضعیف از مسائل شخصی و فردی حمایت میکنند.

■ "کسی شما را اسیر نسازد" این وجه وصفی حال فعال منفی است. این اصطلاح قوی یونانی فقط در اینجا در عهد جدید استفاده شده است، به معنی (۱)

آدم ربایی کردن، (۲) از راه بدر کردن (دوم تیموتائوس ۳: ۶)، و یا (۳) به بردگی گرفتن است. معلمین دروغین همیشه در پی تحت کنترل گرفتن هستند.

■ **"با فلسفه"** این به معنی محکوم کردن تفکر منطقی انسان نیست. انسانها از تصویر خدا خلق شده اند و باید او را با تمام وجود عبادت کنند، منجمله با فکرشان (مراجعه شود به تنبیه ۶: ۵، انجیل متی ۲۲: ۳۲، انجیل مرقس ۱۲: ۲۹ الی ۳۰، انجیل لوقا ۱۰: ۲۷). این رد فلسفه و الهیات معلمان دروغین است (مراجعه شود به کولسیان ۲: ۲۳، اول قرنتیان ۱: ۲۶ الی ۲: ۸، افسسیان ۴: ۱۳، ۵: ۶، اول تیموتائوس ۶: ۲۰).

■ **"پوچ و فریبنده"** این اصطلاح را میتوان "فریب، اغفال، توهم" ترجمه کرد (مراجعه شود به انجیل متی ۱۳: ۲۲، افسسیان ۴: ۲۲، دوم تسالونیکیان ۲: ۱۰، عبرانیان ۳: ۱۳). معلمین دروغین اغلب صمیمی ولی اغفال کننده هستند!

■ **"بر"** این اصطلاح یونانی *kata* است. سه مرتبه برای تعریف "فلسفه پوچ تکرار شده است":

۱. **"سنت آدمیان"** بیشتر تعصبات مذهبی انسانها فرهنگی است، نه انجیلی (مراجعه شود به اشعیا ۲۹: ۱۳، کولسیان ۲: ۲۳). اغلب ما هر آنچه را که میگیریم، بدون اینکه به خاطر خودمان آن را با انجیل مطابقت دهیم، به دیگری منتقل میکنیم.

۲. **"نه بر مسیح"** بر اساس خرد، تجربه یا تصورات انسانی است

۳. **"اصول ابتدایی"** بیشتر کلمات از مفاهیم لغوی و فیزیکی به استعاره‌ها بسط می یابند. این اصطلاح (*stoicheia*) اساسا به چیزی که در صف یا ردیف قرار گرفته اشاره میکند. این اصطلاح در چندین مفهوم بسط یافته است:

a. بلوک های اصلی ساختار فیزیکی جهان (هوا، آب، زمین و آتش، مراجعه شود به دوم پطرس ۳: ۱۰ و ۱۲)

b. تعالیم اولیه یک موضوع (مراجعه شود به عبرانیان ۵: ۱۲، ۶: ۱ برای یهودیت)

c. قدرتهای فرشته ای در پس کالبدهای بهشتی (مراجعه شود به اول انوش ۵۲: ۸ الی ۹، پدران کلیسای اولیه، کولسیان ۲: ۸ و ۲۰، اول قرنتیان ۱۵: ۲۴) یا رتبه های فرشتگان (*aeons*) معلمین دروغین عرفان (مراجعه شود به کولسیان ۲: ۱۰ و ۱۵، افسسیان ۳: ۱۰)

d. فرشتگانی که با انسان دشمن بوده و تلاش کردند قانون به موسی داده نشود (مراجعه شود به اعمال رسولان ۷: ۳۸، عبرانیان ۲: ۲)

e. احتمالا ساختارهای غیر شخصی جهان گمراه ما که اجازه می دهند انسان گمراه مستقل از خدا به نظر برسد (تحصیلات، دولت، دارو، مذهب و غیره)، (مراجعه شود به غلاطیان ۴: ۳، ۸ الی ۹، و *Christ and the Powers* اثر Hendrik Berkhof از انتشارات Herald Press، صفحه ۳۲).

■ **"بر مسیح"** این سومین مرتبه ای است که از *kata* استفاده شده است. مشکل با فلسفه جهان این است که حقیقت را با استانداردی غیر از مکاشفه خدا، انجیل عیسی مسیح تعریف میکند. این یک کشف انسانی است نه مکاشفه الهی.

۲: ۹ **"در او"** این عبارت یک جمله تأکیدی است. "در او" عبارت کلیدی در الهیات پولس است ("در او که" کولسیان ۲: ۳، "در مسیح" کولسیان ۲: ۵، "در او" کولسیان ۲: ۶ و ۹ و ۱۰ و ۱۱، "با او" کولسیان ۲: ۱۲ و ۱۳). همچنین به افسسیان ۱: ۳ و ۴ و ۷ و ۹ و ۱۰ و ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ توجه کنید. پولس مجدداً به مسیح شناسی بازمیگردد، همانطور که در کولسیان ۱: ۱۵ الی ۲۰ انجام داد. این مسئله اصلی است، و مسئله اصلی فرد است!

■ **"الوهیت با همه کمالش"** این جنبه دوگانه طبیعت مسیح توسط معلمین دروغین انکار میشود (مراجعه شود به کولسیان ۱: ۱۵ الی ۲۰). آنان قبول داشتند که او تماماً الهی است، ولی تماماً انسان بودن او را انکار میکردند (مراجعه شود به اول یوحنا و ۴: ۱ الی ۳). اصطلاح "پُر" (*plērōma*) یک اصطلاح عرفانی برای سطوح فرشتگان (*aeons*) میان خدای نیک و والا و ماده پلید است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱: ۱۶، کولسیان ۱: ۱۹، افسسیان ۱: ۲۳، ۳: ۱۹، ۴: ۱۳).

این اصطلاح جذمی برای "الهی/از جنس خدا بودن" (*theotās*) در عهد جدید فقط در اینجا استفاده شده است. عیسی مکاشفه تمام و کمال خدا است، نه سطوح فرشته ای (*aeons*) یا دانش پنهان معلمین دروغین. این احتمال هست که این یکی از اصطلاحات کلیدی معلمین دروغین بوده باشد. پولس اغلب از اصطلاحات و واژگان آنان برای توصیف مسیح استفاده میکرد.

■ **"ساکن بودن"** این حال فعال اخباری است. برخی از معلمین دروغین عرفان معتقد بودند که "روح مسیح" برای مدت محدودی بر عیسی آمد. این آیه دو طبیعت عیسی را با وحدت دائمی تصریح میکند.

■ **"به صورت جسمانی"** این حقیقتی بود که عرفان به دلیل دوگانگی یونانی بین خدای نیک و ماده شیطانی تأیید نمی کرد. در مسیحیت این بسیار مهم است (مراجعه شود به اول یوحنا ۴: ۱ الی ۳).

۲: ۱۰ **"از کمال برخوردار گشته‌اید"** این وجه وصفی کامل مجهول از *plerōma* است (مراجعه شود به کولسیان ۲: ۹، انجیل یوحنا ۱: ۱۶، افسسیان ۳: ۱۹). مسیحی از او پر شده و برای او است. عیسی ما را کامل ساخته است.

■ "او، که همه ریاستها و قدرتها را سر است" این به نگرش معلمین دروغین عرفان به رستگاری اشاره دارد. از نظر آنان رستگاری شامل دانش پنهان (یک کلمه عبور یا نام سری) است که به آنان اجازه می‌دهد از میان فضای فرشتگان و از میان ماده (جهان) و روح (خدا)، مراجعه شود به کولسیان ۱: ۲۲، ۳: ۱۰، ۶: ۱۲ عبور کنند. پولس تصریح کرد که رستگاری در مسیح است. او سر همه قلمروهای فرشتگان و شیاطین است (مراجعه شود به رومیان ۸: ۳۸ الی ۳۹). موضوع خاص: فرشتگان در نوشته‌های پولس در افسسیان ۶: ۱۲ را مطالعه کنید.

George Ladd در *A Theology of the New Testament*، پاراگراف جالبی در مورد اصطلاحات و واژگان پولس دارد:

"مطالعه زبانی که پولس برای تعیین این ارواح فرشته‌ای استفاده می‌کند، نشان می‌دهد که پولس عمداً از اصطلاح مبهم و متنوعی استفاده می‌کند. این به ویژه در تعابیر او میان حالات متفاوت کلمات مفرد و جمع دیده می‌شود. این امر غیرممکن است که این ادبیات واژگانی را گروه بندی کرد و به وضوح و روشنی تعریفی از موجودات فرشتگان طبقه بندی و یا کاملاً مشخص کرد و نمی‌توان با اصطلاحات مختلف، اهداف پولس را برای تعیین انواع یا صفات فرشتگان مشخص نمود. احتمالاً پولس با دیدگاه‌هایی مواجه است که نظم متفاوتی از فرشتگان را بیان می‌کنند، زبان انعطاف پذیر، که تقریباً می‌توان آن را نمادین نامید، ادعا می‌کند که تمام قدرتهای شرور، تا حد ممکن، شخصی یا غیر شخصی، به واسطه مرگ و برانگیختن مسیح تحت فرمانروایی قرار گیرند و در نهایت از طریق سلطه مسیحیت نابود خواهند شد" (صفحه ۴۰۲).

برای "اقتدار" موضوع خاص در کولسیان ۱: ۱۶ را مطالعه کنید.

۲: ۱۱ "در او ختنه نیز شده‌اید" پولس از نشانه پیمان عهد عتیق (مراجعه شود به پیدایش ۱۲: ۸ الی ۱۴) در مفهومی روحانی (مراجعه شود به تثبیه ۱۰: ۱۶، ۳۰: ۶، ارمیا ۴: ۴، رومیان ۲: ۲۸ و ۲۹، فیلیپیان ۳: ۳) استفاده می‌کند. این باید یک زبان نمادین باشد و یا اینکه معلمین دروغین گرایشات یهودی داشتند. موارد زیادی در مورد گروه‌های مرتد عهد جدید هستند که نامشخص یا ناشناخته هستند. به طرقي، این معلمین دروغین ترکیبی از عرفان یونانی و قانونگرایی یهودی هستند (مراجعه شود به کولسیان ۲: ۱۱ و ۱۶ و ۱۸). Lightfoot که یک مفسر است، تصریح کرده آنان مشابه Essenes (جامعه کتیه بحر المیت که یک گروه جدایی طلب خاصی از یهودیان قرن اول بودند که در بیابان زندگی میکردند) بودند.

■ "ختنه‌ای که با دست انجام نشده است" این یک استفاده استعاره‌ای از ختنه به عنوان نشانی از پیمان عهد عتیق است. ختنه "جدید" قلبی جدید و رابطه‌ای جدید با خدا از طریق مسیح است (مراجعه شود به رومیان ۲: ۲۸ و ۲۹، فیلیپیان ۳: ۳). حتی در عهد عتیق وقتی که پیمان جدید بحث میشود (مراجعه شود به ارمیا ۳۱: ۳۱ الی ۳۴ و حزقیال ۳۶: ۲۲ الی ۳۸) ختنه هرگز ذکر نشد و بر آن به مراتب کمتر تاکید شد.

■ "از تن به در آوردن شخصیت نفسانی است" این اشاره به طبیعت قدیمی گمراهی دارد، نه کالبد فیزیکی (مراجعه شود به رومیان ۶: ۶، ۷: ۲۴، غلاطیان ۵: ۲۴، کولسیان ۳: ۵).

۲: ۱۲ "در تعمید، با او مدفون گشتید" این وجه وصفی آنوریست مجهول با ترکیب *syn* است که به معنی همراه با کسی یا چیزی دفن شدن می‌باشد. این استعاره غوطه وری تعمید مشابه با دفن کردن است (مراجعه شود به رومیان ۶: ۴). همانطور که مومنین در رنج و عذاب، مرگ و دفن او سهیم هستند، در قیام او از مردگان و جلالتش نیز سهیم می‌باشند (مراجعه شود به کولسیان ۲: ۱۲، رومیان ۸: ۱۷، افسسیان ۲: ۵ الی ۶).

برای پولس تعمید شیوه‌ای برای تصریح مرگ زندگی قدیمی (انسان قبلی) و آزادی زندگی جدید (مخلوق جدید)، مراجعه شود به دوم قرن‌تیا ۵: ۱۷، غلاطیان ۶: ۱۵) برای خدمت به خدا است (مراجعه شود به رومیان ۶: ۲ الی ۱۴، اول پطرس ۲: ۲۴).

■ "با او برخیزانیده شدید" این ترکیب با *syn* همسو با "مدفون گشتید" است (مراجعه شود به کولسیان ۲: ۱۳، ۳: ۱، رومیان ۶: ۴ الی ۵، افسسیان ۲: ۶). تدفین و قیام مومنین از مرگ به هم مرتبط بوده و دو وجه یک رخداد کامل هستند. در افسسیان ۲: ۵ الی ۶ آنها با هم دفن شده و با هم برمی‌خیزند، همچنین، با ترکیب *syn* به معنی "حضور مشترک با" است.

■ "که مسیح را از مردگان برخیزانید" عیسی نخستین ثمر قیام از مردگان است (مراجعه شود به اول قرن‌تیا ۱۵: ۲۰ و ۲۳). روح که او را برخیزاند، همچنین مومنین را بر خواهد خیزاند (مراجعه شود به رومیان ۸: ۱۰ الی ۱۱ و ۲۳).

این عبارت یک فرصت عالی برای نشان دادن آن است که عهد جدید اغلب کارهای رستگاری را از طریق هر سه نفر تثلیث خداوند اختصاص میدهد.

۱. خدا پدر عیسی را برخیزاند (مراجعه شود به اعمال رسولان ۲: ۲۴؛ ۳: ۱۵؛ ۴: ۱۰؛ ۵: ۳۰؛ ۱۰: ۴۰؛ ۱۳: ۳۰، ۳۳، ۳۴، ۳۷؛ ۱۷: ۳۱؛ رومیان ۶: ۴، ۹)

۲. خدای پسر خود را برخیزاند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۲: ۱۹-۲۲؛ ۱۰: ۱۷-۱۸)

۳. خدا روح القدس عیسی را برخیزاند (مراجعه شود به رومیان ۸: ۱۱)

همین تاکید بر تثلیث را میتوان در کولسیان ۲: ۹ الی ۱۰ دید.

۲:۱۳ "آن زمان که مرده بودید" این وجه وصفی حال به معنی "مرده بودن" است. این منعکس کننده نتایج سقوط و مرگ معنوی است (مراجعه شود به پیدایش ۳، رومیان ۵: ۱۲ الی ۲۱، افسسیان ۲: ۱ الی ۳). غیر یهودیان گناهکارانی بودند که از مردمان تحت پیمان بریده شدند (مراجعه شود به افسسیان ۲: ۱۱ الی ۱۲). انجیل از سه مرحله مرگ سخن میگوید

۱. مرگ معنوی (مراجعه شود به پیدایش ۳، اشعیا ۵۹: ۲، رومیان ۷: ۱۰ الی ۱۱، افسسیان ۲: ۱، یعقوب ۱: ۱۵)
۲. مرگ فیزیکی (مراجعه شود به پیدایش ۵)
۳. مرگ ابدی، "مرگ دوم"، "دریاچه آتش" (مراجعه شود به مکاشفه ۲: ۱۱، ۲۰: ۶ و ۱۴، ۲۱: ۸)

■ "حالت ختنه‌ناشده نَفَس" این شیوه ای برای اشاره به غیر یهودیان بود (مراجعه شود به کولسیان ۲: ۱۱).

■ "او" این باید به پدر اشاره داشته باشد. اگر چنین باشد، ضمائر کولسیان ۲: ۱۵ به پدر اشاره دارند.

■ "شما را با مسیح زنده کرد" سه ترکیب *syn* در کولسیان ۲: ۱۲ الی ۱۳ وجود دارند (با هم دفن کردن، کولسیان ۲: ۱۲، و با هم زنده کرد، کولسیان ۲: ۱۳) که نشان میدهد که چه اتفاقی از نظر معنوی پیشتر برای مومنین رخ داده است (آتوریست). این بسیار مشابه افسسیان ۲: ۵ الی ۶ است. در افسسیان خدا از طرف عیسی در افسسیان ۱: ۲۰ عمل کرد و عیسی از طرف مومنین در افسسیان ۲: ۵ الی ۶ عمل کرد.

■ "همه گناهان ما را آمرزید" این یک وجه وصفی آتوریست (دیپونت) میانی است. "آمرزید" از همان ریشه کلمه ای می آید که "فیض" می آید (مراجعه شود به رومیان ۵: ۱۵ و ۱۶، ۶: ۲۳، دوم قرنتیان ۱: ۱۱، کولسیان ۳: ۱۳، افسسیان ۴: ۳۲). توجه کنید که خدا آزادانه و به رایگان تمامی گناهان را از طریق مسیح می آمرزد (به استثنای بی ایمانی)!

۲:۱۴

NASB	"باطل کردن گواهی بدهی"
NKJV	"از بین بردن دست خط نیازها و خواسته‌ها"
NRSV	"پاک کردن سوابق"
TEV	"سابقه نامطلوب بدهیهای ما را باطل کرد"
NJB	"او سابقه بدهی ما به شریعت را حذف کرده است"

این زبان تقریباً مرموز احتمالاً به نوعی به معلمین دروغین مربوط است. اشاره به پیمان موسی دارد (مراجعه شود به افسسیان ۲: ۱۵، که به صورت "انجام بده و زندگی کن" - "گناه کن و بمیر" مشخص میگردد - مراجعه شود به تثنیه ۲۷: ۲۶، حزقیال ۱۸: ۴). پولس به وضوح گناهکار بودن تمامی انسانها را تعلیم میدهد!

اصطلاح "گواهی" در مورد (۱) نامه بدهی امضا شده، (۲) اعتراف نامه امضا شده و (۳) ادعا نامه امضا شده، استفاده شده است. عهد عتیق لعنت بود. این اصطلاح یونانی به انگلیسی و به صورت "autograph" (دست نوشته خود فرد/امضا) وارد شد.

■ "از میان برداشت" این زمان کامل فعال اخباری است. همین فعل در انجیل یوحنا ۱: ۲۹ و اول یوحنا ۳: ۵ برای اشاره به از بین بردن گناهان استفاده شده است. عیسی تحت پیمان موسی زندگی کرد و آن را تحقق بخشید. او آنچه را که انسان گمراه سقوط کرده نمیتوانست انجام دهد، انجام داد. مرگ او، بنابراین، به خاطر گناهان شخصی نبود بلکه او قربانی کاملی شد (مراجعه شود به لایوان ۱ الی ۷) برای گناه. او "نفرین" شد (مراجعه شود به تثنیه ۲۱: ۲۳) که انسان باید مورد نفرین شریعت قرار گیرد (مراجعه شود به غلاطیان ۳: ۱۳)!

■ "بر صلیب میخکوبش کرده" این اشاره به یا (۱) اعلان عمومی یا (۲) اتهاماتی که به فرد مصلوب شده وارد شده، دارد. صلیب (مرگ عیسی) بر دشمنی شریعت غلبه کرد (احکام عهد عتیق، مراجعه شود به دوم قرنتیان ۵: ۲۱).

۲:۱۵

NRSV NASB, NKJV,	"خلع سلاح"
TEV	"آزاد"
NJB	"تکه تکه"

این یک اصطلاح نادر است، یک وجه وصفی آتوریست میانی (دیپونت). معنی ریشه ای آن در آوردن لباس است. به نظر میرسد در اینجا معنی "دور کردن از" بدهد. اشاره به برداشتن سلاح ها از سربازان مرده دارد (مراجعه شود به *A Greek-English Lexicon of the New Testament and*

Other Early Christian Literature, اثر Arndt and Gingrich، صفحه ۸۲). در این متن در رابطه با تخریب الهی (پدر و پسر) قدرتهای قلمرو روحانیت است که با نوع بشر دشمن بودند. پیروزی مومن متعلق به خدا و از طریق مسیح و توسط روح القدس است.

اگر این فعل نادر به عنوان حالت میانی ترجمه گردد در اینصورت TEV تفکر "خود را از قدرت حاکمان روحانی رها کرد" را بیان میکند. اگر به عنوان حالت فعال ترجمه گردد "حاکمان را خلع سلاح کرد" ترجمه میشود (مراجعه شود به NASB, NKJV, NRSV).

■ "ریاستها و قدرتها" این اصطلاحات توسط عرفا (معلمین دروغین) برای سطوح فرشتگان (مراجعه شود به کولسیان ۲: ۱۰، افسسیان ۱: ۲۱، ۳: ۱۰، ۶: ۱۱ الی ۱۲، رومیان ۸: ۳۸ الی ۳۹، اول قرنتیان ۱۵: ۲۴) استفاده میشوند. موضوع خاص در کولسیان ۱: ۱۶ و افسسیان ۶: ۱۲ را مطالعه کنید.

NASB	"پس از اینکه از طریق او فاتح شد، یک نمایش عمومی از آنها ارائه داد"
NKJV	"یک نمایش عمومی از آنها ساخته و در آن، بر آنها فاتح گردید"
NRSV	"آنها را سرمشق عموم ساخت و در آن بر آنها غلبه کرد"
TEV	"یک نمایش عمومی و ساخت و آنان را به عنوان اسرای پیروزی خود نمایش داد"
NJB	"آنها را در ملا عام و پشت سر خود به عنوان فاتح، به رژه برد"

زمینه تاریخی این رژه فاتحانه در رم برای ژنرال فاتح بود (مراجعه شود به دوم قرنتیان ۲: ۱۴). اسرا پشت سر او در زنجیر رژه میرفتند. با مرگ بر بالای صلیب و قیام از مردگان، عیسی (۱) بر نفرین شریعت، و (۲) دشمنی قدرتهای فرشتگان، غلبه کرد.

در ترجمه های مدرن مشخص و بدیهی است که ضمیر انتهای آیه را میتوان به دو شیوه مرتبط درک کرد: (۱) به مسیح یا (۲) بر صلیب. این خنثی است و بیشتر ترجمه ها آن را مرتبط با پیروزی مسیح بر شیطان به واسطه مرگ به عنوان قربانی میدانند.

موضوع خاص: جنگ در بهشت (از مکاشفه ۱۲: ۷ الی ۹) (Special Topic: War In Heaven (from Revelation 12:7-9))

مباحثات زیادی در مورد تاریخ این درگیری وجود دارد. به نظر می رسد که عیسی به این در انجیل لوقا ۱۰: ۱۸ و انجیل یوحنا ۱۲: ۳۱ اشاره کرده باشد. ولی سعی بر اینکه زمانبندی تاریخی برای این رخداد تعیین شود، بینهایت مشکل است:

۱. قبل از پیدایش ۱: ۱ (قبل از خلقت)
۲. در طول پیدایش ۱: ۱ و ۲ (خلا نظریه)
۳. در عهد عتیق بعد از یعقوب ۱ الی ۲ (شیطان در بهشت)
۴. در عهد عتیق بعد از اول پادشاهان ۲۲: ۲۱ (شیطان در شورای بهشت)
۵. در عهد عتیق بعد از زکریا ۱۳ (شیطان در بهشت)
۶. در عهد عتیق (در اشعیا ۱۴: ۱۲، حزقیال ۲۸: ۱۵ و دوم انوش ۲۹: ۴ الی ۵ (پادشاهان شرقی محکوم می شوند)
۷. در عهد جدید بعد از وسوسه عیسی (مراجعه شود به انجیل متی ۴)
۸. در عهد جدید در طول ماموریت هفتاد (مشاهده سقوط شیطان از بهشت، مراجعه شود به انجیل لوقا ۱۰: ۱۸)
۹. در عهد جدید بعد از ورود فاتحانه به اورشلیم (حاکم این جهان بیرون انداخته می شود، مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۲: ۳۱)
۱۰. در عهد جدید بعد از قیام عیسی از مردگان و معراج (مراجعه شود به افسسیان ۴: ۸، کولسیان ۲: ۱۵)
۱۱. در پایان زمان (مراجعه شود به ۱۲: ۷، احتمالاً در حین اینکه شیطان در جستجوی فرزند، در بهشت توفان ایجاد می کند)

این را باید به صورت نبرد ابدی میان خدا و گروه از شیاطین ببینیم، این نبرد با شکست مطلق ازدها و میزبانان خاتمه خواهد یافت. در مکاشفه ۲۰ آنها کنار گذاشته شده و تنها شدند. موضوع خاص: سقوط شیطان و فرشتگانش (مکاشفه ۱۲: ۴) را مطالعه کنید.

■ "در نظر همگان رسوا ساخت" موضوع خاص زیر، پاراگراف دوم را مطالعه کنید.

موضوع خاص: جسارت (*parrhēsia*)

(Special Topic: Boldness (Parrhēsia))

این اصطلاح یونانی از ترکیب "همه" (*pan*) و "سخن گفتن" (*rhēsis*) درست شده است. این آزادی یا جسارت در سخن گفتن اغلب مفهوم جسارت در میان مخالفان و طردکنندگان دارد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۷: ۱۳، اول تسالونیکیان ۲: ۲).

در نوشته‌های یوحنا (۱۳ مرتبه استفاده شده است) اغلب به مفهوم اعلام عمومی است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۸: ۲۰، همچنین در نوشته‌های پولس، کولسیان ۲: ۱۵). با این حال، گاهی اوقات فقط به معنی "به روشنی" است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۰: ۲۴، ۱۱: ۱۴، ۱۶: ۲۵ و ۲۹).

در اعمال رسولان، شاگردان از پیامی در باره عیسی صحبت می‌کنند، به همان شیوه (با جسارت) که عیسی درباره پدر و برنامه‌ها و وعده‌هایش صحبت می‌کرد (مراجعه شود به اعمال رسولان ۲: ۲۹، ۴: ۱۳ و ۲۹ و ۳۱، ۹: ۲۷ و ۲۸، ۱۳: ۴۶، ۱۴: ۱۳، ۱۸: ۲۶، ۱۹: ۸، ۲۶: ۲۶، ۲۸: ۳۱). پولس همچنین درخواست کرد برایش دعا شود که بتواند با جسارت انجیل را موعظه کند (مراجعه شود به افسسیان ۶: ۱۹، اول تسالونیکیان ۲: ۲) و انجیل را زنده نگاه دارد (مراجعه شود به فیلیپیان ۱: ۲۰).

امید اسکاتولوژیک پولس در مسیح به او جسارت و اعتماد به نفس داد تا انجیل را در این عصر شیطنی موعظه کند (مراجعه شود به دوم قرنتیان ۳: ۱۱ و ۱۲). او همچنین اطمینان داشت که پیروان عیسی به صورت مناسب عمل خواهند کرد (مراجعه شود به دوم قرنتیان ۷: ۴).

یک جنبه دیگر در این اصطلاح وجود دارد. کتاب عبرانیان از آن به مفهومی منحصر به فرد جسارت مومن در مسیح برای نزدیک شدن به خدا و صحبت کردن با او استفاده می‌کند (مراجعه شود به عبرانیان ۳: ۶، ۴: ۱۶، ۱۰: ۱۹ و ۳۵). مومنین به طور کامل با صمیمیت پدر از طریق پسر مورد استقبال قرار گرفته و پذیرفته می‌شوند (مراجعه شود به دوم قرنتیان ۵: ۲۱)!

به چندین شیوه در عهد جدید مورد استفاده قرار گرفته است

۱. اطمینان، جسارت یا اعتماد نسبت به

a. انسانها (مراجعه شود به اعمال رسولان ۲: ۲۹، ۴: ۱۳ و ۳۱، دوم قرنتیان ۳: ۱۲، افسسیان ۶: ۱۹)

b. خدا (مراجعه شود به اول یوحنا ۲: ۲۸، ۳: ۲۱، ۴: ۱۲، ۵: ۱۴، عبرانیان ۳: ۶، ۴: ۱۶، ۱۰: ۱۹)

۲. آزادانه، شفاف یا غیر مبهم سخن گفتن (مراجعه شود به انجیل مرقس ۸: ۳۲، انجیل یوحنا ۷: ۴ و ۱۳، ۱۰: ۲۴، ۱۱: ۱۴، ۱۶: ۲۵، اعمال رسولان ۲۸: ۳۱)

۳. در ملا عام صحبت کردن (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۷: ۲۶، ۱۱: ۵۴، ۱۸: ۲۰)

۴. حالت مرتبط (*parrhēsiazomai*) برای با جسارت موعظه کردن در شرایط سخت استفاده می‌شود (مراجعه شود به اعمال رسولان ۱۸: ۲۶، ۱۹: ۸، افسسیان ۶: ۲۰، اول تسالونیکیان ۲: ۲)

NASB (به روز شده): کولسیان ۲: ۱۶ الی ۱۹

^{۱۶} پس مگذارید کسی در خصوص آنچه می‌خورید و می‌آشامید، یا در خصوص نگاه داشتن اعیاد و ماه نو و روز شَبَات، محکومتان کند. ^{۱۷} اینها تنها سایهٔ امور آینده بود، اما اصل آنها در مسیح یافت می‌شود. ^{۱۸} مگذارید کسی که دل به خوار کردن خویشتن و عبادت فرشتگان مشغول داشته است، شما را مردود گرداند. چنین کسی شیفتهٔ اموری است که در رؤیاهایش دیده است، و افکار نفسانی‌اش او را با خیالهای پوچ مغرور ساخته است. ^{۱۹} او پیوندش را با سر از دست داده است؛ حال آنکه تمام بدن، در حالی که به وسیلهٔ مفاصل و بندها نگاه داشته می‌شود و به هم متصل می‌گردد، به مدد سر رشد می‌کند، با رشدی که از خدا سرچشمه می‌گیرد.

۲: ۱۶ الی ۲۳ آیات ۱۶ الی ۲۳ قویترین محکوم کردن قانونگرایی مذهبی در نوشته‌های پولس هستند. وقتی که پولس با مومنین "ضعیف" سر و کار داشت، ملایم بود (مراجعه شود به رومیان ۱۴: ۱ الی ۱۵: ۱۳، اول قرنتیان ۸ الی ۱۰)، ولی وقتی خطاب با قانونگرایان خود-پارسا بین مذهبی صحبت میکرد (یعنی معلمین دروغین) او قابل مصالحه نبود. این خود-پارسا بینی آن چیزی بود که چنین محکومیتی را از عیسی بر فریسیان و علما و کاتبین وارد میکرد. پولس به خوبی مذهبی که در مسیر کارآیی مثبت باشد را می‌شناخت. او در جاده دمشق با عیسی مواجه شد (مراجعه شود به اعمال رسولان ۹) و همه چیز تغییر کرد! دو نوع معلمین دروغین عرفان وجود داشتند: (۱) رستگاری از طریق دانش اسرار است و بنابراین مهم نیست که چگونه زندگی کنید (بی‌دینان آنتینومی) و (۲) رستگاری از طریق دانش اسرار به اضافه شیوه زندگی بسیار محدود شده (قانونگرایان).

۱۶: ۲

"نگذارید کسی به عنوان داوری بر شما قضاوت کند"	NASB
"نگذارید کسی بر شما قضاوت کند"	NKJV
"نگذارید کسی شما را محکوم کند"	NRSV
"نگذارید کسی حکم صادر کند"	TEV
"هرگز اجازه ندهید کسی از شما انتقاد کند"	NJB

این حال امری با وجه منفی است، که به معنی متوقف کردن عملی است که در حال انجام است. این میتواند اشاره به (۱) مسائل مربوط به خوراک (مراجعه شود به اول تیموتائوس ۳: ۴)، (۲) روزهای خاص (مراجعه شود به رومیان ۱۴: ۵، غلاطیان ۴: ۱۰) یا (۳) عبادت این رده های فرشتگان (مراجعه شود به کولسیان ۲: ۸ و ۲۰) داشته باشد. یک همسوی مشخص و بدیهی میان کولسیان ۲: ۱۶ ("عمل کردن به عنوان قاضی بر شما") و کولسیان ۲: ۱۸ (عمل کردن به عنوان "داور") وجود دارد. مراقب قانونگرایی مذهبی باشید اعم از یهودی، یونانی یا مدرن.

موضوع خاص: داوری در عهد جدید (Special Topic: Judgment In The NT)

داوری قطعی است (مراجعه شود به انجیل متی ۱۲: ۳۶، عبرانیان ۹: ۲۷، دوم پطرس ۲: ۴ و ۹، ۳: ۷).

A. کسی که داوری میکند

۱. خدا است (مراجعه شود به رومیان ۲: ۲ الی ۳، ۱۴: ۱۰ و ۱۲، اول پطرس ۱: ۱۷، ۲: ۲۳، مکاشفه ۲: ۱۱ الی ۱۵)
 ۲. مسیح است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۹: ۳۹، انجیل متی ۱۶: ۲۷، ۲۵: ۳۱ الی ۴۶، اعمال رسولان ۱۰: ۴۲، ۱۷: ۳۱، دوم قرنتیان ۵: ۱۰، دوم تیموتائوس ۴: ۱)
 ۳. پدر از طریق پسر (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۵: ۲۲ الی ۲۷، اعمال رسولان ۱۷: ۳۱، رومیان ۲: ۱۶)
- داوری یک موضوع نامطبوع است، ولی یک موضوع تکراری در انجیل میباشد. بر اساس چندین حقیقت انجیلی است
۱. این یک جهان اخلاقی است که توسط یک خدای با اخلاق خلق شده است (هر چه بکاریم، همان را درو خواهیم کرد، مراجعه شود به غلاطیان ۶: ۷)
 ۲. انسان گمراه و سقوط کرده است، ما شورش کردیم
 ۳. این جهانی نیست که خدا نیت آن را داشت
 ۴. همه مخلوقات آگاه (فرشتگان و انسانها) به خالق خود بابت نعمت زندگی حساب پس میدهند. ما خدمتگزار هستیم.
 ۵. ابدیت همیشه با اعمال و انتخابهای ما در زندگی تعیین میشود

B. آیا مسیحیان باید یکدیگر را داوری کنند؟ به دو شیوه باید با این مسئله برخورد کرد

۱. به مومنین نصیحت میشود که بر یکدیگر داوری نکنند (مراجعه شود به انجیل متی ۷: ۱ الی ۵، انجیل لوقا ۶: ۳۷ و ۴۲، رومیان ۲: ۱ الی ۱۱، یعقوب ۴: ۱۱ الی ۱۲)
 ۲. به مومنین نصیبت میشود که رهبران را مورد ارزیابی قرار دهند (مراجعه شود به انجیل متی ۷: ۶ و ۱۵ الی ۱۶، اول قرنتیان ۱۴: ۲۹، اول تسالونیکیان ۵: ۲۱، اول تیموتائوس ۳: ۱ الی ۱۳، و اول یوحنا ۴: ۱ الی ۶)
- برخی شروط ممکن است برای داوری مناسب کمک کننده باشند
۱. ارزیابی باید با هدف تأیید کردن باشد (مراجعه شود به اول یوحنا ۴: ۱ - "آزمودن" با نگرش به سوی موافقت، موضوع خاص: آزمودن [peirazō and dokimazō] را مطالعه کنید)
 ۲. ارزیابی باید با فروتنی و مهربانی انجام شود (مراجعه شود به غلاطیان ۶: ۱)
 ۳. ارزیابی نباید بر اساس غرض ورزیهای شخصی باشد (مراجعه شود به رومیان ۱۴: ۱ الی ۲۳، اول قرنتیان ۸: ۱ الی ۱۳، ۱۰: ۲۳ الی ۳۳)
 ۴. ارزیابی باید آن دسته از رهبران را شناسایی کند که کلیسا یا جامعه "نتواند از آنها انتقاد کند" (مراجعه شود به اول تیموتائوس ۳)

"ولی ماده متعلق به مسیح است"	NASB, NRSV
"ولی ماده از آن مسیح است"	NKJV
"مسیح واقعیت است"	TEV
"واقعیت بدن مسیح است"	NJB

تضادی میان "سایه" (*skia*)، کولسیان ۲: ۱۷ الف) و "ماده" (*sōma*)، به مفهوم کالبد یا بدن، کولسیان ۲: ۱۷ ب) وجود دارد. آیین‌های مذهبی، دعا و روزهای مخصوص عبادت به خودی خود بد نیستند، مگر اینکه آنها تبدیل به مسائل اصلی شوند. مسیح، و نه عملکرد انسان در هر منطقه، نقطه تمرکز انجیل است.

پولس مراسم مذهبی و عملکرد مذهبی معلمان دروغین را به عنوان صرفاً سایه‌ای از معنویت واقعی دید. سوال تفسیری این است که "بدن مسیح" چیست؟ دو نظریه اصلی عبارتند از: (۱) فیلو اسکندریه و جوزفوس "بدن" را در معنای "ماده" (NASB, NKJV) یا "واقعیت" (TEV)، "معنویت واقعی در مسیح" یا (۲) معنویت واقعی در کلیسا که بدن مسیح است ظاهر می‌شود (NJB). مراجعه شود به رومیان ۱۲: ۴-۵؛ اول قرنتیان ۱۷: ۱۰؛ ۱۲: ۲۷، ۱۲) تفسیر می‌کنند. نگارنده عبرانیان همچنین از اصطلاح "سایه" (*skia*)، کولسیان ۲: ۱۷ الف) استفاده کرد تا پیمان موسی را با پیمان جدید در مسیح مقایسه کند (مراجعه شود به عبرانیان ۸: ۵، ۱۰: ۱).

۱۸: ۲

"اجازه ندهید که کسی از جایزه شما سوء استفاده کند"	NASB
"اجازه ندهید هیچ کس از پاداش شما سو استفاده کند"	NKJV
"اجازه ندهید کسی شما را رد کند"	NRSV
"اجازه ندهید کسی شما را محکوم کند"	TEV
"به خاطر جایزه تان از کسی فریب نخورید"	NJB

این زمان حال امری با حرف اضافه نفی است که به معنای توقف عملی است که در حال حاضر در حال انجام است. این اصطلاح تنها در اینجا در عهد جدید استفاده می‌شود. این یکی از استعاره‌های ورزشی پولس برای زندگی مسیحی است (مراجعه شود به اول قرنتیان ۹: ۲۴، ۲۷؛ غلاتیان ۲: ۲؛ فیلمون ۳: ۱۴؛ تیموتائوس ۴: ۷). مؤمنان نباید اجازه دهند که قانونگزاران به عنوان داورانی رفتار کنند که آزادی آنان در مسیح را سرقت می‌کنند (مراجعه شود به رومیان ۱۴: ۱-۱۵؛ ۱۳؛ اول قرنتیان ۱۰ الی ۱۲). ترجمه Williams عهد جدید، قدرت ورزشی را به اینصورت ترجمه میکند "به اسم داور سرتان کلاه می‌گذارند". "جایزه" آزادی واقعی در مسیح است (مراجعه شود به غلاتیان ۲: ۴؛ ۵؛ ۱، ۱۳؛ اول پطرس ۲: ۱۶)؛ آزادی خدمت به خدا، نه خدمت به خود. آزادی از ترسها و تابوهای گذشته، آزادی از، نه آزادی به خاطر (رومیان ۶)!

"لذت بردن رهایی از خود"	NASB
"لذت بردن از فروتنی دروغین"	NKJV
"اصرار بر خود-خوار بینی"	NRSV
"لذت بردن از فروتنی دروغین"	TEV
"کسی که به فرشتگان نگاه می‌کند"	NJB

این عبارت از لحاظ الهیاتی مربوط به کولسیان ۲: ۲۳ است. در جهان روم-یونان باستان، روحیه ریاضت به عنوان وقف دین کردن خود دیده می‌شد. این بخشی از ناچیز شمردن عرفانی فیزیکی بود. از دید آنها، و به طور کلی تفکر یونانی به نظر می‌رسید، بدن پلید و شیطانی بود. بنابراین، انکار بدن، نشانه معنویت بود. این دیدگاه هنوز در کلیسا زنده است!

این اصطلاح یونانی، که توسط NASB به "خود-خوار بینی" به معنی "خود حقیر/پست شمردن"، "فروتنی"، "تواضع" ترجمه شده است، یک اصطلاح منفی در عهد جدید نیست. پولس از آن در مفهوم مثبت در اعمال رسولان ۲۰: ۱۹، افسسیان ۴: ۲، فیلیپیان ۲: ۳، کولسیان ۳: ۱۲ استفاده کرده است. این انگیزه است که آن را به شکل روحانی تعریف می‌کند!

■ "عبادت فرشتگان" به طور بدیهی این اشاره به سطوح فرشتگان عرفان دارد (مراجعه شود به کولسیان ۲: ۸ و ۱۰ و ۱۵). همچنین این احتمال هست که مرتبط با الهیات یهود در قلمرو فرشتگان باشد. جنبش "عصر جدید" در روزگار ما به نظر می‌رسد که در این مسیر در حرکت است. فرشتگان "ارواح بشارت دهنده" برای انسان رهایی یافته هستند (مراجعه شود به عبرانیان ۲: ۱۴).

■ "شیفته است" این اصطلاح برای آغاز و شروع ادیان رمز و راز استفاده می‌شد (مراجعه شود به *The Vocabulary of the Greek New Testament*).

اثر Moulton and Milligan (صفحه ۲۰۶). به مکاشفه به اصطلاح اسرار یا رمز عرفان اشاره دارد که آنها فکر می‌کردند از طریق فضای فرشتگان می‌توانند به حضور خدای والا رسیده و رستگار شوند.

■ "در رؤیاهایش دیده است" این احتمالاً به ادعاهای معلمین دروغین در مورد مکاشفات خاص ارتباط دارد. نسخه King James Version یک حرف نفی اضافه می‌کند و باعث می‌شود آیه دلالت بر آن چیزی داشته باشد که ندیده‌اند ولی فقط ادعا می‌کنند که دیده‌اند. این، با این حال، بعداً توسط کاتبین و علما به نسخ κ^2 و D^2 اضافه شده است. نسخ دستنویس یونانی P46، κ^* ، A، B و D^* حرف نفی را ندارند. ⁴UBS به متن کوتاه‌تر رتبه "B" (تقریباً یقین) می‌دهد.

■ "با مغرور ساخته است" این زمان حال مجهول است. از نظر مفهومی یعنی "بیهوده مغرور بودن". پولس از این اصطلاح اغلب در نخستین نامه‌اش به قرنیتیان استفاده می‌کند (مراجعه شود به اول قرنیتیان ۴: ۶ و ۱۸ و ۱۹، ۵: ۲، ۸: ۱، ۱۳: ۴). عامل بیان نشده وجه مجهول تفکر گمراه آنان است. ایمان‌نیابوردگان و معلمین دروغین اغلب صمیمی و موجه خود را نشان می‌دهند.

■ "افکار نفسانی‌اش" از دیدگاه پولس یک دوگانگی بديهی میان تفکر جهان‌گمراه و مسیحی وجود دارد. مومنین تفکر مسیح را دریافت کرده‌اند که هیچ تضادی با تفکر دنیایی که به دور از خدا عمل کرده و کار می‌کند وجود ندارد (مراجعه شود به کولسیان ۱: ۲۱، رومیان ۷: ۲۲ الی ۲۳، ۸: ۵ الی ۷، ۱۱: ۳۴، اول قرنیتیان ۲: ۱۶، افسسیان ۲: ۳، ۴: ۱۷ الی ۲۳). موضوع خاص: گوشت (*sarx*) در کولسیان ۱: ۲۲ را مطالعه کنید.

این قانون‌گرایان مذهبی نما باید به سه دلیل رد شوند:

۱. بینش آنان صرفاً سایه‌ای از واقعیت است (کولسیان ۲: ۱۷)
۲. نگرش آنان خطا است زیرا آنها از یک تفکر انسانی آگاهی بدست می‌آورند (کولسیان ۲: ۱۸)
۳. آنان در مسیح نیستند (کولسیان ۲: ۱۹)

معلمین دروغین قانون‌گرا هنوز در میان ما هستند. آگاه باشید! هشیار باشید!

۱۹: ۲ پولس بار دیگر بر حقیقت اصلی نیاز بشر گمراه و سقوط کرده برای رابطه (فردی) با مسیح و همچنین با بدن او، یعنی کلیسا تأکید می‌کند (مشارکت، مراجعه شود به کولسیان ۲: ۸، افسسیان ۴: ۱۶). ما به آموزش از گناه و به خرد بر خدا برای چگونه زیستن نیاز داریم. مسیح هر دو را ارائه می‌کند!

NASB, NKJV,

"خود را به سر نگاه نمی‌دارد"

NRSV

"در مسیح نیست"

TEV

"هیچ ارتباطی با سر ندارد"

NJB

این وجه وصفی حال فعال نفی شده است. دلالت آن بر این است که زمانی معلمین دروغین پیرو مسیح بودند. این به چندین طریق قابل درک است.

۱. آنها همانند دو بذر در تمثیل بذر هستند (مراجعه شود به انجیل متی ۱۳: ۲۰ الی ۲۳) که جوانه زدند ولی افتادند و ثمر ندادند
۲. آنها همانند "مومنین" انجیل یوحنا ۸: ۳۱ الی ۵۹ هستند که روی برگردانده و بر علیه عیسی شدند
۳. همانند اعضای کلیسا در اول یوحنا ۲: ۱۸ الی ۱۹ هستند که رفتند
۴. همانند مومنین کلیسای افسس هستند که "عشق اول" خود را ممنوع کردند (مراجعه شود به مکاشفه ۲: ۴).

■ "سر" پولس اغلب مردم خدا را با بدن مقایسه می‌کند (مراجعه شود به رومیان ۱۲: ۴، اول قرنیتیان ۱۰: ۱۷، ۱۲: ۱۲ و ۱۴ و ۲۰، افسسیان ۴: ۴ و ۱۶، کولسیان ۳: ۱۵) ولی فقط در افسسیان (۱: ۲۲، ۴: ۱۵، ۵: ۲۳) و کولسیان (۱: ۱۸، ۲: ۱۹) است که مسیح صراحتاً به عنوان "سر" شناسایی می‌گردد (موضوع خاص: سر در افسسیان ۵: ۲۳ را مطالعه کنید).

کل این آیه از مسیح به عنوان بنیانگذار، رهبر و نگاه‌دارنده کلیسا صحبت می‌کند.

NASB (به روز شده): کولسیان ۲: ۲۰ الی ۳: ۴

۲۰ پس حال که با مسیح نسبت به اصول ابتدایی این دنیا مرده‌اید، چرا همچون کسانی که گویی هنوز به دنیا تعلق دارند، تن به قواعد آن می‌دهید، قواعدی که می‌گوید: ^{۲۱}«این را لمس مکن! به آن لب نزن و بر آن دست مگذار!»؟ ^{۲۲}اینها همه مربوط به چیزهایی است که با مصرف از بین می‌رود، و بر احکام و تعالیم بشری بنا شده است. ^{۲۳}و هرچند به سبب در بر داشتن عبادتِ داوطلبانه و خوار کردن خویشتن و ریاضت بدنی، ظاهری حکیمانه دارد، اما فاقد هر گونه ارزش برای مهار تمایلات نفسانی است.

پس چون با مسیح برخیزانیده شده‌اید، آنچه را که در بالاست بجوئید، آنجا که مسیح به دست راست خدا نشسته است. ^۲ به آنچه در بالاست بیندیشید، نه به آنچه بر زمین است. ^۳ زیرا مُردید و زندگی شما اکنون با مسیح در خدا پنهان است. ^۴ چون مسیح که زندگی شماست، ظهور کند، آنگاه شما نیز همراه او با جلال ظاهر خواهید شد.

۲: ۲۰ "اگر" این عبارت یک جمله شرطی نوع اول است که از دیدگاه نویسنده و یا از لحاظ ادبی شرط درست تصور میشود. مومنین با مسیح متحد شده و باید از قدرتها و ساختارهای این سیستم جهان گمراه و سقوط کرده جدا باشند.

■ "مرده‌اید" این آئوریست فعال اخباری است. این مرگ در تعمیم نمادین میشود (مراجعه شود به کولسیان ۲: ۱۲، رومیان ۶: ۴) و تصویری از مرگ مومن در زندگی قبلی زنده شدن در یک زندگی جدید خدا - حیات جاویدان است. تعمیم، همانند ختنه، یک نشان برونی از یک حقیقت درونی روحانی است (مراجعه شود به کولسیان ۲: ۱۱ و ۱۳).

مرگ روزانه در جاه طلبی های فردی و تمایلات فردی در بشارت موثر الزامی هستند (مراجعه شود به رومیان ۶: ۷، دوم قرنتیان ۵: ۱۴ الی ۱۵، اول یوحنا ۳: ۱۶). با این حال، این قانونگرایی یا حکمرانی نیست، بلکه آزادی از سلطه گمراهی فردی است! کشتن روزانه فردیت در معنویت، زندگی واقعی را به ارمغان می‌آورد.

■ "با مسیح" این یک استفاده دیگر حرف اضافه یونانی *syn* است که یعنی به طور مشترک شرکت کردن با. این سه ویژگی دستور زبانی: (۱) ترکیب *syn*، (۲) زمانهای آئوریست کولسیان ۲: ۱۱ و ۱۲ و ۱۳ و ۱۵ و ۲۰ و (۳) جمله شرطی نوع اول کولسیان ۲: ۲۰ نشان میدهند که مومنین در طریق مسیح هستند.

NASB	"به اصول ابتدایی جهان"
NKJV	"از اصول اساسی جهان"
NRSV	"به ارواح ذاتی جهان"
TEV	"از روح حاکمه جهان"
NJB	"به اصول این جهان"

این اصطلاح (*stoicheia*) بدین صورت تعریف میشود:

۱. اصول بنیادین (مراجعه شود به عبرانیان ۵: ۱۲، ۱: ۶)
۲. اصول اولیه جهان، همانند زمین، باد، آب یا آتش (مراجعه شود به دوم پطرس ۳: ۱۰ و ۱۲)
۳. روح های اولیه (مراجعه شود به غلاطیان ۴: ۳ و ۸ الی ۹، کولسیان ۲: ۸، افسسیان ۶: ۱۰ الی ۱۲)
۴. کالبدهای بهشتی (مراجعه شود به انوش ۵۲: ۹ الی ۱۰، و پدران کلیسای اولیه که فکر میکردند این به هفت آسمان اشاره دارد، مراجعه شود به *A Greek-English Lexicon of the New Testament* اثر Baur, Arnt, Ginrich, Danker، صفحه ۷۷۶)

مفهوم اولیه "چیزی در یک سری" یا "ردیف" بود. به یادداشت کولسیان ۲: ۸ مراجعه شود.

پولس به زندگی به صورت یک تلاش روحانی نگاه میکرد (مراجعه شود به افسسیان ۲: ۲ الی ۳، ۶: ۱۰ الی ۱۸). انسانها از درون (طبیعت سقوط کرده، مراجعه شود به پیدایش ۳)، توسط یک نظام جهانی سقوط کرده (پیدایش ۳) و با شیطان فردی (*stoicheia*)، مواجه شده‌اند.

James Stewart در *A Man in Christ* تفسیر جالبی دارد:

"گناه چیزی نبود که یک انسان انجام دهد: چیزی بود که او را در اختیار داشت؛ چیزی که انسان آن بود؛ چیزی که او را تبدیل به یک دشمن آزاد خداوند کرد که او را دوست داشت. او مجازات های بیرونی را به ارمغان آورد: "انسان از هر چه سیر شود، آن را نابود میکند. اما بیشتر و وحشتناکتر از آن، نتایج درونی بودند. وجدان را تحریک می‌کرد: "عجب انسان ضعیفی هستم!" اراده را به بردگی مطلق تبدیل کرده است: "هر اندازه کار نیک انجام دهم، کار زیادی انجام نمیشود، ولی هر کار بدی که نخواهم، انجام میشود." این ارتباط با خدا را نابود کرد: انسانها بیگانه بودند و بدون خداوند در جهان بودند. قلب را سخت تر و قضاوت را کور کرد و مفهوم اخلاق را به هم ریخت: "خداوند به آنها یک ذهن نافر جام داد." این زندگی را نابود کرد: "دستمزد گناه مرگ است."

چنین است ارزیابی رسولان از جاذبه گناه. و از طریق آن، همه حتی جایی که گناه به عنوان یک نیروی خارجی تلقی میشود که میخواهد از طبیعت انسانی و در شکوفایی او، از وی سو استفاده کند، ولی این به هیچ وجه این واقعیت تلخ که انسان شخصا پاسخگوی اعمالش است را تغییر نخواهد داد. روسا و قدرت ها ممکن است در انتظار باشند، اما در نهایت، انتخاب با انسان است، مسئولیت انسان است، و عذاب بر انسان. (صفحات ۱۰۶ الی ۱۰۷)

برای "جهان" به موضوع خاص: استفاده پولس از کاسموس در کولسیان ۱: ۶ مراجعه کنید.

■ "قواعد" این اصطلاح همان ریشه اصطلاح کولسیان ۲: ۱۴ را دارد. مسیح مؤمنان را از شریعت موسی آزاد نکرد تا مجدداً به قوانین عرفانی یا هرگونه الزامات انسانی دیگر بپردازند. مؤمنان در طریق مسیح آزادی دارند! درد قوانین مذهبی به خوبی در نظر گرفته شده است!

۲: ۲۱ "این را لمس مکن! به آن لب نزن و بر آن دست مگذار" این مجموعه هیچ فعل یا حرف ربطی ندارد، که در نتیجه آن را تأکیدی میکند. ممکن است شعار معلمین دروغین باشد. اینها مثالهایی از قوانین مذهبی انسانی هستند که پارسایی واقعی را به همراه ندارند. انسانها همیشه گرایش بهره‌کشی و قانونی دارند (مراجعه شود به اشعیا ۲۹: ۱۳، انجیل متی ۱۵: ۱۰ الی ۱۲، انجیل مرقس ۷: ۱۹، رومیان ۱۴: ۱۷ الی ۲۱)، ولی این یک مذهب توخالی از تلاشهای فردی، جلال فردی و خودکفایی است (مراجعه شود به کولسیان ۲: ۲۲ الی ۲۳).

۲: ۲۲ "اینها همه مربوط به چیزهایی است که با مصرف از بین می‌رود" در انجیل متی ۱۵: ۷ الی ۲۰ و انجیل مرقس ۷: ۶ الی ۲۳ عیسی بر سر همین مسائل در ارتباط با قوانین خوراک لایوان ۱۱ بحث میکند.

■ "از بین میرود" موضوع خاص زیر را مطالعه کنید.

موضوع خاص: تخریب، نابودی، فساد (*phtheirō*)

(Special Topic: Destroy, Ruin, Corrupt)

معنی اصلی اصطلاح *phtheirō* نابودی، تخریب، فساد و از بین بردن است. از این اصطلاح در موارد زیر استفاده میشود.

۱. نابودی مالی (احتمالاً دوم قرن‌تین ۷: ۲)
۲. تخریب فیزیکی (مراجعه شود به اول قرن‌تین ۳: ۱۷ الف)
۳. فساد اخلاقی (مراجعه شود به رومیان ۱: ۲۳، ۸: ۲۱، اول قرن‌تین ۱۵: ۳۳ و ۴۲ و ۵۰، غلاطیان ۶: ۸، مکاشفه ۱۹: ۲)
۴. سو استفاده جنسی (مراجعه شود به دوم قرن‌تین ۱۱: ۳)
۵. نابودی ابدی (مراجعه شود به دوم پطرس ۲: ۱۲ و ۱۹)
۶. سقوط سنتهای انسانی (مراجعه شود به کولسیان ۲: ۲۲)

اغلب این اصطلاح در همان متن به عنوان ناقض آن استفاده میشود (مراجعه شود به رومیان ۱: ۲۳، اول قرن‌تین ۹: ۲۵، ۱۵: ۵۰ و ۵۳). به همسوهای متضاد میان جسم فیزیکی زمینی ما و کالبد ابدی و بهشتی ما توجه کنید.

۱. فاسد شدنی در برابر فاسد ناشدنی، اول قرن‌تین ۱۵: ۴۲ و ۵۰
۲. بی احترامی در برابر شکوه، اول قرن‌تین ۱۵: ۴۳
۳. ضعف در برابر قدرت، اول قرن‌تین ۱۵: ۴۳
۴. کالبد طبیعی در برابر کالبد معنوی، اول قرن‌تین ۱۵: ۴۴
۵. اولین آدم در برابر آخرین آدم، اول قرن‌تین ۱۵: ۴۵
۶. تصویر زمینی در برابر تصویر بهشتی، اول قرن‌تین ۱۵: ۴۹

۲: ۲۳ "ظاهری حکیمانه دارد، اما فاقد هر گونه ارزش برای مهار تمایلات نفسانی است" این همان محکوم کردن فریسیان و علما و کاتبین توسط عیسی بود (مراجعه شود به اشعیا ۲۹: ۱۳). پولس تعالیم معلمین دروغین مذهبی را به اصطلاح توصیف میکند

۱. (در نسخه انگلیسی اصطلاح *self-made religion* نوشته شده که به معنی دین دروغین که خودشان ساخته‌اند است ولی در ترجمه فارسی

عبادت داوطلبانه ترجمه شده-مترجم)

"دین از خود ساخته / دین من درآوردی"	NASB
"دین تحمیلی"	NKJV
"خدای تحمیلی"	NRSV
"عبادت تحمیلی فرشتگان"	TEV
"ترویج اراده"	NJB

این اصطلاح فقط در اینجا در عهد جدید استفاده شده است. ممکن است توسط پولس یا دیگر مسیحیان ابداع شده باشد. به نظر میرسد که NASB اساس اصطلاح "دین از خود ساخته / دین من درآوردی" را دریافته باشد. TEV تصور میکند که این منعکس کننده کولسیان ۲: ۱۸ باشد.

"خوار کردن خویشتن"	NASB
"فروتنی دروغین"	NKJV, TEV
"فروتنی"	NRSV
"(ترکیب اصطلاحات دوم و سوم)"	NJB

همین اصطلاح یونانی در کولسیان ۲: ۱۸ هم استفاده شده است. از نظر مفهومی به معنی فروتنی است، ولی متن به نفع NKJV, TEV است.

"ریاضت بدنی"	NASB, NRSV,
	TEV
"نادیده انگاشتن بدن"	NKJV
"فروتنی که هیچ ارزشی برای بدن قائل نیست"	NJB

این نمایانگر دیدگاه مذهبی ریاضت است که به انکار نیازهای جسمانی فرد می‌پردازد. مثالها عبارتند از: (۱) انکار غذا برای بدن؛ (۲) تجرد؛ (۳) پوشیدن لباس در زمستان، و غیره. این در پی دیدگاه یونانی بود که بدن (ماده) بد بود.

موضوع خاص: آزادی مسیحی در برابر مسئولیت مسیحی (از رومیان ۱۴: ۱ الی ۱۵: ۱۳) (Special Topic: Christian Freedom Vs. Christian Responsibility (From Rom. 14:1-15:13))

- A. رومیان ۱۴: ۱ الی ۱۵: ۱۳ تلاش میکند که میان پارادوکس آزادی و مسئولیت مسیحی تعادل برقرار سازد. واحد مفهومی از رومیان ۱۴: ۱ الی ۱۵: ۱۳ نشأت میگیرد.
- B. مسئله ای که در این فصل تشدید میشود، احتمالات تنش بین غیر یهودیان و مؤمنان یهودی در کلیسای رم بود. پیش از ایمان آوردن، یهودیان بیشتر قانونگرا بودند و غیر یهودیان پیرو اصول اخلاقی نبودند. به یاد داشته باشید، این به پیروان صمیمی عیسی خطاب شده است. این فصل به مؤمنان اولیه نمی‌پردازد. بالاترین انگیزه مربوط به هر دو گروه است. در افراط در هر دو طرف خطر وجود دارد. این بحث به منزله مجوزی برای قانونگرایی یا جولان دادن آزادی نیست.
- C. مؤمنان باید دقت کنند که الهیات و اخلاق خود را تبدیل به استاندارد برای همه مؤمنان نکنند (مراجعه شود به دوم قرن‌تین ۱۰: ۱۲). مؤمنان باید در نوری که دارند گام بردارند، بدانند که الهیات آنها به طور خودکار همان الهیات خداوند نیست. مؤمنان هنوز هم تحت تاثیر گناه قرار دارند. ما باید عقل و تجربه را از کتاب مقدس آموخته و یکدیگر را به آنها تشویق کنیم. هر قدر کسی بیشتر بداند میفهمد که کمتر میداند (مراجعه شود به اول قرن‌تین ۱۳: ۱۲)!
- D. نگرش و انگیزه های فرد در برابر خدا کلیدهای واقعی در ارزیابی اقدامات برادر و خواهر مسیحی است. مسیحیان در برابر مسیح ایستادند تا در مورد چگونگی برخورد با یکدیگر مورد قضاوت قرار گیرند (مراجعه شود به اعمال رسولان ۱۵: ۱۰، ۱۲ و دوم قرن‌تین ۵: ۱۰).
- E. مارتین لوتر گفت: "یک مرد مسیحی، آزادتر از هر کسی است، و نسبت به کسی مسئولیتی ندارد، یک مرد مسیحی، خدمتکاری خیرخواه است و نسبت به هر کسی مسئول است." حقیقت کتاب مقدس اغلب در یک پارادوکس پر از تنش ارائه می‌شود (موضوع خاص: پارادوکس در کتاب مقدس را مطالعه کنید)
- F. به این موضوع سخت و دشوار ولی مهم و حیاتی در تمام کتاب رومیان ۱۴: ۱ الی ۱۵: ۱۳ و همچنین اول قرن‌تین ۸ الی ۱۰ و کولسیان ۲: ۸ الی ۲۳ پرداخته میشود.
- G. با این وجود، باید گفته شود که جمع‌گرایی میان مومنین صمیمی چیز بدی نیست. هر مومن قدرتها و ضعفهایی دارد. هر یک باید در نوری که دارد گام بردارد، و برای نور بیشتر، همیشه باید پذیرای روح و کتاب مقدس باشد. در این دوران تماشا از درون شیشه به تاریکی (اول قرن‌تین ۱۳: ۸ الی ۱۳) فرد باید برای تهذیب دوجانبه با عشق گام بردارد (مراجعه شود به اعمال رسولان ۱۵: ۱۷ و ۱۹).

تفاوت‌های ما به عنوان مومنین درب های باز خدا برای بی ایمانان مختلف هستند تا بخشش و احیا در مسیح را بیابند. جمع گرای مسیحی، با تعهدات انجیلی چیزهای خوبی برای بشارت هستند.

H. عناوین "قویتر" و "ضعیفتر" که پولس به این گروه ها میدهد آنان را نسبت به ما متعصب میکند. این یقینا نیت پولس نبود. هر دو گروه مومنین صمیمی بودند. ما نباید تلاش کنیم که دیگر مومنین را در قالب ایمان خودمان قرار دهیم. ما در مسیح یکدیگر را میپذیریم.

I. کل بحث را میتوان در موارد زیر مشخص کرد

۱. همدیگر را بپذیرید زیرا خدا ما را در مسیح میپذیرد (رومیان ۱۵: ۱۴ و ۱ و ۳، ۱۵: ۱۷)
۲. بر یکدیگر داوری نکنید زیرا مسیح تنها سرور و داور ما است (مراجعه شود به رومیان ۱۴: ۳ الی ۱۲)
۳. عشق مهم تر از آزادی فردی است (مراجعه شود به رومیان ۱۴: ۱۳ الی ۲۳)
۴. الگوی مسیح را دنبال کنید و حقوق خود را برای تهذیب دیگران و نیکی کنار گذارید (مراجعه شود به رومیان ۱۵: ۱ الی ۱۳)

سوالات بحث

این یک راهنمای مطالعاتی است، که بدین معنی است که شما خودتان مسئول تفسیر انجیل هستید. هر یک از ما باید در مسیر خودمان گام برداریم. شما، انجیل و روح القدس در اولویت تفسیر هستید. شما نباید این امر را به یک مفسر واگذار کنید.

این سوالات مباحثاتی به منظور کمک به شما در تفکر نسبت به مسائل اصلی این بخش از کتاب مطرح شده اند. آنها صرفاً تفکر برانگیز هستند نه قطعی.

۱. دکتربین معلمین دروغین را توصیف کنید. چرا آنان بسیار خطرناک بودند؟
۲. "اصول اولیه" چه کسانی یا چه چیزهایی بودند (*stoicheia*)، مراجعه شود به ۲: ۸ و ۱۵؟
۳. عیسی خدا است یا انسان؟ چرا این بسیار مهم است؟
۴. چگونه عیسی به قدرتهای فرشتگان مرتبط میشود؟
۵. چرا قانونگرایی-ریاضت بسیار خطرناک است (مراجعه شود به کولسیان ۲: ۱۶ الی ۲۳)؟
۶. کلمات کلیدی عرفان در این قسمت را فهرست کنید.

کولسیان ۳

پاراگراف‌های ترجمه‌های مدرن *

UBS ⁴	NKJV	NRSV	TEV	NJB
زندگی جدید در مسیح	نفس اماره نه، بلکه مسیح	زندگی واقعی مسیحی	مردن و زنده شدن با مسیح	اتحاد زندگی بخش با مسیح جلال یافته
(۲: ۲۰ الی ۳: ۴)			(۲: ۲۰ الی ۳: ۴)	
	۱۱ الی ۳	۳ الی ۴	زندگی قدیمی و جدید	۳ الی ۴
				قاعده کلی رفتار مسیحی
۳: ۵ الی ۱۱		۳: ۵ الی ۱۱	۳: ۵ الی ۷	۳: ۵ الی ۱۱
			۳: ۸ الی ۱۱	
	شخصیت انسان جدید			
۳: ۱۲ الی ۱۷	۳: ۱۲ الی ۱۷	۳: ۱۲ الی ۱۷	۳: ۱۲ الی ۱۷	۳: ۱۲ الی ۱۵
				۳: ۱۶ الی ۱۷
وظایف اجتماعی زندگی جدید	خانه مسیحی	وظایف مسیحی	روابط فردی در زندگی جدید	اخلاق خانه و خانه داری
(۳: ۲۲ الی ۴: ۱)		(۳: ۱۸ الی ۴: ۶)		
۳: ۱۸ الی ۱۹	۳: ۱۸ الی ۴: ۱	۳: ۱۸ الی ۱۹	۳: ۱۸	۳: ۱۸ الی ۲۱
			۳: ۱۹	
۳: ۲۰ الی ۲۱		۳: ۲۰ الی ۴: ۱	۳: ۲۰	
			۳: ۲۱	
۳: ۲۲ الی ۴: ۱			۳: ۲۲ الی ۴: ۱	۳: ۲۲ الی ۴: ۱

مطالعه حلقه سوم (رجوع کنید به "سمینار تفسیر کتاب مقدس")

به دنبال نیت اصلی نویسنده در سطوح پاراگراف

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور خود راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید.

کل کتاب مقدس را در یک نشست بخوانید. موضوعات را مشخص نمایید (مطالعه حلقه شماره ۳). تقسیمات موضوعی خود را با پنج ترجمه بالا مقایسه کنید. پاراگراف بندی به نویسنده الهام نشده است، اما کلید پیگیری اهداف اصلی نویسنده است که قلب تفسیر است. هر پاراگراف تنها و تنها یک موضوع دارد.

۱. پاراگراف اول

۲. پاراگراف دوم

۳. پاراگراف سوم و غیره

۴. و غیره

بینش متنی

A. کولسیان ۳: ۱ الی ۴ مبنای الهیات اخلاقی و شیوه زندگی برای مسیحیان است. مومنین باید به شیوه زندگی روحانی جدید در راه مسیح زندگی کنند. آنان با یکدیگر دفن شده و با مسیح دوباره برمی‌خیزند (مراجعه شود به کولسیان ۲: ۱۲ الی ۱۳، رومیان ۶: ۳ الی ۱۱). حیات او در آنان جریان پیدا می‌کند.

B. پولس چیزهایی که باید دور ریخته شوند (کنار گذاشته شوند، کولسیان ۳: ۸ الی ۹) و به کار گرفته شوند (پوشیده شوند، کولسیان ۳: ۱۰) تا تعادلی برای زندگی خداپسندانه برقرار گردد، فهرست می‌کند. پولس اغلب فهرستی از گناهان (مراجعه شود به اول قرنتیان ۶: ۹ الی ۱۰، غلاطیان ۵: ۱۹ الی ۲۱، افسسیان ۵: ۳ الی ۵) و تقواها (مراجعه شود به غلاطیان ۵: ۲۲ الی ۲۳، افسسیان ۵: ۱۸ الی ۲۰، فیلیپیان ۱: ۴ الی ۷، اول تسالونیکیان

۵: ۱۲ الی ۲۲) را ارائه می‌کند. در بسیاری از جهات، این لیست‌ها همسو با اصول اخلاقی یونانی روزگار پولس هستند. ولی انگیزه و مکانیسم مسیح/روح القدس است، نه تلاش فردی. موضوع خاص در کولسیان ۳: ۵ را مطالعه کنید.

C. فراخواندن قدرتمند پولس به وحدت به واسطه وحدت تثلیث، به زیبایی در افسسیان ۴: ۱-۱۰ و همسوی آن کولسیان ۳: ۱۲-۱۷ بیان شده است. همچنین، تقاضای قدرتمند پولس برای هر مؤمن که با روح پر شود (مراجعه شود به افسسیان ۵: ۱۸) با کولسیان ۳: ۱۶ همسویی دارد. این همسویی یک کلمه نیست، بلکه یک عبارت ویژه همسو است. به یاد داشته باشید که کولسیان و افسسیان بر اساس تقریباً یک بحث خاص هستند.

D. اعترافات پولس در مورد خانواده (کولسیان ۳: ۱۸-۱۴: ۱) نشان می‌دهد که چگونه زندگی جدید مؤمنان در طریق مسیح باید در هر حوزه زندگی تاثیر گذارد. ایمان انجیلی، شکاف ریشه‌ای با طبیعت قدیمی (طبیعت گمراه) است. شاهدی از تغییر، این است که ما دیگر برای خودمان زندگی نمی‌کنیم، بلکه برای دیگران (مراجعه شود به اول یوحنا ۳: ۱۶). این تقلید از زندگی عیسی است. این جهت گیری کاملاً جدید، شاهدی است که ما نجات یافته ایم!

فصل ۳ (۳: ۱۸ الی ۴: ۱) یک متن یکپارچه است.

مطالعه عبارت و کلام

NASB (به روز شده): کولسیان ۳: ۱ الی ۴

پس چون با مسیح برخیزانیده شده‌اید، آنچه را که در بالاست بجوید، آنجا که مسیح به دست راست خدا نشسته است. ^۲ به آنچه در بالاست بیندیشید، نه به آنچه بر زمین است. ^۳ زیرا مُردید و زندگی شما اکنون با مسیح در خدا پنهان است. ^۴ چون مسیح که زندگی شماست، ظهور کند، آنگاه شما نیز همراه او با جلال ظاهر خواهید شد.

۱: ۳ "پس" این قسمت دکترین (یعنی فصلهای ۱ و ۲) را با بخش عملی (یعنی فصلهای ۳ و ۴) به هم پیوند میدهد. این یک فرم استاندارد در نوشته های پولس است (مراجعه شود به رومیان ۱: ۱۲، افسسیان ۴: ۱، فلیپیان ۴: ۱).

■ "اگر" این یک عبارت شرطی نوع اول است که از دیدگاه نگارنده و یا از نظر محتوای متنی شرط درست تصور میشود. مومنین با مسیح برمیخیزند.

■ "با مسیح برخیزانیده شده‌اید" این یک ترکیب با *syn* است، "با... برخیزاننده شده‌اید" (مراجعه شود به کولسیان ۲: ۱۲ و ۱۳، رومیان ۶: ۳ الی ۱۱، افسسیان ۲: ۵ الی ۶). مومنین اینک یک قیام به زندگی دارند، بنابراین باید همانگونه زندگی کنند. آیات ۱ الی ۴ مبنای الهیاتی اخلاقیات و زندگی مسیحی هستند.

■ "آنچه را که در بالاست بجوید" این یا حال فعال اخباری و یا حال فعال امری است. بنابراین نصیحتی برای پیروی از افکار و چیزهای معنوی است (مراجعه شود به کولسیان ۳: ۲، فلیپیان ۲: ۱ الی ۲، ۴: ۸).

آیات ۱ و ۲ همسو هستند. احتمالاً هر دو حال فعال امری هستند. مومنین آن چیزی میشوند به آن فکر میکنند. چشمان و گوشها دریچه ای به روح هستند. برخی اساتید تصور میکنند که این متن یک تضادی میان اینکه در طریق مسیح، چه کسی هستیم (حالت اخباری) و در طریق مسیح، چه کسی باید باشیم (امری) است. پولس اغلب از این ویژگی دستور زبانی استفاده می‌کند.

■ "آنجا که مسیح سمت راست خدا نشسته است" این یک جمله آنتروپومورفیک است (مراجعه شود به مزامیر ۱۱۰: ۱) که پولس به ندرت برای اقتدار عیسی و جایگاه افتخار از آن استفاده میکند (انجیل لوقا ۲۲: ۶۹، اعمال رسولان ۷: ۵۵، رومیان ۸: ۳۴، افسسیان ۱: ۲۰، عبرانیان ۱: ۳، ۸: ۱، ۱۰: ۱۲، ۱۲: ۲، اول پطرس ۳: ۲۲). توصیف عیسی که در سمت راست پدر نشسته است همچنین شیوه ای برای بشارت و میانجیگری برای قدیسان است (مراجعه شود به رومیان ۸: ۳۴، عبرانیان ۷: ۲۵، ۹: ۲۴، اول یوحنا ۲: ۱). این استعاره خاورمیانه‌ای برای اتاق سلطنتی است. امیدوارم وقتی به بهشت برسید انتظار نداشته باشید "یک مرد مسن، یک مرد جوان را نشسته در یک صندلی بزرگ با کبوترانی که بالای سرشان پرواز میکنند ببینید!" کتاب مقدس از واژگان انسانی و فیزیکی برای توصیف خدای ابدی، روحانی و مقدس استفاده می‌کند. تمام اصطلاحات مورد استفاده برای توصیف او عبارتند از استعاره، تقلید یا نفی؛ آنها درست هستند اما جامع نیستند.

موضوع خاص: توصیف خدا با زبان انسانی

(Special Topic: Anthropomorphic Language To Describe Deity)

I. این نوع زبان (یعنی توصیف خدا با اصطلاحات انسانی) در عهد عتیق بسیار متداول است. (برخی مثالها)

A. اندامهای فیزیکی بدن

۱. چشمها - کتاب پیدایش ۱: ۴ و ۳۱: ۶، ۸، خروج ۳۳: ۱۷، اعداد ۱۴: ۱۴، تثنیه ۱۱: ۱۲، زکریا ۴: ۱۰
۲. دستها - خروج ۱۵: ۱۷، اعداد ۱۱: ۲۳، تثنیه ۲: ۱۵
۳. بازو - خروج ۶: ۶، ۱۵: ۱۶، تثنیه ۴: ۳۴، ۵: ۱۵
۴. گوشها - اعداد ۱۱: ۱۸، اول سموئیل ۸: ۲۱، دوم پادشاهان ۱۹: ۱۶، مزمو ۵: ۱، ۱۰: ۱۷، ۱۸: ۶
۵. صورت - خروج ۳۳: ۱۱، لاویان ۲۰: ۳ و ۵ و ۶، اعداد ۶: ۲۵، ۱۲: ۸، تثنیه ۳۱: ۱۷، ۳۲: ۲۰، ۳۴: ۱۰
۶. انگشت - خروج ۸: ۱۹، ۳۱: ۱۸، تثنیه ۹: ۱۰، مزمو ۸: ۳
۷. صدا - پیدایش ۳: ۹ و ۱۱ و ۱۳، خروج ۱۵: ۲۶، ۱۹: ۱۹، تثنیه ۲۶: ۱۷، ۲۷: ۱۰
۸. پاها - خروج ۲۴: ۲۰، حزقیال ۴۳: ۷
۹. حالت انسانی - خروج ۲۴: ۹ الی ۱۱، مزمو ۴۷: ۱، حزقیال ۱: ۲۶
۱۰. فرشته خدا - پیدایش ۱۶: ۷ الی ۱۳، ۲۲: ۱۱ الی ۱۵، ۳۱: ۱۱ و ۱۳، ۴۸: ۱۵ الی ۱۶، خروج ۳: ۴ و ۱۳ الی ۲۱، ۱۴: ۱۹، داوران ۲: ۱، ۶: ۲۲ الی ۲۳، ۲۳: ۱۳ الی ۲۲

B. اعمال فیزیکی (مثالها را ببینید)

۱. صحبت در مورد مکانیزم خلقت (پیدایش ۱: ۳ و ۶ و ۹ و ۱۱ و ۱۴ و ۲۰ و ۲۴ و ۲۶)
۲. قدم زدن (صدای قدم زدن) - پیدایش ۳: ۸، لاویان ۲۶: ۱۲، تثنیه ۲۳: ۱۴، حبقوق ۲۳: ۱۴
۳. بستن درب کشتی نوح - پیدایش ۷: ۱۶
۴. بوی قربانیان - پیدایش ۸: ۲۱، لاویان ۲۶: ۳۱، عاموس ۵: ۲۱
۵. پائین آمدن - پیدایش ۱۱: ۵، ۱۸: ۲۱، خروج ۳: ۸، ۱۹: ۱۱ و ۱۸ و ۲۰
۶. دفن کردن موسی - تثنیه ۳۴: ۶

C. احساسات انسانی (مثالها را ببینید)

۱. پشیمانی/توبه - پیدایش ۶: ۶ و ۷، خروج ۳۲: ۱۴، داوران ۲: ۱۸، اول سموئیل ۱۵: ۲۹ و ۳۵، عاموس ۷: ۳ و ۶
۲. عصبانیت - خروج ۴: ۱۴، ۱۵: ۷، اعداد ۱۱: ۱۰، ۱۲: ۹ و ۱۲، ۲۲: ۲۲، ۲۵: ۳ و ۴، ۳۲: ۱۰ و ۱۳ و ۱۴، تثنیه ۶: ۱۵، ۷: ۴، ۲۹: ۲۰
۳. حسادت - خروج ۲۰: ۵، ۳۴: ۱۴، تثنیه ۴: ۲۴، ۵: ۹، ۶: ۱۵، ۳۲: ۱۶ و ۲۱، یوشع ۲۴: ۱۹
۴. خجالت کشیدن - لاویان ۲۰: ۲۳، ۲۶: ۳۰، تثنیه ۳۲: ۱۹

D. اصطلاحات خانوادگی (مثالها را ببینید)

۱. پدر

- a. پدر اسرائیل - خروج ۴: ۲۲، تثنیه ۱۴: ۱، اشعیا ۱: ۲، ۶۳: ۱۶، ۶۴: ۸، ارمیا ۳۱: ۹، یوشع ۱۱: ۱
- b. پدر پادشاه - دوم سموئیل ۷: ۱۱ الی ۱۶، مزمو ۲: ۷
- c. استعاره‌های کارهای پدران - تثنیه ۱: ۳۱، ۸: ۵، ۳۲: ۶ الی ۱۴، مزمو ۲۷: ۱۰، امثال ۳: ۱۲، ارمیا ۳: ۴ و ۲۲، ۳۱: ۲۰، یوشع ۱۱: ۱ الی ۴، ملاکی ۳: ۱۷
۲. والدین - یوشع ۱۱: ۱ الی ۴
۳. مادر - اشعیا ۴۹: ۱۵، ۶۶: ۹ الی ۱۳ (منظور مادر پرستار)
۴. معشوق وفادار جوان - یوشع ۱ الی ۳

II. دلایل استفاده از این نوع زبان

- A. لازم است که خدا خود را بر انسانها نشان دهد. هیچ واژگانی غیر از واژگان دنیای سقوط کرده وجود ندارد. مفهوم فراگیر خدا به عنوان مذکر مثالی است از تصور شخصیت انسانی زیرا خدا روح است!
- B. خدا بامعنی‌ترین جنبه‌های زندگی نوع بشر را گرفته و از آنها استفاده می‌کند تا خود را به انسان سقوط کرده نشان دهد (پدر، مادر، والدین، معشوق).
- C. هر چند در برخی مقاطع زمانی ممکن است لازم باشد (پیدایش ۳: ۸)، ولی خدا نمی‌خواهد به هیچ قالب فیزیکی محدود گردد (خروج ۲۰، تثنیه ۵)
- D. نهایت تصور شخصیت انسانی قیام عیسی از مردگان است! خدا تبدیل به کالبد فیزیکی و قابل لمس شد (مراجعه شود به اول یوحنا ۱: ۱ الی ۳). پیام خدا تبدیل به کلام خدا شد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱: ۱ الی ۱۸).

۳:۲ "به آنچه در بالاست بیندیشید" این همسو با کولسیان ۳:۱ بوده و یا حال فعال اخباری یا حال فعال امری است. احتمالاً امری است. مسیحیت هم دانش و عمل است (مراجعه شود به اول پطرس ۱:۱۳ الی ۲۱)! این آیه همسو با کولسیان ۳:۱ است.

■ "نه به آنچه بر زمین است" این عبارت تضاد موردنظر پولس را تعریف میکند، مومنین باید در روح زندگی و فکر کنند، نه در کالبد (مراجعه شود به رومیان ۸:۱ الی ۱۷). آنها گزینه دارند و باید اولویتهای زندگی خود را تعیین کنند. نجات یافتن به معنی به طور خودکار خدا پسندانه زندگی کردن نیست، ولی باید اینکار را انجام داد.

پولس از یک تضاد دوگانه استفاده میکند، ولی نه میان روح در برابر ماده مانند عرفا، بلکه تضاد او میان این دنیا (این عصر) در برابر پادشاهی خدا (عصر جدید) است. مومنین شهروندان دو قلمرو هستند. این دانش (جهانبینی) امید، شهامت و آرامش در میانه آزار و شکنجه زندگی میدهد (تعالیم دروغین، درد و رنج، زندانی شدن، محاکمه، و غیره).

۳:۳ "مردید" این استعاره دیگری بر مبنای تعمیم است تا جایگاه مسیحیان جدید را در طریق مسیح توصیف کند (مراجعه شود به رومیان ۶:۱-۱۱؛ کولسیان ۲:۱۱-۱۲). مومنین در گناه میمیرند و در خدا زنده میشوند! به آنها پند داده میشود تا جایگاه جدید خود در طریق مسیح را بیابند (مراجعه شود به کولسیان ۳:۵؛ افسسیان ۲:۵-۶) و از او تقلید کنند (مراجعه شود به دوم قرنتیان ۵:۱۴-۱۵؛ غلاطیان ۲:۲۰؛ افسسیان ۵:۱-۲؛ اول یوحنا ۳:۱۶).

■ "پنهان" این زمان کامل مجهول دلالتی اخباری است. مومنین مرده اند (در مسیح) و در خدا پنهان هستند و ادامه دارد. ادیان اسرار و رمز و راز روم-یونان از این کلمه استفاده میکردند تا به آداب و رسوم آغازین اشاره کنند. این مفهوم پنهان بودن میتواند مرتبط با (۱) محافظت، یا (۲) جلال مشترک مومنین با مسیح که هنوز برای جهان مرئی نشده، باشد (مراجعه شود به کولسیان ۳:۴).

۳:۴ "مسیح که زندگی شماست" این منعکس کننده مفهوم الهیاتی "زندگی مبادله شده" است (مراجعه شود به غلاطیان ۲:۲۰، فیلیپیان ۱:۲۱).

■ "ظهور کند" این به آمدوم اشاره دارد (مراجعه شود به اول یوحنا ۳:۲).

■ "آنگاه شما نیز همراه او با جلال ظاهر خواهید شد" مومنین با مسیح درگذشتند، با مسیح برخاستند، و بخشی از بازگشت شگفت انگیز او خواهند بود (مراجعه کنید به اول تسالونیکیان ۴:۱۳ الی ۱۸). "پنهان" (کولسیان ۳:۳) آشکار خواهد شد (کولسیان ۳:۴). به یادداشت در مورد "جلال" در افسسیان ۱:۶ مراجعه کنید و موضوع خاص زیر را ببینید.

موضوع خاص: اصطلاحات عهد جدید برای بازگشت مسیح (Special Topic: NT Terms For Christ's Return)

تأکید اسکاتولوژیک یک روز خاص برای زمانی که انسان عیسی مسیح را (به عنوان نجات دهنده و قاضی) ملاقات می کند، توسط چندین اسم مشخص میشوند:

۱. "روز خداوندان عیسی مسیح" (مراجعه شود به اول قرنتیان ۱:۸)
 ۲. "روز خداوند" (مراجعه شود به اول قرنتیان ۵:۵، اول تسالونیکیان ۵:۲، دوم تسالونیکیان ۲:۲)
 ۳. "روز خداوند عیسی" (مراجعه شود به دوم قرنتیان ۱:۱۴، در MS ۴ در اول قرنتیان ۵:۵ "... ارباب عیسی" آمده است)
 ۴. "روز عیسی مسیح" (مراجعه شود به فیلیپیان ۱:۶)
 ۵. "روز مسیح" (مراجعه شود به فیلیپیان ۱:۱۰، ۲:۱۶)
 ۶. "روز او (پسر انسان)" (مراجعه شود به انجیل لوقا ۱۷:۲۴)
 ۷. "روز ظهور پسر انسان" (انجیل لوقا ۱۷:۳۰)
 ۸. "مکاشفه خداوندان عیسی مسیح" (اول قرنتیان ۱:۷)
 ۹. "زمانی که خداوند عیسی از آسمان ظهور کند" (اول تسالونیکیان ۱:۷)
 ۱۰. "در حضور خداوندان عیسی به هنگام ظهور او" (اول تسالونیکیان ۲:۱۹)
- حداقل چهار شیوه وجود دارند که در عهد جدید نگارندگان به بازگشت عیسی اشاره میکنند

۱. *epiphaneia*، که اشاره به روشنایی خیره کننده است که از نظر الهی (و نه لغوی) مرتبط به "جلال" است. در دوم تیموتائوس ۱: ۱۰، تیتوس ۲: ۱۱ و ۳: ۴ اشاره به اولین آمدن عیسی (یعنی قیام او از مردگان) و دومین آمدن او دارد. در دوم تسالونیکیان ۲: ۸ استفاده شده که شامل هر سه اصطلاح مهم برای آمدن دوم است: اول تیموتائوس ۶: ۱۴، دوم تیموتائوس ۴: ۱ و ۸، تیتوس ۲: ۱۳
۲. *parousia*، که دلالت بر حضور دارد و اساسا به بازدید سلطنتی اشاره دارد. این شایع ترین اصطلاح استفاده شده است (مراجعه شود به انجیل متی ۲۴: ۳ و ۲۷ و ۳۹ و ۳۷، اول قرنتیان ۱۵: ۲۳، اول تسالونیکیان ۲: ۱۹، ۳: ۱۳، ۴: ۱۵۶، ۵: ۲۳، دوم تسالونیکیان ۲: ۱ و ۸، یعقوب ۵: ۷ و ۸، دوم پطرس ۱: ۱۶، ۳: ۴ و ۱۲، اول یوحنا ۲: ۲۸).
۳. *apokalupsis* (یا آپوکالیپسیس)، که یعنی پرده برداری کردن به منظور نمایان ساختن است. نام آخرین کتاب در عهد جدید است (مراجعه شود به انجیل لوقا ۱۷: ۳۰، اول قرنتیان ۱: ۷، دوم تسالونیکیان ۱: ۷، اول پطرس ۱: ۷، ۴: ۱۳).
۴. *phaneroō*، که یعنی در نور آوردن یا به وضوح نمایان ساختن. این اصطلاح اغلب در عهد جدید برای بسیاری از جنبه های مکاشفه خدا استفاده شده است. این اصطلاح همانند *epiphaneia*، میتواند اشاره به اولین آمدن مسیح (مراجعه شود به اول پطرس ۱: ۲۰، اول یوحنا ۱: ۲، ۳: ۵ و ۸، ۴: ۹) و آمدن دوم او (مراجعه شود به انجیل متی ۲۴: ۳۰، کولسیان ۳: ۴، اول پطرس ۵: ۴، اول یوحنا ۲: ۲۸، ۳: ۲) داشته باشد.
۵. متداولترین اصطلاح برای "آمدن" یعنی *erchomai*، هم اغلب برای بازگشتن مسیح استفاده شده است (مراجعه شود به انجیل متی ۱۶: ۲۷ الی ۲۸، ۲۳: ۳۹، ۲۴: ۳۰، ۲۵: ۳۱، اعمال رسولان ۱: ۱۰ الی ۱۱، اول قرنتیان ۱۱: ۲۶، مکاشفه ۱: ۷ و ۸)
۶. همچنین با اصطلاح "روز خداوند" استفاده شده است (مراجعه شود به اول تسالونیکیان ۵: ۲)، که یک عنوان عهد عتیقی برای روز نعمت خدا (قیام) و داوری است.

عهد جدید به طور کلی بر اساس نگرش و جهان بینی عهد عتیق نوشته شده است که اینها را تصریح میکند:

a. عصر پلیدی و یاغیگری حال

b. عصر پارسایی که می آید

c. عصری که توسط نماینده روح القدس از طریق کار مسیح (آن مطهر) می آید

فرضیه الهیات مکاشفه پیشرفته مورد نیاز است، زیرا نگارندگان عهد عتیق به میزان اندکی انتظارات اسرائیل را تغییر میدهند. به جای آمدن مسیح با یک ارتش، ملی (اسرائیل)، دو آمدن وجود دارند. اولین رسیدن به مفهوم تولد عیسی ناصری است. او به عنوان غیرنظامی غیرداور "بنده رنجور" اشعیا ۵۳ آمد. همچنین سوار بر یک کره الاغ آمد (نه یک اسب جنگی و یا پادشاه فاتح) از زکریا ۹: ۹. اولین آمدن، آغازگر عصر جدید مسیحیت، پادشاهی خدا در زمین شد (نگاه کنید به موضوع ویژه: پادشاهی خدا). در یک نگاه پادشاهی در اینجا است، اما البته، یکی دیگر هست ولی دور است. این تنش بین دو دیدگاه مسیحیت است (نگاه کنید به موضوع ویژه: مسیح) که به نوعی بیش از هر زمان بیانگر تفکر دوقطبی یهودیان است (نگاه کنید به موضوع ویژه: این عصر و عصری که خواهد آمد) و نامعلوم بود، یا حداقل مشخص نیست. واقعیت این است که این دوگانگی بر تعهد یهوه برای رهایی تمام بشریت تأکید می کند (مراجعه شود به پیدایش ۳: ۱۵، ۱۲: ۳؛ خروج ۱۹: ۵ و موعظه پیامبران، به ویژه اشعیا و یونس).

کلیسا منتظر تحقق نبوت عهد عتیق نیست زیرا بیشتر نبوتها اشاره به اولین آمدن دارند (مراجعه شود به *How to Read the Bible For All Its Worth*، صفحه ۱۶۵ الی ۱۶۶). آنچه مومنین پیش بینی میکنند آمدن پر شکوه شاه شاهان و سرور سرورها، تحقق تاریخی عصر جدید پارسایی بر زمین همانگونه که در بهشت است، میباشد (مراجعه شود به انجیل متی ۶: ۱۰). گفته های عهد عتیق نادرست نیستند، بلکه ناقص هستند (موضوع خاص: چرا وعده های پیمانی عهد عتیق بسیار متفاوت از وعده های پیمان عهد جدید هستند؟ را مطالعه کنید). او مجددا خواهد آمد، درست همانگونه که انبیا پیشگویی کرده بودند، با قدرت و اقتدار یهوه.

عنوان "آمدن دوم" یک اصطلاح انجیلی نیست، اما مفهوم جهان بینی و چارچوب کل عهد جدید است. خداوند همه چیز را درست می کند. رفاقت میان خدا و انسان در تصویر او احیا خواهد شد. شرارت محکوم خواهد شد. اهداف خدا شکست نخواهند خورد، نمی توانند شکست بخورند!

کلیسای اولیه هم در روز شبات و هم روز اول هفته (یعنی روز یکشنبه، روز قیامت) عبادت می کنند. کنیسه به جنبش رو به رشد مسیحی اعتراض کرده و خواست عیسی را به عنوان مسیح انکار کنند (یعنی بندیکت هیجدهم). در این نقطه (یعنی در سال ۷۰ میلادی) مسیحیان انحصارا در روزهای یکشنبه ملاقات و عبادت میکنند.

پس، هر آنچه را در وجود شما زمینی است، بکشید، یعنی بی عفتی، ناپاکی، هوی و هوس، امیال زشت و شهوت پرستی را که همان بت پرستی است.^۶ به سبب همینهاست که غضب خدا بر سرکشان نازل می شود.^۷ شما نیز در زندگی گذشته خود به این راهها می رفتید.^۸ اکنون باید همه اینها را از خود دور کنید، یعنی خشم، عصبانیت، بدخواهی، ناسزاگویی و سخنان زشت را از دهان خود.^۹ به یکدیگر دروغ مگویید، زیرا آن انسان قدیم را با کارهایش از تن به در آورده اید.^{۱۰} و انسان جدید را در بر کرده اید، که در معرفت حقیقی هر آن نو می شود تا به صورت آفریننده خویش در آید.^{۱۱} در این انسان جدید، یونانی یا یهودی، ختنه شده یا ختنه نشده، بربر یا سکایی، غلام یا آزاد دیگر معنی ندارد، بلکه مسیح همه چیز و در همه است.

۵:۳

"اعضای بدن زمینی خود را مرده تصور کنید"	NASB
"اعضا خود را که در زمین هستند بکشید"	NKJV
"هر آنچه را در وجود شما زمینی است، بکشید"	NRSV
"باید هر چیزی زمینی که در شما کار میکند را بکشید"	TEV
"هر آنچه را در وجود شما زمینی است، باید بکشید"	NJB

این زمارن انوریست فعال امری است که دلالت بر ضرورت و فوریت دارد (مراجعه شود به کولسیان ۳: ۸ و ۱۲). بخشی را آغاز میکند که بر الزام مومنین بر دور کردن از شیطان از خود یکبار و برای همیشه تاکید دارد (کولسیان ۳: ۵ الی ۱۱). پولس اغلب از اصطلاحات لباس و پوشاک به عنوان استعاره برای زندگی روحانی و معنوی استفاده میکند (مراجعه شود به رومیان ۶: ۶ و ۱۱، ۸: ۱۳، افسسیان ۴: ۲۲ و ۲۴ و ۲۵ و ۳۱، احتمالاً از زکریا ۳). مومنین باید در خود، در گناه و در امورات دنیوی بمیرند. بخش بعدی تاکید بر این دارد که مسیحیان باید تقوایی همانند مسیح بر تن کنند (کولسیان ۳: ۱۰ الی ۱۷).

پولس اغلب گناهان زندگی قدیم و انسان قبلی را در فهرست‌هایی مشخص می کند که از بسیاری جهات شبیه به اخلاق گرایان یونانی بود (مانند Stoics) روزگار او.

موضوع خاص: فساد و تقوا در عهد جدید (Special Topic: Vices And Virtues In The NT)

فهرستهای هم تقواها و هم گناهان در عهد جدید مشترک هستند. اغلب آنها منعکس کننده فهرستهای فرهنگی و ربی هستند. فهرستهای عهد عتیق که مشخصه های متضاد آنها را بیان میدارند به شرح زیر هستند:

تقواها	فسادها
----	رومیان ۱: ۲۸ الی ۳۲
رومیان ۱۲: ۹ الی ۲۱	رومیان ۱۳: ۱۳
---	اول قرنیتیان ۵: ۹ الی ۱۱
اول قرنیتیان ۶: ۶ الی ۹	اول قرنیتیان ۶: ۱۰
دوم قرنیتیان ۶: ۴ الی ۱۰	دوم قرنیتیان ۱۲: ۲۰
غلاطیان ۵: ۲۲ الی ۲۳	غلاطیان ۵: ۱۹ الی ۲۱
---	افسسیان ۴: ۲۵ الی ۳۲
---	افسسیان ۵: ۳ الی ۵
فیلیپیان ۴: ۸ الی ۹	---
کولسیان ۳: ۱۲ الی ۱۴	کولسیان ۳: ۵ و ۸
---	اول تیموتائوس ۱: ۹ الی ۱۰

اول تیموتائوس ۶: ۴ الی ۵	---
دوم تیموتائوس ۲: ۲۲ الف و ۲۳	دوم تیموتائوس ۲: ۲۲ ب و ۲۴
تیتوس ۱: ۷ و ۳: ۳	تیتوس ۱: ۸ الی ۹ و ۳: ۱ الی ۲
یعقوب ۳: ۱۵ الی ۱۶	یعقوب ۳: ۱۷ الی ۱۸
اول پطرس ۴: ۳	اول پطرس ۴: ۷ الی ۱۱
دوم پطرس ۱: ۹	دوم پطرس ۱: ۵ الی ۸
مکاشفه ۲۱: ۸، ۲۲: ۱۵	---
۴: یوحنا	

■ **"بی‌عفتی، ناپاکی"** اولین اصطلاح یونانی (*porneia*) به معنی "فاحشه" است، ولی تبدیل به اصطلاحی شد برای بی‌اخلاقی جنسی به طور کلی (مراجعه شود به اول قرن‌تیمان ۶: ۹). اصطلاح انگلیسی پورنوگرافی (*pornography*) از این کلمه گرفته شده است. اصطلاح دوم "ناپاکی" (*akatharsia*) هم یک اصطلاح کلی برای بی‌اخلاقی جنسی است، البته، اساساً در عهد عتیق در مفهوم ناپاکی برای مراسم یا ناپاکی اخلاقی استفاده شده است. پولس مفهوم دوم را مد نظر داشت.

■ **"هوی و هوس"** این دو اصطلاح نیز با یکدیگر در اول تسالونیکیان ۴: ۵ استفاده شده اند و به صورت "هوس و شهوت" ترجمه شده اند. اصطلاح نخست "هوی" (*pathos*) به دو مفهوم کاملاً متفاوت استفاده میشود: (۱) در مورد رنج کشیدن، و (۲) در مورد امیال جنسی.

اصطلاح دوم، "امیال شیطانی" (*epithumia*) هم در دو مفهوم کاملاً متفاوت استفاده میشود. نیاز شدید به چیزی (۱) در مفهوم خوب، (۲) در مفهوم شیطانی. متن باید مشخص کند که کدام جنبه کلمه مد نظر نگارنده بوده است.

این فهرست گناهان جنسی میتواند مرتبط با معلمین دروغین باشد. معلمین دروغین عرفان دو دسته بودند: (۱) آنهایی که زندگی مرتاضانه داشتند، و (۲) آنهایی که به جسم به عنوان چیزی بی‌ربط در زندگی روحانی نگاه کرده و در امیال جسمانی افراط می‌کردند. عمدتاً زیاده روی در مسائل مالی و جنسی از مشخصه‌های این معلمین دروغین بود.

■ **"طمع"** این اصطلاح معمولاً در مورد میل زیاد به چیزی مورد استفاده قرار می‌گیرد، اما در مورد سو استفاده جنسی، ممکن است به معنای لذت جنسی بیشتر و بیشتر به هر قیمتی باشد! بعضی دیگران را تنها به عنوان اشیایی برای لذت شخصی و جنسی می‌بینند.

■ **"که همان بت‌پرستی است"** هر چیزی که حکومت کند، کنترل و یا تقاضای وفاداری داشته باشد، تبدیل به یک بت شده و جایگزین خداوند می‌شود. برای برخی، لذت جنسی تبدیل به محور تمرکز زندگی، افکار و برنامه‌های فرد می‌شود.

۳: ۶ **"غضب خدا.... نازل می‌شود"** به شیوه‌های بسیاری، این مشابه بحث پولس در رومیان ۱: ۱۸ الی ۲: ۱۶ است. خشم خدا در دو مقطع زمانی در انجیل دیده شده است: (۱) گناه منتهی به مجازات در حال حاضر در این زندگی میشود (موقتی) و (۲) روزی همه انسانها را خدا مورد داوری قرار خواهد داد (اسکاتلورژیک).

در این مقطع یک تفاوت در میان نسخ دستنویس یونانی وجود دارد. متن طولانیتر، که دارای اصطلاح سامی "فرزندان نافرمانی" است، در نسخ MSS A, C, D, F, G, H, K, L و P قرار دارد. در نسخ MSS P⁴⁶ و B حذف شده است. متن طولانیتر در افسسیان ۵: ۶ تمامی نسخ دستنویس یافت می‌شود که می‌تواند منشا این اضافه شدن باشد (به *A Textual Commentary On the Greek NT* اثر Bruce M Metzger صفحه ۸۲۴ مراجعه شود).

۳: ۷ **"شما نیز در زندگی گذشته خود به این راهها می‌رفتید"** زمینه فکری مومنین کولسیان کفر بود (مراجعه شود به رومیان ۶: ۱۹، اول قرن‌تیمان ۶: ۱۱، تیتوس ۳: ۳). این مومنین عادت داشتند به این نوع گناهان فکر کنند و با آنها زندگی کنند.

۳: ۸ **"اما اکنون"** به تضاد توجه کنید (انسان قبلی در برابر انسان جدید).

■ **"همه اینها را از خود دور کنید"** این ائوریست امری میانی است که دلالت بر ضرورت امر دارد. مومنین باید متفاوت باشند. پولس از پوشاک به عنوان استعاره برای انتخاب شیوه زندگی فردی استفاده میکند. مومنین تشویق میشوند که زندگی قبلی را از تن در آورده همانند ردا آن را کنار گذارند (مراجعه شود به کولسیان ۳: ۸ و ۹، افسسیان ۴: ۲۲ و ۲۵ و ۳۱، یعقوب ۱: ۲۱، اول پطرس ۲: ۱). آنان مسیح را میپوشند (مراجعه شود به کولسیان ۳: ۱۰ و ۱۲ و ۱۴، افسسیان ۴: ۲۴، رومیان ۱۳: ۱۴، غلاطیان ۳: ۲۷. زمانی این مومنین تحت سلطه و کنترل امیال شیطانی بودند، ولی اینک از طریق مسیح، آنها می‌توانند

از آن امیال روی برگردانند (مراجعه شود به رومیان ۵ الی ۶).

■ "عصبانیت" این اصطلاح به معنی عصبانیت شدید و ممتد است (مراجعه شود به دوم قرن‌تیاں ۱۲: ۲۰، غلاطیاں ۵: ۲۰، افسسیان ۴: ۳۱).

■ "خشم" این اصطلاح به معنای خشم سریع یا سرخوردگی است (مراجعه شود به دوم قرن‌تیاں ۱۲: ۲۰، غلاطیاں ۵: ۲۰، افسسیان ۴: ۳۱).

■ "بدخواهی" این اصطلاح یعنی "تفکرات از روی بد جنسی" (مراجعه شود به رومیان ۱: ۲۹، اول قرن‌تیاں ۵: ۸، افسسیان ۴: ۳۱). دلالت بر تمایل به آسیب رساندن به دیگران دارد.

■ "ناسزاگویی و سخنان زشت" مردم میشنوند، گفته‌های ما منعکس کننده این هستند که واقعا چه کسی هستیم (مراجعه شود به انجیل متی ۱۲: ۳۴ الی ۳۵، ۱۱: ۱۸، انجیل مرقس ۷: ۲۰، افسسیان ۴: ۲۹، ۵: ۴، یعقوب ۲: ۳ الی ۱۲).

موضوع خاص: سخن گفتن

(Special Topic: Human Speech)

I. تفکرات آغازین در مورد تمثیلهای

- A. زبان بخشی از تصویر خدا در نوع بشر است (یعنی خلقت با گفتن آغاز شد و خدا با انسان مخلوقش صحبت کرد). این بخشی حیاتی از فردیت ما است
- B. سخن گفتن ما را قادر می‌سازد تا با دیگران ارتباط برقرار کنیم و درباره اینکه چه احساسی نسبت به زندگی داریم حرف بزنیم. بنابراین، مشخص می‌کند که ما واقعا چه هستیم (امثال ۱۸: ۲، ۴: ۲۳، ۲۰ الی ۲۷). سخن گفتن آزمون انسان است (امثال ۲۳: ۷).
- C. ما موجودات اجتماعی هستیم. ما نیازمند پذیرش و تأیید هستیم. ما از جانب و خدا و نیز از جانب هموعان خود به آن نیاز داریم. کلمات این قدرت را دارند تا این نیاز را تأمین کنند، هم به صورت مثبت (امثال ۱۷: ۱۰) و هم منفی (امثال ۱۲: ۱۸).
- D. قدرت وحشتناکی در کلام انسان وجود دارد (امثال ۱۸: ۲۰ الی ۲۱) - قدرت برکت دادن و شفا بخشیدن (امثال ۱۰: ۱۱ و ۲۱) و قدرت نفرین و تخریب (امثال ۱۱: ۹).
- E. هرگونه که رفتار کنیم به همان صورت هم حاصلش به ما باز می‌گردد (امثال ۱۲: ۱۴).

II. اصول تمثیلهای

A. پتانسیل منفی و مخرب کلام انسانی

۱. کلام انسان پلید (۱: ۱۱ الی ۱۹، ۶: ۱۰، ۶: ۱۱ و ۹، ۱۱: ۱۲، ۲: ۶ الی ۶)
۲. حرفهای زناکارانه (۵: ۲ الی ۵، ۶: ۲۴ الی ۳۵، ۷: ۵، ۹: ۱۳ الی ۱۸، ۲۲: ۱۴)
۳. دروغ (۶: ۱۲ الی ۱۵ و ۱۹، ۱۰: ۱۸، ۱۲: ۱۷ الی ۱۹، ۲۲: ۱۴، ۲۵: ۱۷، ۴: ۱۹، ۵: ۹ و ۲۸، ۲۱: ۲۸، ۲۴: ۲۸، ۲۵: ۲۵، ۲۶: ۱۸ الی ۲۳)
۴. حرفهای احمقانه (۱۰: ۱۰، ۱۰: ۱۴، ۱۴: ۳، ۱۵: ۱۴، ۱۸: ۶ الی ۸)
۵. شهادت دروغ (۶: ۱۹، ۱۲: ۱۷، ۱۹: ۵ و ۹، ۲۸: ۲۱، ۲۸: ۲۴، ۲۸: ۲۵، ۱۸: ۲۵)
۶. شایعه پراکنی (۶: ۱۴ و ۱۹، ۱۱: ۱۳، ۱۶: ۲۷ الی ۲۸، ۲۰: ۲۵، ۲۳: ۲۶، ۲۰: ۲۶)
۷. حرف بیجا زدن (۶: ۱ الی ۵، ۱۲: ۱۸، ۲۰: ۲۵، ۲۹: ۲۰)
۸. تملق و حرفهای فریبنده (۲۵: ۹)
۹. زیادی حرف زدن (۱۰: ۱۴ و ۱۹، ۲۳: ۱۱، ۱۳: ۱۳، ۱۳: ۳ و ۱۶، ۱۴: ۲۳، ۱۵: ۲، ۱۷: ۲۷ الی ۲۸، ۱۸: ۲، ۲۱: ۲۳، ۲۹: ۲۰)
۱۰. حرفهای منحرفانه (۱۷: ۲۰، ۱۹: ۱)

B. پتانسیل مثبت، شفا دهنده و سازنده کلام انسانی

۱. حرفهای صادقانه (۱۰: ۱۱ و ۲۰ الی ۲۱، ۳۱: ۳۱ الی ۳۲، ۱۲: ۱۴، ۱۳: ۲، ۱۵: ۲۳، ۱۶: ۱۳، ۱۸: ۲۰)
۲. سخنان سنجیده (۱۰: ۱۳، ۱۱: ۱۲)
۳. سخنان خردمندانه (۱۵: ۱ و ۴ و ۷ و ۸، ۲۰: ۱۵)
۴. حرفهای شفا دهنده (۱۵: ۴)
۵. پاسخهای مهربانانه (۱۵: ۱ و ۴ و ۱۸، ۲۳: ۱۶، ۱: ۱۵، ۲۵: ۱۵)
۶. پاسخهای دلپذیر (۱۲: ۲۵، ۱۵: ۲۶ و ۳۰، ۱۶: ۲۴)

۷. حرفهای قانونمندان و شریعت (۲۲: ۱۷ الی ۲۱)

III.

الگوی عهد عتیق در عهد جدید ادامه دارد

- A. سخن گفتن ما را قادر می سازد تا با دیگران ارتباط برقرار کنیم و درباره اینکه چه احساسی نسبت به زندگی داریم حرف بزنیم. بنابراین، مشخص می کند که ما واقعا چه هستیم (انجیل متی ۱۲: ۳۳ الی ۳۷، ۱۵: ۱ الی ۲۰، انجیل مرقس ۷: ۲ الی ۲۳)
- B. ما موجودات اجتماعی هستیم. ما نیازمند پذیرش و تأیید هستیم. ما از جانب و خدا و نیز از جانب هموعان خود به آن نیاز داریم. کلمات این قدرت را دارند تا این نیاز را تأمین کنند، هم به صورت مثبت (دوم تیموتائوس ۳: ۱۵ الی ۱۷) و هم منفی (یعقوب ۳: ۲ الی ۱۲).
- C. قدرت وحشتناکی در کلام انسان وجود دارد، قدرت برکت دادن و شفا بخشیدن (افسیسیان ۴: ۲۹) و قدرت نفرین و تخریب (یعقوب ۳: ۹). ما مسئول هر آنچه که می گوئیم، هستیم (انجیل متی ۱۲: ۳۶ الی ۳۷، یعقوب ۳: ۲ الی ۱۲)
- D. بر اساس گفته‌های خود مورد داوری قرار خواهیم گرفت (انجیل متی ۱۲: ۳۳ الی ۳۷، انجیل لوقا ۶: ۳۹ الی ۴۵) و همچنین بر اساس اعمال خود (انجیل متی ۲۵: ۳۱ الی ۴۶). هرگونه که رفتار کنیم به همان صورت هم حاصل آن به ما باز می گردد

۳: ۹ " دروغ مگوید" این حال میانی (دپوننت) امری با وجه نفی است که به معنی متوقف ساختن عمل در حال انجام است. عبارت یونانی از کولسیان ۳: ۹ الی ۱۱ است. کلام مسیحی باید درست، صادقانه، اخلاقی، و از روی عشق گفته شود (مراجعه شود به افسسیان ۴: ۱۵).

۳: ۱۰ " انسان جدید را در بر کرده‌اید" این وجه وصفی حال مجهول با عامل دلالتی که خدا یا روح القدس می باشد، است. زندگی مسیحی هم یک حالت و هم یک فرایند توسعه است (مراجعه شود به اول قرنیتیان ۱: ۱۸). هدف آن همانند مسیح بودن است (مراجعه شود به رومیان ۸: ۲۹، غلاطیان ۴: ۱۹، افسسیان ۱: ۴)، که در تصویر خدا احیا می شود. این "از نو شدن" (مراجعه شود به دوم قرنیتیان ۴: ۱۶، و حالت اسمی آن در رومیان ۱۲: ۲ و تیتوس ۳: ۵) یک کار خدا است که هر مومن باید اجازه داده و با خدا در عملی شدن آن همکاری کند (همانند "پُر شدن" با روح، همچنین وجه وصفی حال مجهول در افسسیان ۱۸: ۵).

موضوع خاص: نو شدن دوباره (*anakainōsis*)

(Special Topic: Renew (*Anakainōsis*))

این اصطلاح یونانی در حالت‌های مختلف خود (*anakainōō, anakainizō*) دو معنی اصلی دارد:

۱. "سبب ایجاد چیزی جدید و متفاوت شدن" (یعنی بهتر) - رومیان ۱۲: ۲، کولسیان ۳: ۱۰
۲. "سبب تغییر به وضعیت ترجیحی قبلی که بهتر بود" - دوم قرنیتیان ۴: ۱۶، عبرانیان ۶: ۴ الی ۶ (بر گرفته از *Greek-English Lexicon* اثر Louw and Nida، جلد ۱، صفحات ۱۵۷ و ۵۹۴)

The Vocabulary of the Greek Testament، اثر Moulton and Milligan میگوید که این اصطلاح (یعنی *anakainōsis*) را نمیتوان در ادبیات یونانی پیش از پولس یافت. احتمال دارد که پولس خودش این اصطلاح را ابداع کرده باشد (صفحه ۳۴).
Frank Stagg در *New Testament Theology* تفسیر جالبی دارد.

"احیای و تجدید فقط مختص خداوند است. *Anakainōsis*، کلمه‌ای برای "تجدید/تمدید/نو شدن یا نو کردن"، از نظر دستور زبان یک اسم حرکتی است، و در عهد جدید به کار رفته و همچنین حالت فعل آن برای توصیف تجدید یا نو ساختن ممتد، استفاده شده است همانند رومیان ۱۲: ۲، "با نو شدن ذهن خود، دگرگون شوید" و دوم قرنیتیان ۴: ۱۶، "انسان باطنی روز به روز تازه تر میگردد" کولسیان ۳: ۱۰ "انسان جدید" را به عنوان "انسان جدید را در بر کرده‌اید، که در معرفت حقیقی هر آن نو می‌شود" توصیف می کند. بنابراین "انسان جدید"، "نوآوری زندگی"، "تجدید" یا "تجدید" هر چند تعیین شده، به یک اقدام اولیه و یک عمل پیوسته از جانب خدا به عنوان کمک کننده و نگهدارنده زندگی ابدی پی می برند" (صفحه ۱۱۸).

■ "معرفت حقیقی" این به مفهوم "دانش کامل" (*epignōsin*) است. در مقایسه با دانش دروغین عرفان.

۳: ۱۱ این آیه همان حقیقتی را بیان میکند که رومیان ۳: ۲۲ و ۲۹، ۱۰: ۱۲، اول قرنیتیان ۱۲: ۱۳، غلاطیان ۳: ۲۸، و افسسیان ۲: ۱۱ الی ۲۲ بیان میدارند. همه انسانها تمایزات و موانع انسانی با انجیل از بین میروند. این امر تمایزات انجیلی را از بین نمیرد، برای نمونه، رابطه میان زن و شوهر (مراجعه شود به افسسیان ۵: ۲۱ الی ۳۱) یا فقیر و غنی (مراجعه شود به یعقوب ۱: ۹ الی ۱۰)، ولی تمامی نابرابریها را از بین میبرد!

■ "بربر یا سکایی" این اشاره به غیر یهودیان با فرهنگ و بی فرهنگ دارد. اصطلاحی که "بربر" نامیده می شود، در اصل شیوه‌ای است که مردم امپراطوریهای

یونان-روم صحبت کردن قبیله های اروپای شمالی را می شنیدند که به عنوان "بار بار بار" نامیده می شوند. جامعه یونانی-رومی، زبان سکاییها را به عنوان مردمان بی تمدن و وحشی تلقی میکردند.

موضوع خاص: نژاد پرستی (Special Topic: Racism)

I. مقدمه

- A. این نگرش برتری یک بیان جهانی بشر گمراه است. این ضمیر بشر است، که از خود در پشت سر دیگران حمایت کند. نژادپرستی از بسیاری جهات یک پدیده مدرن است، در حالی که ناسیونالیسم (یا قبیله گرایی) یک مسئله باستانی است.
- B. ملی گرایی در بابل آغاز شد (پیدایش ۱۱) و در ابتدا مربوط به سه پسران نوح بود که به اصطلاح نژادها از آنها توسعه یافتند (پیدایش ۱۰). با این حال، از کتاب مقدس روشن است که بشریت از یک منبع است (مراجعه شود به پیدایش ۱-۳؛ اعمال رسولان ۱۷: ۲۴-۲۶).

C. نژادپرستی فقط یکی از انواع تعصب است. برخی دیگر از تعصبات عبارتند از

۱. فخر فروشی به خاطر تحصیلات
۲. غرور اقتصادی-اجتماعی
۳. خود-پارسا بینی و قانونگرایی مذهبی
۴. تعصبات کور سیاسی

II. مفاد انجیلی

A. عهد عتیق

۱. پیدایش ۱: ۲۷ - نوع بشر، مرد و زن، در تصویر و همانند خدا ساخته شدند، که آنها را منحصر به فرد میکند. همچنین ارزش و وقار فردی را نشان میدهد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۳: ۱۶).
۲. پیدایش ۱: ۱۱ الی ۲۵ - این عبارت را ده مرتبه ثبت کرده است "... در پی نوع خود...". از این عبارت برای حمایت از تبعیض نژادی استفاده میشود. با این حال، از زمینه متن مشخص است که این به حیوانات و گیاهان و نه به بشریت، اشاره دارد.
۳. پیدایش ۹: ۱۸ الی ۲۷ - از این عبارت برای حمایت از تسلط نژادی استفاده شده است. باید به یاد داشته باشید که خدا کنعان را لعنت نکرد. نوح، پدر بزرگش، پس از بیداری از مستی، لعنتش کرد (به خاطر پدرش، گناه حام). کتاب مقدس هیچ سابقه ای که خدا این سوگند / لعنت را تایید کرده باشد را ثبت نکرده است. حتی اگر او این کار را انجام دهد، این امر در مورد نژاد سیاه و سفید تاثیر نمی گذارد. کنعان پدر کسانی بود که در فلسطین ساکن بودند و هنر دیوار مصری نشان می دهد که آنها سیاه نیستند.
۴. اعداد ۱۲: ۱ - موسی با یک زن سیاه پوست ازدواج کرد.
۵. یوشع ۹: ۲۳ - این عبارت برای اثبات اینکه یک نژاد باید به نژادی دیگر خدمت کند، استفاده میشود. با این وجود، در متن، جبعونیان از همان نژادی هستند که یهودیان میباشند.
۶. عزرا ۹ الی ۱۰ و نحما ۱۳ - اینها اغلب در مفهوم نژادی مورد استفاده قرار می گیرند، اما متن نشان می دهد که ازدواج ها، نه به دلیل نژادی (آنها از یک پسر نوح بودند، پیدایش ۱۰)، بلکه به دلایل مذهبی محکوم شده اند.

B. عهد جدید

۱. اناجیل

- a. عیسی در چندین مورد از نفرت بین یهودیان و سامری ها استفاده کرد، تا نشان دهد که نفرت نژادی نامناسب است.
- ۱) تمثیل سامری خوب (انجیل لوقا ۱۰: ۲۵ الی ۳۷)
 - ۲) زن کنار چشمه (انجیل یوحنا ۴)
 - ۳) جذامی شکرگزار (انجیل لوقا ۱۷: ۱۱ الی ۱۹)
- b. انجیل برای همه بشریت است
- ۱) انجیل یوحنا ۳: ۱۶
 - ۲) انجیل لوقا ۲۴: ۴۶ الی ۴۷
 - ۳) عبرانیان ۲: ۹

۴) مکاشفه ۱۴: ۶

c. پادشاهی برای همه بشریت است

۱) انجیل لوقا ۱۳: ۲۹

۲) مکاشفه ۵

۲. اعمال رسولان

a. اعمال رسولان ۱۰ قطعا در مورد عشق جهانی خداوند و پیام جهانی انجیل است.

b. به پطرس به خاطر کارهایش در اعمال رسولان ۱۱ حمله شد و این مسئله تا شورای اورشلیم در اعمال رسولان ۱۵ برگزار و راه حلی برای آن پیدا نشد، حل نگردید. تنش میان یهودیان و غیر یهودیان قرن اول بسیار شدید بود.

۳. پولس

a. هیچ مانعی در راه مسیح وجود ندارد

۱) غلاطیان ۳: ۲۶ الی ۲۸

۲) افسسیان ۲: ۱۱ الی ۲۲

۳) کولسیان ۳: ۱۱

b. خدا بین افراد تبعیض نمیگذارد

۱) رومیان ۲: ۱۱

۲) افسسیان ۶: ۹

۴. پطرس و یعقوب

a. خدا بین افراد تبعیض نمیگذارد، اول پطرس ۱: ۱۷

b. چون خدا تعصبی نشان نمیدهد، پس مردم او نیز نباید چنین کنند، یعقوب ۲: ۱

۵. یوحنا

a. یکی از قویترین گفته ها در مورد مسئولیت مومنین در اول یوحنا ۴: ۲۰ یافت میشود.

III. جمع بندی

A. نژاد پرستی، و یا در این مورد، تعصب از هر نوع، برای فرزندان خدا کاملا نامناسب است. در اینجا یک نقل قول از Henlee Barnette است که در انجمنی در Glorieta، نیومکزیکو، برای کمیته زندگی مسیحی در سال ۱۹۶۴ سخنرانی کرد.

"نژادپرستی کفر است زیرا غیر انجیلی و غیر مسیحی است، لازم به یادآوری نیست که غیر علمی هم هست".

B. این مسئله به مسیحیان فرصتی برای نشان دادن عشق، بخشش و درک متقابل خود به یک جهان گمشده و گمراه می دهد. نژاد پرستی مسیحی نشان دهنده عدم بلوغ است و فرصتی برای یک شخص بد برای ایجاد مانع برای ایمان، اطمینان و رشد مؤمن به وجود می آورد. این همچنین به عنوان یک مانع برای افراد گمشده جهت رسیدن و روی آوردن به مسیح خواهد بود.

C. چه کاری میتوانم انجام دهم؟ (این بخش از تراکت کمیته زندگی مسیحی تحت عنوان "مسابقه روابط" برگرفته شده است) "در سطح فردی"

- مسئولیت خود را در حل مسائل مربوط به نژاد بپذیرید

- از طریق دعا، مطالعه انجیل، و دوستی با دیگر نژادها تلاش کنید تعصبات زندگی نژادی را از خود دور کنید

- اعتقادات خود را نسبت به نژاد بیان کنید، به ویژه آنهایی که نزاع نژادی را متلاشی می کنند

"در زندگی خانوادگی"

- اهمیت نفوذ خانواده در توسعه نگرش نسبت به سایر نژادها را درک کنید.

- سعی کنید با صحبت کردن در مورد آنچه که کودکان و والدین در مورد نژادها در خارج از منزل می شنوند، نگرشهای مسیحی را توسعه دهید.

- والدین باید در برابر ارائه یک مثال مسیحی در ارتباط با افراد نژادهای دیگر مراقب باشند.

- به دنبال فرصتهایی برای ایجاد دوستی خانوادگی با دیگر نژادها باشید

"در کلیسای خود"

- با موعظه و تعلیم حقیقت کتاب مقدس در رابطه با نژاد، جماعت حاضر در کلیسا می توانند الگو و سرمشقی برای کل جامعه باشند.

- اطمینان حاصل کنید که عبادت، مشارکت و خدمت از طریق کلیسا برای همه باز باشد، حتی به عنوان کلیساهای عهد جدید، هیچ مانع نژادی وجود نداشته باشد (افسیسیان ۲: ۱۱ الی ۲۲، غلاطیان ۳: ۲۶ الی ۲۹).
- "در زندگی روزمره"
- کمک به غلبه بر هرگونه تبعیض نژادی در محیط کار.
- از طریق انواع سازمانهای اجتماعی از حقوق و فرصتهای برابر محافظت کنید، به یاد داشته باشید که مسئله نژاد است که باید مورد حمله قرار گیرد نه افراد. هدف این است که فهمیدن را ترویج دهیم، نه اینکه تلخی ایجاد کنیم.
- اگر به نظر عاقلانه باشد، کمیته ویژه‌ای از شهروندان برای ایجاد خطوط ارتباطی در جامعه برای آموزش عموم و اقدامات خاص در بهبود روابط نژادی سازماندهی کند.
- از قوانین و قانون گذاران در تصویب قوانین ترویج عدالت نژادی حمایت کنید و با کسانی که از تعصب برای منافع سیاسی استفاده می‌کنند، مخالفت کنید.
- از مقامات اجرایی قانون برای تحقق قوانین بدون تبعیض تشکر کنید.
- خشونت را کنار بگذارید و احترام به قانون را ارتقا دهید، هر کاری که ممکن است به عنوان یک شهروند مسیحی باید انجام داد، انجام دهید، اطمینان حاصل کنید که ساختارهای حقوقی ابزار دست کسانی که تبعیض را افزایش میدهند، نخواهد بود.
- روح و ذهن مسیح را در تمام روابط انسانی به صورت الگو و نمونه بیان کنید.

■ "مسیح همه چیز و در همه است" عیسی نفوذ و قلمرو را متعادل میکند. در او، تمام تمایزات انسانی در عشق خداوند برداشته می‌شوند! همه میتوانند بیایند، از همه استقبال میشود، همه یک خانواده میشوند (مراجعه شود به غلاطیان ۳: ۲۸). رستگاری در مسیح، حالت معکوس سقوط و گمراهی (مراجعه شود به کولسیان ۳: ۱۰، "تصویر") و برج بابل (مراجعه شود به پیدایش ۱۰-۱۱، تقسیم مردم) است.

NASB (به روز شده): کولسیان ۳: ۱۲ الی ۱۷

- ۱۲ پس همچون قوم برگزیده خدا که مقدس و بسیار محبوب است، خویشتن را به شفقت، مهربانی، فروتنی، ملامت و صبر ملبس سازید .
- ۱۳ نسبت به یکدیگر بردبار باشید و چنانچه کسی نسبت به دیگری کدورتی دارد، او را ببخشاید. چنانکه خداوند شما را بخشود، شما نیز یکدیگر را ببخشاید. ۱۴ و بر روی همه اینها محبت را در بر کنید که همه چیز را به هم می‌پیوندد و شما را کامل می‌گرداند.
- ۱۵ صلح مسیح بر دلهایتان حکمفرما باشد، زیرا فرا خوانده شده‌اید تا چون اعضای یک بدن در صلح و صفا به سر برید، و شکرگزار باشید .
- ۱۶ کلام مسیح به دولتمندی در شما ساکن شود؛ و با مزامیر، سرودها و نغمه‌هایی که از روح است، با کمال حکمت یکدیگر را پند و تعلیم دهید؛ و با شکرگزاری و از صمیم دل برای خدا بسرایید. ۱۷ و هرآنچه کنید، چه در گفتار و چه در کردار، همه را به نام خداوند عیسی انجام دهید، و به واسطه او خدای پدر را شکرگزارید.

۳: ۱۲ " برگزیده خدا که مقدس و بسیار محبوب " این اصطلاحات برای توصیف اسرائیل استفاده شده اند (یعنی خروج ۱۹: ۵ الی ۶، تثنیه ۴: ۳۷، ۷: ۷ و ۸، ۱۰: ۱۵)، ولی اینک برای توصیف کلیسا استفاده میشوند (مراجعه شود به غلاطیان ۶: ۱۶، اول پطرس ۲: ۵ و ۹، مکاشفه ۱: ۶). موضوع خاص: مقدس در افسسیان ۱: ۴ را مطالعه کنید.

توجه داشته باشید که هدف مردم خدا، تقدس با انتخاب است (مراجعه شود به افسسیان ۱: ۴)، نه یک موقعیت ممتاز و افتخار. اسرائیل به عنوان وسیله ای برای رسیدن به تمام انسانهایی که در تصویر خداوند ساخته شده بودند، انتخاب شد. اسرائیل رسالت بشارتی خود (مراجعه شود به پیدایش ۱۲: ۳؛ خروج ۱۹: ۵) را از دست داد. این امر به وضوح به کلیسا واگذار شده است (مراجعه شود به انجیل متی ۲۸: ۱۹-۲۰؛ انجیل لوقا ۲۴: ۴۶-۴۷؛ اعمال رسولان ۱: ۸). از مؤمنان دعوت شده که مقدس باشند و شهادت دهند. به بینش متنی افسسیان ۱: ۱ الی ۲۳ مراجعه شود.

همچنین توجه داشته باشید که انتخاب نمی تواند جدا از مسئولیت برای عمل باشد. حاکمیت خدا و اراده آزاد انسان، در این مفهوم "پیمان" متحد هستند. خدا شروع کننده است و شرایط را تعیین میکند، اما انسانها باید پاسخ دهند!

■ "ملبس سازید" این آئوریست میانی امری است که دلالت بر ضرورت و فوریت دارد. این استفاده مستمر از پوشیدن به عنوان استعاره و الزام برای زندگی مسیحی است (یعنی کولسیان ۳: ۸ و ۱۰، افسسیان ۴: ۲۲ و ۲۴ و ۲۵). حتی ممکن است که این یک اصطلاح مربوط به ادبیات تعمیدی باشد (مراجعه شود به غلاطیان ۳: ۲۷). این متن با "در آوردن" (کولسیان ۳: ۸ الی ۱۰) شروع شده و همسو با غلاطیان ۵: ۱۹ الی ۲۱ ("اعمال گوشت") و ۵: ۲۲ الی ۲۵ ("ثمر

روح") است. حیات جاویدان مشخصه های قابل مشاهده دارد.

NASB	"قلبی از محبت"
NKJV	"رحمت لطیف"
NRSV, TEV	"شفقت"
NJB	"دلسوزی قلبی"

این به مفهوم "دل غمخوار" است (مراجعه شود به دوم قرنتیان ۶: ۱۲، فیلیپیان ۱: ۸، ۲: ۱، فیلمون ۷ و ۱۲ و ۲۰). قدما معتقد بودند که جایگاه احساسات در بخش پائینی (شکم) قرار دارد.

■ "مهربانی" این باید پاسخ مسیحیان به دیگران باشد (مراجعه شود به رومیان ۲: ۴، ۹: ۲۳، ۱۱: ۲۲، دوم قرنتیان ۶: ۶، غلاطیان ۵: ۲۲، افسسیان ۴: ۳۲، کولسیان ۳: ۱۲، تیتوس ۳: ۴).

■ "فروتنی" این یک تقوای منحصر به فرد مسیحی است (مراجعه شود به افسسیان ۴: ۲، فیلیپیان ۳: ۳). رواقیون فروتنی (تواضع) را به عنوان ضعف میدیدند و آن را در فهرست تقواها نمی آوردند. فقط دو نفر در انجیل متواضع و فروتن خطاب شده اند، موسی (مراجعه شود به اعداد ۱۲: ۳) و عیسی (مراجعه شود به انجیل متی ۱۱: ۲۹، فیلیپیان ۲: ۸). این مشخصه اراده خدا است برای هر مومنی است (مراجعه شود به انجیل متی ۱۸: ۴، ۲۳: ۱۲، یعقوب ۴: ۶ و ۱۰، اول پطرس ۵: ۵ و ۶). این اصطلاح به صورت منفی در کولسیان ۲: ۱۸ و ۲۳ استفاده شده است.

■ "ملایمت" این اساسا به حیوانات اهلی شده (اسبها، شترها، الاغها) اشاره دارد که قدرت آنها برای اهداف صاحبانشان کانالیزه شده است. خدا نمیخواهد ما را خرد کند، بلکه نعمات و برکاتش را در مسیر جلالش هدایت میکند. پولس اغلب از این استعاره برای زندگی مسیحی استفاده میکند (مراجعه شود به اول قرنتیان ۴: ۲۱، دوم قرنتیان ۱۰: ۱، غلاطیان ۵: ۲۳، ۶: ۱، افسسیان ۴: ۲، کولسیان ۳: ۱۲، اول تیموتائوس ۶: ۱۱، دوم تیموتائوس ۲: ۲۵).

■ "صبر" این اصطلاح اغلب در مورد صبوری خدا با مردم (مراجعه شود به رومیان ۲: ۴، ۹: ۲۲، تیتوس ۳: ۲، اول پطرس ۳: ۲۰) یا صبوری عیسی (مراجعه شود به اول تیموتائوس ۱: ۱۶، دوم پطرس ۳: ۱۵) استفاده میشود. این اصطلاح برای نصیحت کردن مؤمنان در برخورد با یکدیگر استفاده می شود (مراجعه شود به اول قرنتیان ۱۳: ۴، غلاطیان ۵: ۲۲، افسسیان ۴: ۲، دوم تیموتائوس ۴: ۲).

۱۲:۳

NASB, NKJV	"بردبار باشید"
NRSV, NJB	"با یکدیگر بردبار باشید"
TEV	"با یکدیگر مدارا کنید"

این وجه وصفی حال میانی است (به صورت امری استفاده شده است)، که دلالت بر رفتار داوطلبانه و بدون انتقام دارد (مراجعه شود به افسسیان ۴: ۲، فیلیپیان ۲: ۳ الی ۴).

■ "یکدیگر را ببخشاید" این وجه وصفی حال میانی (دپوننت) است. از همان ریشه یونانی به عنوان فضل، "آزادانه ببخشید" است. یکی از نشانه‌هایی که مؤمن بخشیده می شود این است که دیگران را ببخشد (متی ۵: ۷، ۶: ۱۵، ۱۸: ۲۲-۳۵؛ مرقس ۱۱: ۲۵؛ لوقا ۶: ۳۶-۳۸؛ افسسیان ۴: ۳۲؛ یعقوب ۲: ۱۳؛ ۵: ۹). بخشش از دیگران پایه آموزش نیست، بلکه ثمره آن است.

■ "چنانچه کسی نسبت به دیگری کدورتی دارد" این عبارت جمله شرطی نوع سوم بوده، که به مفهوم احتمال وقوع عملی در زمان آینده است. کدورت و گله‌هایی وجود خواهند داشت. مسیحیان با مسیحیان دیگر مقابله خواهند کرد، اما صلیب عیسی باید آنها را متوقف کند (مراجعه شود به رومیان ۱۴: ۱ الی ۱۵: ۱۳).

■ "چنانکه خداوند شما را بخشود" این پایه ای برای کارهای مومنین نسبت به دیگران است (مراجعه شود به افسسیان ۴: ۳۲، رومیان ۱۵: ۷).

تنوعی میان نسخ دستنویس یونانی بین "لرد/سرور"، "مسیح"، "خدا"، و "خدا در مسیح" وجود دارد. "لرد/سرور" در نسخ دستنویس یونان باستان P⁴⁶، A، B، D* یافت می شود و احتمالا اصل است.

۱۴:۳ "محبت را در بر کنید که همه چیز را به هم می پیوندند و شما را کامل می گردانند" محبت که منتهی به یکپارچگی میشود، نشان مسیحیت است (مراجعه شود به افسسیان ۴: ۲ الی ۳، اول قرنتیان ۱۳، غلاطیان ۵: ۲۲).

۱۵:۳ "صلح مسیح" (در نسخه انگلیسی این عبارت "بگذارید صلح مسیح بر دلهایتان حاکم باشد" خوانده میشود-مترجم) این اصطلاح اساسا به معنای

"پیوند با آنچه که شکسته شده بود" است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۴: ۲۷؛ ۱۶: ۳۳؛ فیلمون ۴: ۷). عهد جدید به سه شیوه از صلح صحبت می‌کند:

۱. به صورت عینی (آموزه‌ای) صلح ما با خداوند از طریق مسیح (مراجعه شود به کولسیان ۱: ۲۰)
 ۲. به عنوان ذهنی (تجربی) بودن با خدا (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۴: ۲۷؛ ۱۶: ۳۳؛ فیلمون ۴: ۷)
 ۳. آنطور که خداوند یهودیان و غیر یهودیان را به عنوان یک ملت از طریق مسیح به یکدیگر پیوند میدهد (یک کالبد) که این راز خدا است (مراجعه شود به افسسیان ۲: ۱۴ الی ۱۷، کولسیان ۳: ۱۵)
- موضوع خاص: صلح در کولسیان ۱: ۲۰ را مطالعه کنید.

■ **"حکمرما باشد"** این زمان حال فعال امری است. برخلاف معلمان دروغین که به عنوان داور در کولسیان ۲: ۱۸ عمل می‌کنند، مسیح تنها قاضی، راهنما و داور ما است.

■ **"دل.... دلها"** به موضوع خاص: قلب/دل در کولسیان ۲: ۲ مراجعه کنید.

■ **"فرا خوانده شده‌اید"** خدا همیشه در فراخواندن و انتخاب مومنین و صدا کردن به سوی خود پیش قدم است (مراجعه شود به کولسیان ۳: ۱۲، انجیل یوحنا ۶: ۴۴ و ۶۵، افسسیان ۱: ۴ الی ۵: ۱۱). اصطلاح فرا خواندن (*kaleō*) در مفهوم الهیاتی چندین بار استفاده شده است.

۱. گناهکاران توسط خدا از طریق مسیح برای آموزش فرا خوانده شدند.
۲. گناهکاران فرا خوانده میشوند تا به نام خدا نجات یابند (مراجعه شود به رومیان ۱۰: ۹ الی ۱۳)
۳. مومنین فرا خوانده میشوند تا همانند مسیح زندگی کنند (مراجعه شود به افسسیان ۴: ۱)
۴. مومنین فرا خوانده میشوند تا به امر بشارت بپردازند (مراجعه شود به اول قرنتیان ۱۲: ۴ الی ۷)

موضوع خاص در افسسیان ۴: ۱ را مطالعه کنید.

■ **"یک بدن"** این از وحدت علیرغم تنوع سخن می‌گوید (مراجعه شود به کولسیان ۱: ۱۸ و ۲۴، افسسیان ۴: ۴-۶)! توجه کنید که تاکید بر انتخاب شخصی نیست، بلکه انتخاب گروهی است. رستگاری گروهی است نه فقط فردی. در واکنش به سوء استفاده از قدرت در کلیسای روم، اصلاح طلبان پروتستان بر حقوق و مسئولیت های فردی در برابر خدا تاکید کردند. با این حال، فرمول آنها تبدیل به یک سوء تعبیر در کتاب مقدس شد. کتاب مقدس "کشیش بودن مؤمن" را تعلیم نمیدهد، بلکه "کشیش بودن مؤمنان" را تعلیم میدهد. این دکترینی نیست که بر آزادی فرد تأکید داشته باشد، بلکه (۱) مسئولیت فردی در زندگی هر یک از مؤمنان (مراجعه شود به اول قرنتیان ۱۲: ۷) و (۲) بشارت بزرگ مسیحیت (انجیل متی ۲۸: ۱۸-۲۰؛ انجیل لوقا ۲۴: ۴۶-۴۷؛ اعمال رسولان ۱: ۸) تاکید دارد.

■ **"شکرگزار باشید"** این زمان حال فعال امری است، "همیشه شکرگزار باشید". شکرگزاری نشان از بلوغ مسیحی، از زندگی پر شده از روح است (مراجعه شود به کولسیان ۳: ۱۷، افسسیان ۵: ۲۰، اول تسالونیکیان ۵: ۱۸). این یک تسلیم جبری (اسلام) نیست، بلکه یک جهانبینی انجیلی است که خدا با ما و برای ما است حتی در میان مشکلات و سختیهای این جهان سقوط کرده و گمراه!

۳: ۱۶ "کلام مسیح به دولتمندی در شما ساکن شود" (در نسخه انگلیسی انجیل، این عبارت "بگذارید کلام مسیح به غنا در شما ساکن شود" *Let the word of Christ richly dwell within you* نوشته شده است-مترجم) این زمان حال فعال امری دوم شخص جمع است. "کلام مسیح" میتواند اشاره به (۱) انجیل، (۲) حضور فردی او، یا (۳) روح القدس، داشته باشد. توجه کنید که این ساکن شدن خودکار نیست (و نه فردی یا گروهی). مومنین باید همانند رستگاری و آموزش در این امر نیز همانند مثل مسیح زندگی کردن، با یکدیگر همکاری کنند.

یک اختلاف دیگر میان نسخ دستنویس یونانی وجود دارد که مشابه آن است که در کولسیان ۳: ۱۳ و ۱۵ دیده میشود. کاتبین گرایش به این داشتند که گفته‌های پولس را یکسان کنند. عبارت "کلام مسیح" عبارت منحصر به فردی است که فقط در اینجا در عهد جدید یافت میشود. بنابراین به "کلام خدا" (MSS A و C*) یا "کلام سرورمان" (MSS ۴*) تغییر داده شد. تا کنون بهترین نسخ دستنویس یونانی P^{46} ، B^2 ، C^2 ، D ، F ، G و در قدیمی ترین ترجمه "کلام مسیح" یافت میشود.

خطوط برجسته افسسیان و کولسیان بسیار شبیه هستند. همسو با این آیه در افسسیان ۵: ۱۸ است! زندگی پر از روح در همه جا، به خصوص در روابط بین فردی است.

در خصوص حرف اضافه یونانی "در" (*en*) ابهامی در این آیه وجود دارد. میتواند به "میان" هم ترجمه شود. "در" تمرکز فردی دارد در حالیکه "میان" مفهوم گروهی دارد (مراجعه شود به کولسیان ۱: ۲۷).

■ **"با کمال حکمت"** این یک بازی با تاکید بیش از معلمین دروغین بر دانش انسانی است. کلام مسیح (زندگی پر شده با روح) خرد واقعی است. خرد یک فرد

(مراجعه شود به امثال ۸: ۲۲ الی ۳۱) و یک شیوه زندگی است، نه حقیقتی ایزوله شده یا یک اعتقاد.

■ "با مزامیر" NKJV و NASB میگویند "تعلیم و آموزش با موسیقی" ولی NRSV و NJB میگویند "تعلیم با موسیقی در دل". TEV میگوید عبارت خدا با موسیقی.

بحث‌های مدرن در مورد ترجیح موسیقی در عبادت می‌تواند بر اساس این آیه (و افسسیان ۵: ۱۹) که چندین نوع از موسیقی ذکر شده است: (۱) مزامیر؛ (۲) سروده‌ها؛ و (۳) ترانه‌های روحانی. اگر چه ما نمی‌توانیم تمام انواع آن را شناسایی کنیم، واضح است که کلیسای اولیه از چندین شکل مختلف موسیقی استفاده می‌کرد. کلید قلب پرستنده است نه شکل موسیقی (به عبارتی کولسیان ۳: ۱۷).

۳: ۱۶ الی ۱۷ یک همسوی الهیاتی و ساختاری بین افسسیان ۵: ۱۸-۲۱ و کولسیان ۳: ۱۶-۱۷ وجود دارد. در افسسیان، زمان حال مجهول امری وجود دارد، "همیشه پر شده"، در حالی که در کولسیان حال فعال امری وجود دارد، "بگذارید کلام مسیح در شما ساکن شود" همچنین در افسسیان، فعل امری با پنج وجه وصفی که زندگی پر شده با روح را توصیف میکنند، ادامه پیدا میکند.

- ۱) کولسیان ۳: ۱۹، با سرودها، نواها و ترانه‌های روحانی با یکدیگر صحبت کنید (حال فعال)
- ۲) کولسیان ۳: ۱۹، خواندن (حال فعال)
- ۳) کولسیان ۳: ۱۹، نوا ساختن (حال فعال)
- ۴) کولسیان ۳: ۲۰، همیشه شکر گزار باشید (حال فعال)
- ۵) کولسیان ۳: ۲۱، یکدیگر را نصیحت کنید (حال میانی)

در کولسیان برخی از همین وجوه وصفی هم تکرار میشوند

- ۱) کولسیان ۳: ۱۶، تعلیم دادن (حال فعال)
- ۲) کولسیان ۳: ۱۶، با مزامیر، سرودها و نغمه‌هایی که از روح است، با کمال حکمت یکدیگر را پند دهید (حال فعال)
- ۳) کولسیان ۳: ۱۶، آواز خواندن (حال فعال)
- ۴) کولسیان ۳: ۱۷، شکر گزاری کردن، (حال فعال)

۳: ۱۷ "هر آنچه کنید، چه در گفتار و چه در کردار" این یک حقیقت روحانی اصلی است. مومنین باید انگیزه‌ها و اعمالشان برای خدا را از طریق مسیح انجام دهند. تمامی جنبه‌های زندگی ما "از طریق سرورمان" است. مومنین برای خودشان زندگی نمیکنند (مراجعه شود به کولسیان ۳: ۲۳، رومیان ۱۴: ۷ الی ۹، اول قرنتیان ۱۰: ۳۱، دوم قرنتیان ۵: ۱۵، افسسیان ۶: ۷، اول پطرس ۴: ۱۱). این حقیقت میتواند در کلیسای مدرن، غربی و متمرکز بر فرد انقلابی ایجاد کند.

NASB (به روز شده): کولسیان ۳: ۱۸ الی ۲۱

^{۱۸} ای زنان، تسلیم شوهران خود باشید، چنانکه در خداوند شایسته است. ^{۱۹} ای شوهران، زنان خود را محبت کنید و به آنان تندی روا مدارید. ^{۲۰} ای فرزندان، والدین خود را در هر امری اطاعت کنید، زیرا این خداوند را خشنود می‌سازد. ^{۲۱} ای پدران، فرزندان خویش را تلخکام مسازید، مبادا دلسرد شوند.

۳: ۱۸ "ای زنان، تسلیم شوهران خود باشید" این حال میانی امری است. وقتی که کلام مسیح (یعنی زندگی لبریز شده با روح القدس، مراجعه شود به افسسیان ۵: ۱۸) در مومن ساکن میشود، بر تمامی زمینه‌ها و جنبه‌های زندگی او تاثیر میگذارد. همسوها عبارتند از افسسیان ۵: ۲۱ الی ۲۲، تیتوس ۲: ۵، اول پطرس ۳: ۱ میباشند، ولی به خاطر داشته باشید که کولسیان اول نوشته شده است. افسسیان اصول کلی اطاعت را برای تمامی مومنین در افسسیان ۵: ۲۱ بیان میدارد (وجه وصفی حال میانی) و از خانه مسیحی به عنوان یک الگوی سه طرفه از اینکه زندگی "لبریز شده با روح" چگونه در زندگی روزمره تاثیر میگذارد، استفاده میکند: (۱) شوهران و زنان، ۵: ۲۲ الی ۳۱، (۲) والدین - کودکان، ۶: ۱ الی ۴، و (۳) اربابها و بردگان، ۶: ۵ الی ۹. این بحث به نظر میرسد امروز برای ما حالت منفی داشته باشد، ولی در روزگار خودش ضربه مثبتی بود. سه گروهی که دارای کنترل کامل فرهنگی بودند (شوهران، والدین و اربابهای بردگان) همانند آنهایی که، بدون قدرت یا حقوق شهروندی (همسران، فرزندان و بردگان) بودند، مورد مواخذه قرار می‌گرفتند. این وظیفه خودخواهانه نمونه‌ای از تغییر شرایط انسان گمراه و سقوط کرده است. مسیح چه تفاوتی ایجاد کرد؟ موضوع خاص: اطاعت (*hypotassō*) در افسسیان ۵: ۲۱ را مطالعه کنید.

۳: ۱۸ الی ۱۹ در این متن و همسوهایش، اطاعت میان زوج ازدواج کرده، و نه زن و مرد در کل است. اصل رهبری مردان در کتاب مقدس در پیدایش ۳ به بعد بیان شده است. با این حال، در راس بودن مردان مسیحی با از خود گذشتگی و فداکاری کردن (حال فعال امری) و عشق به مسیح مشخص شده و به آن امر شده است (مراجعه شود به افسسیان ۵: ۲۵، ۲۸ الی ۲۹). رهبری در عهد جدید خدمتگزاری (مراجعه شود به انجیل متی ۲۰: ۲۵ الی ۲۷، ۲۳: ۱۱)

است و مسیح الگوی آن میباشد.

در روزگار ما "تسلیم" یک واژه منفی و جنسیتی است. در اصل، یک اصطلاح نظامی بود که به اطاعت مبتنی بر زنجیره فرمان و سلسله مراتب وابسته بود. در عهد جدید، با این حال، اغلب توسط نگرش عیسی نسبت به پدر و مادر زمینی او (مراجعه شود به انجیل لوقا ۲: ۵۱) و پدر آسمانی او (مراجعه شود به اول قرنتیان ۱۵: ۲۸) استفاده می‌شود. پولس این اصطلاح را دوست داشت و از آن ۲۳ مرتبه استفاده کرد. افسسیان ۵: ۲۱ نشان می‌دهد این یک اصل معنوی جهانی است که به زندگی پر از روح مرتبط است. اطاعت بر علیه فرهنگی، غربی و منحصر به فرد متمرکز شده است. خودخواهی بسیار ریشه دار است (مراجعه شود به رومیان ۱۲: ۱۰، غلاطیان ۵: ۱۳، فیلمون ۲: ۳؛ اول یوحنا ۴: ۱۱). موضوع ویژه: اطاعت در افسسیان ۵: ۲۱ را مطالعه کنید.

■ **"چنانکه در خداوند شایسته است"** همسوی آن در افسسیان "به عنوان خداوند" است. TEV اصطلاح را به عنوان "برای آنچه که شما باید به عنوان مسیحیان انجام دهید" ترجمه می‌کند (مراجعه شود به کولسیان ۳: ۲۰). مؤمنان باید با دیگران با عشق و محبت رفتار کنند؛ زیرا آنها مسیحی هستند (مراجعه شود به کولسیان ۳: ۲۳-۲۴). روح به انسان سقوط کرده اجازه میدهد تا خود محوری خود را به سوی دیگران متمرکز کند، همانطور که عیسی انجام داد (مراجعه شود به دوم قرنتیان ۵: ۱۴ الی ۱۵، اول یوحنا ۳: ۱۶).

۱۹:۳

NASB	"و در برابر آنها تلخ نشو"
NKJV	"و به آنها تردید نکن"
NRSV	"و هرگز با آنها رفتار بد نکن"
TEV	"و با آنها سختگیر نباش"
NJB	"و با آنها تند نباش"

این یک زمان حال میانی امری با وجه وصفی منفی است که معمولاً به معنی متوقف ساختن عمل در حال انجام است. "شما، خودتان، دیگر تلخ نباشید". در افسسیان ۵ هیچ همسوی مستقیمی با این عبارت وجود ندارد، اما کولسیان ۳: ۲۸-۲۹ همان حقیقت را به مفهوم مثبت بیان می‌کند. در متن کتاب مقدس "یک گوشت" (مراجعه شود به پیدایش ۲)، ازدواج‌هایی که در آن شوهران با عشق با همسر خود رفتار می‌کنند، خود را برکت می‌دهند و برعکس. دوست داشتن یک همسر، به یک معنا، دوست داشتن خودش است. در خانه مسیحی، عشق ما به خانواده عشق ما را به خدا نشان می‌دهد و این شهادت قدرتمندی است برای جهان گمراه و آسیب دیده و سردرگم.

۳: ۲۰ "ای فرزندان، والدین خود را ... اطاعت کنید" این حال فعال امری است "تداوم در مطیع بودن". در افسسیان ۶: ۱ الی ۴، این ماموریت در ارتباط با خروج ۲۰: ۱۲ و تثبیه ۵: ۱۶ بسط می‌یابد. "افتخار پدر و مادرت باش" در این زمینه، "زیرا این است که خداوند را خشنود میسازد"، فرمان را به فرزندان مسیحی مرتبط می‌کند.

توجه داشته باشید که به فرزندان دستور داده میشود که مطیع باشند، اما به همسران فرمان داده میشود که اطاعت کنند. در هر دو مورد، خانواده‌های مسیحی مورد خطاب قرار گرفته‌اند. یک سوال است که سازگار ساختن آن روز و روزگار با امروز دشوار است. "چند ساله بچه تلقی میشوند؟" در فرهنگ یهودی یک پسر سیزده ساله مسئول قانون بود و در این سن ازدواج میکرد، یک دختر در دوازده سالگی. در فرهنگ رومی، یک پسر در سن چهارده ساله در فرهنگ یونانی در سن هجده سالگی مسئول بود.

۳: ۲۱ "ای پدران، فرزندان خویش را تلخکام مسازید" این حال فعال امری با وجه نفی است که به معنی متوقف ساختن عمل در حال انجام میباشد، "تلخکام نساختن فرزندان". مسئولیت مشخص است (مراجعه شود به افسسیان ۶: ۴).

همیشه موانع نسلی وجود داشتند. مسیحیان (هم والدین و هم کودکان) باید با شیوه‌های متفاوت به تعهد نهایی خود نسبت به مسیح رفتار کنند. بحث پولس در روابط مناسب در منزل، کاملاً متفاوت از هنجار فرهنگی او بود. پولس به طور مستقیم به شخص با اقتدار رسیدگی می‌کرد و با حرمت و عشق مسیحی (مثل فلیمون) آنها را تحسین می‌کرد. مومنین خدمتگزاران به خداوند هستند، نه مالکان! چگونه ما با یکدیگر رفتار می‌کنیم به معنای نشان دادن عصر جدید به دنیای گمراه و سقوط کرده است.

NASB (به روز شده): کولسیان ۳: ۲۲ الی ۴: ۱

^{۲۲} ای غلامان، اربابان زمینی خویش را در هر امری اطاعت کنید، نه فقط آنگاه که مراقب شما هستند و یا برای جلب توجه‌شان، بلکه با اخلاص قلبی و به احترام خداوند مطیع باشید. ^{۲۳} هر کاری را از جان و دل چنان انجام دهید که گویی برای خداوند کار می‌کنید، نه برای انسان، ^{۲۴} زیرا می‌دانید پادشاهان میراثی است که از خداوند خواهید یافت، چرا که در حقیقت خداوند مسیح را خدمت می‌کنید. ^{۲۵} هر کس بدی کند، سزای عمل بد خویش را خواهد دید و تبعیضی در کار نیست.

۱ ای اربابان، با غلامان خود به عدل و انصاف رفتار کنید، زیرا می‌دانید که شما را نیز اربابی است در آسمان.

۳: ۲۲ "ای غلامان، اربابان زمینی خویش را در هر امری اطاعت کنید" هیچ وقفه پاراگرافی نباید در کولسیان ۳: ۲۲ نباید صورت گیرد. این یک زمان حال فعال امری است، "اطاعت کردن مستمر و همیشگی". این نمونه سوم از خانه مسیحی است (مراجعه شود به افسسیان ۶: ۵-۹). در روزگار ما ممکن است این امر مربوط به کارمندان و کارفرمایان مسیحی باشد (یعنی در مورد آنان اعمال شود). در افسسیان و احتمالاً همچنین در کولسیان، این اشاره به سرپرستگان نجات یافته و گمراه است.

من شخصا این را باور ندارم "در هر امری" به شر و گناه اشاره دارد (مراجعه شود به اعمال رسولان ۵: ۲۹). این یک بیانیه کلی است که باید اطاعت کرد ولی مجوزی برای مؤمنان جهت شرکت در کارها و اعمالی که در کتاب مقدس نیامیده نیست. این در خصوص همسران نیز درست است (مراجعه شود به کولسیان ۳: ۱۸، افسسیان ۵: ۲۲). موضوع خاص: نصایح پولس به بردگان در افسسیان ۶: ۵ را مطالعه کنید.

■ "اخلاص قلبی" موضوع خاص زیر را مطالعه کنید.

موضوع خاص: بخشنده/صمیمی (*haplotēs*)

(Special Topic: Generous/Sincere (*Haplotēs*))

این اصطلاح (*haplotēs*) دو مفهوم "بخشنده" یا "صمیمی" دارد. این اصطلاح استعاره‌ای در رابطه با بینش است. در عهد عتیق چشم به عنوان استعاره برای انگیزه به دو شیوه استفاده شده است:

۱. چشم شیطان (تنگ چشمی، مراجعه شود به تثنیه ۱۵: ۹ و امثال ۲۳: ۶، ۲۸: ۲۲)
۲. چشم نیک (بخشاینده، مراجعه شود به امثال ۲۲: ۹)

عیسی از این مفهوم استفاده می‌کرد (مراجعه شود به انجیل متی ۶: ۲۲ الی ۲۳، ۲۰: ۱۵)

پولس از این اصطلاح در دو مفهوم استفاده می‌کند:

۱. سادگی، صمیمیت، خلوص (مراجعه شود به دوم قرنتیان ۱: ۱۲، ۱۱: ۳، افسسیان ۶: ۵، کولسیان ۳: ۲۲)
۲. سخاوت (مراجعه شود به رومیان ۱۲: ۸، دوم قرنتیان ۸: ۲، ۹: ۱۱ و ۱۳)

۳: ۲۳ خدمت به خداوند انگیزه همه مسیحیان در تمام فعالیت است (مراجعه شود به کولسیان ۳: ۱۷، افسسیان ۶: ۷، اول قرنتیان ۱۰: ۳۱)! مومنین باید شاهدان روزانه قدرت رستگاری خداوند باشند!

۳: ۲۴ برده‌های جهان باستان حق ارث نداشتند. اما اکنون، در مسیح، آنها این حق را دارند! خداوند می‌خواهد به کسانی که او را دوست دارند، او را عبادت میکنند و به او خدمت میکنند (مراجعه شود به کولسیان ۳: ۲۳؛ افسسیان ۶: ۸) پاداش دهد.

۳: ۲۵ قضاوت الهی بدون خطا است (مراجعه شود به تثنیه ۱۰: ۱۷؛ اعمال رسولان ۱۰: ۳۴؛ رومیان ۲: ۱۱؛ افسسیان ۲: ۹؛ ۶: ۹؛ اول پطرس ۱: ۱۷). این اصل به وضوح در غلاطیان ۶: ۷ بیان شده است. حتی مؤمنان نزد خدا حساب پس می‌دهند، نه برای گناه، بلکه برای خدمتگزاری (مراجعه شود به دوم قرنتیان ۵: ۱۰). گناه در زمان حال و ابدیت عواقب خود را دارد!

۴: ۱ این نشان دهنده مسئولیت متقابل است (مراجعه شود به کولسیان ۳: ۱۹ و ۲۱). بر خلاف افسسیان، این متن با برده داران مسیحی (مراجعه شود به فیلمون) صحبت می‌کند. کتاب مقدس مطالعه NIV (ص ۱۸۱۷) یک نظر جالب اضافه میکند: "دلیل اینکه پولس بیشتر درباره بردگان و اربابان می‌نویسد تا در مورد همسران، شوهر، فرزندان و پدران ممکن است این باشد که Onesimus برده (مراجعه شود به کولسیان ۴: ۹) همراه با تیچیکوس است تا این نامه کولسیان و به فیلمون که ارباب Onesimus، بود و او هم در کولسی زندگی می‌کرد، تحویل داده شود."

از نظر متنی، این آیه باید مربوط به فصل ۳ باشد. این الگوی بومی پولس از زندگی همانند مسیحی را جمع بندی می‌کند. به موضوع ویژه توجه کنید: نصایح پولس به بردگان در افسسیان ۶: ۵ را مطالعه کنید.

سوالات بحث

این یک راهنمای مطالعاتی است، که بدین معنی است که شما خودتان مسئول تفسیر انجیل هستید. هر یک از ما باید در مسیر خودمان گام برداریم. شما، انجیل و روح القدس در اولویت تفسیر هستید. شما نباید این امر را به یک مفسر واگذار کنید.

این سوالات مباحثاتی به منظور کمک به شما در تفکر نسبت به مسائل اصلی این بخش از کتاب مطرح شده اند. آنها صرفاً تفکر برانگیز هستند نه

قطعی.

۱. چگونه ما با مسیح جان دادیم؟ معنی این در زندگی روزمره ما چیست؟
۲. چرا آیات ۱۱ و ۱۷ در ایمان مسیحی بسیار مهم هستند؟
۳. "اطاعت" را تعریف کنید. آیا از پستی صحبت میکنند؟ چرا یا چرا نه؟
۴. چرا خانه مسیحی به عنوان نمونه‌ای از تسلیم متقابل استفاده شده است؟

کولسیان ۴

پاراگراف‌های ترجمه‌های مدرن *

UBS ⁴	NKJV	NRSV	TEV	NJB
نصایح	زیبایی مسیحیان	وظایف مسیحیان (۳: ۱۸ الی ۴: ۶)	راهنماییها	روح رسولان
۴: ۲ الی ۶	۴: ۲ الی ۶	۴: ۲ الی ۴	۴: ۲ الی ۴	۴: ۲ الی ۴
		۴: ۵ الی ۶	۴: ۵ الی ۶	۴: ۵ الی ۶
بدرود	بدرود	خاتمه	بدرود	اخبار فردی
۴: ۷ الی ۹	۴: ۷ الی ۱۵	۴: ۷ الی ۹	۴: ۷ الی ۹	۴: ۷ الی ۹
				بدرود و آخرین آرزوها
۴: ۱۰ الی ۲۷		۴: ۱۰ الی ۱۷	۴: ۱۰ الی ۱۱	۴: ۱۰ الی ۱۴
			۴: ۱۲ الی ۱۴	
	آخرین نصایح و دعای برکت ۴: ۱۶ الی ۱۸		۴: ۱۵ الی ۱۷	۴: ۱۵ الی ۱۷
۴: ۱۸		۴: ۱۸	۴: ۱۸ الف	۴: ۱۸
			۴: ۱۸ ب	

مطالعه حلقه سوم (رجوع کنید به "سمینار تفسیر کتاب مقدس")

به دنبال نیت اصلی نویسنده در سطوح پاراگراف

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور خود راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید.

کل کتاب مقدس را در یک نشست بخوانید. موضوعات را مشخص نمایید (مطالعه حلقه شماره ۳). تقسیمات موضوعی خود را با پنج ترجمه بالا مقایسه کنید. پاراگراف‌بندی به نویسنده الهام نشده است، اما کلید پیگیری اهداف اصلی نویسنده است که قلب تفسیر است. هر پاراگراف تنها و تنها یک موضوع دارد.

۱. پاراگراف اول

۲. پاراگراف دوم

۳. پاراگراف سوم و غیره

۴. و غیره

مطالعه عبارت و کلام

NASB (به روز شده): کولسیان ۴: ۲ الی ۴

با هوشیاری و شکرگزاری، خود را وقف دعا کنید.^۳ و برای ما نیز دعا کنید، تا خدا دری به روی پیام ما بگشاید تا بتوانیم راز مسیح را بیان کنیم، رازی که به خاطر آن به زنجیر کشیده شده‌ام.^۴ دعا کنید که بتوانم آن را به روشنی بیان کنم، چنانکه شایسته است.

"خود را وقف دعا کنید"	NASB, NRSV
"با جدیت به نماز ادامه دهید"	NKJV
"در دعا ماندگار باش"	TEV
"در نماز خود پایبند باشید"	NJB

این زمان حال فعال امری است، "تداوم به وقف خود به نماز". عبادت اختیاری نیست. عبادت برای زندگی مسیحی و خدمت رسانی مسیحی بسیار مهم است (مراجعه شود به افسسیان ۶: ۱۸-۱۹؛ رومیان ۱۲: ۲؛ فیلمون ۴: ۶؛ اول تسالونیکیان ۵: ۱۷). اگر عیسی، خدایی باشد که دوباره متولد شده، و با عبادت عمومی و خصوصی مشخص شده باشد، مؤمنان چقدر برای انجیل، برای خود و برای یکدیگر باید دعا کنند. موضوع خاص: نماز موثر در افسسیان ۶: ۱۹ را مطالعه کنید.

"هشیار بودن"	NASB, NRSV, TEV
"هوشیار بودن"	NKJV
"بیدار ماندن"	NJB

این وجه وصفی حال فعال است که به صورت زمان امری عمل میکند. نماز به برنامه ریزی، استقامت و هوشیاری نیاز دارد. این باید به شیوه زندگی تبدیل شود، نه یک رویداد.

■ "شکرگزاری" به سه جنبه نماز در کولسیان ۴: ۲ توجه کنید. همچنین، به یاد داشته باشید پولس زندانی است، اما این نامه بر "شکرگزاری" تأکید دارد (مراجعه شود به کولسیان ۱: ۳، ۱۲: ۲؛ ۷: ۳؛ ۱۵-۱۷: ۴؛ ۲). حقیقت انجیلی (جهان بینی) اساساً تغییر چشم انداز زندگی (مراجعه شود به رومیان ۸: ۳۱ الی ۳۹) است. شکرگزاری یک ویژگی زندگی پر شده توسط روح القدس است (مراجعه شود به افسسیان ۵: ۲۰؛ اول تسالونیکیان ۵: ۱۸).

موضوع خاص: شکرگزاری (Special Topic: Thanksgiving)

I. مقدمه

A. این نگرش مناسب مؤمنان نسبت به خداست

۱. ستایش ما از خدا از طریق مسیح است

a. دوم قرن تیان ۲: ۱۴

b. دوم قرن تیان ۹: ۱۵

c. کولسیان ۳: ۱۷

۲. این انگیزه مناسب برای بشارت است، اول قرن تیان ۱: ۴

۳. این موضوع همیشگی بهشت است

a. مکاشفه ۴: ۹

b. مکاشفه ۷: ۱۲

c. مکاشفه ۱۱: ۱۷

۴. این موضوع همیشگی مومنین است

a. کولسیان ۲: ۷

b. کولسیان ۳: ۱۷

c. کولسیان ۴: ۲

II. مفاد انجیلی

A. عهد عتیق

۱. دو کلمه اصلی

a. *yadah* (BDB 392, KB 398)، که یعنی ستایش

b. *todah* (BDB 392, KB 1695) که یعنی شکرگزاری. معمولاً در مورد قربانیهای تقدیمی استفاده میشد (مراجعه

شود به دوم تواریخ ۲۹: ۳۱، ۳۳: ۱۶)

۲. داوود لایبان خاصی را برای ستایش و تشکر خداوند منسوب کرد. این کار توسط سلیمان، حزقیال و نحمیا ادامه یافت.

a. اول تواریخ ۱۶: ۴ و ۷ و ۴۱

b. اول تواریخ ۲۳: ۳۰

c. اول تواریخ ۲۵: ۳

d. دوم تواریخ ۵: ۱۳

e. دوم تواریخ ۷: ۶

f. دوم تواریخ ۳۱: ۲

g. نحمیا ۱۱: ۱۲

h. نحمیا ۱۲: ۲۴ و ۲۷ و ۳۱ و ۳۸ و ۴۶

۳. کتاب سرود مزامیر جمع آوری ستایش و قدردانی از اسرائیل است

a. شکرگزاری از یهوه برای وفاداری وی به پیمان

(۱) مزامیر ۱۰۷: ۸

(۲) مزامیر ۱۰۳: ۱ به بعد

(۳) مزامیر ۱۳۸: ۲

b. شکرگزاری بخشی از مراسم معبد بود

(۱) مزامیر ۹۵: ۲

(۲) مزامیر ۱۰۰: ۴

c. شکرگزاری با قربانی همراه بود

(۱) مزامیر ۲۶: ۷

(۲) مزامیر ۱۲۲: ۴

d. شکرگزاری به خاطر کارهای یهوه

(۱) رهایی از دشمنان

(a) مزامیر ۷: ۱۷

(b) مزامیر ۱۸: ۴۹

(c) مزامیر ۲۸: ۷

(d) مزامیر ۳۵: ۱۸

(e) مزامیر ۴۴: ۸

(f) مزامیر ۵۴: ۶

(g) مزامیر ۷۹: ۱۳

(h) مزامیر ۱۱۸: ۱ و ۲۱ و ۲۹

(i) مزامیر ۱۳۸: ۱

(۲) رهایی از زندان (استعاره)، مزامیر ۱۴۲: ۷

(۳) رهایی از مرگ

(a) مزامیر ۳۰: ۴ و ۱۲

(b) مزامیر ۸۶: ۱۲ الی ۱۳

(c) اشعیا ۳۸: ۱۸ الی ۱۹

(۴) اوستمکاران را از بین برد و پارسایان را تمجید کرد

(a) مزامیر ۵۲: ۹

(b) مزامیر ۷۵: ۱

(c) مزامیر ۹۲: ۱

(d) مزامیر ۱۴۰: ۱۳

(۵) او می آمرزد

- (a) مزامیر ۳۰: ۴
- (b) اشعیا ۱۲: ۱
- (۶) او مردمانش را تامین میکند
- (a) مزامیر ۱۰۶: ۱ به بعد
- (b) مزامیر ۱۱۱: ۱
- (c) مزامیر ۱۳۶: ۱ و ۲۶
- (d) مزامیر ۱۴۵: ۱۰
- (e) ارمیا ۳۳: ۱۱

B. عهد جدید

۱. کلمه اصلی که برای تشکر و شکرگزاری استفاده شده (برخی منابع)
 - a. *eucharisteō* (مراجعه شود به اول قرن‌تین ۱: ۴ و ۱۰، ۳۰: ۱۱، ۲۴: ۱۴ و ۱۷ و ۱۸، کولسیان ۱: ۳ و ۱۲، ۳: ۱۷)
 - b. *eucharistos* (مراجعه شود به کولسیان ۳: ۱۵)
 - c. *eucharistia* (مراجعه شود به اول قرن‌تین ۱۴: ۱۶، دوم قرن‌تین ۴: ۱۵، ۹: ۱۱ و ۱۲، کولسیان ۲: ۷، ۴: ۹)
 - d. *charis* (مراجعه شود به اول قرن‌تین ۱۵: ۵۷، دوم قرن‌تین ۲: ۱۴، ۸: ۱۶، ۹: ۱۵، اول پطرس ۲: ۱۹)

۲. مثال عیسی

- a. برای خوراک شکرگزار بود
 - (۱) انجیل لوقا ۲۲: ۱۷ و ۱۹ (اول قرن‌تین ۱۱: ۲۴)
 - (۲) انجیل یوحنا ۶: ۱۱ و ۲۳
- b. برای دعا‌های پاسخ داده شده شکرگزار بود، انجیل یوحنا ۱۱: ۴۱

۳. سایر مثال‌های شکرگزار بودن

- a. به خاطر نعمت مسیح از سوی خدا، دوم قرن‌تین ۹: ۱۵
- b. به خاطر خوراک
 - (۱) اعمال رسولان ۲۷: ۳۵
 - (۲) رومیان ۱۴: ۶
 - (۳) اول قرن‌تین ۱۰: ۳۰، ۱۱: ۲۴
 - (۴) اول تیموتائوس ۴: ۳ الی ۴
- c. به خاطر شفا، انجیل لوقا ۱۷: ۱۶
- d. به خاطر صلح و آرامش، اعمال رسولان ۲۴: ۲ الی ۳
- e. به خاطر رهایی از خطر
 - (۱) اعمال رسولان ۲۷: ۳۵
 - (۲) اعمال رسولان ۲۸: ۱۵
- f. به خاطر تمامی شرایط، فیلیپیان ۴: ۶
- g. برای تمامی انسانها به خصوص رهبران، اول تیموتائوس ۲: ۱ الی ۲

۴. سایر جنبه‌های شکرگزار بودن

- a. اراده خدا برای تمامی مومنین است، اول تسالونیکیان ۵: ۱۸
- b. شاهد و سندی بر زندگی پر شده توسط روح القدس است، افسسیان ۵: ۲۰
- c. نادیده گرفتن آن گناه است
 - (۱) انجیل لوقا ۱۷: ۱۶ الی ۱۷
 - (۲) رومیان ۱: ۲۱
- d. پادزهری برای گناه است، افسسیان ۵: ۴

۵. شکرگزار بودن پولس

a. نعمت او برای کلیسا

(۱) برای اعلام انجیل

(a) رومیان ۱: ۸

(b) کولسیان ۱: ۳ الی ۴

(c) افسسیان ۱: ۱۵ الی ۱۶

(d) اول تسالونیکیان ۱: ۲

(۲) برای بخشش فضل

(a) اول قرنتیان ۱: ۴

(b) دوم قرنتیان ۱: ۱۱، ۴: ۱۵

(۳) برای پذیرفتن انجیل، اول تسالونیکیان ۲: ۱۳

(۴) برای همکاری در گسترش و توسعه انجیل، فیلیپیان ۱: ۳ الی ۵

(۵) برای رشد در فیض الهی، دوم تسالونیکیان ۱: ۳

(۶) برای دانش انتخاب، دوم تسالونیکیان ۲: ۱۳

(۷) برای نعمت روحانی، کولسیان ۱: ۱۲، ۳: ۱۵

(۸) برای آزادی در دادن، دوم قرنتیان ۹: ۱۱ الی ۱۲

(۹) برای لذت به خاطر کسانی که تازه ایمان می آورند، اول تسالونیکیان ۳: ۹

b. شکرگزاری فردی او

(۱) به خاطر مومن بودن، کولسیان ۱: ۱۲

(۲) برای رهایی از یوغ گناه، رومیان ۷: ۲۵، دوم قرنتیان ۲: ۱۴

(۳) به خاطر فداکاری برای دیگر مومنین، رومیان ۱۶: ۴، دوم قرنتیان ۸: ۱۶

(۴) برای برخی اعمال که صورت نگرفته اند، اول قرنتیان ۱: ۱۴

(۵) برای نعمت روحانیت فردی، اول قرنتیان ۱۴: ۱۸

(۶) برای رشد روحانیت دوستان، فیلمون ۴ الی ۵

(۷) برای قدرت فیزیکی جهت بشارت، اول تیموتائوس ۱: ۱۲

III. جمع بندی

A. شکرگزاری پاسخ اصلی ما به خدا پس از اینکه نجات یافتیم، است. این مسئله نه تنها در موافقت کلامی، بلکه در مورد شیوه زندگی نیز بیان می شود.

B. شکرگزاری به خاطر همه چیز هدف زندگی بلوغ یافته در حفظ خدا است (مراجعه شود به اول تسالونیکیان ۵: ۱۳ الی ۱۸)

C. شکرگزاری یک موضوع تکراری عهد قدیم و جدید است. آیا برای شما هم هست؟

۴: ۳ "برای ما نیز دعا کنید" پولس به نماز روحانی نیاز دارد. در کولسیان ۴: ۳ و ۴ (مراجعه شود به افسسیان ۶: ۱۹ الی ۲۰)، او برای سه چیز در رابطه با موعظه انجیل دعا میکند:

۱. درب باز برای دعا (مراجعه شود به اعمال رسولان ۱۴: ۲۷، اول قرنتیان ۱۶: ۹، دوم قرنتیان ۲: ۱۲، مکاشفه ۳: ۸)

۲. توانایی برای توضیح راز انجیل

۳. توانایی برای بیان انجیل به وضوح

موضوع خاص: نماز روحانی

(Special Topic: Intercessory Prayer)

I. مقدمه

A. به دلیل سرمشق بودن عیسی، دعا اهمیت دارد

۱. دعای فردی، انجیل متی ۱: ۳۵، انجیل لوقا ۳: ۲۱، ۶: ۱۲، ۹: ۲۹، ۲۲: ۳۱ الی ۴۶

۲. تطهیر معبد، انجیل متی ۲۱: ۱۳، انجیل مرقس ۱۱: ۱۷، انجیل لوقا ۱۹: ۴۶

۳. الگوی دعا، انجیل متی ۶: ۵ الی ۱۳، انجیل لوقا ۱۱: ۲ الی ۴
- B. دعا محسوس کردن اعتقاد فردی و توجه ما است به خدا که حضور دارد و مایل است از طرف و ما و دیگران از طریق دعاهای ما عمل کند.
- C. خدا خود را محدود کرده که فقط بر اساس دعاهای فرزندانش در زمینه‌های مختلف عمل کند (مراجعه شود به یعقوب ۴: ۲)
- D. هدف اصلی دعا دوستی ما و صرف وقت با تثلیث خدا است
- E. محدوده دعا هر کسی یا هر چیزی است که مورد توجه مومن است. می‌توانیم یک بار دعا کنیم و می‌توانیم بر اساس آنچه در فکر و مورد توجه ما است، بارها و بارها دعا کنیم.
- F. دعا می‌تواند شامل عناصر مختلفی باشد
۱. تشکر و تمجید تثلیث
 ۲. شکرگزاری خدا برای حضورش، دوستی‌اش، و مقرراتش
 ۳. اعتراف به گناهان گذشته و حال
 ۴. درخواست نیازهای احساس شده
 ۵. نماز روحانی که تامین نیازهای دیگران را از خدا می‌خواهیم
- G. نماز روحانی مرموز است. خدا دعاهایی که برای دیگران می‌کنیم را بیشتر از دعاهایی که برای خود می‌کنیم دوست دارد. با این حال، دعاهای ما اغلب منجر به تغییر، پاسخ و یا نیاز نه فقط در ما بلکه در آنها که برایشان دعا می‌کنیم نیز می‌شود.

II. انجیل

A. عهد عتیق

۱. برخی مثالها در مورد نماز روحانی
 - a. ابراهیم برای سدوم دعا می‌کند، پیدایش ۱۸: ۲۲
 - b. دعاهای موسی برای اسرائیل
 - (۱) خروج ۵: ۲۲ الی ۲۳
 - (۲) خروج ۳۲: ۹ الی ۱۴، ۳۱ الی ۳۵
 - (۳) خروج ۳۳: ۱۲ الی ۱۶
 - (۴) خروج ۳۴: ۹
 - (۵) تثنیه ۹: ۱۸، ۲۵ الی ۲۹
 - c. دعای سموئیل برای اسرائیل
 - (۱) اول سموئیل ۷: ۵ الی ۶ و ۸ الی ۹
 - (۲) اول سموئیل ۱۲: ۱۶ الی ۲۳
 - (۳) اول سموئیل ۱۶ الی ۱۸
 - d. دعای داوود برای فرزندش، دوم سموئیل ۱۲: ۱۶ الی ۱۸
۲. خدا در جستجوی نمازهای روحانی است، اشعیا ۵۹: ۱۶
۳. گناهان شناخته شده و اعتراف نشده و توبه نشده بر دعاهای ما تاثیر می‌گذارند
 - a. مزمو ۶۶: ۱۸
 - b. امثال ۲۸: ۹
 - c. اشعیا ۵۹: ۱ الی ۲، ۶۴: ۷

B. عهد جدید

۱. بشارت نماز روحانی پسر و روح
 - a. عیسی
 - (۱) رومیان ۸: ۳۴
 - (۲) عبرانیان ۷: ۲۵
 - (۳) اول یوحنا ۲: ۱
 - b. روح القدس، رومیان ۸: ۲۶ الی ۲۷
۲. بشارت نماز روحانی پولس

a. دعا برای یهودیان

(۱) رومیان ۹: ۱

(۲) رومیان ۱۰: ۱

b. دعا برای کلیسا

(۱) رومیان ۹: ۱

(۲) افسسیان ۱: ۱۶

(۳) فیلیپیان ۱: ۳ الی ۴ و ۹

(۴) کولسیان ۱: ۳ و ۹

(۵) اول تسالونیکیان ۱: ۲ الی ۳

(۶) دوم تسالونیکیان ۱: ۱۱

(۷) دوم تیموتائوس ۱: ۳

(۸) فیلمون آیه ۴

c. پولس از کلیسا درخواست میکند که برایش دعا کنند

(۱) رومیان ۱۵: ۳۰

(۲) دوم قرنتیان ۱: ۱۱

(۳) افسسیان ۶: ۱۹

(۴) کولسیان ۴: ۳

(۵) اول تسالونیکیان ۵: ۲۵

(۶) دوم تسالونیکیان ۳: ۱

۳. بشارت نماز روحانی کلیسا

a. دعا برای یکدیگر

(۱) افسسیان ۶: ۱۸

(۲) اول تیموتائوس ۲: ۱

(۳) یعقوب ۵: ۱۶

b. درخواست دعا برای گروهی خاص

(۱) دشمنان ما، انجیل متی ۵: ۴۴

(۲) کارگران مسیحی، عبرانیان ۱۳: ۱۸

(۳) حاکمان، اول تیموتائوس ۲: ۲

(۴) بیماران، یعقوب ۵: ۱۳ الی ۱۶

(۵) دعا برای حمایت و بخشش، اول یوحنا ۵: ۱۶

III. شرایط برای دعاهاى مستجاب شده

A. رابطه ما با مسیح و روح

۱. پایداری در او، انجیل یوحنا ۱۵: ۷

۲. بنام او، انجیل یوحنا ۱۴: ۱۳ و ۱۴، ۱۵: ۱۶، ۱۶: ۲۳ الی ۲۴

۳. در روح، افسسیان ۶: ۱۸، یهودا ۲۰

۴. بر طبق اراده خدا، انجیل متی ۶: ۱۰، اول یوحنا ۳: ۲۲، ۵: ۱۴ الی ۱۵

B. انگیزه‌ها

۱. تردید نداشتن، انجیل متی ۲۱: ۲۲، یعقوب ۱: ۶ الی ۷

۲. فروتنی و توبه، انجیل لوقا ۱۸: ۹ الی ۱۴

۳. درخواست بیمورد، یعقوب ۴: ۳

۴. خودخواهی، یعقوب ۴: ۲ الی ۳

C. سایر جنبه‌ها

۱. استقامت

a. انجیل لوقا ۱۸: ۱ الی ۸

b. کولسیان ۴: ۲

۲. درخواست مستمر

a. انجیل متی ۷: ۷ الی ۸

b. انجیل لوقا ۱۱: ۵ الی ۱۳

c. یعقوب ۱: ۵

۳. اختلاف نظر در خانه، اول پطرس ۳: ۷

۴. نداشتن گناه

a. مزمو ۶۶: ۱۸

b. امثال ۲۸: ۹

c. اشعیا ۵۹: ۱ الی ۲

d. اشعیا ۶۴: ۷

IV. جمع بندی الهیاتی

A. عجب افتخاری. عجب موقعیتی، عجب وظیفه و مسئولیتی

B. عیسی سرمشق ما است. روح راهنمای ما است. پدر مشتاقانه منتظر است.

C. می‌تواند شما، خانواده‌تان و جهان را تغییر دهد.

■ "تا خدا دری به روی پیام ما بگشاید" موضوع خاص زیر را مطالعه کنید.

موضوع خاص: "درب" در عهد جدید

(Special Topic: "Door" In The NT)

عهد عتیق از کلمه "درب" در چندین مفهوم استفاده میکند

۱. مفهومی

a. برای خانه، انجیل متی ۶: ۶، انجیل مرقس ۱: ۳۳، ۲: ۲، ۱۱: ۷، اتاق طبقه بالا، انجیل یوحنا ۲۰: ۱۹ و ۲۶

b. برای معبد، اعمال رسولان ۳: ۲، ۲۱: ۳۰

c. برای زندان، اعمال رسولان ۵: ۱۹ و ۲۳، ۱۲: ۶، ۱۶: ۲۶ الی ۲۷

d. برای تابوت/قبر، انجیل متی ۲۷: ۶۰، ۲۸: ۲، انجیل مرقس ۱۵: ۴۶، ۱۶: ۳

e. برای آغل گوسفندان، انجیل یوحنا ۱۰: ۱ و ۲

f. برای محوطه دادگاه، انجیل یوحنا ۱۸: ۱۶، اعمال رسولان ۱۲: ۱۳

۲. استعاره‌ای

a. نزدیکی زمان، انجیل متی ۲۴: ۳۳، انجیل مرقس ۱۳: ۲۹، اعمال رسولان ۵: ۹، یعقوب ۵: ۹

b. محدودیت ورود برای ایمان واقعی، انجیل متی ۷: ۱۳ الی ۱۴، انجیل لوقا ۱۳: ۲۴، مکاشفه ۳: ۲۰

c. موقعیتی برای نجات ایمان گمراه شده، انجیل متی ۲۵: ۱۰، انجیل لوقا ۱۳: ۲۵، مکاشفه ۳: ۷

d. موقعیتی برای نجات ایمان، اعمال رسولان ۱۴: ۲۷، مکاشفه ۳: ۷

e. فرصتی برای بشارت، اول قرنتیان ۱۶: ۹، دوم قرنتیان ۲: ۱۲، کولسیان ۴: ۳، مکاشفه ۳: ۸

f. مکاشفه، مکاشفه ۴: ۱، ۱۹: ۱۱

۳. عنوان برای عیسی، انجیل یوحنا ۱۰: ۷ و ۹

■ "راز مسیح" یادداشت کولسیان ۲: ۲ و ۳ موضوع خاص افسسیان ۳: ۳ را مطالعه کنید.

■ "که به خاطر آن به زنجیر کشیده شده‌ام" (در متن انگلیسی "که به خاطر آن زندانی هم شده‌ام" [for which I have also been imprisoned])

نوشته شده است-مترجم) اگر آنچه اساتید امروزی میگویند درست باشد، پولس در اوایل دهه ۶۰ در رم زندانی شد (مراجعه شود به کولسیان ۴: ۱۸). پولس در رم و به هیچ اتهامی و به طور تصادفی نزد سزار محاکمه نشده بود! این در زمان ایمان آوردن او، پیش بینی شده بود (مراجعه شود به اعمال رسولان ۹: ۱۵ الی ۱۶؛ فیلمون ۱: ۱۳).

NASB (به روز شده): کولسیان ۴: ۵ الی ۶

با مردمان بیرون حکیمانه رفتار کنید و از هر فرصتی بیشترین بهره را بگیرید. سخنان شما همیشه پر از فیض و سنجیده باشد، تا بدانید هر کس را چگونه پاسخ دهید.

۴: ۵ الی ۶ این دو آیه در رابطه با بشارت هستند. مومنین باید به گونه ای زندگی کنند که غیر مؤمنان (۱) خاموش نشوند، بلکه (۲) جذب می شوند. هر مؤمن، باید شهادت کلامی و شهادت شیوه زندگی باشد (مراجعه شود به اول پطرس ۳: ۱۵)!

۵: ۴

NASB	"خود را با عقل هدایت کنید"
NKJV	"راه رفتن در خرد"
NRSV	"عاقلانۀ رفتار کنید"
TEV	"حکیمانه رفتار کنید"
NJB	"از روی خرد عمل کنید"

این یک زمان حال فعال امری دیگر است: "همیشه از روی عقل و خرد رفتار کنید". مومنین باید از روی نیت بشارت دهند. بشارت اراده خدا برای کلیسا است (متی ۲۸: ۱۹-۲۰). هر مؤمن یک بشارت دهنده کامل انجیل است (مراجعه شود به افسسیان ۴: ۱۱-۱۲).

NASB	"از فرصت بیشترین استفاده را بردن"
NKJV	"صرفه جویی در زمان"
NRSV	"از زمان بیشترین استفاده را بردن"
TEV	"استفاده درست از هر فرصتی که دارید"
NJB	"بهترین استفاده را از زمان حال بردن"

این وجه وصفی حال میانی است. این اصطلاح (*exagorazō*) بوده و برای توصیف رستگاری مورد استفاده قرار گرفته است (مراجعه شود به غلاطیان ۳: ۱۳، ۴: ۵). این یک مفهوم عهد عتیقی بود به معنی باز خرید کسی از بردگی، حتی گاهی اوقات شخصی از نزدیکان (go'el). با استفاده از استعاری از بیشترین فرصت را با خرید چیزی در قیمت مناسب یا در زمان مناسب مورد استفاده قرار داد (مراجعه شود به افسسیان ۵: ۱۶).

مومنین باید زندگی خداپسندانه داشته باشند و از خرد خود استفاده کنند تا زمانی که فرصت های بشارتی و معنوی به دست می آیند، بتوانند از مزایای آنها نهایت بهره را ببرند!

۴: ۶ "سخن ... چاشنی.... با نمک" (در نسخه انگلیسی این آیه چنین خوانده میشود: "بگذارید سخن شما همیشه با فضیلت باشد، گویی به آن چاشنی زده شده است، همانند نمک، به طوری که می دانید به هر فرد چگونه باید پاسخ دهید."- مترجم) مومنین باید مراقب گفته های خود باشند (مراجعه شود به افسسیان ۴: ۲۹). آنها با گفته ها و کلام خود شناخته می شوند (مراجعه شود به انجیل متی ۱۵: ۱-۲۰؛ انجیل مرقس ۷: ۲-۲۳) و بر اساس کلامشان قضاوت می شوند (مراجعه شود به انجیل متی ۱۲: ۳۳-۳۷؛ انجیل لوقا ۶: ۳۹-۴۵). کلام و زندگی ما فرصتهایی را برای شهادت دادن ایجاد میکند! نیت مهم است نه این که از چند روش مندولوژیک، فرد آن را انتخاب کند که کلیدی است. نماز، بسیار مهم است، نه نمایش کامل. حکمت کمک کننده هست اما روح عامل تعیین کننده میباشد! به موضوع خاص: کلام انسانی در کولسیان ۳: ۱۰ مراجعه کنید.

NASB (به روز شده): کولسیان ۴: ۷ الی ۹

تیخیکوس شما را به کمال از احوال من آگاه خواهد ساخت. او برادری عزیز، خادمی امین و همکار من در خداوند است. او را نزدتان می فرستم تا از احوال ما آگاه شوید، و تا دل شما را تشویق کند. او همراه اونسیموس، برادر امین و عزیز ما که از خود شماسست، نزدتان می آید. ایشان شما را از هر آنچه در اینجا می گذرد آگاه خواهند ساخت.

۴: ۷ الی ۸ "تیخیکوس" پولس چندین بار به تیخیکوس اشاره می‌کند (مراجعه شود به اعمال رسولان ۲۰: ۴؛ افسسیان ۶: ۲۱؛ دوم تیموتائوس ۴: ۱۲ و تیتوس ۱۲: ۳). او حامل این نامه بود، و همچنین افسسیان و فیلمون. پولس او را برای توضیح شرایط خود به کلیساهای آسیای صغیر فرستاد تا بدانند که چگونه بهتر برای او دعا و با او شادمانی کنند (مراجعه شود به کولسیان ۴: ۸ و مقدمه).

۴: ۸ "دلها" موضوع خاص در کولسیان ۲: ۲ را مطالعه کنید.

۴: ۹ "اونسیموس" اونسیموس یک برده فراری بود که توسط پولس در زندان ایمان آورده بود. پولس او را نزد استاد مسیحی خود، فیلمون، که به پولس هم شناخته میشد و در کولوسی زندگی می‌کرد، فرستاد (مراجعه شود به فیلمون) شناخته شد. در بسیاری از موارد این تنش بین بردگی و آزادی یک آزمون مؤثر از عشق واقعی مسیحی بود.

NASB (به روز شده): کولسیان ۴: ۱۰ الی ۱۷

۱۰ آریستارخوس که با من در زندان است، برای شما سلام می‌فرستد؛ همچنین مرقس، پسر عموی برنابا، برایتان سلام دارد. پیشتر به شما دربارهٔ او سفارش کرده‌ام که هر گاه زندتان بیاید، به گرمی پذیرایش شوید. ^{۱۱}عیسی نیز که یوستوس خوانده می‌شود، برای شما سلام می‌فرستد. در میان همکارانم در کار پادشاهی خدا، تنها این چند تن، یهودی نژادند، و ایشان مایهٔ تسلی من بوده‌اند. ^{۱۲}ایفارس که از خود شما و خادم مسیح عیسی است، برایتان سلام دارد. او همواره در دعا برای شما مجاهده می‌کند، تا با بلوغ کامل، استوار بایستید، و از هرآنچه مطابق با خواست خداست، آکنده باشید. ^{۱۳}من شاهدکم که او برای شما و آنان که در لائودیکیه و هیراپولیس هستند، چه بسیار محنت می‌کشد. ^{۱۴}لوقا پزشک محبوب و همچنین دیماس شما را سلام می‌فرستند. ^{۱۵}به برادران ما در لائودیکیه و همچنین به نیمفا و کلیسایی که در خانهٔ این بانو بر پا می‌شود، سلام برسانید.

^{۱۶}پس از آنکه این نامه برای شما خوانده شد، ترتیبی دهید که در کلیسای لائودیکیه نیز خوانده شود؛ شما نیز نامه به لائودیکیه را بخوانید.

^{۱۷}به آرخیپوس بگویید: «به هوش باش تا خدمتی را که در خداوند یافته‌ای به کمال رسانی».

۴: ۱۰ الی ۱۴ تیموتائوس و شش همکار دیگر سلام شخصی خود را به کلیسا فرستادند. از شش نفر از این هفت همکار در فیلمون نیز نام برده شده است. احتمالاً تیخیکوس حامل نامه‌های کولسیان، افسسیان و فیلمون به آسیای صغیر بود.

۴: ۱۰ "آریستارخوس" یک مسیحی یهودی که اندکی درباره وی میدانیم (مراجعه شود به اعمال رسولان ۱۹: ۲۹، ۲۰: ۴، ۲۷: ۲).

■ "دوست زندانی من" به طور استعاره ای این اشاره به خدمت مسیحی یا از نظر مفهومی زندانی بودن دارد (مراجعه شود به رومیان ۱۶: ۷، فیلمون ۲۳).

■ "مرقس، پسر عموی برنابا" خانه یوحنا مرقس ممکن است محل مهمانی خداحافظی و اتاق بالایی بعد از ظهور عیسی مسیح باشد (مراجعه شود به اعمال رسولان ۱۲: ۱۲). او نویسنده انجیل مرقس و دوست و کاتب پطرس بود (مراجعه شود به اول پطرس ۵: ۱۳). او علت اختلاف بزرگ بین برنابا و پولس پس از اولین سفر بشارتی خود بود (مراجعه شود به اعمال رسولان ۱۲: ۲۵؛ ۱۳: ۵؛ ۱۵: ۳۶-۳۹).

■ "هر گاه زندتان بیاید، به گرمی پذیرایش شوید" این جمله شرطی نوع سوم است. پولس از یوحنا مرقس به دلیل ترک گروه در اولین سفر بشارتی بسیار ناراحت بود. با این وجود، ظاهراً آنان بعداً آشتی کردند (مراجعه شود به دوم تیموتائوس ۴: ۱۱).

۴: ۱۱ "عیسی نیز که یوستوس خوانده می‌شود" در TEV "یوشع" نوشته شده است. "یوشع" و عیسی هر دو از اصطلاح عبری یهوه و "رستگاری" مشتق شده و در زبان عبری یکی هستند (مراجعه شود به انجیل متی ۱: ۲۱). یوستوس برای خدا شناخته شده است ولی برای ما ناشناخته است.

■ "پادشاهی خدا" این یک جمله کلیدی در انجیل سینوپتیکی است (نگاه کنید به موضوع خاص در افسسیان ۵: ۵). اولین و آخرین موعظه عیسی، و بیشتر تمثیلهای او، این موضوع را مورد توجه قرار میدهند. این به سلطنت خدا در قلب انسان اشاره دارد. تعجب آور است که یوحنا از این عبارت فقط دو بار استفاده می‌کند (هرگز در تمثیلهای عیسی استفاده نشده است). در انجیل یوحنا، "زندگی ابدی" یک اصطلاح کلیدی و استعاره است.

این عبارت مربوط به دکترین‌های اسکاتولوژیک (پایان زمان) عیسی است. این پارادوکس الهیاتی "پیشتر بوده، اما هنوز تحقق نیافته است"، مربوط به مفهوم یهودی دو عصر، عصر کنونی شرور و عصر پارسایی است که توسط مسیح برقرار می‌شود. یهودیان فقط یک بار آمدن یک رهبر نظامی قدرتمند نیرو گرفته از روح (مانند داواران در عهد عتیق) باشد. دو آمدن عیسی منجر به همپوشانی دو عصر میشود. پادشاهی خدا با تولد در بیت لحم تاریخ بشری را تقسیم می‌کند. با این حال، عیسی نه به عنوان فاتح نظامی مکاشفه ۱۹، بلکه به عنوان بنده رنجور (اشعیا ۵۳) و رهبر فروتن (مراجعه شود به زکریا ۹: ۹) آمد. بنابراین، پادشاهی آغاز می‌شود (مراجعه شود به انجیل متی ۳: ۲؛ ۴: ۱۷؛ ۱۰: ۷؛ ۱۱: ۱۲؛ ۱۲: ۲۸؛ انجیل مرقس ۱: ۱۵؛ انجیل لوقا ۹: ۹، ۱۱: ۱۱؛ ۲۰: ۲۱؛ ۳۱-۳۲)، اما هنوز تحقق نیافته است (مراجعه شود به انجیل متی ۶: ۱۰؛ ۱۶: ۲۸؛ ۲۶: ۶۴).

مومنین در تنش بین این دو دوران زندگی می‌کنند. آنها یک زندگی نجات یافته دارند، ولی از نظر فیزیکی خواهند مرد. آنها از قدرت گناه رهایی یافته‌اند، با این حال هنوز در گناه هستند. آنها در یک تنش اسکاتولوژیک "پیشتر بوده، اما هنوز تحقق نیافته است" زندگی میکنند.

■ "ختنه" (در متن انگلیسی این عبارت "تنها این چند تن، یهودی ختنه شده هستند" نوشته شده است- مترجم) مردانی که در کولسیان ۴: ۷ الی ۱۱ فهرست شده‌اند همگی یهودیان مومن هستند (بر اساس نامهای آنان).

■ "ایشان مایه تسلی من بوده‌اند" (در متن انگلیسی این عبارت "ایشان مایه دلگرمی من بوده‌اند" نوشته شده است- مترجم) این اصطلاح به مفهوم "رهایی از درد" است. این کلمه یونانی منشا داروی انگلیسی "paregoric" است.

۴: ۱۲ "اپافراس" او بنیانگذار کلیسا در کولسی بود (مراجعه شود به کولسیان ۱: ۷ و مقدمه).

■ "همواره برای شما مجاهده می‌کند" این یک اصطلاح ورزشی قوی است که در زبان انگلیسی به عنوان "درد و رنج" می‌آید. اپافراس یک سلحشور در نماز بود (مراجعه شود به کولسیان ۴: ۱۳). دعای او برای این مؤمنان این بود که آنها (۱) ایستاده، (۲) بالغ و (۳) در کل به اراده خدا اطمینان داشته باشند.

۴: ۱۳ "لائودیکیه و هیراپولیس" اینها دو شهر دیگر (علاوه بر کولسی) در دره رودخانه لیکوس بودند که اپافراس در آنها سه کلیسا برپا کرده بود.

۴: ۱۴ "لوقا" او همراه نزدیک پولس در سفرهای بشارتی وی و پزشک بود. او یک غیر یهودی و نگارنده انجیل لوقا و اعمال رسولان بود.

■ "دیماس" بعدا او پولس را ترک می‌کند (مراجعه شود به دوم تیموتائوس ۴: ۱۰)

۴: ۱۵ "نیمفا" این میتواند یا مذکر یا مونث باشد. توجه داشته باشید که کلیسای اولیه در خانه های شخصی ملاقات میکردند (مراجعه شود به رومیان ۱۶: ۵، اول قرنتیان ۱۶: ۱۹، فیلمون ۲).

۴: ۱۶ "پس از آنکه این نامه برای شما خوانده شد" تمامی نامه‌های پولس، نه تنها افسسیان (یک نامه گردشی)، از کلیسا به کلیسا منتقل شدند و به صدای بلند برای کل جماعت خوانده شدند. کلیساها معتقد بودند که رسولان یک کلام الهام گرفته از خدا داشتند. تمایل آنها برای شنیدن تمامی نامه‌های پولس به کلیساهای دیگر و همچنین موارد دیگر نشان می‌دهد که چگونه کتاب مقدس به همه و هر سنی مربوط می‌شود.

■ "ترتیبی دهید که در کلیسای لائودیکیه نیز خوانده شود" این نامه احتمالاً "افسسیان" بود که یک نامه گردشی بود. در فهرست کتب مقدس مارتیون، افسسیان "نامه به لائودیکیه" نامیده شده است. هیچ پدر کلیسای اولیه‌ای از نامه به لائودیکیه نقل قول نکرده است.

۴: ۱۷ "آرخپوس" آرخپوس شبان کلیسای خانگی بود (فیلمون ۲). مقام‌های رهبری اولیه بر اساس مومنین برکت یافته محلی عمل میکردند نه بر اساس حرفه یا مقام.

NASB (به روز شده): کولسیان ۴: ۱۸

^{۱۸}من، پولس، این درود را با خط خود می‌نویسم. زنجیرهای مرا به یاد داشته باشید. فیض با شما باد.

۴: ۱۸ "با خط خود" این شیوه پولس برای اطمینان دادن بر اصل بودن نوشته خود است (مراجعه شود به دوم تسالونیکیان ۲: ۲، ۳: ۱۷). این همچنین دلالت بر این دارد که به طور منظم از یک کاتب استفاده میکرد (مراجعه شود به رومیان ۱۶: ۲۲)، احتمالاً به خاطر مشکل چشمانش (مراجعه شود به اعمال رسولان ۹: ۸ الی ۹، ۱۲ و ۱۸، غلاطیان ۴: ۱۵، ۶: ۱۱)، که من فکر میکنم آسیب دیده بودند.

سوالات بحث

این یک راهنمای مطالعاتی است، که بدین معنی است که شما خودتان مسئول تفسیر انجیل هستید. هر یک از ما باید در مسیر خودمان گام برداریم. شما، انجیل و روح القدس در اولویت تفسیر هستید. شما نباید این امر را به یک مفسر واگذار کنید.

این سوالات مباحثاتی به منظور کمک به شما در تفکر نسبت به مسائل اصلی این بخش از کتاب مطرح شده‌اند. آنها صرفاً تفکر برانگیز هستند نه قطعی.

۱. سه جنبه دعا در کولسیان ۴: ۲ الی ۳ را فهرست کنید.

۲. چهار جنبه زندگی مسیحی در کولسیان ۴: ۵ الی ۶ را فهرست کنید.

۳. در مورد افرادی که در کولسیان ۴: ۷ الی ۱۴ ذکر شده‌اند، بحث کنید.

مقدمه ای بر افسسیان

کلام آغازین

- A. حقایق این کتاب بر زندگی بسیاری از قدیسان تاثیر گذارد.
۱. ساموئل کالیرج آن را "الهی ترین نگارش انسانی" نامیده است.
 ۲. جان کالوین آن را کتاب مورد علاقه خود از کتاب مقدس خواند
 ۳. جان ناکس خواست تا موعظه‌های کالوین در افسسیان را در بستر مرگ برایش خوانده شود
- B. این کتاب به نام "تاج جواهرنشان" یا سنگ نمای الهیات پولس است. تمام تم‌های بزرگ پولس در غلطیان آغاز شده‌اند، که در رومیان توسعه یافته‌اند، و اکنون در افسسیان در یک خلاصه‌ای شگفت‌انگیز بیان شده‌اند.
- C. همانطور که خدا از رومیان برای برانگیختن اصلاحات استفاده می‌کرد، از افسسیان برای احیای کلیساهای تقسیم شده و کلیسای متبوع استفاده می‌کند. اتحاد و همبستگی مؤمنان در مسیح، اختلافات را از بین می‌برد.

نگارنده

A. پولس

۱. به صراحت در افسسیان ۱: ۱ و ۳: ۱ بیان شده است.
 ۲. اشاره به زندانی شدن (احتمالاً در رم) در افسسیان ۳: ۱، ۴: ۱، ۶: ۲۰
 ۳. تقریباً با روایت‌های کلیسا همسان است
 - a. کلمنت رم در سال ۹۵ میلادی نامه‌ای به قرنتس نوشت که از افسسیان ۴: ۴ الی ۶ نقل قول می‌کند
 - b. ایگناتیوس (بین سالهای ۳۰ الی ۱۰۷ میلادی) از افسسیان ۱: ۹، ۲: ۱۹، ۳: ۴ الی ۹ نقل قول می‌کند
 - c. پلیکارپ، شاگرد یوحنا رسول، و اسقف سمیرنا نگارنده بودن پولس را تصریح می‌کند.
 - d. ایرنئوس (بین سالهای ۱۳۰ الی ۲۰۰ میلادی) نگارنده بودن پولس را تصریح می‌کند.
 - e. کلمنت اسکندریه (۱۸۰ الی ۲۰۰ میلادی) نگارنده بودن پولس را تصریح می‌کند.
 ۴. فهرست شده در:
 - a. فهرست کتب پذیرفته شده مارسیون (که در سال ۱۴۰ میلادی به رم آمد)
 - b. Muratorian Fragment (۱۸۰ الی ۲۰۰ میلادی)، فهرستی از کتب مقدس رم و این را در میان نوشته‌های پولس قرار داده
 ۵. ختم کلام هم افسسیان و هم کولسیان ۲۹ کلمه دارند که دقیقاً در یونانی یکسان هستند (دو کلمه اضافی در کولسیان وجود دارند).
- B. نگارنده ای دیگر
۱. اراسموس نخستین کسی بود که بر اساس موارد زیر، در مورد نگارنده بودن پولس تردید کرد
 - a. سبک نگارش - جملات طولانی که در دیگر نوشته‌های پولس مرسوم نیستند.
 - b. هیچ سلام شخصی ندارد
 - c. واژگان منحصر به فرد
 ۲. اساتید قرن ۱۸ میلادی شروع به تردید در مورد نگارنده بودن پولس کردند
 - a. به نظر میرسد چندین آیات از نسل دوم مومنین باشند، افسسیان ۲: ۲۰، ۳: ۵
 - b. اصطلاحات الهیاتی با تعاریف دیگری استفاده شده‌اند (مثلاً، "راز")
 - c. منحصر به فرد بودن زائر یک نامه چرخشی
- C. پاسخ به نکات اراسموس
۱. سبک متفاوت است زیرا پولس زمانی که در زندان بود و افسسیان را مینوشت فرصت برای فکر کردن داشت.
 ۲. فقدان یک سلام شخصی با این واقعیت که افسسیان یک نامه چرخشی بوده و برای بسیاری از کلیساها در این منطقه فرستاده شد، توضیح داده شده است. مسیر پستی روم که شامل افسس و دره رودخانه لیکوس می‌شود در مکاشفه ۲-۳ دیده می‌شود. پولس یک نامه دوتایی کولسیان به یک گروه خاص از سه کلیسا که شامل چندین تبریک شخصی بود، نوشت.
 ۳. تعداد از کلمات منحصر به فرد در کتاب افسسیان دقیقاً مشابه تعداد کلمات منحصر به فرد (*hapax legomena*) در کتاب رومیان است. هدف، موضوع، دریافت کنندگان و مناسبت، استفاده از کلمات جدید را توضیح می‌دهند.
 ۴. پولس از "رسولان و پیامبران" در اول قرن‌تینان ۱۲: ۲۸ سخن می‌گوید، که شبیه به افسسیان ۲: ۲۰ و ۳: ۵ است. هیچ کس نگارنده بودن پولس برای اول قرن‌تینان را انکار نمی‌کند.

رابطه مفهومی میان کولسیان و افسسیان

A. رابطه تاریخی میان افسسیان و کولسیان

۱. اپافارس (مراجعه شود به کولسیان ۱: ۷، ۴: ۱۲، فیلمون ۲۳) در طول دوره بشارتی افسسیان پولس ایمان آورد (اعمال رسولان ۱۹)
 - a. او ایمان تازه یافته اش را به زادگاهش، دره رودخانه لیکوس برد.
 - b. او سه کلیسا در هیراپولیس، لائودیکیه و کولوسی برپا کرد
 - c. اپافارس در جستجوی پولس برای مشاوره در مورد چگونگی مبارزه با ادغام دیدگاه‌ها توسط مرتدها بود. پولس در رم زندانی (اوایل دهه ۶۰) بود.
۲. معلمان دروغین آمدند و شروع به ادغام انجیل با هستی‌شناسی یونانی کردند
 - a. روح و جسم با هم ابدی بودند
 - b. روح (خدا) خوب بود
 - c. جسم (مخلوق) پلید بود
 - d. مجموعه‌ای از *aeons* (سطوح فرشته‌ای) بین خدای بالا و خدای کوچک که ماده را تشکیل داده است، وجود دارد
 - e. رستگاری بر اساس دانش اسراری است که به مردم کمک می‌کند تا از طریق *aeons* (سطح فرشته) پیشرفت کنند

B. رابطه مفهومی میان دو نامه پولس

۱. پولس درباره ارتداد در این کلیساها که او هرگز شخصا دیدن نکرده بود از اپافارس شنید.
۲. پولس نامه‌ای دستخط کوتاهی، با جملات عاطفی به خطاب به معلمان دروغین نوشته نوشت. موضوع اصلی این بود که پروردگار کیهانی عیسی بود. این به عنوان نامه پولس به کولسیان معروف است.
۳. ظاهراً، اندکی پس از نوشتن کولسیان، با وقتی که در زندان در دست داشت، او همین موضوع را بسط داد. افسسیان با جملات بلند و مفاهیم نظری توسعه یافته (افسسیان ۱: ۳-۱۴، ۱۵-۲۳، ۲: ۱-۱۰، ۱۴-۱۸، ۱۹-۲۲، ۳: ۱-۱۲، ۱۴-۱۹، ۴: ۱۱-۱۶، ۶: ۱۳-۲۰). کولسیان را به عنوان نقطه شروع می‌گیرد و پیامدهای الهیات آن را ترسیم می‌کند. موضوع مرکزی افسسیان وحدت همه چیز در مسیح است، که مخالف مفهوم عرفان اولیه است.

C. ساختار ادبی و الهیاتی مرتبط

۱. شباهت‌های ساختاری اولیه
 - a. متن آغازین هر دو بسیار شبیه هم هستند
 - b. آنها بخش‌های دکرین دارند که عمدتاً به مسیح می‌پردازند
 - c. آنها بخش‌های عملی دارند که شیوه زندگی مسیح گونه را با استفاده از همان طبقه بندیها، اصطلاحات و عبارات وعظ می‌کنند
 - d. آنها آیه‌های پایانی آنها در نسخه یونانی دقیقاً ۲۹ کلمه دارند، و فقط دو کلمه متفاوت در کولسیان اضافه شده است.

۲. شباهت‌های کلمات و عبارات کوتاه

افسسیان ۱: ۱ث و کولسیان ۱: ۲ الف	"وفادار"
افسسیان ۱: ۴ و کولسیان ۱: ۲۲	"مقدس و معصوم"
افسسیان ۱: ۷ و کولسیان ۱: ۱۴	"رستگاری و بخشنده"
افسسیان ۱: ۱۰ و کولسیان ۱: ۲۰	"همه چیزها... بهشت... زمین"
افسسیان ۱: ۱۵ و کولسیان ۱: ۳ الی ۴	"شنیده می‌شود.. عشق برای همه قدیسان"
افسسیان ۱: ۱۸ و کولسیان ۱: ۲۷	"ثروت جلال"
افسسیان ۱: ۲۷ و کولسیان ۱: ۱۸	"سر... کلیسا"
افسسیان ۲: ۱ و کولسیان ۱: ۱۳	"تو مرده بودی"
افسسیان ۲: ۱۶ و کولسیان ۱: ۲۰	"آشتی... صلیب"
افسسیان ۳: ۲ و کولسیان ۱: ۲۵	"نظارت"
افسسیان ۳: ۳ و کولسیان ۱: ۲۶ و ۲۷	"رمز و راز"
افسسیان ۳: ۴ و کولسیان ۳: ۱۴	"وحدت"
افسسیان ۴: ۱۵ و کولسیان ۲: ۱۹	"سر" و "رشد"
افسسیان ۴: ۲۴ و کولسیان ۳: ۱۰ و ۱۲	"پوشیدن..."

"عصانیت" "خشم" "بدبختی"	۱۴
"گناه"	افسیان ۴: ۳۱ و کولسیان ۳: ۸
"فساد" "ناخودآگاه" "حرص"	افسیان ۵: ۳ و کولسیان ۳: ۵
"بت پرستی (coveting)"	افسیان ۵: ۵ و کولسیان ۳: ۵
"خشم خدا"	افسیان ۵: ۶ و کولسیان ۳: ۶
"بیشترین استفاده را از زمان بردن"	افسیان ۵: ۱۶ و کولسیان ۴: ۵
	۳. عبارتها و جملات دقیقا مثل هم
	افسیان ۱: ۱ الف و کولسیان ۱: ۱ الف
	افسیان ۱: ۱ ب و کولسیان ۱: ۲ الف
	افسیان ۱: ۲ الف و کولسیان ۱: ۲ ب
	افسیان ۱: ۱۳ و کولسیان ۱: ۵
	افسیان ۲: ۱ و کولسیان ۲: ۱۳
	افسیان ۲: ۵ و کولسیان ۲: ۱۳ ث
	افسیان ۴: ۱ ب و کولسیان ۱: ۱۰ الف
	افسیان ۲۱: ۶ و ۲۲ و کولسیان ۴: ۷ الی ۹ (۲۹ کلمه متوالی به استثنای "kai syndoulos" در کولسیان)
	۴. عبارات و جملات مشابه
	افسیان ۱: ۲۱ و کولسیان ۱: ۱۶
	افسیان ۲: ۱ و کولسیان ۱: ۱۳
	افسیان ۲: ۱۶ و کولسیان ۱: ۲۰
	افسیان ۳: ۷ الف و کولسیان ۱: ۲۳ ت و ۲۵ الف
	افسیان ۳: ۸ و کولسیان ۱: ۲۷
	افسیان ۴: ۲ و کولسیان ۳: ۱۲
	افسیان ۴: ۲۹ و کولسیان ۳: ۸ و ۴: ۶
	افسیان ۵: ۱۵ و کولسیان ۴: ۵
	افسیان ۵: ۱۹ و ۲۰ و کولسیان ۳: ۱۶
	۵. مفاهیم مترادف از منظر الهیاتی
	افسیان ۱: ۳ و کولسیان ۱: ۳
	افسیان ۲: ۱ و ۱۲ و کولسیان ۱: ۲۱
	افسیان ۲: ۱۵ و کولسیان ۲: ۱۴
	افسیان ۴: ۱ و کولسیان ۱: ۱۰
	افسیان ۴: ۱۵ و کولسیان
	۱۹: ۲
	افسیان ۴: ۱۹ و کولسیان ۳: ۵
	افسیان ۴: ۲۲ و ۳۱ و کولسیان ۳: ۸
	افسیان ۴: ۳۲ و کولسیان ۳: ۱۲ الی ۱۳
دعای تشکر	افسیان ۵: ۴ . کولسیان ۳: ۸
بیگانگی از خدا	افسیان ۵: ۱۸ و کولسیان ۳: ۱۶
دشمنی قانون	افسیان ۵: ۲۰ و کولسیان ۳: ۱۷
قدم زدن ارزشمند	افسیان ۵: ۲۲ و کولسیان ۳: ۱۸
بدن مسیح از سر به بلوغ میرسد	
ناپاکی جنسی	
"گناهان را کنار گذاشتن"	
مسیحیان نسبت به یکدیگر مهربان باشند	
سخنان مسیحی	
پرشدن با روح = کلام مسیح	
شکرگزاری از خدا به خاطر همه چیز	
زنان مطیع شوهرانشان باشند	
شوهران باید زنان خود را دوست بدارند	

کودکان باید از والدین خود اطاعت کنند

پدران کودکان را خشمگین نکنند

برندگان مطیع اربابان خود باشند

اربابان و بردگان

درخواست پولس برای دعا

افسیسیان ۵: ۲۵ و کولسیان ۳: ۱۹

افسیسیان ۱: ۶ و کولسیان ۳: ۲۰

افسیسیان ۶: ۴ و کولسیان ۳: ۲۱

افسیسیان ۶: ۵ و کولسیان ۳: ۲۲

افسیسیان ۶: ۹ و کولسیان ۴: ۱

افسیسیان ۶: ۱۸ و کولسیان ۴: ۲ الی ۴

۶. اصطلاحات و عبارات استفاده شده در هم کولسیان و هم افسسیسیان که در سایر نگارشهای پولس دیده نمیشوند

a. "پُری" (یک اصطلاح عرفانی برای سطوح فرشتگان)

افسیسیان ۱: ۲۳ "پری او که همه را کامل پر میکند"

افسیسیان ۳: ۱۹ "به تمام پری خدا، پر شوید"

افسیسیان ۴: ۱۳ "به پری مسیح"

کولسیان ۱: ۱۹ "به خاطر تمامی پری که در او ساکن است"

کولسیان ۲: ۹ "زیرا در او تمام پرستش خداوند ساکن است"

b. مسیح به عنوان "سر" کلیسا

افسیسیان ۴: ۱۵، ۵: ۲۳ و کولسیان ۱: ۱۸، ۲: ۱۹

c. "بیگانه"

افسیسیان ۲: ۱۲، ۴: ۱۸ و کولسیان ۱: ۲۱

d. "صرفه جویی در زمان"

افسیسیان ۵: ۱۶ و کولسیان ۴: ۵

e. "نشأت گرفتن"

افسیسیان ۳: ۱۷ و کولسیان ۱: ۵

f. "کلام حقیقت، انجیل"

افسیسیان ۱: ۱۳ و کولسیان ۱: ۵

g. "تحمل"

افسیسیان ۴: ۲ و کولسیان ۳: ۱۳

h. اصطلاحات و عبارات نامعمول ("با هم برگزار شده"، "عرضه")

افسیسیان ۴: ۱۶ و کولسیان ۲: ۱۹

D. خلاصه

۱. بیش از یک سوم از کلمات کولسیان در افسسیسیان هستند. برآورد شده است که از ۱۵۵ آیه، ۷۵ آیه افسسیسیان در کولسیان موازی هستند. هر

دو ادعای نگارندگی پولس در زمانی که در زندان بود، را دارند.

۲. هر دو توسط دوست پولس تیخیکوس تحویل داده شدند

۳. هر دو به یک منطقه ارسال شدند (آسیای صغیر)

۴. هر دو به یک مسئله مسیحیت شناسی میپردازند.

۵. هر دو بر این تاکید دارند که مسیح سر کلیسا است

۶. هر دو زندگی مسیح گونه را تشویق میکنند.

E. نکات عمده عدم تجانس

۱. در کولسیان کلیسا همیشه محلی بودند ولی در افسسیسیان کلی بودند. این میتواند به واسطه ماهیت گردشی نامه افسسیسیان باشد.

۲. ارتداد، که ویژگی برجسته‌ای در کولسیان بود، به طور مستقیم در افسسیسیان ذکر نشده است. با این حال، از اصطلاحات عرفانی مشخص

("خرد"، "دانش"، "کامل"، "رمز و راز"، "رهبران و قدرت" و "نظارت") استفاده می‌کنند.

۳. آمدن دوم در کولسیان قریب الوقوع است اما در افسسیسیان به تأخیر افتاده. از کلیسا خواسته شده تا به جهان گمراه خدمت کند. (افسیسیان

۲: ۷؛ ۳: ۲۱؛ ۴: ۱۳).

۴. تعدادی از اصطلاحات خاص پولسی به صورت متفاوتی استفاده شده‌اند. یک مثال، عبارت "رمز و راز" است. در کولسیان رمز و راز مسیح است (کولسیان ۱: ۲۶-۲۷؛ ۲: ۲؛ ۴: ۳)، اما در افسسیان (افسیان ۱: ۹؛ ۵: ۳۲) برنامه خدا بود که قبلاً پنهان بود ولی اینک آشکار شده و آن وحدت یهودیان و غیر یهودیان است.

۵. افسسیان چندین اشاره به عهد عتیق دارد (افسیان ۱: ۲۲ - مزامیر ۸؛ افسسیان ۲: ۱۷ - اشعیا ۵۷: ۱۹) (افسیان ۲: ۲۰ - مزامیر ۱۱۸: ۲۲) (افسیان ۴: ۸ - مزامیر ۶۸: ۱۸) (افسیان ۴: ۲۶ - مزامیر ۴: ۴) (افسیان ۵: ۱۵ - اشعیا ۲۶: ۱۹، ۵۱: ۱۷، ۵۲: ۱، ۶۰: ۱) (افسیان ۵: ۳۱ - پیدایش ۲: ۲۴) (افسیان ۶: ۲-۳ - خروج ۲۰: ۱۲) (افسیان ۶: ۱۴ - اشعیا ۱۱: ۵، ۵۹: ۱۷) (افسیان ۶: ۱۵ - اشعیا ۵۲: ۷) اما تنها یک یا دو مورد در کولسیان، کولسیان ۲: ۳ - اشعیا ۱۱: ۲ و احتمالاً کولسیان ۲: ۲۲ - اشعیا ۲۹: ۱۳ وجود دارند.

F. هر چند کلمات، عبارات و اغلب نکات ویژه بسیار مشابهی دارند، ولی هر یک از نامه‌ها در بر دارنده حقایق منحصر به فردی هستند.

۱. نعمت سه گانه ای از فضل - افسسیان ۱: ۳ الی ۱۴

۲. عبارت فضل - افسسیان ۲: ۱ الی ۱۰

۳. ادغام یهودیان و غیر یهودیان در یک کالبد جدید - افسسیان ۲: ۱۱-۳: ۱۳

۴. وحدت و برکت از بدن مسیح - افسسیان ۴: ۱ الی ۱۶

۵. "مسیح و کلیسا" الگوی "شوهر و همسر" افسسیان ۵: ۲۲-۳۳

۶. عبارت جنگ تفکر معنوی - افسسیان ۶: ۱۰-۱۸

۷. عبارت مسیح شناسی - کولسیان ۱: ۱۳-۱۸

۸. مراسم مذهبی و قوانین انسانی - کولسیان ۲: ۱۶-۲۳

۹. موضوع اهمیت کیهانی مسیح در کولسیان در مقابل موضوع وحدت همه چیز در مسیح در افسسیان

G. در نتیجه، به نظر بهتر می‌رسد نظر A. T. Robertson و F. F. Bruce در خصوص تصریح اینکه که پولس هر دو نامه را در زمان کوتاهی نسبت به هم نوشته است و توسعه افکار کولسیان منجر به ارائه حقیقت شده است را بپذیریم.

تاریخ

A. تاریخ این نامه به یکی از زمانهای زندانی شدن پولس در افسس، فیلیپس، سزاریه یا رم مربوط است. دوران زندانی بودن در رم روستا بیشتر با حقایق اعمال رسولان مطابقت دارد.

B. چنانچه رم به عنوان محل زندانی شدن در نظر گرفته شود، این سوال مطرح می‌شود که در چه زمانی؟ پولس در اوایل دهه ۶۰ زندانی است که در اعمال رسولان ثبت شده است، اما او آزاد شد و نامه‌های مقدس (اول و دوم تیموتائوس و تیتوس) را نوشت و سپس در قبل از ۹ ژوئن سال ۶۸ میلادی که زمان خودکشی نرون بود، مجدداً دستگیر و کشته شد.

C. بهترین حدس برای نوشتن افسسیان اولین دوران زندانی شدن پولس در رم در اوایل دهه ۶۰ است.

D. تیخیکوس همراه با اونسیموس احتمالاً نامه‌های کولسیان، افسسیان و فیلیمون را به آسیای صغیر برد.

E. زمانبندی احتمالی نوشته‌های پولس بر اساس F. F. Bruce و Murray Harris با سازگاریهای جزئی.

کتاب	تاریخ	مکان نگارش	ارتباط با اعمال رسولان
۱	۴۸	آنتیوخوس سوریه	
۲	۵۰	قرنتس	
۳	۵۰	قرنتس	
۴	۵۵	افسس	
۵	۵۶	مقدونیه	
۶	۵۷	قرنتس	
۷-۱۰		نامه‌های زندان	
		کولسیان	رم
		فیلمون	رم
		افسیان	رم
		فیلیپیان	رم

۱۳-۱۱	چهارمین سفر بشارتی	افسس (۴)
اول تیموتائوس	۶۳ یادیرتر	مقدونیه
تیتوس	۶۳ ولی قبل از ۶۸ میلادی)	
دوم تیموتائوس	۶۴	رم

گیرندگان

- A. بسیاری از نسخ دستنویس (Chester Beatty Papyri، P⁴⁶ Sinaiticus؛ N؛ واتیکانوس، B؛ متن یونانی اورینگن؛ و متن یونانی ترتولیان) در افسس در افسسیان ۱: ۱ حذف شده است. ترجمه های RSV و ویلیام این عبارت را حذف کرده اند.
- B. دستور زبان یونانی افسسیان ۱: ۱ می تواند نام مکان را جایگزین کند. احتمالاً، به عنوان یک نامه گردش، نام محل کلیسا خالی باقی مانده بود، بنابراین هنگام خواندن با صدای بلند به کلیساها می توان آن را جایگزین کرد. این ممکن است عبارت در کولسیان ۴: ۱۵-۱۶، "نامه از لائودیکیه"، که احتمالاً کتاب افسسیان (فهرست ماریون کتاب افسسیان را با عنوان "نامه به لائودیکیه" ثبت کرده) است را توضیح دهد.
- C. افسسیان عمدتاً به غیر یهودیان نوشته شده بود، افسسیان ۲: ۱؛ ۴: ۱۷، که پولس شخصاً ملاقات نکرده بود، افسسیان ۱: ۱؛ ۳: ۲. کلیساهای دره رودخانه لیکوس (لائودیکیه، هیراپولیس، کولسی)، نه توسط پل، بلکه توسط اپافراس برپا شده بودند (مراجعه شود به کولسیان ۱: ۷؛ ۴: ۱۲؛ فیلمون ۲۳).

هدف

- A. موضوع کتاب در افسسیان ۱: ۱۰ و ۴: ۱-۱۰ یافت می شود، که تأکید بر وحدت همه چیز در مسیح است. مسیح تصویر خدا را در بشریت و جهان (*kosmos*) احیا می کند.
- B. بخش دکنترین فصل های ۱-۳ را می توان به صورت زیر بیان کرد:
 شخصیت بخشاینده تثلیث و مقررات برای انسان گناهکار
 ۱. ماهیت تثلیث خدا (افسسیان ۱: ۳-۱۴)
 ۲. شخصیت مهربان خدا (افسسیان ۲: ۱-۱۰)
 ۳. طرح ابدی خدا برای رستگاری (افسسیان ۲: ۱۱-۳: ۱۳)
- C. افسسیان یکی از چهار نامه زندان پولس است. خطوط افسسیان و کولسیان بسیار شبیه هستند. کولسیان برای مبارزه با ارتداد ناشی از عرفان آغازین در دره رودخانه لیکوس در آسیای صغیر نوشته شده است. افسسیان به عنوان یک نامه گردش به همان منطقه برای آماده ساختن کلیساهای دیگر برای ارتداد در حال هجوم بود. کولسیان نامه ای مختصر و سخت است، در حالی که افسسیان ارائه منطق گسترده ای از همان حقایق با استفاده از جملات بسیار طولانی است: (افسسیان ۱: ۳-۱۴، ۱۵-۲۳؛ ۲: ۱-۹؛ ۳: ۱-۷، و غیره).

خلاصه رئوس مطالب

- A. طبیعتاً کتاب به دو بخش تقسیم میشود (همانند بیشتر نوشته های پولس)
 ۱. وحدت در مسیح، فصول ۱ الی ۳ (الهیات)
 ۲. وحدت در کلیسا، فصول ۴ الی ۶ (کاربردی)
- B. رئوس مطالب پیشنهادی
 ۱. آغاز کلام سنتی پولس، افسسیان ۱: ۱ الی ۲
 ۲. برنامه پدر برای وحدت همه چیز در مسیح، افسسیان ۱: ۳ الی ۳: ۲۱
 a. پولس پدر را ستایش میکند، افسسیان ۱: ۳ الی ۱۴
 (۱) برای عشق پدر قبل از زمان
 (۲) برای عشق پدر در پسرش در زمان مناسب
 (۳) برای عشق مستمر پدر توسط روح از طریق زمان
 b. پولس برای کلیساها نزد پدر دعا میکند، افسسیان ۱: ۱۵ الی ۲۳
 (۱) تا وحی پدر در مسیح درک شود
 (۲) برای قدرت پدر تا با قدرت در مؤمنان کار کند
 (۳) به خاطر اینکه پدر مسیح را از همه چیز بالاتر می برد
 c. درک پولس از برنامه پدر برای همه بشریت، افسسیان ۲: ۱ الی ۳: ۱۳
 (۱) نیاز انسان گناهکار

- ۲) تامین خیرخواهانه پدر
- ۳) پاسخ لازم انسان به پیمان
- ۴) برنامه پدر به طور کامل آشکار شد
- d. دعای پولس نزد پدر برای مومنین، افسسیان ۳: ۱۴ الی ۲۱
- ۱) برای دریافت قدرت درونی (توسط روح القدس)
- ۲) برای درک کامل انجیل (نه فقط حقایق گزاره ای) در تجربه و عشق
- ۳) پر شدن از پری خدا (که مسیح است)
- ۴) این همه از خدا است که قادر است
۳. خواست پدر برای وحدت مردم جدیدش، افسسیان ۴: ۱ الی ۶: ۲۰
- a. وحدت تثلیث الهی در وحدت فرزندانش منعکس میشود، افسسیان ۴: ۱ الی ۱۶
- ۱) وحدت یکنواختی نیست بلکه شیوه زندگی از روی عشق است
- ۲) تثلیث الهی یک وحدت الهی است
- ۳) نعمات روحانی برای سلامت جسمانی است نه احترام فردی
- ۴) وحدت نیازمند بشارت است
- ۵) وحدت تحت حمله فرشتگان است
- ۶) وحدت در مسیح است
- b. وحدت مسیحی در برابر خود محوری کفار، افسسیان ۴: ۱۷ الی ۵: ۱۴
- ۱) کارهای زندگی قدیمی را کنار بگذارید
- ۲) همانند مسیح رفتار کنید
- c. ابزار دستیابی و حفظ وحدت، افسسیان ۵: ۱۵ الی ۶: ۹
- ۱) آیا با روح پر میشود
- ۲) زندگی پر شده با روح توصیف میگردد
- a. پنج وجه وصفی، افسسیان ۵: ۱۹ الی ۲۱
- b. سه مثال داخلی
- i. شوهران - زنان
- ii. والدین - فرزندان
- iii. اربابان - بردگان
- d. تلاش برای وحدت مسیح گونه، افسسیان ۶: ۱۰ الی ۲۰
- ۱) نبرد روحانی
- ۲) زره خدا
- ۳) قدرت دعا
۴. متن پایانی، افسسیان ۶: ۲۱ الی ۲۴

زمینه فلسفی و الهیاتی معلمین دروغین (عرفان)

- A. اعتقادات عرفانی قرن اول و دوم
۱. دوگانگی هستی شناسی (ابدی) بین روح (خدا) و ماده (چیزهای فیزیکی).
۲. روح خوب بود در حالیکه ماده پلید بود
۳. مجموعه ای از سطوح فرشتگان (aeons) بین خدای مقدس والا و خدای پائینتر که ماده شر را ساخته است.
۴. مسیر رستگاری
- i. دانش رمز عبور را که اجازه حرکت از طریق حوزه های فرشته از زمین به بهشت را داشت
- ii. یک جرقه الهی در همه مردان، هر چند که همه نمی توانند دانش را درک و یا بپذیرند
- iii. دانش تنها با یک وحی ویژه به یک گروه نخبه داده میشود

۵. اخلاق (دو نوع عرفان)

- i. کلا ربطی به زندگی روحانی ندارد (آزادیخواهان، ضد آنها)
- ii. برای رستگاری مهم است (فانونگرایی)

B. تناقض با مسیحیت تاریخی، انجیلی

- ۱. تفکیک انسان بودن و خدا بودن مسیح (عرفان میگفت که او نمی تواند به طور کامل خدا و به طور کامل انسان باشد)
- ۲. حذف مرگ نیابتی او به عنوان تنها راه رستگاری
- ۳. جایگزینی دانش بشری با فضل آزاد الهی

خواندن حلقه اول

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید.

کل کتاب مقدس را در یک نشست بخوانید. مرکزیت موضوع کل کتاب را در قالب کلمات خود بیان کنید.

۱. موضوع کل کتاب.

۲. نوع ادبیات

خواندن حلقه دوم

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور ما باید راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید. کل کتاب مقدس را در یک نشست بخوانید. موضوعات اصلی را مشخص کرده و سپس در یک جمله مبحث را بیان کنید.

۱. موضوع واحد ادبی اول

۲. موضوع واحد ادبی دوم

۳. موضوع واحد ادبی سوم

۴. موضوع واحد ادبی چهارم

۵. و غیره

افسیان ۱

پاراگراف‌های ترجمه‌های مدرن *

UBS ⁴	NKJV	NRSV	TEV	NJB
درود	خبر مقدم	درود	درود	سلام و خطاب
۱ : ۱ الی ۲	۱ : ۱ الی ۲	۱ : ۱ الی ۲	۱ : الف	۱ : ۱ الی ۲
			۱ : ب	
			۲ : ۱	
برکت روحانی در مسیح	رستگاری در مسیح	شکرگزاری و برکت	برکت روحانی در مسیح	برنامه رستگاری خدا
۱ : ۳ الی ۱۴	۱ : ۳ الی ۱۴	۱ : ۳ الی ۱۴	۱ : ۳ الی ۶	۱ : ۳ الی ۱۴
			۱ : ۷ الی ۱۰	
			۱ : ۱۱ الی ۱۲	
			۱ : ۱۳ الی ۱۴	
دعای پولس	دعا برای خرد روحانی		دعای پولس	پیروزی و برتری مسیح
۱ : ۱۵ الی ۲۳	۱ : ۱۵ الی ۲۳	۱ : ۱۵ الی ۲۳	۱ : ۱۵ الی ۲۳	۱ : ۱۵ الی ۲۳

* تقسیم‌بندی پاراگرافها، تحت تاثیر الهام صورت نگرفته، بلکه کلید درک مطلب و دنبال کردن عزم اولیه نویسنده می‌باشند. هر ترجمه جدید، پاراگرافها را تقسیم و خلاصه کرده است. هر پاراگراف شامل یک موضوع مرکزی، حقیقت یا تفکری است. هر نسخه این موضوع را به شیوه‌ای متمایز به کار می‌گیرد. همانطور که متن را می‌خوانید، از خودتان سوال کنید که کدام ترجمه متناسب با درک شما از موضوع و تقسیم بندی آیه است.

در هر فصل ما ابتدا باید کتاب مقدس را بخوانیم و سعی کنیم موضوعات آن (پاراگرافها) را شناسایی کنیم، سپس درک خود با نسخه‌های جدید را مقایسه کنیم. تنها وقتی می‌توانیم هدف اصلی نویسندگان را دریابیم که با پیروی از منطق و نحوه ارائه آن، بتوانیم واقعا کتاب مقدس را درک کنیم. فقط نویسنده اصلی الهام گرفته است - خوانندگان حق ندارند پیام را تغییر داده یا اصلاح کنند. خوانندگان کتاب مقدس مسئولیت اعمال حقیقت الهام گرفته را روزانه و در طول زندگی دارند.

توجه داشته باشید که تمام اصطلاحات فنی و اختصارات به طور کامل در اسناد زیر توضیح داده شده است: [انتقادات متنی و واژه‌نامه](#).

مطالعه حلقه سوم (رجوع کنید به "سمینار تفسیر کتاب مقدس")

به دنبال نیت اصلی نویسنده در سطوح پاراگراف

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور خودمان راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید.

کل کتاب مقدس را در یک نشست بخوانید. موضوعات را مشخص نمایید (مطالعه حلقه شماره ۳). تقسیمات موضوعی خود را با پنج ترجمه بالا مقایسه کنید. پاراگراف بندی به نویسنده الهام نشده است، اما کلید پیگیری اهداف اصلی نویسنده است که قلب تفسیر است. هر پاراگراف تنها و تنها یک موضوع دارد.

۱. پاراگراف اول

۲. پاراگراف دوم

۳. پاراگراف سوم و غیره

۴. و غیره

A. عبارت "در افسس" در ترجمه‌های NJB، RSV و ویلیامز حذف شده است، زیرا در برخی از اولین نسخ یونانی (P⁴⁶، B و K) حذف شده است. ظاهراً یک فضای خالی بود که در آن نام محل باید وارد شود. این یک نامه گردشی برای کلیساهای آسیای صغیر بود. نامه‌ها برای هفت کلیسا در مکاشفه ۲-۳ نشان می‌دهد مسیر پستی روم باستان را نشان می‌دهد.

B. تثلیث در افسسیان ۱: ۳-۱۴ (و همچنین افسسیان ۱: ۱۷؛ ۲: ۱۸؛ ۳: ۱۴-۱۷؛ ۴: ۴-۶) ستایش شده است.

۱. پدر در ابدیت، افسسیان ۱: ۳ الی ۶ (عشق و هدف پدر در خود)

۲. پسر در زمان، افسسیان ۱: ۷ الی ۱۲ (عشق و هدف پدر در مسیح)

۳. روح در آینده، افسسیان ۱: ۱۳-۱۴ (عشق و هدف پدر در روح)

آیات ۳-۱۴ یک نماز زیبا از ستایش خداوند سه گانه را تشکیل می‌دهند! هر بخش با عبارت «به ستایش از جلال او» بسته شده است (مراجعه شود به افسسیان ۱: ۶، ۱۲، ۱۴). حتی اگر همه سه نفر از تثلیث ذکر شده باشند، آن خدای پدر است که بر او تأکید می‌شود (همانند افسسیان ۱: ۲۳-۱۵)! نگاه کنید به موضوع خاص: تثلیث در افسسیان ۱: ۳

C. انتخاب یک آموزه شگفت‌انگیز است. با این حال، این یک فراخوانی برای طرفداری نیست، بلکه یک فراخواندن به عنوان یک کانال، ابزار یا وسیله‌ای برای رستگاری دیگران است! در عهد عتیق این اصطلاح به طور عمده برای خدمت استفاده شده است؛ در عهد جدید، در درجه اول برای رستگاری مورد استفاده قرار می‌گیرد. کتاب مقدس هرگز تضاد ظاهری بین حاکمیت خدا و اراده آزاد بشری انسان را توجیه نمی‌کند، بلکه هر دو آنها را تأیید می‌کند! مثال خوبی از تنش انجیلی، رومیان ۹ در انتخاب حاکم خدا و رومیان ۱۰ در پاسخ ضروری بشر می‌باشد (مراجعه شود به افسسیان ۱۰: ۹، ۱۳-۱۱).

کلید این تنش الهی ممکن است در افسسیان ۱: ۴ یافت شود. عیسی مرد منتخب خدا است و همه به طور بالقوه در او انتخاب می‌شوند (کارل بارت). عیسی "بله" خدایی به نیاز بشر است (کارل بارت). افسسیان ۱: ۴ همچنین به روشن کردن این مسئله می‌پردازد با تصریح اینکه هدف تقدیر بهشت نیست، بلکه تقدس (همانند مسیح بودن) است. ما اغلب جذب مزایای انجیل می‌شویم و مسئولیتها را نادیده می‌گیریم! فراخواندن از جانب خدا (انتخاب) برای زمان و همچنین ابدیت است!

دکترین‌ها در ارتباط با حقایق دیگر، و نه منفرد یا حقایق غیر مرتبط هستند. یک شباهت خوب یک صورت فلکی در برابر یک ستاره است. خداوند حقیقت را در ژانرهای شرقی ارائه می‌دهد، نه غربی. ما نباید تنش ناشی از دیالکتیک دوتایی (پارادوکسی) حقایق دکترین را حذف کنیم (به عنوان مثال: خدا به عنوان متعالی در مقابل خدای همه جا حاضر؛ امنیت و استقامت؛ عیسی هم‌مطراز با پدر در مقابل عیسی مطیع پدر است؛ آزادی مسیحی در مقابل مسئولیت نسبت به همپیمان و غیره).

مفهوم الهیاتی "عهد/پیمان" حاکمیت خداوند (که همیشه ابتکار عمل را در دست داشته و برنامه را تنظیم می‌کند) را با یک توجیه ابتدایی و دائمی توجیه پذیر، ادعای ایمان از یک فرد متحد می‌کند. مراقب باشید که پیام یکطرف پارادوکس را اثبات نکنید و پیام طرف دیگر را نادیده بگیرید! مراقب باشید فقط از دکترین مورد علاقه خود یا سیستم الهیات حمایت نکنید!

مطالعه عبارت و کلام

NASB (به روز شده): ۱: ۱ الی ۲

^۱ از پولس که به خواست خدا رسول مسیح عیسی است، به مقدسین ساکن در شهر افسس، به آنان که در مسیح عیسی وفادارند:
^۲ فیض و سلامتی از سوی خدا، پدر ما، و خداوند عیسی مسیح، بر شما باد.

۱: ۱ "پولس" اسم یونانی "پولس" به معنی "کوچک" است. نظریات زیادی در مورد منشأ نام او وجود دارند.

۱. یک نام مستعار که قد فیزیکی او را توصیف میکرد. روایات قرن دوم میگویند که پولس قد کوتاه، چاق، دارای پاهای خمیده بود، ابروان پرپشت و چشمان زاق داشت. این یک توصیف احتمالی و ظاهری از پولس است. این توصیف قرن دومی از کتاب غیر مقدس تسالونیکیان به نام پولس و نکلا آمده است.

۲. ارزیابی معنوی شخصی پولس، نقل قول‌هایی مانند اول قرن‌تینان ۱۵: ۹، افسسیان ۳: ۸؛ اول تیموتائوس ۱: ۱۵، جایی که او خود را "حقیر مقدسین" می‌نامد (شاید به این دلیل که کلیسا را مورد آزار و اذیت قرار داد، اعمال رسولان ۹: ۱-۲). برخی این حس "حقارت" را به عنوان منشاء این نام که خودش انتخاب کرده می‌دانند. با این حال، در کتابی مانند غلاطیان، جایی که او تأکید زیادی بر استقلال و برابری خود با دوازده رسول اورشلیم می‌گذارد، این گزینه بعید است (مراجعه شود به اول قرن‌تینان ۱۵: ۱۰، دوم قرن‌تینان ۱۱: ۵، ۱۲: ۱۱).

■ "رسول" اصطلاح "رسول" از اصطلاح یونانی "فرستادن" (*apostellō*) می‌آید. موضوع خاص در کولسیان ۱: ۱۱ را مطالعه کنید. عیسی دوازده شاگردش

را انتخاب کرد تا با او باشند و به مفهوم خاصی آنان را "رسولان" نامید (مراجعه شود به انجیل لوقا ۶: ۱۳). این اصطلاح اغلب در مورد عیسی که از جانب پدر فرستاده شده استفاده شده است (مراجعه شود به انجیل متی ۱۰: ۴۰، ۱۵: ۲۴، انجیل مرقس ۹: ۳۷، انجیل لوقا ۹: ۴۸، انجیل یوحنا ۴: ۳۴، ۵: ۲۴ و ۳۰ و ۳۶ و ۳۷ و ۳۸، ۷: ۲۹، ۸: ۴۲، ۱۱: ۳۶، ۱۷: ۳ و ۸ و ۱۸ و ۲۱ و ۲۳ و ۲۵، ۲۰: ۲۱). در منابع یهودی، در مورد کسی که به عنوان نماینده رسمی از جانب شخص دیگری فرستاده میشود، استفاده شده است، مشابه "سفیر" (مراجعه شود به دوم قرن تیان ۵: ۲۰).

■ "مسیح" (در زبان انگلیسی *Christ* است و در زبان فارسی نام عبری مسیح استفاده می شود- مترجم) این معادل یونانی نام عبری "مسیح" است (مراجعه شود به موضوع خاص در کولسیان ۱: ۱؛ مراجعه شود به دانیال: ۹: ۲۵-۲۶؛ یوحنا ۴: ۱؛ ۴: ۲۵)، که به معنی "آن تطهیر شده" است (مراجعه شود به انجیل متی ۱: ۱۶). این یک عنوان نادر در عهد عتیق است، اما مفهوم یک ناجی خاصی که از یهوه قدرت میگیرد، یک موضوع تکراری است. جنبه های سلطنتی و مقدس را می توان در مزامیر ۱۱۰: ۱ و ۴ و زکریا ۴: ۱۱ الی ۱۴ دید. دلالت بر آن دارد که "فردی توسط خدا برای یک کار خاص فرا خوانده شده است". در عهد عتیق سه گروه رهبران: کشیشان، پادشاهان و پیامبران "تطهیر شده" بودند. عیسی تمام سه گروه تطهیر شده را به تنهایی پوشش میدهد (عبرانیان ۱: ۲-۳).

عناوین عهد عتیق برای آن موعود که می آید (Special Topic: NT Terms For Christ's Return)

۱. پیامبر - تثنیه ۱۸: ۱۵ و ۱۸
۲. پادشاه
 - a. از قبیله یهود، پیدایش ۴۹: ۱۰، مزمور ۶۰: ۷، ۱۰۸: ۸
 - b. از خانواده داوود، دوم سموئیل ۷ (از ایشا، اشعیا ۱۱: ۱)
 - c. از سایر متون، اول سموئیل ۲: ۱۰، مزمور ۸۹: ۳ و ۴، اشعیا ۹: ۱۱، ارمیا ۳۰: ۸ و ۹، حزقیال ۳۷: ۲۱ و ۲۲، زکریا ۹: ۹ و ۱۰
۳. پادشاه / کشیش
 - a. مزمور ۱۱۰ (پادشاه، ۱-۳، کشیش، بخش ۴)
 - b. زکریا ۴: ۱۴ (دو درخت زیتون، دو تدهین شده، زروبابل (عصای داوود) و یوشع (عصای آرون))
 ۴. آن تدهین شده (به موضوع خاص: مسیح مراجعه شود)
 - a. پادشاه خدا، مزمور ۲: ۲، ۴۵: ۷
 - b. حضور روح القدس، اشعیا ۱۱: ۲، ۶۱: ۱
 - c. آن که می آید، دانیال ۹: ۲۶
 - d. سه رهبر عهد عتیق تدهین شدند به عنوان نشانی مبنی بر فراخواندن توسط خدا و قدرت داده شدن به آنها (مراجعه شود به داوران ۹: ۸ و ۱۵، اول سموئیل ۲: ۱۰، ۹: ۱۶، ۲۴: ۱۰، دوم سموئیل ۱۹: ۲۱، ۲۳: ۱، مزمور ۱۸: ۵۰)، کشیشان (مراجعه شود به کتاب خروج ۲۸: ۴۱، لاویان ۴: ۳، ۶: ۲۲)، و پیامبران (مراجعه شود به اول پادشاهان ۱۹: ۱۶)
۵. پسر پادشاه
 - a. مزمور ۲: ۷ و ۱۲
 - b. پادشاه اسرائیل به نماد پادشاهی خدا (مراجعه شود به اول سموئیل ۸)
۶. پسر انسان (دانیال ۷: ۱۳، به موضوع خاص: پسر انسان مراجعه شود)
 - a. انسان، مزمور ۸: ۴، حزقیال ۲: ۱
 - b. خدا، دانیال ۷: ۱۳
۷. عناوین رستگاری خاص
 - a. خدمتگزار رنج دیده، اشعیا ۵۲: ۱۳ الی ۵۳: ۱۲
 - b. چوپان رنج دیده، زکریا ۱۲ الی ۱۴
 - c. سنگ زیرین، مزمور ۱۱۸، اشعیا ۸: ۱۴ الی ۱۵، ۲۸: ۱۶ (به موضوع خاص: سنگ زیرین مراجعه شود)
 - d. فرزند خاص، اشعیا ۷: ۱۴، ۹: ۶ و ۷، میکاه ۵: ۲
 - e. شاخه، اشعیا ۴: ۲، ۱۱: ۱ الی ۵، ۵۳: ۲، ارمیا ۲۳: ۵ الی ۶، ۳۳: ۱۵، زکریا ۳: ۸، ۶: ۱۲ (به موضوع خاص: عیسی ناصری مراجعه شود)

عهد عتیق از این مراجع پراکنده درباره نماینده اش برای رستگاری خاص استفاده می کند و آنها را توضیح داده و شفاف می سازد تا به حدی که به این درک برسیم که عیسی به عنوان آن فرد خاصی است که خدا وعده داده بود (مراجعه شود به انجیل متی ۱۶: ۱۳: ۲۰، یوحنا ۱۱: ۲۵ الی ۲۷). دو آمدن مسیح ابزاری هستند که توسط آن عملکردها و عناوین متفاوت و پراکنده به یکدیگر مرتبط می شوند (به موضوع خاص: این عصر و عصری که خواهد آمد مراجعه شود).

برای مطالعه خوب در باره تمایز میان فرزند انسان به عنوان نماد اختیار در مقابل خدمتگزار رنج دیده، به *A Theology of the New Testament* نوشته George E. Ladd صفحات ۱۴۹ الی ۱۵۸ مراجعه کنید.

■ "عیسی" این اسم عبری/آرامی به معنی "یهوه نجات می دهد" یا "یهوه رستگاری می آورد" است. به وسیله یک فرشته (مراجعه شود به انجیل متی ۱: ۲۱) به پدر و مادرش نشان داده شد. "عیسی" از کلمه عبری برای نجات، هوشع، همراه با اختصاری اولیه از نام معبد خداوند، "یهوه" مشتق شده است. همانند نام یهودی یوشع است. نگاه کنید به موضوع خاص: اسامی الهی در کولسیان ۱: ۳.

■ "به خواست خدا" این همان عبارت مقدمه در کولسیان ۱: ۱، اول قرنتیان ۱: ۱؛ دوم قرنتیان ۱: ۱؛ و دوم تیموتائوس ۱: ۱ است. پولس متقاعد شد که خدا او را به عنوان رسول انتخاب کرده است. این حس خاص فراخوانده شدن، از زمان ایمان آوردن او در جاده دمشق آغاز شد (مراجعه شود به اعمال رسولان ۹: ۲۲؛ ۲۶). این نیز یک روش الهیاتی است که می توان به اقتدار رسالت او اشاره کرد. موضوع خاص در افسسیان ۱: ۹ را مطالعه کنید.

■ "به قدیسان" (در متن انگلیسی اصطلاح *saints* به معنی قدیس نوشته شده است-مترجم) "قدیسان" (*hagioi*) از لحاظ الهیاتی مرتبط با اصطلاح عهد عتیقی "مقدس" (*holly*) (*kadosh*) است که به معنای "جدا شده جهت خدمت به خدا" است (اول قرنتیان ۱: ۲، دوم قرنتیان ۱: ۱، رومیان ۱: ۷، فیلمون ۱: ۱؛ کولسیان ۱: ۲). این اصطلاح در عهد جدید همه جا به صورت جمع استفاده شده است به جزء یک بار در فیلیپیان (۴: ۲۱)، اما حتی در آنجا، از آن به مفهوم کلی و جمع استفاده می شود. کتاب مقدس یک کتاب گروهی است. نجات دادن این است که بخشی از جامعه همپیمان و ایمان، خانواده مؤمنان باشد. موضوع ویژه: قدیسان در کولسیان ۱: ۲ را ببینید.

مردم خدا به دلیل پارسایی عیسی (مراجعه شود به رومیان ۴: ۴؛ دوم قرنتیان ۵: ۲۱) مقدس هستند. این خواسته خداست که آنها مقدس زندگی می کنند (مراجعه شود به افسسیان ۱: ۴؛ ۲: ۱۰؛ ۴: ۱؛ ۵: ۲۷؛ کولسیان ۱: ۲۲؛ ۳: ۱۲؛ انجیل متی ۵: ۴۸). مؤمنان هم مقدس (تقدس موقعیتی) اعلام شده اند و هم خواسته شده تا با قداست زندگی کنند (تقدیس مترقی). توجیه و تقدیس باید با هم تأیید شوند!

موضوع خاص: تقدس در عهد جدید

(Special Topic: Nt Holiness / Sanctification)

عهد جدید معتقد است که وقتی گناهکاران با توبه و ایمان به سوی عیسی باز می گردند (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱: ۱۵؛ اعمال رسولان ۳: ۱۹، ۱۶؛ ۲۱: ۲۰)، آنها بلافاصله موجه و تقدیس می شوند. این موقعیت جدید آنها در مسیح است. پارسایی او به آنها نسبت داده میشود (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۱۵: ۶؛ رومیان ۴). آنها درست و مقدس (عملی از سوی خدا) اعلام میشوند. اما عهد جدید نیز مؤمنان را به تقدس و تقدیس دعوت می کند. این هر دو موقعیت الهیات در کار پایان یافته عیسی مسیح و دعوت به مسیحیت در نگرش و اعمال در زندگی روزمره است. به عنوان رستگاری یک هدیه رایگان است و هزینه زندگی و شیوه زندگی هم همینطور تقدس است.

پاسخ اولیه

اعمال رسولان ۲۶: ۱۸

رومیان ۱۵: ۱۶

اول قرنتیان ۱: ۲ الی ۳، ۶: ۱۱

دوم تسالونیکیان ۲: ۱۳

عبرانیان ۲: ۱۱، ۱۰: ۱۰ و ۱۴، ۱۳: ۱۲

دوم پطرس ۱: ۲

مسیحیت پیشرو

رومیان ۶: ۱۹

دوم قرنتیان ۷: ۱

افسسیان ۱: ۴، ۲: ۱۰

اول تسالونیکیان ۳: ۱۳، ۴: ۳ الی ۷، ۵: ۲

اول تیموتائوس ۲: ۱۵

دوم تیموتائوس ۲: ۲۱

اول پطرس ۱: ۱۵ الی ۱۶

عبرانیان ۱۲: ۱۴

در این نقطه مشکلی در دستنویس وجود دارد. برخی از متون یونانی باستان (P^{46} ، κ^* ، B^* ، و همچنین متن یونانی که توسط اورینگن و ترتولیان استفاده شده) "در افسس" را حذف کرده‌اند. مارسیون اولیه یونانی، افسسیان را "نامه به لائودیکیه" نامیده است. این عبارت در نسخ خطی G و F ، D ، B^2 ، A ، κ^2 ، عبارت در نسخ خطی G دیده می‌شود. همچنین در ترجمه‌های والگیت، سیریاک، کپتیک و ارمنی دیده می‌شود.

دستور زبان یونانی افسسیان ۱: ۱ می‌تواند نام مکان را جایگزین کند. بنابراین، نام محل به طور عمد حذف شده، زیرا نامه به عنوان یک نامه گردشی عمل میکرد، هر کلیسا در هنگام عبادت عمومی موقع قرائت نامه، در این محل خالی، نام خود را میخواند. اولین کاتب در افسس (بزرگترین کلیسا در منطقه) جای خالی را پر میکرد.

■ "که ... وفادارند" کلمات "ایمان"، "اعتماد" و "اعتقاد" استفاده شده در ترجمه انگلیسی همه ریشه یونانی مشابه (*piſtis*) دارند. تأکید اصلی عهد عتیقی کلمه این است که اعتماد به خدا، و نه شور و شوق و یا صداقت پاسخ انسان است. مومنین باید به شخصیت قابل اعتماد و وعده‌های جاودانی او پاسخ دهند، دریافت کنند و به او اعتماد کنند. کلید، ایمان ما است، نه شدت آن. مسیحیت ایمان به مسیح است، نه ایمان به ایمان. مسیحیت پاسخ اولیه توبه و ایمان است که به دنبال شیوه زندگی وفاداری است. ایمان انجیلی مجموعه‌ای از گزینه‌های انسانی است - توبه، ایمان، اطاعت، و استقامت. به موضوع خاص: ایمان، اعتقاد، اعتماد در کولسیان ۱: ۲ مراجعه کنید.

۱: ۲ "فیض و سلامتی بر شما باد" تبریک معمول یونانی، کلمه تبریک (چارین) بود، "برای تشویق خوب". پولس مشخصاً این را به صدایی بسیار مشابه اما مسیحی، تبدیل کرد، اصطلاح *charis* یا فضل. بسیاری تصور می‌کردند که پولس به نحوی ترکیبی از تبریک یونانی و تبریک عبری به اصطلاح "آرامش" است که شلوم عبری را می‌گوید. اگر چه این یک نظریه جذاب به نظر می‌رسد، ولی در این عبارت مقدمه معمولی پولس زیاده روی است (مراجعه شود به رومیان ۱: ۷، اول قرنتیان ۱: ۳، دوم قرنتیان ۱: ۲، فیلمون ۳). از لحاظ الهیاتی، فیض خدا همیشه بر آرامش انسان پیشی می‌گیرد!

■ "پدر" این اصطلاح در مفهوم جنسی و تولید مثل یا توالی زمانی نیست، بلکه در مفهوم رابطه خانوادگی صمیمی استفاده شده است. خداوند اصطلاحات خانوادگی را برای نشان دادن خود به بشریت انتخاب کرد (به عنوان مثال: هوشع ۲ الی ۳ به عنوان عشق پرشور، وفادار، هوشع ۱۱ به عنوان دوست پدر و مادر). به موضوع ویژه: پدر در کولسیان ۱: ۲ مراجعه کنید.

■ "خداوند" (در انجیل برای عیسی مسیح اصطلاح *Lord* به معنی ارباب/سرور به کار رفته است-مترجم) اصطلاح یونانی "لرد" (*kurios*) را می‌توان به مفهوم کلی یا به لحاظ معرفت شناختی توسعه داد. این می‌تواند به معنی "ارباب"، "آقا"، "رئیس"، "مالک"، "شوهر" (به عنوان مثال، انجیل یوحنا ۴: ۱۱، ۱۵ و ۹: ۳۶) یا "خداوند" (به عنوان مثال، انجیل یوحنا ۴: ۱۹ و ۹: ۳۸) باشد. استفاده عهد عتیق (عبری، *adon*) از این اصطلاح به دلیل عدم تمایل یهودیان در گفتن نام پیمان برای خدا، بی‌هوه بود (مراجعه شود به خروج ۳: ۱۴، به موضوع خاص: اسامی الهی در کولسیان ۱: ۳ مراجعه کنید). آنها از شکستن پیمان که میگفت: «نام خداوند، خدایتان را بی‌هوده بر زبان نیاورید، می‌ترسیدند (مراجعه شود به خروج ۲۰: ۷؛ تثنیه ۵: ۱۱). بنابراین، آنها تصور می‌کردند اگر آن را بر زبان نیاورند، بی‌هوده به کار نبرده‌اند. بنابراین، آنها کلمه عبری را آدون جایگزین کردند، که معنی مشابهی با کلمه یونانی به معنی (لرد) داشت. نویسندگان عهد جدید از این اصطلاح برای توصیف کامل خدایی بودن مسیح استفاده می‌کنند. عبارت "عیسی سرور (لرد) است" اعتراف عمومی از ایمان و فرمول کلیسا کلیسای اولیه بود (رومیان ۱۰: ۹-۱۳؛ اول قرنتیان ۱۲: ۳؛ فیلمون ۲: ۱۱).

NASB (به روز شده): افسسیان ۱: ۳ الی ۱۴

۳ متبارک باد خدا و پدر خداوند ما عیسی مسیح، که ما را در مسیح به هر برکت روحانی در جایهای آسمانی مبارک ساخته است. ۴ زیرا پیش از آفرینش جهان، ما را در وی برگزید تا در حضورش مقدس و بی‌عیب باشیم. و در محبت، بنا بر قصد نیکوی اراده خود، ما را از پیش تعیین کرد تا به واسطه عیسی مسیح از مقام پسرخواندگی او برخوردار شویم؛ ۶ تا بدین وسیله فیض پر جلال او ستوده شود، فیضی که در آن محبوب به‌اریگان به ما بخشیده شده است. ۷ در او، ما به واسطه خون وی رهایی یافته‌ایم، که این همان آموزش گناهان است، که آن را به اندازه غنای فیض خود، ۸ همراه با حکمت و فهم کامل، به‌فراوانی به ما بخشیده است. ۹ او راز اراده خود را به ما شناسانید، بنا بر قصد نیکوی خود که در مسیح نمایان ساخت ۱۰ به جهت اداره امور کمال دوران. و آن اراده این است که همه چیز را، خواه آنچه در آسمان و خواه آنچه بر زمین است، در یکی یعنی مسیح گرد آورد.

۱۱ ما نیز در وی میراث او گشتیم، زیرا بنا بر قصد او که همه چیز را مطابق رأی اراده خود انجام می‌دهد، از پیش تعیین شده بودیم. ۱۲ تا ما که نخستین کسانی بودیم که به مسیح امید بستیم، مایه ستایش جلال او باشیم. ۱۳ و شما نیز در او جای گرفتید، آنگاه که پیام حقیقت، یعنی

بشارتِ نجات خود را شنیدید؛ و در او نیز چون ایمان آوردید، با روح القدس موعود مُهر شدید،^{۱۴} که بیعانهٔ میراث ماست برای تضمین رهایی آنان که از آن خدایند، تا جلال او ستوده شود.

۱: ۳ آیات ۱۴-۳ یک عبارت طولانی یونانی هستند که از مشخصه‌های این کتاب است (مراجعه شود به افسسیان ۱: ۱۴-۳، ۱۵-۲۳؛ ۲: ۱-۱۰، ۱۴-۱۸، ۲۲-۱۹؛ ۳: ۱-۱۲، ۱۴-۱۹؛ ۴: ۱۱-۱۶؛ ۶: ۱۳-۲۰).

■ "متبارک باد خدا" این اصطلاح یونانی "ستایش" (*eulogō*) همیشه برای ستایش خداوند استفاده می‌شود. این یک اصطلاح متفاوت از "برکت" (*macarios*) از *beatitudes* به مفهوم برکت و سعادت جاودانی (مراجعه شود به انجیل متی ۵: ۱-۹، ۱۰-۱۱) است. پدر، پسر و روح را فرستاد تا مؤمنان را به مشارکت با خود و همکاری با یکدیگر پیوند دهد. پولس معمولاً نامه‌های خود را با دعا برای قدردانی برای دریافت کنندگان آغاز می‌کند (مراجعه شود به افسسیان ۱: ۱۵-۲۳)، اما در اینجا در یک نامه گردشی منحصر به فرد، او ستایش گسترده‌ای برای تثلیث الهی مینویسد.

■ "که در مسیح ما را برکت داده است" خداوند مؤمنین را برکت می‌دهد. مومنین همه چیز را از طریق مسیح دریافت می‌کنند. آیات ۳-۱۴ در نسخه یونانی یک جمله هستند که نشان می‌دهد کار تثلیث قبل از زمان، در زمان و فراتر از زمان است. با این حال، هیجان پدر در تمام سه بخش افزایش یافته است (مراجعه شود به افسسیان ۱: ۳-۶، ۷-۱۲ و ۱۳-۱۴).

موضوع خاص: تثلیث

(Special Topic: Trinity)

به فعالیت هر سه نفر در یک قالب متحدالشکل توجه کنید. کلمه "تثلیث" که نخستین بار توسط ترتولین ها به کار برده شد، یک کلمه انجیلی نیست، ولی مفهوم آن فراگیر است.

۱. اناجیل

a. انجیل متی ۳: ۱۶ و ۱۷، ۱۹: ۲۸ (و بقیه بطور موازی)

b. انجیل یوحنا ۱: ۲۶

۲. اعمال رسولان - اعمال رسولان ۲: ۳۲ و ۳۳، ۳۸ و ۳۹

۳. پولس

a. رومیان ۱: ۴ و ۵، ۱: ۵ و ۵، ۱: ۸ الی ۴، ۱۰: ۸

b. اول قرنتیان ۲: ۸ الی ۱۰، ۴: ۱۲ الی ۶

c. دوم قرنتیان ۱: ۲۱ و ۲۲، ۱۳: ۱۴

d. غلاطیان ۴: ۴ الی ۶

e. افسسیان ۱: ۳ الی ۱۴ و ۱۷، ۱۸: ۲، ۱۴: ۳ الی ۱۷، ۴: ۴ الی ۶

f. اول تسالوکیان ۱: ۲ الی ۵

g. دوم تسالوکیان ۱: ۱۳

h. تیتوس ۳: ۴ الی ۶

۴. پیتر - اول پطرس ۱: ۲

۵. یهودا - ۲۰ الی ۲۱

چندگانگی خدا در عهد عتیق دیده می‌شود

۱. کاربرد به صورت جمع برای خدا

a. نام الوهیم (*Elohim*) جمع است (به موضوع خاص: اسامی الهی مراجعه کنید)، ولی وقتی در مورد خدا به کار می‌رود همیشه فعل به صورت مفرد است

b. "به ما" در سفر پیدایش: ۱: ۲۶ و ۲۷، ۳: ۲۲، ۱۱: ۱۷

۲. "فرشته خدا" (به موضوع خاص: فرشته خدا مراجعه کنید) نماینده مرئی الهیات است

a. سفر پیدایش ۱۶: ۷ الی ۱۳، ۱۱: ۲۲ الی ۱۵، ۱۱: ۳۱ و ۱۳، ۱۵: ۴۸ و ۱۶

b. خروج ۳: ۲ و ۴، ۲۱: ۱۳، ۱۹: ۱۴

c. داوران ۱:۲، ۲۲:۶ و ۲۳:۳ الی ۲۲

۳. خدا و روح القدس جدا هستند، سفر پیدایش ۱:۱ و ۲، مزمور ۱۰۴:۳۰، اشعیا ۹:۶۳ الی ۱۱، حزقیال ۱۳:۱۳ و ۱۴

۴. خدا (یهوه) و مسیح (Adon) جدا هستند، مزمور ۴۵:۶ و ۷، زکریا ۸:۲ الی ۱۱، ۹:۱۰ الی ۱۲

۵. مسیح و روح القدس جدا هستند. زکریا ۱۰:۱۲

۶. هر سه در اشعیا ۱۶:۴۸ و ۶۱:۱ نام برده شده‌اند.

الهی بودن مسیح شخصیت روح القدس باعث مشکلاتی برای یکتاپرستان سختگیر و مومنین اولیه شد (به موضوع خاص: یکتاپرستان مراجعه شود)

۱. ترتولین - پسر را زیر دست پدر می‌دانستند

۲. اورینگن - ذات الهی پسر و روح القدس را پائینتر می‌دانستند

۳. آریوس - الهی بودن پسر و روح القدس را انکار می‌کردند

۴. یکتاپرستان - از لحاظ ترتیب زمانی مطرح شدن، به یک خدا در قالب پدر، پسر و روح القدس اعتقاد داشتند.

تشلیث از لحاظ تاریخی یک فرمول بسط یافته است که توسط مطالب انجیلی مطرح شده است

۱. به طور کامل الهی بودن عیسی، برابر بودن با خدا در ۳۲۵ پس از میلاد توسط شورای نیکیا تصریح شد (رجوع شود به یوحنا ۱:۱، فیلیپیان ۲:۶، تیتوس ۲:۱۳)

۲. برابر بودن شخصیت و الهیت کامل روح القدس با پدر و پسر در سال ۳۸۱ پس از میلاد توسط شورای قسطنطنیه تصریح شد

۳. دکترین تشلیث به طور کامل در اثر آگوستین بنام *De Trinitate* بیان شده است

این واقعا یک راز است. ولی عهد عتیق یک ذات الهی را (یکتاپرستی) با سه شخصیت (پدر، پسر، روح القدس) تصریح می‌کند.

NASB, NKJV,

"در جاهای بهشتی"

NRSV

"در دنیای بهشتی"

TEV

"برکات روحانی بهشت"

NJB

این صفت عددی جمع خنثی "مکانی در بهشت" (*epouranious*) تنها در افسسیان استفاده شد (مراجعه شود به افسسیان ۱: ۲۰؛ ۲: ۶؛ ۳: ۱۰؛ ۶: ۱۲). از متن کلیه جاهایی که در آنها استفاده شده، باید به معنای قلمرو معنوی باشد که در آن مومنین در اینجا و در حال حاضر زندگی می‌کنند، نه در بهشت.

۱:۴ "ما را برگزید" این آئوریسست میانی اخباری است که بر انتخاب مصرانه فاعل تأکید میکند. این تا قبل از زمان انتخاب پدر بود. انتخاب خدا نباید در معنای اسلامی جبرگرایی و نه در معنای فوق کالونینیستی "خداوند برخی را انتخاب میکند در برابر خدا دیگران را انتخاب نمیکند"، بلکه در مفهوم پیمانی است. خداوند وعده داده است که بشریت گمراه و سقوط کرده را نجات میدهد (مراجعه شود به پیدایش ۳: ۱۵). خداوند ابراهیم را فرا خواند و انتخاب کرد تا همه انسانها را انتخاب کند (مراجعه شود به پیدایش ۱۲: ۳؛ خروج ۱۹: ۵-۶). موضوع خاص: طرح رستگاری ابدی یهوه را مطالعه کنید. خداوند همه را از طریق مسیح فرا می‌خواند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۳: ۱۶؛ اول تیموتائوس ۲: ۴؛ دوم پطرس ۳: ۹؛ اول یوحنا ۲: ۲؛ ۴: ۱۴؛ خود خدا همه افرادی را انتخاب می‌کند که ایمان به مسیح دارند. انتخاب مؤمنان از اعتماد به مسیح، تأیید می‌کند، تعیین نمی‌کند که انتخاب خداوند آنها باشد. خدا همیشه ابتکار عمل را در رستگاری در دست می‌گیرد (انجیل یوحنا ۴: ۴۴، ۶: ۶۵). این متن و رومیان ۸: ۲۸-۳۰، ۹: الی ۳۳ متون اصلی عهد جدید برای دکترین تقدیر است که توسط آگوستین و کالوین تأکید شده است.

خدا مومنین را نه فقط برای رستگاری بلکه برای تقدس انتخاب میکند (مراجعه شود به کولسیان ۱: ۱۲)! این میتواند در ارتباط با یکی از موارد زیر باشد:

۱. موقعیت ما در مسیح (مراجعه شود به دوم قرنتیان ۵: ۲۱)

۲. تمایل خدا برای بازسازی شخصیت خود در فرزندان (مراجعه شود به افسسیان ۲: ۱۰، رومیان ۸: ۲۸ الی ۲۹، غلاطیان ۴: ۱۹، اول تسالونیکیان

(۳: ۴)

اراده خدا برای فرزندان این است که هم روزی در بهشت باشند و هم اکنون همانند مسیح باشند.

ضمایر در این عبارت مبهم هستند. بیشتر به خدا پدر اشاره دارد. این متن کامل از عشق، قصد و هدفش برای آموزش بشریت است. با این حال، در متن

واضح است که ضمائر در افسسیان ۱: ۷، ۹، ۱۳ و ۱۴ به عیسی اشاره دارند.

■ "در او" این یک مفهوم کلیدی است. نعمات پدر، فیض و رستگاری تنها از طریق مسیح جریان می‌یابند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۰: ۷-۱۸: ۱۴: ۶). به تکرار این شکل دستوری (موقعیت مکانی) را در افسسیان ۱: ۳ مشاهده کنید. "در مسیح"؛ افسسیان ۱: ۴، "در او"؛ افسسیان ۱: ۷، "در او"؛ افسسیان ۱: ۹، "در او"؛ افسسیان ۱: ۱۰، "در مسیح"، "در او"؛ افسسیان ۱: ۱۲، "در مسیح" و افسسیان ۱: ۱۳، "در او" (دو بار). اینها همسو با "در معشوق" افسسیان ۱: ۶ هستند. عیسی "بله" خداوند به انسان سقوط کرده و گمراه است (کارل بارت). عیسی مرد منتخب است و همه به طور بالقوه در او انتخاب می‌شوند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۳: ۱۶). همه نعمات خداوند پدر از طریق مسیح جریان می‌یابند.

■ "پیش از آفرینش جهان" این عبارت نیز در انجیل متی ۲۵: ۳۴، انجیل یوحنا ۱۷: ۲۴؛ اول پطرس ۱: ۱۹-۲۰ و مکاشفه ۱۳: ۸ استفاده شده است. این کار رستگاری سه جانبه خدا را حتی قبل از پیدایش ۱: ۱ نشان می‌دهد. به موضوع خاص: استفاده پولس از کاسموس در کولسیان ۱: ۶ مراجعه کنید. انسانها از لحاظ زمانی خود محدود هستند. همه چیز برای ما، گذشته، حال، یا آینده است، اما نه برای خدا. تاریخ برای او ابدی است.

■ "تا در حضورش مقدس و بی‌عیب باشیم" هدف تقدیر، تقدس است، نه مزیت و برتری. دعوت خدا برای چند نفر از فرزندان منتخب آدم نیست، بلکه برای همه است! این یک فراخوان است از جانب خدا تا انسان همانی باشد که قصدش را داشت، یعنی شبیه خودش، یعنی شبیه مسیح، (مراجعه شود به رومیان ۸: ۲۸-۳۰؛ ۲ قرنتیان ۳: ۱۸؛ غلاطیان ۴: ۱۹؛ افسسیان ۴: ۱۳؛ اول تسالونیکیان ۳: ۱۳؛ ۴: ۳؛ ۵: ۲۳؛ دوم تسالونیکیان ۲: ۱۳؛ تیتوس ۲: ۱۴؛ اول پطرس ۱: ۱۵)؛ در تصویر او (مراجعه شود به پیدایش ۱: ۲۶-۲۷). تبدیل تقدیر به یک اصل مذهبی، بجای زندگی از روی تقدس، یک فاجعه است. اغلب الهیات سیستماتیک ما، بلندتر از متون کتاب مقدس صحبت می‌کنند!

اصطلاح "بدون گناه" (*amōmos*) یا "آزاد از عیب" در موارد زیر استفاده میشوند:

۱. عیسی (مراجعه شود به عبرانیان ۹: ۱۴، اول پطرس ۱: ۱۹)
۲. زکریا و الیزابت (مراجعه شود به انجیل لوقا ۱: ۶)
۳. پولس (مراجعه شود به فیلیپیان ۳: ۶)
۴. تمامی مسیحیان واقعی (مراجعه شود به فیلیپیان ۲: ۱۵، اول تسالونیکیان ۳: ۱۳، ۵: ۲۳)

موضوع خاص در کولسیان ۱: ۲۲ را مطالعه کنید.

اراده تغییر ناپذیر خدا برای هر مؤمن، نه تنها بهشت در آینده است، بلکه اینک همانند مسیح بودن هم هست (مراجعه شود به رومیان ۸: ۲۹ الی ۳۰، دوم قرنتیان ۳: ۱۸، غلاطیان ۴: ۱۹، اول تسالونیکیان ۳: ۱۳، ۴: ۳، اول پطرس ۱: ۱۵). مؤمنین باید منعکس کننده ویژگیهای خداوند به دنیای از دست رفته به منظور بشارت باشند.

موضوع خاص: مقدس

(Special Topic: Holy)

۱. عهد عتیق (عمدتا از اشعیا الهام گرفته شده)

- a. ریشه اصطلاح (*kadosh* BDB 872, KB 1072) مشخص نیست، احتمالا کنعانی است (یعنی Ugaritic). این احتمال هست که بخشی از ریشه آن (یعنی *kd*) به معنی "تقسیم کردن" باشد. این منشا اصطلاح متداول "تفکیک شده برای استفاده خدا (از فرهنگ کنعانی، مراجعه شود به کتاب تثنیه ۷: ۶، ۱۴: ۲ و ۲۱، ۲۶: ۱۹)" است.
- b. در رابطه با حضور خدا در اشیا، مکانها، زمانها و افراد است. در کتاب پیدایش از آن استفاده نشده است ولی در کتابهای خروج، لاویان و اعداد متداول است.
- c. در ادبیات انبیا (به خصوص اشعیا و هوشع) عنصر فردی از پیش وجود دارند ولی بر آن تاکید نشده و پیش آورده نمی‌شود (موضوع خاص: آن مقدس را مطالعه کنید). این تبدیل به شیوه ای برای اطلاق کردن وجود خدا است (مراجعه شود به اشعیا ۶: ۳). خدا مقدس است. نام او که بیان کننده شخصیت او است مقدس است. مردمش که باید شخصیت او را به دنیای نیازمند آشکار کنند مقدس هستند (در صورتیکه از پیمان ایمان اطاعت کنند).

i. استفاده به عنوان صفت، BDB 872 𐤊𐤍𐤏𐤍، "مقدس"، "روحانی"

۱. خدا، اشعیا ۵: ۱۶، ۶: ۳ (سه مرتبه)، موضوع خاص: آن مقدس را مطالعه کنید

۲. نام او، اشعیا ۴۰: ۲۵، ۴۹: ۷، ۵۷: ۱۵

۳. مقر او، اشعیا ۵۷: ۱۵
 ۴. شبات او، اشعیا ۵۸: ۱۳
 ii. فعل، BDB 872 𐤇𐤁𐤁𐤀، "جدا از هم"، "consecrated"

۱. شخصیت خدا، اشعیا ۵: ۱۶، ۲۹: ۲۳
 ۲. خدا، اشعیا ۸: ۱۳، ۶۵: ۵
 ۳. فرشتگان خدا، اشعیا ۱۳: ۳
 ۴. نام خدا، ۲۹: ۲۳
 ۵. فستیوال، اشعیا ۳۰: ۲۹
 ۶. انسانهای محبوس، اشعیا ۶۶: ۱۷
- iii. اسم، BDB 871 𐤇𐤁𐤁𐤀، "جدایی"، "مقدس"
۱. بذر مقدس، اشعیا ۶: ۱۳
 ۲. کوه مقدس، اشعیا ۱۱: ۹، ۲۷: ۱۳، ۵۶: ۷، ۵۷: ۱۳، ۶۵: ۱۱ و ۲۵، ۶۶: ۲۰
 ۳. جدا کردن، اشعیا ۲۳: ۱۸
 ۴. راه تقدس، اشعیا ۳۵: ۸
 ۵. محراب، اشعیا ۴۳: ۲۸، ۶۲: ۹، ۶۴: ۱۱
 ۶. شهر مقدس، اشعیا ۴۸: ۲، ۵۲: ۱
 ۷. آن مقدس، اشعیا ۴۹: ۷ (موضوع خاص: آن مقدس را مطالعه کنید)
 ۸. دست مقدس اشعیا ۵۲: ۱۰
 ۹. روز مقدس، اشعیا ۵۸: ۱۳
 ۱۰. مردم مقدس، ۶۲: ۱۲
 ۱۱. روح القدس، ۶۳: ۱۰ و ۱۱
 ۱۲. پادشاهی خدا، اشعیا ۶۳: ۱۵
 ۱۳. مکان مقدس، اشعیا ۶۳: ۱۸
 ۱۴. شهر مقدس، اشعیا ۶۴: ۱۰

d. رحمت و عشق خدا از مفاهیم الهیاتی پیمانها، عدالت و شخصیت اصلی او جدایی ناپذیر هستند. در اینجا تنش خدا نسبت به انسان نامقدس، گمراه و یاغی دیده میشود. مقاله بسیار جالبی در مورد رابطه میان خدا به عنوان "رحیم" و خدا به عنوان "مقدس" در *Synonyms of the Old Testament* اثر Robert B. Girdlestone صفحات ۱۱۲ الی ۱۱۳ وجود دارد.

۲. عهد جدید

- a. نگارنده گان عهد جدید (به استثنای لوقا) عبری فکر میکردند، ولی به یونانی کوبین مینوشتند. کلیسای عهد جدید از ترجمه یونانی عهد عتیق Septuagint استفاده کرد. این ترجمه یونانی عهد عتیق بود، نه ادبیات، تفکر، یا مذهب یونانی که دستور زبان را کنترل میکرد.
- b. عیسی مقدس است زیرا از خدا و همانند خدا است (مراجعه شود به انجیل لوقا ۱: ۳۵، ۴: ۳۴، اعمال رسولان ۳: ۱۴، ۴: ۲۷ و ۳۰، مکاشفه ۳: ۷). او مقدس و پارسا است (مراجعه شود به اعمال رسولان ۳: ۱۴، ۲۲: ۱۴). عیسی مقدس است زیرا گناه نکرده است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۸: ۴۶، دوم قرنتیان ۵: ۲۱، عبرانیان ۴: ۱۵، ۷: ۲۶، اول پطرس ۱: ۱۹، ۲: ۲۲، اول یوحنا ۳: ۵).
- c. زیرا خدا مقدس است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۷: ۱۱، اول پطرس ۱: ۱۵۶ الی ۱۶، مکاشفه ۴: ۸، ۶: ۱۰)، فرزندان او باید مقدس باشند (مراجعه شود به رومیان ۸: ۲۸ الی ۲۹، دوم قرنتیان ۳: ۱۸، غلاطیان ۴: ۱۹، افسسیان ۱: ۴، اول تسالونیکیان ۳: ۱۳، ۴: ۳، اول پطرس ۱: ۱۵). مسیحیان نجات می یابند تا با همانند مسیح بودن (تقدس) خدمت کنند.

■ "در محبت" از نظر دستور زبانی، این عبارت می تواند با هر دو آیه ۴ یا آیه ۵ باشد. با این حال، هنگامی که این عبارت در مکانهای دیگر افسسیان مورد استفاده قرار می گیرد، آنها همیشه به عشق انسان به خدا اشاره می کنند (مراجعه شود به افسسیان ۳: ۱۷؛ ۴: ۲، ۱۵، ۱۶)

۵:۱

NASB "تقدیر ما را تعیین کرد"
 NKJV "با مقدر کردن تقدیر ما"

این وجه وصفی آئوریست فعال است. این اصطلاح یونانی ترکیبی از "قبل" (*pro*) و "علامت زدن" (*horizō*) است. این اشاره به طرح از پیش تعیین شده خدا است، به موضوع خاص: برنامه رستگاری جاودانی یهوه در افسسیان ۳: ۶ مراجعه کنید، (مراجعه شود به انجیل لوقا ۲۲: ۲۲؛ اعمال رسولان ۲: ۲۳، ۴: ۲۸؛ ۱۳: ۲۹؛ ۱۷: ۳۱؛ رومیان ۸: ۲۹-۳۰). توجه داشته باشید که طرح خداوند مشارکتی است (مراجعه شود به اعمال رسولان ۱۳: ۴۸). فردگرایی آمریکایی این مسئله فراگیر و تأکید گروهی را به تمرکز منحصر به فرد، شخصی و فردی تبدیل کرده است. خداوند افرادی را انتخاب میکند که او را انتخاب کنند.

تقدیر یکی از حقایق مرتبط با نجات بشر است. این بخشی از یک الگوی الهیاتی یا مجموعه‌ای از حقایق مرتبط است. هرگز منظور این نبود که به انزوا تأکید کرد! حقیقت کتاب مقدس در مجموعه‌ای از جفت‌های پارادوکسی و تنش قرار دارد. فرقه‌گرایی میخواست تنش انجیلی را با تأکید بر تنها یکی از حقایق دیالکتیکی حذف کند (مثالها: تقدیر در برابر اراده آزاد انسان، امنیت مؤمن در برابر استقامت، نخستین گناه بشر در مقابل گناه اختیاری؛ بی شرمی در برابر گناه کمتر، تقدیس بلافصل در مقابل تقدیس مترقی، ایمان در برابر کار، آزادی مسیحی در مقابل مسئولیت مسیحی، برتری در برابر حضور خدا در همه جا).

موضوع خاص: تقدیر (کالوینیسم) در برابر اراده آزاد انسان (ارمنیسم)

(Special Topic: Predestination (Calvinism) Vs. Human Free Will (Arminianism))

تیتوس ۲: ۱۱ یک توازن با دیگر متون عهد جدید در مورد انتخاب است. من فکر کردم ممکن است از لحاظ الهی مفید باشد برای ارائه یادداشت‌های تفسیر من از رومیان ۸: ۲۹ و فصل ۹ و همچنین افسسیان ۱.

I. رومیان ۸: ۲۹ - پولس از "از قبل آگاه بودن" (*proginōskō*)، "از قبل دانستن" دو بار، اینجا و ۱۱: ۲ استفاده می‌کند. در ۱۱: ۲ به عشق عهد خدا به اسرائیل قبل از زمان آغاز اشاره می‌کند. به یاد داشته باشید که اصطلاح "می‌دانید" در زبان عبری مربوط به رابطه صمیمی و شخصی است نه به حقایق مربوط به کسی (به پیدایش ۴: ۱؛ ارمیا ۱: ۵ مراجعه شود). در اینجا در زنجیره‌ای از حوادث ابدی گنجانده شده است (رومیان ۸: ۲۹-۳۰). این اصطلاح با دل‌بستگی مرتبط بود. با این حال، باید اظهار داشت که از پیش آگاهی خداوند مبنای انتخاب نیست، زیرا اگر چنین بود، انتخاب بر اساس واکنش آینده انسانی که منجر به عملکرد انسانی خواهد شد، خواهد بود. این اصطلاح نیز در اعمال رسولان ۲۶: ۵ یافت می‌شود. اول پطرس ۱: ۲، ۲۰ و دوم پطرس ۳: ۱۷.

A. "از قبل آگاه بودن" (*proginōskō*)، "از قبل دانستن"

اصطلاحات "از قبل دانستن" و "از قبل تعیین کردن مرزها/تقدیر" هر دو ترکیب با پیشنهاد از "قبل" هستند و بنابراین باید ترجمه شوند "قبل از دانستن"، "قبل از تعیین مرزها" یا "قبل از علامتگذاری". عبارات قطعی درباره پیش بینی در عهد جدید، رومیان ۸: ۲۸-۳۰؛ افسسیان ۱: ۱۳-۱۴؛ و رومیان ۹ هستند. این متون آشکارا تأکید می‌کنند که خداوند حاکم است. او کنترل کامل همه چیز را در دست دارد. یک طرح پیشنهادی الهی وجود دارد که به موقع کار می‌کند. با این حال، این طرح دلخواه یا انتخابی نیست. این نه تنها بر حاکمیت و آگاهی قبلی خداوند، بلکه بر شخصیت تغییر ناپذیر و عشق، رحمت و فضل او است. موضوع ویژه: برنامه رستگاری ابدی یهوه را مطالعه کنید.

ما باید از فردگرایی غربی (آمریکایی) یا دغدغه انجیلی ما، این واقعیت شگفت‌انگیز را در نظر داشته باشیم. ما همچنین باید در برابر جبهه‌گیری در درگیری‌های تاریخی و الهی بین آگوستین و پلیجیوس یا کالوینیسم در برابر آرمنیسم محافظت کنیم.

B. "پیش بینی شده" (*proorizō*)، "تعیین حد و مرز"

پیش فرض یک آموزه نیست که محدودیت عشق، فضل و رحمت خداوند را داشته باشد و برخی از انجیل را نیز نادیده بگیرد. این به معنای تقویت مؤمنان است با شکل دادن به جهان بینی آنها. خدا برای همه بشر است (یوحنا ۱: ۱۲، ۳: ۱۶؛ اول تیموتائوس ۲: ۴؛ دوم پطرس ۳: ۹؛ اول یوحنا ۲: ۲؛ ۴: ۱۴). خداوند همه چیز را کنترل می‌کند. چه کسی یا چه چیزی می‌تواند ما را از او جدا کند (رومیان ۸: ۳۱-۳۹)؟ خداوند تمام تاریخ را به صورت حال مشاهده می‌کند؛ انسانها در محدودیت زمان قرار دارند. چشم انداز و تواناییهای ذهنی ما محدود است. هیچ تضادی بین حاکمیت خدا و اراده آزاد انسان وجود ندارد. این یک ساختار پیمان است. این مثال دیگری از حقیقتی است که در تنش دیالکتیکی مطرح شده است. دکتترین‌های انجیلی از دیدگاه‌های مختلف ارائه شده‌اند. آنها اغلب پارادوکسی هستند. حقیقت، تعادل بین جفتهای به ظاهر مخالف است. ما نباید تنش را با انتخاب یکی از حقایق حذف کنیم. ما نباید حقیقت انجیل را در یک محفظه ایزوله کنیم.

همچنین مهم است که اضافه کنیم که هدف انتخاب نه تنها به بهشت رفتن است وقتی که ما می میریم، بلکه در حال حاضر همانند مسیح بودن است (رومیان ۸: ۲۹-۳۰؛ دوم قرنتیان ۳: ۱۸؛ غلاطیان ۴: ۱۹؛ افسسیان ۱: ۴؛ ۲: ۱۰؛ ۳: ۱۳؛ ۴: ۱۳؛ اول تسالونیکیان ۳: ۴؛ ۵: ۲۳؛ دوم تسالونیکیان ۱: ۱۳؛ ۲: ۱۴؛ اول پطرس ۱: ۱۵). ما انتخاب شدیم که "مقدس و بدون گناه" باشیم. خداوند ما را انتخاب کرد تا تغییر دهد تا دیگران تغییر را ببینند و با ایمان به خدا در مسیح پاسخ دهند. از قبل دانستن یک امتیاز شخصی نیست، بلکه مسئولیت در برابر پیمان است. این حقیقت اصلی متن است. این هدف مسیحیت است. تقدس اراده خدا برای هر مومن است. انتخاب خداوند برای همانند مسیح بودن (مراجعه شود به افسسیان ۱: ۴) است، نه یک موضع خاص. تصویر خدا، که به انسان در خلقت داده شده است (مراجعه شود به پیدایش ۱: ۲۶؛ ۵: ۱؛ ۳: ۹؛ ۶) باید بازسازی شود.

C. "مطابق با تصویر پسرش" - هدف نهایی خدا، بازگرداندن تصویری است که در سقوط و گمراهی از دست رفته است. پیش بینی شده که مؤمنان باید همانند مسیح باشند (مراجعه شود به افسسیان ۱: ۴).

II. رومیان ۹

A. رومیان ۹ یکی از قویترین متون عهد جدید در خصوص حاکمیت خداوند است (افسسیان ۱: ۳-۱۴)، در حالی که فصل ۱۰ بیان آزادی انسان را واضح و مکرراً بیان می کند (مراجعه شود به "همه" رومیان ۹: ۴؛ "هرکس" ۹: ۱۱، ۱۳؛ "همه" ۹: ۱۲ [دو بار]). پولس هرگز سعی در آشتی دادن این تنش دینی نداشت. هر دو آنها درست هستند! اکثر آموزه های کتاب مقدس در جاهای پارادوکسی یا دیالکتیکی ارائه شده است. اکثر سیستم های الهیاتی، نیمه حقوقی منطقی هستند. آگوستینوسم و کالوینیسیم در مقابل نیمه پلیگانیسم و آرمینیانیسم عناصر حقیقت و خطا هستند. تنشهای انجیلی بین آموزه ها به یک سیستم اثبات شده، اخلاقی، منطقی و علمی ترجیح داده می شوند که انجیل را بر روی یک شبکه تفسیری پیش بینی می کند.

B. همین حقیقت (یافت شده در رومیان ۹: ۲۳) در رومیان ۸: ۲۹-۳۰ و افسسیان ۱: ۴، ۱۱ بیان شده است. این فصل قویترین بیان حاکمیت خدا در عهد جدید است. هیچ جای بحثی وجود ندارد که خداوند در کل مسئول ایجاد و رستگاری است. این حقیقت بزرگ هرگز نباید تضعیف شده یا کاهش یابد. با این حال، باید با انتخاب پیمان خداوند به عنوان وسیله ای برای ارتباط با خلقت انسان، خلقتی که بر اساس تصویر او ساخته شده است، تعادلی برقرار شود. مطمئناً درست است که برخی از پیمانهای عهد عتیق، مانند پیدایش ۱۵، بی قید و شرط هستند و هیچ ارتباطی با پاسخ انسان ندارند، اما سایر پیمانها بر پاسخ انسان (از جمله داوود، موسی، نوح، عدن) بستگی دارند. خداوند طرح رستگاری برای خلقت دارد؛ هیچ انسانی بر این طرح تاثیر نمی گذارد. خداوند اجازه داده است که افراد منتخب در برنامه های او شرکت کنند. این فرصت برای مشارکت، تنش الهی بین حاکمیت (رومیان ۹) و اراده آزاد انسان (رومیان ۱۰) است. این درست نیست که یکی از تأکیدات انجیلی را انتخاب کرده و دیگری را نادیده گرفت. میان دکترین ها تنش وجود دارد زیرا مردم شرق حقیقت را در جبهه های دیالکتیکی و تنش ارائه میکنند. هر دکترین باید در رابطه با دیگر دکترین ها بررسی شود. حقیقت یک حقیقت موسایی است.

III. افسسیان ۱

A. انتخاب یک دکترین شگفت انگیز است. با این حال، این یک فراخوان به استثنا قائل شدن نیست، بلکه یک فراخوان به عنوان یک کانال، ابزار یا وسیله ای برای رستگاری دیگران است! در عهد عتیق این اصطلاح در درجه اول برای خدمت کردن استفاده شده؛ در عهد جدید در درجه اول برای نجات و رستگاری که در خدمت کردن است، استفاده می شود. انجیل هرگز تضاد ظاهری بین حاکمیت خدا و اراده آزاد بشری انسان را توجیه نمی کند، بلکه هر دو آنها را تأیید می کند! مثال خوبی از تنش کتاب مقدس رومیان ۹ در انتخاب حاکم خدا و رومیان ۱۰ در پاسخ ضروری بشر می باشد (مراجعه شود به ۱۰: ۱۱، ۱۳).

کلید این تنش الهی ممکن است در ۱: ۴ یافت شود. عیسی مرد منتخب خدا است و همه آنها به طور بالقوه از طریق او انتخاب می شوند (کارل بارت). عیسی پاسخ "بله" خدا به نیاز انسان گمراه و سقوط کرده است (کارل بارت). افسسیان ۱: ۴ همچنین به توضیح و روشن کردن این مسئله می پردازد که هدف تقدیر فقط بهشت نیست، بلکه مقدس بودن (همانند مسیح بودن) است. ما اغلب جذب مزایای انجیل می شویم و مسئولیت ها را نادیده می گیریم! فرا خواندن خدا (انتخاب) برای حال و همچنین ابدیت است!

دکترین ها در ارتباط با حقایق دیگر هستند، نه فقط به عنوان حقیقتی منفرد و غیر مرتبط. یک شباهت خوب، یک صورت فلکی در برابر یک ستاره است. خداوند حقیقت را در ژانرهای شرقی، نه غربی ارائه می دهد. ما نباید تنش ناشی از جفت دیالکتیکی (پارادوکسی) حقایق دکترین را نادیده بگیریم (خدا به عنوان متعالی در مقابل خدا به عنوان در همه جا حاضر؛ امنیت در برابر استقامت؛ عیسی به عنوان برابر با پدر در مقابل عیسی به عنوان وابسته به پدر؛ آزادی مسیحی در مقابل مسئولیت مسیحی در برابر پیمان و غیره).

مفهوم الهیاتی "عهد/پیمان"، حاکمیت خداوند (که همیشه ابتکار عمل را در دست داشته و دستور کار را تنظیم می‌کند) را با یک پاسخ اولیه و دائمی از انسان مواجه می‌کند. مراقب باشید پیام یک از طرف پارادوکس را تأیید نکنید و طرف دیگر آن را نادیده بگیرید! مراقب باشید فقط از دکترین مورد علاقه خود با سیستم الهیات استفاده نکنید.

B. "او ما را انتخاب کرد" در افسسیان ۱: ۴ یک آئوریست میانی اخباری است که بر فاعل تأکید میکند. این تا قبل از زمان انتخاب پدر است. انتخاب خدا نباید در معنای جبرگرایی اسلامی و نه به معنای فوق کالوینیستی مانند برخی در مقابل دیگران، بلکه در مفهوم پیمان باید شناخته شود. خداوند وعده داده است که بشریت را رستگار کند (مراجعه شود به پیدایش ۳: ۱۵). خداوند ابراهیم را فراخوانده و انتخاب کرد تا همه انسانها را انتخاب کند (انجیل متی ۱۲: ۳؛ خروج ۱۹: ۵-۶). خدا خودش همه اشخاصی را که به مسیح دارند، ایمان انتخاب کرد. خدا همیشه ابتکار عمل را در رستگاری بر عهده می‌گیرد (انجیل یوحنا ۶: ۴۴، ۶۵). این متن و رومیان ۹ پایه کتاب مقدس برای دکترین تقدیر است که توسط آگوستین و کالوین تأکید شده است.

خداوند مؤمنان را نه تنها به رستگاری (توجیه)، بلکه همچنین برای تقدیس نیز انتخاب کرد (مراجعه شود به کولسیان ۱: ۱۰-۱۲). این امر می‌تواند مربوط به (۱) موقعیت ما در مسیح باشد (مراجعه شود به دوم قرنتیان ۵: ۲۱) یا (۲) تمایل خدا برای بازتولید شخصیت خود در فرزندانش (مراجعه شود به افسسیان ۲: ۱۰؛ رومیان ۸: ۲۸-۲۹؛ غلاطیان ۴: ۱۹). اراده خدا برای فرزندان او، هر بهشت در آینده و هم همانند مسیح بودن در حال است!

"در او" مفهوم کلیدی افسسیان ۱: ۴ است. نعمت، فیض و رستگاری پدر از طریق مسیح جریان دارد (انجیل یوحنا ۱۴: ۶). به تکرار این شکل دستوری (حالت مکانی) در افسسیان ۱: ۳ توجه کنید. "در مسیح"؛ ۱: ۴، "در او"؛ ۱: ۷، "در او"؛ ۱: ۹، "در او"؛ ۱: ۱۰، "در مسیح"؛ "در او"؛ ۱: ۱۲، "در مسیح" و ۱: ۱۳، "در او" (دو بار). عیسی پاسخ "بله" خداوند به انسان گمراه و افتاده است (کارل بارت). عیسی مرد منتخب است و همه به طور بالقوه در او انتخاب می‌شوند. تمام برکات خداوند پدر از طریق مسیح جریان می‌یابند. عبارت "قبل از بنیاد جهان" نیز در انجیل متی ۲۵: ۳۴؛ انجیل یوحنا ۱۷: ۲۴؛ اول پطرس ۱: ۱۹-۲۰ و مکاشفه ۱۳: ۸ استفاده شده است. این فعالیت سه جانبه خدا برای رستگاری حتی قبل از پیدایش ۱: ۱ را نشان می‌دهد. انسانها از لحاظ زمانی خود محدود هستند همه چیز برای ما گذشته، حال و آینده است، اما نه برای خدا.

هدف تقدیر تقدس است، نه برتری. فراخواندن خدا از چند فرزند منتخب آدم نیست، بلکه برای همه! این یک فراخوان است تا انسان آنچه‌ی شود که خدا قصد آن را داشته. (اول تسالونیکیان ۵: ۲۳، دوم تسالونیکیان ۲: ۱۳)، تصویری از خودش (مراجعه شود به پیدایش ۱: ۲۶-۲۷). تبدیل کردن تقدیر به یک اصل مذهبی، بجای یک زندگی مقدس، یک فاجعه است. اغلب الهیات ما بلندتر از متن انجیل حرف می‌زنند.

اصطلاح "بدون گناه" (*amōmos*) یا "آزاد از عیب" در موارد زیر استفاده میشوند:

۱. عیسی (مراجعه شود به عبرانیان ۹: ۱۴، اول پطرس ۱: ۱۹)
 ۲. زکریا و الیزابت (مراجعه شود به انجیل لوقا ۱: ۶)
 ۳. پولس (مراجعه شود به فیلیپیان ۳: ۶)
 ۴. تمامی مسیحیان واقعی (مراجعه شود به فیلیپیان ۲: ۱۵، اول تسالونیکیان ۳: ۱۳، ۵: ۲۳)
- اراده تغییر ناپذیر خدا برای هر مسیحی، نه تنها بهشت در آینده است، بلکه امروز همانند مسیح بودن هم هست (مراجعه شود به رومیان ۸: ۲۹-۳۰؛ غلاطیان ۴: ۱۹؛ اول پطرس ۱: ۲). مؤمنان باید منعکس کننده ویژگیهای خداوند در دنیای گمراه و سقوط کرده برای بشارت باشند.

از نظر دستور زبانی، "در محبت" می‌تواند با هر دو آیه تیتوس ۲: ۴ یا ۵ باشد. با این حال، هنگامی که این عبارت در مکانهای دیگر افسسیان مورد استفاده قرار می‌گیرد، آنها همیشه به عشق انسان به خدا اشاره می‌کنند (مراجعه شود به افسسیان ۳: ۱۷؛ ۴: ۲، ۱۶، ۱۵)

C. در افسسیان ۱: ۵ عبارت "از پیش تعیین کرد" وجه آئوریست فعال است. این اصطلاح یونانی ترکیبی از "قبل" و "مشخص کردن" است. این اشاره به برنامه رستگاری خداوند دارد (مراجعه شود به انجیل لوقا ۲۲: ۲۲؛ اعمال رسولان ۲: ۲۳؛ ۴: ۲۸؛ ۱۷: ۳۱؛ رومیان ۸: ۳۰-۲۹). پیش بینی یکی از حقایق مرتبط با رستگاری بشر است. این بخشی از یک الگوی الهیاتی یا مجموعه‌ای از حقایق مرتبط است. نیت هرگز این نبوده که به صورت ایزوله بر آن تأکید کرد! حقیقت کتاب مقدس در مجموعه‌ای از جفتهای پارادوکسی و پر تنش هستند.

فرقه‌گرایی تمایل دارد تنش کتاب مقدس را با تأکید بر تنها یکی از حقایق دیالکتیکی (تقدیر در برابر اراده آزاد انسان، امنیت مؤمن در برابر استقامت مومنین، گناه نخستین در برابر گناه اختیاری؛ بی‌شرمی در برابر گناه کمتر، ایمان در برابر کار؛ آزادی مسیحی در مقابل مسئولیت مسیحی؛ تعالی در برابر در همه جا حاضر) حذف کند.

انتخاب خدا بر اساس آگاهی قبلی بر عملکرد انسان نیست، بلکه بر اساس شخصیت خیرخواهانه او است (مراجعه شود به افسسیان ۱: ۷، ۹، ۱۱). او می‌خواهد که همه (نه فقط برخی، مثل عرفا یا اولترا-کالونینست‌های مدرن) رستگار شوند (مراجعه شود به حزقیال ۱۸: ۲۱-۲۳، ۳۲؛ انجیل یوحنا ۳: ۱۶-۱۷؛ اول تیموتائوس ۲: ۴؛ ۴: ۱۰؛ تیتوس ۲: ۱۱؛ دوم پطرس ۳: ۹؛ اول یوحنا ۲: ۲؛ ۴: ۱۴). فضل خدا (شخصیت خدا) کلید الهی این عبارت است (مراجعه شود به افسسیان ۱: ۶ الف، ۷ ث، ۹ ب). همانطور که رحمت خدا کلیدی برای دیگر متون در مورد تقدیر در رومیان ۹-۱۱ است.

تنها امید بشر گمراه و سقوط کرده، فیض و رحمت خداوند است (اشعیا ۵۳: ۶ و چندین متن دیگر در عهد عتیق که در رومیان ۳: ۱۸-۹ آمده‌اند). این مهم است که در تفسیر این فصل‌های نخستین الهیات، متوجه شوید که پولس بر آن چیزهایی که کاملاً با عملکرد انسان ارتباط ندارند، تأکید میکند: تقدیر (افسسیان ۱)، فیض (افسسیان ۲) و طرح ابدی خدا برای رستگاری (رمز و راز، افسسیان ۲: ۱۱-۱۳: ۳). این کار برای مقابله با تأکید معلمان دروغین بر شایستگی انسان بود.

■ "از مقام پسرخواندگی او برخوردار شویم" این استعاره خانوادگی پولس است (مراجعه شود به رومیان ۸: ۱۵، ۲۳؛ ۹: ۴؛ غلاطیان ۴: ۵). این یکی از استعاره‌های بسیاری است که پولس برای توصیف رستگاری با تأکید بر امنیت استفاده می‌کند. دشوار و گران است که یک کودک را در نظام حقوقی رومی به فرزندی بپذیریم، اما هنگامی که این کار انجام شد، بسیار تعهدآور می‌شود. پدر رومی حق قانونی برای نابودی یا حتی کشتن کودک خود را داشت، اما نه کودکی که به فرزندی گرفته است. این نشان دهنده ایمنی مؤمنان در مسیح است (مراجعه شود به افسسیان ۲: ۵، ۹؛ انجیل یوحنا ۶: ۳۷، ۳۹؛ ۱۰: ۲۸).

NASB "بر مبنای حسن نیت اراده او"

NKJV, NRSV "بر اساس خوش نیتی اراده او"

TEV "برایش دلپذیر و هدف بود"

NJB "این برایش منظور و لذت بود"

انتخاب خدا بر اساس آگاهی قبلی او از عملکرد انسان نیست، بلکه بر اساس شخصیت مهربان وی است (مراجعه شود به افسسیان ۱: ۷) با توجه به غنای فضل او؛ افسسیان ۱: ۹ "با توجه به قصد خاص خود؛ افسسیان ۱: ۱۱، "با توجه به هدف او". او آرزو می‌کند که همه (نه فقط برخی افراد خاص مانند عرفا یا کالونینست‌های مدرن) رستگار شوند (مراجعه شود به حزقیال ۱۸: ۲۱-۲۳، ۳۲؛ انجیل یوحنا ۳: ۱۶-۱۷؛ اول تیموتائوس ۲: ۴؛ ۴: ۱۰؛ تیتوس ۲: ۱۱؛ دوم پطرس ۳: ۹؛ اول یوحنا ۲: ۲؛ ۴: ۱۱). فضل خدا (شخصیت خدا) کلید الهی این عبارت است (مراجعه شود به افسسیان ۱: ۶ الف؛ ۷ ث؛ ۹ ب)، همانطور که رحمت الهی کلید دیگری برای تقدیر است، رومیان ۹-۱۱.

تنها امید انسان گمراه و سقوط کرده، فیض و رحمت خداوند است (مراجعه شود به اعمال رسولان ۱۵: ۱۱؛ رومیان ۳: ۲۴؛ ۵: ۱۵؛ افسسیان ۲: ۵، ۸) و شخصیت تغییرناپذیر او (مراجعه شود به مزامیر ۱۰۲: ۲۷؛ ملاکی ۳: ۶؛ یعقوب ۱: ۱۷؛ اول یوحنا ۱: ۵).

■ "به واسطه عیسی مسیح" این عبارت عشق پدر را توصیف می‌کند، همانگونه که یوحنا ۳: ۱۶ (مراجعه شود به دوم قرنتیان ۱۳: ۱۴). عیسی طرح خدای پدر برای بازگرداندن همه چیز است (یعنی مسیح، مراجعه شود به افسسیان ۱: ۱۰؛ اول قرنتیان ۱۵: ۲۵-۲۸؛ کولسیان ۱: ۱۵-۲۳). تنها یک راه وجود دارد و آن راه، یک شخص است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۴: ۶؛ اعمال رسولان ۴: ۱۲؛ اول تیموتائوس ۲: ۵). موضوع افسسیان وحدت همه چیز در مسیح است.

۱: ۶ "تا بدین وسیله فیض پر جلال او ستوده شود" عشق آغازگر پدر در عیسی مسیح، ماهیت او را نشان می‌دهد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱: ۱۴، ۱۸). این عبارت سه بار تکرار شده است (مراجعه شود به افسسیان ۱: ۶، ۱۲، ۱۴) و کار سه شخصیت تثلیث را تکرار می‌کند. موضوع ویژه در ۱: ۳ را مطالعه کنید.

۱. خدای پدر قبل از آغاز زمان، افسسیان ۱: ۳ الی ۶

۲. خدای پدر در زمان، افسسیان ۱: ۷ الی ۱۲

۳. خدای روح القدس در طول زمان، افسسیان ۱: ۱۳ الی ۱۴

با این وجود، در جمله طولانی یونانی از افسسیان ۱: ۳ الی ۱۴، این خدای پدر است که مکرراً ستایش میشود.

■ "جلال" در عهد عتیق شایعترین کلمه عبری برای "شکوه" (*kabod*) در اصل یک اصطلاح تجاری (که مربوط به یک جفت مقیاس) بود، که به معنای

"سنگین بودن" بود. آنچه سنگین بود ارزشمند بود یا ارزش ذاتی داشت. مفهوم روشنائی به این کلمه برای بیان عظمت خدا افزوده شد (به عنوان مثال ابر شکوه). او به تنهایی ارزشمند و محترم است. او برای خلق افتاده بسیار نورانی به نظر می‌آید (پیدایش ۱۶: ۱۳: ۳۲: ۳۰؛ خروج ۲۰: ۱۹: ۳۳: ۲۰؛ داوران ۶: ۲۳-۲۲: ۱۳: ۲۲). خداوند فقط می‌تواند از طریق مسیح واقعا شناخته شود (انجیل یوحنا ۱: ۱-۱۴؛ کولسیان ۱: ۱۵؛ عبرانیان ۱: ۳).

اصطلاح "جلال" به نوعی مبهم است.

۱. میتواند همسو با "پارسایی خدا" باشد
۲. میتواند به "مقدس بودن" یا "کامل بودن" خدا اشاره داشته باشد
۳. میتواند به تصویر خدا که بر اساس آن انسان خلق شد اشاره داشته باشد (مراجعه شود به پیدایش ۱: ۲۶-۲۷، ۵: ۱، ۹: ۶)، ولی بعدها به واسطه شورش برای استقلال آسیب دید (مراجعه شود به پیدایش ۳: ۱-۲۲).

NASB	"که او به رایگان به ما اعطا کرد"
NKJV	"که توسط آن ما را قابل قبول کرد"
NRSV	"که او به رایگان بر ما اعطا کرد"
TEV	"به خاطر هدیه رایگانی که به ما داد"
NJB	"هدیه رایگان او به ما"

اصطلاح یونانی "محبوب" (*charitoō*) دارای همان ریشه "فیض" (*charis*) است. جریان فیض، رحمت و عشق پدر (مراجعه شود به افسسیان ۱: ۸) از طریق رنج مسیح رنج برای انسان سقوط کرده و گمراه (مراجعه شود به پیدایش ۳: ۱۵؛ اشعیا ۵۳). عشق خدا به انسان گمراه و سقوط کرده به خاطر شخصیت او است، نه اینکه ما شخصیتی هستیم! کلید شخصیت خداست، نه عملکرد انسان!

■ "در آن محبوب" این وجه وصفی کامل مجهول است. عیسی پسر محبوب بوده و هست. این عنوان در Septuagint (LXX) برای مسیح مورد استفاده قرار گرفت. این جایگزین برای "Jeshurun" (اورشلیم) در تثنیه ۳۲: ۱۵؛ ۳۳: ۵، ۲۶؛ و اشعیا ۴۴: ۲ است. پدر این عنوان توصیفی را برای عیسی در انجیل متی ۳: ۱۷ (در تعمیم عیسی)؛ انجیل متی ۱۲: ۱۸ (نقل قول عهد عتیق، یعنی اشعیا ۴۲: ۱-۳)؛ و انجیل متی ۱۷: ۵ (در تغییر چهره عیسی) استفاده کرد. پولس از همان اصطلاح برای عیسی در کولسیان ۱: ۱۳ استفاده می‌کند.

۱: ۷ "ما داریم" این فعل زمان حال است، در حالی که افعال اطراف همه زمانهای آنوریست هستند. ما در حال حاضر دارای مزایای همه آنچه که خدا در مسیح انجام داده، هستیم. با این حال، در همان جمله یونانی (افسسیان ۱: ۱۴) توجه کنید که رستگاری آینده است. رستگاری با فراخوانی خدا آغاز می‌شود، کار روح (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۶: ۴۴، ۶۵). این مسئله منجر به تصمیم برای توبه / اعتقاد و در پی آن، یک زندگی بر اساس اعتماد، اطاعت، و استقامت است که روزی به همانند مسیح بودن به طور کامل منجر میشود (مراجعه شود به اول یوحنا ۳: ۲). رستگاری یک رابطه است و همچنین اعلان، شخص و همچنین یک پیام است.

موضوع خاص: افعال یونانی که برای رستگاری استفاده شدند

(Special Topic: Greek Verb Tenses Used For Salvation)

رستگاری یک محصول نیست، بلکه رابطه روزانه فردی با خدا در مسیح است. با اعتماد کردن فرد به مسیح خاتمه نمی‌یابد، تازه شروع شده است (یک دروازه و سپس یک راه، مراجعه شود به انجیل متی ۷: ۱۳ الی ۱۴). یک بیمه آتش سوزی نیست، و نه بلیط به بهشت، بلکه زندگی است که در شبیه مسیح بودن باید رشد کند (مراجعه شود به رومیان ۸: ۲۸ الی ۲۹، دوم قرنتیان ۳: ۱۸، ۷: ۱، غلاطیان ۴: ۱۹، افسسیان ۱: ۴، ۱۳؛ اول تسالونیکیان ۳: ۱۳، ۴: ۳ و ۷، ۵: ۲۳، اول پطرس ۱: ۱۵). در آمریکا ضرب المثلی داریم که می‌گوید هر چه یک زوج بیشتر با هم زندگی کنند، بیشتر شبیه به یکدیگر می‌شوند. این هدف رستگاری است!

رستگاری به عنوان عمل کامل شده (آنوریست)

- اعمال رسولان ۱۵: ۱۱
- رومیان ۸: ۲۴
- دوم تیموتائوس ۱: ۱۹
- تیتوس ۳: ۵
- رومیان ۱۳: ۱۱ (زمان آنوریست با مسیر آینده ترکیب کرده است)

رستگاری به عنوان حالی از بودن (کامل)

• افسسیان ۲: ۵ و ۸
رستگاری به عنوان فرایندی ممتد (حال)

- اول قرن‌تینان ۱: ۱۸، ۱۵: ۲
- دوم قرن‌تینان ۲: ۱۵
- اول پطرس ۳: ۲۱

رستگاری به عنوان آینده‌ای که تحقق خواهد یافت (حالت آینده در زمان فعل یا متن)

- رومیان ۵: ۹ و ۱۰، ۱۰: ۹ و ۱۳
- اول قرن‌تینان ۳: ۱۵، ۵: ۵
- فیلیپیان ۱: ۲۸
- اول تسالونیکیان ۵: ۸ الی ۹
- عبرانیان ۱: ۱۴، ۹: ۲۸
- اول پطرس ۱: ۵

بنابراین رستگاری با تصمیم اولیه و ایمان آغاز می‌شود (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱: ۱۲، ۳: ۱۶، رومیان ۱۰: ۹ الی ۱۳)، ولی این باید تبدیل به شیوه زندگی از روی ایمان شود (مراجعه شود به رومیان ۸: ۲۹، غلاطیان ۲: ۱۹ الی ۲۰، افسسیان ۱: ۴، ۲: ۱۰)، که روزی تحقق آن دیده خواهد شد (مراجعه شود به اول یوحنا ۳: ۲). رستگاری وضعیت نهایی جلال یافتن نامیده می‌شود (مراجعه شود به رومیان ۸: ۲۸ الی ۳۰) می‌توان آن را به شیوه زیر به تصویر کشید:

۱. رستگاری اولیه - نجات یافتن از مجازات گناه
۲. رستگاری در حال بسط یافتن - نجات یافتن از قدرت گناه
۳. رستگاری نهایی - جلال یافتن (نجات یافتن از وجود گناه)

■ "رستگاری" این به مفهوم "تحويل داده/گرفته شدن از" (مراجعه شود به رومیان ۳: ۲۴؛ کولسیان ۱: ۱۴) است. این مترادف اصطلاح عهد عتیقی (*gaal*) است که به معنی "بازپرداخت" گاهی اوقات توسط یک عضو نزدیک خانواده به عنوان عامل (*go'el*) است. این اصطلاح در عهد عتیق برای اشاره به خرید برده و زندانیان نظامی مورد استفاده قرار گرفته است. پولس از معادل یونانی چهار بار در افسسیان و کولسیان استفاده می‌کند (مراجعه شود به افسسیان ۱: ۷، ۱۴ و ۴: ۳۰؛ کولسیان ۱: ۱۴). این نشان دهنده یک عامل شخصی است که توسط آن خداوند می‌آمزد. این تمرکز بر روی شخص یا میزان پرداخت نیست. انجیل مرقس ۱۰: ۴۵ به وضوح می‌گوید عیسی آمد تا خونبهای انسان سقوط کرده را بپردازد (مراجعه شود به اول پطرس ۱: ۱۸-۱۹). انسان گناهکار بود (اشعیا ۵۳: ۶؛ چند نقل قول عهد عتیق در رومیان ۳: ۹-۱۸؛ اول پطرس ۲: ۲۴-۲۵). به موضوع خاص خون بها/رستگاری در کولسیان ۱: ۱۴ مراجعه کنید.

■ "به واسطه خون وی" خون یک استعاره برای مرگ است (مراجعه شود به پیدایش ۹: ۴؛ لایوان ۱۷: ۱۱، ۱۴). این اشاره به مرگ عیسی به عنوان جایگزین، قربانی است. او بجای ما بخاطر گناهان ما مرد (مراجعه شود به پیدایش ۳: ۱۵؛ اشعیا ۵۳: ۳؛ رومیان ۳: ۲۵؛ ۵: ۹؛ دوم قرن‌تینان ۵: ۲۱؛ افسسیان ۲: ۱۳؛ کولسیان ۱: ۲۰؛ عبرانیان ۹: ۲۲).

به دلیل حضور معلمان دروغین یونانی (یعنی عرفا) که انسان بودن عیسی را انکار می‌کردند، این ممکن است راهی برای اشاره به عیسی به عنوان واقعا انسان (خون، بدن و غیره) باشد.

■ "آمزش" این به مفهوم "به دور انداختن" است. در روز رستاخیز، در مراسم سالانه لایوان ۱۶، دو قربانی وجود دارد.

۱. یکی از آنها که به دور انداخته میشود، به صورت نمادین گناهان اسرائیل را حمل می‌کند (به عنوان مثال، زمانی که خداوند بخشایش می‌کند، خدا فراموش می‌کند، مراجعه شود به مزامیر ۱۰۳: ۱۲، اشعیا ۱: ۱۸؛ ۳۸: ۱۷؛ ۴۴: ۲۲؛ و میکا ۷: ۱۸)
۲. دیگری قربانی میشود، به صورت نمادین، بهای گناه مرگ است

عیسی با مردن به جای انسان، گناه انسان را با خود برد (مراجعه شود به دوم قرن‌تینان ۵: ۲۱؛ کولسیان ۱: ۱۴) و به این ترتیب دو معنی را با هم ترکیب می‌کند.

■ "تخطی" (این عبارت در نسخه فارسی ترجمه نشده است-مترجم) این اصطلاح یونانی برای گناه است (*paraptōma*)، به مفهوم "به سمت یک سقوط". این مربوط به کلمات عهد عتیق برای گناه است که به معنی انحراف از یک استاندارد است. اصطلاح "نی" یک اصطلاح ساختاری بود که به صورت استعاره برای شخصیت خدا استفاده می‌شد. خدا تنها استنادی است که توسط آن همه انسانها نابود و منحرف می‌شوند (اشعیا ۵۳: ۶؛ رومیان ۳: ۹-۲۳؛ ۱۱: ۱۱)

■ "به اندازه غنای فیض خود" بخشش ما در مسیح نمیتواند حاصل شود (مراجعه شود به افسسیان ۲: ۸-۹؛ دوم تیموتائوس ۱: ۹؛ تیتوس ۳: ۵). اصطلاح "غنا" اغلب در نامه‌های زندان پولس استفاده می‌شوند: "غنا از فیض او"، افسسیان ۱: ۷، ۲: ۷؛ "غنای جلال او"، افسسیان ۱: ۱۸؛ ۳: ۱۶؛ "غنای در رحمت"، افسسیان ۲: ۴؛ "غنا در مسیح"، افسسیان ۳: ۸. در مسیح، به انسان گمراه شده غنای شخصیت خدا داده میشود!

۱: ۸ "به فراوانی" پولس از این اصطلاح (*perisseuo*) بارها و بارها استفاده می‌کند (مراجعه شود به رومیان ۱۵: ۱۵؛ ۱۳: ۱۵؛ اول قرنتیان ۱۵: ۵۸؛ دوم قرنتیان ۱: ۵؛ ۸: ۲، ۷؛ ۹: ۸؛ افسسیان ۱: ۸؛ فیلیپیان ۱: ۹؛ ۴: ۱۲، ۱۸؛ کولسیان ۲: ۷؛ اول تسالونیکیان ۴: ۱). این منظور پولس را از اندازه کامل و فراتر از فیض خدا و مقررات در مسیح بیان می‌کند. عشق خدا در مسیح مانند یک چشمه پر از آب و یا یک چاه فوران کننده است!

موضوع خاص: وفور

(Special Topic: Abound)

این اصطلاح عمدتاً توسط پولس استفاده شده است. این اصطلاح به معنی بیش از حد، بیش از اندازه (یعنی، در مفهوم یک حس مثبت) است.

۱. حقیقت خداوند به شکوه او رسیده است. رومیان ۳: ۷
۲. هدیه رایگان در فضل آن مرد، عیسی مسیح، فراوان، رومیان ۵: ۱۵
۳. مؤمنان امید فراوان دارند، رومیان ۱۵: ۱۳
۴. با خوردن یا نوشیدن غذاهای خاص، معتقدان به خدا خدمت نمی‌کنند، اول قرنتیان ۸: ۸ (مراجعه شود به انجیل مرقس ۷: ۱۵، ۱۷-۲۳)
۵. مؤمنان در ساخت کلیسا فراوان هستند، اول قرنتیان ۱۴: ۱۲
۶. مؤمنان در کار خداوند فراوانند. ۱۵: ۵۸
۷. مؤمنان به شدت از درد و رنج مسیح برخوردارند و به راحتی در مسیحیت به اشتراک می‌گذارند، دوم قرنتیان ۱: ۵
۸. وزارت عدالت در شکوه فراوان است، دوم قرنتیان ۳: ۹
۹. شکرگزاری مؤمنان به شکوه خداوند فراوان است. دوم قرنتیان ۴: ۱۵
۱۰. فراوانی شایستگان مؤمن، دوم قرنتیان ۸: ۲
۱۱. مؤمنان در همه چیز (ایمان، سخن، دانش، محبت و عشق) و همچنین در هدیه برای کلیسای اورشلیم فراوان هستند. ۸: ۷
۱۲. لطف کامل به مؤمنان، دوم قرنتیان ۹: ۸
۱۳. قدردانی مؤمنان به خداوند، دوم قرنتیان ۹: ۱۲
۱۴. ثروت فیض خدا بر مؤمنان عفو است. افسسیان ۱: ۸
۱۵. عشق به مؤمنان می‌تواند بیشتر و بیشتر نفوذ کند. فیلیپیان ۱: ۹
۱۶. اعتماد به نفس مؤمنان در پولس منجر به فراوانی در مسیح، است. فیلیپیان ۱: ۲۶
۱۷. داشتن فراوان، فیلیپیان ۴: ۱۲، ۱۸
۱۸. مؤمنان لبریز از قدردانی هستند، کولسیان ۲: ۷
۱۹. مؤمنان عاشق یکدیگر می‌شوند، اول تسالونیکیان
۲۰. فراوانی در شیوه زندگی خداپرستانه، اول تسالونیکیان
۲۱. فراوانی در عشق مؤمنان اول تسالونیکیان ۴: ۱۰

درک پولس از فضل خدا در مسیح "بیش از حد و بالاتر" است، همچنین مؤمنان به پیروزی در این "فراوانی و وفور" فضل و عشق در زندگی روزمره

خود نیاز دارند!

■ "حکمت و فهم کامل" این به هدیه خدا برای درک (نه در معرفت غلط معلمان دروغین) اطلاق می‌شود، که او آن را داده است تا انسان گمراه مفاهیم انجیل را درک کند (مراجعه شود به افسسیان ۱: ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۹، ۱۰ و ۱۸-۲۳؛ انجیل لوقا ۱: ۱۷؛ کولسیان ۱: ۹). معلمان دروغین بر دانش اسرار تأکید داشتند. حکمت خدا، مسیح است. او در دسترس همه است!

۱: ۹ "راز" پل اغلب از این اصطلاح استفاده می‌کند (رومیان ۱۱: ۲۵؛ ۱۶: ۲۵؛ اول قرنتیان ۲: ۷؛ ۴: ۱؛ افسسیان ۱: ۹؛ ۳: ۳، ۴، ۹؛ ۶: ۱۹؛ کولسیان ۱: ۲۶؛ ۲: ۲؛ ۳: ۴؛ دوم تیموتائوس ۱: ۹-۱۰). این متون مربوط به جنبه‌های مختلف طرح رستگاری خداوند است. افسسیان ۲: ۱۱ الی ۳: ۱۳، به اتحاد

همه مردم، یهودی و غیر یهودی، در مسیح، به خدا اشاره می کنند. این همواره برنامه خداوند بود (مراجعه شود به پیدایش ۳: ۱۵؛ ۱۲: ۱-۳؛ خروج ۱۹: ۴-۶؛ افسسیان ۲: ۱۱-۳: ۱۳). این همیشه پیروی از توحید بود (تنها و تنها یک خدا). این حقیقت در گذشته پنهان شده است، اما اکنون کاملاً در مسیح آشکار شده است. موضوع ویژه در افسسیان ۳: ۳ را مطالعه کنید.

■ "اراده خود" موضوع خاص زیر را مطالعه کنید

موضوع خاص: اراده (THELĒMA) خدا (Special Topic: The Will (Thelēma) Of God)

اراده خدا شامل طبقه بندیهای بسیاری می شود

انجیل یوحنا

- عیسی آمد که خواست خدا را انجام دهد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۴: ۳۴، ۵: ۳۰، ۶: ۳۸)
- در روز آخر تمام کسانی که پدر به پسر داده برمی خیزند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۶: ۳۹)
- تمام آنان که به پسر ایمان دارند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۶: ۲۹ و ۴۰)
- دعاهاى پاسخ داده شده در رابطه با اراده خدا (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۹: ۳۱ و اول یوحنا ۵: ۱۴)

سایر اناجیل

- انجام خواست خدا که مهم است (مراجعه شود به انجیل متی ۷: ۲۱)
- انجام اراده خدا فرد را با عیسی خواهر یا برادر می کند (مراجعه شود به انجیل متی ۱۲: ۵۰، انجیل مرقس ۳: ۳۵)
- خدا برای هیچکس آرزوی نابودی نمی کند (مراجعه شود به انجیل متی ۱۸: ۱۴، اول تیموتائوس ۲: ۴، دوم پطرس ۳: ۹)
- کالواری ارائه خدا برای عیسی بود (مراجعه شود به انجیل متی ۲۶: ۴۲، انجیل لوقا ۲۲: ۴۲)

نامه های پولس

- خدمت به تمامی مومنین (مراجعه شود به رومیان ۱۲: ۱ الی ۲)
- مومنینی که از این عصر شیطان می روند (مراجعه شود به غلاطیان ۱: ۲)
- اراده خدا برنامه رستگاری او بود (مراجعه شود به افسسیان ۱: ۵ و ۹ و ۱۱)
- مومنینی که زندگی سرشار از روح را تجربه می کنند (مراجعه شود به افسسیان ۵: ۱۷ الی ۱۸)
- مومنینی که سرشار از آگاهی نسبت به خدا هستند (مراجعه شود به کولسیان ۱: ۹)
- مومنینی که کامل شده اند (مراجعه شود به کولسیان ۴: ۱۲)
- مومنینی که تقدیس شدند (مراجعه شود به اول تسالونیکیان ۴: ۳)
- مومنینی که بابت همه چیز شکرگزار هستند (مراجعه شود به اول تسالونیکیان ۵: ۱۸)

نامه های پطرس

- مومنینی که کار درست را انجام می دهند (مثلاً به مقامات ارجاع می دهند) و بدینوسیله کارهای احمقانه افراد را متوقف می کنند، بنابراین فرصتی برای بشارت فراهم می سازند (مراجعه شود به اول پطرس ۲: ۱۵)
- مومنینی که رنج می کشند (مراجعه شود به اول پطرس ۳: ۱۷، ۴: ۱۹)
- مومنینی که زندگیشان خود-محورانه نیست (مراجعه شود به اول پطرس ۴: ۲)

نامه های یوحنا

- مومنینی که برای همیشه اطاعت می کنند (مراجعه شود به اول یوحنا ۲: ۱۷)
- کلید مومنین در دعاهاى مستجاب شده (مراجعه شود به اول یوحنا ۵: ۱۴)

۱۰:۱

"مدیریت" NASB
"اختیاری" NKJV

NRSV	"یک طرح"
TEV	"این طرح"
NJB	"برای او که بر اساس آن عمل کند"

- این به معنای واقعی کلمه "نگهداری از یک خانواده" (*oikonomia*) است. پولس از این اصطلاح در چندین حوزه مختلف استفاده می کند
۱. کمیسیون از رسولان برای اعلام انجیل (مراجعه شود به اول قرنتیان ۹: ۱۷؛ افسسیان ۳: ۲؛ کولسیان ۱: ۲۵)
 ۲. طرح رستگاری جاودانی، "رمز و راز" (مراجعه شود به افسسیان ۱: ۹-۱۰، ۳: ۹، اول قرنتیان ۴: ۱)
 ۳. آموزش در طرح رستگاری و شیوه زندگی همراه آن (مراجعه شود به اول تیموتائوس ۱: ۴)

این آیه از موضوع اصلی کتاب (وحدت همه چیز در مسیح) صحبت می کند که به طور کامل در افسسیان ۴: ۱-۶ توسعه یافته است.

■ **"کمال دوران"** این عبارت (همانطور که نبوت پیشگویی می کرد) تأکید می کند که خدا کنترل تاریخ را در دست دارد. درست در لحظه مناسب خداوند مسیح را فرستاد و درست در لحظه مناسب، دوباره خواهد آمد.

■ **"همه چیز را، ... در یکی یعنی مسیح گرد آورد"** در یونانی کوین (زبان تجارت در مدیترانه از ۲۰۰ قبل از میلاد تا ۲۰۰ بعد از میلاد، زبان مردم عام بود) این اصطلاح ترکیبی به معنای واقعی کلمه "ادغام چندین چیز تحت یک سر" است. این اشاره به اهمیت کیهانی کار مسیح دارد (همانطور که در اول قرنتیان ۱۵: ۲۸-۲۴ و کولسیان ۱: ۱۷-۲۲ دیده می شود). این موضوع اصلی کولسیان است. مسیح "سر" نه تنها بدنش، و کلیسا، بلکه سر خلقت (*kosmos*) است.

۱۱:۱

NASB, NKJV,

"ما میراثی را به ارث برده ایم"

NRSV

"خدا ما را انتخاب کرد تا مردم خودش باشیم"

TEV

"میراث خود را دریافت کرده ایم"

NJB

این به معنای واقعی کلمه "ما به عنوان وارث انتخاب شدیم"، بوده و زمان آئوریست مجهول اخباری است. این اساساً در عهد عتیق به لایوان اشاره (قبیله لای که کشیش، خادمین معبد و معلمان محلی قانون میشدند) دارد، که زمین در سرزمین موعود را به ارث برده اند (مراجعه شود به اعداد ۱۸: ۲۰، تثنیه ۱۰: ۹؛ ۱۲: ۱۲؛ ۱۴: ۲۷، ۲۹). آنها چندین شهر را به دست آوردند، یوشع ۲۰ الی ۲۱. برای اشاره به این حقیقت است که خدا خود وارث همه مومنین است و آنها هم وارث او هستند (مراجعه شود به مزامیر ۱۶: ۵؛ ۷۳: ۲۶؛ ۱۱۹: ۵۷؛ مراثی ارمیا ۳: ۲۴). این نیز به عنوان یک استعاره برای مردم خداوند است (مراجعه شود به تثنیه ۴: ۲۰؛ ۷: ۶؛ ۹: ۲۹، ۲۶، ۱۴؛ ۲: ۳؛ اول پادشاهان ۸: ۵۱، ۵۳؛ دوم پادشاهان ۲۱: ۱۴، مزامیر ۲۸: ۹، ۳۳؛ ۱۲: ۶۸، ۹: ۷۸، ۶۲، ۷۱؛ ۹۴: ۱۴؛ ۱۰۶: ۵، ۴۰؛ اشعیا ۱۹: ۲۵؛ ۴۷: ۶؛ ۶۳: ۱۷؛ ارمیا ۱۰: ۱۶؛ ۱۶: ۵۱). عهد جدید با وعده بخشیدن زمین را با وعده بودن عضوی از خانواده خدا جایگزین می کند. نویسندگان عهد جدید تمایز یهودیان-غیر یهودیان را به مدل مؤمن-غیر مومن تعمیم دادند. همین امر مربوط به شهر اورشلیم است که به اورشلیم جدید تبدیل می شود (مراجعه شود به مکاشفه ۳: ۱۲؛ ۲۱: ۲، ۱۰)، که استعاره ای برای بهشت است و نه یک مکان جغرافیایی.

■ **"بنا بر قصد او که همه چیز را مطابق رأی اراده خود انجام می دهد، از پیش تعیین شده بودیم"** این وجه وصفی آئوریست مجهول است این حقیقت را بیان می کند که انتخاب بر اساس فیض خدا و نه برتری دادن به کسی است (مراجعه شود به افسسیان ۲: ۸-۹، که دارای سه نفی است: "و نه از خودتان؛" "این هدیه خدا" و "نه به عنوان نتیجه کار، که هیچ کس نباید به آن افتخار کند"). همین اصطلاح در رومیان ۸: ۲۸-۲۹ یافت می شود. هدف همانند مسیح بودن است. یادداشت کامل در مورد تقدیر را در بینش متنی ۱: ۲۳-۱، C # و ۱: ۴ و ۵: ۱ مطالعه کنید.

موضوع خاص: انتخاب/تقدیر و نیاز به یک تعادل الهیاتی (Special Topic: Election)

انتخاب دکنترین جالبی است. فراخواندن برای طرفداری یا حمایت نیست، بلکه فراخواندن برای این است که راه باشید، ابزاری برای رستگاری دیگران. در عهد عتیق این اصطلاح اساساً برای خدمت کردن استفاده شده است، در عهد جدید برای رستگاری استفاده شده که خدمتی است. انجیل هرگز آنچه که به نظر می رسد تضاد میان اراده خدا و اراده آزاد انسان است را نمی پذیرد، ولی هر دو را تأیید می کند. مثال خوبی از تنش انجیلی می توان رومیان ۹ در مورد انتخاب پادشاهی خدا و رومیان ۱۰ در مورد نیاز انسان به پاسخ باشد (مراجعه شود به رومیان ۱۱: ۱۰ و ۱۳).

کلید این تنش الهیاتی را شاید بتوان در افسسیان ۴: ۱ یافت. عیسی مرد منتخب خدا است و همه چیز در انتخاب او است (*Karl Barth*). عیسی پاسخ "بله" خدا به نیاز انسان سقوط کرده است (*Karl Barth*). افسسیان ۴: ۱ همچنین با تصریح اینکه هدف تقدیر بهشت نیست، بلکه تقدس است کمک می‌کند تا مسئله مشخص شود (همانند مسیح بودن). ما اغلب جذب مزایای انجیل می‌شویم و مسئولیتها را فراموش می‌کنیم! فراخواندن خدا (انتخاب) برای زمان و در عین حال برای ابدیت است!

دکترین‌هایی در رابطه با سایر حقایق ارائه شده‌اند، البته نه یک حقیقت منفرد و نامربوط. یک مقایسه خوب می‌تواند یک کهکشان در برابر یک ستاره باشد. خدا حقیقت را در یک قالب شرقی ارائه داده نه غربی. ما نباید تنشی را که با پارادوکسهای دکترین حقیقت به وجود می‌آیند حذف کنیم (خدا به عنوان متعالی در برابر خدا به عنوان همه جا حاضر. امنیت در برابر استقامت، عیسی برابر با پدر در مقابل عیسی به عنوان خدمتگزار پدر، آزادی مسیحی در برابر مسئولیت مسیحی به پیمان، و غیره).

مفهوم الهیاتی پیمان پادشاهی خدا را (که همیشه پیش قدم بوده و دستور کار را تعیین می‌کند) با الزام اولیه در توبه پایدار و پاسخ از روی ایمان از جانب نوع بشر (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱: ۱۵، اعمال رسولان ۱۶: ۳ و ۱۹، ۲۱: ۲۰) را به هم می‌پیوندد. مراقب باشید که تأیید یک وجه پارادوکس وجه دیگر را کم ارزش نکند.

موضوعات خاص زیر را مطالعه کنید

۱. انتخاب/تقدیر و نیاز به تعادل الهیاتی
۲. تقدیر در برابر آزادی اراده انسان
۳. پیمان
۴. ادبیات شرقی (پارادوکسهای انجیلی)

۱۲: ۱ "ما" این اشاره به یهودیان مومن دارد (مراجعه شود به رومیان ۱: ۱۶).

■ "جلال" به یادداشت افسسیان ۱: ۶ مراجعه کنید.

۱۳: ۱ "شما" این اشاره به غیر یهودیان مومن دارد (مراجعه شود به افسسیان ۲: ۱۲).

■ "آنگاه که پیام حقیقت، یعنی بشارت نجات خود را شنیدید؛ و در او نیز چون ایمان آوردید" اینها هر دو وجه وصفی آنوریست فعال هستند. رستگاری هم پیامی است برای باور کردن و هم شخصی که به او بتوان اعتماد کرد. این شامل پذیرش ذهنی حقایق کتاب مقدس (جهان بینی) و استقبال شخصی از عیسی است. انجیل باید به صورت شخصی دریافت شود (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱: ۱۲؛ ۳: ۱۶، ۱۸، ۳۶؛ ۶: ۴۰؛ ۱۱: ۲۵-۲۶؛ رومیان ۹: ۱۰-۱۳). ماهیت انجیل را می‌توان به شرح زیر خلاصه کرد

۱. شخصی که از او استقبال کرد/او را پذیرفت (رابطه فردی)
۲. حقایق در رابطه با آن فرد که باید باور کرد (جهان بینی)
۳. همانند او زندگی کردن (همانند مسیح بودن)

موضوع خاص: حقیقت (مفهوم آن در نوشته‌های یوحنا)

(Special Topic: "Truth" (The Concept) In John's Writings)

در یک مفهوم یوحنا زمینه عبری و یونانی *alētheia* حقیقت را در هم ادغام می‌کند همانند کاری که در مورد *logos* انجام داد (رجوع شود به ۱: ۱ الی ۱۴). زبان عبری (رجوع شود به باور، اعتماد، ایمان و وفاداری در عهد عتیق) معنی می‌کند که کدامیک درست یا قابل اعتماد است (اغلب همراه با *Septuagint* یا *pisteuō*) است. در یونانی با واقعیت در مقابل غیر واقعی بودن افلاطون همراه است، بهشتی در مقابل زمینی. این با دوگانگی یوحنا همخوانی دارد. خدا به وضوح (ریشه‌یابی الهی نشان دادن، آشکار کردن، به وضوح آشکار کردن) خودش را به پسرش نشان داد. این به راه‌های مختلف بیان شده است.

۱. اسم، *alētheia*، حقیقت

a. عیسی سرشار از محبت و حقیقت است (رجوع شود به یوحنا ۱: ۱۴ و ۱۷ - شرایط پیمانهای عهد عتیق)

b. عیسی موضوع اصلی شهادت یحیی تعمید دهنده است (رجوع شود به انجیل یوحنا ۱: ۳۲ الی ۳۴، ۱۸: ۳۷ - آخرین پیامبر عهد عتیق)

c. عیسی حقیقت را می‌گوید (رجوع شود به انجیل یوحنا ۸: ۴۰ و ۴۴ و ۴۵ و ۴۶ - مکاشفه درونی و فردی است)

- d. عیسی راه، حقیقت و زندگی است (رجوع شود به انجیل یوحنا ۱۴: ۶)
 e. عیسی آنها را با حقیقت مقدس می‌سازد (رجوع شود به انجیل یوحنا ۱۷: ۱۷)
 f. عیسی (پیامبر ۱: ۱ الی ۳) حقیقت است (رجوع شود به انجیل یوحنا ۱۷: ۱۷)

۲. صفت، *alēthēs*، درست، قابل اعتماد

- a. شاهد عیسی (رجوع شود به انجیل یوحنا ۵: ۳۱ و ۳۲، ۷: ۱۸، ۸: ۱۳ و ۱۴)
 b. قضاوت عیسی (رجوع شود به انجیل یوحنا ۸: ۱۶)

۳. صفت، *alēthinus*، واقعی

- a. عیسی نور حقیقی است (رجوع شود به انجیل یوحنا ۱: ۹)
 b. عیسی نان واقعی است (رجوع شود به انجیل یوحنا ۶: ۳۲)
 c. عیسی شراب واقعی است (رجوع شود به انجیل یوحنا ۱۵: ۱)
 d. عیسی شاهد واقعی است (رجوع شود به انجیل یوحنا ۱۹: ۳۵)

۴. قید، *alēthōs*، واقعا

- a. یک سامری به عیسی به عنوان نجات دهنده جهان شهادت می‌دهد (رجوع شود به انجیل یوحنا ۴: ۴۲)
 b. عیسی غذا و نوشیدنی واقعی است برخلاف روز منای موسی (رجوع شود به انجیل یوحنا ۶: ۵۵)

برای یک بحث خوب در خصوص حقیقت در عهد عتیق و عهد جدید به *A Theology of the New Testament* اثر Ladd. George E صفحات ۲۶۳ الی ۲۶۹ مراجعه کنید.

■ "در او مهر شدید" در فرهنگ یونان-روم، مهر کردن/مهر زدن نشانه‌ای از امنیت، حقیقت و مالکیت (مراجعه شود به افسسیان ۴: ۳۰؛ دوم قرنتیان ۱: ۲۲؛ ۵: ۵؛ مکاشفه ۷: ۱-۴). این مهر و موم (زمان آنوریست مجهول اخباری) از لحاظ الهیاتی همسو با اعتقادات تازه ایمان آوردگان در مسیح است (اول قرنتیان ۱۳: ۱۲؛ احتمالاً افسسیان ۴: ۴-۵).

موضوع خاص: مهر تأیید

(Special Topic: Seal)

تأیید می‌تواند یک شیوه باستانی برای نشان دادن موارد زیر باشد

۱. حقیقت (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۳: ۳۳)
۲. مالکیت (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۲۷: ۶، دوم تیموتائوس ۱۹: ۲، مکاشفه ۷: ۲ الی ۳، ۴: ۹)
۳. امنیت یا محافظت (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۱۵: ۴، انجیل متی ۶۶: ۲۷، رومیان ۱۱: ۴، ۱۵: ۲۸، دوم قرنتیان ۲۲: ۱، افسسیان ۱۳: ۱، ۴: ۳۰، مکاشفه ۳: ۲۰)
۴. می‌تواند هم نشانی از واقعیت و عده خدا برای یک برکت باشد (مراجعه شود به رومیان ۴: ۱۱ و اول قرنتیان ۹: ۲)

هدف این تأیید در مکاشفه ۷: ۲ الی ۴، ۹: ۴ شناسایی مردم خدا است تا خشم خدا آنها بر آنها ننشیند. تأیید شیطان مردم او را شناسایی می‌کند، که هدف خشم خدا هستند. در مکاشفه، بلا (*thlipsis*) همیشه بر غیر مومنینی نازل می‌شود که مومنین را مورد آزار و اذیت قرار می‌دهند، در حالیکه خشم و غضب (*orgē* یا *thumos*) همیشه داوری خدا بر غیر مومنین است تا شاید توبه کنند و به عیسی ایمان آورند. این هدف مثبت داوری را می‌توان در پیمان نفرین/برکت در لاویان ۲۶، تثنیه ۲۷ الی ۲۸، مزمور ۱ دید.

■ "با وعده روح القدس" ظهور روح علامت عصر جدید بود (مراجعه شود به یوئیل ۲: ۲۸، انجیل یوحنا ۱۴: ۲۶). او وعده پدر بود (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۴: ۱۶، ۲۶؛ اعمال رسولان ۱: ۴-۵؛ ۲: ۳۳). روح ساکن در مؤمنان، تضمین رستخیز آنان است (مراجعه شود به رومیان ۸: ۹-۱۱).

۱۴: ۱ "برای تضمین رهایی آنان" این مفهوم ضمانت ریشه عهد عتیقی دارد.

۱. قول برای پرداخت بدهی (مراجعه شود به پیدایش ۳۸: ۱۷، ۱۸، ۲۰؛ تثنیه ۲۴: ۱۰-۱۳)
۲. قول برای اعانت (مراجعه شود به اول سموئیل ۱۷: ۱۸)

این اصطلاح یونانی به معنی "پیش پرداخت" و یا پول وثیقه اشاره دارد (مراجعه شود به دوم قرنتیان ۱: ۲۲؛ ۵: ۵). در یونان مدرن از یک حلقه نامزدی استفاده می شود که قول ازدواج است. روح وعده تحقق عصر جدید عدالت است. این بخشی از تنش "در حال حاضر" و "هنوز" نیست، که همپوشانی دو عصر یهودی به دلیل دو آمدن مسیح است (نگاه کنید به بحث عالی در *How to Read the Bible for All Its Worth* توسط Fee and Stuart، صفحات ۱۳۴-۱۲۹). روح تضمینی است که در حال حاضر برای تحقق آینده داده شده است.

موضوع خاص: شخصیت روح

(Special Topic: Personhood Of The Spirit)

در عهد عتیق "روح خدا" (*ruach*) نیرویی بود که هدف یهوه را تحقق می بخشد، ولی اشاره کوچکی هست که فردی بود (یکتاشناسی عهد عتیق، به موضوع خاص: یکتاپرستی مراجعه شود). با این حال، در عهد جدید شخصیت کامل و فردیت روح افشا می شود:

۱. می توان به او توهین کرد (مراجعه شود به انجیل متی ۱۲: ۳۱، انجیل مرقس ۳: ۲۹)
۲. آموزش می دهد (مراجعه شود به انجیل لوقا ۱۲: ۱۲، انجیل یوحنا ۱۴: ۲۶)
۳. شهادت می دهد (انجیل یوحنا ۱۵: ۲۶)
۴. محکوم، هدایت می کند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۶: ۷ الی ۱۵)
۵. می توان وی را "او" خطاب کرد (hos، مراجعه شود به افسسیان ۱: ۱۴)
۶. می تواند ترسناک باشد (مراجعه شود به افسسیان ۴: ۳۰)
۷. می تواند فرو بنشیند (مراجعه شود به اول تسالونیکیان ۵: ۱۹)
۸. می تواند مقاومت کند (مراجعه شود به اعمال رسولان ۷: ۵۱)
۹. او حامی مومنین است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۴: ۲۶، ۱۵: ۲۶، ۱۶: ۷)
۱۰. او پسر را جلال می دهد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۶: ۱۴)

متون تثلیث (در اینجا به سه مورد از بسیار موارد اشاره می کنیم، موضوع خاص تثلیث را بخوانید) از سه فرد صحبت می کنند

۱. انجیل متی ۲۸: ۱۹
۲. دوم قرنتیان ۱۳: ۱۴
۳. اول پطرس ۱: ۲

هر چند کلمه یونانی روح (*pneuma*) خنثی است، وقتی به روح القدس اشاره می شود، عهد جدید عمدتاً از صفت نشان دهنده مذکر استفاده می کند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۶: ۸ و ۱۳ الی ۱۴)

روح به فعالیت های انسان مرتبط است

۱. اعمال رسولان ۱۵: ۲۸
۲. رومیان ۸: ۲۶
۳. اول قرنتیان ۱۲: ۱۱
۴. افسسیان ۴: ۳۰

در ابتدای اعمال رسولان، بر نقش روح تاکید میشود (همانند انجیل یوحنا). پنتیکاست شروع کار روح نیست، بلکه فصل جدیدی است. عیسی همیشه روح داشت. تعمیر او شروع کار روح نبود، بلکه فصل جدیدی بود. روح ابزار موثر هدف پدر برای احیای انسانها است که از تصویر او ساخته شده اند (به موضوع خاص: برنامه رستگاری جاودانی یهوه مراجعه شود)!

■ "رستگاری" یادداشت افسسیان ۱: ۷ و موضوع خاص در کولسیان ۱: ۱۴ را مطالعه کنید.

■ "از آن خدایند" این ممکن است اشاره ای به خروج ۱۹: ۵، تثنیه ۷: ۶، ۱۴: ۲ باشد. یهودیان گنجینه خاص خدا برای هدف رسیدن به جهان بودند (مراجعه شود به پیدایش ۱۲: ۳، خروج ۶: ۱۹)، اینک نماینده او کلیسا است، که بدن مسیح می باشد.

■ "تا جلال او ستوده شود" یادداشت افسسیان ۱: ۶ را مطالعه کنید.

^{۱۵} از این رو من نیز چون وصف ایمان شما را به عیسی خداوند و محبتتان را به همه مقدسین شنیدم،^{۱۶} از شکرگزاری برای وجود شما باز نایستاده‌ام، بلکه پیوسته شما را در دعاهاى خود یاد می‌کنم و^{۱۷} از خدای خداوند ما عیسی مسیح، آن پدر پر جلال، می‌خواهم که روح حکمت و مکاشفه را در شناخت خود به شما عطا فرماید،^{۱۸} تا چشمان دلتان روشن شده، امیدی را که خدا شما را بدان فرا خوانده است، بشناسید و به میراث غنی و پر جلال او در مقدسین پی‌ببرید،^{۱۹} و از قدرت بی‌نهایت عظیم او نسبت به ما که ایمان داریم، آگاه شوید. این قدرت، برخاسته از عمل نیروی مقتدر خداست^{۲۰} که آن را در مسیح به کار گرفت، آن هنگام که او را از مردگان برخیزانید و در جایهای آسمانی، به دست راست خود نشانید،^{۲۱} بس فراتر از هر ریاست و قدرت و نیرو و حاکمیت، و هر نامی که چه در این عصر و چه در عصر آینده ممکن است از آن کسی شود.^{۲۲} و همه چیز را زیر پایهای او نهاد، و مقرر فرمود که او برای کلیسا سر همه چیز باشد،^{۲۳} کلیسایی که بدن اوست، یعنی پُری او که همه را در همه پر می‌سازد.

۱: ۱۵ الی ۲۳ این دعای شکرگزاری پولس از شکیبایی و شفاعت برای دریافت کنندگان (یعنی کلیساهای آسیای صغیر) است. این یک جمله طولانی در یونانی است، همانطور که افسسیان است ۱: ۳-۱۴ است (به عنوان مثال، نماز پولس برای ستایش خدای پدر برای هدیه مهربان خود از مسیح و روح). این جملات طولانی فقط در ادبیات پولس و تنها در افسسیان دیده میشوند (مراجعه شود به افسسیان ۱: ۳-۱۴، ۱۵-۲۳، ۲: ۱-۱۰، ۱۴-۱۸، ۱۹-۲۲، ۳: ۱-۱۲، ۱۴-۱۹، ۲۰-۲۱).

همچنین به دعای پولس را برای خود در افسسیان ۶: ۱۹-۲۰ توجه کنید! پولس مرد دعا و ستایش بود (به عنوان مثال، ۳: ۲۰-۲۱).

۱۵:۱

"ایمان ... میان شما"

NASB

NKJV, NRSV, TEV, NJB "ایمان شما"

افسسیان، که یک نامه گردشی است، نشان می‌دهد که پل به چندین کلیسا اشاره دارد، نه تنها کلیسای افسس. او از مشکلات کلیساها در دره لیکوس (هیراپولیس، لائودیکه، کولسی) از طریق اپافراس شنیده بود (مراجعه شود به کولسیان ۱: ۶ الی ۸).

اصطلاح "ایمان" می‌تواند به یکی از اینها اشاره داشته باشد

۱. ایمان اولیه و فردی به مسیح (مراجعه شود به افسسیان ۱: ۱۹ "به سوی ما که ایمان آورده")

۲. زندگی مسیحی بر اساس وفاداری مستمر (یعنی، مفهوم عهد عتیقی کولسیان ۱: ۹-۱۰)

۳. دکترین مسیحی "ایمان" با حرف تعریف معلوم (مراجعه شود به اعمال رسولان ۶: ۷؛ ۱۳: ۸؛ ۱۴: ۲۲؛ غلاطیان ۱: ۲۳؛ ۶: ۱۰؛ یهودا ۳، ۲۰)

در اینجا حرف تعریف دارد و احتمالاً گزینه شماره ۳ بهترین است.

■ "محبتتان" این نه در نسخ دستنویس یونانی P⁴⁶، A، یا B و نه متون یونانی استفاده شده توسط اورینگن، جروم یا آگوستین وجود ندارد ولی در همسوی کولسیان (مراجعه شود به افسسیان ۱: ۴) و فیلمون ۱: ۵ دیده میشود. مشخص است که این یک عبارت اضافه شده به افسسیان توسط کاتبین است. آنها تلاش میکردند که جمله بندیهای پولس را استاندارد و یکنواخت سازند.

■ "مقدسین" موضوع خاص: قدیسان در کولسیان ۱: ۲ را مطالعه کنید.

۱: ۱۶ این آیه دو جنبه از زندگی عبادانه پولس را نشان می‌دهد: (۱) سپاسگزاری و (۲) پایداری. پولس به طور کلی برای کلیساهای مسیح دعا می‌کرد (رومیان ۱: ۹؛ دوم قرنتیان ۱۱: ۲۸؛ فیلیپیان ۱: ۳-۴؛ کولسیان ۱: ۳، ۹؛ اول تسالونیکیان ۱: ۲-۳؛ دوم تیموتائوس ۱: ۳، فیلمون ۴).

این یک توازن الهی خوب بین اعتماد به خدا و نماز روحانی است. اعلام انجیل و توسعه کلیساها اراده خدا بود. با این حال، پولس نیاز به ادامه دعا برای آنها داشت. نماز مؤمنان به گونه‌ای تازه و روشهای جدید، قدرت خدا را چند برابر میکند. خداوند متعال تصمیم گرفته است که خود را به نمازهای مردم خود محدود کند (یعقوب ۴: ۲) نماز روحانی یک رمز و راز از قدرت خداوند است که به درخواستهای احتمالی مؤمنان مرتبط است. به موضوع خاص در شکرگزاری در کولسیان ۴: ۲ مراجعه کنید. موضوع خاص: نماز روحانی در کولسیان ۴: ۳ را مطالعه کنید.

۱۷:۱

NASB, NRSV,

"خداوند عیسی مسیح، پدر جلال، ممکن است روحی را به شما بدهد"

NJB

"خداوند عیسی مسیح، پدر جلال، ممکن است روح را به شما بدهد"

NKJV

به تاکید بر تثلیث که در ترجمه TEV دیده میشود، توجه کنید (۱) افسسیان ۱: ۳ الی ۱۴، (۲) افسسیان ۱: ۱۷؛ (۳) افسسیان ۲: ۱۸؛ (۴) افسسیان ۳: ۱۴ الی ۱۷؛ و (۵) افسسیان ۴: ۴ الی ۶. به موضوع خاص: تثلیث در افسسیان ۱: ۳ مراجعه کنید.

■ "پدر پر جلال" این لقب عهد عتیقی برای خدا است (مراجعه شود به مزامیر ۲۴: ۷، ۲۹: ۳، اعمال رسولان ۷: ۲). حالت مضاف الیه (... جلال) همچنین در مورد عیسی در اول قرن‌تینان ۲: ۸ و یعقوب ۲: ۱ استفاده شده است. دعای پولس این است که یهوه به این تازه مومنین درکی کامل از خرد واقعی عیسی مسیح است، بدهد نه خرد معنوی خطای معلمین عرفان. هیچ خرد مرموز انسانی وجود ندارد. عیسی خرد خدا است که تماماً او را آشکار میسازد! یادداشت کاملتر را در مورد "جلال" در افسسیان ۱: ۶ مطالعه کنید.

■ "روح را به شما عطا فرماید" اصطلاح "روح" بدون فاعل است (بدون فاعل مشخص)، اما در واقع هدف دوگانه داشته و به روح انسانی اشاره دارد که توسط روح القدس به کار گرفته شده است. اشعیا ۱۱: ۲ نعمت الهی روح را "روح خرد" و "درک"، "روح مشاوره" و "قدرت"، "روح دانش" و "ترس از خداوند" توصیف می کند.

در عهد جدید، مجموعه عباراتی وجود دارند که آنچه روح در زندگی مؤمنان ایجاد می کند را توصیف می نماید.

۱. "یک روح مقدس"، رومیان ۱: ۴
۲. "روحي که به فرزند خواندگی می پذیرد"، رومیان ۸: ۱۵
۳. "روح ملائمت"، اول قرن‌تینان ۴: ۲۱
۴. "روح ایمان"، دوم قرن‌تینان ۴: ۱۳
۵. "روح خرد و مکاشفه"، افسسیان ۱: ۱۷
۶. "روح حقیقت" در برابر "روح خطا"، اول یوحنا ۴: ۶

■ "حکمت و مکاشفه را در شناخت خود" ضمائر پاراگراف اشاره به خدا پدر اشاره دارند، همانطور که در بیشتر افسسیان ۱: ۳ الی ۱۴ اشاره دارند. این حکمت و وحی تنها برای برخی نیست، بلکه برای همه مؤمنان (افسسیان ۴: ۱۳). این برای رد کردن تأکیدات فکری و انحصاری معلمان دروغین مورد استفاده قرار گرفت. دانش انجیل با خدا-دادی و متمرکز بر عیسی است (مراجعه شود به کولسیان ۱: ۹). او حقیقت است (مراجعه شود به یوحنا ۸: ۳۲؛ ۱۴: ۶)

۱۸ الی ۱۹ دانش خدا پدر از طریق مسیح شامل سه جنبه است:

۱. ایمان مومن به تقدیرش
۲. ارثیه پر جلال مؤمنین
۳. درک مؤمنان از قدرت فوق العاده خداوند که در مسیح ظاهر می شود

۱۸: ۱ "تا چشمان دلتان روشن شده" این یک استعاره انجیل در مورد دادن درک به انسان گمراه و سقوط کرده است (مراجعه شود به اعمال رسولان ۲۶: ۱۸، دوم قرن‌تینان ۴: ۴ الی ۶). همیشه اراده خدا بوده است. موضوع خاص: قلب/دل در کولسیان ۲: ۲ را مطالعه کنید.

■ "امیدی را که خدا شما را بدان فرا خوانده است" برای توضیح کامل در مورد "امید" به موضوع خاص در کولسیان ۱: ۵ مراجعه کنید.

اصطلاح "فراخواندن" (*kaleō*) چندین بار در مفهوم الهیاتی در عهد جدید استفاده شده است:

۱. گناهکاران توسط خداوند فرا خوانده میشوند تا از طریق مسیح به رستگاری برسند
۲. گناهکاران به نام خداوند فرا خوانده میشوند تا نجات یابند
۳. مومنان فرا خوانده میشوند تا همانند مسیح زندگی کنند
۴. مومنان برای بشارت دادن فرا خوانده میشوند

تاکید این متن بر شماره ۱ است. برای "فراخواندن" به موضوع خاص در افسسیان ۴: ۱ مراجعه کنید.

■ "غنی و پر جلال" پولس اغلب از حقایق انجیل به عنوان "غنا" صحبت میکند (مراجعه شود به افسسیان ۱: ۷ و ۱۸، ۲: ۴ و ۷، ۳: ۸ و ۱۶). یادداشت در افسسیان ۱: ۷ را مطالعه کنید.

■ "میراث" یادداشت کامل را در افسسیان ۱: ۱۱ مطالعه کنید.

"فرا تر از عظمت"	NASB
"بیش از عظمت"	NKJV
"عظمت غیر قابل قیاس"	NRSV
"چقدر عالی"	TEV
"چقدر فوق العاده"	NJB

اصطلاح *hyperballō* فقط توسط پولس در عهد جدید استفاده می‌شود. او احساس عظیم خود را از آنچه که خداوند در مسیح برای رستگاری بشریت انجام داده است، بیان می‌کند (مراجعه شود به دوم قرن‌تبیان ۳: ۱۰، ۹: ۱۴؛ افسسیان ۱: ۱۹؛ ۲: ۷؛ ۳: ۱۹).

موضوع خاص: استفاده پولس از حالات ترکیبی HUPER (Special Topic: Paul's Use Of Huper Compounds)

پولس علاقه ویژه‌ای به ایجاد کلمات جدید با استفاده از حرف اضافه یونانی *huper* دارد، که اساساً به معنای "بیش از" یا "بالا" است. هنگامی که با حالت مضاف الیه (مفعول عنه) استفاده می‌شود، به معنی "از جانب" است. این همچنین می‌تواند به معنای «درباره» یا «مربوط به» باشد مانند *peri* (مراجعه شود به دوم قرن‌تبیان ۸: ۲۳؛ دوم تسالونیکیان ۲: ۱۸). هنگامی که در حالت مفعولی استفاده می‌شود، به معنی "بالای"، "بیش از" یا "فرا تر از" است (مراجعه شود به *A Grammar of the Greek New Testament in the Light of Historical Research*, A. T. Robertson, صفحات ۶۲۵-۶۳۳). وقتی پولس می‌خواست مفهومی را برجسته کند، از این حرف اضافه در ترکیب استفاده می‌کرد. در زیر لیستی از کاربردهای کلی این حرف اضافه در ترکیبات پولس می‌بینید.

A. *Hapax legomenon* (فقط یک بار در عهد جدید استفاده شده است)

۱. *Huperakmos*, سالهای نخستین زندگی، گذشته، اول قرن‌تبیان ۷: ۳۶
۲. *Huperauxanō*, به شدت افزایش یافتن، دوم تسالونیکیان ۱: ۳
۳. *Huperbainō*, پا فراتر نهادن یا سرپیچی کردن، اول تسالونیکیان ۴: ۶
۴. *Huperkeina*, فراسو، دوم قرن‌تبیان ۱۰: ۱۶
۵. *Huperekteina*, بیش از حد طولانی، دوم قرن‌تبیان ۱۰: ۱۴
۶. *Huperentugchanō*, شفاعت کردن، رومیان ۸: ۲۶
۷. *Hupernikaō*, به شدت پیروز شدن، رومیان ۸: ۳۷
۸. *Huperpleonazō*, در فراوانی بیش از حد بودن، اول تیموتائوس ۱: ۱۴
۹. *Huperupsoō*, به برتری عالی رسیدن، فیلیپیان ۲: ۹
۱۰. *Huperphroneō*, افکار بلند داشتن، رومیان ۱۲: ۳

B. کلماتی که فقط در نوشته‌های پولس استفاده شده اند

۱. *Huperaïromai*, خود را تحسین کردن، دوم قرن‌تبیان ۱۲: ۷، دوم تسالونیکیان ۲: ۴
۲. *Hyperballontōs*, بیش از اندازه، فوق العاده، دوم قرن‌تبیان ۱۱: ۲۳، (در اینجا فقط به صورت قید، ولی در قالب فعل در دوم قرن‌تبیان ۳: ۱۰، ۹: ۱۴، افسسیان ۱: ۱۹، ۲: ۷، ۳: ۱۹)
۳. *Hyperbolē*, بیش از حد پرتاب کردن، بیش از اندازه مسلح بودن، رومیان ۷: ۱۳، اول قرن‌تبیان ۱۲: ۳۱، دوم قرن‌تبیان ۱: ۸، ۴: ۷ و ۱۷، ۱۲: ۷، غلاطیان ۱: ۱۳
۴. *Huperekperissou*, فراسوی تمامی مقیاسها، افسسیان ۳: ۲۰، اول تسالونیکیان ۳: ۱۰، ۵: ۱۳
۵. *Huperlian*, بالاترین درجه، فوق العاده، دوم قرن‌تبیان ۱۱: ۵، ۱۲: ۱۱
۶. *Huperochē*, برجسته، برتر، اول قرن‌تبیان ۲: ۱، اول تیموتائوس ۲: ۲
۷. *Huperperisseuō*, فوق العاده فراوان، رومیان ۵: ۲۰ (حالت میانی، بیش از اندازه پر شدن، سرریز، دوم قرن‌تبیان ۷: ۴)

C. کلماتی که پولس استفاده کرده و به ندرت دیگر نویسندگان عهد جدید از آنها استفاده کرده اند

۱. *Huperanō*, به مراتب بالا، افسسیان ۱: ۲۱، ۴: ۱۰، و عبرانیان ۹: ۵
۲. *Huperechō*, تعالی، بالا بردن، رومیان ۱۳: ۱، فیلیپیان ۲: ۳، ۳: ۸، ۴: ۷، اول پطرس ۲: ۱۳

۳. *Huperēphanos*، فرض کردن یا سرگردان، رومیان ۱: ۳۰، دوم تیموتائوس ۳: ۲ و انجیل لوقا ۱: ۵۱، یعقوب ۴: ۶، اول پطرس ۵: ۵

پل مردی با شور و شوق زیاد بود. وقتی چیزها یا مردم خوب بودند، بسیار خوب بودند و زمانی که بد بودند، خیلی بد بودند. این حالت به او اجازه داد تا احساسات عالی خود را درباره گناه، خود، مسیح و انجیل بیان کند.

■ "نسبت به ما که ایمان داریم" این عبارت، دروغ بودن آموزه "جهانی سازی" را بیان می کند و تصریح می کند که در نهایت همه مردم نجات خواهند یافت. این جهان گرایی معمولاً براساس عبارات جداگانه اثبات شده مانند رومیان ۵: ۱۸ است. خداوند اجازه داده است که انسانها را در معرفت معنوی و زیارت خود مشارکت دهد (پیمان مشروط). مسیحیان باید توبه کنند و ایمان بیاورند (انجیل مرقس ۱: ۱۵؛ اعمال رسولان ۳: ۱۶، ۱۹؛ ۲۰: ۲۱).

جامع گرایی انجیلی (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱: ۱۲؛ ۳: ۱۶؛ اول تیموتائوس ۲: ۴-۶؛ تیتوس ۲: ۱۱؛ اول پطرس ۳: ۹) در مقایسه با انحصارگرایی معلمان دروغین بود. در دعوت، انجیل جهانی است (مراجعه شود به اول تیموتائوس ۲: ۴؛ تیتوس ۲: ۱۱؛ دوم پطرس ۳: ۹) برای همه کسانی که نام خداوند را صدا میزنند (مراجعه شود به رومیان ۱۰: ۹-۱۳)

■ "قدرت، برخاسته از عمل نیروی مقتدر" این ممکن است اشاره به اشعیا ۱۱: ۲ باشد (مراجعه شود به افسسیان ۱: ۱۷). این عبارت از سه واژه یونانی (*ischus*، *kratatos*، *energias*) تشکیل شده است که نشان دهنده قدرت خداوند است. اصطلاح چهارم برای قدرت (*dunamis*) بیشتر در آیه استفاده شده است. تمرکز بر نجات، اعمال قدرت خداوند از طریق مسیح است، نه اقدامات فردی انسانی یا مفاهیم روشنفکری.

۱: ۲۰ سه عبارت بعدی توضیح می دهند که قدرت عظیم و قدرت خدا پدر برای عیسی چه کاری انجام داده است.

۱. "او وی را از میان مردگان برخیزاند" افسسیان ۱: ۲۰. این نشان از قربانی پذیرفته شده بود (مراجعه شود به اول قرنتیان ۱۵).
۲. "او وی را در دست راست نشاند"، افسسیان ۱: ۲۰. این جایگاه تمجید و احترام بود (مراجعه شود به کولسیان ۳: ۱). این نشان دهنده بشارت روحانی مسیح بود (رومیان ۸: ۳۴؛ عبرانیان ۷: ۲۵؛ ۹: ۲۴؛ اول یوحنا ۲: ۱ و تحقق نبوت عهد عتیق، به عبارتی مزامیر ۱۱۰: ۱؛ اعمال رسولان ۷: ۵۶).

۳. "او را سرپرست ارشد کلیسا ساخت"، افسسیان ۱: ۲۲. این استفاده از اصطلاح کلیسا به مردم تازه و جدید خدا اشاره دارد که شامل همه کسانی است که ایمان آورده اند، هم یهودی و هم غیر یهودی (مراجعه شود به افسسیان ۲: ۱۱-۱۳؛ غلاطیان ۳: ۲۷-۲۹).

کارهایی که پدر برای مسیح انجام داد، مسیح برای پیروانش انجام داده است (افسسیان ۲: ۵-۶). هر سه اصطلاح افسسیان ۲: ۵ الی ۶ ترکیباتی با *syn* هستند که به معنای "مشارکت مشترک با" است.

■ "در جایهای آسمانی" (در متن انگلیسی "در جایهای بهشتی" [*in the heavenly places*] نوشته شده است- مترجم) این حالت مکانی (موقعیتی) صفت جمع خنثی (*epouranious*) تنها در افسسیان استفاده شده است (مراجعه شود به افسسیان ۱: ۳، ۲۰؛ ۲: ۶؛ ۳: ۱۰؛ ۶: ۱۲). از کلیه کاربردهای آن در متن باید به معنی قلمرو معنوی باشد که در آن مؤمنان در اینجا و در حال حاضر زندگی می کنند، نه بهشت و نه از طریق آن.

۱: ۲۱ "فراتر از هر ریاست و قدرت و نیرو و حاکمیت" این عبارت ممکن است به رتبه ها یا مقامات قدرتهای معنوی یا سطوح فرشته ای که به بشریت متوسل می شوند، اشاره کند (مراجعه شود به افسسیان ۲: ۲؛ ۳: ۱۰؛ ۶: ۱۲؛ کولسیان ۱: ۱۶؛ ۲: ۱۰، ۱۵؛ رومیان ۸: ۳۸-۳۹؛ اول قرنتیان ۱۵: ۲۴). عیسی برتر از تمام صفوف فرشتگان است (عبرانیان ۱-۲). این تاکید معلمان دروغین عرفان بر سطوح فرشته (*aeons*) را رد کرد. این صفات همچنین ممکن است به ساختار غیر شخصی در دنیای ما اشاره کنند که اجازه می دهند انسانها از خدا جدا شوند. نمونه هایی از جمله فلسفه، آموزش، حکومت، پزشکی، مذهب و غیره هستند (مراجعه شود به *Christ and the Powers*، اثر Hendrik Berkhof's، از انتشارات Herald Press).

موضوع خاص: فرشتگان در نوشته های پولس در افسسیان ۶: ۱۲ را مطالعه کنید.

همچنین برای "به مراتب بالاتر" موضوع خاص: استفاده پولس از *Huper* در افسسیان ۱: ۱۹۹ را مطالعه کنید.

برای "اقتدار" موضوع خاص: منشا در کولسیان ۱: ۱۶ را مطالعه کنید.

■ "و هر نامی که از آن کسی شود" این ممکن است به کلمه رمز مخفی معلمان دروغین یا اسامی مورد استفاده برای عبور از حوزه های فرشتگان اشاره شود. آنها به دانش اسرار خود از نام های جادویی برای رستگاری اعتماد داشتند. پولس ادعا می کند که رستگاری یا اتحاد با خدا تنها در نام عیسی یافت می شود (مراجعه شود به فیلیپیان ۲: ۹-۱۱). در عهد عتیق نام شخص شخصیت او را نشان میدهد. شخصیت پدر کاملاً در پسر نشان داده شده است (یوحنا ۱۴: ۸-۱۴: ۱۷: ۱۱).

■ "چه در این عصر و چه در عصر آینده ممکن است" (در متن انگلیسی "نه فقط در این عصر بلکه در عصری که می‌آید" نوشته شده است- مترجم) یهودیان به دو عصر، عصر کنونی شر و عصر جدید که توسط مسیح خواهد آمد، باور داشتند. این عصر عادلانه روحانی در پنتیکاست آمد! (یوئیل ۲: ۲۸-۳۲؛ متی ۱۲: ۳۲؛ مرقس ۱۰: ۳۰؛ لوقا ۱۶: ۸؛ ۱۸: ۳۰؛ ۲۰: ۳۴؛ اول تیموتائوس ۶: ۱۷؛ دوم تیموتائوس ۴: ۱۰؛ تیتوس ۲: ۱۲، عبرانیان ۶: ۵).

موضوع خاص: سن انسان (Special Topic: Human Age)

I. مقدمه

A. نقل قولی از مجله کمیسیون زندگی مسیحی: "آینده ای برای خانواده"، ۱۹۷۳، صفحه ۱۶، اثر L. D. Johnson، تحت عنوان "Hebrew-Christian Geriatrics"

"نگرش ما نسبت به پیری که در رفتار ما منعکس شده است، در مقایسه با گفتمان احساسی ما، نشان می‌دهد که به شدت توصیه می‌کنیم تا از کتاب مقدس اطاعت کنیم. احتمالاً هیچ جامعه‌ای در میان مردم متمدن، نگرانیهای کمتری نسبت به ما را نشان نمی‌دهد. ما جوانی را میپرسیم. ما به جوانان خدمت می‌کنیم، آنها را در ناز میپروانیم و از آنها محافظت می‌کنیم، آنها را تحسین می‌کنیم، آنها را حس می‌دهیم، و خودمان را احمق می‌کنیم تا آنها را تقلید کنیم. با ارزش‌ترین برای ما جوانی، کم ارزشترین برای ما سن است. با این حال، پوچ بودن چنین سیستم‌واژگون شده‌ای به ارزش تبدیل شده و باید واضح باشد. در جهان غرب از هر شش نفر یک نفر بیش از شصت سال دارد و نسبت آن رو به افزایش است."

B. فرهنگها تفاوت‌های زیادی در مورد نحوه برخورد با سالخوردگان خود دارند

۱. فرهنگهای شرقی احترام زیادی به سالخوردگان خود نشان داده و از آنها مراقبت میکنند.
۲. بومیان آمریکا سالخوردگان خود را رها کرده تا بمیرند
- C. راهنمائیهای انجیلی در این زمینه وجود دارند.

II. مطالب انجیلی

A. عهد عتیق

۱. برای گام برداشتن در پیمان، سن یک نعمت الهی است

- a. امثال ۱۶: ۳۱
 - b. پیدایش ۱۵: ۱۵
 - c. خروج ۲۰: ۱۲، تثنیه ۶: ۲، ۲۲: ۶ الی ۷، ۲۵: ۱۵
 - d. یعقوب ۵: ۱۷ الی ۲۶ (به خصوص آیه ۲۶)
 - e. مزامیر ۹۱: ۱۴ الی ۱۶
 - f. مزامیر ۹۲: ۱ الی ۱۵ (به خصوص آیات ۱۴ و ۱۵)
۲. حتی سالخورده برکت گرفته مسائل منحصر به فرد خود را دارد
- a. توصیف تصویری از سالخوردگی در جوامع ۱۲: ۱ الی ۵ یافت میشود
 - b. اسحاق دید بسیار ضعیفی داشت، پیدایش ۲۷: ۱
 - c. یعقوب دید بسیار ضعیفی داشت، پیدایش ۴۸: ۱۰
 - d. الی دید بسیار ضعیفی داشت، اول سموئیل ۳: ۲
 - e. برازیلابی حس شنوایی و چشایی بسیار ضعیفی داشت، دوم سموئیل ۱۹: ۳۱ الی ۳۵
 - f. فشار خون داوود پائین بود، اول پادشاهان ۱: ۱ الی ۴
 - g. اخیا دید ضعیفی داشت، اول پادشاهان ۱۴: ۱
۳. خدا هرگز ما را تنها نمیگذارد، حتی در سالخوردگی
- a. مزامیر ۳۷: ۲۳ الی ۲۶
 - b. مزامیر ۷۱: ۹ و ۱۸
 - c. مزامیر ۷۳: ۲۴
۴. سالخوردگی از آنجا که نشان از نعمت خدا دارد، باید مورد احترام باشد
- a. لاویان ۱۹: ۳۲

- b. روت ۴: ۱۵
- c. امثال ۲۳: ۲۲
- d. بر بی احترامی داوری میشود و خواهد شد
- (۱) تثنيه ۲۸: ۵۰
- (۲) اول سموئیل ۲: ۳۱ الی ۳۲
- (۳) اشغیا ۳: ۵
- (۴) مرثی ارمیا، ۴: ۱۶، ۵: ۱۲
- e. خرد سلیمان، ۲: ۱۰
- f. خرد بن سیراک، جامعه ۸: ۶
۵. نعمت سالخوردگی خرد و احترام را با خود دارد
- a. اول پادشاهان ۱۲: ۸
- b. یعقوب ۱۲: ۱۲ و ۲۰
- c. یعقوب ۱۵: ۱۰
- d. (جامعه ۲۵: ۶)
- e. استثناهایی وجود دارند
- (۱) یعقوب ۳۲: ۶
- (۲) جامعه ۴: ۱۳
۶. چه چیزی سالخوردگی تلقی میشود؟
- a. لاویان ۲۷: ۱ الی ۸، ۶۰ سالگی
- b. مزامیر ۹۰: ۱۰، معمولی ۷۰، خوب ۸۰
- c. اشغیا ۶۵: ۲۰، ۱۰۰ سال
- d. جامعه ۱۸: ۹ - ۱۰۰ سال

B. عهد جدید - اول تیموتائوس

۱. نقش بیوه، ۵ (بیوه های بیش از ۶۰ سال توسط کلیسا استخدام میشوند)
۲. گرایش نسبت به افراد مسن تر، ۳: ۱ الی ۲
۳. مومنین مسئول خانواده خود هستند، ۳: ۸

III. برخی پیشنهادات عملی

- A. به کودکان خود آموزش دهید که به افراد مسن تر احترام بگذارند (شما خودتان روزی بدان نیاز خواهید داشت)
- B. این را تبدیل به یک پروژه کنید که با افراد سالخورده خانواده تان تماس بگیرید. اگر امکانش باشد، حضورا، اگر نه، تماس بگیرید یا برای اقوام مسن تر نامه بنویسید، به خصوص در ایام تعطیلات
- C. به همسایه مسن خود یا به سرای سالمندان نزدیک خود سر بنزید. کلیسای خود را تشویق کنید که مسئولیت خانه ای را تقبل کرده و به طور منظم به آن سر میزنند.
- D. وقتی را صرف کنید تا فرزندان با پدر بزرگ و مادر بزرگ خود اوقاتی را بگذرانند
- E. خودتان الان شروع کنید و برای دوران بازنشستگی برنامه ریزی کرده و آماده باشید.

۱: ۲۲ "همه چیز را زیر پای او نهاد" (در نسخه انگلیسی "او را به عنوان سر بر همه چیز داد" نوشته شده - مترجم) استعاره بسط یافته از عیسی به عنوان سر بدن، سر کلیسا، تنها در افسسیان و کولسیان یافت می شود (مراجعه شود به افسسیان ۴: ۱۵؛ ۵: ۲۳؛ کولسیان ۱: ۱۸-۱۹؛ ۲: ۱۹). مردم جهان مدیترانه باستان اعتقاد داشتند که سر به بدن زندگی میدهد.

■ "کلیسا" در یونانی سکولار، این اصطلاح به معنی شورا بود (مراجعه شود به اعمال رسولان ۱۹: ۳۲). Ekklesia در Septuagint (LXX) برای ترجمه اصطلاح عبری "شورای (qahal) اسرائیل" (مراجعه شود به خروج ۱۶: ۳، ۱۲: ۶، لاویان ۴: ۱۳، اعداد ۲۰: ۴) استفاده شد. این اولین استفاده از این اصطلاح در افسسیان است (مراجعه شود به افسسیان ۱: ۲۲؛ ۳: ۱۰، ۲۱: ۵؛ ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۷، ۲۹، ۳۲). در هم افسسیان (۱: ۲۲-۲۳) و هم کولسیان (۱: ۲۴) پولس کلیسا را بدن مسیح می نامد. کلیسای اولیه خود را به عنوان مردمان تحقق یافته خداوند با عیسی مسیح دیده و مسیح را به عنوان سر خود

یکی از روابط ادبی غیرمعمول میان افسسیان و کولسیان این است که در افسسیان این اصطلاح به کلیسای جهانی اشاره می کند (مراجعه شود به اول قرنتیان ۱۰: ۳۲؛ ۱۲: ۲۸؛ ۱۵: ۹؛ غلاطیان ۱: ۱۳؛ فیلیپیان ۳: ۶)، در حالی که در کولسیان معمولاً به کلیسای محلی اشاره دارد. این به عنوان یک نامه گردشی اشاره می کند.

موضوع خاص در کولسیان ۱: ۱۸ را مطالعه کنید.

۲۳:۱

NASB, NKJV,

NRSV

TEV

"پری او که همه را پر میکند"

"کامل بودن او که او خودش همه را همه جا پر میکند"

(پی نویس "که او خودش تماماً با پری خدا پر شده است")

"پری او که در همه و همه پر میشود"

NJB

از نظر دستور زبانی این وجه وصفی حال میانی است. اینها برخی از تفاسیر این عبارت هستند:

۱. مسیح کلیسا را پر میکند

۲. کلیسا مسیح را پر میکند (مراجعه شود به کولسیان ۱: ۲۴)

۳. کلیسا تعداد کامل مومنین پر میشود (جنبه عددی، مراجعه شود به رومیان ۱۱: ۲۵)

این اصطلاح به معنای حمله به نظام الهیات آموزگاران دروغین عرفان، ائون ها، عناصر و صفات فرشتگان است. اصطلاحات "کامل" و "پر" حالاتی از واژه یونانی *plērōma* هستند که بعدها در قرن دوم، تبدیل به اصطلاح فنی عرفانی برای تعداد کل سطوح فرشتگان (افسسیان ۱: ۲۱) بین مقولات بزرگ، مقدس، خدای روحانی و خدای کوچک که ماده بد را شکل می دهند، شد. یادداشت های مربوط به عرفان را در مقدمه افسسیان مشاهده کنید.

این یک تعریف قدرتمند از کلیسا است. کاملاً منظورش این است که نشان دهد سرش، عیسی است. همانطور که عیسی پدر را آشکار ساخت، وظیفه کلیسا نیز این است که پدر را آشکار کند.

سوالات بحث

این یک راهنمای مطالعاتی است، که بدین معنی است که شما خودتان مسئول تفسیر انجیل هستید. هر یک از ما باید در مسیر خودمان گام برداریم. شما، انجیل و روح القدس در اولویت تفسیر هستید. شما نباید این امر را به یک مفسر واگذار کنید.

این سوالات مباحثاتی به منظور کمک به شما در تفکر نسبت به مسائل اصلی این بخش از کتاب مطرح شده اند. آنها صرفاً تفکر برانگیز هستند نه قطعی.

۱. در افسسیان ۱: ۳ الی ۱۴ چه کسی تمجید میشود؟

۲. عرفان را تعریف کنید.

۳. چگونه انتخاب (افسسیان ۱: ۴ و ۵ و ۱۱) با پاسخ انسان (افسسیان ۱: ۱۳) مرتبط است؟

۴. اتفاقات قبل از پیدایش و خلقت را فهرست کنید (افسسیان ۱: ۴، انجیل متی ۲۵: ۳۴، انجیل یوحنا ۱۷: ۲۴، اول پطرس ۱: ۲۰، مکاشفه ۱۳: ۸)

۵. آیا ما وارثان خدا هستیم یا او وارث ما است (افسسیان ۱: ۱۱)؟

۶. به چه کسی عبارت "به ستایش از جلال او" اشاره میکند؟

۷. چگونه افسسیان ۱: ۲۰ با افسسیان ۲: ۵ الی ۶ مرتبط است؟

۸. در افسسیان ۱: ۲۱ به چه کسی اشاره میشود (فرشتگان، شیاطین، ساختارهای جهان سقوط کرده)؟

۹. دو عصر یهودی را توصیف کنید.

افسسیان ۲

پاراگراف‌های ترجمه‌های مدرن *

UBS ⁴	NKJV	NRSV	TEV	NJB
از مرگ تا زندگی	با فیض از طریق ایمان	مزایای مسیح	از مرگ تا زندگی	رستگاری در مسیح، هدیه رایگان
۱۰ الی ۱:۲	۱۰ الی ۱:۲	۱۰ الی ۱:۲	۱:۲ الی ۳ ۲:۴ الی ۱۰	۱:۲ الی ۶ ۲:۷ الی ۱۰
یکی در مسیح	با خون خود نزدیک ساختن		یک در مسیح	مصالحه یهودیان و کفار با خدا
۱۳ الی ۱۱:۲	۱۳ الی ۱۱:۲ مسیح آرامش ما	۲۲ الی ۱۱:۲	۱۲ الی ۱۱:۲ ۱۸ الی ۱۳:۲	۱۱:۲ الی ۱۸
۲۲ الی ۱۴:۲	۲۲ الی ۱۴:۲		۲۲ الی ۱۹:۲	۲۲ الی ۱۹:۲

مطالعه حلقه سوم (رجوع کنید به "سمینار تفسیر کتاب مقدس")

به دنبال نیت اصلی نویسنده در سطوح پاراگراف

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور خود راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید.

کل کتاب مقدس را در یک نشست بخوانید. موضوعات را مشخص نمایید (مطالعه حلقه شماره ۳). تقسیمات موضوعی خود را با پنج ترجمه بالا مقایسه کنید. پاراگراف بندی به نویسنده الهام نشده است، اما کلید پیگیری اهداف اصلی نویسنده است که قلب تفسیر است. هر پاراگراف تنها و تنها یک موضوع دارد.

۱. پاراگراف اول

۲. پاراگراف دوم

۳. پاراگراف سوم و غیره

۴. و غیره

بینش متنی بر افسسیان ۲:۱ الی ۲۲

A. تاکید عرفان و یهود بر کارهای انسانی برای رستگاری با تاکید پولس بر این موارد از بین میروند

۱. انتخاب خدا در افسسیان ۱:۳ الی ۱۴

۲. خرد، دانش و مکاشفه خدا در افسسیان ۱:۱۵ الی ۲۳

۳. فیض الهی در افسسیان ۲:۱ الی ۱۰

۴. راز برنامه رستگاری خدا برای عصرها (یعنی اینک یهودیان و غیر یهودیان در مسیح یکی هستند) در افسسیان ۲:۱۱ الی ۳:۱۳

پولس بر چهار چیز تاکید میکند که انسان در آن هیچ نقشی ندارد. رستگاری تماما توسط خدا صورت میگیرد (مراجعه شود به افسسیان ۱:

۳ الی ۱۴، ۲:۴ الی ۷)، ولی افراد باید شخصا پاسخ دهند (مراجعه شود به افسسیان ۲:۸ الی ۹) و در نور پیمان جدید زندگی کنند (مراجعه شود به افسسیان ۲:۱۰)

B. در افسسیان ۲:۲ الی ۳ سه دشمن انسان گمراه ترسیم شده اند (مراجعه شود به یعقوب ۴:۱ و ۴ و ۷)

۱. سیستم جهان گمراه و سقوط کرده، افسسیان ۲: ۲
 ۲. فرشتگان دشمن، شیطان، افسسیان ۲: ۲
 ۳. طبیعت انسان گمراه و سقوط کرده (طبیعت آدمی)، افسسیان ۲: ۳
- آیات ۱ الی ۳ ناامیدی و نا امید بودن انسان گمراه که بر اثر یاغیگری به دور از خدا قرار گرفته را نشان میدهند (مراجعه شود به رومیان ۱: ۱۸ الی ۲: ۱۶).
- C. همانطور که افسسیان ۲: ۱ الی ۳ حالت شرم آور انسان را توصیف می کنند، افسسیان ۲: ۴ الی ۶ غنای عشق و رحمت خدا را برای انسانهای افتاده نشان میدهد. گناه انسانی بد است، اما عشق و رحمت خدا بیشتر است (رومیان ۵: ۲۰)! آنچه خدا برای مسیح انجام داد (مراجعه شود به افسسیان ۱: ۲۰)، مسیح اکنون برای مؤمنان انجام داده است (مراجعه شود به افسسیان ۲: ۵-۶).
- D. یک تنش جدی در عهد جدید میان فیض رایگان الهی و تلاش انسان وجود دارد. این تنش را میتوان در قالب جفتهای پارادوکسی بیان داشت:
۱. اخباری (یک گفته) و امری (یک فرمان)
 ۲. عینیت فیض/ایمان (محتوای انجیل) و موضوعیت (تجربه فرد از انجیل)
 ۳. پیروزی (در مسیح) و اینک تلاش (برای مسیح)
- این تنش به وضوح در افسسیان ۲: ۸ الی ۹ دیده میشود که بر فیض تاکید دارد در حالی که افسسیان ۲: ۱۰ بر کارهای خوب تاکید دارد. این یک نه این/نه آن بلکه هر دو و یک کار الهیاتی نیست. با این حال، فضل همیشه اول است و پایه و اساس یک شیوه زندگی مسیحی است. آیات ۸ تا ۱۰ خلاصه ای کلاسیک از پارادوکس مسیحی است، اما هزینه آن همه چیز است! ایمان و کارها (مراجعه شود به یعقوب ۲: ۱۴-۲۶)!
- E. موضوع جدید در افسسیان ۲: ۱۱-۱۳ معرفی شده است. این رمز و راز است که از ابتدا پنهان بوده، که خداوند خواستار رستگاری تمام بشریت است، یهودی (مراجعه شود به حزقیال ۱۸: ۲۳، ۳۲) و غیر یهودی (مراجعه شود به اول تیموتائوس ۲: ۴؛ تیتوس ۲: ۱۱؛ دوم پطرس ۳: ۹)، از طریق ایمان شخصی به رستگاری قربانی شدن مسیح به عنوان جایگزین. این پیشنهاد جهانی نجات در پیدایش ۳: ۱۵ و ۱۲: ۳ پیش بینی شده است. این رهایی بخشی رادیکال (رومیان ۵: ۱۲-۲۱) یهودیان و همه نخبگان مذهبی (معلمان دروغین عرفانی، یهودیت) و همه طرفداران «عرفان عادلانه» مدرن را تکان داد.

مطالعه عبارت و کلام

NASB (به روز شده): ۲: ۱ الی ۱۰

۱ و اما شما به سبب نافرمانیها و گناهان خود مرده بودید، و زمانی در آنها گام می‌زدید، آنگاه که از روشهای این دنیا و از رئیس قدرت هوا پیروی می‌کردید، از همان روحی که هم‌اکنون در سرکشان عمل می‌کند. اما نیز جملگی زمانی در میان ایشان می‌زیستیم، و از هوای نفس خود پیروی می‌کردیم و خواسته‌ها و افکار آن را به جا می‌آوردیم؛ ما نیز همچون دیگران، بنا به طبیعت خود محکوم به غضب خدا بودیم. اما خدایی که در رحمانیت دولت‌مند است، به خاطر محبت عظیم خود به ما، حتی زمانی که در نافرمانیهای خود مرده بودیم، ما را با مسیح زنده کرد - پس، از راه فیض نجات یافته‌اید؛^۱ و با مسیح برخیزانید و در جایهای آسمانی با مسیح عیسی نشانید،^۲ تا در عصر آینده، فیض غنی و بی‌مانند خود را در مسیح عیسی، به واسطه مهربانی خود نسبت به ما نشان دهد.^۳ زیرا به فیض و از راه ایمان نجات یافته‌اید - و این از خودتان نیست، بلکه عطای خداست -^۴ و نه از اعمال، تا هیچ کس نتواند به خود بی‌بالد.^۵ زیرا ساخته دست خداییم، و در مسیح عیسی آفریده شده‌ایم تا کارهای نیک انجام دهیم، کارهایی که خدا از پیش مهیا کرد تا در آنها گام برداریم.

۲: ۱ یا افسسیان ۲: ۱ الی ۷ یا افسسیان ۲: ۱ الی ۱۰ در زبان یونانی و با فعل اصلی در افسسیان ۲: ۵، یک جمله را می‌سازند. این یک استدلال پایدار است. ارائه پولس شامل اینها است:

۱. ناامیدی، بی کفایتی و از دست دادن معنوی همه انسانها، افسسیان ۲: ۱-۳
۲. لطف بی قید و شرط خدا، افسسیان ۲: ۴-۷
۳. پاسخ ضروری انسان، ایمان و زندگی، افسسیان ۲: ۸-۱۰

■ "شما" در کولسیان و افسسیان این ضمیر جمع همیشه به مومنین غیر یهودی اشاره میکند (مراجعه شود به افسسیان ۱: ۱۳، ۲: ۱۲)

■ "مرده بودید" این وجه وصفی حال فعال است که معنی آن "مرده بودن" میباشد. این اشاره به مرگ معنوی دارد (مراجعه شود به افسسیان ۲: ۵، رومیان ۵: ۱۲ الی ۲۱، کولسیان ۲: ۱۳). انجیل از سه نوع مرگ صحبت میکند.

۱. مرگ معنوی (مراجعه شود به پیدایش ۲: ۱۷، پیدایش ۳، اشعیا ۵۹: ۲، رومیان ۷: ۱۰ الی ۱۱، یعقوب ۱: ۱۵)
۲. مرگ فیزیکی (مراجعه شود به پیدایش ۲: ۱۶ الی ۱۷، ۳: ۴ الی ۵، ۵)

۳. مرگ ابدی، "مرگ دوم" نامیده میشود، (مراجعه شود به مکاشفه ۲: ۱۱، ۲۰: ۶ و ۱۴، ۲۱: ۸)

■ "نافرمانی" این اصطلاح یونانی (*paraptōma*) به معنی "سقوط به یک طرف" است (مراجعه شود به افسسیان ۱: ۷). تمام کلمات یونانی برای "گناهان" مربوط به مفهوم عبری از انحراف از استاندارد عدالت خداوند است. اصطلاحات "درست"، "فقط" و مشتقات آنها در زبان عبری از یک استعاره ساختاری برای یک نشانگر سنجش است. (نگاه کنید به موضوع خاص در افسسیان ۴: ۲۴). خدا استاندارد است. همه انسانها از این استاندارد منحرف شدند (مراجعه شود به مزامیر ۱۴: ۱-۳؛ ۵: ۹؛ ۱۰: ۷؛ ۳۶: ۱؛ ۵۳: ۱-۴؛ ۱۴۰: ۳؛ اشعیا ۵۳: ۶؛ ۵۹: ۷-۸؛ رومیان ۳: ۹-۲۳؛ اول پطرس ۲: ۲۵).

■ "گناهان" این اصطلاح یونانی (*hamartia*) به معنی "از دست دادن نشان" (مراجعه شود به افسسیان ۴: ۲۶). دو اصطلاح برای گناه در آیه ۱ به عنوان مترادف برای نشان دادن شرارت افتاده و غیر قابل انکار بشر (مراجعه شود به رومیان ۳: ۲۳، ۱۹، ۹؛ ۱۱: ۳۲؛ غلاطیان ۳: ۲۲) استفاده می شود.

۲: ۲ "زمانی در آنها گام می زدید" گام زدن یک استعاره انجیلی برای شیوه زندگی است (مراجعه شود به افسسیان ۲: ۲ و ۱۰، ۴: ۱ و ۱۷، ۵: ۲ و ۸ و ۱۵).

NASB, NKJV	"بر اساس مسیر این دنیا"
NRSV	"دنبال کردن مسیر این جهان"
TEV	"شیوه پلید جهان را دنبال کرد"
NJB	"زندگی بر اساس اصول این دنیا"

این سیستم جاری جهان گمراه و سقوط کرده (یعنی عصر) به عنوان یک دشمن شکل می گیرد (مراجعه شود به غلاطیان ۱: ۴). این مردم سقوط کرده و گمراه هستند که تلاش می کنند تا همه نیازهایشان را به دور از خدا برآورده سازند. در نوشته های یوحنا، "جهان" نامیده می شود (مراجعه شود به اول یوحنا ۲: ۲، ۱۵ الی ۱۷: ۳؛ ۱، ۱۳، ۱۷: ۴؛ ۱۷-۱: ۵؛ ۴، ۵، ۱۹) یا "بابل" (مراجعه شود به مکاشفه ۱۴: ۸؛ ۱۶: ۱۹؛ ۱۷: ۵؛ ۱۸: ۲، ۱۰، ۲۱). در اصطلاح عصر مدرن ما این "انسان گرایی آنتیستی" نامیده می شود. به موضوع خاص: استفاده پل از کاسموس در کولسیان ۱: ۶ مراجعه شود.

NASB, NKJV	"بر اساس شاهزاده قدرت هوا"
NRSV	"پیروی از قواعد قدرت هوا"
TEV	"از حاکمان قدرتهای روحانی در فضا اطاعت میکردید"
NJB	"از رئیس قدرت هوا پیروی می کردید"

این دو مین دشمن انسان گمراه است. شیطان متهم کننده. انسان تحت وسوسه فرشته فردی قرار گرفته است (مراجعه شود به پیدایش ۳، یعقوب ۱-۲، زکریا ۳). او حاکم یا خدای این دنیا نامیده می شود (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۲: ۳۱؛ ۱۴: ۳۰؛ ۱۶: ۱۱؛ دوم قرنتیان ۴: ۴؛ اول یوحنا ۵: ۱۹).

در عهد جدید هوا حوزه شیطان است. یونانیها هوای پائین (*aēr*) را ناخوشایند میدیدند و بنابراین معتقد بودند که دامنه ارواح شیطانی است. برخی این استفاده از "هوا" را به عنوان اشاره به ماهیت غیرمستقیم قلمرو معنوی می بینند. مفهوم "جذابیت کلیسا" از ترجمه لاتین اول تسالونیکیان ۴: ۱۷ آمده است، "گرفتار شد". مسیحیان از میان پادشاهی شیطان، "هوا"، برای دیدار با خداوند، میروند تا سرنگونی آن را نشان دهند!

موضوع خاص: شیطان فردی

(Special Topic: Personal Evil)

I. شیطان موضوع بسیار سختی است

- A. عهد عتیق یک دشمن قوی بر علیه نیکی (خدا) را نشان نمی دهد، بلکه یک خادم یهوه که به انسان جایگزینیهایی را معرفی کرده و انسان را متهم به بی صداقتی می کند (A. B. Davidson, *A Theology of the OT*, صفحه ۳۰۰ الی ۳۰۶).
- B. مفهوم دشمن خدا تحت تاثیر نفوذ دین زرتشتی پارسیان و در نوشته های غیر انجیلی ساخته شد. این، به نوبه خود، شدیداً روحانیون یهود را تحت تاثیر قرار داد (تبعید اسرائیل در بابل، پارس).
- C. عهد جدید موضوع عهد عتیق را به شیوه بسیار زیبایی بسط داد، ولی به صورت منتخب و طبقه بندی شده. اگر کسی بخواهد از دیدگاه الهیات انجیلی، شیطان را مورد مطالعه و بررسی قرار دهد (هر کتاب، نویسنده، و موضوع جداگانه) نگرشهای کاملاً متفاوتی نسبت به شیطان آشکار خواهد شد. اگر مطالعه شیطان از روی منابع غیر انجیلی و از دیدگاه سایر مذاهب یا مذاهب شرقی باشد، بیشتر توسعه های عهد جدید در سایه دوگانگی پارسی و یونانی-رومی قرار می گیرند.

اگر به صورت پیش فرض، فرد خود را بر اقتدار الهی کتب مقدس متعهد بداند (همانطور که من هستم)، پس بسط عهد جدید باید به صورت مکاشفه تصاعدی دیده شود. مسیحیان باید در برابر اجازه دادن به فولکور یهودی یا ادبیات انگلیسی، جبهه بگیرند (یعنی دانت، میلتن) تا مفهوم را بیشتر روشن کنند. یقیناً رازها و ابهاماتی در زمینه مکاشفه وجود دارند. خدا چنین تصمیم گرفت که همه جنبه‌های پلیدی، منشا آن (موضوع خاص: لوسیفر را مطالعه کنید)، و هدف آن را آشکار نکند، بلکه شکست آن را آشکار کرده است!

II.

شیطان در عهد عتیق

در عهد عتیق به نظر می‌رسد "شیطان" (BDB 966, KB 1317) یا "متهم کننده" به سه گروه جداگانه مرتبط باشد:

A. انسانهای متهم کننده (اول سموئیل ۲۹: ۴، دوم سموئیل ۱۹: ۲۲، اول پادشاهان ۵: ۴ و ۱۱: ۱۴ و ۲۳ و ۲۵، مزمور ۱۰۶: ۶ و ۲۰ و ۲۹)

B. فرشتگان متهم کننده (اعداد ۲۲: ۲۲ الی ۲۳، زکریا ۳: ۱)

۱. فرشته خدا - اعداد ۲۲: ۲۲ الی ۲۳

۲. شیطان - اول تواریخ ۲۱: ۱، یعقوب ۱ الی ۲، زکریا ۳: ۱

C. شیاطین (احتمالاً شیطان) متهم کننده (اول پادشاهان ۲۲: ۲۱، زکریا ۱۳: ۲)

ابلیس فقط در دوره تعاملی پیدایش ۳ به عنوان شیطان معرفی می‌شود (مراجعه شود به کتاب حکمت ۲: ۲۳ الی ۲۴، دوم انوش ۳: ۱، و حتی بعداً این تبدیل به گزینه روحانیون شد (مراجعه شود به تورات یهودیان Sanh 29a و Sot 9b). "پسران خدا" در پیدایش ۶ تبدیل به فرشتگان شیطان در اول انوش ۵۴: ۶ می‌شوند. آنها تبدیل به منشا الهیات روحانیون می‌شوند. این را برای تصریح دقیق بودن الهیات نمی‌گوئیم، بلکه برای نشان دادن بسط و گسترش آن. در عهد جدید این فعالیت‌های عهد عتیقی در دوم تواریخ ۱۱: ۳، مکاشفه ۱۲: ۹ به فرشتگان پلید (شیطان) منتسب می‌شوند.

از عهد عتیق منشا شخصیت دادن به شیطان را (بسته به دیدگاه شما) به سختی می‌توان تعیین کرد یا حتی می‌توان گفت غیر ممکن است. یک دلیل برای این امر، یکتاپرستی قوی اسرائیل است (مراجعه شود به تثنیه ۶: ۴ الی ۶، اول پادشاهان ۲۲: ۲۰ الی ۲۲، جامعه ۷: ۱۴، اشعیا ۴۵: ۷، عاموس ۳: ۶). تمام علت و معلول به یهوه منسوب است تا منحصر به فرد بودن و ارشدیت خود را نشان دهد (مراجعه شود به اشعیا ۴۳: ۱۱، ۴۴: ۶ و ۸، ۴۵: ۵ الی ۶ و ۱۴ و ۱۸ و ۲۱ و ۲۲).

منابع احتمالی اطلاعات عبارتند از: (۱) یعقوب ۱ الی ۲، که شیطان یکی از پسران خدا است (یعنی فرشته است) یا (۲) اشعیا ۱۴، حزقیال ۲۸ که از پادشاهان مغرور شرقی (بابل و تیریه) برای نشان دادن غرور شیطان استفاده شدند (اول تیموتائوس ۳: ۶). در مورد این گرایش، احساسات را هم ادغام کردم. حزقیال از استعاره‌های باغ عدن نه فقط برای پادشاه تیریه به عنوان شیطان استفاده می‌کند (مراجعه شود به حزقیال ۲۸: ۱۲ الی ۱۶)، بلکه برای پادشاه مصر هم به عنوان درخت دانش خوبی و بدی استفاده می‌کند (حزقیال ۳۱). با این حال، به نظر می‌رسد اشعیا ۱۴ به خصوص آیات ۱۲ الی ۱۴، یک شورش از روی غرور فرشتگان را توصیف می‌کند. اگر خدا می‌خواست ماهیت خاص و منشا شیطان را بر ما آشکار کند، این یک شیوه کاملاً غیر مستقیم و محل انجام آن بود (موضوع خاص: لوسیفر را مطالعه کنید). ما باید در مقابل گرایش الهیات سیستماتیک برداشتهای کوچک و مبهم از اظهارات، نویسندگان، کتب و موضوعات جبهه‌گیری کنیم و آنها را به عنوان قطعاتی از یک پازل الهی ببینیم.

III.

شیطان در عهد جدید

آلفرد ادرسهایم (*The Life and Times of Jesus the Messiah*)، جلد دوم ضمائم ۸، صفحات ۷۴۸ الی ۷۶۳ و ضمیمه ۹ صفحات ۷۷۰ الی ۷۷۶، می‌گوید که روحانیون یهود شدیداً تحت تاثیر دوالیسم پارسی و حدس و گمان شیطانی قرار داشتند. روحانیون در این زمینه منبع خوبی برای حقیقت نیستند. عیسی بر انشعابات تعالیم کنیسه شدیداً حمله می‌کرد. من فکر می‌کنم که مفهوم روحانی وساطت فرشتگان (مراجعه شود به اعمال رسولان ۷: ۵۳) و مخالفت در دادن قانون به موسی در کوه سینا، درب را برای مفهوم دشمن بزرگ یهوه و نوع بشر باز کرد. دو خدا در دوگانگی خدایان ایرانی (زرتشتی) وجود دارند.

۱. اهورا مزدا، که بعداً اهورمزد گفته شد، و خدای خالق و خدای نیکی بود

۲. انگرا مینیو که بعداً اهریمن به آن گفته شد، نابود کننده روح و خدای پلیدی

آن‌ها بر سر برتری در زمین می‌جنگند. این دوگانگی به صورت دوگانگی میان یهوه و شیطان به صورت محدودتر در یهودیسم بسط یافت.

یقیناً مکاشفه تصاعدی در عهد عتیق در خصوص بسط شیطان وجود دارد، ولی نه با جزئیاتی که روحانیون یهود ادعا می‌کردند. یک مثال خوب در مورد این تفاوت، "جنگ در بهشت" است. سقوط شیطان یک الزام منطقی است، ولی مشخصه‌های آن داده نشده است (مراجعه شود به موضوع خاص: سقوط شیطان و فرشتگان). حتی آنچه که ارائه شده در یک حجاب آخرالزمانی پوشیده شده است (مراجعه شود به مکاشفه ۱۲: ۴ و ۷ و ۱۲)

الی (۱۳). هر چند شیطان شکست خورد و به زمین تبعید گردید، هنوز به عنوان خادم یهوه خدمت می‌کند (مراجعه شود به انجیل متی ۴: ۱، انجیل لوقا ۲۲: ۳۱ الی ۳۲، اول قرنتیان ۵: ۵، اول تیموتائوس ۱: ۲۰).

ما باید محدوده کنجکاو خود را به این زمینه محدود کنیم. یک نیروی انسانی وسوسه و شیطان وجود دارند، ولی هنوز فقط یک خدا هست و نوع بشر هنوز مسئول انتخابهایش می‌باشد. یک نبرد معنوی وجود دارد، هم قبل و هم بعد از رستگاری. پیروی فقط از طریق تثلیث خدا می‌آید و باقی خواهد ماند. شیطان شکست خورده و حذف خواهد شد (مکاشفه ۲۰: ۱۰)!

NASB, NKJV "در پسران نافرمانی"
NRSV "در میان کسانی که نافرمان هستند"
TEV "افرادی که از خدا سرپیچی میکنند"
NJB "در شورش"

این یک اصطلاح عبری برای شورش و شخصیت دائمی بود (افسیسیان ۵: ۶).

۳: ۲ "ما نیز جملگی زمانی در میان ایشان می‌زیستیم" در افسسیسیان "ما" به مؤمنان یهودی اشاره می‌کند، در این مورد، پولس و تیم بشارتی او. عبارت پایانی "حتی بقیه" امکان دارد که این عبارت به تمام افراد انتخاب شده، یهودیان اشاره کند. این فعل آنوریست مجهول اخباری است. صدای مجهول تأکید می‌کند که انسانهای گمراه و سقوط کرده توسط نیروهای روحانی بیرونی مانند شیطان یا شیطانی، که در افسسیسیان ۲: ۲ و ۱۰: ۳؛ ۱۲: ۶ ذکر شده‌اند، دستکاری می‌شوند.

NASB, NKJV "در شهوت گوشت ما"
NRSV "در اشتیاق گوشت ما"
TEV "با توجه به خواسته‌های طبیعی ما"
NJB "زندگی نفسانی"

این سومین دشمن انسان گمراه است. اگرچه در یک ساختار دستوری زبانی همسو ("با توجه به...") با دو دشمن در افسسیسیان ثبت نشده است، در افسسیسیان ۲: ۲، از منظر الهیاتی همسو است. خود فروپاشی انسان، خودشناسی (مراجعه شود به پیدایش ۳) بدترین دشمن آن است (مراجعه شود به غلاطیان ۵: ۲۱-۱۹). همه چیز و همه چیز را به نفع خودش متمرکز می‌کند (مراجعه شود به رومیان ۷: ۱۴-۲۵).

پولس از اصطلاح "گوشت" در دو روش متفاوت استفاده می‌کند. فقط متن می‌تواند تمایز را تعیین کند. در افسسیسیان ۲: ۱۱، ۱۵، ۲۹، ۳۱، ۶: ۵ و ۱۲ به معنای "شخص و انسان" است نه "طبیعت گناه سقوط کرده" که در اینجا آمده است. به موضوع ویژه: گوشت (*sarx*) در کولسیان ۲: ۲۲؛ مراجعه کنید.

NASB "خواسته‌های گوشت و ذهن را از بین می‌برد"
NKJV "تحقق خواسته‌های گوشت و ذهن"
NRSV "به دنبال خواسته‌های گوشت و حواس"
TEV "و هر آنچه را که خواسته‌های بدن و ذهن ما را برآورده می‌کند"
NJB "کاملاً تحت حاکمیت خواسته‌های فیزیکی ما و ایده‌های خودمان"

این یک وجه وصفی حال فعال است که تأکید بر اقدام مداوم، در حال انجام، و به صورت عادت دارد. بدن و ذهن انسان به خودی خود بد نیستند، اما آنها میدان نبرد وسوسه و گناه هستند (مراجعه شود به افسسیسیان ۴: ۱۷-۱۹؛ رومیان ۶ و ۷).

■ "به طبیعت" این اشاره به امیال آدمی انسان گمراه دارد (مراجعه شود به پیدایش ۳؛ مزامیر ۵۱: ۵، یعقوب ۱۴: ۴؛ رومیان ۵: ۱۲-۲۱؛ ۷: ۱۴-۲۵). حیرت انگیز است که ربی‌ها به طور کلی در پیدایش ۳ بر گمراهی انسان تأکید نمی‌کنند. آنها برعکس ادعا می‌کنند که بشر دارای دو هدف است: یکی خوب، یک بد. انسانها تحت تأثیر انتخاب آنها قرار دارند. یک ضرب المثل مشهور رینیایی وجود دارد: "هر مرد یک سگ سیاه و سفید در قلب خود دارد؛ یکی که بیشتر از آن تغذیه می‌کند بزرگترین آن است." با این حال، عهد جدید ارائه چند دلیل الهیاتی برای گناه بشر ارائه می‌کند: (۱) سقوط آدم؛ (۲) جهل آگاهانه؛ و (۳) تصمیمات گناهکارانه.

■ "فرزندان خشم" (این عبارت در نسخه فارسی ترجمه نشده است- مترجم) "فرزندان..." همانند "پسران..." یک عبارت اصطلاحی عبری برای شخصیت فرد است. خدا مخالف گناه و یاغیگری در مخلوقش است و خشم خدا هم موقتی (در زمان خودش) و هم اسکاتولوژیک است (در پایان زمان).

NASB "حتی به عنوان استراحت"

"مجبورمان کرد با هم بنشینیم"
"مثل هر کس دیگری"
"مثل بقیه جهان"

NKJV
NRSV, TEV
NJB

این به گمراهی همه انسانها، یعنی یهودی و غیر یهودی اشاره دارد (رومیان ۱: ۱۸-۳: ۲۱). پولس از اصطلاح "استراحت" برای اشاره به "از دست رفتن" استفاده می کند (مراجعه شود به اول تسالونیکیان ۴: ۱۳، ۵: ۶).

۴: ۲ "اما خدایی که در رحمانیت دولتمند است، به خاطر محبت عظیم خود به ما" چنین تغییری چشمگیر بین ناامیدی و درماندگی مردم گمراه در افسسیان ۲: ۱-۳ و فضل شگفت انگیز و رحمت خدا در افسسیان ۲: ۴-۷ وجود دارد.

حقیقت عالی چیست؟ رحمت خداوند و عشق، کلید رستگاری است (مراجعه شود به افسسیان ۲: ۷). این شخصیت مهربان او است (مراجعه شود به خروج ۳۴: ۶، نحما ۹: ۱۷، مزامیر ۸۶: ۱۵، ۱۰۳: ۸، ۱۴۵: ۸-۹، افسسیان ۱: ۷، ۱۸، ۲: ۷، ۳: ۸، ۱۶)، نه عملکرد بشر، که راه پارسایی را ارائه می دهد (مراجعه شود به رومیان ۳: ۲۱-۳۱). به یادداشت افسسیان ۱: ۷ در مورد "غنا" مراجعه کنید.

مهم است که این آیه بر روی فیض خدا دارای یک وجه وصفی حال و یک آتوریست فعال اخباری است. خداوند در گذشته ما را دوست داشته است (انجیل یوحنا ۳: ۱۶؛ اول یوحنا ۴: ۹-۱۰) و همچنان به ما عشق می ورزد (مراجعه شود به اول یوحنا ۴: ۷-۸، ۱۶)!

۵: ۲ "حتی زمانی که در نافرمانیهای خود مرده بودیم" این عبارت همسو با افسسیان ۲: ۱ الف است. پولس پس از تفکر مجدد خود (افسسیان ۲: ۱-۳) در مورد بشر دست رفته به اندیشه اصلی خود بازگشت. در میانه نیاز ما، خدا از روی عشق و محبت عمل کرد (رومیان ۵: ۶، ۸).

■ "ما را با مسیح زنده کرد" این عبارت انگلیسی نشان دهنده یک کلمه یونانی (*suzōpoiēō*) است. این فعل اصلی جمله (آتوریست فعال اخباری) است که در افسسیان ۲: ۱ شروع می شود. این اولین از سه فعل آتوریست ترکیبی است با پیشوند یونانی *syn*، که به معنای "مشارکت مشترک با" است. عیسی از مردگان در ۱: ۲۰ برخاست و مؤمنان از طریق او به زندگی معنوی فراخوانده شدند (مراجعه شود به کولسیان ۲: ۱۳؛ ۳: ۱). مؤمنان در حال حاضر با مسیح زنده هستند. ما زندگی رستاخیزی داریم! مرگ، آخرین دشمن، شکست خورده است (مراجعه شود به اول قرنتیان ۱۵).

۵: ۲ و ۸ "از راه فیض نجات یافته‌اید" این یک وجه وصفی کامل مجهول با الفاظ اضافی است که در افسسیان ۲: ۸ برای تأکید تکرار شده است. این بدان معنا بود که مؤمنان در گذشته، با یک عامل خارجی، با نتایج مطلوب، نجات یافته بودند؛ "و همچنان توسط خدا نجات یافته هستند." همین ساختار در افسسیان ۲: ۸ برای تأکید تکرار شده است. به موضوع خاص در افسسیان ۱: ۷ مراجعه کنید.

این یکی از مباحث کتاب مقدس است که اساس دکترین امنیت مؤمن را تشکیل می دهد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۶: ۳۷، ۳۹؛ ۲۸: ۱۰؛ ۱۷: ۲؛ ۲۴: ۱۸؛ ۹: ۲۴؛ رومیان ۸: ۳۱-۳۹) همانند تمام دکترین‌های کتاب مقدس، باید با حقیقت و متون دیگر، متعادل (در تنش) گردد.

۶: ۲ "با مسیح برخیزانید" این دومین ترکیب آتوریست با *syn* است. مومنین قبلا با مسیح برخیزانده شده اند. مومنین با غسل تعمید با او دفن شدند (مراجعه شود به کولسیان ۲: ۱۲؛ رومیان ۶: ۳-۱۱) و همراه با او توسط پدر برخیزانده شدند (مراجعه شود به کولسیان ۲: ۱۳؛ رومیان ۶: ۴-۵) عیسی (توسط روح در رومیان ۸: ۱۱ برخیزانده شده). اینها قیاسهای رستگاری هستند. مومنین در رخدادهای مهم عیسی به طور معنوی و روحانی شرکت می کنند: مصلوب شدن، مرگ، دفن، قیام و استقرار! زندگی و رنج خود را با مومنین به اشتراک می گذارد آنها همچنین در جلال او را شریک میشوند (رومیان ۸: ۱۷)!

NASB, NRSV "ما را با او نشانند"

NKJV "مجبورمان کرد با هم بنشینیم"

TEV "با او حکمرانی کردن"

NJB "جایی در کنار او به ما داد"

این سومین ترکیب آتوریستی با *syn* است. جایگاه ما در او یکی از پیروزیهای حال و آینده است (رومیان ۸: ۳۷)! مفهوم نشستن با او به معنای حکومت کردن با او بود. عیسی شاه شاهان است که در تخت سلطنت خدای پدر نشسته و مؤمنان حتی در حال همکاری با او هستند (متی ۱۹: ۲۸؛ رومیان ۵: ۱۷؛ کولسیان ۳: ۱؛ دوم تیموتائوس ۲: ۱۲؛ مکاشفه ۲: ۲۶؛ ۳: ۲۱).

موضوع خاص: سلطنت در پادشاهی خدا

(Special Topic: Reigning In The Kingdom Of God)

مفهوم حکومت کردن با مسیح بخشی از مقوله الهیات بزرگتری به نام "پادشاهی خدا" است. این یک جایگاهی از مفهوم عهد عتیقی از خدا به عنوان

شاه واقعی اسرائیل است (مراجعه شود به اول سموئیل ۷: ۸). او به صورت نمادین (اول سموئیل ۷: ۷؛ ۱۰: ۱۷-۱۹) از طریق یک نسل از قبیله یهود (پیدایش ۴۹: ۱۰) و خانواده جِس (مراجعه شود به دوم سموئیل ۷) سلطنت کرد.

عیسی تحقق نبوت عهد عتیق در مورد مسیح است. او پادشاهی خدا را با قیام خود از مردگان در بیت لحم افتتاح کرد. پادشاهی خدا تبدیل به ستون مرکزی موعظه عیسی شد. پادشاهی به طور کامل در او آمده بود (متی ۱۰: ۷؛ ۱۱: ۱۲؛ ۱۲: ۲۸؛ مرقس ۱: ۱۵؛ لوقا ۱۰: ۹، ۱۱؛ ۱۱: ۲۰؛ ۱۶: ۱۶؛ ۲۰-۲۱).

با این حال، پادشاهی در آینده (*eschatological*) بود. این در حال حاضر بود، اما نه کامل شده (مراجعه شود به انجیل متی ۶: ۱۰؛ ۸: ۱۱؛ ۱۶: ۲۸؛ ۲۲: ۱-۱۴؛ ۲۶: ۲۹؛ ۱۳: ۲؛ ۲۷: ۱۱؛ ۲۹: ۱۴؛ ۳۰: ۱۰؛ ۳۱: ۳۱-۳۲). عیسی اولین بار به عنوان بنده رنج کشیده آمد (اشعیا ۵۲: ۵۳-۵۴؛ ۱۲: ۱۳)؛ به صورت فروتن (زکریا ۹: ۹)، اما او به عنوان شاه شاهان بازگشت (متی ۲: ۲، ۲۱؛ ۵: ۲۷، ۱۱-۱۴). مفهوم "سلطنت" قطعاً بخشی از این الهیات "پادشاهی" است. خدا پادشاهی را به پیروان عیسی داده است (نگاه کنید به لوقا ۱۲: ۳۲).

مفهوم سلطنت با مسیح دارای چند جنبه و سوال است.

۱. آیا عباراتی که ادعا می کنند خداوند "پادشاهی" را از طریق مسیح به مؤمنان داده است، به "سلطنت کردن" اشاره دارد (انجیل متی ۵: ۳، ۱۰؛ انجیل لوقا ۱۲: ۳۲)؟

۲. آیا گفته‌های عیسی به شاگردان اصلی در قرن اول قرن یهودی به کلیه مؤمنان اشاره دارند (انجیل متی ۱۹: ۲۸؛ انجیل لوقا ۲۲: ۲۸-۳۰)؟

۳. آیا تاکید پولس بر حاکمیت در این زندگی اکنون متضاد یا تکمیل متون فوق (رومیان ۵: ۱۷؛ اول قرنتیان ۴: ۸) است؟

۴. چگونه رنج بردن و سلطنت کردن به یکدیگر مرتبط هستند (رومیان ۸: ۱۷؛ دوم تیموتائوس ۲: ۱۱-۱۲؛ اول پطرس ۱۳: ۴؛ مکاشفه ۱: ۹)؟

۵. موضوع مکرر مکاشفه، تقسیم سلطنت مسیح شکوهمند است، اما آیا این حکومت

a. زمینی است، مکاشفه ۵: ۱۰

b. هزاره ای است، مکاشفه ۲۰: ۴ الی ۶

c. ابدی است، مکاشفه ۲: ۲۶، ۳: ۲۱، ۲۲: ۵ و دانیال ۷: ۱۴ و ۱۸ و ۲۷

NASB, NKJV,

"در مکانهای بهشتی"

NRSV

"در جهان بهشتی"

TEV

"در بهشت"

NJB

این صفت مکانی جمع خنثی، "در مکانهای بهشتی"، تنها در افسسیان استفاده می شود (افسسیان ۱: ۲۰؛ ۲: ۶؛ ۳: ۱۰؛ ۶: ۱۲). از متن تمامی جاهایی که در آنها استفاده شده، باید به معنای قلمرو معنوی باشد که در آن مومنین در اینجا و در حال حاضر زندگی میکنند، نه در بهشت.

۲: ۷ "در عصرهایی که خواهند آمد" یهودیان به دو عصر اعتقاد داشتند، عصر پلید حاضر (غلاطیان ۱: ۴) و عصر پارسایی که خواهد آمد (به موضوع خاص در افسسیان ۱: ۲۱ مراجعه شود) معتقد بودند. این عصر جدید عدالت، با به رسمیت شناختن مسیح و به قدرت روح آغاز می شود. در افسسیان ۱: ۲۱ "عصر" مفرد است، در اینجا جمع استفاده شده (مراجعه شود به اول قرنتیان ۲: ۷؛ عبرانیان ۱: ۲؛ ۱۱: ۳). این بدان معنی است که (۱) حداقل دو عصر وجود دارند یا (۲) حالت جمع برای بالا بردن و اضافه کردن تعداد اعصار آتی استفاده می شود - اصطلاح ربی ها به نام "جمع سلاطین". این استفاده از حالت جمع در معنای نمادین، می تواند در قسمت هایی که به "اعصار" گذشته اشاره می کنند دیده شود (رومیان ۱۶: ۲۵، اول قرنتیان ۱۰: ۱۱؛ دوم تیموتائوس ۱: ۹؛ تیتوس ۱: ۲).

بعضی از محققان بر این باورند که این فقط یک استعاره برای ابدیت بود؛ زیرا این اصطلاح در یونانی کوبین و چندین مکان در عهد جدید مورد استفاده قرار گرفت (لوقا ۱: ۳۳، ۵۵؛ یوحنا ۱۲: ۳۴؛ رومیان ۹: ۵؛ غلاطیان ۱: ۵؛ اول تیموتائوس ۱: ۱۷).

■ "نشان دهد" این وجه شرطی آئوریست میانی است. خدا به وضوح شخصیت خود را نشان داد (مراجعه شود به افسسیان ۱: ۵-۷). این اصطلاح به معنی (نمایش عمومی) است (رومیان ۹: ۱۷، ۲۲). رحمت و هدف خدا در مسیح، به واسطه رفتار او با بشر، به وضوح بر فرشتگان آشکار میشود (افسسیان ۳: ۱۰؛ ۱ قرنتیان ۴: ۹).

■ "بی مانند" *Huperballō* موضوع خاص: استفاده پولس از حالات ترکیبی *Huper* در افسسیان ۱: ۱۹ را مطالعه کنید.

۸:۲ "زیرا به فیض" رستگاری به "فیض" خداوند است (مراجعه شود به افسسیان ۱: ۳-۱۴). شخصیت خدا از طریق رحمت او آشکار می شود (مراجعه شود به افسسیان ۲: ۴-۶). مومنین غنائم عشق او هستند. به بهترین شکل، فیض به عنوان عشق بی رحمانه و نامحدود خدا، تعریف میشود. از طبیعت خداوند از طریق مسیح جریان می یابد و بدون در نظر گرفتن ارزش یا شایستگی است.

■ "شما نجات یافته اید" این یک فعل مجهول کامل با الفاظ زائد می باشد که تکرار افسسیان ۲: ۵ است (به یادداشت توجه کنید). محرک آن اینست که "مؤمنان" توسط خدا نجات یافته و همچنان "توسط خدا" نجات یافته اند.

در عهد عتیق اصطلاح "نجات" از "فساد فیزیکی" سخن میگوید (یعقوب ۵: ۱۵). در عهد جدید این معنا، بر ابعاد معنوی قرار گرفته است. خداوند از نتایج سقوط مؤمنان را بدست آورده و زندگی ابدی را به آنها می دهد. او تصویر خدا را احیا می کند و دوستی با خدا را دوباره برقرار می کند.

موضوع خاص در افسسیان ۱: ۷ را مطالعه کنید.

■ "از طریق ایمان" ایمان هدیه رایگان خداوند را از طریق مسیح دریافت می کند (رومیان ۳: ۲۲، ۲۵؛ ۴: ۵؛ ۹: ۳۰؛ غلاطیان ۲: ۱۶؛ ۳: ۲۴؛ اول پطرس ۱: ۵). انسان باید به پیشنهاد خداوند از فیض و بخشش در مسیح پاسخ دهد (یوحنا ۱: ۱۲؛ ۳: ۱۶-۱۷، ۳۶؛ ۶: ۴۰؛ ۱۱: ۲۵-۲۶؛ رومیان ۹: ۱۰-۱۳).

خدا با توسط یک پیمان با انسان سقوط کرده سر و کار دارد. او همیشه ابتکار عمل را به عهده می گیرد (یوحنا ۶: ۴۴، ۶۵) و دستور کار و مرزها را تنظیم می کند (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱: ۱۵؛ اعمال رسولان ۳: ۱۶، ۱۹؛ ۲۰: ۲۱). او اجازه می دهد که بشریت سقوط کرده، با پاسخ دادن به پیشنهاد پیمان خود، در نجات خود شرکت کنند. پاسخ از روی ایمان ضروری و مداوم باید باشد. این شامل توبه، اطاعت، خدمت، عبادت، و استقامت است.

اصطلاح "ایمان" در عهد عتیق یک تمایز استعاری از موضع پایدار است. این به معنای مشخص بودن، قابل اعتماد بودن، قابل اتکا بودن و وفاداری است. هیچ کدام از اینها حتی مردم رستگار شده را نیز توصیف نمی کنند. این اعتماد به نفس بشر، یا وفاداری یا اعتماد به نفس نیست، بلکه خداست. ما به وعده های قابل اعتماد او، اعتماد داریم، نه قابل اعتماد بودن خودمان! اطاعت از روی پیمان، از قدردانی ناشی میشود! تمرکز همیشه بر وفاداری او بوده است، نه ایمان مؤمنان! ایمان نمیتواند کسی را نجات دهد، فقط فضل نجات می دهد، اما از طریق ایمان بدست می آید. تمرکز هرگز بر میزان ایمان نیست (متی ۱۷: ۲۰)، بلکه بر عینیت آن (عیسی) است.

موضوع خاص: باور، اعتقاد، ایمان و وفاداری در عهد عتیق

(Special Topic: Believe, Trust, Faith, And Faithfulness In The Old Testament)

I. مقدمه

لازم به ذکر است که استفاده از این مفهوم الهیات، در عهد جدید بسیار حیاتی است، و به این وضوح در عهد عتیق تعریف نشده است. یقیناً در آنجا نیز هست، ولی در قالب افراد و شخصیت های کلیدی به نمایش گذاشته شده است.

عهد عتیق اینها را در هم ادغام می کند

A. فرد و جامعه

B. برخورد شخصی و اطاعت فرد با ایمان

ایمان هم برخورد شخصی است و هم شیوه زندگی روزانه! راحتتر می توان زندگی یک مرید مومن را توصیف کرد تا در قالب کلمات (یعنی مطالعه کلمات) نوشت. ویژگی شخصی در این موارد به بهترین وجه به تصویر کشیده شده است:

A. ابراهیم و فرزندان

B. داوود و اسرائیل

این افراد با خدا دیدار می کنند و زندگی آنها برای همیشه تغییر می یابد (نه زندگی کامل، بلکه زندگی از روی ایمان و وفاداری). آزمایش ضعف ها و قوت ها را در ایمان به خدا در مواجهه با او آشکار کرد، ولی رابطه صمیمی و ناشی از اعتماد در طول زمان تداوم یافت. آزمایش شد و بهبود داده شد، ولی با وقف کردن خود و شیوه زندگی خود به اثبات رسید و تداوم یافت.

II. استفاده از ریشه اصلی

A. אָמֵן (آمین) (KB 63, BDB 52)

۱. فعل

a. ریشه *qal*- پشتیبانی، تغذیه (دوم پادشاهان ۱۰: ۱ و ۵، استر ۲: ۷، کاربرد غیر دینی)

b. ریشه *Niphal*- اطمینان حاصل کردن، مطمئن شدن، سخت شدن، بنا کردن، تأیید کردن، وفادار و یا قابل اعتماد بودن

(۱) انسانها، اشعیا ۸: ۲، ۵۳: ۱، ارمیا ۴۰: ۱۴

(۲) چیزها، اشعیا ۲۲: ۲۳

(۳) خدا، تثنیه ۷: ۹، اشعیا ۴۹: ۷، ارمیا ۴۲: ۵

c. ریشه *Hiphil* - سخت ایستادن، باور داشتن، اعتماد کردن

(۱) ابراهیم به خدا ایمان داشت، پیدایش ۱۵: ۶

(۲) اسرائیلی‌ها در مصر ایمان آوردند، خروج ۴: ۳۱، ۱۴: ۳۱ (در تثنیه ۱: ۳۲ نفی شده)

(۳) اسرائیلی‌ها به یهوه ایمان آوردند و توسط موسی با او صحبت کردند، کتاب خروج ۱۹: ۹، مزامیز ۱۰۶: ۱۲ و ۲۴

(۴) آهاز به خدا اعتماد نکرد، اشعیا ۷: ۹

(۵) هر کس که به او ایمان آورد، اشعیا ۲۸: ۱۶

(۶) حقایق نسبت به خدا را باور کرد، اشعیا ۴۳: ۱۰ الی ۱۲

۲. اسم (مذکر) - وفاداری (تثنیه ۳۲: ۲۰، اشعیا ۲۵: ۱ و ۲۶: ۲)

۳. قید - صادقانه، به راستی، موافقم، شاید این طور باشد (رجوع شود به تثنیه ۲۷: ۱۵ الی ۲۶، اول پادشاهان ۱: ۳۶، اول قرن‌تیان

۱۶: ۳۶، اشعیا ۶۵: ۱۶، ارمیا ۱۱: ۵ و ۶ و ۲۸). این کاربرد ادبی "آمین" در عهد عتیق و عهد جدید است.

B. אָמַן (حقیقت) (KB 68, BDB 54) - اسم مونث، سختی، وفاداری، حقیقت

۱. انسانها (اشعیا ۱۰: ۲۰، ۴۲: ۳، ۴۸: ۱)

۲. خدا - خروج ۳۴: ۶، مزمور ۱۱۷: ۲، اشعیا ۳۸: ۱۸ و ۱۹، ۶۱: ۸

۳. حقیقت - تثنیه ۳۲: ۴، اول پادشاهان ۲۲: ۱۶، مزمور ۳۳: ۴، ۹۸: ۳، ۱۰۰: ۵، ۱۱۹: ۳۰، ارمیا ۹: ۵، زکریا ۸: ۱۶

C. אָמַן (ایمان) (KB 62, BDB 53) - سختی، استقامت، وفاداری

۱. داستان - خروج ۱۷: ۱۲

۲. زمان - اشعیا ۳۳: ۶

۳. انسانها - ارمیا ۵: ۳، ۲۷: ۷، ۹: ۲

۴. خدا - مزمور ۴۰: ۱۱، ۸۸: ۱۱، ۸۹: ۱ و ۲ و ۵ و ۸، ۱۱۹: ۱۳۸

III. استفاده پولس از این مفهوم عهد عتیق

A. پولس مبنای درک جدید خود از یهوه و عهد عتیق را در برخورد با عیسی در مسیر دمشق بنا نهاد (اعمال ۹: ۱ الی ۱۹، ۲۲: ۳ لی ۱۶،

۲۶: ۹ الی ۱۸)

B. او پشتیبانی عهد عتیق از درک جدید خود را در این دو متن کلیدی عهد عتیق یافت که از ریشه אָמַן (آمین) استفاده می‌کردند

۱. پیدایش ۱۵: ۶ - ملاقات شخصی ابراهیم با خدا (پیدایش ۱۲) که منجر به زندگی اطاعت گونه از روی ایمان وی شد (پیدایش ۱۲

الی ۲۲). پولس به این مورد در رومیان ۴ و غلاطیان ۳ اشاره دارد

۲. اشعیا ۲۸: ۱۶ - آنان که ایمان می‌آورند (یعنی خدا آنها را آزمایش کرد و سنگ بنایشان را نهاد) هرگز

a. رومیان ۹: ۳۳ "شرمنده" یا "نا امید" نخواهند شد

b. رومیان ۱۰: ۱۱: همانند بالا

۳. حبقوق ۲: ۴ - آنان که به خدای وفادار ایمان دارند پارسا زندگی می‌کنند (رجوع شود به ارمیا ۷: ۲۸). پولس از این متن در رومیان

۱۷: ۱ و غلاطیان ۳: ۱۱ استفاده می‌کند (همچنین به عبرانیان ۱۰: ۳۸ توجه کنید).

IV. استفاده پطرس از مفهوم عهد عتیق

I. پطرس اینها را ادغام می‌کند

۱. اشعیا ۸: ۱۴ - اول پطرس ۲: ۸ (سنگ لغزان)

۲. اشعیا ۲۸: ۱۶ - اول پطرس ۲: ۶ (سنگ بنا)

۳. مزمور ۱۱۸: ۲۲ - اول پطرس ۲: ۷ (سنگی که رد کردند)

II. او از زبان خاصی استفاده می‌کند که اسرائیل را توصیف نماید، مانند "نژاد منتخب، دیانت سلطنتی، قوم مقدس، مردمی برای مالکیت

خاص خدا" در

۱. تثنیه ۱۰: ۱۵، اشعیا ۴۳: ۲۱

۲. مزمور ۶۱: ۶، ۶۶: ۲۱

۳. خروج ۱۹: ۶، تثنیه ۷: ۶

.V استفاده یوحنا از مفهوم

A. استفاده در عهد جدید

کلمه "ایمان" از کلمه یونانی *pisteuō* می‌آید که همچنین می‌تواند به "ایمان"، "باور" یا "اعتماد" ترجمه شود. برای مثال، به عنوان اسم در انجیل یوحنا استفاده نشده است ولی در قالب فعل اغلب استفاده شده است. در انجیل یوحنا ۲: ۲۳ الی ۲۵ عدم قطعیتی در تعهد جمعیت نسبت به عیسی ناصری به عنوان مسیح وجود دارد. سایر مثال‌ها از این نوع کاربرد سطحی کلمه "ایمان" در انجیل یوحنا ۸: ۳۱ الی ۵۹، و اعمال ۸: ۱۳ و ۱۸ الی ۲۴ دیده می‌شود. ایمان واقعی انجیلی بیش از پاسخ اولیه است. باید همراه با یک فرایند شاگردی باشد (رجوع شود به انجیل متی ۱۳: ۲۰ الی ۲۲ و ۳۱ و ۳۲).

B. استفاده به عنوان حرف اضافه

۱. *Eis* به معنی "در" است. این ساختار خاص تاکید بر این دارد که مومنین باید به عیسی اعتماد/ایمان داشته باشند.

a. در نام او (یوحنا ۱: ۱۲، ۲: ۲۳، ۳: ۱۸، اول یوحنا ۵: ۱۳)

b. در او (یوحنا ۲: ۱۱، ۳: ۱۵ و ۱۸، ۴: ۳۹، ۶: ۴۰، ۷: ۵ و ۳۱ و ۳۹ و ۴۸، ۸: ۳۰، ۹: ۳۶، ۱۰: ۴۲، ۱۱: ۴۵ الی ۴۸، ۱۲: ۳۷، متی ۱۸: ۶، اعمال ۱۰: ۴۳، فیلیپینان ۱: ۲۹، اول پطرس ۱: ۸)

c. در من (یوحنا ۶: ۳۵، ۷: ۳۸، ۱۱: ۲۵ و ۲۶، ۱۲: ۴۴ و ۴۶، ۱۴: ۱ و ۱۲، ۱۶: ۹، ۱۷: ۲۰)

d. در پسر (یوحنا ۳: ۳۶، ۹: ۳۵، اول یوحنا ۵: ۱۰)

e. در عیسی (یوحنا ۱۲: ۱۱، اعمال ۱۹: ۴، غلاطیان ۲: ۱۶)

f. در نور (یوحنا ۱۲: ۳۶)

g. در خدا (یوحنا ۱۴: ۱)

۲. *ev* یعنی "به" آنطور که در یوحنا ۳: ۱۵، مرقس ۱: ۱۵ و اعمال ۵: ۱۴ آمده است

۳. *epi* یعنی "این" یا "براساس" مانند انجیل متی ۲۷: ۴۲، اعمال ۹: ۴۲، ۱۱: ۱۷، ۱۶: ۳۱ و ۲۲: ۱۹، رومیان ۴: ۵ و ۲۴: ۹، ۲۳: ۱۰

۴. به صورت دلخواه و بدون حرف اضافه در غلاطیان ۳: ۶، اعمال ۱۸: ۸، ۲۷: ۱۵، اول یوحنا ۳: ۲۳ و ۵: ۱۰

۵. *hoti* که به معنی "باور کرد که" در متن می‌گوید که به چه باید باور کرد

a. عیسی محبوب مقدس و اول خداست (یوحنا ۶: ۶۹)

b. عیسی همان من هستم است (یوحنا ۸: ۲۴)

c. عیسی در پدر و پدر در عیسی است (یوحنا ۱۰: ۳۸)

d. عیسی مسیح است (یوحنا ۱۱: ۲۷، ۲۰: ۳۱)

e. عیسی پسر خدا است (یوحنا ۱۱: ۲۷، ۲۰: ۳۱)

f. عیسی توسط پدر فرستاده شد (یوحنا ۱۱: ۴۲، ۱۷: ۸ و ۲۱)

g. عیسی آن است که با پدر است (یوحنا ۱۴: ۱۰ الی ۱۱)

h. عیسی از جانب پدر فرستاده شد (یوحنا ۱۶: ۲۷ و ۳۰)

i. عیسی در چهارچوب یک پیمان در خدا خود را معرفی می‌کند، "منم" (یوحنا ۸: ۲۴ و ۱۳: ۱۹)

j. با او زندگی خواهیم کرد (رومیان ۶: ۸)

k. عیسی مرد و مجدداً برخاست (اول تسالونیکیان ۴: ۱۴)

.VI جمع بندی

A. ایمان انجیلی پاسخی است به کلام/وعده الهی. خدا همیشه نخستین گام را برمی‌دارد (یعنی انجیل یوحنا ۶: ۴۴ و ۶۵)، ولی بخشی

از این ارتباط الهی نیازمند پاسخ انسان است (رجوع شود به موضوع خاص: پیمان).

۱. توبه (موضوع خاص: توبه را ببینید)

۲. ایمان/اعتماد (موضوعات خاص را ببینید)

۳. اطاعت

۴. استقامت (موضوع خاص: استقامت را ببینید)

B. ایمان انجیلی

۱. یک رابطه فردی است (ایمان اولیه)

۲. تائید حقیقت انجیلی است (ایمان به مکاشفه خدا، یعنی کتاب مقدس)

۳. پاسخ به صورت پیروی درست از آن (وفاداری روزانه)

ایمان انجیلی بلیط به بهشت یا یک بیمه‌نامه نیست. یک رابطه فردی است. هدف خلقت است، انسان با هدف و با دوست داشتن خدا خلق می‌شود (پیدایش ۱: ۲۶ و ۲۷). مسئله "صمیمیت" است. خدا خواهان دوستی است، نه یک مواجهه الهی خاص. ولی دوستی خدال متعال نیازمند فرزندان است که ویژگی "خانواده" را نشان می‌دهند. (یعنی تقدس، لاویان ۱۹: ۲، متی ۵: ۴۸، اول پطرس ۱: ۱۵ و ۱۶). سقوط (پیدایش ۳) بر پاسخ مناسب ما تاثیر گذاشت. در نتیجه خدا از جانب ما عمل کرد (رجوع شود به حزقیال ۳۶: ۲۷ الی ۳۸)، به ما "قلبی جدید" و "روحی جدید" داد، که ما را قادر می‌سازد از طریق ایمان و توبه با وی دوستی و از وی اطاعت کنیم! هر سه اینها مهم و حیاتی هستند. هر سه باید انجام شوند. هدف شناخت خداست (با هر دو مفهوم عبری و یونانی) تا شخصیت او را در زندگی‌مان منعکس کنیم. هدف ایمان روزی به بهشت رفتن نیست، بلکه هر روز همانند مسیح بودن است!

C. وفاداری انسان نتیجه (عهد جدید) است، نه پایه (عهد عتیق) برای یک رابطه با خدا: ایمان انسان به وفاداری او، اعتماد انسان به قابل اعتماد بودن او. قلب نگرش عهد جدید به رستگاری این است که انسان باید با برداشتن اولین گام پاسخ دهد و دائماً به لطف و رحمت خدا که در عیسی است، پاسخ دهد. او دوست داشته است، او فرستاده است، او فراهم کرده است، ما باید با ایمان و وفاداری پاسخ دهیم (اشعیا ۲: ۸ و ۹ و ۱۰)!

خداوند وفادار به مردم وفادار نیاز دارد تا خود را به جهان بی‌ایمان نشان دهد و آنها را با ایمان فردی بسوی خود آورد.

■ "و این" این يك ضمير اشاره یونانی (*touto*) است که از جنس خنثی است. نزدیکترین اسم‌ها، "فیض" و "ایمان" هر دو از نظر جنسیت مونث هستند. بنابراین، این باید به تمام روند نجات ما در کار خاتمه یافته مسیح اشاره کند.

یک امکان دیگر بر اساس یک ساختار مشابه دستور زبانی در فیلیپیان ۱: ۲۸ وجود دارد. در صورتی که این مورد باشد، پس این عبارت قیدی مربوط به ایمان است که همچنین یک هدیه از فیض خدا است! در اینجا، رمز و راز حاکمیت خدا و اراده آزاد انسان است.

■ "از خودتان نیست" این اولین عبارت از سه عبارتی است که به وضوح نشان می‌دهد رستگاری بر اساس عملکرد انسان نیست: (۱) "نه از خود" افسسیان ۲: ۸؛ (۲) "نعمت خدا" افسسیان ۲: ۸؛ و (۳) "نه به عنوان حاصل کار" افسسیان ۲: ۹.

■ "عطای خدا" این جوهر عشق-فضل است بدون هیچ دل بستگی (مراجعه شود به رومیان ۳: ۲۴؛ ۶: ۲۳). پارادوکس رستگاری به عنوان نعمت رایگان و واکنش داوطلبانه، بسیار دشوار است. اما هر دو درست هستند! رستگاری واقعا رایگان است، با این حال بهای آن همه چیز است. اکثر دکترین‌های کتاب مقدس به عنوان جفتهای پر از تناقض حقایق (امنیت و استقامت، ایمان در برابر آثار، حاکمیت خدا در برابر اراده آزاد انسان، پیش شرط در مقابل پاسخ انسان و تعالی در مقابل تحقق) ارائه شده‌اند.

موضوع خاص: شواهد عهد جدید برای رستگاری فرد

(Special Topic: New Testament Evidence For One's Salvation)

بر اساس پیمان جدید (مراجعه شود به ارمیا ۳۱: ۳۱ الی ۳۴، حزقیال ۳۶: ۲۲ الی ۳۸) در عیسی است:

۱. شخصیت پدر (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۳: ۱۶)، کار پسر (مراجعه شود به دوم قرنتیان ۵: ۲۱)، و بشارت روح (مراجعه شود به رومیان ۸: ۱۴ الی ۱۶)، نه بر اساس کارایی انسان، یا دستمزد به خاطر اطاعت و نه فقط یک فرقه
۲. یک نعمت است (مراجعه شود به رومیان ۳: ۲۴، ۶: ۲۳، افسسیان ۲: ۵ و ۸ الی ۹)
۳. یک زندگی جدید، یک جهان‌بینی جدید است (مراجعه شود به یعقوب و اول یوحنا)
۴. یک دانش است (انجیل)، رفاقت (ایمان و دوستی با عیسی) و یک شیوه زندگی جدید (تحت هدایت روح و همانند مسیح بودن)، هر سه با هم هستند، و نه فقط یکی از آنها
۵. آزمایشات رستگاری واقعی را در بینش متنی بر اول یوحنا ۲: ۳ الی ۲۷ ث، به صورت آنلاین مطالعه کنید.

۹: ۲ "نه از اعمال" رستگاری بر اساس شایستگی نیست (رومیان ۳: ۲۰، ۲۷-۲۸، ۹: ۱۱، ۱۶، غلاطیان ۲: ۱۶؛ فیلیپیان ۳: ۹؛ دوم تیموتائوس ۱: ۹؛

■ "تا هیچ کس نتواند به خود ببالد" رستگاری به لطف خدا و نه تلاش انسان است، بنابراین هیچ جایگاهی برای شکوه و عظمت انسان وجود ندارد (مراجعه شود به رومیان ۳: ۲۷، ۴: ۲). اگر مؤمنان میبایند، باید به مسیح ببالند (مراجعه شود به اول قرنتیان ۱: ۳۱ که نقل قولی از ارمیا ۹: ۲۳ الی ۲۴ است).

موضوع خاص: بالیدن (Special Topic: Boasting)

این اصطلاحات یونانی، *kauchēma*، *kauchaomai*، و *kauchēsis*، توسط پولس ۲۳ بار مورد استفاده قرار گرفته‌اند و فقط دو بار در بقیه عهد جدید (هر دو در یعقوب) مورد استفاده قرار گرفته‌اند. استفاده عمده آن در اول و دوم قرنتیان است.

دو حقیقت اصلی در رابطه با بالیدن وجود دارند:

- A. هیچ گوشتی نباید در برابر خدا به خود ببالد/جلال یابد (مراجعه شود به اول قرنتیان ۱: ۲۹، افسسیان ۲: ۹)
B. مومنین باید در سرورمان جلال یابند (مراجعه شود به اول قرنتیان ۱: ۳۱، دوم قرنتیان ۱۰: ۱۷، که اشاره ای است به ارمیا ۹: ۲۳ الی ۲۴)
بنابراین بالیدن/جلال یافتن مناسب و نامناسب وجود دارد (یعنی غرور)
A. مناسب

۱. به امید جلال (مراجعه شود به رومیان ۴: ۲)
۲. به خدا از طریق سرورمان عیسی (مراجعه شود به رومیان ۵: ۱۱)
۳. بر صلیب سرورمان عیسی مسیح (یعنی موضوع اصلی نوشته های پولس، مراجعه شود به اول قرنتیان ۱: ۱۷ الی ۱۸، غلاطیان ۶: ۱۴)
۴. پولس به اینها میبالد

- a. بشارتش بدون دستمزد (مراجعه شود به اول قرنتیان ۹: ۱۵ و ۱۶)
- b. اقتدار او از مسیح (مراجعه شود به دوم قرنتیان ۱۰: ۸ و ۱۲)
- c. نبالیدن به کارهای دیگران (آنطور که برخی در قرنتس کردند، مراجعه شود به دوم قرنتیان ۱۰: ۱۵)
- d. میراث نژادی او (همانطور که دیگران در قرنتس انجام دادند، مراجعه شود به دوم قرنتیان ۱۱: ۱۷؛ ۱۲: ۱، ۵، ۶)
- e. کلیسایش

۱. قرنتس (دوم قرنتیان ۷: ۴ و ۱۴، ۸: ۲۴، ۹: ۲، ۱۱: ۱۰)
۲. تسالونیکیان (مراجعه شود به دوم تسالونیکیان ۱: ۴)
۳. اعتماد به نفس او در آسایش و رستگاری خداوند (دوم قرنتیان ۱: ۱۲)

B. نامناسب

۱. در رابطه با میراث یهودی (مراجعه شود به رومیان ۲: ۱۷ الی ۲۳، ۳: ۲۷، غلاطیان ۶: ۱۳)
۲. برخی در کلیسای قرنتس به خود میبالند
 - a. به مردان (مراجعه شود به اول قرنتیان ۳: ۲۱)
 - b. به خرد (مراجعه شود به اول قرنتیان ۴: ۷)
 - c. به آزادی (مراجعه شود به اول قرنتیان ۵: ۵)
۳. معلمین دروغین تلاش میکردند در کلیسای قرنتس فخر فروشی کنند (مراجعه شود به دوم قرنتیان ۱۱: ۱۲)

۲: ۱۰ "ساخته دست خداییم" این یک وجه وصفی آتوریست مجهول است. روح مؤمنان را از طریق بشارت مسیح، به وسیله اراده پدر، شکل می‌دهد (مراجعه شود به افسسیان ۱: ۳-۱۴). این عمل یک خلقت معنوی جدید با همان اصطلاحات استفاده شده در خلقت اولیه در پیدایش توصیف شده است (مراجعه شود به پیدایش ۳: ۹؛ کولسیان ۱: ۱۶).

■ "کارهای نیک" شیوه زندگی مؤمنان پس از دیدن مسیح، شواهدی از رستگاری آنها است (مراجعه شود به یعقوب و اول یوحنا). آنها از طریق ایمان با کارشان، فداکاری می‌کنند! آنها برای خدمت کردن نجات می‌یابند! ایمان بدون کار میمیرد، مانند کار بدون ایمان (مراجعه شود به انجیل متی ۷: ۲۱-۲۳ و یعقوب ۲: ۱۴-۲۶). نجات دروازه و راه/جاده است. هدف انتخاب پدر این است که مومنین "مقدس و بدون گناه" باشند (مراجعه شود به افسسیان ۱: ۴).

پولس اغلب به خاطر انجیل رادیکال خود مورد حمله قرار میگرفت، زیرا به نظر می رسید که زندگی بدون خدا را تشویق می کند. انجیلی که ظاهراً بر عملکرد اخلاقی مرتبط نباشد، به سوء استفاده منجر می شود. انجیل پولس در فضل خدا آزاد بود، اما همچنین خواستار پاسخ مناسب بود، نه تنها در توبه اولیه، بلکه در تداوم آن. نتیجه زندگی خدا پرستانه است، نه زندگی بی قانونی. کار خوب مکانیسم رستگاری نیست، بلکه نتیجه آن است. این پارادوکس یک نجات کاملاً آزاد و یک پاسخ پر هزینه و همه چیز برای برقراری ارتباط دشوار است، اما این دو باید در یک تعادل پر از تنش حفظ شوند.

فردگرایی آمریکایی انجیل را تحریف کرده است. انسانها نجات نیافته اند چون خدا آنها را به طور انحصاری دوست دارد، بلکه چون خداوند انسان گمراه را دوست دارد، انسان گمراه را از تصویر خود ساخته است. او افراد را نجات داده و تغییر می دهد تا توسط آنان به افراد بیشتری نزدیک شود. تمرکز نهایی عشق در درجه اول مشارکتی است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۳: ۱۶)، اما به صورت جداگانه و فردی دریافت می شود (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱: ۱۲؛ رومیان ۱۰: ۱۳-۹؛ اول قرنتیان ۱۵: ۱).

■ "که خدا از پیش مهیا کرد" این اصطلاح قوی (*pro + htoimos*)، "برای آماده سازی قبل" مربوط به مفهوم الهیات تقدیر است (مراجعه شود به افسسیان ۱: ۴-۵، ۱۱) و فقط در اینجا و در رومیان ۹: ۲۳ استفاده می شود. خداوند مردم را انتخاب کرد تا شخصیت او را منعکس کند. از طریق مسیح، پدر تصویر خود را در مردمی که سقوط کرده و گمراه شده اند، بازسازی کرده است (مراجعه شود به پیدایش ۱: ۲۶-۲۷).

متن NASB (بروز شده) افسسیان: ۲: ۱۱ الی ۲۲

۱۱ پس شما که غیریهود به دنیا آمده اید، و آنان که خود را 'ختنه شده' می خوانند شما را 'ختنه نشده' می نامند - در حالی که ختنه آنان عملی جسمانی است که به دست انسان انجام شده است - شما باید به یاد داشته باشید^{۱۲} که زمانی از مسیح جدا، از تابعیت اسرائیل محروم و با عهدهای شامل وعده، بیگانه بودید، و بی امید و بی خدا در این جهان به سر می بردید.^{۱۳} اما اکنون در مسیح عیسی، شما که زمانی دور بودید، به واسطه خون مسیح نزدیک آورده شده اید.

۱۴ زیرا او خود صلح و سلامت ماست، که این دو گروه را یکی ساخته است. او در بدن خود دیوار جدایی را که باعث دشمنی بود فرو ریخته،^{۱۵} شریعت را با قوانین و مقرراتش باطل ساخت، بدین قصد که از آن دو یک انسان نو آفریده، صلح و سلامت پدید آورد^{۱۶} و هر دو گروه را در یک بدن با خدا آشتی دهد، به واسطه صلیب خود که بر آن دشمنی را کشت.^{۱۷} او آمد و بشارت صلح را به شما که دور بودید و به آنان که نزدیک بودند، رسانید،^{۱۸} زیرا به واسطه او، هر دو توسط یک روح به حضور پدر دسترسی داریم.

۱۹ پس دیگر نه بیگانه و اجنبی، بلکه هموطن مقدسین و عضو خانواده خدایید؛^{۲۰} و بر شالوده رسولان و انبیا بنا شده اید، که عیسی مسیح خود سنگ اصلی آن بناست.^{۲۱} در او تمامی این بنا به هم می پیوندند و به صورت معبدی مقدس در خداوند بر پا می شود.^{۲۲} و در او شما نیز با هم بنا می شوید تا به صورت مسکنی درآیید که خدا به واسطه روحش در آن ساکن است.

۲: ۱۱ "پس" این می تواند به (۱) افسسیان ۲: ۱-۱۰ اشاره کند، یا (۲) افسسیان ۱: ۳ الی ۲: ۱۰. پولس اغلب از این کلمه برای ایجاد یک واحد ادبی جدید با ساختن حقایق ترکیب شده از واحدهای قبلی استفاده می کند (رومیان ۵: ۱، ۸: ۱، ۱۲: ۱).

این سومین حقیقت اصلی بخش دکترینی پولس (افسسیان ۱-۳) است. اول، انتخاب ابدی خدا براساس شخصیت خیرخواهانه او بود؛ دوم، ناامیدی بشریت سقوط کرده، که توسط اعمال خیرخواهانه خداوند از طریق مسیح نجات یافت و باید بر اساس ایمانی که پذیرفته زندگی کند. حال سوم، اراده خدا همیشه رستگاری همه انسانها بوده است (متی ۳: ۱۵، ۱۲: ۳، خروج ۱۹: ۵)، هم یهودی و هم غیر یهودی (مراجعه شود به افسسیان ۲: ۱۱-۳: ۱۳) هیچ عقل انسانی (یعنی عرفان) این حقایق آشکار را درک نکرد.

■ "باید به یاد داشته باشید" این حال فعال امری است. به این غیر یهودیان دستور داده شد تا بیگانگی پیشین خود از خدا را همیشه به خاطر داشته باشند، افسسیان ۲: ۱۱ الی ۱۲.

■ "شما که غیریهود به دنیا آمده اید" این به معنای واقعی کلمه "ملل" (*ethnos*) است. این اشاره به همه افرادی است که از نسل یعقوب نیستند. در عهد عتیق اصطلاح "ملل" (*go'im*) یک روش منحصر به فرد برای اشاره به همه غیر یهودیان بود.

■ "شما را 'ختنه نشده' می نامند" حتی در عهد عتیق این حکم نشانه ای بیرونی از ایمان درونی بود (لاویان ۲۶: ۴۱-۴۲؛ تثنیه ۱۰: ۱۶؛ ارمیا ۴: ۴). "یهودیت" غلطی ادعا کرد که این هنوز خواسته خدا بود و برای رستگاری ضروری بود (مراجعه شود به اعمال رسولان ۱۵: ۱؛ غلاتیان ۲: ۱۱-۱۲). این احتمالاً یک تعبیر بود. مراقب باشید که این نماد را با واقعیت معنوی که در آن قرار می دهد اشتباه نگیرید (مراجعه شود به اعمال رسولان ۲: ۳۸ برای یک مثال دیگر).

"جدا شده از مسیح"	NASB
"بدون مسیح"	NKJV, NRSV
"جدای از مسیح"	TEV
"شما هیچ مسیحی ندارید"	NJB

این به معنای واقعی کلمه "بر بنیادهایی جداگانه" است. این عبارات چند بعدی، مانند افسسیان ۲: ۱ الی ۳، بی تفاوتی و ناامیدی غیر یهودیان را بدون مسیح نشان می‌دهد.

"محروم"	NASB, NJB
"بیگانه بودن"	NKJV, NRSV
"خارجیان"	TEV

این یک وجه وصفی کامل مجهول است که به معنای "محروم بوده و همچنان محروم است" می‌باشد. در عهد عتیق این اصطلاح به خارجیان ساکن با حقوق محدود (بیگانگان) اشاره می‌کند. غیر یهودیان از همچنان از پیمان یهوه جدا شده بودند و این امر تداوم داشته است.

■ **"تابعیت اسرائیل"** این به مفهوم "تبعه" اسرائیل بودن است (*politeia*). این اصطلاح به شکل *politics* وارد زبان انگلیسی شد. اشاره به نوادگان منتخب ابراهیم دارد. مزایای آنان در رومیان ۹: ۴ الی ۵ نوشته شده است.

■ **"عهدهای شامل وعده"** عهد جدید می‌تواند به عهد عتیق به عنوان یک پیمان یا چندین پیمان اشاره کند. این تنش الهیاتی را می‌توان به عنوان یک پیمان ایمان بیان نمود که در (۱) الزامات متفاوت و یا (۲) به افراد مختلف داده می‌شود، بیان می‌گردند. خداوند به شیوه‌های مختلف با افراد عهد عتیق روبرو شد. کلام او به آدم در مورد چیزهایی بود در باغ عدن، به نوح در مورد کشتی، به ابراهیم در مورد یک پسر و محل زندگی، به موسی در مورد رهبری مردم و غیره. اما برای همه آنها شامل اطاعت از کلام خدا بودند! بعضی از گروه‌ها (مخالفین) بر تفاوت‌ها تمرکز می‌کنند. گروه‌های دیگر (کالوینیست‌ها) روی جنبه متحدالشکل ساختن ایمان متحد تمرکز می‌کنند. پولس بر پیمان ابراهیم (رومیان ۴) به عنوان پارادایم برای همه روابط دینی متمرکز شده است.

پیمان جدید مانند پیمانهای قدیم است که تقاضای آن برای اطاعت و اعتماد شخصی به وحی خداوند است. این در مورد نحوه برخورد با خدا متفاوت است (مراجعه شود به ارمیا ۳۱: ۳۱-۳۴). پیمان موسی متمرکز بر اطاعت و عملکرد انسان است، در حالی که عهد جدید بر اطاعت و عملکرد مسیح متمرکز است. این عهد جدید راه خداوند برای ادغام یهودیان و غیر یهودیان با ایمان به مسیح است (مراجعه شود به افسسیان ۲: ۱۱-۱۳: ۱۳). پیمان جدید، مانند قدیمی، هم بی قید و شرط است (وعده خدا از فضل و بخشش) و هم شرطی (پاسخ انسان). این نشان دهنده هر دو حاکمیت خدا (تقدیر) و انتخابهای آزاد انسان (ایمان، توبه، اطاعت، پشتکار) است.

موضوع خاص: پیمان

(Special Topic: Covenant)

اصطلاح عهد عتیقی *berith* (KB157, BDB 136) به معنی "پیمان" را نمی‌توان به راحتی ترجمه کرد. هیچ فعلی که با این اصطلاح همخوانی داشته باشد در زبان عبری وجود ندارد. تمامی تلاشها برای مشتق و استخراج کردن و تعریف یک مفهوم ایدئولوژیک یا معنی دار نامتقاعد کننده بوده اند. احتمالاً بهترین حدس "قطع کردن" باشد (BDB 144) که دلالت بر حیوان قربانی باشد که همراه پیمان است (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۱۵: ۱۰ و ۱۷). با این حال، محور اصلی این مفهوم استاتید را وادار کرد تا کاربرد واژه را مورد بررسی قرار دهند و تلاش کنند معنی عملی آن را دریابند.

پیمان ابزاری است که توسط آن یک خدای واقعی (موضوع خاص: یکتا پرستی را مطالعه کنید) با مخلوقات انسانی سر و کار دارد. مفهوم پیمان، عهد، یا موافقتنامه در درک مکاشفه انجیلی بسیار حساس است. تنش میان سلطه خدا و اراده آزاد انسان به وضوح در مفهوم پیمان دیده می‌شود. برخی از پیمانها انحصاراً بر اساس شخصیت و اعمال خدا هستند.

۱. خود خلقت (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۱ الی ۲)

۲. مقاومت و وعده به نوح (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۶ الی ۹)

۳. فرا خواندن ابراهیم (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۱۲)

۴. پیمان با ابراهیم (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۱۵)

با این وجود، ماهیت طبیعی خود پیمان نیازمند پاسخ به آن است.

۱. با ایمان آدم باید از خدا اطاعت کند و میوه وسط عدن نخورد.

۲. با ایمان نوح باید یک کشتی عظیم دور از دریا بسازد و حیوانات را گردآوری کند
۳. با ایمان ابراهیم باید خانواده خود را ترک کند، از خدا پیروی کند، و به وارثین آینده اعتماد کند.
۴. با ایمان موسی باید اسرائیلیان را از مصر بیرون برده به کوه سینا ببرد و راهنمائیهای خاص برای زندگی دینی و اجتماعی با وعده نعمت و لعن دریافت کند (مراجعه شود به لاویان ۲۶، کتاب تثنیه ۲۷ ای ۲۸).

مشابه همین تنش در مورد رابطه خدا با انسان در پیمان جدید مطرح شده است (مراجعه شود به ارمیا ۳۱: ۳۱ الی ۳۴، عبرانیان ۷: ۲۲، ۸: ۶ و ۸ و ۱۳، ۹: ۱۵، ۱۲: ۲۴). این تنش را به راحتی می‌توان با مقایسه حزقیال ۱۸: ۳۱ با حزقیال ۳۶: ۲۷ الی ۳۸ دید (اعمال یهوه). آیا پیمان بر اساس اعمال ناشی از لطف خدا است یا پاسخ اجباری انسان؟ این یک نکته داغ میان پیمان قدیم و پیمان جدید است. اهداف هر دو یکی هستند:

۱. احیا رابطه با یهوه که در کتاب پیدایش ۳ از بین رفت
۲. ایجاد مردمی پارسا که منعکس کننده شخصیت خدا هستند.

پیمان جدید ارمیا ۳۱: ۳۱ الی ۳۴ این تنش را با حذف عملکرد انسان به عنوان ابزاری برای مقبول شدن برطرف می‌کند. قانون خدا به جای رمزی برونی قانونی تبدیل به میل درونی می‌شود. هدف مردم خداپرست و پارسا تغییر نمی‌کند، بلکه روش‌ها تغییر می‌کنند. انسان گمراه اثبات کرد که نمی‌تواند انعکاس مناسبی از تصویر خدا باشد. مسئله پیمان خدا نبود، بلکه ضعف و گناهکاری انسان بود (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۳، رومیان ۷، غلاطیان ۳).

تنش مشابهی میان پیمان مشروط و غیر مشروط عهد عتیق همچنان در عهد جدید باقی می‌ماند. رستگاری مطلقا با کار خاتمه یافته عیسی مسیح رایگان است، ولی نیازمند توبه و ایمان است (هم در آغاز و هم اینکه باید استمرار داشته باشد، موضوع خاص: ایمان به عهد جدید را مطالعه کنید). عیسی رابطه جدید خود با مومنین را "یک پیمان جدید" می‌نامد (مراجعه شود به انجیل متی ۲۶: ۲۸، انجیل مرقس ۱۴: ۲۴، انجیل لوقا ۲۲: ۲۰، اول قرنتیان ۱۱: ۲۵). این یک اعلامیه رسمی و قانونی و یک فراخواندن به همانند مسیح بودن است (مراجعه شود به انجیل متی ۵: ۴۸، رومیان ۸: ۲۹ الی ۳۰، دوم قرنتیان ۳: ۱۸، ۷: ۱، غلاطیان ۴: ۱۹، افسسیان ۱: ۴، ۱۳، اول تسالونیکیان ۳: ۱۳، ۴: ۳ و ۷، ۵: ۲۳، اول پطرس ۱: ۱۵)، یک اعلام خبری از پذیرش (رومیان ۴) و امر به مقدس بودن (انجیل متی ۵: ۴۸)! مومنین با عملکرد خود نجات پیدا نمی‌کنند، بلکه با اطاعت (مراجعه شود به افسسیان ۲: ۸ الی ۱۰، دوم قرنتیان ۳: ۵ الی ۶). زندگی خداپسندانه تبدیل به شاهی برای رستگاری می‌شود، نه ابزاری برای رستگاری (یعنی یعقوب و اول یوحنا). با این حال، زندگی جاویدان مشخصه‌های قابل مشاهده ای دارد! این تنش به وضوح به عنوان هشدار در عهد جدید دیده می‌شود (به موضوع خاص: ارتداد مراجعه کنید).

■ "بی‌امید و بی‌خدا در این جهان به سر می‌بردید" اگر یک خالق واقعا یک خالق وجود داشته باشد و اسرائیل قوم منتخبش باشند، غیر یهودیان بدون هیچ امیدی از بین رفته و در بت پرستی و کفر گمراه میشوند (مراجعه شود به اول تسالونیکیان ۴: ۱۳ و رومیان ۱: ۱۸-۲: ۱۶).

■ ۲: ۱۳ "اما اکنون" تضادی میان ناامیدی گذشته غیر یهودیان وجود دارد، افسسیان ۲: ۱۱ الی ۱۲، و امید بزرگ آنان در انجیل، افسسیان ۲: ۱۳ الی ۲۲.

■ "شما که زمانی دور بودید، نزدیک آورده شده‌اید" همین مفهوم در افسسیان ۲: ۱۷، جایی که اشعیا ۵۷: ۱۹ نقل شده، تکرار شده است. در اشعیا این متن به تبعیدیان یهودی اشاره میکند، اما در اینجا در افسسیان به غیر یهودیان اشاره می‌کند. این یکی از نمونه‌های استفاده پولسی از متون عهد عتیق است. رسولان عهد جدید امید عهد عتیق را جهانی کرده اند. همانطور که یهودیان تبعیدی از خدا جدا بودند، بنابراین، غیر یهودیان هم از خدا بیگانه شدند.

■ "به واسطه خون مسیح" این به قربانی شدن مسیح به عنوان جایگزین اشاره میکند (مراجعه شود به افسسیان ۱: ۷؛ رومیان ۳: ۲۵؛ ۵: ۶-۱۰؛ دوم قرنتیان ۵: ۲۱؛ کولسیان ۱: ۲۰؛ عبرانیان ۹: ۱۴؛ ۲۸؛ اول پطرس ۱: ۱۹؛ مکاشفه ۱: ۵). خانواده خدا دیگر ملت نیست، بلکه روحانی است (رومیان ۲: ۲۹-۳: ۲۸؛ ۴: ۱۶-۲۵).

خون مسیح، یک استعاره قربانی (مراجعه شود به لاویان ۱ الی ۲) برای مرگ مسیح (مراجعه شود به TEV) بود. یحیی تعمید دهنده در مورد عیسی گفت: «اینک بره خدا که گناه جهان را می‌گیرد» (یوحنا ۱: ۲۹). عیسی مسیح مرد (پیدایش ۳: ۱۵؛ اشعیا ۵۳؛ انجیل مرقس ۱۰: ۴۵).

این همچنین راهی بود که واقعا انسان بودن عیسی را تأیید کند (مراجعه شود به افسسیان ۱۵: ۲) که عرفا آن را انکار می‌کردند.

■ ۱۴: ۲ این آیه دارای سه فعل است. اولین فعل زمان حال اخباری است. عیسی همچنان صلح و آرامش را برای ما حفظ می‌کند. دومین و سوم، وجه وصفی آئوریست فعال هستند ("هر دو را ساخته اند" و "مانع از بین بردن"): همه چیز لازم است که یهودیان و غیر یهودیان را به یک نهاد جدید (کلیسا) ببینوند.

صلح بین یهودی و غیر یهودی، تمرکز این واحد ادبی افسسیان ۲: ۱۱-۳: ۱۳ است. این رمز و راز انجیل پنهان در سالهای گذشته بود. اصطلاح "صلح"

۱. صلح میان خدا و بشر (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۲۷: ۲۷؛ ۱۶: ۳۳؛ رومیان ۵: ۱-۱۱؛ فیلیپیان ۴: ۷، ۹)
۲. صلح میان یهودیان و غیر یهودیان، افسسیان ۲: ۱۴، ۱۵، ۱۷ (مراجعه شود به غلاطیان ۳: ۲۸؛ کولسیان ۳: ۱۱)

یادداشت افسسیان ۲: ۱۵ را مطالعه کنید.

■ "زیرا او خود صلح و سلامت ماست" "او خود" (*autos*) تأکیدی است (مراجعه شود به افسسیان ۲: ۱۵). اصطلاح "صلح" به معنی "بازگرداندن آنچه که شکسته شد" (آشتی). عیسی مسیح به نام شاهزاده صلح (مراجعه شود به اشعیا ۹: ۶ و زکریا ۶: ۱۲-۱۳) نامیده می شود. صلح خدا در مسیح چندین جنبه دارد. به یادداشت افسسیان ۲: ۱۵ و موضوع خاص: صلح و مسیحی و صلح در کولسیان ۱: ۲۰ مراجعه شود.

NASB	"که هر دو گروه را یکی میکند"
NKJV	"که هر دو را یکی میکند"
NRSV	"او هر دو گروه را یکی کرده است"
TEV	"با یکی ساختن یهودیان و غیر یهودیان"
NJB	"دو تا را یکی کرده است"

مومنین دیگر یهودی یا غیر یهودی نیستند، بلکه مسیحی هستند (مراجعه شود به افسسیان ۱: ۱۵؛ ۲: ۱۵؛ ۴: ۴؛ غلاطیان ۳: ۲۸؛ کولسیان ۳: ۱۱). این رمز و راز خدا بود که در افسسیان نشان داده شد. این همواره برنامه خدا بوده است (پیدایش ۳: ۱۵). خداوند ابراهیم را انتخاب کرد تا مردم را انتخاب کند تا جهان را انتخاب کند (پیدایش ۱۲: ۳؛ خروج ۱۹: ۵-۶). این موضوع متحد کردن عهد قدیم و جدید (پیمان) است. موضوع خاص: نژاد پرستی در کولسیان ۳: ۱۱ را مطالعه کنید.

NASB	"مانع دیوار تفکیک کننده"
NKJV	"دیوار میانی جداسازی"
NRSV	"دیوار جدا کننده"
TEV	"دیواری که جدا میکند"
NJB	"مانعی که برای جدا نگهداشتن استفاده میشد"

این به مفهوم "دیوار وسط پارتیشن" است. این یک اصطلاح نادر بود. در متن به وضوح به قانون موسی اشاره دارد (مراجعه شود به آیه ۱۵). برخی از مفسران ادعا کرده اند که این اشاره به دیوار معبد هیروود بین دادگاه غیر یهودیان و دادگاه زنان است که عبادت کنندگان یهودی و غیر یهودی را جدا میکرد. همان نماد گزایی حذف موانع، در پاره شدن پرده معبد از بالا به پایین در موقع مرگ عیسی دیده می شود (متی ۲۷: ۵۱). وحدت در حال حاضر امکان پذیر است وحدت اینک اراده خدا است (افسسیان ۱: ۱۰؛ افسسیان ۴: ۱-۱۰).

در عرفان این اصطلاح به یک مانع بین آسمان و زمین اشاره دارد که ممکن است در افسسیان ۴: ۸-۱۰ اشاره شده باشد.

NASB	"لغو"
NKJV	"با لغو"
NRSV	"لغو کرده است"
TEV	"لغو کرد"
NJB	"تابود کردن"

اصطلاح "لغو" مورد علاقه پولس (مراجعه شود به رومیان ۳: ۳۱؛ ۶: ۶؛ کولسیان ۲: ۱۴) است. این به معنای واقعی کلمه معنی "خنثی کردن" یا "بی اثر کردن" است. این یک وجه وصفی آتوریست فعال است. عیسی حکم اعدام قانون عهد عتیق را کلا حذف کرد (مراجعه شود به افسسیان ۲: ۱۶؛ کولسیان ۲: ۱۴؛ عبرانیان ۸: ۱۳).

این بدان معنی نیست که عهد عتیق الهام بخش و وحی مهم برای مومن عهد جدید است (متی ۵: ۱۷-۱۹). این بدان معنی است که قانون ابزار نجات نیست (مراجعه شود به اعمال رسولان ۱۵؛ رومیان ۴: غلاطیان ۳: عبرانیان). پیمان جدید (ارمیا ۳۱: ۳۱-۳۴؛ حزقیال ۳۶: ۲۲-۳۶) بر اساس یک قلب جدید و روح جدید است، نه عملکرد انسانی بر اساس یک قانون حقوقی. این قانون در تقدیس عمل می کند اما توجیه ندارد. اکنون، مومنین و غیر یهودیان معتقد به یک صورت در برابر خداوند متعال می ایستند - میزان پارسایی در مسیح.

موضوع خاص: پوچ و خالی (katargeō)

(Special Topic: Null And Void (Katargeō))

این (کاتاراگو) یکی از کلمات مورد علاقه پل بود. او حداقل بیست و پنج بار از آن استفاده کرده است، اما گستره معنایی بسیار وسیعی دارد.

A. ریشه لغوی آن از *argos* است که به معنی

۱. غیر فعال

۲. بیکار

۳. استفاده نشده

۴. بلا استفاده

۵. غیر کارآمد

B. ترکیب با *kata* برای بیان اینها استفاده شده است

۱. عدم فعالیت

۲. بیفایده

۳. آن که باطل شده است

۴. چیزی که بدون آن انجام شد

۵. چیزی که کلا بلا استفاده است

C. این یک بار در لوقا برای توصیف یک درخت بی ثمر و در نتیجه بی فایده (به لوقا ۱۳: ۷)

D. پولس در مفهوم نمادین به دو روش اصلی از آن استفاده می کند

۱. خدا چیزهایی را که برای انسانها خصمانه است، را غیر فعال میکند

a. ماهیت گناه آلود نوع بشر - رومیان ۶: ۶

b. قانون موسی در رابطه وعده "بذر" خدا - رومیان ۴: ۱۴، غلاطیان ۳: ۱۷، ۵: ۴ و ۱۱، افسسیان ۲: ۱۵

c. نیروهای روحانی - اول قرنتیان ۱۵: ۲۴

d. انسان بی قانون - دوم تسالونیکیان ۲: ۸

e. مرگ فیزیکی - اول قرنتیان ۱۵: ۲۶، دوم تیموتائوس ۱: ۱۰ (عبرانیان ۲: ۱۴)

۲. خدا قدیمی (پیمان، عصر) را با جدید جایگزین میکند

a. چیزهایی که مرتبط با شریعت موسی هستند - رومیان ۳: ۳ و ۳۱، ۴: ۱۴، دوم قرنتیان ۳: ۷ و ۱۱ و ۱۳ و ۱۴

b. همانندی استفاده ازدواج از قانون - رومیان ۷: ۲ و ۶

c. چیزهای این عصر - اول قرنتیان ۱۳: ۸ و ۱۰ و ۱۱

d. این بدن - اول قرنتیان ۶: ۱۳

e. رهبران این عصر - اول قرنتیان ۱: ۲۸، ۲: ۶

این کلمه به روش های مختلفی ترجمه شده است، اما معنای اصلی آن این است که چیزی بی فایده، ناپایدار و غیرقابل استفاده، ناتوان، ناتوان،

اما نه لزوماً غیر موجود، نابود یا نابود شده.

"در گوشت خود" NASB, NKJV

"گوشت" NRSV(2:14)

"در بدن خودش" TEV(2:14)

"در شخص خود" NJB

این بر انسان بودن عیسی (مراجعه شود به کولسیان ۱: ۲۲) و همچنین بشارت قیام او (مراجعه شود به افسسیان ۴: ۸-۱۰) تأکید دارد. معلمان دروغین عرفان هر دو به دلیل دوگانگی هستی شناسانه خود بین روح، که آن را خوب و ماده که آن را به عنوان شر میدیدند، رد کرده بود. معرفی افسسیان "پیشینه فلسفی و الهیات آموزگاران دروغین (عرفان) را مطالعه کنید (مراجعه شود به غلاطیان ۴: ۴؛ کولسیان ۱: ۲۲).

■ "دشمنی" ساختار متوازن "دشمنی" (مراجعه شود به افسسیان ۲: ۱۶) را معادل "قوانین شریعت که در احکام قرار دارند" متعادل میکند. عهد عتیق گفت

"کار کن و زندگی کن" اما انسان سقوط کرده قادر به اجرای شریعت موسی نبود. هنگامی که شکسته شد، قوانین عهد عتیق تبدیل به لعنت شدند (نگاه کنید به غلاطیان ۳: ۱۰). "روح که یقیناً در گناهان می‌میرد" (مراجعه شود به حزقیال ۱۸: ۴ و ۲۰). عهد جدید، با دادن یک قلب تازه، ذهن جدید و روح جدید به انسان (مراجعه شود به ارمیا ۳۱: ۳۱-۳۴، حزقیال ۳۶: ۲۶-۲۷)، دشمنی را از بین برد. عملکرد به نتیجه تبدیل می‌شود، نه هدف. رستگاری هدیه است، نه پاداش برای کار انجام شده.

NASB	"فرامین شریعت و مقررات"
NKJV	"فرامین شریعت در دستورات ادامه یافتند"
NRSV	"شریعت با فرامین و مقررات آن"
TEV	"شریعت یهودی، با دستورات و قواعد آن"
NJB	"قوانین و احکام شریعت"

این به شیوه نجات اشاره میکند که تصور می‌شد تنها از طریق اجرای شریعت موسی (رومیان ۹: ۳۰-۳۲؛ غلاطیان ۲: ۱۵-۲۱) قابل انجام است.

موضوع خاص: شریعت موسی و مسیحیان

(Special Topic: The Mosaic Law And The Christian)

- A. این قانون تحت الهام کتاب مقدس بوده و ابدی است (متی ۵: ۱۷-۱۹)
- B. قانون به عنوان راهی برای رستگاری، نامناسب است و همیشه نامطلوب بوده است، ولی بشر باید ببیند که تلاشهای او بیهوده بودند (متی ۵: ۲۰، ۴۸؛ رومیان ۷: ۷-۱۲؛ غلاطیان ۳: ۱؛ یعقوب ۲: ۱۰)
- C. انجیل مسیح تنها راه خداست (یوحنا ۱۴: ۶؛ رومیان ۳: ۲۱؛ گال ۲: ۱۵-۲۱؛ عبرانیان ۸: ۱۲)
- D. عهد عتیق همچنان به مومنین به عنوان اراده خداوند برای انسانها در جامعه کمک می‌کند (مثلاً "ده فرمان")، اما نه به عنوان راهی برای رستگاری (به عنوان مثال، عملکرد در تقدیس، نه در توجیه). عبادت اسرائیل (سیستم قربانی، روز مقدس، قوانین مدنی و مذهبی) از بین رفته است، اما خدا هنوز از طریق عهد عتیق سخن می‌گوید. مقررات مندرج در اعمال رسولان ۱۵: ۲۰ فقط به مسائل دوستی اشاره دارند، نه به رستگاری.
- E. متون مهم در مورد عهد عتیق و ارتباط آن با مؤمنان عهد جدید
۱. شورای اورشلیم در اعمال رسولان ۱۵
 ۲. خلاصه الهیاتی پیام انجیل در غلاطیان ۳
 ۳. مقایسه پیمان موسی (عهد عتیق) با پیمان جدید (عهد جدید) کتاب عبرانیان است. از طبقه بندیهای مختلف برای به تصویر کشیدن ارجحیت عهد جدید استفاده میکند.
 ۴. موضوع خاص: دیدگاه پولس نسبت به شریعت موسی را مطالعه کنید.

■ "که از آن دو یک انسان نو آفریده" ضمیر "خود" تاکید است. هدف غایی خدا برای متحد کردن همه انسانها در رستگاری (مراجعه شود به پیدایش ۳: ۱۵) و رفاقت به طور انحصاری از طریق شخص مسیح انجام شد، نه شریعت موسی.

■ "یک انسان نو" این واژه یونانی به معنی "جدید" در نوع خود است، نه در زمان. مردم خدا نه یهودی هستند، نه غیر یهودی، بلکه مسیحی هستند! کلیسا یک نهاد جدید، در مسیح و از طریق مسیح و برای مسیح است (رومیان ۱۱: ۳۶؛ کولسیان ۱: ۱۶؛ عبرانیان ۲: ۱۰).

■ "صلح و سلامت پدید آورد" این واژه مورد علاقه پولس است. این واژه یازده بار در رومیان و هفت بار در افسسیان مورد استفاده قرار گرفته است (افسسیان ۱: ۲؛ ۲: ۱۴، ۱۵، ۱۷؛ ۴: ۳؛ ۶: ۱۵، ۲۳). او از سه روش استفاده می‌کند:

۱. صلح میان خدا و نوع بشر، کولسیان ۱: ۲۰
۲. آرامش فکری با خدا از طریق مسیح، انجیل یوحنا ۱۴: ۲۷، ۱۶: ۳۳، فیلیپیان ۴: ۷
۳. صلح و آرامش میان مردم، افسسیان ۲: ۱۱ الی ۳: ۱۳

این فعل حال مجهول است. مسیح همچنان صلح را برای آن دسته از فرزندان گمراه آدم که با توبه و ایمان پاسخ خواهند داد، ایجاد میشود. صلح مسیح به صورت اتوماتیک نیست (آئوریست فاعلی از افسسیان ۲: ۱۶) اما برای همه در دسترس است (رومیان ۵: ۱۲-۲۱).

■ ۱۶ "آشتی دهد" اصطلاح یونانی به معنای انتقال کسی از یک حالت به دیگران است. این به معنی تبدیل به موقعیت متضاد است (رومیان ۵: ۱۰-۱۱):

کولسیان ۱: ۲۰، ۲۲؛ دوم قرن‌تینان ۵: ۱۸، ۲۱). در حقیقت مصالحه، حذف کردن لعن پیدایش ۳ است. رابطه خدا و انسان، حتی در این زندگی، در این سیستم جهان گمراه، با همکاری صمیمانه احیا شده است. این مصالحه با خدا در روابط جدید با دیگر انسانها و در نهایت با طبیعت خود را نشان میدهد (مراجعه شود به اشعیا ۱۱: ۶-۹؛ ۶۵: ۲۵؛ رومیان ۸: ۱۸-۲۳؛ مکاشفه ۲۲: ۳). اتحاد مجدد یهودیان و غیر یهودیان از طریق مسیح (مراجعه شود به افسسیان ۱: ۷) نمونه‌ای زیبا از کارهای متحد ساختن خداوند در جهان است.

■ "در یک بدن" این استعاره وحدت در نوشته‌های پولس به روشهای مختلفی مورد استفاده قرار گرفته است.

۱. کالبد فیزیکی مسیح (مراجعه شود به کولسیان ۱: ۲۲) یا بدن مسیح، کلیسا (مراجعه شود به کولسیان ۱: ۲۳؛ افسسیان ۴: ۱۲؛ ۵: ۲۳، ۳۰)
۲. بشریت جدید هر دو یهودی و غیر یهودی (مراجعه شود به افسسیان ۲: ۱۶)
۳. شیوه ای برای اشاره به وحدت و تنوع نعمات روحانی (مراجعه شود به اول قرن‌تینان ۱۲: ۱۲-۱۳، ۲۷) از یک مفهوم، همه به شماره ۱ مرتبط هستند.

■ "به واسطه صلیب" منظور رهبران یهودی برای صلیب مسیح به عنوان لعنت (مراجعه شود به تثنیه ۲۱: ۲۳) بود. خدا آن را به عنوان ابزار رستگاری مورد استفاده قرار داد (مراجعه شود به اشعیا ۵۳). عیسی برای ما "لعنت" شد (مراجعه شود به غلاطیان ۳: ۱۳)! این تبدیل به ارابه پیروزی او (مراجعه شود به کولسیان ۲: ۱۴-۱۵) شد، به مؤمنان پیروزی بر (۱) لعنت عهد عتیق؛ (۲) قدرتهای شیطانی؛ و (۳) دشمنی بین یهودی و غیر یهودی را داد.

NASB	"توسط آن دشمنی را کشت"
NKJV	"در نتیجه دشمنی را کشت"
NRSV	"بنابراین از آن طریق خصومت را کشت"
TEV	"مسیح دشمنی را نابود کرد"
NJB	"در شخص خود او خصومت را کشت"

ترجمه‌های انگلیسی نشان می‌دهند که این عبارت را می‌توان به دو صورت درک کرد. این بدین دلیل است که ضمائر مفرد می‌تواند مفعول بیواسطه مفرد (TEV، NJB) یا مفعول بیواسطه خنثی (NASB، NRSV) باشند. در متن هر دو امکان پذیر هستند. تاکید بر متن بزرگتر، بر کار رستگاری مسیح است.

۲: ۱۷ این اشاره به اشعیا ۱۹: ۵۷ یا احتمالاً ۵۲: ۷ است. پولس، با تفسیر لغوی، متون عهد عتیق برای یهودیان تبعیدی را به غیر یهودیان اعمال می‌کند. حتی ربی‌ها به اشعیا ۵۶: ۶ مراجعه کرده، از این عبارت برای اشاره به غیر یهودیان تازه ایمان آورده استفاده می‌کردند.

۲: ۱۸ کار تثلیث به وضوح در این کتاب بیان شده است (مراجعه شود به افسسیان ۱: ۳-۱۴، ۱۷: ۲؛ ۱۸: ۴-۶). اگر چه اصطلاح "تثلیث" یک کلمه انجیلی نیست، ولی مفهوم آن مطمئناً هست (مراجعه شود به انجیل متی ۳: ۱۶-۱۷، ۲۸: ۱۹؛ انجیل یوحنا ۱۴: ۲۶؛ اعمال رسولان ۲: ۳۳-۳۴، ۳۸-۳۹؛ رومیان ۱: ۴-۵؛ ۵: ۱، ۵: ۸؛ ۹-۱۰؛ اول قرن‌تینان ۱۲: ۴-۶؛ دوم قرن‌تینان ۱: ۲۱-۲۲؛ ۱۳: ۱۴؛ غلاطیان ۴: ۴-۶؛ افسسیان ۱: ۳-۱۴؛ ۲: ۱۸؛ ۳: ۱۴-۱۷؛ ۴: ۴-۶؛ اول تسالونیکیان ۱: ۲-۵؛ دوم تسالونیکیان ۲: ۱۳؛ تیتوس ۳: ۴-۶؛ اول پطرس ۱: ۲؛ یهودا ۲۰-۲۱). موضوع خاص در افسسیان ۱: ۳ را مطالعه کنید.

■ "هر دو دسترسی داریم" این یک فعل حال فعال اخباری است به معنی: "ما همچنان دسترسی داریم". این مفهوم عیسی شخصا مؤمنان را به حضور خداوند معرفی می‌کند و به آنها شخصا معرفی می‌کند (رومیان ۵: ۲؛ همچنین به معنای اعتماد به نفس در عبرانیان ۱۶: ۱۶؛ ۱۰: ۱۹، ۳۵).

■ "در یک روح" بر این نیز در افسسیان ۴: ۴ تأکید شده است. معلمان دروغین باعث جدایی شدند، اما روح وحدت (و نه یکنواختی) به وجود آورد!

۲: ۱۹ امتهایی که بیگانه بودند (افسیان ۲: ۱۱-۱۲) اکنون کاملاً شامل می‌شوند. این به وضوح با استفاده از چهار استعاره مشترک انجیل بیان شده است.

۱. شهروندان گرامی (شهر)
۲. قدیسان (قوم مقدس برای خدا جدا میشوند)
۳. اهالی خانه خدا (اعضا خانواده)
۴. یک بنای روحانی (معبد، افسسیان ۲: ۲۰ الی ۲۲ الف)

■ "قدیسان" موضوع خاص در کولسیان ۱: ۲ را مطالعه کنید.

۲: ۲۰ "شالوده.... بنا شده‌اید" این وجه وصفی آنوریست مجهول است. شالوده (مراجعه شود به افسسیان ۲: ۱۲) ایمان ما کاملاً و نهایتاً و کلاً بر پایه تثلیث الهی است. خبر خوش خدا توسط رسولان و انبیا اعلام شد (مراجعه شود به افسسیان ۳: ۵).

■ "شالوده رسولان و انبیا" عیسی پایه و اساس انجیل را بنا کرد (اول قرن‌تینان ۳: ۱۱). عیسی معبد جدید است (یوحنا ۲: ۱۹-۲۲). عهد عتیق، پادشاهی خداوند را پیشگویی کرد، زندگی، مرگ و رستاخیز عیسی مسیح را به انجام رساند و رسولان واقعیت آن را موعظه کردند. تنها سوال این است که اصطلاح "پیامبران" به چه کسانی اشاره دارد؟ آیا آنها پیامبران عهد عتیق هستند یا پیامبران عهد جدید (افسیسیان ۳: ۵؛ ۴: ۱)؟ ترتیب اصطلاحات، دلالت بر "پیامبران عهد جدید" دارد (افسیسیان ۲: ۳؛ ۵: ۴؛ ۱۱)، اما اشاره عهد عتیقی به موسی برای "سنگ بنا" دلالت بر نبوت عهد عتیق دارد.

دلیل تمایز میان پیامبران عهد عتیق و عهد جدید مسئله مکاشفه است. انبیا عهد عتیق کتاب مقدس را نوشتند. آنها ابزار خدا برای خود-افشایی او بودند. با این حال، نبوت هدیه‌ای مداوم در عهد جدید است (اول قرن‌تینان ۱۲: ۲۸؛ افسسیان ۴: ۱۱). آیا نوشتن کتاب مقدس ادامه می‌یابد؟ باید تمایزی بین الهام (رسولان و انبیا عهد عتیق) و روشنایی و نعمات روحانی (مومنین نعمت یافته عهد جدید) قائل شد.

موضوع خاص: نبوت عهد جدید

(Special Topic: New Testament Prophecy)

I. همانند نبوت عهد عتیق نیست (BDB 611, KB 661). موضوع خاص: نبوت عهد عتیق را مطالعه کنید، که مفاهیم روحانی دریافت کردن و ثبت مکاشفه بیهو را در بر دارد (مراجعه شود به اعمال رسولان ۳: ۱۸ و ۲۱، رومیان ۱۶: ۲۶). فقط پیامبران می‌توانستند کتاب مقدس بنویسند.

- A. موسی نبی خطاب می‌شد (مراجعه شود به تثنیه ۱۸: ۱۵ الی ۲۱)
- B. در کتب تاریخی (یوشع - پادشاهان [به غیر از روت] پیامبران پیشین خطاب می‌شدند (مراجعه شود به اعمال رسولان ۳: ۲۴).
- C. پیامبران جایگاه کاهن اعظم را بدست می‌آوردند زیرا آنها منشأ اطلاعات از خدا بودند (مراجعه شود به اشعیا - ملاکی)
- D. بخش دوم احکام موسی "پیامبران" است (مراجعه شود به انجیل متی ۵: ۱۷، ۲۲: ۴۰، انجیل لوقا ۱۶: ۱۶، ۲۴: ۲۵ و ۲۷، رومیان ۳: ۲۱).

II. در عهد جدید مفهوم به چندین شیوه مختلف استفاده میشود

- A. اشاره به انبیا عهد عتیق و پیام‌های وحی شده به آنان (مراجعه شود به انجیل متی ۲: ۲۳، ۵: ۱۲، ۱۱: ۱۳، ۱۳: ۱۴، رومیان ۱: ۲)
- B. اشاره به پیام برای فرد تا پیام برای یک گروه (پیامبران عهد عتیق اساسا با اسرائیل صحبت می‌کردند)
- C. هم به یحیی تعمید دهنده (مراجعه شود به انجیل متی ۱۱: ۹، ۱۴: ۵، ۲۱: ۲۶، انجیل لوقا ۱: ۷۶) و هم عیسی به عنوان مبشرین پادشاهی خدا اشاره می‌شود (مراجعه شود به انجیل متی ۱۳: ۵۷، ۲۱: ۱۱ و ۴۶، انجیل لوقا ۴: ۲۴، ۷: ۱۶، ۱۳: ۳۳، ۲۴: ۱۹). عیسی همچنین ادعا می‌کرد که از سایر پیامبران بزرگتر است (مراجعه شود به انجیل متی ۱۱: ۹، ۱۲: ۴۱، انجیل لوقا ۷: ۲۶).
- D. سایر پیامبران در عهد جدید

۱. اوایل زندگی عیسی، آن طور که در انجیل متی ثبت شده است (خاطرات مریم)

- a. الیزابت (مراجعه شود به انجیل لوقا ۱: ۴۱ الی ۴۲)
- b. زکریا (مراجعه شود به انجیل لوقا ۱: ۶۷ الی ۷۹)
- c. شمعون (مراجعه شود به انجیل لوقا ۲: ۵۵ الی ۳۵)
- d. حَنّی (مراجعه شود به انجیل لوقا ۲: ۳۶)

۲. پیش‌گویی‌های دوگانه (مراجعه شود به قیافا، انجیل یوحنا ۱۱: ۵۱)

E. اشاره به کسی که انجیل را اعلام می‌دارد (در لیست کسانی که موهبت را اعلام می‌دارند در اول قرن‌تینان ۱۲: ۲۸ الی ۲۹، افسسیان ۴: ۱۱ اضافه شده است)

F. اشاره به موهبت مستمر در کلیسا (انجیل متی ۲۳: ۳۴، اعمال رسولان ۱۳: ۱، ۱۵: ۳۲، رومیان ۱۲: ۶، اول قرن‌تینان ۱۲: ۱۰ و ۲۸ الی ۲۹A، ۱۳: ۲، افسسیان ۴: ۱۱). گاهی اوقات می‌تواند به زنان اشاره داشته باشد (مراجعه شود به انجیل لوقا ۲: ۳۶، اعمال رسولان ۲: ۱۷، ۲۱: ۹، اول قرن‌تینان ۱۱: ۴ الی ۵)

G. اشاره به بخش‌های آخرالزمانی کتاب مکاشفه (مراجعه شود به مکاشفه ۱: ۳، ۲۲: ۷ و ۱۰ و ۱۸ و ۱۹)

III. پیامبران عهد جدید

A. آنان، آن طور که پیامبران عهد عتیق تحت وحی مکاشفه می‌کردند (کتاب مقدس)، مکاشفه نمی‌کردند. این اظهار به واسطه استفاده عبارت "ایمان" (در مفهوم کامل شدن خبر خوش) که در اعمال رسولان ۶: ۷، ۱۳: ۸، ۱۴: ۲۲، غلاطیان ۱: ۲۳، ۳: ۲۳، ۶: ۱۰، فیلیپیان ۱: ۲۷، یهودا ۳ و ۲۰ امکانپذیر است.

این مفهوم از کل عبارت استفاده شده از یهودا ۳ میرا است، "ایمان یکبار و برای همیشه به قدیسان واگذار می‌شود". عبارت "یکبار برای همیشه" ایمان اشاره به حقایق، دکترین‌ها، مفاهیم، تعالیم جهان بینی مسیحیت دارد. عبارت، تاکید یکبار دادن مبنای انجیلی برای محدود ساختن نوشته‌های وحی شده عهد جدید از نظر الهیات است که اجازه نمی‌دهد سایر نوشته‌های آتی، مکاشفه تلقی گردند (موضوع خاص: الهام و وحی را مطالعه کنید). در عهد عتیق، بسیاری از بخش‌ها مبهم و نامشخص هستند (موضوع خاص: ادبیات شرقی [تضادهای انجیلی])، ولی مومنین با ایمان تائید می‌کنند که هر آنچه برای ایمان لازم است به اندازه کافی و به وضوح در عهد جدید وجود دارد. این مفهوم در آنچه تثلیث مکاشفه نامیده می‌شود، تعریف شده است.

۱. خدا در مقاطع زمانی مختلف خود را آشکار کرده است (مکاشفه).
۲. او نویسندگان خاصی را انتخاب کرده است تا اعمال او را ثبت کرده و توضیح دهند (الهام).
۳. او روح خود را داده است تا اذهان و قلبهای انسانها را برای درک این نوشته‌ها باز کنند، نه به طور قطع، بلکه به صورت متناسب برای رستگاری و زندگی مسیح‌گونه. (نورانی، موضوع خاص: نورانی را مطالعه کنید). نکته در اینجاست که الهام و وحی محدود به نویسندگان کتاب مقدس است. هیچ نوشته، دیدگاه، یا مکاشفه دیگری وجود ندارد. قانون کلی بسته می‌شود. ما تمامی حقیقتی را که بدان نیاز داریم تا به خدا پاسخ دهیم، در اختیار داریم. حقیقت را به بهترین شکل می‌توان در نوشته‌های انجیلی در برابر مخالفت‌های مومنین دید. هیچ نویسنده یا سخنران عصر مدرنی آن سطح مدیریت الهی را که نویسنده کتاب مقدس داشتند را داشته باشد.

B. پیامبران عهد جدید به نوعی همانند پیامبران عهد عتیق هستند.

۱. پیش‌بینی رخدادهای آینده (مراجعه شود به پولس، اعمال رسولان ۲۷: ۲۲، آگابوس، اعمال رسولان ۱۱: ۲۷ الی ۲۸، ۲۱: ۱۰ الی ۱۱، سایر پیامبران بی‌نام، اعمال رسولان ۲۰: ۲۳).
۲. دآوری را اعلام می‌دارند (مراجعه شود به پولس، اعمال رسولان ۱۳: ۱۱، ۲۸: ۲۵ الی ۲۸)
۳. اعمال نمادین که به صورت مشهود نمایانگر رخدادی هستند (مراجعه شود به آگابوس، اعمال رسولان ۲۱: ۱۱)
- C. آنان حقیقت انجیل را اعلام می‌دارند، گاهی اوقات به شیوه‌ای قابل پیش‌بینی (مراجعه شود به اعمال رسولان ۱۱: ۲۷ الی ۲۸، ۲۰: ۲۳، ۲۱: ۱۰ الی ۱۱)، ولی این تمرکز اصلی نیست. نبوت کردن در اول قرن‌تین اساساً برقراری ارتباط با انجیل است (مراجعه شود به اول قرن‌تین ۱۴: ۲۴ و ۳۹).
- D. آنان ابزارهای عصر معاصر روح برای مکاشفه عصر حاضر حقیقت خدا برای هر موقعیت، فرهنگ یا دوره زمانی جدید نیستند (مراجعه شود به اول قرن‌تین ۱۴: ۳).
- E. آنها در کلیساهای پولس فعال بودند (مراجعه شود به اول قرن‌تین ۱۱: ۴ الی ۵، ۱۲: ۲۸ و ۲۹، ۱۳: ۲ و ۸ و ۹، ۱۴: ۱ و ۳ و ۴ و ۵ و ۶ و ۲۲ و ۲۴ و ۲۹ و ۳۱ و ۳۲ و ۳۷ و ۳۹، افسسیان ۲: ۲۰، ۳: ۵، ۴: ۱۱، اول تسالونیکیان ۵: ۲۰) و در *Didache* (نوشته شده در قرن اول یا دوم، تاریخ آن قطعی نیست) و در مونتانیسم قرنهای دوم و سوم شمال آفریقا ذکر شده‌اند.

IV. آیا مواهب عهد جدید خاتمه یافته‌اند؟

- A. به سختی می‌توان به این سوال پاسخ داد. این سوال کمک می‌کند که مسئله با تعریف اهداف مواهب روشن شود. آیا آنها برای تائید موعظه اولیه انجیل هستند یا آنها شیوه‌های مستمر برای کلیسا جهت بشارت به خود و جهان گمراه هستند؟
- B. آیا کسی به تاریخ کلیسا نگاه می‌کند تا به سوال عهد جدید پاسخ دهد؟ هیچ چیزی در انجیل نیست که بگوید مواهب معنوی موقتی بودند. آنها که سعی می‌کردند از اول قرن‌تین ۱۳: ۸ الی ۱۳ استفاده کنند که تا این مسئله را بیان کنند، از نیت نگارنده از متن سو استفاده می‌کند، که تصریح می‌کند هر چیزی غیر از محبت کردن گذرا است.
- C. وسوسه شدم که بگویم از آنجا که عهد جدید، و نه تاریخ کلیسا، نشان از اقتدار دارد، مومنین باید تائید کنند که این مواهب ادامه دارند. با این حال، من فکر می‌کنم که فرهنگ بر تفسیر تاثیرگذار است. برخی متون کاملاً شفاف دیگر کاربرد ندارند (مانند بوسه مقدس، پوشیدن حجاب توسط زنان، ملاقات‌های کلیسایی در خانه، و غیره). اگر فرهنگ بر متن تاثیر گذارد، پس چرا تاریخ کلیسا تاثیر نگذارد؟
- D. این سوالی است که یقیناً نمی‌توان به طور قطع به آن پاسخ داد. برخی مومنین مواهب عهد جدید متوقف شده و برخی دیگر می‌گویند متوقف نشده و همچنان ادامه دارند. در این زمینه، همانند بسیاری از دیگر مسائل تفسیر، قلب مومن کلید است. عهد جدید مبهم و فرهنگی است. سختی در این است که بتوان تصمیم گرفت کدام متون تحت تاثیر فرهنگ/تاریخ قرار می‌گیرند و و کدامها برای تمام دورانها هستند (*Fee and Stuart's How to Read the Bible for All Its Worth*، صفحات ۱۴ الی ۱۹ و ۶۹ الی ۷۷). در اینجاست که بحث در مورد آزادی و مسئولیت، که در رومیان ۱۴: ۱ الی ۱۵: ۱۳ و اول قرن‌تین ۸ الی ۱۰ یافت می‌شوند، حساس هستند. اینکه چگونه به سوال پاسخ دهیم، به دو شیوه بستگی پیدا می‌کند.

۱. هر مومن باید با ایمان و نوری که دارند، گام بردارد. خدا به قلب ما و انگیزه‌هایمان نگاه می‌کند.
۲. هر مومن باید اجازه دهد سایر مومنین با درک و ایمانی که دارند گام بردارند. باید تناوباتی در محدودیت‌های انجیلی وجود داشته باشد. خدا از ما می‌خواهد همانطور که او ما را دوست دارد، همدیگر را نیز دوست داشته باشیم.
- E. و در انتها باید توجه داشت که مسیحیت زندگی از روی ایمان و محبت است، نه یک الهیات کامل. رابطه با او که بر رابطه ما با دیگران تاثیر می‌گذارد، بمراتب مهمتر از کامل بودن است.

■ "سنگ زیربنا" این یک استعاره مسیحی عهد عتیقی است (مراجعه شود به اشعیا ۲۸: ۱۶؛ مزامیر ۱۱۸: ۲۲؛ اول پطرس ۲: ۴-۸). عهد عتیقی ثبات قدرت و استقامت خداوند را اغلب در قالب "سنگ زیربنا" به تصویر می‌کشد (مراجعه شود به تثنیه، ۳۲: ۴، ۱۵، ۱۸، ۳۰؛ مزامیر ۱۸: ۲، ۳۱، ۴۶؛ ۲۸: ۱؛ ۳۱: ۳؛ ۴۲: ۹؛ ۷۱: ۳؛ ۷۸: ۱۵).

استعاره‌ها برای عیسی به عنوان سنگ زیربنا:

۱. سنگ رد شده، مزامیر ۱۱۸: ۲۲
۲. سنگ بنا، مزامیر ۱۱۸: ۲۲، اشعیا ۲۸: ۱۶
۳. سنگی که روی آن بلغزد، اشعیا ۸: ۱۴ الی ۱۵
۴. سنگ غالب و فاتح پادشاهی) - دانیال ۲: ۴۵
۵. عیسی از این عبارات برای توصیف خودش استفاده می‌کرد (انجیل متی ۲۱: ۴۲، انجیل مرقس ۱۲: ۱۰، انجیل لوقا ۲۰: ۱۷)

او عنصر کلیدی ساخت و ساز بود که در مراسم مذهبی و قانونگرائی عهد عتیق او را نادیده گرفته بود (اشعیا ۸: ۱۴).

موضوع خاص: سنگ (BDB 6, KB 7) و سنگ زیربنا (BDB 819, KB 944) (Special Topic: "Stone" (BDB 6, KB 7) And "Cornerstone" (BDB 819, KB 944))

I. کاربرد در عهد عتیق

- A. مفهوم سنگ به عنوان یک عنصر سخت و با دوام که زیربنای خوبی را ایجاد می‌کند برای توصیف یهوه استفاده شده است (مراجعه شود به یعقوب ۳۸: ۶، مزمر ۱۸: ۲ از دو کلمه برای سنگ و تخته سنگ استفاده می‌کند، BDB700 و 849)
- B. این اصطلاح بعداً به یک اصطلاح مسیحانه تبدیل شد (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۴۹: ۲۴، مزمر ۱۱۸: ۲۲، اشعیا ۲۸: ۱۶)
- C. اصطلاح "سنگ" یا "تخته سنگ" برای داوری از جانب یهوه توسط مسیح آمد (مراجعه شود به اشعیا ۸: ۱۶، BDB 6، زیربنای DBD 103 را می‌سازد؛ دانیال ۲: ۳۴ الی ۳۵، ۴۴ الی ۴۵ {BDB 1078})
- D. این اصطلاح تبدیل به استعاره برای ساختن و ساختمان شد (به ویژه در اشعیا ۲۸: ۱۶)
 ۱. سنگ زیربنا، نقطه آغاز، که زاویه ایمن برای بقیه ساختمان است و سنگ زیربنا نامیده می‌شود
 ۲. می‌تواند به آخرین سنگ ساختمان هم اشاره داشته باشد، که دیوارها به یکدیگر محکم را نگاه می‌دارد (مراجعه شود به زکریا ۴: ۷، افسسیان ۲: ۲۰ و ۲۱)، که به آن سنگ پوشش گفته می‌شود. از کلمه عبری rosh (به معنی سر)
 ۳. می‌تواند به سنگ کلیدی هم اشاره داشته باشد که در وسط هلال درب ورودی بوده و وزن تمامی دیوار را تحمل می‌کند.

II. کاربرد در عهد جدید

- A. عیسی از مزمر ۱۱۸ چندین مرتبه برای اشاره به خود نقل می‌کند (مراجعه شود به انجیل متی ۲۱: ۴۱ الی ۴۶، انجیل مرقس ۱۲: ۱۰ الی ۱۱، انجیل لوقا ۲۰: ۱۷)
- B. پولس از مزمر ۱۱۸ در رابطه با رد ایمان به یهوه توسط اسرائیلیان یاغی استفاده می‌کند (مراجعه شود به رومیان ۹: ۳۳)
- C. پولس از مفهوم سنگ زیربنا در افسسیان ۲: ۲۰ الی ۲۲ برای اشاره به مسیح استفاده می‌کند
- D. پطرس از این مفهوم برای عیسی در اول پطرس ۲: ۱ الی ۱۰ استفاده می‌کند. عیسی سنگ زیربنا است و مومنین سنگ‌های زنده هستند (یعنی مومنین به عنوان معبد، مراجعه شود به اول قرتنیان ۶: ۱۹)، بر پایه او بنا شده اند (عیسی معبد جدید است، مراجعه شود به انجیل مرقس ۱۴: ۵۸، انجیل متی ۱۲: ۶، انجیل یوحنا ۲: ۱۹ الی ۲۰). یهودیان با انکار عیسی به عنوان مسیح، همین زیربنای امید خود را رد کردند.

III. توضیحات الهیاتی

- A. یهوه به داوود/سلیمان اجازه داد تا معبدی برپا کنند. به آنان گفت که اگر پیمان خود را حفظ کنند به آنان نعمت داده و با آنان خواهد بود (مراجعه شود به دوم سموئیل ۷)، ولی اگر این کار را نکنند، معبد آنان خراب خواهد شد (مراجعه شود به اول پادشاهان ۹: ۱ الی ۹)!
- B. ربی های یهودیان بر روی شکل و مراسم تمرکز کرده و جنبه شخصی ایمان را نادیده گرفتند (مراجعه شود به ارمیا ۳۱: ۳۱ الی ۳۴، حزقیال ۳۶: ۲۲ الی ۳۸). خدا خواهان یک رابطه روزانه، فردی و خدایسندانه با کسانی است که بر اساس تصویر او خلق شده اند (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۱: ۲۶ الی ۲۷). انجیل لوقا ۲۰: ۱۷ الی ۱۸ در بر دارنده کلمات وحشتناکی در مورد داوری نسبت به یهودیت است، همینطور هم انجیل متی ۵: ۲۰.
- C. عیسی از مفهوم معبد برای معرفی کالبد فیزیکی خود استفاده کرد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۲: ۱۹ الی ۲۲). این ادامه پیدا کرده و مفهوم ایمان فردی به عیسی به عنوان مسیح کلید رابطه با یهوه است (یعنی انجیل یوحنا ۱۴: ۶، اول یوحنا ۵: ۱۰ الی ۱۲).
- D. رستگاری جهت احیا تصویر آسیب دیده خدا در انسان ها است (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۱: ۲۶ الی ۲۷ و کتاب پیدایش ۳) تا دوستی با خدا امکان پذیر شود. هدف مسیحیت همانند مسیح بودن است. مومنین باید تبدیل به سنگهای زنده شوند (معابد کوچک که بر اساس مسیح ساخته می شوند).
- E. عیسی زیربنا و سنگ آخر ایمان ما است (یعنی آلفا و امگا). با اینحال، سنگ زیربنا و سنگ آزموده شده است (مراجعه شود به اشعیا ۲۸: ۱۶). از دست دادن او، از دست دادن همه چیز است. هیچ حد واسطی در اینجا وجود ندارد.

۲۱ الی ۲۲ ایده جمعی یا مشارکتی افراد خداوند در افسسیان ۲: ۱۹ (دو بار)، ۲۱ و ۲۲ در حالت جمع به کار بردن "مقدسین" بیان شده است. رستگار شدن این است که بخشی از یک خانواده، یک ساختمان، یک بدن، یک معبد باشد (مراجعه شود به افسسیان ۱: ۲۳؛ ۴: ۱۶؛ کولسیان ۲: ۱۹).

مفهوم کلیسا به عنوان یک معبد در اول قرن‌تین ۳: ۱۶-۱۷ بیان شده است. این تأکید بر ماهیت مشارکتی کلیسا است. جنبه فردی در اول قرن‌تین ۱۶: ۶ هر بیان شده است. هر دو درست هستند! عیسی معبد جدید است، مراجعه شود به انجیل یوحنا ۲: ۱۹-۲۲.

افعال در افسسیان ۲: ۲۱-۲۲ هم بر تمرکز مشارکت تمرکز دارند. آنها حالت ترکیبی *syn* دارند که به معنای "همکاری مشترک" است. آنها هر دو حال مجهول هستند. خداوند به ساختن/اضافه کردن بر کلیسای خود ادامه می‌دهد.

مسئله ای در میان نسخ دستنویس یونانی در رابطه با عبارت «کل ساختمان» وجود دارد. نسخ دستنویس باستانی یونیکال **κ*، *B*، *D*، *F* و *G* هیچ فاعلی ندارند، در حالیکه *A*، *C* و *P* دارند. سوال این است که آیا پولس به یک ساختمان بزرگ (*NASB*، *NKJV*، *NRSV*، *NIV*، *TEV*، *REB*) اشاره میکرد یا چند ساختمان کوچکتر (*Phillips*، *NJB*، *ASV*) که به نحوی متحد شده‌اند؟ متن یونانی *United Bible Society*، جلد چهارم، رتبه "B" را به ساختن می‌دهد که "تقریباً یقین" است. این یک ساختمان تمام نشده است. در حال رشد است. استعاره ساختمان به معبد معنوی اشاره دارد (مردم خدا).

موضوع خاص: تقدیس

(Special Topic: Edify)

این اصطلاح *oikodomeō* و اشکال دیگر آن معمولاً توسط پولس استفاده می‌شوند. به معنای واقعی کلمه، به معنی "ساخت یک خانه" (متی ۷: ۲۴) است، اما به صورت استعاره به کار می‌رود:

۱. بدن کلیسا، کلیسا، اول قرن‌تین ۳: ۹، افسسیان ۲: ۲۱، ۴: ۱۶
۲. بنا کردن
 - a. برادران ضعیف، رومیان ۱۵: ۱
 - b. همسایگان، رومیان ۱۵: ۲
 - c. یکدیگر، افسسیان ۴: ۲۹، اول تسالونیکیان ۵: ۱۱
 - d. قدیسان برای بشارت دادن، افسسیان ۴: ۱۱
۳. بنا میکنیم یا تهذیب میکنیم
 - a. عشق، اول قرن‌تین ۸: ۱، افسسیان ۴: ۱۶
 - b. محدود کردن آزادیهای فردی، اول قرن‌تین ۱۰: ۲۳ الی ۲۴
 - c. پرهیز از گمانه زنی، اول تیموتائوس ۱: ۴

d. محدود کردن سخنگویان در مراسم عبادت (خوانندگان، معلمین، انبیا، زبان سخنگویان، و مفسرین و مترجمین)، اول قرن‌تین ۱۴: ۳

الی ۴ و ۱۲

۴. همه چیز باید تقدیس شوند

a. اقتدار پولس، دوم قرن‌تین ۱۰: ۸، ۱۲: ۱۹، ۱۳: ۱۰

b. خلاصه بیانات در رومیان ۱۴: ۱۹ و اول قرن‌تین ۱۴: ۲۶

سوالات بحث

این یک راهنمای مطالعاتی است، که بدین معنی است که شما خودتان مسئول تفسیر انجیل هستید. هر یک از ما باید در مسیر خودمان گام برداریم. شما، انجیل و روح القدس در اولویت تفسیر هستید. شما نباید این امر را به یک مفسر واگذار کنید.

این سوالات مباحثاتی به منظور کمک به شما در تفکر نسبت به مسائل اصلی این بخش از کتاب مطرح شده‌اند. آنها صرفاً تفکر برانگیز هستند نه قطعی.

۱. آیا واقعا همه انسانها با خدا بیگانه هستند؟
۲. آیا انسانها نقش مهمی در رستگاری خود دارند؟
۳. چرا وحدت یهودیان و غیر یهودیان اینقدر مهم است؟
۴. چگونه عیسی شریعت را "پوچ و تهی" کرد؟
۵. آیا شریعت خدا ابدی است؟ چگونه مسیحیان با شریعت موسی و کل عهد عتیق رابطه دارند؟
۶. چرا پولس بر استعاره ساختمان در افسسیان ۲: ۱۹ الی ۲۳ اینقدر تاکید دارد؟

افسیان ۳

پاراگراف‌های ترجمه‌های مدرن *

UBS ⁴	NKJV	NRSV	TEV	NJB
بشارت پولس برای غیر یهودیان	راز آشکار شد	دعایی برای خرد	کار پولس برای غیر یهودیان	پولس، خادم بشارت
۳: ۱ الی ۱۳	۳: ۱ الی ۷	۳: ۱ الی ۶	۳: ۱ الی ۶	۳: ۱ الی ۱۳
	هدف از راز	۳: ۷ الی ۱۳	۳: ۷ الی ۱۳	
	۳: ۸ الی ۱۳			
شناختن عشق مسیح	تقدیر از راز		عشق مسیح	دعای پولس
۳: ۱۴ الی ۱۹	۳: ۱۴ الی ۲۱	۳: ۱۴ الی ۱۹	۳: ۱۴ الی ۱۹	۳: ۱۴ الی ۱۹
۳: ۲۰ الی ۲۱		۳: ۲۰ الی ۲۱	۳: ۲۰ الی ۲۱	۳: ۲۰ الی ۲۱

مطالعه حلقه سوم (رجوع کنید به "سمینار تفسیر کتاب مقدس")

به دنبال نیت اصلی نویسنده در سطوح پاراگراف

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور خود راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید.

کل کتاب مقدس را در یک نشست بخوانید. موضوعات را مشخص نمایید (مطالعه حلقه شماره ۳). تقسیمات موضوعی خود را با پنج ترجمه بالا مقایسه کنید. پاراگراف‌بندی به نویسنده الهام نشده است، اما کلید پیگیری اهداف اصلی نویسنده است که قلب تفسیر است. هر پاراگراف تنها و تنها یک موضوع دارد.

۱. پاراگراف اول
۲. پاراگراف دوم
۳. پاراگراف سوم و غیره
۴. و غیره

بینش متنی بر ۳: ۱ الی ۲۱

A. با توجه به اهداف الهیاتی برای نامه گردشی پولس معروف به افسسیان، روشن است که سه حقیقت اصلی بخش دکترین، به معلمان دروغین عرفان مربوط است. (به مقدمه مراجعه کنید)

۱. افسسیان ۱ پدر را برای عشق "قبل پیش از زمان" خود که در زمان به عنوان جایگزین قربانی شدن مسیح بیان شد و حضور مداوم روح، ستایش میکند.

۲. افسسیان ۲: ۱ الی ۱۰ عشق و رحمت عالی پدر را برای بشر سقوط کرده و ناتوان نشان می‌دهد

۳. افسسیان ۲: ۱۱ الی ۳: ۱۳ طرح ابدی خدا را نشان می‌دهد که همه انسان‌ها در رستگاری رایگان از طریق مسیح (سوم ژنرال ۱۵: ۳)، اعم از یهودی و غیر یهودی، مرد و زن، برده و آزاد شامل است.

در واقع، افسسیان ۲: ۱۱ الی ۳: ۱۳ طرح ابدی و جهانی رستگاری خدا را نشان می‌دهد (نگاه کنید به موضوع خاص: طرح الحاق ابدی یهوه؛ افسسیان ۲: ۱-۱۰) قلب عاشق خدا را نشان می‌دهد. و افسسیان ۱: ۳-۱۴ هدف ابدی خدا را نشان می‌دهد، مسیحی بودن انسان. خداوند از شورش بشری کاملاً آگاه بود و حتی قبل از خلقت، برنامه‌هایی برای مقابله با این مسئله را در پیش گرفت (افسیان ۱: ۴).

B. افسسیان ۲: ۱۱-۲۲ و ۳: ۲-۱۳ یکی از چندین تعریف متعددی رمز و راز خدا در نوشته‌های پولس را مشخص می‌کند. یهودی و غیر یهودی در یک نهاد جدید، کلیسای عیسی مسیح متحد شدند. موضوع خاص در افسسیان ۳: ۳ را مطالعه کنید.

C. پولس دعای ستایش در افسسیان ۱: ۳ را شروع می‌کند. اما در مورد خدمت خود به غیر یهودیان از مسیر خود منحرف شده و در آیات ۱۴-۲۱ نماز خود را از سر میگیرد.

D. دعایی که در آیه ۱ شروع و در افسسیان ۳: ۱۴ الی ۲۱ خاتمه می یابد به سه عبارت تقسیم میشود (به یادداشت کامل در افسسیان ۳: ۱۶ الی ۱۹ مراجعه کنید)

۱. مومنین قدرت درونی میگیرند (افسسیان ۳: ۱۶ الی ۱۷ الف)

a. با قدرت روح

b. با سکنی گزیدن مسیح

۲. قدیسان ممکن است کاملاً حقیقت انجیل و راز را درک کنند، افسسیان ۳: ۱۷ ب الی ۱۹ الف

a. بدست آوردن جهت نگهداشتن

b. شناختن از روی تجربه

۳. مومنین همگی از پری (*plērōma*) خدا لبریز میشوند، افسسیان ۳: ۱۹ ب

مطالعه عبارت و کلام

NASB (به روز شده): ۲: ۱ الی ۱۰

^۱ از این رو من، پولس، که به خاطر شما غیر یهودیان زندانی مسیح عیسی هستم -

^۲ و بی گمان شما دربارهٔ مباشرت فیض خدا که برای شما به من بخشیده شده است، شنیده اید. ^۳ مقصودم رازی است که از راه مکاشفه بر من معلوم گردید، چنانکه تا به حال مختصری دربارهٔ آن به شما نوشته ام، ^۴ و با خواندن آن می توانید به چگونگی درک من از راز مسیح پی ببرید، ^۵ رازی که در نسلهای گذشته بر آدمیان آشکار نشده بود، آن گونه که اکنون به واسطهٔ روح بر رسولان مقدس او و بر انبیا آشکار شده است. آن راز این است که غیر یهودیان در مسیح و به واسطهٔ انجیل، در میراث و در بدن و در بر خورداری از وعدهٔ او شریکند.

^۶ من به موهبت فیض خدا که از طریق عمل قدرت او به من عطا شده است، خادم این انجیل شده ام. ^۷ هر چند از کمترین مقدسین هم کمترم، این فیض به من عطا شد که بشارت غنای بی قیاس مسیح را به غیر یهودیان برسانم، ^۸ و بر همگان طرح اجرای رازی را روشن سازم که طی اعصار گذشته نزد خدایی که همه چیز را آفرید، پوشیده نگاه داشته شده بود. ^۹ تا اکنون از طریق کلیسا حکمت گوناگون خدا بر ریاستها و قدرتهای جایهای آسمانی آشکار شود، ^{۱۰} مطابق با آن قصد ازلی خدا که بدان در خداوند ما مسیح عیسی جامهٔ عمل پوشانید. ^{۱۱} ما در او به واسطهٔ ایمان به او، می توانیم آزادانه و با اطمینان به خدا نزدیک شویم. ^{۱۲} پس تمنا دارم به سبب رنجهایی که به خاطر شما بر خود هموار می کنم، دلسرد نشوید، چرا که آنها مایهٔ افتخار شماست.

۳: ۱ "از این رو" افسسیان ۳: ۲-۱۳ ادامه الهیات افسسیان ۲: ۱۱-۲۲ است. پولس این عبارت را در افسسیان ۳: ۱۴ تکرار می کند، جایی که او به دعا به خدا باز می گردد (پس از پراتنز ۲: ۲-۱۳ در مورد تماس و خدمت به غیر یهودیان).

■ "به خاطر شما غیر یهودیان زندانی مسیح عیسی هستم" هنگامی که پولس این کتاب را می نوشت، او در رم به دلیل شورش در اورشلیم زندانی بود (مراجعه شود به اعمال رسولان ۲۱: ۲۷-۲۲: ۲۲). شورش در زمانی رخ داد که یهودیان پولس را متهم کردند که تروفیماس ایمان آورده را در افسس به داخل معبد برده بود. یهودیان می دانستند که او غیر یهودی است و خشمگین شده بودند (مراجعه شود به افسسیان ۲: ۱۴).

پولس احساس فراخوانی ویژه ای در رابطه با غیر یهودیان داشت (افسسیان ۳: ۸؛ اعمال رسولان ۹: ۱۵؛ ۲۲: ۲۱؛ ۲۶: ۱۶، ۱۸؛ رومیان ۱۱: ۱۳؛ ۱۵: ۱۶؛ غلاطیان ۱: ۱۶؛ ۲: ۹؛ اول تیموتائوس ۲: ۷؛ دوم تیموتائوس ۴: ۱۷).

۳: ۲ "اگر" این عبارت جمله شرطی نوع اول است که از نظر نویسنده و یا از نظر متنی تصور میکند که شرط درست است. آیات ۲ الی ۷ در یونانی یک جمله هستند. این مومنین درباره بشارت پولس شنیده بودند و او را فرا خوانده بودند. پولس بنیانگذاری کلیسایی در آسیای صغیر نبود.

■ "دربارهٔ مباشرت فیض خدا که برای شما به من بخشیده شده است" پولس احساس کرد که به انجیل سپرده شده است (مراجعه شود به افسسیان ۳: ۹؛ اول قرنتیان ۴: ۱-۲: ۷؛ غلاطیان ۲: ۷؛ کولسیان ۱: ۲۵؛ اول تسالونیکیان ۲: ۴؛ اول تیموتائوس ۱: ۱۱؛ اول پطرس ۴: ۱۰). فضل خدا به پولس به عنوان یک هدیه آمد، آیات ۷-۸، و به عنوان یک نگهبان، افسسیان ۳: ۲. این جنبه دوگانه پیمان خدا است.

به عنوان یک حقیقت، به همه مؤمنان به وسیله روح نعمتی داده شده است (مراجعه شود به اول قرنتیان ۱۲: ۷، ۱۱؛ افسسیان ۴: ۷) و اعضای ستاد بزرگ کمسیون را اعلام کردند (متی ۲۸: ۱۹-۲۰). این گزینه بزرگی نیست! این شامل هم بشارت عمدی و هم بلوغ همانند مسیح بودن، است. غیر ممکن است که یک خدمتگزار خوب و وفادار باشیم و اهداف را درک نکنیم!

۳: "از راه مکاشفه" این میتواند به یکی از موارد زیر اشاره کند:

۱. تجربه جاده دمشق او (مراجعه شود به اعمال رسولان ۹: ۳ الی ۸، ۲۲: ۶ الی ۱۱، ۲۶: ۱۲ الی ۱۸)
۲. تعلیم حنانيا در دمشق (مراجعه شود به اعمال رسولان ۹: ۱۰ الی ۱۹، ۲۲: ۱۲ الی ۱۶)
۳. خلسه در اورشلیم (مراجعه شود به اعمال رسولان ۲۲: ۱۷)
۴. تعلیم پولس توسط عیسی معراج کرده و جلال یافته در عربستان (مراجعه شود به غلاطیان ۱: ۱۲، ۱۷ الی ۱۸)

■ "راز" پولس از اصطلاح "رمز و راز" بیش از بیست بار با چندین معنی مختلف استفاده کرده است. اغلب با چگونگی و دلیل اتحاد یهود و غیر یهودیان معتقد به یک اجتماع جدید، کلیسا (مراجعه شود به افسسیان ۲: ۱۱ الی ۳: ۱۳، کولسیان ۱: ۲۶-۲۷) مرتبط است.

موضوع خاص: راز

(Special Topic: Mystery)

I. در عهد عتیق

این کلمه آرامی (BDB 1112)، (KB 1980)، rāz، به معنای "پنهان کردن"، "برای حفظ یک راز" است. این اصطلاح در چندین بار در دانیال مورد استفاده قرار گرفته است (مراجعه شود به دانیال ۲: ۱۸، ۱۹، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۴۷: ۴؛ ۹). این موضوع مرکزی در ادبیات آخرالزمانی می شود و اغلب در کتیبه های بحر المیت ذکر شده است. خداوند توصیه های پنهانی خود را به پیامبران نشان می دهد (مراجعه شود به پیدایش ۱۸: ۱۷؛ ارمیا ۲۳: ۱۸؛ دانیال ۹: ۲۲؛ عاموس ۳: ۷).

در کتیبه بحر المیت، مکاشفه خداوند به وسیله (۱) پیام انبیا عهد عتیق (راز)، و همچنین (۲) تفسیر (تفکر) «معلم عدالت»، مطرح شد. این الگوی دوگانه، وحی و تفسیر ادبیات آخرالزمانی را مشخص می کند.

II. در انجیل سینوپتیک "راز" به عنوان یک بینش روحانی بر گرفته از تمثیلهای عیسی تلقی میشود.

۱. انجیل مرقس ۴: ۱۱

۲. انجیل متی ۱۳: ۱۱

۳. انجیل لوقا ۹: ۱۰

III. پولس از آن به طرق مختلف استفاده میکند

۱. اندکی سختگیری به اسرائیل به غیر یهودیان امکان می دهد تا آنها هم شامل شوند. این هجوم غیر یهودیان به عنوان مکانیسم برای یهودیان برای پذیرش عیسی مسیح نبوت شده (رومیان ۱۱: ۲۵-۳۲) کار خواهد کرد.

۲. انجیلی که به ملت ها داده شده است، به آنها می گوید که همه آنها در مسیح و از طریق مسیح شامل (رومیان ۱۶: ۲۵-۲۷؛ کولسیان ۲: ۲) هستند.

۳. جسم جدید مومنین در آمدن دوم (مراجعه شود به اول قرن تیان ۱۵: ۵ الی ۵۷، اول تسالونیکیان ۴: ۱۳ الی ۱۸)

۴. جمع بندی همه چیز در مسیح (مراجعه شود به افسسیان ۱: ۸ الی ۱۱)

۵. غیر یهودیان و یهودیان به عنوان وارثان (مراجعه شود به افسسیان ۲: ۱۱ الی ۳: ۱۳)

۶. صمیمیت رابطه میان مسیح و کلیسا با اصطلاحات مربوط به ازدواج توصیف میشوند (مراجعه شود به افسسیان ۵: ۲۲ الی ۳۳).

۷. غیر یهودیانی که در زمره مردم عهد و پیمان قرار گرفته و روح مسیح در آنها ساکن میشود تا بلوغ مسیحیت را بدست آورند، به این ترتیب تصویر آسیب دیده خدا در انسان را بازسازی می کنند (مراجعه شود به پیدایش ۱: ۲۶-۲۷؛ ۵: ۱؛ ۶: ۵، ۱۱-۱۳؛ ۸: ۲۱؛ ۹: ۶؛ کولسیان ۱: ۲۶-۲۸).

۸. پایان زمان ضد-مسیحی (مراجعه شود به دوم تسالونیکیان ۲: ۱ الی ۱۱)

IV. یک مناجات کلیسای اولیه یا تعلیم و دستورات مذهبی در مورد زار انجیل در اول تیموتائوس ۳: ۱۶ یافت میشود.

V. در مکاشفه یوحنا به عنوان نماد یوحنایی آخر الزمان استفاده شده است

۱. مکاشفه ۱: ۲۰

۲. مکاشفه ۱۰: ۱۷

۳. مکاشفه ۱۷: ۵ و ۶

VI. این اسرار حقایقی هستند که انسانها نمیتوانند آنها را کشف کنند، آنها باید توسط خدا نمایان شوند

VII. موضوع خاص: طرح رستگاری ابدی یهوه را مطالعه کنید.

"همانطور که قبلا به طور خلاصه نوشتیم"	NASB
"(همانطور که پیشتر در چند کلمه نوشتیم)"	NKJV
"همانطور که در بالا در چند کلمه نوشتیم"	NRSV
"(به طور خلاصه در این باره نوشتیم)"	TEV
"همانطور که خیلی مختصر توضیح دادم"	NJB

اصلاح طلب بزرگ جان کالوین فکر می کرد این امر به چیزی است که پولس در نامه قبلی نوشته بود، اشاره دارد، اما ممکن است بهتر باشد که به بخش قبلی افسسیان اشاره شود، احتمالا ۲: ۱۱-۲۲. این استفاده رایج از زمان آتوریست به عنوان یک آتوریست معروف به ایدئولوژی نامیده می شود.

۳: ۴ "وقتی این را می خوانید" این احتمالا به خواندن نامه های پولس در کلیساها اشاره دارد (مراجعه شود به کولسیان ۴: ۱۶، اول تسالونیکیان ۵: ۲۷، مکاشفه ۱: ۳). به یاد داشته باشید که افسسیان یک نامه گردشی بود.

۵: ۳

"در سایر نسلها"	NASB
"در سایر عصرها"	NKJV
"در نسلهای قبلی"	NRSV
"در زمانهای پیشین"	TEV
"در نسلهای قبل"	NJB

خداوند اکنون آشکارا طرح قدیم خود را برای رستگاری تمام بشریت نشان می دهد (مراجعه شود به اول قرنتیان ۲: ۶-۹؛ کولسیان ۱: ۲۶ الف)، یهودی و غیر یهودی، غنی و فقیر، برده و آزاد، مرد و زن (مراجعه شود به اول قرنتیان ۱۲: ۱۳؛ غلاطیان ۳: ۲۸).

■ "آشکار نشده بود، اکنون آشکار شده است" این ها دو فعل مجهول هستند که اعمال خدا را در مکاشفه این حقیقت بزرگ قبل از زمان (۱: ۳-۳) (۶)، در زمان (۱: ۷-۱۲) و در طول زمان (۱: ۱۳-۱۴) نشان می دهند. مؤمنان عهد جدید بیشتر در مورد خدا و طرح او و مسیح او بیشتر از هر فرد پیر عهد عتیق می دانند!

■ "بر رسولان مقدس او و بر انبیا" این عبارت در افسسیان ۲: ۲۰؛ ۴: ۱۱ نیز یافت می شود. آنها "مقدس" هستند، زیرا برای یک کار خاص جدا شده اند. این به پیامبران عهد جدید اشاره دارد (نگاه کنید به موضوع خاص در افسسیان ۲: ۲۰، افسسیان ۴: ۱۱؛ اعمال رسولان ۱۱: ۲۷؛ ۱۳: ۱؛ ۱۵: ۳۲؛ ۲۱: ۹، ۱۰؛ اول قرنتیان ۱۲: ۲۸؛ ۱۴: ۱-۴۰). هر دو گروه، رسولان و پیامبران (همراه با شبانان و کشیشان / معلمان، مراجعه شود به افسسیان ۴: ۱۱)، رمز و راز تازه ای از انجیل را اعلام کردند که مومن یهودی و غیر یهودی اکنون یک بدن جدید، کلیسا را تشکیل می دهند.

۶: ۳

"غیر یهودیان و دوستان وارث و دوستان عضو بدن و دوستان عضو در آن وعده"	NASB
"غیر یهودیان باید وارثین همان بدن باشند و شرکت کنندگان در وعده او"	NKJV
"غیر یهودیان تبدیل به وارثین شده اند، اعضا همان بدن، و شریک در وعده"	NRSV
"غیر یهودیان در برکات خدا برای یهودیان سهم دارند، آنان اعضا همان بدن و سهیم در وعده هستند"	TEV
"کفار هم اکنون همان ارث را سهیم هستند، آنهايي که بخشی از یک بدن هستند و همان وعده به آنها داده شده است"	NJB

آنچه مکاشفه غافلگیر کننده ای از رمز و راز قدیمی طرح رستگاری خداوند. در ایمان به مسیح هیچ یهودی یا غیر یهودی وجود ندارد (رومیان ۲: ۲۸-۲۹؛ ۳: ۲۲؛ ۱۰: ۱۲؛ اول قرنتیان ۱۲: ۱۳؛ غلاطیان ۳: ۷-۹، ۲۸-۲۹؛ کولسیان ۳: ۱۱). همین کلمه "دوستان وارث" در رومیان نیز استفاده می شود. ۸: ۱۷؛ عبرانیان ۱۱: ۹ و اول پطرس ۳: ۷.

سه اصطلاح ترکیبی *syn* در اینجا وجود دارند: (۱) "دوستان وارث"؛ (۲) "همتایان یک بدن"؛ و (۳) "همکاران وعده". پولس از این ترکیبات هم برای توصیف زندگی جدید مؤمن با ایمان به مسیح استفاده می کند. این بسیار شبیه به سه ترکیب با *syn* در افسسیان ۲: ۵-۶ است.

موضوع خاص: برنامه رستگاری جاودانی یهوه

(Special Topic: Yhwh's Eternal Redemptive Plan)

باید به شمای خواننده اذعان دارم که در این نقطه من متعصب هستم. نظام خداشناسی من بر پایه مکتب جان کالوین یا سایر مکاتب ریاکار نیست، بلکه ترویج قوی مسیحیت است (مراجعه شود به انجیل متی ۲۸: ۱۸ الی ۲۰، انجیل لوقا ۲۴: ۴۶ و ۴۷، اعمال ۱: ۸). من معتقدم خدا یک برنامه جاودانی برای رستگاری تمامی بشریت دارد (برای مثال پیدایش ۳: ۱۵ و ۱۲: ۳، خروج ۱۹: ۵ و ۶، ارمیا ۳۱: ۳۱ الی ۳۴، حزقیال ۱۸، ۳۶: ۲۲ الی ۳۹، اعمال ۲: ۲۳، ۳: ۱۸، ۴: ۲۸، ۱۳: ۲۹، رومیان ۳: ۹ الی ۱۸ و ۱۹ و ۲۰ و ۲۱ الی ۳۱)، تمامی آنها در تصور او به زیبایی خلق شدند (رجوع شود به پیدایش ۱: ۲۶ و ۲۷). تمامی آن وعده‌ها در عیسی جمع شده‌اند (مراجعه شود به غلاطیان ۳: ۲۸ و ۲۹، کولسیان ۳: ۱۱). عیسی راز خداست، پنهان بود ولی اینک هویدا شده است (رجوع شود به افسسیان ۲: ۱۱ و ۳: ۱۳)! انجیل عهد جدید، و نه اسرائیل کلید کتاب مقدس است.

این درک مقدماتی، تمامی تفسیرهای مرا از کتاب مقدس رنگین می‌سازد. من تمامی متون را با این ذهنیت خواندم! یقیناً این تعصب است (در تمامی تفاسیر دیده می‌شود!)، ولی این یک پیش‌فرض ناشی بر مبنای آگاهی به کتاب مقدس است.

تمرکز پیدایش ۱ الی ۲ بر آن است که یهوه مکانی را خلق می‌کند که او و بالاترین مخلوقش، نوع بشر می‌توانند با هم رفاقت کنند (رجوع شود به آفرینش ۱: ۲۶ و ۳: ۸). خلقت فیزیکی مرحله‌ای است برای این اقدام الهی.

۱. سنت آگوستین به این شخصیت حفره الهی شکل در انسان می‌دهد که فقط می‌تواند توسط خود خدا پر شود

۲. سی اس لوتیس به این سیاره نام "سیاره لمس شده" را می‌دهد (توسط خداوند برای بشر تهیه شده).

عهد عتیق اشارات زیادی بر این اقدام الهی دارد.

۱. آفرینش ۳: ۱۵ نخستین وعده‌ای است که یهوه نوع بشر را در فاجعه و گناه و شورش رها نمی‌کند. به اسرائیل اشاره نمی‌کند زیرا اسرائیلی وجود ندارد، یا مردم تحت پیمان، تا زمانیکه ابراهیم در آفرینش ۱۲ ظهور می‌کند.

۲. پیدایش ۱۲: ۱ الی ۳ اولین نام بردن یهوه از رستگاری توسط ابراهیم است که مردم پیرو، و اسرائیل را بوجود می‌آورد. ولی حتی در این نخستین یادآوری، خدا مجبور بود که مراقب تمام دنیا باشد. به پیدایش ۱۲: ۳ توجه کنید!

۳. خروج ۲۰ (سفر تثنیه ۵) یهوه فرمان او (خدا) را به موسی داد تا مردم خاص خود را هدایت کند. توجه کنید که در خروج ۱۹: ۵ و ۶، یهوه رابطه خاصی را که اسرائیل خواهد داشت افشا می‌کند. ولی همچنین توجه داشته باشید که آنها، همانند ابراهیم، منتخب بودند تا جهان را برکت دهند (رجوع شود به خروج ۱۹: ۵ "تمامی زمین از آن من است"). اسرائیل باید مکانیزمی می‌بود برای ملتها تا یهوه را بشناسند و به خدا روی آورند. متأسفانه آنها موفق نشدند (رجوع شود به حزقیال ۳۶: ۲۲ الی ۳۸).

۴. در اول پادشاهان ۸ سلیمان معبدی را اهدا می‌کند تا همه بتوانند بسوی یهوه بیایند (رجوع شود به اول پادشاهان ۸: ۴۳ و ۶۰).

۵. در مزمور ۲۲: ۲۷ و ۲۸، ۴۶: ۴، ۸۶: ۹ (مکاشفه ۱۵: ۴)

۶. از میان پیامبران یهوه به طور مستمر برنامه‌های رستگاری او (خدا) را آشکار می‌کرد.

a. اشعیا - ۲: ۲ الی ۴: ۱۲، ۵ و ۶: ۲۵، ۹ و ۶: ۴۲، ۱۰ الی ۱۲، ۴۵: ۲۲، ۴۹: ۵ و ۶، ۵۱: ۴ و ۵، ۵۶: ۶ الی ۸، ۶۰: ۱ الی ۳، ۶۶: ۱۸ و ۲۳

b. ارمیا ۳: ۱۷، ۴: ۲، ۱۶: ۱۹

c. میکاه ۴: ۱ الی ۳

d. ملاشی ۱: ۱۱

تاکید کلی با به کارگیری "پیمان جدید" آسانتر می‌شود (ارمیا ۳۱: ۳۱ الی ۳۴، حزقیال ۳۶: ۲۲ الی ۳۸)، که بر بخشش یهوه تأکید دارد، نه بر عملکرد انسان انحطاط یافته. این "قوت قلب جدیدی" است، "تفکری جدید"، و "روحی جدید". اطاعت ضروری ولی درونی است، نه فقط اعمال ظاهری (رجوع شود به رومیان ۳: ۲۱ الی ۳۱).

عهد جدید به وضوح برنامه رستگاری جهانی را به راه‌های مختلف به اجرا می‌گذارد.

۱. کمیسیون عالی (انجیل متی ۲۸: ۱۸ الی ۲۰، انجیل لوقا ۲۴: ۴۶ و ۴۷، اعمال ۱: ۸)

۲. برنامه جاودانه خدا (یعنی از پیش تعیین شده) - انجیل لوقا ۲۲: ۲۲، اعمال ۲: ۲۳، ۳: ۱۸، ۴: ۲۸، ۱۳: ۲۹

۳. خدا می‌خواهد تمامی انسانها نجات یابند - انجیل یوحنا ۳: ۱۶، ۴: ۴۲، اعمال ۱۰: ۳۴ و ۳۵، تیموتائوس ۲: ۴ الی ۶، تیتوس ۲: ۱۱، دوم پطرس ۳: ۹، اول یوحنا ۲: ۲ و ۴: ۱۴

۴. مسیح عهد قدیم و عهد جدید را متحد می‌سازد - غلاطیان ۳: ۲۸ و ۲۹، افسسیان ۲: ۱۱ الی ۳: ۱۳، کولسیان ۳: ۱۱. تمامی موانع و تمایزات در مسیح از بین می‌روند. عیسی "راز خداست"، که پنهان بود ولی اینک آشکار شده است (افسیان ۲: ۱۱ الی ۳: ۱۳).

عهد جدید بر عیسی تمرکز دارد، نه اسرائیل. انجیل، نه منطقه‌ای و نه جغرافیایی، بلکه در مرکزیت است. اسرائیل اولین مکاشفه بود ولی عیسی آخرین است (رجوع شود به انجیل متا ۵: ۱۷ الی ۴۸).

امیدوارم زمانی را نیز صرف خواندن این مقاله کنید: موضوع خاص: چرا به نظر می‌رسد که وعده‌ها و پیمانهای عهد عتیق با وعده‌ها و پیمانهای عهد جدید متفاوت هستند؟ می‌توانید آن را در www.freebiblecommentary.org بیابید

۷: ۳ این ممکن است به رستگاری اولیه پولس اشاره کند، اما در متن به نظر می‌رسد که به نعمت ویژه خدا برای بشارت به غیر یهودیان است (مراجعه شود به افسسیان ۳: ۲؛ ۶: ۲۰؛ رومیان ۱۲: ۳؛ ۱۵: ۱۵-۱۶؛ اول قرنتیان ۳: ۱۰؛ ۱۵: ۱۰؛ غلاطیان ۲: ۹؛ کولسیان ۱: ۲۵).

■ "خادم" ما کلمه انگلیسی "deacon" را از این فعل کلی یونانی برای minister می‌گیریم (*diakoneō*)، مراجعه شود به انجیل مات ۸: ۱۵ یا *diakonia*. افسسیان ۴: ۱۲).

■ "از طریق عمل قدرت او" رستگاری و خدمت موثر از جانب خدا هستند، نه پولس (مراجعه شود به افسسیان ۱: ۱۹، کولسیان ۱: ۲۹).

۸: ۳ الی ۱۲ این یک جمله یونانی است. این جملات طولانی مشخصه افسسیان هستند.

۸: ۳ "از کمترین مقدسین هم کمتر" این به معنای واقعی کلمه "حداقل" است که مقایسه‌ای با عالی است (اول قرنتیان ۱۵: ۹، اول تیموتائوس ۱: ۱۵). زندگی گذشته پولس او را از خود پارسایی مذهبی و آزار و اذیت تهاجمی رها کرده و فروتن ساخته بود. او همچنین از عشق خدا کلیسای او شگفت زده شد. موضوع ویژه: قدیسان در کولسیان ۱: ۲ را ببینید.

NASB	"ناشناخته"
NKJV	"غیر قابل جستجو"
NRSV	"بی حد و حصر"
TEV, NJB	"نامحدود"

عجب کلمه قدرتمندی برای توصیف غنای خدا در طریق مسیح (به رومیان ۱۱: ۳۳ و ترجمه Septuagint یعقوب ۵: ۹، ۹: ۱۰ مراجعه شود). انسان نمی‌تواند خدا را کشف کند، اما خدا تصمیم گرفته است خود را نشان دهد.

■ "غنای مسیح" ثروت "یکی از کلمات مورد علاقه پولس است (مراجعه شود به افسسیان ۱: ۷ و ۱۸، ۲: ۴، ۷: ۳؛ ۸: ۱۶). در فصل ۱ او از ثروت خدای پدر سخن گفت. در اینجا پولس آنها را به پسر منتقل میکند. نویسندگان عهد جدید معمولاً به الهی بودن عیسی از طریق منتسب کردن او به خدا، عناوین و عملکردهای بیهوده اشاره میکنند (به عنوان مثال "خداوند نجات دهنده" و "مسیح عیسی نجات دهنده ما" در تیتوس ۱: ۳ و ۱: ۴؛ ۲: ۱۰ "خداوند ما را" و ۲: ۱۳؛ ۴: ۳ و ۶).

۹: ۳

NASB	"در نور آوردن"
NKJV	"به همه مردم نشان دادن"
NRSV	"به هر کسی نشان دادن"
TEV	"همه آدمها ببینند"
NJB	"توضیح دادن"

این به مفهوم "روشن کردن یک نور" است (مراجعه شود به افسسیان ۱: ۱۸؛ اعمال رسولان ۲۶: ۱۸؛ دوم قرنتیان ۴: ۶؛ اول پطرس ۲: ۹). فقط روح می‌تواند این وحی را به یک قلب تاریک آورده باشد (یوحنا ۱: ۴-۵؛ ۶: ۴۴، ۶۵). ما اصطلاح انگلیسی "عکس/photo" را از واژه یونانی گرفته‌ایم.

NASB	"مدیریت راز"
NKJV	"دوستی راز"
NRSV	"برنامه راز"
TEV	"برنامه پنهان خدا باید اجرا شود"
NJB	"چگونه راز باید باطل شود"

این به معنای واقعی کلمه "نظارت" (*oikonomia*) است. این یکی از کلمات مورد علاقه پولس برای برنامه ابدی خدا جهت رستگاری توسط مسیح

برای همه فرزندان آدم است (مراجعه شود به افسسیان ۱: ۱۰؛ ۳: ۲، ۹؛ کولسیان ۱: ۲۵).

در رابطه با اصطلاح "نظارت" در مقابل "رفاقت" در میان نسخ دستنویس یونانی وجود دارد. بنابراین، "نظارت" در P⁴⁶، تمام نسخ خطی یونیکال، بیشتر نسخ خطی، تمام نسخ باستانی یافت می‌شود و تمام پدران کلیسا به آن استناد می‌کنند، بنابراین "نظارت" کلمه اصلی است. بحث در مورد نقد متنی را در ضمیمه دو ببینید. برای "رمز و راز" موضوع خاص در افسسیان ۳: ۳ را مطالعه کنید.

■ **"خدایی که همه چیز را آفرید"** این دوگانگی عرفان، تضاد میان ماده و روح را رد می‌کند (مراجعه شود به افسسیان ۲: ۱۰). در همسوی کولسیان، عیسی به عنوان نماینده خدای پدر در خلقت شناخته شده است (مراجعه شود به یوحنا ۱: ۳، ۱۰؛ رومیان ۱۱: ۳۶؛ اول قرنتیان ۸: ۶؛ کولسیان ۱: ۱۵-۱۶؛ عبرانیان ۱: ۲-۳؛ ۲: ۱۰).

۱۰: ۳

"حکمت چندگانه خدا"	NASB, NKJV
"خرد خدا با تنوع تمام در غنای آن"	NRSV
"خرد خدا در تمامی اشکال مختلف آن"	TEV
"فهم و درک معرفت خدا واقعا چگونه است"	NJB

این یک کلمه مرکب است که بر روی حکمت "رنگارنگ" خداوند تأکید دارد. در اول پطرس ۱: ۶ به پنج‌های مختلف و در اول پطرس ۴: ۱۰ به فضل خدا اشاره می‌کند. این حقیقت چندگانه بزرگ خداوند را می‌توان در دکسون‌های پولس در رومیان ۱۱: ۳۳-۳۶ و افسسیان ۳: ۱۸ الی ۲۱ دید.

■ **"کلیسا"** در Septuagint (LXX) اصطلاح Ekklesia برای ترجمه عبری واژه "شورای (qahal) اسرائیل" استفاده شده است (مراجعه شود به خروج ۱۲: ۶، ۱۶: ۳، اعداد ۲۰: ۴، لاویان ۴: ۱۳). این یکی از چندین کاربرد این اصطلاح در افسسیان است (مراجعه شود به افسسیان ۱: ۲۲؛ ۳: ۱۰ و ۲۱؛ ۵: ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۷، ۲۹، ۳۲). پولس در افسسیان ۱: ۲۲ الی ۲۳ و کولسیان ۱: ۲۴ کلیسا را بدن مسیح می‌خواند. کلیسای اولیه خود را به عنوان مردم راستین عهد عتیق خدا با مسیح عیسی مسیح به عنوان سر خود میدیدند.

یکی از روابط ادبی غیرعادی میان افسسیان و کولسیان این است که در افسسیان این اصطلاح به کلیسای جهانی اشاره دارد (متی ۱۶: ۱۸؛ غلاطیان ۱: ۱۳)، در حالی که در کولسیان معمولا به کلیسای محلی (اول قرنتیان ۱۰: ۱۲؛ ۲۸: ۱۵؛ ۹: ۱۲؛ غلاطیان ۱: ۱۲؛ فیلیپیان ۳: ۶) اشاره دارد. این به گردشی بودن نامه اشاره می‌کند.

موضوع خاص در کولسیان ۱: ۱۸ را مطالعه کنید.

■ **"شناسانده شود"** (این عبارت به اشتباه در نسخه فارسی آشکار شود ترجمه شده است-مترجم) فرشتگان در آرزوی دانستن برنامه خدا بودند (مراجعه شود به اول پطرس ۱: ۱۲). خدا از عشق خود به کلیسا برای شناساندن خود به نوع بشر و فرشتگان استفاده کرد (مراجعه شود به افسسیان ۲: ۷، اول قرنتیان ۴: ۹).

■ **"بر ریاستها و قدرتهای"** این به سطوح فرشته‌ای قدرت، هم خوب و بد اشاره دارد (رومیان ۸: ۳۸-۳۹؛ ۱ قرنتیان ۲: ۸؛ افسسیان ۱: ۲۱؛ ۶: ۱۲؛ کولسیان ۱: ۱۶؛ ۲: ۱۰، ۱۵، ۲۰). این یکی از جنبه‌های کلی الهیات عرفانی بود. برای آنها، رستگاری تهیه دانش مخفی بود تا بتوانند از طریق این سطوح فرشته (aeons) برای رسیدن به خدای بزرگ، خدای خوب عبور کنند.

یک فهرست کامل از اصطلاحات مورد استفاده در عهد جدید برای این سطوح فرشته‌ای را می‌توان در A Theology of the New Testament اثر George E. Ladd صفحه ۴۰۱ مشاهده کرد. این ترتیب و رتبه بندی موجودات فرشتگان در هیچ جایی از عهد جدید مشخص یا تعریف نشده است. مراقب کنجکاوی و سیستم‌های الهیاتی باشید که تلاش می‌کنند به طور قطعی پاسخی دهند که در خود عهد جدید مبهم است!

مثال خوبی از این احتیاط مربوط به این رتبه بندی فرشتگان است. در بعضی از متون، آنها شرور نیستند، اما احتمالا ساختارهای این جهان گمراه است که انسان را قادر می‌سازد تا به دور از خدا زندگی کند. یک کتاب خوب در مورد این نظریه، Christ and the Powers، اثر Hendrik Berkhoff از انتشارات Herald Press است. موضوع خاص: فرشتگان در نوشته‌های پولس در افسسیان ۶: ۱۲ و موضوع خاص: منشا در کولسیان ۱: ۱۶ را مطالعه کنید.

■ **"جاییهای آسمانی"** (در متن انگلیسی "مکانهای بهشت" نوشته شده است-مترجم) این قید مکان جمع خنثی "در مکان‌های آسمانی" تنها در افسسیان استفاده شده است (مراجعه شود به افسسیان ۱: ۲۰؛ ۲: ۶؛ ۳: ۱۰؛ ۶: ۱۲). با توجه به کاربردهای آن در تمامی متن، باید به معنی قلمرو معنوی باشد که در آن مومنین در اینجا و در حال حاضر زندگی میکنند، نه در بهشت.

۳: ۱۱ "قصد ازلی" این به معنای واقعی کلمه "هدف اعصار" است (مراجعه شود به افسسیان ۱: ۹-۱۰). این اصطلاح در یونانی کلاسیک برای اشاره به یک طرح مجموعه استفاده می‌شود. خداوند متعجب نیست و او هیچ برنامه دیگری ندارد (مراجعه شود به انجیل لوقا ۲۲: ۲۲؛ اعمال رسولان ۲: ۲۳؛ ۳: ۱۸؛ ۴: ۲۸؛ نگاه کنید به موضوع خاص: طرح رستگاری ابدی یهوه مراجعه شود)!

طرح ابدی خدا چه بود؟ این در پیدایش ۱-۳ روشن شده است. خدا بشریت را برای دوستی با خود خلق کرد (مراجعه شود به پیدایش ۱: ۲۶-۲۷؛ ۳: ۸)؛ این ارتباط توسط قیام انسانی شکسته شد (مراجعه شود به پیدایش ۳). ترمیم تصویر خداوند و دوستی با انسان (یهودی و غیر یهودی) هدف فعالیت خدا در کتاب مقدس است. این هدف از طریق کار مسیح (مراجعه شود به پیدایش ۳: ۱۵) و خدمت روح القدس (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۶: ۸ الی ۱۴) تحقق می‌یابد.

۱۲: ۳

NASB, NKJV,

NRSV

TEV

NJB

"جسارت"

"آزادی"

"گستاخ"

این اصطلاح برای آزادی بیان استفاده می‌شود، اما به معنای اعتماد به نفس در برخورد با کسی که در مقام قدرت است، می‌باشد (مراجعه شود به عبرانیان ۴: ۱۶؛ ۱۰: ۱۹؛ ۳۵؛ اول یوحنا ۲: ۲۸؛ ۳: ۲۱). با ایمان به مسیح، مومنین دارای جسارت هستند!

NASB "دسترسی همراه با اعتماد به نفس"

NKJV "دسترسی با اعتماد به نفس"

NRSV "اعتماد به نفس"

TEV "با اعتماد به نفس کامل"

NJB "با اعتماد کامل"

این اصطلاح در Septuagint (LXX) برای معرفی شخص به مقام سلطنتی استفاده شده است. به این مفهوم در افسسیان ۲ و رومیان ۵: ۲ تأکید می‌شود. مؤمنان فقط از طریق مسیح نزد پدر می‌رسند (مراجعه شود به اول پطرس ۳: ۱۸). او تنها واسطه است (مراجعه شود به اول تیموتائوس ۲: ۵). با ایمان به مسیح، مؤمنان اعتماد به نفس دارند!

تاکید بر اصلاحات در مورد "کشیش بودن مومنین" واکنشی به رویکرد اقتدارگرایی کلیسای کاتولیک بود. با این حال، در کتاب مقدس، تمرکز هرگز بر روی "مؤمن" نیست، بلکه بر "مؤمنان" است. مسیحیت غربی فرد را با جدا ساختن از گروه بزرگ میکند. مسیحیان باید به عنوان کشیشان در مفهوم معرفت شناسی مشارکتی عمل کنند نه به عنوان یک فرد با جایگاهی برتر و خاص. درست است که انسانها به صورت انفرادی ایمان می‌آورند، اما مسیحیت یک تجربه مشارکتی است.

■ "به واسطه ایمان به او" عیسی کانال خدا برای تمامی نعمات روحانی است (مراجعه شود به افسسیان ۱: ۴، ۷، ۹، ۱۰ (دو بار)، افسسیان ۱: ۱۲، ۱۳ (دو بار)).

این به معنای واقعی کلمه "وفاداری او" است (مراجعه شود به غلاطیان ۲: ۱۶؛ ۳: ۲۲). اگر این حالت مضاف‌الیه مفعولی باشد، مؤمنان به مسیح اعتماد دارند. او قابل اعتماد است! اگر مضاف‌الیه فاعلی باشد، به "وفاداری" مسیح (معنای عهد عتیق یا اصطلاح) اشاره می‌کند. اطمینان در اجرای شریعت عهد عتیق (زندگی او) و ارائه خود به عنوان قربانی برای گناهان (مرگ او).

۳: ۱۳ "پس تمنا دارم دلسرد نشوید" این حال میانی اخباری است، به این معنی که "شما، خودتان، ادامه دهید تا دلسرد نشوید". از نظر دستور زبانی، این می‌تواند به پولس یا کلیسای افسس اشاره کند. اکثر مفسران بر این باورند که این به کلیساها اشاره میکند که پولس در این نامه گردشی آنها را مورد خطاب قرار داده است. پولس اغلب از این عبارت استفاده میکند (مراجعه شود به دوم قرنتیان ۴: ۱۶، غلاطیان ۶: ۹، دوم تسالونیکیان ۳: ۱۳).

■ "به سبب رنجهایی که به خاطر شما بر خود هموار می‌کنم" موضوع خاص زیر را مطالعه کنید.

موضوع خاص: رنج

Special Topic: Tribulation (*Thlipsis*)

به یک تمایز الهیاتی میان استفاده پولس از این اصطلاح و استفاده یوحنا وجود دارد:

A. استفاده پولس (که منعکس کننده استفاده عیسی است)

۱. مشکلات رنج و شر که در این دنیای گمراه وجود دارند

a. انجیل متی ۱۳: ۲۱

b. رومیان ۵: ۳

c. اول قرنتیان ۷: ۲۸

d. دوم قرنتیان ۷: ۴

e. افسسیان ۳: ۱۳

۲. مشکلات رنج و شر که توسط بی ایمانان به وجود می آیند

a. رومیان ۵: ۳، ۸: ۳۵، ۱۲: ۱۲

b. دوم قرنتیان ۱: ۴، ۶: ۴، ۷: ۴، ۸: ۲ و ۱۳

c. افسسیان ۳: ۱۳

d. فیلیپیان ۴: ۱۴

e. اول تسالونیکیان ۱: ۶

f. دوم تسالونیکیان ۱: ۴

۳. مشکلات رنج و شر مربوط به پایان زمان

a. انجیل متی ۲۴: ۲۱ و ۲۹

b. انجیل مرقس ۱۳: ۱۹ و ۲۴

c. دوم تسالونیکیان ۱: ۶ الی ۹

B. استفاده یوحنا

۱. یوحنا در مکاشفه تمایز خاصی را میان *thlipsis* و *orgē* یا *thumos* (خشم) به وجود می آورد. *thlipsis* چیزی است که کافران بر مؤمنان

انجام می دهند و *orgē* و *thumos* کاری است که خدا بر غیر مومنین انجام می دهد.

a. *thlipsis* - مکاشفه ۱: ۹، ۲: ۹ الی ۱۰ و ۲۲، ۷: ۱۴

b. *orgē* - مکاشفه ۶: ۱۶ الی ۱۷، ۱۱: ۱۸، ۱۶: ۱۹، ۱۹: ۱۵

c. *thumos* - مکاشفه ۱۲: ۱۲، ۱۴: ۸ و ۱۰ و ۱۹، ۱۵: ۱ و ۷، ۱۶: ۱، ۱۸: ۳

۲. یوحنا همچنین از این اصطلاح در انجیل خود استفاده می کند تا مسائلی را که مؤمنان در هر سنی با آنها مواجه هستند، نشان دهد

(انجیل یوحنا ۱۶: ۳۳).

■ "چرا که آنها مایه افتخار شماست" دقیقاً چگونه رنجهای پولس (مراجعه شود به افسسیان ۳: ۱) منجر به افتخار این کلیساها شده، مشخص نیست. احتمالاً آنها به نجات پولس و بشارت او در اعمال رسولان ۹: ۱۵-۱۶ اشاره میکنند (مراجعه شود به اعمال رسولان ۲۰: ۲۳). پولس مأموریت خود را در میان غیر یهودیان انجام داد، بنابراین رنجهایش در راه نجات آنها قرار گرفت. به یادداشت کامل در مورد "جلال/شکوه" به افسسیان ۱: ۶ مراجعه کنید.

NASB (به روز شده): افسسیان ۳: ۱۴ الی ۱۹

^{۱۴} از این رو، زانو می‌زنم در برابر آن پدر که هر خانواده‌ای در آسمان و بر زمین، از او نام می‌گیرد،^{۱۶} و دعا می‌کنم که بر حسب غنای جلال خود به شما عطا فرماید که در انسان باطنی خویش به مدد روح او قوی و نیرومند شوید،^{۱۷} تا مسیح به واسطه ایمان در دل‌های شما ساکن شود، و در محبت ریشه دوانیده، استوار گردید،^{۱۸} تا توان آن بیابید که با همه مقدسین، به درازا و پهنا و ژرفا و بلندای محبت مسیح پی ببرید^{۱۹} و آن محبت را که فراتر از معرفت بشری است، بشناسید - تا از همه کمالات خدا آکنده شوید.

۳: ۱۴ "از این رو" پولس به هدف اولیه خود باز می‌گردد (مراجعه شود به افسسیان ۳: ۱، یعنی نمازش): توجه داشته باشید بخش دکترین به دعا برای تثلیث الهی آغاز (مراجعه شود به افسسیان ۱: ۳-۱۴) و با دعا خاتمه می‌یابد.

■ "زانو می‌زنم" ایستادن، و نه تعظیم کردن، حالت معمول برای دعا خواندن یهودی بود. این نیرومندی پولس را نشان می‌دهد (مراجعه شود به انجیل متی ۵: ۴۵؛ انجیل مرقس ۱۱: ۲۵؛ انجیل لوقا ۱۸: ۱۱، ۱۲: ۲۲؛ ۴۱؛ اعمال رسولان ۷: ۶۰؛ فیلیپیان ۲: ۱۰).

۳: ۱۴ الی ۱۵ "پدر.... خانواده" این یک بازی با نامهای یونانی *pater* و *patria* است. به تاکید بر پدر، همانند در افسسیان ۱: ۳ الی ۱۴ توجه کنید. خدا خالق پارادایم همه موجودات زنده و واحدهای اجتماعی خود (به عنوان مثال قبایل / ملتها) است.

۳: ۱۴ الی ۱۷ "پدر.... روح القدس.... مسیح" بر کار تثلیث در افسسیان ۱: ۳ الی ۱۴ توجه داشته باشید. درست است که اصطلاح "تثلیث" در عهد جدید استفاده نمی‌شود. با این حال، عبارات متعددی وجود دارد که در آن سه شخص الهی در یک متن یونانی ذکر شده‌اند (مراجعه شود به انجیل متی ۳: ۱۶-۱۷؛ ۲۸: ۱۹؛ انجیل یوحنا ۱۴: ۲۶؛ اعمال رسولان ۲: ۳۳-۳۴، ۳۸-۳۹؛ رومیان. ۱: ۴-۵؛ ۵: ۱۵؛ ۸: ۹-۱۰؛ اول قرنتیان ۱۲: ۴-۶؛ دوم قرنتیان ۱: ۲۱-۲۲؛ ۱۳: ۱۴؛ غلاطیان ۴: ۴-۶؛ افسسیان ۱: ۳-۱۴، ۱۷؛ ۲: ۱۸؛ ۳: ۱۴-۱۷؛ ۴: ۴-۶؛ دوم تسالونیکیان ۲: ۱۳؛ تیتوس ۳: ۴-۶؛ اول پطرس ۱: ۲؛ یهودا ۱: ۲۱-۲۰). به موضوع خاص: تثلیث مراجعه کنید.

ترجمه KJV اضافه می‌کند "پدر سرور ما عیسی مسیح"، اما این عبارت در نسخ دستنویس یونان باستان ⁴⁶ P, A, B, C, و یا متون یونانی مورد استفاده توسط جروم و آگوستین نیست. این اضافه شدن در نسخ دستنویس یونیکال ^c K, G, D, و متن یونانی که توسط کریسوستوم استفاده می‌شود، وجود دارد.

درک مفهوم سه شخص الهی با یک ذات الهی (یکتاپرستی) دشوار است. با این حال، اگر عیسی الهی باشد و روح شخص باشد، مؤمنان کتاب مقدس مجبور به تایید یک وحدت سه گانه می‌شوند. به موضوع خاص: تثلیث در افسسیان ۱: ۳ مراجعه کنید.

۳: ۱۵ "در آسمان و بر زمین" (در نسخه انگلیسی "در بهشت و در زمین" نوشته شده است- مترجم) این به مومنین زنده و مرده اشاره دارد (مراجعه شود به فیلیپیان ۲: ۱۰).

۳: ۱۶ الی ۱۹ دعای پولس را میتوان با دو مشخصه دستور زبانی برجسته ساخت:

۱. عبارتهای سه منظوره (*hina*)

- a. افسسیان ۳: ۱۶، خدا اعطا میکند (وجه شرطی آئوریست)
- b. افسسیان ۳: ۱۸، خدا تماما قادر می‌سازد (وجه شرطی آئوریست)
- c. افسسیان ۳: ۱۹، خدا پر خواهد کرد (وجه شرطی آئوریست)

۲. چهار آئوریست نامحدود

- a. افسسیان ۳: ۱۶، "تقویت خواهید شد"
- b. افسسیان ۳: ۱۷، "مسیح در قلب شما ساکن شود"
- c. افسسیان ۳: ۱۸، "درک میشوید"
- d. افسسیان ۳: ۱۹، "میدانید"

این پاراگراف دعای پولس را برای مؤمنان در همه این کلیساها نشان می‌دهد که آنها با قدرت خداوند از طریق اعمال مسیح و توانایی روح القدس مقاومت می‌کنند در برابر (۱) معلمان دروغین و (۲) آزار و اذیت یک جهان افتاده و گمراه.

۳: ۱۶ "بر حسب غنای جلال خود" "غنا" یکی از شرایط مورد علاقه پولس برای توصیف فیض خدا در ایمان به مسیح است (مراجعه شود به افسسیان ۱: ۷، ۱۸؛ ۲: ۴، ۷؛ ۳: ۸، ۱۶). طبیعت خدا کلید قدرت و مقاصد خدا است.

■ "در انسان باطنی خویش" رشد معنوی درونی است، اما توسط یک فشار خارجی تحریک می‌شود. پولس اغلب از تضاد بین مرد درون و مرد برون استفاده می‌کند. مرد درونی جنبه معنوی و روحانی است، در حالی که مرد بیرونی جنبه فیزیکی است. مرد درونی در حال حاضر بخشی از عصر نو، پادشاهی خدا است، اما مرد بیرونی هنوز هم در حال مرگ و مبارزه با پیری، طبیعت قدیمی گمراه و سیستم جهان سقوط کرده (مراجعه شود به افسسیان ۲: ۱-۳) است.

۳: ۱۷ "تا مسیح به واسطه ایمان در دلهای شما ساکن شود" این آئوریست فعال نامحدود است که به انجام عمل خاصی از روی ایمان نشانه می‌رود. در عهد جدید ارتباط خاصی میان ساکن شدن پسر و روح وجود دارد. وظایف روح (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۴ الی ۱۶) عبارتند از:

۱. آشکار شدن نیاز به عیسی (گناه انسان)
۲. آشکار ساختن عیسی (یعنی انجیل)
۳. گرایش به سمت عیسی
۴. تعمید در راه عیسی (مراجعه شود به اول قرنتیان ۱۲: ۱۳)
۵. شکل دادن عیسی در میان مومنین (همانند مسیح شدن)، موضوع خاص: قبل در کولسیان ۲: ۲ را مطالعه کنید. موضوع خاص: عیسی و روح در کولسیان ۱: ۲۶ را مطالعه کنید.

■ "ریشه دوانیده" این یک فعل مجهول کامل است که می‌تواند به این صورت ترجمه شود: "توسط خدا ریشه کرده و همچنان ادامه دارد". پولس از این استعاره کشاورزی تنها در اینجا و در کولسیان ۲: ۷ استفاده می‌کند. این دو وجه وصفی کامل مجهول، راهی برای نشان دادن اعتماد آنها به این مؤمنان و این کلیساها است.

■ "استوار گردید" این دومین وجه وصفی کامل مجهول است. این یک استعاره ساختمانی است. همان مخلوط کردن در استعاره‌های کشاورزی و ساخت و ساز در افسسیان ۲: ۲۰ الی ۲۲ و اول قرنتیان ۳: ۹ یافت میشود.

۳: ۱۸ الی ۱۹ "پی ببرید.... بشناسید" اینها هر دو آئوریست نامحدود هستند (یعنی، در این دعا چهار آئوریست نامحدود وجود دارد، افسسیان ۳: ۱۶-۱۹). این تأکید بر دانش، با ادعاهای منحصر به فرد فکری معلمان دروغین عرفان مقابله میکند. این ممکن است به رمز و راز تازه نشان داده شده از خدا، ادغام یهودیان و غیر یهودیان توسط مسیح اشاره داشته باشد (مراجعه شود به افسسیان ۳: ۹).

۳: ۱۸ "تا توان آن بیابید" این دومین جمله هدفمند است. پولس دعا می‌کند که همه مومنین تقویت شده و قادر به درک کامل انجیل (یعنی "درک" و "شناختن") باشند.

■ "با همه مقدسین" این اصطلاح همیشه جمع است، به جز در فیلیپیان ۴: ۲۱، که همچنین دارای یک متن مشترک است. مسیحی بودن یعنی در محیط جامعه بودن. همچنین، توجه کنید که خواست خدا بلوغ همه مؤمنان است (مراجعه شود به افسسیان ۴: ۱۳). موضوع خاص: قدیسان در کولسیان ۱: ۲ را ببینید.

۳: ۱۹ "فراتر" عشق مسیح بزرگتر از دانش بشری است! *Huperballō*. به موضوع خاص: استفاده پل از ترکیبات *Huper* در افسسیان ۱: ۱۹ مراجعه کنید. این کلمه در افسسیان ۱: ۱۹؛ ۲: ۷؛ ۳: ۱۹ استفاده شده است. یکی دیگر از ترکیبات *huper* در افسسیان ۳: ۲۰ (*huperekperissou*) استفاده می‌شود که همچنین در اول تسالونیکیان ۳: ۱۰ و ۵: ۱۳ استفاده شده است.

■ "تا از همه کمالات خدا آکنده شوید" این سومین جمله هدفمند در این دعا است. این به مسیح یا روح ساکن شده در افسسیان ۳: ۱۷ اشاره نمی‌کند، بلکه تعالیم دروغین عرفان را به بازی گرفته که بر تکمیل بودن (*plērōma*) به عنوان دانشی خاص تأکید داشتند که این توانایی را داشت تا از طریق تمام حوزه‌های فرشته (*aeons*) به آسمان عبور کند. مسیح حاصل راستین کمال خدا است (مراجعه شود به افسسیان ۱: ۲۳؛ کولسیان ۲: ۹).

NASB (به روز شده): افسسیان ۳: ۲۰ الی ۲۱

۲۰ جلال باد بر او که می‌تواند به وسیله آن نیرو که در ما فعال است، بی‌نهایت فزونتر از هر آنچه بخواهیم یا تصور کنیم، عمل کند. ۲۱ بر او در کلیسا و در مسیح عیسی، در تمامی نسلها، تا ابد جلال باد! آمین.

۳: ۲۰ "بر او که می‌تواند" این یکی از دغدغه‌های شگفت‌انگیز پولس است که قسمت دکترین این نامه گردشی را می‌بندد. این یک عنوان شگفت‌انگیز برای خدا بوده که سه بار در عهد جدید مورد استفاده قرار گرفته است (رومیان ۱۶: ۲۵؛ یهودا ۲۴). هر یک از این متون با جنبه‌های مختلف فعالیت‌های خدا در ارتباط است.

موضوع خاص: دعا، تمجید و شکرگزاری پولس از خدا

(Special Topic: Paul's Praise, Prayer, And Thanksgiving To God)

پل مرد ستایش و عبادت بود. او عهد عتیق را می‌دانست. هر یک از چهار بخش اول (یعنی کتابها) سرود ستایش با دعا پایان می‌دهد (مراجعه شود به مزامیر ۴۱: ۱۳، ۷۲: ۱۹، ۸۹: ۵۲، ۱۰۶: ۴۸). افرادی که خدا را می‌شناسند اغلب او را ستایش می‌کنند.

۱. پاراگراف آغازین در نامه هایش

- a. معارفه و خیر مقدم آغازین (مراجعه شود به رومیان ۱: ۷، اول قرنتیان ۱: ۳، دوم قرنتیان ۱: ۲)
- b. دعای برکت آغازین (*eulogētos*)، مراجعه شود به دوم قرنتیان ۱: ۳ الی ۴، افسسیان ۱: ۳ الی ۱۴)
۲. دعاهای کوتاه

a. رومیان ۱: ۲۵

b. دوم قرنتیان ۱۱: ۳۱

۳. سرودها (مشخص شده با استفاده از [۱] سرود (یعنی جلال) و [۲] "برای همیشه و همیشه")

a. رومیان ۱: ۱۱، ۳۶، ۱۶: ۲۵ الی ۲۷

b. افسسیان ۳: ۲۰ الی ۲۱

c. فیلیپیان ۴: ۲۰

d. اول تیموتائوس ۱: ۱۷

e. دوم تیموتائوس ۴: ۱۸

۴. شکرگزاری (یعنی *eucharisteō*)

a. افتتاحیه نامه ها (مراجعه شود به رومیان ۱: ۸، اول قرنتیان ۱: ۴، دوم قرنتیان ۱: ۱۱، افسسیان ۱: ۱۶، فیلیپیان ۱: ۳، کولسیان ۱:

۳ و ۱۲، اول تسالونیکیان ۱: ۲، دوم تسالونیکیان ۱: ۳، فیلمون ۱: ۴، اول تیموتائوس ۱: ۱۲، دوم تیموتائوس ۱: ۳)

b. فراخواندن برای شکرگزاری (مراجعه شود به افسسیان ۵: ۴ و ۲۰، فیلیپیان ۴: ۶، کولسیان ۳: ۱۵ و ۱۷، ۴: ۲، اول تسالونیکیان ۵:

(۱۸)

۵. شکرگزاری کوتاه

a. رومیان ۶: ۱۷، ۷: ۲۵

b. اول قرنتیان ۱۵: ۵۷

c. دوم قرنتیان ۲: ۱۴، ۸: ۱۶، ۹: ۱۵

d. اول تسالونیکیان ۲: ۱۳

e. دوم تسالونیکیان ۲: ۱۳

۶. دعای اختتام

a. رومیان ۱۶: ۲۰ و ۲۴

b. اول قرنتیان ۱۶: ۲۳ الی ۲۴

c. دوم قرنتیان ۱۳: ۱۴

d. غلاطیان ۶: ۱۸

e. افسسیان ۶: ۲۴

پولس تثلیث را از لحاظ الهی و تجربه ای می شناخت. نوشته هایش را با دعا و ستایش شروع می کند. در وسط سخنرانی هایش ستایش و شکرگزاری می کند. در پایان نامه های او، همیشه دعا، ستایش و تشکر خداوند به یاد آورده میشود. نوشته های پولس با نماز، ستایش و شکرگزاری نَفَس می کشند. او خدا را می شناخت، خودش را می شناخت، و انجیل را می شناخت.

"بیش از حد فراوان"	NASB, NKJV
"به مراتب بیشتر"	NRSV
"خیلی بیشتر"	TEV
"بینهایت بیشتر"	NJB

این یکی از مشخصه های معروف نگارشهای پولس است که به معنای عالی، "بیش از حد، فراوانی بیشتر" میباشد (به اول تسالونیکیان ۳: ۱۰، ۵: ۱۳ مراجعه کنید). به موضوع خاص: استفاده پولس از ترکیبات *Huper* در افسسیان ۱: ۱۹ مراجعه کنید. دستور زبان بد، اما الهیات عالی!

■ "به وسیله آن نیرو که در ما فعال است" این اشاره به مسیح دارد که از طریق روح در ما ساکن شده است (مراجعه شود به افسسیان ۳: ۷، ۱۶-۱۷؛ غلاطیان ۲: ۲۰؛ کولسیان ۱: ۲۷). این روح همیشه ساکن در هر مؤمن، تفاوت میان میثاق قدیم و جدید است، یعنی "قلب جدید"، "ذهن جدید"، "روح جدید" (مراجعه شود به حزقیال ۳۶: ۲۶-۲۷).

۳: ۲۱ "بر او در کلیسا و در مسیح عیسی، در تمامی نسلها، تا ابد جلال باد" (در نسخه انگلیسی این آیه چنین خوانده میشود: "با ایمان به عیسی مسیح در کلیسا مایه جلال او باشید"- مترجم) اینجا جایگاه عالی عروس عیسی و بدنش، کلیسا (مراجعه شود به افسسیان ۱: ۲۳)، خونبهایش، و مردم لبریز از روح است! اصطلاح "کلیسا" از دو واژه یونانی، "خارج از" و "فرا خواندن" است. این اصطلاح در فرهنگ رومی-یونانی برای جلسات شهر مورد استفاده قرار می گرفت (مراجعه شود به اعمال رسولان ۱۹: ۳۲). در زندگی یهودی این اصطلاح به معنای مفاهیم کلی الهیات "مجمع اسرائیل" یا *qahal* است (مراجعه شود به خروج ۱۲: ۶، ۱۶: ۳، انجیل لوقا ۴: ۱۳، اعداد ۱۴: ۵، ۲۰: ۶؛ تثنیه ۵: ۲۲؛ ۹: ۱۰؛ ۱۰: ۱۰؛ ۴: ۱۸؛ ۱۶). مؤمنان اولیه خود را به عنوان "مردم خدای" واقعی می دیدند (مراجعه شود به غلاطیان ۶: ۱۶؛ اول پطرس ۲: ۵-۹؛ مکاشفه ۱: ۶).

موضوع خاص: برای همیشه ('olam)

(Special Topic: Forever ('Olam))

اصطلاحات عبری عبارت "olam, לְעוֹלָם (KB 798, BDB 761) نامعلوم است (NIDOTTE, جلد ۳, ص ۳۴۵). این در چند حوزه مورد استفاده قرار می‌گیرد (معمولا توسط متن مشخص می‌شود). موارد زیر تنها نمونه‌های انتخاب شده می‌باشد.

۱. چیزهای باستانی

- a. مردم، پیدایش ۶: ۴، اول سموئیل ۲۷: ۸، ارمیا ۵: ۱۵، ۲۸: ۸
- b. مکانها، اشعیا ۵۸: ۱۲، ۶۱: ۴
- c. خدا، مزامیر ۹۳: ۲، امثال ۸: ۲۳، اشعیا ۶۳: ۱۶
- d. چیزها، پیدایش ۴۹: ۲۶، یعقوب ۲۲: ۱۵، امثال ۲۴: ۷ و ۹، اشعیا ۴۶: ۹
- e. زمان، تثنیه ۳۲: ۷، اشعیا ۵۱: ۹، ۶۳: ۹ و ۱۱

۲. زمان آینده

- a. زندگی فرد، خروج ۲۱: ۶، تثنیه ۱۵: ۱۷، اول سموئیل ۱: ۲۲، ۲۷: ۱۲
- b. اغراق در احترام به پادشاه، اول پادشاهان ۱: ۳۱، مزامیر ۶۱: ۷، نحیا ۲: ۳
- c. وجود مستمر

(۱) زمین، مزامیر ۷۸: ۶۹، ۱۰۴: ۵، جوامع ۱: ۴

(۲) بهشت، مزامیر ۱۴۸: ۵

d. وجود خدا

(۱) پیدایش ۲۱: ۳۳

(۲) خروج ۱۵: ۱۸

(۳) تثنیه ۳۲: ۴۰

(۴) مزامیر ۹۳: ۲

(۵) اشعیا ۴۰: ۲۸

(۶) ارمیا ۱۰: ۱۰

(۷) دانیال ۱۲: ۷

e. پیمان

(۱) پیدایش ۹: ۱۲ و ۱۶، ۱۷: ۷ و ۱۳ و ۱۹

(۲) خروج ۳۱: ۱۶

(۳) لاویان ۲۴: ۸

(۴) اعداد ۱۸: ۱۹

(۵) دوم سموئیل ۲۳: ۵

(۶) مزامیر ۱۰۵: ۱۰

(۷) اشعیا ۲۴: ۵، ۵۵: ۳، ۶۱: ۸

(۸) ارمیا ۳۲: ۴۰، ۵۰: ۵

f. پیمان خاص با داوود

(۱) دوم سموئیل ۷: ۱۳ و ۱۶ و ۲۵ و ۲۹، ۲۲: ۵۱، ۲۳: ۵

(۲) اول پادشاهان ۲: ۳۳ و ۴۵، ۹: ۵

(۳) دوم تواریخ ۱۳: ۵

(۴) مزامیر ۱۸: ۵۰، ۸۹: ۴ و ۲۸ و ۳۶ و ۳۷

(۵) اشعیا ۹: ۷، ۵۵: ۳

g. مسیح خدا

(۱) مزامیر ۴۵:۲، ۷۲:۱۷، ۸۹:۳۵ الی ۳۶:۱۱۰: ۴

(۲) اشعیا ۹:۶

h. قوانین خدا

(۱) خروج ۲۹:۲۸، ۳۰:۲۱

(۲) لاویان ۶:۱۸ و ۷:۲۲، ۳۴:۱۰، ۱۵:۲۴، ۹

(۳) اعداد ۱۸:۸ و ۱۱ و ۱۹

(۴) مزامیر ۱۱۹:۸۹ و ۱۶۰

i. وعده‌های خدا

(۱) دوم سموئیل ۷:۱۳ و ۱۶ و ۲۵، ۲۲:۵۱

(۲) اول پادشاهان ۹:۵

(۳) مزامیر ۱۸:۵۰

(۴) اشعیا ۴۰:۸

j. نوادگان ابراهیم و سرزمین موعود

(۱) پیدایش ۱۳:۱۵، ۱۷:۱۹، ۴۸:۴

(۲) خروج ۳۲:۱۳

(۳) اول تواریخ ۱۶:۱۷

k. جشنهای مربوط به پیمان

(۱) خروج ۱۲:۱۴ و ۱۷ و ۲۴

(۲) لاویان ۲۳:۱۴ و ۲۱ و ۴۱

(۳) اعداد ۱۰:۸

l. ابدیت، جاودانگی

(۱) اول پادشاهان ۸:۱۳

(۲) مزامیر ۶۱:۷ الی ۸، ۷۷:۸، ۹۰:۲، ۱۰۳:۱۷، ۱۴۵:۱۳

(۳) اشعیا ۲۶:۴، ۴۵:۱۷

(۴) دانیال ۹:۲۴

m. آنچه مزامیر میگوید، مومنان تا ابد انجام خواهند داد

(۱) شکر کردن، مزامیر ۳۰:۱۲، ۷۹:۱۳

(۲) در حضورش ایستادن، مزامیر ۴۱:۱۲، ۶۱:۴ و ۷

(۳) به رحمت او اعتماد کردن، مزامیر ۵۲:۸

(۴) سرورمان را تمجید کردن، مزامیر ۵۲:۹

(۵) خواندن ستایش، مزامیر ۶۱:۸، ۸۹:۱

(۶) عدالت او را اعلام کردن، مزامیر ۷۵:۷ الی ۹

(۷) نامش را جلال دادن، مزامیر ۸۶:۱۲، ۱۴۵:۲

(۸) نامش نعمت باد، مزامیر ۱۴۵:۱

n. استفاده شده در اشعیا برای توصیف عصر جدید

(۱) پیمان ابدی، اشعیا ۲۴:۵، ۵۵:۳، ۶۱:۸

(۲) یهوه سنگ جاویدان، اشعیا ۲۶:۴

(۳) شادی ابدی، اشعیا ۳۵:۱۰، ۵۱:۱۱، ۶۱:۷

(۴) خدای جاودانه، اشعیا ۴۰:۲۸

(۵) رستگاری ابدی، اشعیا ۴۵:۱۷

(۶) عشق و محبت ابدی (Hesed)، اشعیا ۵۴:۸

(۷) نشان ابدی، اشعیا ۱۳:۵۵

۸) نام ابدی، اشعیا ۵۶: ۵، ۶۳: ۱۲ و ۱۶

۹) نور ابدی، اشعیا ۶۰: ۱۹ و ۲۰

استفاده منفی گرا مربوط به مجازات ابدی شریب در اشعیا ۳۳: "سوزاندن ابدی" ۱۴ یافت میشود. اشعیا اغلب از "آتش" برای توصیف خشم خدا (اشعیا ۹: ۱۸، ۱۹: ۱۰؛ ۱۶: ۴۷؛ ۱۴) استفاده می کند، اما فقط در اشعیا ۳۳: ۱۴ آن را به عنوان "ابدی" توصیف می کند.

۳. هم برای مراجعه به زمان گذشته و هم آینده

a. مزامیر ۴۱: ۱۳ (ستایش خدا)

b. مزامیر ۹۰: ۲ (خود خدا)

c. مزامیر ۱۰۳: ۷ (عشق و محبت خدا)

به یاد داشته باشید که زمینه تعیین کننده معنای اصطلاح است. پیمانها و وعده های ابدی مشروط هستند (به عنوان مثال، ارمیا ۷، نگاه کنید به موضوع خاص: پیمان). موقع خواندن و استفاده از عبارات و آیات عهد عتیق مراقب الهیات سیستماتیک و مدرن عهد جدیدی خود باشید. همچنین به یاد داشته باشید، عهد جدید وعده های عهد عتیق را جهانی و کلی میکند (نگاه کنید به موضوع خاص: پیش بینی های عهد عتیق از آینده در برابر پیشگوئیهای عهد جدید).

■ "آمین" موضوع خاص زیر را مطالعه کنید.

موضوع خاص: آمین

(Special Topic: Amen)

I. عهد عتیق

A. اصطلاح آمین در زبان عبری برای موارد زیر به کار می رود:

۱. حقیقت (BDB 49, emeth)

۲. راستی (BDB 53, emunah, emun)

۳. ایمان یا باوفا بودن

۴. اعتماد (BDB 52, dmn)

B. ریشه یابی این واژه دلالت بر ثبات فیزیکی فرد دارد. مخالف آن فردی است که ثبات ندارد، می لغزد (مراجعه شود به مزمو ۶: ۳۵، ۲: ۴۰،

۱۸: ۷۳، ارمیا ۱۲: ۲۳) یا تکان می خورد (مراجعه شود به مزمو ۲: ۷۳). از این کاربرد مفهومی مفهوم استعاره ای برای وفاداری، قابل اعتماد بودن، صداقت و قابل اتکا بودن مشتق می شود (مراجعه شود به عبرانیان ۲: ۴).

C. کاربردهای خاص (موضوع خاص: ایمان/اعتماد/وفاداری در عهد عتیق را مطالعه کنید).

۱. ستون، مراجعه شود به دوم پادشاهان ۱۶: ۱۸ (اول تیموتائوس ۱۵: ۳)

۲. تضمین، مراجعه شود به خروج ۱۲: ۱۷

۳. ثبات، مراجعه شود به خروج ۱۲: ۱۷

۴. پایداری، مراجعه شود به اشعیا ۶: ۳۳

۵. راستی، مراجعه شود به اول پادشاهان ۶: ۱۰، ۲۴: ۱۷، ۱۶: ۲۲، امثال ۲۲: ۱۲

۶. محکم، مراجعه شود به دوم تواریخ ۲۰: ۲۰، اشعیا ۹: ۷

۷. قابل اعتماد (تورات)، مراجعه شود به مزمو ۴۳: ۱۱۹ و ۱۴۲ و ۱۵۱ و ۱۶۰

D. در عهد عتیق دو کلمه عبری دیگر برای ایمان فعال/جدی استفاده شده است

۱. Bathach (BDB 105)

۲. yra (BDB 431)، ترس، احترام، پرستش (مراجعه شود به پیدایش ۱۲: ۲۲)

E. از مفهوم اعتماد یا قابل اعتماد بودن مفهوم خاصی مشتق شد که برای تأیید صحت یا قابل اعتماد بودن اظهارات دیگری به کار می رفت

(مراجعه شود به اعداد ۲۲: ۵، تثنیه ۱۵: ۲۷ الی ۲۶، اول پادشاهان ۳۶: ۱، اول تواریخ ۳۶: ۱۶، نحما ۱۳: ۵، ۸: ۶، مزمو ۱۳: ۴۱،

۱۹: ۷۲، ۵۲: ۸۹، ۴۸: ۱۰۶، ارمیا ۵: ۱۱، ۶: ۲۸).

F. کلید الهیاتی این اصطلاح وفاداری انسان نیست، بلکه یهوه است (مراجعه شود به کتاب خروج ۶:۳۴، کتاب تثنیه ۴:۳۲، مزمور ۴:۱۰۸، ۱:۱۱۵، ۲:۱۱۷، ۲:۱۳۸). تنها امید انسان گمراه، ترحم، وفاداری، پیمان وفاداری یهوه و قول او است. آنها که یهوه را می‌شناسند، باید مانند او باشند (مراجعه شود به حبقوق ۲:۴). انجیل تاریخ و ثبت بازبایی تصویر خدا (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۲۶:۱ الی ۲۷) در نوع بشر است. رستگاری توانایی نوع بشر را برای اینکه رابطه صمیمانه با خدا داشته باشد، احیا می‌کند. به این دلیل است که ما خلق شده ایم.

II. عهد جدید

- A. استفاده کلمه "آمین" در عهد جدید برای کلام پایانی و تأیید اظهارات قابل اعتماد متداول است (مراجعه شود به اول قرن‌تینان ۱۶:۱۴، مکاشفه ۷:۱۲، ۵:۱۴، ۱:۷).
- B. استفاده از این اصطلاح برای پایان بخشیدن به دعا در عهد جدید مرسوم است (مراجعه شود به رومیان ۲۵:۱، ۵:۹، ۳۶:۱۱، ۲۷:۱۶، غلاطیان ۵:۱، ۱۸:۶، افسسیان ۳:۲۱، فیلیپیان ۴:۲۰، دوم تسالونیکیان ۳:۱۸، اول تیموتائوس ۱:۱۷، ۱:۱۶، دوم تیموتائوس ۴:۱۸).
- C. عیسی تنها کسی بود که از این اصطلاح (به صورت دوبار تکرار در انجیل یوحنا ۲۵ مرتبه، انجیل یوحنا ۱:۵۱، ۳:۳ و ۵ و ۱۱، و غیره) برای معرفی بیانات مهم استفاده می‌کرد (مراجعه شود به انجیل لوقا ۴:۲۴، ۱۲:۳۷، ۱۸:۱۷ و ۲۹، ۳۲:۲۱، ۴۳:۲۳).
- D. به عنوان عنوانی برای عیسی در مکاشفه ۳:۱۴ استفاده شده است (همچنین به دوم قرن‌تینان ۱:۲۰، و احتمالاً عنوان یهوه در اشعیا ۶۵:۱۶ توجه کنید).
- E. مفهوم وفاداری، ایمان، قابل اعتماد یا اعتماد در یونانی با اصطلاح *pistos* یا *pistis* بیان می‌شود که در انگلیسی *faith, trust*، *believe* ترجمه می‌گردد (موضوع خاص: ایمان/اعتماد/وفاداری در عهد عتیق را مطالعه کنید).

سوالات بحث

این یک راهنمای مطالعاتی است، که بدین معنی است که شما خودتان مسئول تفسیر انجیل هستید. هر یک از ما باید در مسیر خودمان گام برداریم. شما، انجیل و روح القدس در اولویت تفسیر هستید. شما نباید این امر را به یک مفسر واگذار کنید.

این سوالات مباحثاتی به منظور کمک به شما در تفکر نسبت به مسائل اصلی این بخش از کتاب مطرح شده‌اند. آنها صرفاً تفکر برانگیز هستند نه قطعی.

۱. پولس چگونه الهیات خود را فرا گرفت؟
۲. چرا پولس خود را "از کمترین مقدسین هم کمتر" می‌خواند؟
۳. چرا راز خدا در اعصار گذشته پنهان مانده بود؟
۴. هدف کلیسا بر قلمرو فرشتگان چیست؟
۵. سه چیزی را که پولس در افسسیان ۳:۱۶ الی ۱۹ از خدا خواست که به مومنین بدهد را فهرست کنید.
۶. در مسیحیان ساکن شده یعنی چه؟

افسسیان ۴

پاراگراف‌های ترجمه‌های مدرن *

UBS ⁴	NKJV	NRSV	TEV	NJB
وحدت بدن	در وحدت گام برداشتن	متحد برای درخواست برای ساختن ایمان	وحدت بدن	فراخواندن بر وحدت
۴: ۱ الی ۸	۴: ۱ الی ۶	۴: ۱ الی ۶	۴: ۱ الی ۶	۴: ۱ الی ۶
	نعمت معنوی			
	۴: ۷ الی ۱۶	۴: ۷ الی ۱۶	۴: ۷ الی ۱۶	۴: ۷ الی ۱۶
۴: ۹ الی ۱۶				
زندگی قدیم و جدید	انسان جدید	درخواست تجدیدنظر در راه‌های کفر	زندگی جدید با مسیح	زندگی جدید با مسیح
		(۴: ۱۷ الی ۵: ۲۰)		
۴: ۱۷ الی ۲۴	۴: ۱۷ الی ۲۴	۴: ۱۷ الی ۲۴	۴: ۱۷ الی ۱۹	۴: ۱۷ الی ۲۴
			۴: ۲۰ الی ۲۴	
قوانین زندگی جدید	روح را ناراحت نکنید			
۴: ۲۵ الی ۵: ۵	۴: ۲۵ الی ۳۲	۴: ۲۵ الی ۲: ۵	۴: ۲۵ الی ۳۲	۴: ۲۵ الی ۵: ۲۰

مطالعه حلقه سوم (رجوع کنید به "سمینار تفسیر کتاب مقدس")

به دنبال نیت اصلی نویسنده در سطوح پاراگراف

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور خود راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید. کل کتاب مقدس را در یک نشست بخوانید. موضوعات را مشخص نمایید (مطالعه حلقه شماره ۳). تقسیمات موضوعی خود را با پنج ترجمه بالا مقایسه کنید. پاراگراف‌بندی به نویسنده الهام نشده است، اما کلید پیگیری اهداف اصلی نویسنده است که قلب تفسیر است. هر پاراگراف تنها و تنها یک موضوع دارد.

۱. پاراگراف اول
۲. پاراگراف دوم
۳. پاراگراف سوم و غیره
۴. و غیره

بینش متنی بر ۴: ۱ الی ۳۲

- A. فصل ۴ بخش عملی نامه را آغاز می‌کند (به عنوان مثال، "گام برداشتن"، مراجعه شود به افسسیان ۴: ۱ و ۱۷، ۵: ۲، ۱۵). دکنترین باید شیوه زندگی را تحت تاثیر قرار دهد! حقیقت رابطه‌ای است! رستگاری یک محصول نیست، یک سیاست بیمه آتش سوزی یا یک بلیط به بهشت نیست، بلکه یک رابطه دائمی بازماند / ایمان با مسیح است که در مسیحیت مطرح می‌شود.
- B. آیات ۱-۶ بر روی موضوع کلی کتاب یعنی وحدت تمرکز می‌کنند (مراجعه شود به افسسیان ۱: ۱۰). وحدت مؤمنان بر پایه وحدت تثلیث است. مشارکت انجیل انحصارگرایی معلمان دروغین و یهودیان را به چالش می‌کشد. کیفیت معنوی که منجر به وحدت می‌شوند، در آیات ۲-۳ آمده است. وحدت مسئولیت هر مؤمن است. وحدت نماز عیسی است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۷: ۲۱-۲۲؛ همچنین به افسسیان ۴: ۲۳ توجه کنید).
- C. وحدت باید به طور مداوم و به طور قاطعانه در میان مردمان خدا که نعمات متنوعی و متفاوتی به آنها داده شده، دنبال شود. به هر مؤمن، یک هدیه و نعمت مؤثر برای رستگاری داده شده است (اول قرنیتان ۱۲: ۷ و ۱۰). واقعیت این است که مومنین خدمتگزاران نعمت داده شده عیسی هستند،

نه اینکه چه نعمتی به هر مومنی داده شده، و این کلید وحدت در کلیسا است. مومنین اعضای یک بدن هستند و باید با هم کار کنند.

D. کلیسای مدرن غربی به شدت به حقیقت افسسیان ۴: ۱۱-۱۲ نیاز دارد. رهبران کلیسا هدیه به بدن مسیح (کلیسا) هستند که برای کمک و تشویق کل بدن برای بشارت است. بشارت کار همه مؤمنان است. در "عهد جدید" هیچ دسته بندی میان "روحانیون" وجود ندارد. اگر شما یک مسیحی هستید، شما یک بشارت دهنده تمام وقت هستید که نامزد و با استعداد است. همه آنها حرفه‌ای نامیده نمی‌شوند، اما همه فرا خوانده شده‌اند تا خدمت کنند!

وظیفه رهبران کلیسا (افسسیان ۴: ۱۱) این است که مردم خدا را برای بشارت دادن آموزش دهند، که این بشارت دادن گمراهان و بالغ ساختن نجات یافتگان است (مراجعه شود به افسسیان ۴: ۱۲؛ انجیل متی ۲۸: ۱۹-۲۰).

E. افسسیان ۴: ۱۷ الی ۵: ۲۰ گناهان یا بشریت را توصیف می‌کند (افسسیان ۴: ۱۷) یا تعالیم آموزگاران دروغین عرفانی Antinomian. چگونه مؤمنان زندگی می‌کنند بسیار مهم است! بدون ثمر، بدون ریشه (متی ۶: ۷؛ ۱۵-۲۳)؛ زندگی ابدی دارای ویژگی‌های قابل مشاهده است! زندگی تغییر یافته و در حال تغییر مؤمنان نشان دهنده نجات آنهاست (مراجعه شود به یعقوب، اول یوحنا).

مطالعه عبارت و کلام

NASB (به روز شده): ۴: ۱ الی ۶

پس من که به خاطر خداوند در بندم، از شما تمنا دارم به شایستگی دعوتی که از شما به عمل آمده است، رفتار کنید،^۲ در کمال فروتنی و ملائمت؛ و با بردباری و محبت یکدیگر را تحمل کنید.^۳ به سعی تمام بکشید تا آن یگانگی را که از روح است، به مدد رشته صلح حفظ کنید.^۴ زیرا یک بدن هست و یک روح، چنانکه فرا خوانده شده‌اید به یک امید دعوت خویش؛^۵ یک خداوند، یک ایمان، یک تعمید؛^۶ و یک خدا و پدر همه که فوق همه، از طریق همه، و در همه است.

۴: ۱ "به خاطر خداوند در بندم" (در نسخه انگلیسی این عبارت "زندانی سرورم" *[the prisoner of the Lord]* نوشته شده که به اشتباه، کلمه *Lord* خداوند ترجمه شده است) این مفهوم "پیرو سرورم" است. این یکی از نامه‌های زندان پولس است، احتمالاً در رم در اوایل دهه ۶۰ نوشته شده است. با ۳: ۱ تفاوت دارد، که نوشته است "زندانی عیسی مسیح". پولس مومنان را چنین میبیند که مسیح آنها را احاطه کرده است. آنها زندگی می‌کنند، حرکت می‌کنند و وجود خود را از او دارند (مراجعه شود به یعقوب ۱۲: ۱۰، دانیال ۵: ۲۳، اعمال رسولان ۱۷: ۲۸).

■ "به شایستگی دعوتی که از شما به عمل آمده است، رفتار کنید" (ترجمه درست آیه ۱ به زبان فارسی چنین است: "من، زندانی سرورم، از شما تمنا دارم به گونه‌ای [در زندگی] گام بردارید که ارزش آنچه شما برایش فرا خوانده شده‌اید را داشته باشد" و در اینجا "به گونه‌ای گام بردارید.... ارزش آنچه... داشته باشد" مورد بحث است) این بخش عملی نامه را آغاز می‌کند. وحدت با اقدامات هدفمند در زندگی کردن به شیوه مسیح ایجاد می‌گردد (مراجعه شود به افسسیان ۲: ۲، ۱۰؛ ۴: ۱، ۱۷؛ ۵: ۲؛ ۱۵؛ کولسیان ۱: ۱۰؛ ۲: ۶). مسیحیت تصمیمی اولیه است و به دنبال آن تغییر شیوه زندگی به سبک شاگردی (مرید) (به عنوان مثال، دروازه و جاده، مراجعه شود به انجیل متی ۷: ۱۳-۱۴). این همان مفهومی است که برای کلیسای اولیه تعیین شد، "راه" (به عبارتی اعمال رسولان ۹: ۲، ۱۹؛ ۹: ۲۳؛ ۲۲: ۴؛ ۱۴: ۲۴، ۲۲). اصطلاح "ارزش / ارزشمند" در اول یوحنا ۲: ۶ به زیبایی توصیف شده است.

توجه داشته باشید که ما باید به خاطر اینکه فرا خوانده شده‌ایم، باید به شیوه‌ای ارزشمند رفتار کنیم، نه اینکه فقط به خاطر اینکه فرا خوانده شویم چنین رفتار کنیم. این الگوی افسسیان ۲: ۸-۹، ۱۰ است. ما باید کارهای خوب انجام دهیم، زیرا از طریق ایمان و با فضل نجات یافته‌ایم. کارهای خوب و ارزشمند گام برداشتن تنها بدین دلیل ممکن است زیرا ما توسط روح القدس نجات داده شده‌ایم و روح القدس در ما سکنی گزیده. آنها نتیجه هستند نه ابزار (مراجعه شود به افسسیان ۲: ۸-۹).

رستگاری یک دروازه است که در پی آن راهی قرار دارد! این یک نعمت رایگان است و به دنبال آن شیوه زندگی "به بهای همه چیز".

■ "آنچه شما برایش فرا خوانده شده‌اید" (به توضیح عبارت پیشین مراجعه شود) این آتوریست مجهول اخباری است. فراخوان همیشه از جانب خدا می‌آید (انجیل یوحنا ۶: ۴۴، ۶۵). کلمه "فرا خواندن" از نظر دستوری مربوط به اصطلاح "کلیسا" در افسسیان ۳: ۲۱ است. یک بازی با کلمه واضح با این اصطلاح وجود دارد (مراجعه شود به افسسیان ۴: ۱ [دو بار] و ۴ [دو بار]).

از مؤمنین خواسته شده که با تقدس باشند (مراجعه شود به افسسیان ۱: ۴). این تعادل الهیاتی برای دکنترین انتخاب است؛ بشر باید تماس آغازین خدا را دریافت کند (مراجعه شود به افسسیان ۱: ۱۳). خداوند حاکم تصمیم گرفته است که انسان گمراه را از طریق کار مسیح و پاسخ همراه با توبه از روی ایمان آنها، بپذیرد (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱: ۱۵؛ اعمال رسولان ۳: ۱۶، ۱۹؛ ۲۰: ۲۱). تماس حاکم و پاسخ ضروری، ستون‌های دو قلوی الهیاتی هر دو عهد عتیق و عهد جدید هستند، اما سومین ستون، زندگی خداگونه است. خداوند خواستار افرادی است که شخصیت او را منعکس می‌کنند (به عنوان مثال مقدسین، مراجعه شود به اول پطرس ۱: ۱۳-۲۵).

موضوع خاص: فراخواندن

(Special Topic: Called)

- خدا همیشه در فرا خواندن، انتخاب کردن و تشویق مومنین به سوی خود گام اول را برمی دارد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۶: ۴۴ و ۶۵، ۱۶: ۱، اول قرنتیان ۱: ۱ الی ۲، افسسیان ۱: ۴ الی ۵ و ۱۱). اصطلاح "فراخواندن" در چندین مفهوم الهیاتی استفاده شده است.
۱. در عهد عتیق، "فراخواندن به نام او" همیشه در متن دعاها استفاده شده است (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۴: ۲۶، ۱۲: ۸، ۲۱: ۳۳، ۲۶: ۲۵، کتاب خروج ۳۴: ۵).
 ۲. با فیض خدا (یعنی کتاب خروج ۳۴: ۶ الی ۷)، و از طریق کاری که مسیح انجام داده و روح القدس گناهکاران را محکوم کرده است (یعنی *klētos*، مراجعه شود به رومیان ۱: ۶ الی ۷، ۹: ۲۴، که از نگاه الهیاتی مشابه اول قرنتیان ۱: ۱ الی ۲ و دوم تیموتائوس ۱: ۹، دوم پطرس ۱: ۱۰ است) گناهکاران به رستگاری فراخوانده می شوند.
 ۳. به نام خدا گناهکاران برای رستگاری فرا خوانده میشوند (یعنی *epikaleō*، مراجعه شود به اعمال رسولان ۲: ۲۱، ۲۲: ۱۶، رومیان ۱۰: ۹ الی ۱۳). این عبارت یک اصطلاح در دعاهای یهودیان است.
 ۴. در مواقع بحران و فشار مومنین به نام او فرا خوانده میشوند (یعنی اعمال رسولان ۷: ۵۹)
 ۵. مومنین فرا خوانده میشوند که همانند مسیح زندگی کنند (یعنی *klēsis*، مراجعه شود به اول قرنتیان ۱: ۲۶، ۷: ۲۰، افسسیان ۴: ۱، فیلیپیان ۳: ۱۴، دوم تسالونیکیان ۱: ۱۱، دوم تیموتائوس ۱: ۹)
- مومنین فراخوانده می شوند تا بشارت کنند (مراجعه شود به اعمال رسولان ۱۳: ۲، اول قرنتیان ۱۲: ۴ الی ۷، افسسیان ۴: ۱)

۲:۴

"تمام فروتنی"	NASB, NRSV
"تماما دون"	NKJV
"فروتن باشید"	TEV
"عزت نفس کامل"	NJB

این اصطلاح لیستی از فضایل مسیحی را ایجاد می کند که وحدت ایجاد می کند. "خلوص/فروتنی" منحصرًا یک فضیلت مسیحی است که در لیست اخلاقی یونانی (Stoics) گنجانده نشده است. هم موسی (مراجعه شود به ۱۲: ۳) و هم عیسی (مراجعه شود به انجیل متی ۱۱: ۲۹) با این اصطلاح توصیف می شوند. پولس چندین بار از این اصطلاح استفاده می کند (مراجعه شود به فیلیپیان ۲: ۳؛ کولسیان ۲: ۱۸، ۲۳: ۳؛ ۱۲).

■ **"ملایمت"** این به "نیروی اهلی شده" مانند یک حیوان اهلی اشاره دارد. KJV آن را "آرامش" ترجمه می کند. حیوانات وحشی تربیت میشوند برای خدمت به بشریت. مؤمنان "تربیت" میشوند تا به یکدیگر خدمت کنند، نه اینکه با یکدیگر رقابت کنند. تمرکز بر همکاری گروهی است، نه فردی. خدا نمی خواهد روح مؤمنان را خرد کند (مزامیر ۱۳۹، او آنها را ساخته است)، بلکه انرژی آنان را برای اهداف خود هدایت می کند. این یکی از استعاره های مورد علاقه پولس برای زندگی مسیحی است (مراجعه شود به اول قرنتیان ۴: ۲۱، دوم قرنتیان ۱۰: ۱، غلاطیان ۵: ۲۳؛ ۶: ۱؛ کولسیان ۳: ۱۲؛ اول تیموتائوس ۶: ۱۱؛ دوم تیموتائوس ۲: ۲۵؛ تیتوس ۳: ۲).

■ **"بردباری"** این اصطلاح یکی دیگر از اصطلاحات محبوب پولس است (مراجعه شود به رومیان ۲: ۴، ۹: ۲۲، دوم قرنتیان ۶: ۶، غلاطیان ۵: ۲۲، کولسیان ۱: ۱۱، ۳: ۱۲؛ اول تیموتائوس ۱: ۱۶؛ دوم تیموتائوس ۳: ۱۰؛ ۴: ۲). مومنین با یکدیگر با صبوری و بردباری برخورد کنند؛ زیرا خدا با آنها صبور است. صبر و بردباری میوه های روح القدس هستند (مراجعه شود به غلاطیان ۵: ۲۲-۲۳).

■ **"محبت یکدیگر را تحمل کنید"** این وجه وصفی حال میانی است. مدارا، واژه ای دیگر است که پولس اغلب استفاده میکند. او دوازده بار در نوشته هایش این اصطلاح را استفاده کرده است. همانطور که خدا صبر و شکیبایی طولانی مدت با کافران دارد (رومیان ۲: ۴؛ ۹: ۲۲) مؤمنان باید با خطاها و ضعفهای (اول تیموتائوس ۱: ۶) مؤمنان دیگر به همان شیوه متواضعانه کنار بیایند. مؤمنان باید خود را وقف دیگرانی کنند که مسیح قبل از اینکه آنها بیایند، به خاطرشان مرد (رومیان ۱۴: ۱ الی ۱۵: ۱۳؛ غلاطیان ۵: ۲۲؛ فیلیپیان ۲: ۳؛ ۴: ۵؛ کولسیان ۳: ۱۲-۱۳). این خود-وقف کردن، فداکاری عیسی را تقلید می کند (مراجعه شود به اول یوحنا ۳: ۱۶)، و شاهدهی است بر تغییر گرایش سقوط و گمراهی.

۳:۴

NASB "محکم نگاه داشتن"

NKJV	"برای حفظ تلاش کردن"
NRSV	"هر تلاشی برای حفظ انجام دادن"
TEV	"تلاش حداکثر کردن برای حفظ"
NJB	"هر کاری میتوانید برای حفظ آن انجام دهید"

این وجه وصفی حال فعال با فعل حال فعال نامحدود است. کتاب NEB آن را به عنوان "بدون هیچ زحمتی" ترجمه می‌کند. وحدت انگیزه تکراری کل نامه است، بسیار شبیه فیلیپیان. وحدت اراده خدا برای کلیسای او است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۷: ۱۱، ۲۱، ۲۳)، اما باید به طور ماندگار، پیوسته، عمدا و به طور جداگانه دنبال شود!

■ **"یگانگی"** به یاد داشته باشید، هدف یکپارچگی است، نه یکنواختی! این بخش بر یکی بودن تأکید می‌کند تا تأکید عرفان بر (۱) انحرافات بسیار و (۲) انحصارطلبی روشنفکرانه را رد کند. مومنین باید نیاز به سلامت بدن مسیح (کلیسا) را بشناسند و مسئولیت شخصی خود را برای حفظ آن احساس کنند! این همان حقیقت مورد نیاز در روزگار حقوق فردی و امتیازات و ترجیحات شخصی ما است!

■ **"رشته صلح"** مومنین به طور شخصی مسئول سلامت و حیاتی بدن مسیح هستند (کلیسا، مراجعه شود به کولسیان ۳: ۱۴-۱۵ و اول قرنتیان ۱۲: ۷). این یعنی شما! فقط اطاعت فعال و موثر به نفع کل میتواند صلح و آرامش را حفظ کند (مراجعه شود به افسسیان ۵: ۲۱). به یادداشت افسسیان ۲: ۱۵ توجه کنید.

۴: ۴ **"یک بدن"** پولس از این استعاره اغلب در افسسیان استفاده می‌کند (مراجعه شود به افسسیان ۲: ۱۶؛ ۳: ۳؛ ۴: ۴؛ همچنین کولسیان ۱: ۱۸). این به کلیسای جهانی به خاطر ماهیت چرخشی کتاب (یعنی فرستاده شدن به بسیاری از کلیساها) اشاره دارد. بیشتر استفاده از اصطلاح "کلیسا" در عهد جدید اشاره به جماعت‌های محلی است. کلیسای جهانی در انجیل متی ۱۶: ۱۸ و افسسیان مورد خطاب قرار میگیرد. تأکید بر وحدت و انسجام همه مردم و کلیساهای خداوند است.

■ **"یک روح"** این به روح القدس اشاره دارد. بدون روح، غیرممکن است که خدا را بشناسیم، به مسیح برسیم و زندگی مسیحی را در وحدت ببینیم (یوحنا ۱۶: ۱۵-۱۸). به یادداشت افسسیان ۳: ۱۷ توجه کنید. عرفا چندین "روح" یا "ائون" (یعنی سطوح فرشته‌ای) را تصریح می‌کردند.

اصطلاح "تثلیث" یک اصطلاح انجیلی نیست، اما این مفهوم مطمئنا هست. این در چندین عبارت بیان شده است (انجیل متی، ۳: ۱۶-۱۷، ۲۸؛ ۱۹؛ انجیل یوحنا ۱۴: ۲۶؛ اعمال رسولان ۲: ۳۳-۳۴، ۳۸-۳۹؛ رومیان ۱: ۴-۵؛ ۵: ۱۵؛ ۸: ۹-۱۰؛ اول قرنتیان ۱۲: ۴-۶؛ دوم قرنتیان ۱: ۲۱-۲۲؛ ۱۳: ۱۴؛ ۱۴: ۴؛ ۴: ۴؛ افسسیان ۱: ۳-۱۴، ۱۷؛ ۲: ۱۸؛ ۳: ۱۷-۱۴؛ ۴: ۴-۶؛ دوم تسالونیکیان ۱۳: ۲؛ تیتوس ۳: ۴-۶؛ اول پطرس ۱: ۲؛ یهودا ۲۰-۲۱). اگر عیسی از جنس خدا است و روح شخص است، پس توحید یهودیت (مراجعه شود به تثلیث ۶: ۴ الی ۶، به اشعیا ۶۳: ۹ الی ۱۰ هم توجه شود) باید در پرتو یک ذات الهی دوباره تفسیر شود. وجود، وابسته، تظاهرات شخصی. در اینجا، رمز و راز وجود دارد، اما همچنین آموزش کتاب مقدس روشن است! موضوع خاص در افسسیان ۱: ۳ را مطالعه کنید.

■ **"یک امید"** پولس این اصطلاح را اغلب در مفاهیم مختلف، اما مرتبط با آن استفاده می‌کند. اغلب آن را با تحقق ایمان مؤمن مرتبط می‌سازد. نتیجه گیری قطعی است، اما عنصر زمان آینده و ناشناخته است. به موضوع خاص: امید در کولسیان ۱: ۵ مراجعه کنید.

۵: ۴ **"یک خداوند"** (در متن کتاب مقدس کلمه "Lord" به معنی "سرور" نوشته شده که در نسخه فارسی به اشتباه خداوند نوشته شده است) این عنوان دارای پس زمینه عهد عتیقی برای یهوه است (به استثنای خروج ۳: ۱۴، نگاه کنید به موضوع خاص: اسامی خدا در کولسیان ۱: ۳) و استفاده از عهد جدید در رابطه با خدایی بودن عیسی (مراجعه شود به رومیان ۱۰: ۹؛ اول قرنتیان ۱۲: ۳؛ فیلیپیان ۲: ۹-۱۱). فقط یک راه وجود دارد که با خداوند صادق بود-ایمان به مسیح (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱: ۹-۱۸، ۳: ۱۶؛ ۱۰: ۷-۱۸؛ ۱۴: ۶؛ ۲۰: ۳۱).

■ **"یک ایمان"** این به دکتربین اشاره دارد (مراجعه شود به غلاطیان ۱: ۲۳، ۳: ۲۳، فیلیپیان ۱: ۲۷، یهودا ۳ و ۲۰)، که با متن طولانیتر افسسیان و کولسیان مطابقت دارد یا اعتماد فردی که با این متن بلافاصله مطابقت دارد (مراجعه شود به غلاطیان ۲: ۱۶، ۳: ۶ الی ۹).

■ **"یک تعمید"** به این دلیل که تثلیث در این زمینه ذکر شده است، احتمالا اشاره به تعمید با آب است که روال اقرار به ایمان در ملاعام در کلیسای اولیه بود (مراجعه شود به انجیل متی ۲۸: ۱۹؛ رومیان ۱۰: ۹-۱۳). این مرگ زندگی قدیمی و آغاز زندگی جدید با ایمان به مسیح (مراجعه شود به رومیان ۶: ۴، کولسیان ۲: ۱۲) نشان می‌داد.

با این حال، می‌توان به تعمید روح هم اشاره داشته باشد (مراجعه شود به اعمال رسولان ۲: ۳۸؛ اول قرنتیان ۱۲: ۱۳). هر چند روح در افسسیان ۴: ۴ ذکر شده است، این دو رویداد اولیه، یک درون (تعمید روح) و یک درون (غسل تعمید آب)، در عهد جدید بسیار نزدیک به یکدیگر و مرتبط هستند.

۴:۶ "یک خدا و پدر همه" این تقریباً شوکه کننده است که نام خدا پدر خطاب شود (مراجعه شود به ملاکی ۲: ۱۰). در یک مفهوم مهم همه انسانها به نوعی با خدا مرتبط هستند. آنها توسط او خلق شده‌اند، در تصویر او و شبیه او (مراجعه شود به پیدایش ۱: ۲۶-۲۷). اما در این متن، تمرکز بر خلق نیست، بلکه بر احیا یا خلق مجدد است، تولد دوم، رستگاری از طریق تلاشهای تثلیث الهی (مراجعه شود به افسسیان ۱: ۳-۱۴). همه انسانها به خاطر خلقت با خداوند نیستند، بلکه با توبه و استقامت شخصی و ایمان به کار پایان یافته مسیح با خدا هستند (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱: ۱۵؛ اعمال رسولان ۳: ۱۶، ۱۹؛ ۲۰: ۲۱).

موضوع خاص: یکتاپرستی (Special Topic: Monotheism)

نوع بشر همیشه احساس می‌کرد که واقعیت بیش از دنیای فیزیکی است (این امر نشأت گرفته از رخدادهایی بود که خارج از کنترل انسان بودند مانند توفان‌ها، خسوف و کسوف؛ شهاب سنگ‌ها، رخدادهای جوی و آب و هوایی، و مرگ).

انسانشناسان به ما می‌گویند اشیایی در گورهای اولیه انسانها یافته‌اند که ظاهراً برای زندگی بعدی، که آن را در ادامه این زندگی تصور می‌کردند، بودند.

نخستین تمدن مکتوب، تمدن سومری است (در جنوب تیگریس، رودخانه فرات)، که حدود ۱۰۰۰۰ تا ۸۰۰۰ سال قبل میلاد مسیح شروع شد. آنها در اشعاری که می‌نوشتند، دیدگاه خود از خدایان و تعاملات با آنها را بیان می‌کردند. که بیشتر همانند انسانها بودند و ضعفهای آنها را داشتند. سنتهای آنها به مراتب قبل از اینکه نگاشته شوند، وجود داشته‌اند.

خدانشناسی در این دوره تحول یافت

۱. همزادگرایی به
۲. چند خدایی به
۳. یک خدای برتر (دوالیسم)

مفهوم "یکتاپرستی" (فقط و فقط یک شخص، یک خدا بدون شریک)، نه فقط "خدای ارشد" در چند خدایی یا خدای نیکی در دوالیسم ایرانی (زرتشتی)، فقط برای اسرائیل است (ابراهیم و یعقوب، ۲۰۰۰ قبل میلاد). فقط یک استثنای نادر در مصر (آمنهوتپ چهارم، که به آخناتن هم معروف بود، ۱۳۶۷ تا ۱۳۵۰ یا ۱۳۸۶ تا ۱۳۶۱ قبل از میلاد، که آتن، خدای خورشید را به عنوان تنها خدا، پرستش می‌کرد). به *The Mind of Egypt*، صفحات ۲۱۶ و ۲۱۷ مراجعه کنید.

این مفهوم در عبارات مختلف در عهد عتیق بیان شده است

۱. "هیچکس مانند یهوه یا الوهیم"، سفر خروج ۸: ۱۰، ۹: ۱۴، تثنیه ۲۶: ۳۳، اول پادشاهان ۸: ۲۳
۲. "هیچکس در کنارش نیست"، تثنیه ۴: ۳۵ و ۳۹، اول سموئیل ۳۲: ۲، دوم سموئیل ۳۲: ۲۲، اشعیا ۴۵: ۲۱، ۴۴: ۶ و ۴۵: ۶ و ۲۱
۳. "یهوه تنهاست" تثنیه ۴: ۶، رومیان ۳: ۳۰، اول قرنتیان ۸: ۴ و ۶، اول تیموتائوس ۲: ۵، یعقوب ۲: ۱۹
۴. "هیچکس مانند تو نیست" دوم سموئیل ۷: ۲۲، ارمیا ۱۰: ۶
۵. "تو تنها خدایی" مزمور ۱۰: ۸۶، اشعیا ۳۷: ۱۶
۶. "پیش از من خدایی مصور نشده، و پس از من نیز نخواهد بود." اشعیا ۴۳: ۱۰
۷. "غیر از من کسی نیست؛ من یهوه هستم و دیگری نیست؛" اشعیا ۴۵: ۵ و ۶ و ۲۲
۸. "او منشا همه چیز است"، اشعیا ۴۵: ۷
۹. "هیچ کس دیگری نیست، هیچ خدای دیگری نیست"، اشعیا ۴۵: ۱۴ و ۱۸
۱۰. "هیچکس غیر از من نیست"، اشعیا ۴۵: ۲۱
۱۱. "هیچ کس دیگری..... هیچکس مثل من نیست"، اشعیا ۴۶: ۹

باید اذعان داشت که این دکترین قاطع به شیوه پیشرفته‌ای ظاهر شد. اظهارات اولیه را می‌توان به صورت "هنوت‌ایسم" یا یکتا شناسی عملی درک کرد (خدایان دیگری هم وجود دارند، یوشع ۱۵: ۲۴، اول پادشاهان ۱۸: ۲۱)، ولی فقط یک خدا برای ما وجود دارد (سفر خروج ۱۱: ۱۵، ۲: ۲۰ الی ۵، تثنیه ۵: ۷ و ۶ و ۱۴، ۱۰: ۱۷، ۱۲: ۳۲، اول پادشاهان ۸: ۲۳، مزمور ۱۸: ۸۳، ۸: ۸۶، ۱: ۱۳۶ الی ۹).

متون اولیه که با مشخص کردن وحدانیت (یکتا شناسی فلسفی) شروع می‌شوند، ابتدایی هستند (سفر خروج ۱۰:۸، ۹:۱۴، ۲:۲۰ و ۳:۳، تثنیه ۴:۳۵ و ۳۹، ۲۶:۳۳). ادعاهای کامل و قابل رقابت در اشعیا ۴۳ الی ۴۶ (۱۰:۴۳ و ۱۱، ۶:۴۴ و ۸، ۷:۴۵ و ۱۴ و ۱۸ و ۲۲ و ۵:۴۶ و ۹) دیده می‌شوند.

عهد عتیق خدایان ملت‌ها را بی‌ارزش جلوه می‌دهد، به عنوان مثال

۱. مخلوقات انسانها - تثنیه ۴:۲۸، دوم پادشاهان ۱۸:۱۹، مزمور ۱۱۵:۴ الی ۸، اشعیا ۱۵:۱۳ الی ۱۸، اشعیا ۸:۲، ۱۷:۱۹، ۳۷:۱۹، ۴۰:۷، ۴۱:۷ و ۲۴ و ۲۹، ۱۰:۴۴ و ۱۲، ۶:۴۶ و ۷، ارمیا ۳:۱۰ الی ۵، مکاشفه ۱۰:۹

۲. شیاطین - تثنیه ۱۷:۳۲، مزمور ۳۷:۱۰۶، اشعیا ۱۹:۸، ۱۹:۳، اول قرنتیان ۱۰:۲۰، مکاشفه ۹:۲۰

۳. پوچ، خالی - تثنیه ۲۱:۳۲، دوم پادشاهان ۱۵:۱۷، مزمور ۶:۳۱، اشعیا ۱۸:۲، ۲۹:۴۱، ارمیا ۵:۲، ۸:۱۰، ۲۲:۱۴، ارمیا ۵:۲، ۱۹:۸

۴. خدایانی نیستند - تثنیه ۲۱:۳۲، دوم قرنتیان ۹:۱۳، اشعیا ۱۹:۳۷، ارمیا ۱۱:۲، ۷:۵، اول قرنتیان ۴:۸ و ۵، ۱۰:۲۰، مکاشفه ۹:۲۰

عهد جدید در رومیان ۳:۳۰، اول قرنتیان ۸:۴ و ۶، افسسیان ۴:۶، اول تیموتائوس ۲:۵ و یعقوب ۱۹:۲ از تثنیه ۴:۶ الهام می‌گیرد. عیسی آن را در انجیل متی ۲۲:۳۶ و ۲۳:۳۷، انجیل مرقس ۱۲:۲۹ و ۳۰، انجیل لوقا ۲۷:۱۰ به عنوان اولین فرمان نقل قول می‌کند. عهد عتیق و همچنین عهد جدید، واقعیت سایر موجودات معنوی را تصریح می‌کنند (شیاطین، فرشتگان) ولی فقط یک خالق یعنی خدا (یهوه، سفر پیدایش ۱:۱) را تأیید می‌کند.

وحدانیت انجیلی با این ویژگی‌ها مشخص می‌شود

۱. خدا تنها و منحصر به فرد است (هستی شناسی در نظر گرفته می‌شود، ولی مشخص نمی‌شود)

۲. خدا فرد است (رجوع شود به سفر پیدایش ۱:۲۶ و ۲۷، ۸:۳)

۳. خدا اخلاق است (رجوع شود به سفر خروج ۶:۳۴، ناحوم ۱۷:۹، مزمور ۸:۱۰۳ الی ۱۰)

۴. خدا انسان‌ها را در شکل خود ایجاد کرد (سفر پیدایش ۱:۲۶ و ۲۷) برای دوستی و رفاقت (یعنی شماره ۲). خدا حسود است (سفر خروج ۵:۲۰ و ۶)

در عهد جدید

۱. خدا دارای سه شکل ابدی است (به موضوع خاص: تثلیث مراجعه شود)

۲. خدا بطور کامل در عیسی ظاهر شد (رجوع شو به انجیل یوحنا ۱:۱ الی ۱۴، کولسیان ۱:۱۵ الی ۱۹، عبرانیان ۲:۱ و ۳)

برنامه ابدی خدا برای انسان فانی رستگار، قربانی کردن تنها پسر خود است (اشعیا ۵۳، انجیل مرقس ۴۵:۱۰، دوم قرنتیان ۲۱:۵، فیلیپیان ۲:۶ الی ۱۱، عبرانیان)

■ "فوق همه، از طریق همه، و در همه است" عهد جدید بر روی غایی بودن پدر تأکید می‌کند (مراجعه شود به اول قرنتیان ۳:۲۳، ۱۵:۲۸). این متن یک نمونه از این است که چگونه کتاب مقدس اقدامات رستگاری سه فرد تثلیث را به هم پیوند می‌دهد. در اینجا، ساکن بودن پدر (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۴:۲۳) تأکید می‌شود. در انجیل متی ۲۸:۲۰ و کولسیان ۱:۲۷، بر ساکن بودن پسر، تأکید شده است. با این حال، روح است که به طور معمول این وظیفه را به عهده دارد (یوحنا ۱۴:۱۷ و رومیان ۸:۹). این متن، اولویت پدر را بیان می‌کند (مراجعه شود به افسسیان ۱:۳-۱۴؛ رومیان ۱۱:۳۶). در کولسیان ۱:۱۶ همان اصطلاح بر پسر اطلاق می‌شود. یک روانی و برابری در میان اعضای تثلیث وجود دارد که اعمال آنها موجب نجات انسانها می‌شود.

اصطلاح "همه" (*pas*) برای تأکید چندین بار تکرار شده است. از نظر دستور زبانی، می‌تواند خنثی باشد، با اشاره به تمام خلقت، یا مذکر باشد، با اشاره به بدن مسیح (کلیسا) هم به طور کلی و هم به صورت جداگانه.

NASB (به روز شده): افسسیان ۴:۷ الی ۱۶

^۷ اما به هر یک از ما به فراخور اندازه بخشش مسیح، فیض بخشیده شده است. ^۸ از این رو می‌گوید:

«هنگامی که به عرش برین صعود کرد، اسیران را به اسیری برد و هدایا به مردم داد».

^۹ عبارت 'صعود کرد'، حاکی از چیست، جز آن که به جایهای پست‌تر زمینی نیز نزول کرد؟ ^{۱۰} او که نزول کرد، همان است که از همه آسمانها بسی فراتر رفت، تا همه چیز را پر سازد. ^{۱۱} و اوست که بخشید برخی را به عنوان رسول، برخی را به عنوان نبی، برخی را به عنوان مبشر، و برخی را به عنوان شبان و معلم، ^{۱۲} تا مقدسین را برای کار خدمت آماده سازند، برای بنای بدن مسیح، ^{۱۳} تا زمانی که همه به یگانگی ایمان و شناخت پسر خدا دست یابیم و بالغ شده، به بلندی کامل قامت مسیح برسیم.

^{۱۴} آنگاه دیگر همچون کودکان نخواهیم بود تا در اثر امواج به هر سو پرتاب شویم و باد تعالیم گوناگون و مکر و حیلۀ آدمیان در نقشه‌هایی که

برای گمراهی می‌کشند، ما را به این سو و آن سو براند.^{۱۵} بلکه با بیان محبت‌آمیز حقیقت، از هر حیث تا به حدّ او که سر است، یعنی مسیح، رشد خواهیم کرد.^{۱۶} او منشاء رشد تمامی بدن است، بدنی که به وسیلهٔ همهٔ مفاصل نگاهدارندهٔ خود، به هم پیوند و اتصال می‌یابد و در اثر عمل متناسب هر عضو رشد می‌کند و خود را در محبت بنا می‌نماید.

۷:۴ "به هر یک از ما بخشیده شده است" به جابجایی از جنبه مشارکتی کلیسا به جنبه فردی توجه کنید. هر مؤمن یک نعمت الهی دارد که در زمان رستگاری برای استفاده مفید به او داده میشود (مراجعه شود به اول قرن‌تینان ۱۲: ۷، ۱۱). فهرست عهد جدید هدایا و نعمات (مراجعه شود به اول قرن‌تینان ۱۲: ۱ الی ۱۳، ۲۸-۲۹؛ رومیان ۱۲: ۳-۸؛ افسسیان ۴: ۱۱) مختصر و کلی است، نه جامع. این را می‌توان از این واقعیت مشاهده کرد که فهرست هدایا و ترتیبی که در آنها ذکر شده متفاوت است.

مومنان اغلب نعمات خود را به شیوه های زیر نابود میکنند

۱. با به رخ کشیدن نعمت خود

۲. مقایسه نعمت خود با دیگری

۳. تعریف مشخصات دقیق برای هر نعمت

عهد جدید بر این مسائل دقت و تمرکز ندارد. واقعیت یک خانواده از بشارت دهندگانی که نعمتی به آنها داده شده و پادشاهی کشیشان، مسئله است (مراجعه ۹ شود به اول پطرس ۲: ۵ و ۹، مکاشفه ۱: ۶). از مومنین خواسته شده که خدمت کنند نه اینکه فخر فروشی کنند یا افتخاری به آنها داده شده باشد.

■ "به فراخور اندازهٔ بخشش مسیح" عیسی نعمت خدا به بشر است. شخصیت او ("هدایای روح"، اول قرن‌تینان ۱۲: ۱۲) و خدمت و بشارت ("میوه روح"، غلاطیان ۵: ۲۲-۲۳) در میان مردمش تقسیم می‌شود تا از طریق اتحاد خود به پیشرفت انجیل با همکاری روح القدس کمک کنند.

۸:۴ این یک نقل قول از مزامیر ۶۸: ۱۸ است، که در اصل به یهوه اشاره میکند. عبارت "به مردان هدایایی دادن" در یک تارگوم آرامی، ترجمه‌های پشتیتا (سیریاک) و چالدی مشاهده شده است، در حالی که "هدایای دریافت شده از مردان" در متن مازورتنی (متن عبری) و Septuagint (ترجمه یونانی) یافت شده است. پولس آشکارا یک ترجمه عهد عتیق را انتخاب کرده بود که منعکس کننده اهداف الهیاتی خودش بود. خداوند از طریق مسیح، به مردم خود نعماتی داده است. او برای خدمت به آنها نعمتی اهدا می‌کند، نه اینکه موقعیت ممتازی به آنها بدهد (مراجعه شود به انجیل متی ۲۰: ۲۵-۲۸؛ ۲۳: ۱-۱۲).

■ "اسیران را به اسیری برد" همسوی کولسیان (مراجعه شود به ۱۵: ۱۵) به این معنی است که این آیه به یک رژه پیروزی رومی مربوط می‌شود که در آن نیروهای شکست خورده نمایش داده می‌شوند. در اینجا آن را به پیروزی مسیح در برابر نیروهای معنوی خصمانه جهان (که احتمالاً مربوط به عناصر عرفانی می‌شود) اشاره می‌کند.

۹:۴ این آیه یا به (۱) قیام از مردگان (مراجعه شود به فیلیپیان ۲: ۶-۱۱) یا (۲) فرود آمدن عیسی به هادس اشاره می‌کند (مراجعه شود به اعمال رسولان ۲: ۳۱؛ رومیان ۱۰: ۶-۷؛ یا احتمالاً اول پطرس ۳: ۱۸-۲۰؛ ۴: ۶؛ که در فرقه‌های اولیه کلیسا منعکس شده است، "در جهنم فرود آمد").

۱۰:۴ "از همهٔ آسمانها بسی فراتر رفت" (در متن انگلیسی "از بهشت فراتر رفت" نوشته شده در ترجمه فارسی به اشتباه بهشت، آسمان ترجمه شده است) این همسو متضاد با "قسمتهای پایین زمین" است. عیسی بهشت را ترک کرد تا تبدیل به انسان شود. او به عنوان ناجی پیروز به بالاترین مکان بهشت بازگشت! به جمع بودن "آسمان" توجه داشته باشید (مراجعه شود به دوم قرن‌تینان ۱۲: ۲). رومی‌ها استدلال کردند که سه یا هفت آسمان وجود دارد. این به حضور خدا یا اتاق تخت سلطنت، همانطور که در مکاشفه ۴-۵ اشاره شده، اشاره می‌کند.

موضوع خاص: بهشت و بهشت سوم

(Special Topic: The Heavens And The Third Heaven)

در عهد عتیق اصطلاح "بهشت" معمولاً به صورت جمع به کار برده شده است (*shamayim*, BDB 1029, KB 1559). معنی عبری این کلمه "ارتفاع" است. خدا در ارتفاعات ساکن است. مفهوم این اصطلاح مقدس بودن و تعالی خدا است.

در کتاب پیدایش ۱: ۱، حالت جمع، این طور نگاه شده که خدا "بهشت‌ها و زمین"، (۱) اتمسفر بالای این سیاره یا (۲) راهی برای اشاره به تمامی واقعیت را خلق کرد (یعنی معنوی و فیزیکی). از این درک ابتدایی در سایر متون استفاده شده برای سطوح بهشت: "بهشت بهشت‌ها" (مراجعه شود به مزور ۶۸: ۲۳) یا "بهشت و بهشت بهشت‌ها" (مراجعه شود به تثنیه: ۱۰: ۱۴، اول پادشاهان ۸: ۲۷، نحمیا ۹: ۶، مزامیر ۱۴۸: ۴). روحانیون چنین جمع بندی کرده‌اند که احتمال دارد:

۱. دو بهشت وجود داشته باشد (R. Judah, Hagigah 12b)

۲. سه بهشت (تست، لاویان ۲ الی ۳، اشعیا ۶ الی ۷، Midrash Tehillim در مزمو ۱۱۴: ۱)

۳. پنج بهشت (III Baruch)

۴. هفت بهشت (R. Simonb. Lakish، اشعیا ۹: ۷)

۵. ده بهشت (دوم انوش ۲۰: ۳، ۲۲: ۱)

تمامی اینها برای این هستند که جدایی خدا را از مخلوقات فیزیکی و متعالی بودن او نشان دهند. متداولترین تعداد بهشت در ربینوی یهود هفت است. آ. کوهن در کتاب *Everyman's Talmud* صفحه ۳۰ می گوید "این متداولترین عددی بود که به سیارات فضایی مرتبط می شده است، ولی من فکر می کنم به دلیل این است که عدد هفت، عدد کاملی است (یعنی روزهای خلقت باضافه هفت که روز استراحت خدا در کتاب پیدایش ۲: ۲ است). پولس در کتاب دوم قرنتیان ۱۲: ۲ می گوید که بهشت "سوم" (*Ouranos* در زبان یونانی) راهی برای شناسایی شخصیت و حضور والا منشانه خدا است. پولس خدا را شخصا دیده بود!

■ "تا همه چیز را پر سازد" عیسی برای تحقق بخشیدن به برنامه ابدی خدا برای متحد کردن تمام انسانها و همچنین خلقت فیزیکی آمد (رومیان ۸: ۱۹-۲۱). این اصطلاح "پر" (*plēroō*) مراجعه شود به افسسیان ۱: ۲۳؛ ۳: ۱۹؛ ۴: ۱۰؛ ۵: ۱۸) یک اصطلاح خاصی بود که توسط معلمان دروغین برای توصیف سطوح فرشته (*aeons*) استفاده میشد. رستگاری در دانش بشری نیست، بلکه در ایمان توبه و کار پایان یافته مسیح است - قیام از تولد دوباره، زندگی، تعالیم، مصلوب شدن، قیام، صعود، شفاعت و وعده بازگشت.

۱۱:۴

NASB "او داد"

NKJV "او خودش داد"

NRSV "هدایایی که داد"

TEV "و برای برخی هدیه او... بود"

مسیح خودش، یا ترجیحا تثلیث (مراجعه شود به افسسیان ۴: ۴-۶؛ اول قرنتیان ۱۲: ۴-۶)، نعمات روحانی را به مردم خود می دهد. مؤمنان همه بشارت دهندگانی هستند که نعمتی به آنها داده شده است. برخی رهبران هستند، اما همه بشارت دهنده هستند. ما برای خدمت کردن نجات یافتیم.

چندین فهرست از نعمات روحانی در نوشته های پولس وجود دارند (مراجعه شود به اول قرنتیان ۱۲: ۸-۱۰، ۲۸-۳۰؛ رومیان ۱۲: ۶-۸؛ افسسیان ۴: ۱۱). این فهرستها یکسان نیستند. این بدان معنی است که این فهرستها کامل نیستند، بلکه منتخب از آنها هستند. برای پولس، نعمات جنبه هایی از مسیح هستند که به بدن او (کلیسا) داده می شوند تا به وی خدمت کنند. عهد جدید هرگز لیستی قطعی از هدایا و نعمات و یا دستورالعمل برای مؤمنان ارائه نمیدهد که به هر کس چه هدیه ای داده می شوند. تمرکز نه بر شناسایی نعمات، بلکه بر ابعاد گوناگون بشارت است. یکی از بهترین دستورالعملهای عملی برای شناسایی نعمات روحانی توسط پل کوچولو در کتابچه IVP به نام "Affirming the Will of God" است. همان دستورالعملها برای شناسایی خداوند در مورد شناسایی نعمات روحانی خود اعمال می شوند.

■ "رسول" این استفاده مداوم از اصطلاح فراتر از دوازده نفر رسولان است (مراجعه شود به اعمال رسولان ۱۴: ۴، ۱۴، بارناباس؛ رومیان ۱۶: ۷، آندرونیکوس و یونیا؛ اول قرنتیان ۴: ۶، ۹؛ ۱۲: ۲۸-۲۹؛ ۱۵: ۷، آپولو، فیلیپیان ۲: ۲۵، اپافرودیتس؛ اول تسالونیکیان ۲: ۶، سیلوانوس و تیموتائوس). وظیفه دقیق آنها نامعلوم است، اما این شامل اعلام انجیل و رهبری خدمت کردن به کلیسا است. حتی ممکن است که رومیان ۱۶: ۷ ("Junia" KJV) به یک رسول مونث اشاره داشته باشد!

■ "نبی" عملکرد دقیق این مؤمنان نعمت یافته نیز نامعلوم است (مراجعه شود به اعمال رسولان ۱۱: ۲۸، ۲۱-۹، ۱۱-۱۵: ۳۲). آنها همانند پیامبران عهد عتیق هستند که کتاب مقدس را نوشتند. پیامبران عهد جدید کتاب مقدس را به شرایط جدید وفق میدهند. آنها با رسولان، بشارت دهندگان، شبانان و معلمان ارتباط دارند، زیرا همه آنها انجیل را بشارت میدهند، اما با تاکیدهایی متفاوت. موضوع خاص در افسسیان ۲: ۲۰ را مطالعه کنید.

■ "مبشر" با کمال تعجب، در نور انجیل متی ۲۸: ۱۹-۲۰، این نعمت تنها سه مرتبه در عهد جدید ذکر شده است. وظیفه آنها در کلیسای اولیه، مانند دوتای قبلی، نامعلوم است (مراجعه شود به اعمال رسولان ۲۱: ۸؛ دوم تیموتائوس ۴: ۵)، اما بار دیگر بدیهی است که اعلامیه انجیل و رهبری خدمتگزاری را شامل می شود. ممکن است که سه رهبر نعمت یافته نخست بشارت دهندگان دوره گرد یا منطقه ای باشند.

■ "شبان و معلم" عناوین "بزرگان" (*presbuteroi*)، "اسقف‌ها" (*episkopoi*) و "شبانان" (*poimenas*) همه به یک کار و وظیفه اشاره می‌کنند (مراجعه شود به اعمال رسولان ۲۰: ۱۷، ۲۸؛ و تیتوس ۱: ۵-۷). اصطلاح "مشایخ" دارای پس زمینه عهد عتیقی بود، در حالی که اصطلاح "اسقف" یا "سرپرست" دارای یک پس زمینه شهری یونانی بود. نحو یونانی (یک حرف ربط و یک فاعل [*tous*]) این دو عنوان را با هم به عنوان یک عملکرد، یک فرد نعمت یافته که انجیل را به موقعیت محلی اعلام و توضیح می‌دهد، پیوند می‌دهد.

جالب است که در رومیان ۱۲: ۷ و ۱۲: ۲۸ معلمی به عنوان یک نعمت و هدیه جداگانه فهرست می‌شود و شبانان در همه موارد ذکر نشده‌اند (مگر این که «او که نصیحت میکند» در رومیان ۱۲: ۸ همان باشد). نکات زیادی هستند که ما عصر مدرنیها در مورد کلیسای اولیه نمی‌دانیم.

۱۲:۴

"برای تجهیز قدیسان جهت کار خدمت"	NASB
"برای تجهیز قدیسان جهت کار بشارت دادن"	NKJV
"به منظور مجهز ساختن قدیسان جهت کار بشارت دادن"	NRSV
"او این کار را برای آماده کردن همه مردم خدا برای کار خدمات مسیحی انجام داد"	TEV
"به طوری که قدیسان با هم در کار خدمت کردن وحدت کنند"	NJB

رهبران هدایای خداوند هستند که برای آموزش بدن مسیح برای کار بشارت، داده شده‌اند! کلیسا نیاز دارد تا قدرت، نعمت و ماموریت انجیلی کلیه اعضای کلیسا را بازپس گیرد (روحانی - غیر روحانی، پیر - جوان، مرد و زن، مراجعه شود به یوئیل ۲: ۲۸ نقل قول شده در موعظه پنتیکاست پطرس در اعمال رسولان ۲). هر مسیحی یک مبشر تمام وقت است که خدا او را فرا خوانده و به او نعمت داده است.

اصطلاح "تجهیز" بدین معنی است که چیزی را برای هدف خاص خود آماده کند. از موارد زیر استفاده می‌شود:

۱. شکستگی اندام‌ها بهبود می‌یابد و دوباره قابل استفاده می‌شود
۲. تورهای ماهیگیری پاره شده، تعمیر و قابل استفاده مجدد شوند
۳. کشتیها با طناب و بادبان‌های نصب شده برای دریانوردی آماده شده‌اند
۴. جوجه‌هایی که به اندازه کافی بزرگ شده‌اند تا به بازار برده شوند

همچنین توجه داشته باشید هدف این نیست که تنها برخی از مؤمنین به بلوغ برسند، بلکه همه باید بالغ گردند (مراجعه شود به افسسیان ۴: ۱۳). برای "مقدسین"، موضوع خاص در کولسیان ۱: ۲ را مشاهده کنید.

به هر مؤمن نعمتی برای خیر عمومی داده میشود (مراجعه شود به اول قرنتیان ۱۲: ۷، ۱۱). هر مؤمن، مبشر تمام وقت مسیح است. همه مباشرین "حرفه‌ای" نیستند، اما همه بنده هستند. کلیسای مدرن به واسطه (۱) ذهنیت روحانی/ غیر روحانی و (۲) مفهوم رستگاری به عنوان یک محصول به جای یک فرایند ارتباطی خدمتگزار آسیب دیده است!

■ "برای بنای بدن مسیح" پولس استعاره ساختمان خود را (مراجعه شود به افسسیان ۲: ۲۰-۲۷) با استعاره بدن او (مراجعه شود به افسسیان ۱: ۲۳؛ ۴: ۱۲؛ ۵: ۳۰) در هم ادغام میکند. به مؤمنان برای خیر عمومی، و نه برای تحسین فردی (اول قرنتیان ۱۲: ۷)، نعمت و برکت داده میشود. تمرکز بر روی فرد نیست، بلکه بر روی بدن (مراجعه شود به افسسیان ۴: ۴-۶) است. نعمات روحانی حوله‌های خدمتکار هستند، مدال‌های شایسته نیستند! مؤمنان زنبورهای کارگر هستند! نگاه کنید به موضوع خاص: تقدیس کردن در افسسیان ۲: ۲۱.

۱۳:۴ "تا همه دست یابیم" این یک وجه شرطی آنوریست فعال است که جنبه احتمال را نشان می‌دهد. به معنای واقعی کلمه معنی "رسیدن به یک مقصد" است. توجه داشته باشید که "همه" از مسئولیت مشارکت ما صحبت می‌کند. به سه جنبه بلوغ که ذکر شده، توجه کنید: (۱) وحدت ایمان؛ (۲) شناختن پسر خدا؛ (۳) بلوغ مسیحی. همچنین، توجه داشته باشید هدف این بلوغ فقط تعدادی اندک نیست بلکه بلوغ همه هدف است!

■ "شناخت" این اصطلاح ترکیب یونانی از (*epiginōskō*) است، که بیانگر یک دانش تجربی کامل است. این یک رد آشکار نسبت به تأیید معلمان دروغین عرفانی بر دانش محرمانه و انحصاری آن است. شناخت مؤمنان با ایمان به مسیح کامل میشود. این ممکن است بر روی مفهوم عبری از "شناختن" به عنوان روابط شخصی (مراجعه شود به پیدایش ۴: ۱۰؛ ۱۰: ۵، فیلیپیان ۳: ۸، ۱۰) در مقابل مفهوم یونانی که به عنوان شناخت شناسی شناخته می‌شود، بازی کند. هر دو برای بلوغ مسیحیت مورد نیاز هستند.

■ "بالغ شده" این متضاد با فرزندان در آیه ۱۴ است. ریشه یونانی (*telos*) به معنی "کامل"، "کاملاً تجهیز شده" است نه بدون گناه یا کامل (KJV).

۱۴:۴ "آنگاه دیگر همچون کودکان نخواهیم بود" این بدان معنی است که بسیاری از مؤمنان نجات یافته‌اند، اما نابالغ هستند (مراجعه شود به اول قرنتیان

۳: ۱ الی ۱۴؛ عبرانیان ۵: ۱۱-۱۴). آنها هنوز نیاز برای وقف و تداوم لازم برای اینکه خدمتگزار و مبشر باشند، را حس نکرده‌اند. مومنین باید در خویشتن خود میرند و برای خدا زنده زندگی کنند (رومیان ۶: ۱-۱۴؛ ۲ قرنتیان ۵: ۱۴-۱۵؛ غلاطیان ۲: ۲۰؛ اول یوحنا ۳: ۱۶).

NASB "در اینجا و آنجا توسط امواج پرتاب می شویم با هر باد دگرترین، با فریب انسانها، و ریاکاری در نقشه‌های فریبکارانه"
NKJV "ریاکاری انسانها، در فریبکاری و حيله گری که توسط آنها در دروغ زندگی میکنیم"
NRSV "تا در اثر امواج به هر سو پرتاب شویم و باد تعالیم گوناگون و مکر و حيله آدمیان در نقشه‌هایی که برای گمراهی می‌کشند، ما را به این سو و آن سو براند"
TEV "توسط امواج حمل شده و با هر باد تغییری در آموزش مردان فریب خورده صورت گرفته، که منجر به انحراف دیگران با ترفندهایی که آنها اختراع کرده‌اند، میشوند"
NJB "یا به یک شیوه یا شیوه‌ای دیگر پرتاب شده و با هر باد دگرترین، به رحمت تمام انسانها کلاهبرداری و هوش خود را تمرین فریب داده و به بازی میگیرند"

این به وضوح به معلمان دروغین اشاره دارد که به نظر می‌رسد ترکیبی از فیلسوفان یونانی و قانونگرایان یهودی هستند. این عبارت به فریب انسان (آموزگاران دروغین) و فریب فرشتگان (فریبکاری در طرح‌های مکارانه) اشاره می‌کند. در پس این معلمان دروغین فعالیت‌های سطوح فرشته‌ای گمراه افتاده قرار می‌گیرند (مراجعه شود به افسسیان ۶: ۱۰ الی ۱۲، اول قرنتیان ۱۰: ۲۰؛ دانیال ۱۰). مردم خدا گمراه شده، دستکاری شده و فریب خورده‌اند، زیرا در طریق مسیح بالغ نشده‌اند. حتی پس از ایمان آوردن و نجات، یک نبرد روحانی وجود دارد. هدف مسیحیان تنها زمانی نیست رفتن به بهشت وقتی که مردند نیست، بلکه همانند مسیح بودن و خدمت کردن در حال حاضر (مراجعه شود به افسسیان ۴: ۱۵؛ رومیان ۸: ۲۸-۳۰؛ غلاطیان ۴: ۱۹) است!

۴: ۱۵ مومنین فقط راستگو نیستند، بلکه زندگی و حقیقت را در عشق می‌آموزند (مراجعه شود به عزرا ۷: ۱۰). هدف وحدت است (مراجعه شو به افسسیان ۴: ۳-۲) چقدر این از سردرگمی و رقابت معلمان دروغین متفاوت است.

۴: ۱۶ پولس از استعاره بدن انسان برای تأکید بر وحدت در عشق، در میانه این همه تنوع و اختلاف استفاده می‌کند. عدم وحدت درها را به سوی شیطان، فرشتگان و آموزگاران دروغین باز می‌کند (مراجعه شود به کولسیان ۲: ۸). نگاه کنید به موضوع خاص: تقدیس در افسسیان ۲: ۲۱.

NASB (به روز شده): افسسیان ۴: ۱۷ الی ۲۴

۱۷ پس این را می‌گویم و در خداوند تأکید می‌کنم که رفتار شما دیگر نباید همانند اقوام دور از خدا باشد که در بطالت ذهن خود رفتار می‌کنند. ۱۸ عقل آنها تاریک شده است، و به علت جهالتی که نتیجهٔ سخت‌دلی‌شان است، از حیات خدا به دور افتاده‌اند. ۱۹ آنان چون هر حساسیتی را از دست داده‌اند، خویشتن را یکسره در هرزگی رها کرده‌اند، چندان که حریصانه دست به هر ناپاکی می‌آلایند. ۲۰ اما شما مسیح را بدین‌گونه نیاموختید، ۲۱ چه بی‌گمان دربارهٔ او شنیدید و مطابق آن حقیقت که در عیسی است، تعلیم یافتید. ۲۲ شما آموختید که باید به لحاظ شیوهٔ زندگی پیشین خود، آن انسان قدیم را که تحت تأثیر امیال فریبنده دستخوش فساد بود، از تن به در آورید. ۲۳ باید طرز فکر شما نو شود، ۲۴ و انسان جدید را در بر کنید، که آفریده شده است تا در پارسایی و قدوسیت حقیقی، شبیه خدا باشد.

۱۷:۴

NASB "این را می‌گویم و در خداوند تأیید می‌کنم"
NKJV "بنابراین من می‌گویم و با ایمان به سرورمان شهادت می‌دهم"
NRSV "حالا این را تأیید میکنم و با ایمان به سرورم اصرار می‌ورزم"
TEV "به نام سرورم، من این را می‌گویم و به شما هشدار می‌دهم"
NJB "به ویژه می‌خواهم از شما به نام سرورم دعوت کنم"

این ادعای تعهد همبستگی با سرور قدرت رسالت و آگاهی رسولان از آموزه‌های عیسی را نشان می‌دهد.

■ "رفتار شما دیگر نباید باشد" در افسسیان ۴: ۱۷ الی ۱۹ مجموعه‌ای از ویژگی‌های شیوه زندگی ملل وجود دارد. این مومنین جدید خودشان اینچنین زندگی می‌کردند (مراجعه شود به افسسیان ۴: ۲۸). پولس ویژگی‌های بنیادین بشر گمراه و سقوط کرده را چند بار در نوشته‌های خود فهرست کرده است (مراجعه شود به رومیان ۱: ۲۹-۳۱؛ اول قرنتیان ۵: ۱۱؛ ۶: ۹؛ دوم قرنتیان ۱۲: ۲۰؛ غلاطیان ۵: ۱۹-۲۱؛ افسسیان ۴: ۱۹، ۳۱؛ ۵: ۳-۴؛ کولسیان ۳: ۵-۹). به موضوع ویژه در کولسیان ۳: ۵ مراجعه کنید.

چگونگی ایجاد تقدس، اختلاف عمده بین پل و یهودیان قانونگرا بود. هم پولس و هم یهودیان خواستار شیوه زندگی از روی پارسایی در ایمان شدند.

پولس گناهان گذشته این کفار گذشته که اینک ایمان آورده بودند را تصدیق میکرد، اما به فضل آزاد، روح ساکن و دانش روزافزون از انجیل اعتقاد داشت، چیزی که قانونگرایی نمی تواند انجام دهد. عملکرد عهد عتیق با قلب جدید جایگزین میشود (مراجعه شود به ارمیا ۳۱: ۳۱-۳۴؛ حزقیال ۳۶: ۲۲-۳۲).

NASB, NKJV, NRSV "در پوچی ذهن خود"
TEV "که افکارشان بی ارزش است"
NJB "زندگی از روی کله پوکی"

این اصطلاح به معنای "بیپوده"، "خالی"، "بی هدف" است (مراجعه شود به رومیان ۱: ۲۱). آیات ۱۷-۱۹ به (۱) گمانه زنی معلمان دروغین یا (۲) زندگی قبلی مؤمنان در زمانی که کافر بودند، اشاره دارد.

۴: ۱۸ "عقل آنها تاریک شده است" این یک وجه وصفی کامل مجهول است. وضعیت فعلی کوری معنوی (همانطور که ما هستیم) نتیجه (۱) وسوسه فراطبیعی، (۲) نفوذ ارتداد؛ و (۳) انتخاب شخصی است.

■ "از حیات خدا به دور افتاده اند" این یک وجه وصفی کامل مجهول دیگر است. اشاره به جدایی از خدای پیمان عهد عتیق و وعده او دارد (مراجعه شود به افسسیان ۲: ۱۲).

■ "به علت جهالتی که در آنها است" (این بخش از آیه در نسخه فارسی ترجمه نشده است) این به جهالت خود خواسته فردی اشاره دارد (مراجعه شود به رومیان ۱: ۱۸ الی ۳: ۲۰)

■ "به علت جهالتی که نتیجه سختدلی شان است" این از نتایج پایدار سقوط و گمراهی است (مراجعه شود به پیدایش ۳، انجیل یوحنا ۳: ۱۷ الی ۲۵). موضوع خاص: دل/قلب در کولسیان ۲: ۲ را مطالعه کنید.

۴: ۱۹

NASB "بی عاطفه شدن"
NKJV "بدون احساس بودن"
NRSV "تمام حساسیت را از دست دادن"
TEV "احساس شرمساری را تماما از دست دادن"
NJB "وقتی که حس درست و غلط از میان برود"

این یک وجه وصفی کامل فعال دیگر است. بشریت سقوط کرده است و بدون احساس و یا سنگدل باقی مانده است، هم بر مکاشفات طبیعی (نگاه کنید به مزامیر ۱۹: ۱ الی ۶، رومیان ۱: ۱۸ الی ۲: ۱۶) و هم مکاشفه خاص انجیلی و پسر، کلام نوشته شده (مراجعه شود به مزامیر ۱۹: ۷-۱۲) و کلام زنده (انجیل یوحنا ۱: ۱-۱۴).

NASB "خود را به هوسرانی سپردن"
NKJV "خود را به شایستگی سپردن"
NRSV "خود را به شایستگی رها کرده اند"
TEV "خود را به صدایی سپردن"
NJB "خود را در هوسرانی غرق کردن"

این به معنی "شرم آوری آزادانه" (رومیان ۱: ۲۴، ۲۶، ۲۸) است. بشریت سقوط کرده است، تمام محدودیت های اجتماعی و معنوی را رها کرده است. این معلمان دروغین حتی دیگر کفار را نیز شوکه کردند.

NASB "برای عمل هر گونه ناخالصی با حرص"
NKJV "برای کار کردن همه ناپاکیها با حرص"
NRSV "حرص و آز برای هر گونه ناخالصی"
TEV "و همه انواع چیزهای نابکارانه بدون محدودیت"
NJB "حریصانه دست به هر ناپاکی می آلاینند"

این به معنای بیشتر و بیشتر برای من به هر قیمتی (مراجعه شود به کولسیان ۳: ۵). بشر گمراه، حس مشارکت در کارهای خوب را از دست داده است.

انسانها برای خودشان، برای لحظه زندگی می کنند. این لعنت سقوط و گمراهی از پیدایش ۳ است. این به وضوح در جامعه مدرن غربی دیده میشود!
۴: ۲۰ " اما شما مسیح را بدین گونه نیاموختید" این تضاد قوی میان موعظه‌های مسیح و معلمان دروغین است. آیه ۱۷، بر تضاد بین زندگی قبلی خود به صورت کافر و زندگی جدیدشان در ایمان به مسیح است.

۴: ۲۱ "اگر" این یک جمله شرطی نوع اول است که از منظر نویسنده یا برای اهداف ادبی او شرط درست است. این مؤمنان حقیقت را شنیده بودند.

■ "عیسی" این یکی از استفاده های نادر از نام "عیسی" به خودی خود، در نوشته های پولس است. این ممکن است مربوط به آموزه های دروغین مربوط به عیسی (به عنوان انسان) در برابر مسیح روح (از نوع خدا بودن). در عرفان عیسی نمی تواند به طور کامل خدا و به طور کامل انسان باشد، زیرا روح (یعنی خدا) خوب است، اما ماده (بشر) بد است. آنها خدایی بودن او را تأیید می کنند، اما انسانی بودنش را انکار می کنند (مراجعه شود به اول یوحنا ۴: ۱-۶). جالب است که جامعه مدرن این ارتداد را وارونه کرده است.

۴: ۲۲ " از تن به در آورید" سه عبارت آئوریستی نامحدود در افسسیان ۴: ۲۲، ۲۳ و ۲۴ وجود دارند. لباس به عنوان یک استعاره برای توصیف ویژگیهای معنوی (یعقوب ۲۹: ۱۴؛ مزامیر ۱۰۹: ۲۹ و اشعیا ۶۱: ۱۰) استفاده می شود. این نیز تأکید بر نیاز به توبه و زندگی در نتیجه تغییر دارد (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱: ۱۵؛ اعمال رسولان ۳: ۱۹، ۱۶؛ ۲۰: ۲۱).

NASB "شیوه سابق زندگی شما"

NKJV "رفتار گذشته شما"

NRSV "شیوه زندگی گذشته شما"

TEV "که باعث شد به شیوه ای که عادت دارید زندگی کنید"

NJB "شیوه قدیمی زندگی خود را رها کنید"

در ترجمه KJV "گفتگو" نوشته شده که در سال ۱۶۱۱ میلادی که «آ» ترجمه نوشته شده، به معنای "شیوه زندگی" بود. این به وضوح نیاز به به روزرسانی ترجمه‌ها را نشان می دهد! هیچ ترجمه‌ای الهام بخش نیست. کار آنها این است که انجیل را به یک یا چند نسل دیگر منتقل کنید. تنها پیام اصلی که توسط خدا فرستاده شده، الهام گرفته شده است.

■ "آن انسان قدیم" این به ویژگیها و تمایلات بشر انسان سقوط کرده مربوط می شود (رومیان ۶: ۶؛ کولسیان ۳: ۹). این اولویت خود، استقلال از خداست، هر چه بیشتر و بیشتر برای من!

۴: ۲۳ "باید طرز فکر شما نشود" این فعل حال مجهول نامحدود است. مؤمنان همچنان باید به فکر کردن و اجازه دادن به روح برای بسط مسیح در ذهن آنان ادامه دهند (رومیان ۱۲: ۲؛ تیتوس ۳: ۵). این یک جنبه "عهد جدید" از ارمیا است. ۳۱: ۳۱-۳۴ (مراجعه شود به حزقیال ۳۶: ۲۲-۳۸).

۴: ۲۴ "در بر کنید" این یک آئوریست میانی نامحدود است. این استعاره لباس است که بر تصمیم دائمی بر مسیح تأکید دارد (رومیان ۱۳: ۱۴؛ غلاطیان ۳: ۲۷؛ کولسیان ۳: ۸، ۱۰، ۱۲، ۱۴؛ یعقوب ۱: ۲۱؛ اول پطرس ۲: ۱). این اصطلاح مسیحیت ممکن است حتی در رابطه با تعمید در کلیسای اولیه هم مرتبط شده باشد، جایی که تازه ایمان آوردگان پس از غسل تعمید در لباس تمیز و سفید قرار می گیرند. این دلالت بر یک انتخاب اختیاری دارد!

■ "انسان جدید" این یک استعاره برای زندگی جدید در طریق مسیح است. پطرس در دوم پطرس ۱: ۴ آن را "درک طبیعت الهی" نامید. این در تضاد با طبیعت انسان گمراه در افسسیان ۴: ۲۲ است.

■ "شبیبه خدا باشد" مؤمنان باید ویژگیهای خانواده خدا را داشته باشند (رومیان ۸: ۲۸-۲۹؛ غلاطیان ۴: ۱۹). کتاب مقدس تأکید بر موقعیت ما در مسیح و نیز نیاز ما به مسیحیت مترقی را دارد. رستگاری آزاد است، اما بلوغ هزینه همه چیز است! مسیحیت هم مرگ و هم زندگی است، یک نقطه و یک روند، یک هدیه و یک پاداش! این پارادوکس برای مردم مدرن بسیار دشوار است. آنها تمایل دارند تا یک جنبه یا دیگری را برجسته کنند. به موضوع ویژه زیر مراجعه کنید.

■ "در پارسایی" موضوع خاص زیر را مطالعه کنید.

موضوع خاص: پارسایی

Special Topic: Righteousness

"صداقت" یکی از موضوعات حساس است که هر دانشجوی انجیل باید مطالعات فردی جامعی در خصوص این مفهوم انجام دهد.

در عهد عتیق، شخصیت خدا به صورت "عادل" و "صادق/صالح" (فعل)، BDB 842, KB 1003، اسم مذکر، BDB 841, KB 1004، اسم مونث، BDB 842, KB 1006 توصیف شده است. این اصطلاح بین‌النهرینی از "ساقه نی" می‌آید که از آن در ساختمان به عنوان ابزاری برای تشخیص صاف بودن سطح افقی دیوارها و پرچینها استفاده می‌شد. خدا این اسم را برای استفاده استعاره‌ای برای ماهیت خودش انتخاب کرد. او یک سطح کاملاً صاف است (مانند خطکش) که توسط آن همه چیز ارزیابی می‌شوند. این مفهوم صادق بودن و همچنین حق داوری او را تصریح می‌کند.

انسان با تصویری از خدا خلق شد (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۱:۲۶ الی ۲۷، ۵:۱ و ۳:۶). نوع بشر برای دوستی با خدا خلق شد (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۳:۸). کل خلقت مرحله‌ای است برای تعامل میان خدا و نوع بشر. خدا می‌خواست بالاترین مخلوقش، یعنی نوع بشر، او را بشناسد، دوستش داشته باشد، به او خدمت کند، و مانند او باشد! وفاداری نوع بشر آزمایش شد (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۳) و اولین زوج در آزمایش شکست خوردند. این باعث شد رابطه خدا با انسان قطع شود (مراجعه شود به رومیان ۵:۱۲ الی ۲۱).

خدا قول داد که این دوستی را مجدداً برقرار کند (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۳:۱۵). به موضوع خاص: برنامه رستگاری جاودانی یهوه مراجعه شود). او این کار را با اراده خود و توسط پسرش انجام داد. انسانها توانایی مرمت این شکاف را نداشتند (مراجعه شود به رومیان ۱:۱۸ الی ۳:۲۰). مکاشفه (۵).

پس از سقوط، نخستین گام خدا برای برقراری مجدد این رابطه، مفهوم پیمان بر اساس دعوت انسان به توبه، وفاداری و پاسخ به اطاعت از وی بود (مراجعه شود به ارمیا ۳۱:۳۱ الی ۳۴، حزقیال ۳۶:۲۲ الی ۳۸). به واسطه سقوط، انسانها فاقد توانایی دادن پاسخ مناسب بودند (مراجعه شود به رومیان ۳:۲۱ الی ۳). خدا خودش باید نخستین گام را برمی‌داشت تا پیمان شکنی انسانها را مرمت کند. او این کار را با اقدامات زیر انجام داد:

۱. از طریق کارهای مسیح نوع بشر را صادق اعلام کردن (عدالت قضایی)
۲. از طریق مسیح به رایگان صداقت را به نوع بشر دادن (عدالت محسوب شده)
۳. دادن روح به نوع بشر که صداقت را ایجاد می‌کند (مسیح گونه بودن، بازیابی تصویری از خدا)
۴. تجدید دوستی باغ عدن (کتاب پیدایش ۱ الی ۲ را با مکاشفه ۲۱ الی ۲۲ مقایسه کنید)

با این وجود، خدا می‌خواهد که به پیمانش پاسخ دهیم. خدا حکم می‌کند (به رایگان می‌دهد، مراجعه شود به رومیان ۸:۸، ۵:۲۳) و تائید می‌کند ولی انسانها باید پاسخ داده و آن را ادامه دهند با

۱. توبه
۲. ایمان
۳. پیروی شیوه زندگی
۴. استقامت

بنابراین، صداقت یک پیمان و اقدام دوجانبه میان خدا و بالاترین مخلوقش است، بر اساس شخصیت خدا، کار عیسی و فعال کردن روح القدس، که به آن هر فرد باید شخصاً و به صورت مداوم پاسخ مناسب بدهد. به این مفهوم "دادن حق با لطف و از طریق ایمان" گفته می‌شود (مراجعه شود به افسسیان ۸:۲ الی ۹). این مفهوم در گاسپلها فاش می‌شود، ولی نه با این کلمات. در ابتدا توسط پولس، که از اصطلاح یونانی صداقت به اشکال مختلف بیش از یکصد مرتبه استفاده شده مطرح شد.

پولس که یک روحانی آموزش دیده است، از اصطلاح *dikaiousunē* در مفهوم عبری کلمه *tsaddiq* که در نسخه عبری انجیل به کار رفته، استفاده می‌کند، نه از نسخه یونانی. در نوشته‌های یونانی این کلمه به کسی گفته می‌شود که توقعات خدا و جامعه را برآورده می‌کند (مانند نوح، یعقوب). در مفهوم عبری همیشه در قالب کلمات پیمان است (به موضوع خاص: پیمان مراجعه شود). یهوه خدای عادل، با اخلاق و معنوی است. او می‌خواهد مردمش منعکس کننده شخصیتش باشند. انسان آزاد شده تبدیل به مخلوق جدیدی می‌شود (مراجعه شود به دوم قرنتیان ۵:۱۷، غلاطیان ۶:۱۵). این تازگی حاصلش تازگی شیوه جدید زندگی خداپسندانه است (مراجعه شود به انجیل متی ۵:۷، غلاطیان ۵:۲۲ الی ۲۴، جیمز، اول یوحنا). از آنجا که اسرائیل یک حکومت مذهبی بود، هیچ تعریف واضحی میان سکولار و روحانی (اراده خدا) وجود نداشت. این تمایز در قالب کلمات عبری و یونانی به کلمه "justice" (عدالت) (در رابطه با جامعه) و "صداقت" در رابطه با مذهب ترجمه شده است.

خبر خوب عیسی این است که رابطه انسان سقوط کرده با خدا تجدید می‌شود. این کار با عشق، رحم و لطف خدا انجام می‌شود، زندگی، مرگ و قیام از مردگان پسرش و با اظهار عشق روح القدس و جلب توجه به سوی خبر خوش. *Justification* یک حرکت آزاد از جانب خداست، ولی باید در قالب خداپسندانه باشد (وضعیت آگوستین، که منعکس کننده شکل بخشی مجدد که بر آزادی گاسپل و کلیسای کاتولیک رم تاکید بر زندگی تغییر یافته بر اساس عشق و وفاداری نسبت به خدا). برای اصلاح کنندگان کلمه "صداقت خدا" حالت اضافه عینی است (این عمل که انسان گناهکار برای قابل پذیرش

شود) [تقدیس موقعیتی]، در حالیکه برای کاتولیکها این یک مضاف الیه است، که فرایند بیشتر تبدیل شدن به خدا است [تقدیس تجربی در حال پیشرفت]. در واقعیت یقینا این هر دو است.

در دیدگاه من از تمام انجیل، از کتاب پیدایش ۴ گرفته تا مکاشفه ۲۰، حکایت از این دارد که خدا رابطه دوستی با بهشت را تجدید می کند. انجیل از دوستی خدا با انسان از همان ابتدا شروع می شود (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۱ الی ۲) و انجیل با همین شیوه خاتمه می یابد (مکاشفه ۲۱ الی ۲۲). تصویر و هدف خدا بازیابی می شود.

برای مستندسازی بحث فوق به عبارتهای منتخب از عهد جدید در زیر بر اساس گروه کلمات یونانی مراجعه کنید

۱. خدا صادق است اغلب با اینکه خدا قاضی است مرتبط می باشد)

a. رومیان ۳:۲۶

b. دوم تسالونیکیان ۵:۱ الی ۶

c. تیموتائوس ۴:۸

d. مکاشفه ۵:۱۶

۲. عیسی صادق است

a. اعمال رسولان ۳:۱۴، ۷:۵۲، ۲۲:۱۴ (عنوان مسیح)

b. انجیل متی ۲۷:۱۹

c. اول یوحنا ۲:۱ و ۲۹، ۳:۷

۳. اراده خدا برای مخلوقش صداقت است

a. لایوان ۱۹:۲

b. انجیل متی ۵:۴۸ (مراجعه شود به ۵:۱۷ الی ۲۰)

۴. ابزار خدا برای تامین و ایجاد صداقت

a. رومیان ۳:۲۱ الی ۳۱

b. رومیان ۴

c. غلاطیان ۳:۶ الی ۱۴

d. رومیان ۵:۶ الی ۱۱

۵. داده شده توسط خدا

a. رومیان ۳:۲۴، ۶:۲۳

b. اول قرنتیان ۱:۳۰

c. افسسیان ۲:۸ الی ۹

۶. دریافت با ایمان

a. رومیان ۱:۱۷، ۳:۲۲ و ۳:۲۶، ۴:۳ و ۵ و ۱۳، ۹:۳۰، ۴:۱۰ و ۶ و ۱۰

b. دوم قرنتیان ۵:۷ و ۲۱

۷. توسط کارهای پسر

a. رومیان ۵:۲۱

b. دوم قرنتیان ۵:۲۱

c. فیلیپیان ۲:۶ الی ۱۱

۸. اراده خدا این است که پیروانش صادق باشند

a. انجیل متی ۵:۳ الی ۵:۴۸، ۷:۲۴ الی ۲۷

b. رومیان ۲:۱۳، ۵:۱ الی ۵، ۶:۱ الی ۲۳

c. افسسیان ۴:۱، ۲:۱۰

d. اول تیموتائوس ۶:۱۱

e. دوم تیموتائوس ۲:۲۲، ۳:۱۶

f. اول یوحنا ۳:۷

g. اول پطرس ۲:۲۴

۹. خدا جهان را با صداقت داوری میکند

a. اعمال رسولان ۱۷:۳۱

b. دوم تیموتائوس ۴:۸

۱۰. صداقت یک مشخصه خدا است، که آن را توسط مسیح به انسان گناهکار می‌دهد.

a. یک حکم خدا

b. هدیه‌ای از خدا

c. یک کار مسیح

d. زندگی که باید زندگی کرد

ولی صالح شدن هم فرایندی دارد که باید با نیرومندی و پایداری آن را طی کرد، که با فرارسیدن بازگشت دوم، به سرانجام خواهد رسید. دوستی با خدا در رستگاری تجدید می‌شود ولی تداوم و پیشرفت آن در طی زندگی و مواجهه رو در رو با او (مراجعه شود به اول یوحنا ۳:۲) در زمان مرگ انجام می‌شود.

برای جمع بندی این بحث، در اینجا نقل قول خوبی را برگرفته از *Dictionary of Paul and His Letters* از IVP بیان می‌دارم:

"کالوین بیش از لوتر بر جنبه رابطه‌ای صداقت و صالح بودن خدا تاکید دارد. به نظر می‌رسد دیدگاه لوتر از صداقت خدا در بردارنده جنبه برائت باشد. کالوین بر طبیعت حیرت‌انگیز ارتباط یا رساندن صداقت خدا به ما تاکید می‌کند" (صفحه ۸۳۴).

از نظر من، رابطه مومن با خدا شامل این سه جنبه است:

۱. گاسپل یک فرد است (تاکید کلیسای شرقی و کالوین)

۲. گاسپل حقیقت است (تاکید آگوستین و لوتر)

۳. گاسپل زندگی تغییر یافته است (تاکید کاتولیک)

همه اینها درست هستند و باید برای مسیحیت سالم و انجیلی با همدیگر حفظ شوند. اگر هر کسی بیش از حد تاکید کرده یا مسامحه نماید، مشکلاتی به وجود می‌آیند.

ما باید عیسی را بپذیریم!

ما باید به گاسپل ایمان داشته باشیم!

ما باید همچون مسیح بودن را ادامه دهیم!

NASB (به روز شده): افسسیان ۴: ۲۵ الی ۳۲

۲۵ پس، از دروغ روی برتافته، هر یک با همسایه خود سخن به راستی گویند، چرا که ما همه، اعضای یکدیگریم.^{۲۶} «خشمگین باشید، اما گناه نکنید»؛ مگذارید روزتان در خشم به سر رسد،^{۲۷} و ابلیس را مجال ندهید.^{۲۸} دزد دیگر دزدی نکند، بلکه به کار مشغول شود، و با دستهای خود کاری سودمند انجام دهد، تا بتواند نیازمندان را نیز چیزی دهد.

۲۹ دهانتان به هیچ سخن بد گشوده نشود، بلکه گفتارتان به تمامی برای بنای دیگران به کار آید و نیازی را برآورده، شنوندگان را فیض رساند.

۳۰ روح قدوس خدا را که بدان برای روز رهایی مهر شده‌اید، غمگین مسازید.^{۳۱} هر گونه تلخی، خشم، عصبانیت، فریاد، ناسزاگویی و هر نوع بدخواهی را از خود دور کنید.^{۳۲} با یکدیگر مهربان و دلسوز باشید و همان‌گونه که خدا شما را در مسیح بخشوده است، شما نیز یکدیگر را ببخشایید.

۴: ۲۵ "روی برتافته" این یک وجه وصفی اُتوریست میانی است که به عنوان فعل امری استفاده شده است. این استعاره لباس را ادامه می‌دهد (مراجعه شود به افسسیان ۴: ۲۴). مؤمن نیاز به تصمیم اولیه‌ای دارد و تصمیمات مکرر (یعنی روزانه، حتی یک ساعت) برای اینکه با تقدس زندگی کند. نگاه کنید به موضوع خاص: فضیلت و تقوا در عهد جدید در کولسیان ۳: ۵.

■ "دروغ" (در متن انگلیسی اصطلاح "خطا" نوشته شده است که در ترجمه فارسی به اشتباه دروغ نوشته شده) این اشاره به یکی از اینها دارد

۱. دروغ گفتن

۲. دروغ از روی بی ایمانی همانطور که در اول یوحنا ۲: ۲۲ استفاده شده است

۳. پیام معلمین دروغین.

■ "هر یک با همسایه خود سخن به راستی گوید" این یک نقل قول از زکریا ۸: ۱۶ است. توجه کنید که پولس از عهد عتیق برای تشویق مؤمنان عهد جدید نقل قول میکند (مراجعه شود به افسسیان ۴: ۲۶). عهد عتیق ابزار نجات نیست، اما هنوز هم آشکارا مکاشفه معتبری از خدا است (مراجعه شود به انجیل متی ۵: ۱۷-۱۹). عهد عتیق همچنان در تقدیس عمل می کند، فقط در توجیه نیست. موضوع خاص: حقیقت در افسسیان ۱: ۱۳ را مطالعه کنید.

■ "چرا که ما همه، اعضای یکدیگریم" "بدن" یکی از استعاره‌های پولس برای کلیسا است (مراجعه شود به اول قرنتیان ۱۲: ۱۲-۳۰). به مؤمنان برای خیر مشترک نعمت داده میشود (مراجعه شود به اول قرنتیان ۱۲: ۷). مومنین برای خانواده زندگی می کنند. آنها نمیتوانند به عنوان افراد منفرد زندگی کنند.

۴: ۲۶ "خشمگین باشید، اما گناه نکنید" این یک فعل زمان حال میانی (دیپوننت) امری است. این یک نقل قول از مزامیر ۴: ۴ است. بعضی از مقاطع زندگی وجود دارند که خشم لازم است، اما باید آن را درست انجام داد (به عنوان مثال، تظہیر معبد توسط عیسی، مراجعه شود به انجیل یوحنا ۲: ۱۳-۱۷). این شروع یک سری افعال زمان حال امری با وجه منفی است که معمولاً بدین معنی است که یک عمل را که در حال انجام است باید متوقف کرد (مراجعه شود به افسسیان ۴: ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹ و ۳۰).

■ "مگذارید روزتان در خشم به سر رسد" این ممکن است اشاره ای به تثنیه ۲۴: ۱۵ باشد. روز یهودی با غروب خورشید شروع میشود (مراجعه شود به پیدایش ۱: ۵). خشم احساس قدرتمندی است که باید با سرعت با آن کار شود. این ممکن است از نظر استعاره‌ای به زمان و یا به معنای واقعی کلمه به خواب، اشاره داشته باشد که اجازه می دهد خشم به نیروی ناخودآگاه تبدیل شود.

۲۷: ۴

NASB "به شیطان فرصت ندهید"

NKJV "و به شیطان هم جایی ندهید"

NRSV "جایی برای شیطان نگذارید"

TEV "به شیطان شانسی ندهید"

NJB "یا اینکه به شیطان جای پا میدهد"

این یک زمان حال فعال امری با حرف اضافه نفی است که معمولاً به متوقف کردن عمل در حال اجرا اشاره دارد. خشمی که خدایی نیست، دروازه بازی است برای حمله روحانی؛ حتی خشم الهی (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۲: ۱۳-۱۷؛ انجیل متی ۲۱: ۱۲-۱۳) باید به سرعت مورد رسیدگی قرار گیرد (مراجعه شود به افسسیان ۶: ۱۰-۱۸).

اصطلاح "شیطان" یک ترکیب یونانی است ("*diabolos*") که به معنی "پرتاب کردن" است (مراجعه شود به اعمال رسولان ۱۳: ۱۰؛ افسسیان ۴: ۲۷؛ ۶: ۱۱؛ اول تیموتائوس ۳: ۶، ۷؛ دوم تیموتائوس ۲: ۲۶). این یک روش استعاری بود که به شیطان به عنوان متهم کننده اشاره می کرد. پولس به شیطان در چندین عبارت اشاره کرده است (مراجعه شود به اعمال رسولان ۲۶: ۱۸؛ رومیان ۱۰: ۲۰؛ اول قرنتیان ۵: ۵؛ ۷: ۵؛ دوم قرنتیان ۲: ۱۱؛ ۱۱: ۱۴؛ اول تسالونیکیان ۲: ۱۸؛ دوم تسالونیکیان ۲: ۹؛ اول تیموتائوس ۱: ۲۰؛ ۵: ۱۵). ظاهراً شیطان فرشته ای بود که علیه خدا قیام کرد (مراجعه شود به پیدایش ۳: یعقوب ۱-۲؛ زکریا ۳). از نظر کتاب مقدس دشوار است که درباره شیطان صحبت کنیم؛ زیرا

۱. کتاب مقدس هرگز به طور قطعی از مبدأ یا هدف شیطان سخن نمی گوید

۲. متون عهد عتیق که اغلب به عنوان احتمال در رابطه با شورش شیطان هستند به طور خاص به محکوم کردن حاکمان مغرور زمین می پردازند (پادشاه بابل، اشعیا ۱۴ و پادشاه تیریه، حزقیال ۲۸) و نه شیطان (به ویژه موضوع: شیطان فردی در افسسیان ۲: ۲ مراجعه کنید)

از چندین متن عهد جدید بدیهی است که در قلمرو روحانی مناقشه وجود دارد (مراجعه شود به انجیل متی ۴: ۱۰؛ ۱۲: ۲۶؛ ۱۶: ۲۳؛ انجیل یوحنا ۱۳: ۲۷؛ ۱۴: ۳۰؛ ۱۶: ۱۱؛ اعمال رسولان ۵: ۳؛ دوم قرنتیان ۴: ۴؛ افسسیان ۲: ۲؛ اول یوحنا ۵: ۱۹؛ مکاشفه ۲: ۹، ۱۳، ۲۴؛ ۳: ۹؛ ۱۲: ۹؛ ۲۰: ۲، ۷). کجا، زمانی، و چگونه، همگی اسرار هستند. مومنین دشمن فرشته‌ای دارند (مراجعه شود به افسسیان ۲: ۲)!

رابطه بین خدا و شیطان از خدمت به خصومت منتهی شده است. شیطان پلید آفریده نشد. کار دفاعی او در پیدایش ۳، یعقوب ۱-۲ و زکریا ۳ در خلوت خداوند بود (مراجعه شود به An Old Testament Theology اثر A. B. Davidson، صفحات ۳۰۰-۳۰۶، برای توسعه شیطان در کتاب مقدس). آزمونی برای وفاداری و اعتماد به نفس انسان ارائه کرد. انسان شکست خورد.

۴: ۲۸ "دزد دیگر دزدی نکند" زندگی جدید در طریق مسیح دارای پتانسیل و هدف است تا به طور اساسی و دائمی اعمال و شخصیت خود را تغییر دهد.

این تغییر شواهدی از رستگاری و شاهد گمراهی است.

■ "به کار مشغول شود" (در متن انگلیسی "باید کار کند/باید به کاری مشغول شود" نوشته شده که "باید" در ترجمه فارسی حذف شده است) این زمان حال فعال امری است. یهودیت برای کار بدنی ارزش زیادی قائل بود، همینطور هم مسیحیت اولیه (مراجعه شود به اول تسالونیکیان ۴: ۱۱، دوم تسالونیکیان ۳: ۱۰ الی ۱۲).

■ "تا بتواند نیازمندان را نیز چیزی دهد" کار نه تنها خواست خدا برای بشر است (به عنوان مثال آدم در باغ عدن قبل از گناه کار میکرد)، بلکه راهی برای به اشتراک گذاشتن با کسانی است که نیاز دارند. مومنین به عنوان پیشخدمتان رفاه خدای هستند (مراجعه شود به تثنیه ۸: ۱۱-۲۰)، نه صاحبان آن. دادنها و وقف کردنهای ما شاخصهای واقعی از سلامت معنوی ما هستند (دوم قرنتیان ۸ الی ۹).

موضوع خاص: ثروت

(Special Topic: Wealth)

I. چشم انداز عهد عتیق در عنوان کل

A. خدا مالک همه چیز است

۱. پیدایش ۱ الی ۲

۲. اول تواریخ ۱۱: ۲۹

۳. مزمو ۱: ۲۴، ۱۲: ۵۰، ۱۱: ۸۹

۴. اشعیا ۲: ۶۶

B. انسانها ناظرین ثروت برای اهداف خدا هستند

۱. تثنیه ۱۱: ۸ الی ۲۰

۲. لاویان ۹: ۱۹ الی ۱۸

۳. یعقوب ۱۶: ۳۱ الی ۳۳

۴. اشعیا ۶: ۵۸ الی ۱۰

C. ثروت بخشی از عبادت است

۱. دو عشر

a. اعداد ۱۸: ۲۱ الی ۲۹، تثنیه ۶: ۱۲ الی ۷، ۲۲: ۱۴ الی ۲۷

b. تثنیه ۱۰: ۳، ۲۰: ۸ الی ۲۱، ۲۲: ۱۰، ۶: ۱۵

۲. امثال ۹: ۳

D. ثروت به عنوان هدیه ای از جانب خدا برای وفاداران به پیمان

۱. تثنیه ۲۷ الی ۲۸

۲. امثال ۱۰: ۳، ۲۰: ۸ الی ۲۱، ۲۲: ۱۰، ۶: ۱۵

E. هشدار در برابر ثروت به قیمت دیگران

۱. امثال ۶: ۲۱

۲. ارمیا ۵: ۲۶ الی ۲۹

۳. یوشع ۶: ۱۲ الی ۸

۴. میکاه ۹: ۶ الی ۱۲

F. ثروت به خودی خود گناه نیست مگر اینکه اولویت داشته باشد

۱. مزمو ۷: ۵۲، ۱۰: ۶۲، ۳: ۷۳ الی ۹

۲. امثال ۱۱: ۲۸، ۴: ۲۳، ۵: ۲۷، ۲۰: ۲۸ الی ۲۲

۳. یعقوب ۲۱: ۲۴ الی ۲۸

II. چشم انداز منحصر به فرد امثال

A. ثروت حاصل تلاش فردی است

۱. سستی و تنبلی محکوم است، امثال ۶: ۶ الی ۱۱، ۴: ۱۰ الی ۵ و ۲۶، ۱۲: ۲۴ و ۲۷، ۴: ۱۳، ۱۹: ۱۵، ۱۸: ۱۹، ۱۹: ۱۵ و ۲۴.

۴:۲۰ و ۱۳:۲۵، ۲۱:۱۳، ۲۲:۳۰، ۲۴:۳۰، ۳۴:۱۳، ۲۶:۱۶ الی ۱۶

۲. سخت کار کردن تشویق شده است - امثال ۱۱:۱۲ و ۱۴:۱۱، ۱۳:۱۱

B. از فقر در برابر ثروت برای به تصویر کشیدن ضعف در برابر پارسایی استفاده شده است - امثال ۱:۱۰، ۲۷:۱۱ الی ۷:۱۳، ۱۶:۱۵

الی ۱۷:۶، ۲۸:۱۹ و ۲۰ الی ۲۰

C. خرد (شناختن خدا و کلامش و زندگی با این آگاهی) بهتر از ثروت است - امثال ۳:۱۳ الی ۱۵:۸، ۹:۱۱ الی ۱۱:۱۸ و ۲۱:۱۸، ۱۳:۱۳

D. هشدارها و نصایح

۱. هشدارها

a. موقع تضمین وام همسایه مراقب باشید - امثال ۱:۶ الی ۵:۱۵، ۱۱:۱۸، ۱۷:۱۶، ۲۰:۱۶، ۲۲:۲۶ الی ۲۷:۱۳، ۲۷:۱۳

b. مراقب باشید که از راه های شیطانی ثروتمند نشوید - امثال ۱:۱۹، ۲:۱۰ و ۱۵:۱، ۱۱:۱، ۱۳:۱۱، ۱۶:۱۱، ۲۰:۱۰ و ۲۰:۱۰

۲۳:۶، ۲۱:۱۶ و ۲۲:۱۶، ۲۲:۸

c. موقع قرض گرفتن مراقب باشید، امثال ۲۲:۷

d. حواستان باشد که ثروت کوتاه مدت است، امثال ۴:۲۳ الی ۵

e. ثروت در روز داوری کمک نخواهد کرد - امثال ۴:۱۱

f. ثروت "دوستان" زیادی دارد - امثال ۲۰:۱۴، ۴:۱۹

۲. نصایح

a. سخاوتمندی تشویق می شود - امثال ۱۱:۲۴ الی ۲۶:۳۱، ۱۷:۵، ۱۷:۱۷، ۱۹:۹ و ۲۲:۹، ۲۲:۲۲ الی ۲۳:۱۰، ۲۳:۱۰ الی ۱۱

۲۸:۲۷

b. پارسایی بهتر از ثروت است - امثال ۸:۱۶، ۶:۲۸ و ۸ و ۲۰ الی ۲۲

c. دعا برای نیاز است نه فراوانی - امثال ۷:۳۰ الی ۹

d. به فقیر کمک کردن همانند کمک کردن به خدا است - امثال ۳۱:۱۴

III. چشم انداز عهد جدید

A. عیسی

۱. ثروت یک وسوسه منحصر به فرد برای اعتماد به خود و منابع خود به جای خدا و منابع او است

a. انجیل متی ۶:۲۴، ۱۳:۲۲، ۱۹:۲۳

b. انجیل مرقس ۱۰:۲۳ الی ۳۱

c. انجیل لوقا ۱۵:۱۲ الی ۲۱ و ۳۳ الی ۳۴

d. مکاشفه ۳:۱۷ الی ۱۹

۲. خدا نیازهای فیزیکی ما را تامین می کند

a. انجیل متی ۶:۱۹ الی ۳۴

b. انجیل لوقا ۱۲:۲۹ الی ۳۲

۳. هر آنچه بکاری، حاصل همان را برداشت می کنی

a. انجیل مرقس ۴:۲۴

b. انجیل لوقا ۶:۳۶ الی ۳۸

c. انجیل متی ۶:۱۴، ۱۸:۳۵

۴. توبه بر ثروت تاثیر می گذارد

a. انجیل لوقا ۱۹:۲ الی ۱۰

b. لاویان ۵:۱۶

۵. سو استفاده اقتصادی محکوم است

a. انجیل متی ۲۳:۲۵

b. انجیل مرقس ۱۲:۳۸ الی ۴۰

۶. داوری پایان زمان با استفاده ما از ثروت رابطه دارد - انجیل متی ۲۵:۳۱ الی ۴۶

B. پولس

۱. نگاه عملی همانند امثال

a. افسسیان ۴:۲۸

b. اول تسالونیکیان ۴:۱۱ الی ۱۲

c. دوم تسالونیکیان ۳:۸ و ۱۱ الی ۱۲

d. اول تیموتائوس ۵:۸

۲. نگاه معنوی همانند عیسی (همه چیز کوتاه مدت است)

a. اول تیموتائوس ۶:۶ الی ۱۰ (قناعت)

b. فیلیپیان، ۴:۱۱ الی ۱۲ (قناعت)

c. عبرانیان ۱۳:۵ (قناعت)

d. اول تیموتائوس ۶:۱۷ الی ۱۹ (سخت‌مندی و اعتماد به خدا، نه ثروت)

e. اول قرنتیان ۷:۳۰ الی ۳۱

IV. جمع بندی

A. هیچ الهیات انجیلی سیستماتیکی در مورد ثروت وجود ندارد

B. هیچ عبارت قطعی و مشخصی در این مورد وجود ندارد، بنابراین بینشها باید بسوی عبارتهای متفاوت باشند. مراقب باشید که در میان متون بدنبال عقیده خود نباشید.

C. امثال، که توسط افراد خردمند نوشته شده، نگرش متفاوتی از سایر انواع ژانرهای انجیلی دارد. امثال عملی بوده و بر افراد تمرکز دارد. برقرار کننده توازن است و باید میان بقیه کتاب مقدس توازن برقرار کند (مراجعه شود به ارمیا ۱۸:۱۸)

D. روزگار ما باید نگرش خود و تجربیاتش در رابطه با ثروت را در نور انجیل تحلیل کند. اگر فقط سرمایه داری یا کمونیسیم تنها راهنمای ما باشند، اولویتهای جابجا می‌شوند. چرا و چگونه یک نفر موفق می‌شود سوالات مهمتری هستند تا اینکه چقدر اندوخته است.

E. انباشتن ثروت باید در توازن با عبادت و خدمتگزاری مسئولانه باشد (مراجعه شود به دوم قرنتیان ۸ الی ۹).

۲۹:۴

NASB "نگذارید هیچ کلام ناپاکی از دهان شما جاری شود"

NKJV "نگذارید هیچ بیان فاسدی از دهانتان خارج شود"

NRSV "نگذارید هیچ کلام پلیدی از دهان شما خارج گردد"

TEV "در صحبت کردن از کلماتی که آسیب میرسانند استفاده نکنید"

NJB "در برابر گفته های خطا جبهه گیری کنید"

این اصطلاح برای چیزی که فاسد شده یا از سنگ تراشیده شده (مراجعه شود به انجیل متی ۷: ۱۷-۱۸؛ ۱۲: ۳۷؛ انجیل لوقا ۶: ۴۳) استفاده میشود. به صورت استعاره، این برای "فاسد"، "خراب"، "معیوب"، "ناپاک" یا "ناخالص" استفاده می‌شود. در متن به تعالیم و سبک زندگی معلمان دروغین اشاره میکند (مراجعه شود به کولسیان ۳: ۸). این در این متن به جوک یا تمسخر شدید اشاره ندارد (مراجعه شود به افسسیان ۵: ۴؛ کولسیان ۴: ۶). عیسی یاد داد که کلام آنچه در قلب میگذرد را نشان میدهد (مراجعه شود به انجیل مرقس ۷: ۱۵؛ ۱۸-۲۳). به موضوع خاص: گفتار انسانی در کولسیان ۳: ۸ مراجعه کنید.

■ "بلکه گفتارتان به تمامی برای بنای دیگران به کار آید" یک شاهد از هدایای معنوی خداوند این است که آنها تمام بدن را تهذیب می‌کنند (مراجعه شود به رومیان ۱۴: ۱۳-۲۳؛ اول قرنتیان ۱۴: ۴، ۵، ۱۲، ۱۷، ۲۶). مومنین باید برای خیر بدن (کلیسا، مراجعه شود به اول قرنتیان ۱۲: ۷) زندگی کنند، به آنها بدهند، و برای نفع آن بشارت دهند، نه برای خود (افسسیان ۴: ۳). باز هم جنبه مشارکتی ایمان انجیلی بر آزادی فرد تاکید می‌شود (مراجعه شود به رومیان ۱۴: ۱ الی ۱۵: ۱۳). به موضوع خاص: تقدس در افسسیان ۲: ۲۱ مراجعه شود.

■ "شنوندگان را فیض رساند" در متن، این نمی‌تواند به معنای «فیض» باشد، همانند "در نجات"، بلکه به معنی نیکی یا به نفع مؤمنان دیگر است، به خصوص کسانی که توسط (۱) معلمین دروغین (مراجعه شود به دوم پطرس ۲: ۱-۲۱) یا (۲) در زندگی کفرآمیز قبلی خود غوطه می‌خورند (مراجعه شود به دوم پطرس ۲: ۲۲) وسوسه شده و مورد آزمایش قرار گرفتند.

۴: ۳۰ "روح قدّوس غمگین مسازید" این یک فعل حال امری فعال با وجه نفی است که معمولاً به معنی متوقف کردن یک عمل در حال انجام است. این حقیقت را بیان می‌کند که روح شخص است. همچنین نشان می‌دهد که کارهای مؤمنان باعث درد روح القدس می‌شود (اول تسالونیکیان ۵: ۱۹). این

ممکن است اشاره ای به اشعیا ۶۳: ۱۰ باشد. هدف روح القدس برای همه مؤمنان، مسیحی بودن است (مراجعه شود به افسسیان ۱: ۴؛ ۲: ۱۰؛ ۴: ۱۳؛ رومیان ۸: ۲۸-۲۹؛ غلاطیان ۴: ۱۹). موضوع خاص: شخصیت روح در افسسیان ۱: ۱۴ را مطالعه کنید.

■ "مهر شده‌اید" (در نسخه انگلیسی "روح القدس که توسط او برای روز رهایی مهر شده‌اید" نوشته شده) این زمان آتوریست فعال مجهول است. این مهر و موم توسط روح در رستگاری انجام می‌شود (مراجعه شود به افسسیان ۱: ۱۳-۱۴؛ مکاشفه ۷: ۲-۴). مهر کردن نشانه فرهنگی مالکیت، امنیت و اصل بودن بود. مومنین به مسیح تعلق دارند. به موضوع خاص: مهر در افسسیان ۱: ۱۳ مراجعه کنید.

■ "برای روز رهایی" بسته به رابطه شما با مسیح، این به آمدن دوم، قیامت یا روز قیامت اشاره می‌کند. به موضوع خاص: خونبها در کولسیان ۱: ۱۴ مراجعه کنید. برای بحث خوب در مورد این آیه، اثر Gordon Fee *To What End Exegesis?* صفحات ۲۶۲-۲۷۵ را ببینید.

۴: ۳۱ "هر گونه تلخی" این به یک وضعیت خصومت غم انگیز اشاره دارد که هیچ شانس برای مصالحه وجود ندارد.

■ "خشم" این (*thumos*) به یک خشم و یا خشم سریع خفیف اشاره دارد (مراجعه شود به دوم قرتیان ۱۲: ۲۰؛ غلاطیان ۵: ۲۰؛ کولسیان ۳: ۸).

■ "عصبانیت" این (*orgē*) اشاره به سوزش آهسته یا نفرت دارد (مراجعه شود به دوم قرتیان ۱۲: ۲۰؛ غلاطیان ۵: ۲۰؛ کولسیان ۳: ۸).

■ "فریاد" این به داد و فریاد اشاره دارد (انجیل متی ۲۵: ۶؛ اعمال رسولان ۲۳: ۹). در این متن ممکن است به تهدیدات و یا اتهامات اشتباه توسط معلمان دروغین یا پیروان آنها اشاره شود.

■ "ناسزاگویی و هر نوع بدخواهی" این ممکن است منعکس کننده تکنیک‌های معلمان دروغین باشد. این فهرست مشکلات ایجاد شده توسط (۱) معلمان دروغین و یا (۲) ویژگی‌هایی که موجب اختلاف نظر می‌شوند را نشان می‌دهد. همین گناهان در کولسیان ۳: ۸ هم ذکر شده‌اند.

■ "دور کنید" این آتوریست مجهول امری است. مومنین باید اجازه دهند که روح این ویژگی‌های طبیعت قدیمی، گمراهانه آدمی را یک بار و برای همیشه حذف کند. همانطور که نجات شامل انتخاب شخصی است، زندگی مسیحی نیز همین طور است.

۴: ۳۲ "با یکدیگر مهربان و دلسوز باشید و یکدیگر را ببخشایید" این متضاد با افسسیان ۴: ۳۱ است. زمان حال میانی (دپوننت) امری است. اینها دستورات مثبت مداوم هستند (مراجعه شود به کولسیان ۳: ۱۲ الی ۱۳) که

۱. روح را خشنود می‌سازند

۲. دوستی با قدیسان را بنا می‌سازند

۳. مردمان گمراه را جذب می‌کنند

■ "همان گونه که خدا شما را به واسطه مسیح بخشوده است" این انگیزه اساسی برای کارهای مؤمنین است، اعمال مسیح نسبت به آنها است (متی ۶: ۱۲، ۱۵-۱۴، ۱۸، ۳۵-۲۱؛ فیلیپیان ۲: ۱-۱۱؛ اول یوحنا ۳: ۱۶).

سوالات بحث

این یک راهنمای مطالعاتی است، که بدین معنی است که شما خودتان مسئول تفسیر انجیل هستید. هر یک از ما باید در مسیر خودمان گام برداریم. شما، انجیل و روح القدس در اولویت تفسیر هستید. شما نباید این امر را به یک مفسر واگذار کنید.

این سوالات مباحثاتی به منظور کمک به شما در تفکر نسبت به مسائل اصلی این بخش از کتاب مطرح شده‌اند. آنها صرفاً تفکر برانگیز هستند نه قطعی.

۱. مشخصات "زندگی شایسته" را فهرست کنید. زندگی شما با آن چگونه مقایسه می‌شود؟

۲. چرا وحدت مهم است؟

۳. پولس در آیات ۴-۶ چه چیزی را بیان می‌کند؟

۴. آیا هر مسیحی یک هدیه روحانی دارد؟ چه زمانی آنها را دریافت می‌کنند؟ چه کسی آن را می‌دهد؟ برای چه منظوری؟

۵. هدف کلیسا چیست؟

۶. مشکلات بت پرستان را فهرست کنید (افسیان ۴: ۱۷-۱۹)

۷. سه کاری را که مسیحیان باید انجام دهند فهرست کنید (افسیان ۴: ۲۲-۲۴).

۸. چهار مورد از تقوای مسیحیان که در افسسیان ۴: ۲۵ الی ۳۱ ذکر شده را فهرست کنید

افسیان ۵

پاراگراف‌های ترجمه‌های مدرن *

UBS ⁴	NKJV	NRSV	TEV	NJB
قوانین زندگی جدید	با عشق گام برداشتن	رد شیوه‌های کفر آمیز (۴: ۱۷ الی ۵: ۲۰)	زندگی در نور	زندگی جدید در راه مسیح (۴: ۱۷ الی ۵: ۲۰)
۴: ۲۵ الی ۵: ۵		۴: ۲۵ الی ۵: ۲		۴: ۲۵ الی ۵: ۲۰
	۷ الی ۱: ۵		۵: ۱ الی ۲	
		۵: ۳ الی ۵	۵: ۳ الی ۵	
گام برداشتن همانند فرزندان نور	گام برداشتن در نور			
۵: ۶ الی ۱۴		۵: ۶ الی ۱۴	۵: ۶ الی ۱۴	
	گام برداشتن در خرد			
۵: ۱۵ الی ۲۰	۵: ۱۵ الی ۲۱	۵: ۱۵ الی ۲۰	۵: ۱۵ الی ۱۷	
			۵: ۱۸ الی ۲۰	
زنان و شوهران	ازدواج و کلیسا	اهالی خانه مسیحی	زنان و شوهران	اخلاق خانه
۵: ۲۱ الی ۳۲		(۵: ۲۱ الی ۶: ۹)	۵: ۲۱	(۵: ۲۱ الی ۶: ۹)
	۵: ۲۲ الی ۲۳	۵: ۲۲ الی ۲۴	۵: ۲۲ الی ۲۴	۵: ۲۱ الی ۶: ۴
		۵: ۲۵ الی ۶: ۳	۵: ۲۵ الی ۳۳	

مطالعه حلقه سوم (رجوع کنید به "سمینار تفسیر کتاب مقدس")

به دنبال نیت اصلی نویسنده در سطوح پاراگراف

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور خود راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید.

کل کتاب مقدس را در یک نشست بخوانید. موضوعات را مشخص نمایید (مطالعه حلقه شماره ۳). تقسیمات موضوعی خود را با پنج ترجمه بالا مقایسه کنید. پاراگراف‌بندی به نویسنده الهام نشده است، اما کلید پیگیری اهداف اصلی نویسنده است که قلب تفسیر است. هر پاراگراف تنها و تنها یک موضوع دارد.

۱. پاراگراف اول
۲. پاراگراف دوم
۳. پاراگراف سوم و غیره
۴. و غیره

بینش متنی بر ۵: ۱ الی ۶: ۹

A. افسسیان ۵: ۱-۱۴ ادامه افسسیان ۴: ۱۷-۳۲ است. به بررسی زندگی مسیحی پرداخته و میگوید که مسیحیان چه کاری باید و نباید انجام دهند.

B. افسسیان ۵: ۳-۵ از عشق بیدریغ مسیح در آیه ۲ به انسان خود-محور و جهان بین انسان افتاده و گمراه تبدیل می‌شود (افسیان ۴: ۲۵-۳۲).

C. افسسیان ۵: ۸-۱۸ معلمان دروغین را در برابر مؤمنان واقعی قرار میدهد

۱. تاریکی، افسسیان ۵: ۸، نور، افسسیان ۵: ۸
 ۲. اعمال بیثمر تاریکی، افسسیان ۵: ۱۱، میوه نور، افسسیان ۵: ۹
 ۳. ننگ . . در نهان، افسسیان ۵: ۱۲، آنها را افشا کن ۵: ۱۱، ۱۳
 ۴. مردان بی خرد، افسسیان ۵: ۱۵ عاقل، افسسیان ۵: ۱۵
 ۵. احمقانه، افسسیان ۵: ۱۷، اراده خدا را درک میکنند، افسسیان ۵: ۱۷
 ۶. پر از شراب، افسسیان ۵: ۱۸ از روح پر میشود، افسسیان ۵: ۱۸
- D. زمان حال مجهول امری افسسیان ۵: ۱۸، "با روح پر می شود"، با پنج وجه وصفی حال تعریف می شود (افسسیان ۵: ۱۹-۲۱). این عبارت قطعی در مورد پر کردن روح در عهد جدید است.
- E. پولس زندگی لبریز از روح را با استفاده از خانه مسیحی به عنوان مثال نشان می دهد. او می نویسد
۱. شوهران و زنان، افسسیان ۵: ۲۲ الی ۳۱
 ۲. والدین و فرزندان، افسسیان ۶: ۱ الی ۴
 ۳. اربابان و بردگان خانه، افسسیان ۶: ۵ الی ۹

مطالعه عبارت و کلام

NASB (به روز شده): ۵: ۱ الی ۲

۱ پس همچون فرزندان عزیز، از خدا سرمشق بگیرید. ۲ و با محبت رفتار کنید، چنانکه مسیح هم ما را محبت کرد و جان خود را در راه ما همچون قربانی و هدیه ای عطرآگین به خدا تقدیم نمود.

۵: ۱ "از خدا سرمشق بگیرید" این یک حال میانی (دیپوننت) امری است. کلمه انگلیسی "تقلید" از این ریشه یونانی می آید. در افسسیان ۴: ۳۲ و ۵: ۲ تقلید از خدا به عنوان کسی که (۱) آمرزنده و (۲) در عشق و خودخواهی مثل عیسی، تعریف شده است. این اقدامات یکپارچگی ایجاد میکنند (مراجعه شود به افسسیان ۴: ۲-۳). مؤمنان باید به نفع مشارکت های بزرگ بدن، نه حقوق فردی، امتیازات و آزادی ها (مراجعه شود به افسسیان ۴: ۳) تلاش کنند.

■ "همچون فرزندان عزیز" مؤمنان بر اساس همان عنوان مهم الهیاتی فرا خوانده شدند که عیسی (مراجعه شود به افسسیان ۱: ۶) فرا خوانده شد. به مومنین عشق ورزیده میشود زیرا به او عشق ورزیده میشود. آنها باید ویژگی های خانوادگی پدر را منعکس کنند. عیسی و روح تصویر خدا را در انسانهایی که در سقوط پیدایش ۳ آسیب دیده بود، احیا میکنند.

۵: ۲ "رفتار کنید" (در نسخه انگلیسی "با عشق گام بردارید" نوشته شده است) این یک حال فعال امری است که یک استعاره انجیلی برای شیوه زندگی است (مراجعه شود به افسسیان ۴: ۱، ۱۷؛ ۵: ۲، ۱۵). مسیحیت تصمیمی اولیه است و به دنبال آن شیوه زندگی شاگردی است. این یک نقطه در زمان است، یک فرایند از طریق زمان و نقطه اوج فراتر از زمان! موضوع خاص: صرف افعال یونانی برای رستگاری در افسسیان ۱: ۷ را مطالعه کنید.

■ "چنانکه مسیح هم ما را محبت کرد" (در نسخه انگلیسی کتاب مقدس، ضمیر "شما" استفاده شده و این عبارت "همانگونه که مسیح به شما محبت کرد" نوشته شده است) در میان نسخ خطی یونان باستان از "ما" و "شما" متفاوت است. "ما" در P⁴⁶، D، G، K است؛ "شما" در A، B. "شما" به نظر می رسد بهترین گزینه در متن است. عیسی نمونه ما است (مراجعه شود به اول یوحنا ۴: ۱۱).

■ "جان خود را در راه ما همچون قربانی و هدیه ای به خدا تقدیم نمود" این به مفهوم قربانی شدن جایگزین مسیح اشاره دارد (اشعیا ۵۳؛ انجیل مرقس ۱۰: ۴۵، رومیان ۵: ۸؛ ۸: ۳۲؛ دوم قرنتیان ۵: ۲۱؛ فیلیپیان ۲: ۶-۱۱؛ اول تسالونیکیان ۵: ۹) پیشوند *hyper* با حالت مضاف الیه (صیغه الت تقریباً مترادف با پیشوند یونانی "*anti*" یعنی "به جای آن" است. شواهد نسخ یونانی برای "شما" به جای "ما" در این عبارت فراوان است: "شما" در P⁴⁹، D، A، B است؛ "ما" تنها در B دیده میشود.

■ "عطرآگین" این یک استعاره قربانی عهد عتیقی برای پذیرش خدا از یک قربانی بود (مراجعه شود به پیدایش ۸: ۲۱؛ خروج ۲۹: ۱۸؛ لایوان ۱: ۹، ۱۳؛ حزقیال ۲۰: ۴۱؛ دوم قرنتیان ۲: ۱۴؛ فیلیپیان ۴: ۱۸) همانطور که قربانی سوزانده میشد، دود تولید شده بالا میرفت. از قلمرو قابل رویت به ناشناخته، از قلمرو فیزیکی در قلمرو خدا ناپدید می شد.

NASB (به روز شده): افسسیان ۵: ۳ الی ۵

آمباد که در میان شما از بی عفتی یا هر گونه ناپاکی یا شهوت پرستی حتی سخن به میان آید، زیرا اینها شایسته مقدسین نیست. ^۴گفتار زشت و بیهوده گویی و سخنان مبتذل نیز به هیچ روی زینده نیست؛ به جای آن باید شکرگزاری کرد. ^۵ زیرا یقین بدانید که هیچ بی عفت یا

۳:۵ "بی عفتی" (در نسخه انگلیسی این آیه چنین نوشته شده است: "ولی ناپاکی یا طمع در میان شما نباید حتی نام برده شود، زیرا میان قدیسان چنین شایسته است") این اصطلاح یونانی (*porneia*) است که اصطلاح انگلیسی "پورنوگرافی" از آن گرفته شده است. در عهد جدید این اصطلاح فراتر از دستورالعمل های جنسی پذیرفته شده صحبت میکنند. می تواند به یکی از اینها اشاره کند:

۱. بی اخلاقی جنسی (مراجعه شود به انجیل متی ۲۱: ۳۱ الی ۳۲، انجیل مرقس ۷: ۲۱، اعمال رسولان ۱۵: ۲۰ و ۲۹)
۲. زنا (مراجعه شود به انجیل متی ۵: ۳۲، ۱۹: ۹)
۳. زنا با محارم (مراجعه شود به اول قرنتیان ۵: ۱)
۴. فحشا (مراجعه شود به رومیان ۱: ۲۹)

در عهد عتیق تفاوت مشخصی بین اصطلاحات "زنا"، جایی که یکی از طرفین ازدواج کرده بود و "فحشا" که به فعالیت جنسی قبل از ازدواج اشاره میکرد، وجود داشت. این تمایز در عهد جدید یونانی گم شده است و در آن اشاره به فعالیت جنسی نامناسب از هر نوع میشود (بعد از ازدواج، قبل از ازدواج، همجنس گرایی، و حیوانی).

■ "هرگونه ناپاکی" این اصطلاح یونانی "تمیز" با آلفای پیشوند است که کلمه ای را که پیشوند آن شده، نفی می کند. این سه اصطلاح در افسسیان ۵: ۳ "بی اخلاقی، ناخوشی و حرص و طمع" همه مربوط به (۱) فعالیت معلمان دروغین (نگاه کنید به دوم تیموتائوس ۳: ۶) و / یا (۲) فرهنگ کافران که اینها از آن حاصل شده بودند، که در آنها فعالیت جنسی اغلب با عبادت بت پرستی همراه بود.

■ "طمع" (این کلمه در نسخه فارسی "شهوت پرستی" ترجمه شده است) این اصطلاح، ایده "بیشتر و بیشتر برای من به هر قیمتی" را بیان می کند. از آنجایی که در لیست گناهان جنسیت است، احتمالاً مربوط به استثمار جنسی خود-محور تلقی می شود (شکل ۳: ۵).

■ "حتی سخن به میان آید" این یک حال مجهول امری با مفهوم منفی است که معمولاً به معنای توقف عمل در روند است. این گناهان در کلیسا رخ داده اند. مومنین باید علیه گناهان، شایعات/تردید در مورد گناهان (اول تسالونیکیان ۵: ۲۲) جبهه گیری کنند. ما باید الگویی ایجاد کرده و نیز انجیل را بیان کنیم.

■ "شایسته مقدسین نیست" (به توضیح ۵: ۳ مراجعه شود) این همسو با "که مناسب نیست" در افسسیان ۵: ۴ است. موضوع خاص: قدیسان در کولسیان ۱: ۲ را مطالعه کنید.

۴:۵ مومنین باید مراقب سخنان خود باشند. این نشان می دهد که آنها واقعا چه کسانی هستند (انجیل مرقس ۷: ۱۵، ۱۸-۲۳؛ کولسیان ۳: ۱۸؛ افسسیان ۴: ۱۹؛ یعقوب ۳: ۱-۱۲). به موضوع ویژه در کولسیان ۳: ۸ مراجعه کنید. این دومین گروه گناهان ذکر شده در فصل ۵ است. هر دو گروه دارای سه عنصر بودند. این مشابه ۴: ۱۷-۳۲ است.

■ "به جای آن باید شکرگزاری کرد" مؤمنان واقعی با قلب سپاسگزارشان که به شرایط کاری ندارند (افسیان ۵: ۲۰؛ کولسیان ۳: ۱۷؛ اول تسالونیکیان ۵: ۱۸) مشخص داده می شوند. موضوع خاص: شکرگزاری در کولسیان ۴: ۲ را مطالعه کنید.

۵:۵ "زیرا یقین بدانید" این عبارت بسیار تأکیدی است. این دو حالت از دو فعل یونانی "شناختن" است: (۱) شکل کامل فعال امری یا اخباری از *oida* و (۲) فرم وجه وصفی حال فعال از *gnōskō*. معلمان دروغین ادعا می کنند که دانش کامل و مخفی در مورد خداوند دارند، اما مومنین باید بدانند که شیوه زندگی یک شخص دانش و حکمت واقعی را نشان می دهد (انجیل متی ۷).

■ "هیچ بی عفت یا ناپاک یا شهوت پرست" همه این شرایط از افسسیان ۵: ۳ تکرار شده اند. "غیر اخلاقی" (*porneia*). این شکل مردانه اصطلاح در افسسیان ۵: ۳ است، احتمالاً اشاره به روسپیان مرد، *sodomites*، و یا فعالیت های جنسی معلمان دروغین است.

■ "که همان بت پرست باشد" همسوی این عبارت در کولسیان ۳: ۵ است. یک جمله مشابه در اول یوحنا ۵: ۲۱ یافت می شود. وقتی جنسیت محور زندگی ما می شود، آن را به خدای ما تبدیل می کند! هنگامی که پول نقطه عطف زندگی ما می شود، آن نیز بت پرست می شود (متی ۶: ۲۴). برخی از مفسران این عبارت را به عنوان اشاره به کلیه گناهانی که در این زمینه ذکر شده اند، می بینند (افسیان ۵: ۳-۵).

■ "نصیبی ندارد" شیوه زندگی مؤمنان نشان می دهد که پدر آنها، خدا است یا شیطان (مراجعه شود به انجیل متی ۷، اول یوحنا ۳: ۶، ۹).

■ "در پادشاهی مسیح و خدا" ساختار دستوری و حرف تعریف جنسیت مسیح و خدا را به عنوان یک (مراجعه شود به انجیل لوقا ۲۲: ۲۹، کولسیان ۱: ۱۳) مرتبط می کند. این یک راهی است که نویسندگان عهد جدید الهی بودن مسیح را تصریح میکنند.

"پادشاهی" موضوع مکرر و محوری در موعظه عیسی بود. این به سلطنت خدا در قلبهای انسانی اشاره دارد که اکنون یک روز بر تمام زمین تحقق می‌یابد (مراجعه شود به انجیل متی ۶: ۱۰). یک روز تمام انسانها و فرشتگان مسیح را به عنوان سرور و ارباب به رسمیت خواهند شناخت (مراجعه شود به فیلیپیان ۲: ۱۰-۱۱)، اما تنها کسانی که توبه کرده‌اند و به انجیل ایمان آورده‌اند، بخشی از پادشاهی ابدی او خواهند بود (دانیال ۷: ۱۳؛ اول قرنتیان ۱۵: ۲۸-۲۷).

موضوع خاص: پادشاهی خدا

(Special Topic: The Kingdom Of God)

در عهد عتیق یهوه به عنوان پادشاه اسرائیل تصور می‌شد (مراجعه شود به اول سموئیل ۸: ۷، مزبور ۱۶: ۱۰، ۲۴: ۷، ۹، ۱۰: ۲۹، ۴: ۴۴، ۱۸: ۸۹، ۳: ۹۵، اشعیا ۱۵: ۴۳، ۶: ۴۴) و مسیح به عنوان پادشاه ایده‌آل معرفی می‌گشت (مراجعه شود به مزبور ۲: ۶، اشعیا ۹: ۶، ۷: ۱۱، ۱۱: ۵). با تولد عیسی در بیت‌الحم (۶ الی ۴ قبل از میلاد) پادشاهی خدا با قدرت جدید و رستگاری ("پیمان جدید"، مراجعه شود به ارمیا ۳۱: ۳۱ الی ۳۴، حزقیال ۳۶: ۲۷ الی ۳۶) وارد تاریخ انسانی شد.

۱. یحیی تعمید دهنده نزدیک بودن پادشاهی خدا را اعلام کرد (مراجعه شود به انجیل متی ۳: ۲، انجیل مرقس ۱: ۱۵).
۲. عیسی به وضوح تعلیم می‌داد که پادشاهی در او و در تعالیم او هستند (مراجعه شود به انجیل متی ۴: ۱۷ و ۲۳، ۷: ۱۰، ۱۲: ۲۸، انجیل لوقا ۹: ۱۰ و ۱۱، ۱۱: ۲۰، ۱۷: ۲۱، ۲۱: ۳۱ الی ۳۲). با این حال، پادشاهی در آینده است (مراجعه شود به انجیل متی ۱۶: ۲۸، ۲۴: ۱۴، ۲۶: ۲۹، انجیل مرقس ۹: ۱، انجیل لوقا ۲۱: ۳۱، ۲۲: ۱۶ و ۱۸).

در همسوهای سایر اناجیل در انجیل مرقس و انجیل لوقا عبارت "پادشاهی خدا" را می‌بینیم. این موضوع متداول در تعالیم عیسی بود که شامل قلمرو حال حاضر در قلب انسان، که روزی در تمامی زمین تحقق خواهد یافت بود. این در دعای عیسی در انجیل متی ۶: ۱۰ منعکس شده است. متی، در نوشته‌هایش برای یهودیان ترجیح داد که از نام خدا استفاده نکند و به جای آن عبارت "پادشاهی بهشت" را استفاده کرد، در حالیکه مرقس و لوقا که برای پیروان سایر ادیان و کفار می‌نوشتند، از عنوان متداول، که نام خدا بود استفاده کردند.

این یک عبارت کلیدی در سایر اناجیل است. عیسی در اولین و آخرین موعظه‌اش، و بیشتر تمثیلهایش، روی این موضوع صحبت می‌کرد. اشاره به قلمرو حکومت خدا در حال حاضر در قلب انسانها دارد! حیرت‌انگیز است که یوحنا از این عبارت فقط دو مرتبه استفاده کرده است (و هرگز در تمثیلهای عیسی نیآورده است). در انجیل یوحنا، حیات جاویدان استعاره کلیدی است.

دو بار آمدن عیسی در این عبارت تنش ایجاد می‌کند. عهد عتیق فقط بر یک مرتبه آمدن مسیح تمرکز دارد - یک آمدن نظامی، داوری‌کننده و باشکوه - ولی عهد جدید آمدن او را در مرحله اول به عنوان خادم رنج کشیده اشعیا ۵۳ و پادشاه فروتن زکریا ۹: ۹ نشان می‌دهد. دو عصر یهود (به موضوع خاص: این عصر و عصری که خواهد آمد مراجعه کنید) عصر شرارت و عصر پارسایی و صداقت همپوشانی می‌شوند. عیسی در حال حاضر در قلبهای مومنین حکومت می‌کند، ولی روزی بر تمامی مخلوقات حکومت خواهد کرد. او همان گونه که عهد عتیق پیش‌گویی کرده خواهد آمد (مراجعه شود به مکاشفه ۱۹)! مومنین در پادشاهی خدا که از "قبل وجود داشته" در برابر "هنوز نیامده" زندگی می‌کنند (مراجعه شود به Gordon D. Fee and Douglas Stuart's *How to Read The Bible For All Its Worth* صفحات ۱۳۱ الی ۱۳۴).

NASB (به روز شده): افسسیان ۵: ۶ الی ۱۴

^۱ مگذازید کسی شما را با سخنان پوچ بفریبید، زیرا به‌خاطر همین چیزهاست که غضب خدا بر سرکشان نازل می‌شود. ^۲ پس با آنها شریک مشوید. ^۳ شما زمانی تاریکی بودید، اما اکنون در خداوند نور هستید. پس همچون فرزندان نور رفتار کنید. ^۴ زیرا ثمره نور، در هر گونه نیکویی، پارسایی و راستی است. ^۵ بسنجید که مایه خشنودی خداوند چیست. ^۶ در کارهای بی‌ثمر تاریکی سهیم نشوید، بلکه آنها را افشا کنید. ^۷ زیرا حتی بر زبان آوردن آنچه چنین کسان در خفا می‌کنند، شرم‌آور است. ^۸ اما هرآنچه به وسیله نور افشا گردد، آشکارا دیده می‌شود. ^۹ زیرا هرآنچه آشکار می‌شود نور است. از این جهت گفته شده است: «ای که در خوابی، بیدار شو، از مردگان برخیز، که مسیح بر تو خواهد درخشید».

۵: ۶ "مگذازید کسی شما را ... بفریبید" این یک حال امری فعال با حرف اضافه نفی است که معمولا بدین معنی است که عملیات را متوقف کند. این به پیام و سبک زندگی معلمان دروغین اشاره میکند که مخلوطی از عرفان خفیف و قانونگرایی یهودی بودند (که به نظر میرسد ناسازگار هستند). خیلی نکات هستند که از ما مدرن‌ها درباره ارتداد قرن اول نمی‌دانیم.

■ "سخنان پوچ" این ممکن است به آموزه‌های آزادیخواه یا عرفانی اشاره کند که گناهان جنسی بر زندگی معنوی تأثیر نمی‌گذارد. برای آنها رستگاری در

دانش مخفی از سطوح فرشته پیدا شد. آنها کاملاً توجیهی از تقدیس تفکیک شده‌اند. این ارتداد هنوز زنده است و به خوبی!

■ "غضب خدا نازل می‌شود" این یک زمان حال است. این اشاره به یا (۱) داوری موقتی (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۳: ۳۶؛ رومیان ۱: ۱۸-۳۲؛ ۲: ۸-۹؛ ۹: ۲۲؛ کولسیان ۳: ۶، اول تسالونیکیان ۲: ۱۶)؛ و / یا (۲) قضاوت اسکاتولوژیک آینده (مراجعه شود به انجیل متی ۲۵: ۳۱؛ رومیان ۵: ۹؛ اول تسالونیکیان ۱: ۱۰؛ ۵: ۹) دارد. خشم خدا، همانند عشق خداوند آشکار می‌شود.

حالا که در مورد موضوع خشم خدا صحبت میکنیم، اجازه دهید آنچه را که در این مورد درک کرده ام را به وضوح مشخص کنم. ابتدا، این یک فاجعه الهیاتی است که این حقیقت را بیش از حد مورد تأکید قرار داده یا تأکید چندانی بر آن نکنیم. خداوند از شیوه رفتار انسان با کلام او، جهان او، اراده او و همدیگر، عصبانی است. این دنیایی نیست که خداوند قصد داشت آن را داشته باشد! همه انسانها به خاطر اینکه آنها چگونه زندگی می‌کنند، به خدا باید حساب پس دهند (مراجعه شود به غلاطیان ۶: ۷؛ دوم قرنتیان ۵: ۱۰). با این حال، مهم است که دیدگاه کتاب مقدس در این دکتین را بدانید. تثنیه ۵: ۹ در مقایسه با ۵: ۱۰ و ۷: ۹ الگویی را تنظیم می‌کند. همانطور که قضاوت به نسل‌های سوم و چهارم می‌رسد، عشق و وفاداری خداوند به هزار نسل می‌رسد. در اشعیا ۲۸: ۲۱ قضاوت کار "عجیب و غریب" خدا نامیده می‌شود (مراجعه شود به مراثی ارمیا ۳: ۳۲-۳۳؛ مزامیر ۱۰۳: ۸ الی ۱۴). قضاوت در جهان اخلاقی ضروری است، اما برای خدا ناخوشایند است. جهنم یک خونریزی باز در دل خدا است که هرگز شفا نخواهد گرفت. او همه انسانهایی که در تصویرش ساخته شده‌اند را دوست دارد (مراجعه شود به پیدایش ۱: ۲۶-۲۷؛ ۵: ۱؛ ۹: ۶). او می‌خواهد همه انسانها را آزاد کند و وعده داده است که این کار را برای همه کسانی که توبه کنند و به پسر او ایمان آورند (پیدایش ۳: ۱۵؛ حزقیال ۱۸: ۲۳، ۳۲؛ اول تیموتائوس ۲: ۴؛ دوم پطرس ۳: ۹) انجام می‌دهد.

■ "سرکشان" (در نسخه انگلیسی فرزندان نافرمان نوشته شده است) این یک اصطلاح عبری است (افسسیان ۲: ۲؛ کولسیان ۳: ۶). اطاعت از پیمان، از ویژگیهای کودکان خداوند است. نافرمانی مشخصه پیروان شیطان است.

۵: ۷ "با آنها شریک مشوید" این به معنای واقعی کلمه "همدست" است. این یک حال امری با پیشوند نفی است که معمولاً به معنی جلوگیری از عمل در حال انجام است. پولس از یک ترکیب *συν* در اینجا استفاده کرده، درست همانطور که در افسسیان ۳: ۶ این کار را کرده بود. همین عبارت در آیه ۱۱ تکرار شده است. نه تنها مومنین از دخالت در گناه و حتی ظهور گناه باید فرار کنند، بلکه باید دوستان و همکاران خود را به دقت انتخاب کنند. دوستان نزدیکی که انتخاب می‌کنند، مانند کلام ما صحبت کرده، دل‌های ما را نشان می‌دهند.

۵: ۸ الی ۹ "تاریکی ... نور" این بسیار شبیه به دوالیسم یوحنا است (مراجعه شود به افسسیان ۱: ۴ الی ۵، ۷ الی ۸، ۳: ۱۹، ۸: ۱۲، ۹: ۵، ۱۲: ۴۶). این شرایط متضاد، نمادهای جهانی برای خیر و شر هستند که پیش از تفکر یونانی بوده و در ادبیات کتیبه بحر المیت، که یک جامعه کویری جدایی طلب یهودی است، رایج است.

فعل فعال غیر کامل در اولین عبارت، زندگی قبلی خود را به صورت گناه دائمی توصیف می‌کند (مراجعه شود به پیدایش ۶: ۵، ۱۱-۱۲: ۸؛ ۲۱: مزامیر ۱۴: ۳؛ ۵۸: ۳؛ ارمیا ۱۲: ۹).

۵: ۸ "اما اکنون در خداوند نور هستید" عجب تضاد قویی (مراجعه شود به انجیل متی ۵: ۱۹، انجیل یوحنا ۸: ۱۲).

■ "همچون فرزندان نور رفتار کنید" این یکی دیگر از افعال حال فعال امری است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۳: ۱۹-۲۱؛ اول یوحنا ۱: ۷). کلمات، سبک زندگی و اولویتهای ایمانداران نشان می‌دهند که آنها چه کسانی هستند!

■ "فرزندان" این یک اصطلاح عبری برای "ویژگیها" است، همانطور که "پسران" در افسسیان ۵: ۶ مبیاشد. ایمان آوردن شاهدهی بر تغییر یافتن زندگی است. این در افسسیان ۵: ۹ بیان شده است. بدون ثمر، بدون ریشه (مراجعه شود به انجیل متی ۵-۷؛ یعقوب و اول یوحنا).

۵: ۹ "ثمره نور" در KJV "میوه روح" نوشته شده است که در نسخه‌های دستنویس یونانی باستان P^{46} ، D^c و I هم هست. با این حال P^{49} ، A ، B ، D ، G ، P و متن بلافصل (افسسیان ۵: ۸)، "میوه نور" دارد. حتی NKJV این را دارد. KJV متعلق به خانواده غربی نسخه دستنویس یونانی است که کلماتش همانند غلاطیان ۵: ۲۲ است.

■ "پارسایی" موضوع خاص در افسسیان ۴: ۲۴ را مطالعه کنید.

۱۰: ۵

"تلاش برای یادگیری"	NASB
"اثبات کردن"	NKJV
"تلاش برای فهمیدن"	NRSV
"تلاش جهت یاد گرفتن"	TEV

این اصطلاح یونانی (*dokimazō*) "اثبات" (رومیان ۱۲: ۲؛ دوم قرن‌تیا ۸: ۸، ۲۲؛ ۱۳: ۵؛ غلاطیان ۶: ۴، اول تسالونیکیان ۵: ۲۱؛ اول تیموتائوس ۸: ۱۰، عبرانیان ۳: ۹) یا «سعی کنید» (به ترتیب اول قرن‌تیا ۳: ۱۳؛ اول تسالونیکیان ۲: ۴؛ اول پطرس ۱: ۷؛ اول یوحنا ۴: ۱) دارای مفهوم "برای آزمایش با یک مشاهده جهت تصویب" است. این یک مفهوم متالوژیک بود که برای آزمایش اصل بودن سکه استفاده می‌شد. به موضوع خاص در فیلیپیان ۲: ۲۲ مراجعه کنید.

۱۱: ۵ "سهیم نشوید" این به معنای واقعی کلمه "همکاری کردن" است. این یک ترکیب دیگر است. این یک حال امری فعال با حرف اضافه نفی است که معمولاً بدین معنی است که یک عمل در حال اجرا را باید متوقف کرد. این اشاره به موارد زیر دارد:

۱. ارتباط اجتماعی صمیمانه
۲. عبادت‌های کفار
۳. ملاقات‌های معلمین دروغین (مراجعه شود به افسسیان ۵: ۱۲)

■ **"آنها را افشا کنید"** این یک حال امری دیگر است. چگونه مؤمنان در معرض شرارت قرار می‌گیرند؟ به خاطر افسسیان ۵: ۱۲ به نظر می‌رسد این عبارت به معنی «با شیوه زندگی خداپسندانه خود، آنها را افشا کردن» یا اعلام انجیل است. نور و تاریکی نمیتوانند همزمان در کنار هم باشند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۳: ۱۷-۱۹).

۱۴: ۵ "ای که در خوابی، بیدار شو، از مردگان برخیز" این یک نقل قول بی‌قاعده از اشعیا ۲۹: ۱۹ یا احتمالاً ۵۱: ۱۷، ۵۲: ۱، ۶۰: ۱ یا از یک سرود کلیسای اولیه است (مراجعه شود به فیلیپیان ۲: ۶-۱۱؛ اول تیموتائوس ۳: ۱۶؛ دوم تیموتائوس ۲: ۱۱ الی ۱۳). این در فرم متریک شعری است. پولس از محتوای این سرودها استفاده کرده است:

۱. عهد عتیق (از چندین ترجمه)
۲. سرودهای مسیحی
۳. فرقه‌های مسیحی
۴. حتی اشعار کفار

■ **"در خوابی مردگان"** این اشاره به کوری معنوی و مرگ معنوی بی‌ایمانان دارد (مراجعه شود به افسسیان ۲: ۱، دوم قرن‌تیا ۴: ۴).

■ **"مسیح بر تو خواهد درخشید"** عیسی در اینجا به عنوان ستاره صبح شکوه به تصویر کشیده شده است (مراجعه شود به اشعیا ۱-۲، ۵۹: ۸، ۶۰: ۱، انجیل لوقا ۱: ۷۸-۷۹)، در مقابل لوسیفر (مراجعه شود به اشعیا ۱۴: ۱۲). نور یک نماد باستانی شفا، سلامت، حقیقت، دانش و خیر است (مراجعه شود به ملاکی ۴: ۲).

NASB (به روز شده): افسسیان ۵: ۱۵ الی ۲۱

^{۱۵} پس، بسیار مراقب باشید که چگونه رفتار می‌کنید، رفتاری نه چون نادانان بلکه چون دانایان. ^{۱۶} فرصتها را غنیمت شمارید، زیرا روزهای بدی است. ^{۱۷} پس نادان نباشید، بلکه دریابید که اراده‌ی خداوند چیست. ^{۱۸} مست شراب مشوید، که شما را به هرزگی می‌کشاند؛ بلکه از روح پر شوید. ^{۱۹} با مزامیر، سرودها و نغمه‌هایی که از روح است با یکدیگر گفتگو کنید و از صمیم دل برای خداوند بسرایید و ترنم نمایید. ^{۲۰} همواره خدای پدر را به نام خداوند ما عیسی مسیح برای همه چیز شکر گوید. ^{۲۱} به حرمت مسیح، تسلیم یکدیگر باشید.

۱۵: ۵ "مراقب باشید که چگونه رفتار می‌کنید" (در متن انجیل نوشته شده "مراقب گام برداشتن خود باشید" که "گام برداشتن" به اشتباه رفتار کردن ترجمه شده است) این حال فعال اخباری دلالتی است، نه یک حال فعال امری. این بیانی‌های از واقعیت است، نه دستور. "گام برداشتن" یک استعاره کتاب مقدس برای شیوه زندگی است (مراجعه شود به افسسیان ۴: ۱۷، ۱: ۵؛ ۲).

■ **"نه چون نادانان بلکه چون دانایان"** خرد با زندگی خداپسندانه آشکار میگردد (مراجعه شود به کولسیان ۴: ۵)، نه در دانش معلمین دروغین یا آزادی بدون خدا.

۱۶: ۵ "فرصتها را غنیمت شمارید" این یک وجه وصفی حال میانی است. این یک اصطلاح بازاریابی است به معنای "به طور کامل چیزی را خریدن" در یک زمان یا قیمت مناسب. مومنین باید از هر فرصت معنوی بهره‌مند شوند (مراجعه شود به کولسیان ۴: ۲-۶؛ اول پطرس ۳: ۱۵) چون می‌دانیم که شب می‌آید و هیچ کس نمی‌تواند کار کند. یک پنجره باز در زمان برای انجیل وجود دارد. ما باید از زمان استفاده کنیم!

۱۷:۵ "نادان نباشید" این یک حال میانی (دپوننت) امری با حرف اضافه نفی است که معمولاً بدین معنی است که عمل در حال اجرا را متوقف کند. آنها احق بودند.

■ "اراده خداوند" (در کتاب مقدس "اراده سرور" [Will of the Lord] نوشته شده است) هیچ حرف تعریفی برای "اراده" وجود ندارد. بنابراین، این اراده خداست. اراده خدا این است که ما به مسیح ایمان داشته باشیم (یوحنا ۶: ۲۹، ۴۰)، سپس چندین "اراده" برای مؤمنان وجود دارد. موضوع خاص: اراده الهی افسسیان ۱: ۹ را مطالعه کنید.

۱۸:۵ "مست مشوید" این یک حال مجهول امری با حرف اضافه نفی است که معمولاً بدین معنی است که عملیات در حال اجرا را متوقف کند (امثال ۳: ۳۱-۳۰). الکل و مواد مخدر اغلب برای ترویج تجربیات مذهبی مورد استفاده قرار می گیرند. آنها همچنین نمونه‌ای از چیزی هستند که زندگی یک شخص را کنترل و توصیف می کنند، اما باید عمداً برای تأثیر (اعتیاد) تکرار شوند. همانطور که الکل باید برای اثر تکرار شود، همچنین "پر کردن" روح برای تأثیر تکرار می شود. همانطور که مؤمنان به طور صحیح مسیح را برای رستگاری دریافت می کنند، آنها باید به طور صریح و مکرر (حال مجهول) خود را برای هدایت و کنترل (و روزمره) روح خود باز کنند.

■ "بلکه از روح پر شوید" این فعل حال مجهول امری است به معنی "شما باید ادامه دهید تا با روح پر شوید" یا "همیشه با روح پر شوید". این فرمان است نه یک گزینه! این حالت عادی برای همه مؤمنان است، نه استثنا. این عبارت نشان می دهد که مؤمنان باید در دسترس باشند، حساس و مطیع به تشکیل روح مسیح در زندگی روزمره (رومیان ۸: ۲۸-۲۹؛ غلاطیان ۴: ۱۹؛ افسسیان ۱: ۴؛ ۲: ۱۰؛ ۴: ۱۳؛ کولسیان ۱: ۲۸). مؤمنان نمی توانند خود را پر کنند، بلکه باید آزادی عمل و نفوذ را به روح القدس بدهند. عملکرد انسانی کلیدی برای زندگی مؤثر نیست، بلکه روح (مراجعه شود به غلاطیان ۳: ۱-۳) است. با این حال، مؤمنان باید خود را جهت رهبری روح و دادن کنترل مکرر باز کنند.

اصطلاح "پر" اغلب در عهد جدید مورد استفاده قرار می گیرد تا انگیزه و توصیف زندگی یک شخص را بیان کند. مؤمنان این حق انتخاب را دارند که چه چیزی زندگی آنان را پر کند. در اعمال رسولان "پر شدن" با روح القدس همراه با بشارت است. پطرس چند بار در اعمال رسولان ۲: ۴، ۴: ۸ و ۳۱ پر شده بود. پر شدن یک نیاز و تجربه مداوم بود.

همسوی ساختاری (کولسیان و افسسیان تقریباً یکپارچه و بر یک اساس هستند) در کولسیان ۳: ۱۶ "همیشه از روح پر شدن" به "اجازه دهید کلام غنی مسیح در شما ساکن شود" تغییر میکند. هر دوی آنها هر روز به طور روزافزونی به روح اشاره می کنند که همانند مسیح بودن را ایجاد میکند، مخصوصاً در ارتباط با برخورد با مردم. عیسی برای مردم مرد. مردم اولویت دارند؛ مردم جاودانه هستند.

۱۹:۵ "با مزامیر، سرودها و نغمه‌ها" این سه وجه وصفی نخست از چهار وجه وصفی حال فعال هستند که زندگی پر شده از روح را توصیف می کنند. سه مورد اول با آواز و یا نقل قول از مزامیر در ارتباط هستند. روح در قلب مؤمنان برای خدا یک ترانه قرار داده است (مراجعه شود به کولسیان ۳: ۱۶). خدا را شکر می کنیم!

این آیه در برخورد با سلايق مختلف موسیقی در کلیسا مفید هستند. به انواع دسته بندیهای موسیقی توجه کنید. موسیقی عبادت، سلیقه شخصی است، و هیچ یک فرم صحیح و یک شکل خاصی ندارد. این نگرش قلب است نه گوش. الهیات بیان شده مهم است، شکل موسیقی همیشه در درجه دوم قرار دارد. با جرات خود کلیسای خدا را از طریق سلايق شخصی مختل می کنیم! عبادت موضوع قلب است نه شدت ضربات موسیقی! لطفاً رومیان ۱۴: ۱-۱۵: ۱۳ دوباره و دوباره بخوانید.

■ "دل" به موضوع خاص در کولسیان ۲: ۲ مراجعه شود.

۲۰:۵ "همواره شکر گوئید" این چهارمین وجه وصفی حال فعال است. شکرگزاری شاهدهی دیگر از زندگی پر از روح است (مراجعه شود به افسسیان ۵: ۴؛ فیلیپیان ۴: ۶؛ اول تسالونیکیان ۵: ۱۸). این جهان بینی انجیلی است که مؤمنان می توانند به خاطر «همه چیز» از (رومیان ۸: ۲۹-۳۰) تشکر کنند. مؤمنان پر از روح می دانند که خدا برای آنهاست و این شرایط منبع شادی و آرامش نیستند. کتابی که برای زندگی من در این زمینه بسیار مفید بود، *The Christian's Secret of a Happy Life* اثر Hannah Whithall Smith است. به موضوع خاص: ستایش، نماز و شکرگزاری پولس در افسسیان ۳: ۲۰ مراجعه کنید.

۲۱:۵

"تسلیم باشید"	NASB, NRSV
"تسلیم"	NKJV
"خود را تسلیم کنید"	TEV
"راه دهید"	NJB

این یک حال میانی یا وجه وصفی مجهول است (نگاه کنید به ۵: ۲۲). این یک انتقال از افسسیان ۵: ۱-۲۰ به ۲۲-۳۱ را شکل میدهد و متن تا ۶: ۹ ادامه پیدا میکند. این پنج عضو، تعریف می کنند که پر شدن با روح چه معنی دارد. نقل قول همسو در کولسیان ۳: ۱۶ نشان می دهد که آن به روزانه همانند مسیح بودن اشاره می کند.

در روزگار ما "تسلیم" یک واژه منفی و جنسیتی است. در اصل این یک اصطلاح نظامی بود که به اطاعت بر اساس سلسله مراتب بود. اما در عهد جدید، اغلب در مورد نگرش عیسی نسبت به والدین زمینی خود (لوقا ۲: ۵۱) و پدر آسمانی خود (اول قرنتیان ۱۵: ۲۸) استفاده می شود. پولس این اصطلاح را دوست داشت و ۲۳ مرتبه از آن استفاده کرد. آیه ۲۱ یک اصل روحانی کلی است که در مورد تسلیم مؤمنان بر زندگی پر از روح است. تسلیم ضد تفکر فردگرا، و فرهنگ غربی است. خودخواهی و سلطه گری شدیداً از نظر فرهنگی متعصبانه هستند، اما از نظر کتاب مقدس نامناسب میباشند (رومیان ۱۲: ۱۰؛ غلاطیان ۵: ۱۳؛ فیلیپیان ۲: ۳؛ اول یوحنا ۴: ۱۱).

این آیه بر تسلیم متقابل همه مؤمنان تأکید دارد. این خطاب به یک گروه معطوف نشده بود. لازم است مجدداً تأیید شود که این متن (افسسیان ۵: ۲۲-۳۱) به روابط داخلی بین شوهران مسیحی و همسران مسیحی میپردازد، نه مردان و زنان به طور کلی. زنان به هیچ وجه از نظر روحانی نادان و یا پائینتر از مردان نیستند (مراجعه شود به اعمال رسولان ۲: ۱۶-۲۱؛ غلاطیان ۳: ۲۸).

موضوع خاص: تسلیم/ارائه (*hupotassō*)

(Special Topic: Submission)

انجیل Septuagint از این اصطلاح برای ترجمه ده اصطلاح متفاوت عبری استفاده کرده است. معنی اصلی آن "فرمان دادن" یا "حق فرمان" است. این برگرفته از Septuagint (LXX) است.

۱. فرامین خدا (مراجعه شود به لایوان ۱۰: ۱، یونا ۲: ۱، ۴: ۱، ۶ الی ۸)

۲. فرامین موسی (مراجعه شود به کتاب خروج ۳۶: ۶، کتاب تثنیه ۲۷: ۱)

۳. فرمان پادشاهان (مراجعه شود به دوم تواریخ ۳۱: ۱۳)

در عهد جدید این حس تداوم پیدا میکند همانند اعمال رسولان ۱۰: ۴۸، جایی که یکی از شاگردان فرمان صادر میکند. با این حال، مفاهیم جدیدی در عهد جدید بسط یافته اند.

۱. یک جنبه اختیاری بسط می یابد (اغلب زمان میانی)

۲. این عمل محدود میتواند در دستورات و خواسته های عیسی دیده شود

a. به پدر (مراجعه شود به اول قرنتیان ۱۵: ۲۵)

b. به والدین زمینی خود (مراجعه شود به انجیل لوقا ۲: ۵۱)

۳. مؤمنان به جنبه های فرهنگی می پردازند تا انجیل تحت تاثیر قرار نگیرد

a. سایر مومنین (مراجعه شود به افسسیان ۵: ۲۱)

b. همسران مومن (مراجعه شود به کولسیان ۳: ۱۸، افسسیان ۵: ۲۲ الی ۲۴، تیتوس ۲: ۵، اول پطرس ۳: ۱)

c. مومنین نسبت به دولتهای کافر (مراجعه شود به رومیان ۱۳: ۱ الی ۷، اول پطرس ۲: ۱۳)

مومنین بر اساس انگیزه های عشق نسبت به خدا، نسبت به مسیح، نسبت به پادشاهی خدا، و به خاطر دیگران رفتار میکنند.

همانند *agapaō* (عشق) کلیسا این اصطلاح را با معنی جدیدی بر اساس نیازهای پادشاهی و نیازهای دیگران لبریز میسازد. این اصطلاح، یک عالم جدیدی از فروتنی، نه مبتنی بر یک فرمان، بلکه یک رابطه جدید با یک خداوند متعال و مسیح او است. مؤمنان اطاعت می کنند و به خاطر همه و برکت خانواده خداوند استوار می شوند.

موضوع خاص: زنان در انجیل

(Special Topic: Women In The Bible)

I. عهد عتیق

A. از لحاظ فرهنگی زنان جزو اموال تلقی می شدند

۱. در لیست اموال ثبت می شدند (خروج ۱۷: ۲۰)
 ۲. رفتار با زنان برده (خروج ۲۱: ۷ الی ۱۱)
 ۳. پیمان زنان توسط مردی مسئولیت او را برعهده داشت قابل ابطال بود (اعداد ۳۰)
 ۴. زنان به عنوان غنیمت جنگی (تثنیه ۲۰: ۱۰ الی ۱۴، ۲۱: ۱۰ الی ۱۴)
- B. همدلی عملا وجود داشت

۱. زن و مرد در تصویر خدا ساخته شدند (پیدایش ۱: ۲۶ الی ۲۷)
 ۲. افتخار کردن به پدر و مادر (خروج ۲۰: ۱۲، تثنیه ۵: ۱۶)
 ۳. احترام گذاشتن به پدر و مادر (لاویان ۱۹: ۳، ۲۰: ۹)
 ۴. زنان و مردان می توانند ناصری باشند (اعداد ۱: ۶ الی ۲)
 ۵. دختران حق ارث دارند (اعداد ۱: ۲۷ الی ۱۱)
 ۶. بخشی از مردم تحت پیمان (تثنیه ۲۹: ۱۰ الی ۱۲)
 ۷. مشاهده تعالیم پدر و مادر (امثال ۸: ۱ و ۶: ۲۰)
 ۸. پسران و دختران Heman (خانواده لاوی) موسیقی معبد را رهبری می کردند (اول تواریخ ۵: ۲۵ الی ۶)
 ۹. پسران و دختران در عصر جدید نبوت می کنند (یوئیل ۲: ۲۸ الی ۲۹)
- C. زنان نقش رهبری داشتند

۱. خواهر موسی، مریم، پیامبره خوانده شد (خروج ۱۵: ۲۰ الی ۲۱، همچنین به میکاه ۴: ۶ توجه کنید)
۲. به زنان نعمت بافتن داده شد تا پارچه های جشن خیمه ها را بیافند (خروج ۳۵: ۲۵ الی ۲۶)
۳. یک زن متاهل، بنام دیورا، یک پیامبره بود (مراجعه شود به داوران ۴: ۴) و تمامی قبایل را رهبری می کرد (داوران ۴: ۴ الی ۵، ۷: ۵)
۴. هلدای پیامبره ای بود که شاه یوشیا او را فراخواند تا کتاب قانونی که تازه یافت شده بود را بخواند و تفسیر کند (دوم پادشاهان ۱۴: ۲۲، دوم تواریخ ۳۴: ۲۲ الی ۲۷)
۵. ملکه استر، یک الهه، یهودیان را در پارس نجات داد

II. عهد جدید

A. از نظر فرهنگی زنان هم در یهودیت و هم در روم و یونان اتباع طبقه دوم تلقی می شدند و حقوق و مزایای کمتری داشتند (به استثنای مقدونیه)

B. زنان نقش رهبری داشتند

۱. الیزابت و مریم الهه هایی نزد خدا بودند (انجیل لوقا ۱ و ۲)
 ۲. آنا، الهه، در معبد خدمت می کرد
 ۳. لیدیا، مومن و رهبر کلیسای خانگی بود (اعمال رسولان ۱۶: ۱۴ و ۴۰)
 ۴. چهار دختر باکره فیلیپ الهه بودند
 ۵. فیبی، خادم کلیسا در کنخریه بود (رومیان ۱: ۱۶)
 ۶. پریسکا (پریسیلا) همکار پولس و معلم آپولو (اعمال رسولان ۱۸: ۲۶، رومیان ۳: ۱۶)
 ۷. ماری، تریفینا، تریفوسا، جولیان خواهران نرون همکاران پولس بودند (رومیان ۶: ۱۶ الی ۱۶)
 ۸. جونیا (KJV) احتمالا یک زن شاگرد بود (رومیان ۷: ۱۶)
 ۹. ائودیا و سینتیک، همکاران پولس بودند (فیلیپیان ۴: ۲ الی ۳)
- چگونه یک مومن عصر مدرن در مثالهای انجیلی تعادل برقرار می کند

III.

A. چگونه فرد می تواند حقایق تاریخی یا فرهنگی را مشخص کند که فقط در متن اصلی صادق هستند از حقیقت جاودانی که فقط برای تمامی کلیساها معتبر هستند، تمامی مومنین تمام عصرها؟

۱. ما باید نیت نگارنده اصلی را بسیار جدی بگیریم. انجیل کلام خداست و تنها منبع برای ایمان.
۲. ما باید با متون تحت الهام که به صورت تاریخی تغییر شکل یافته اند سروکار داشته باشیم.
۱. فرهنگ (آداب و رسوم و خط مشی ها) اسرائیل (مراجعه شود به اعمال رسولان ۱۵، غلاطیان ۳)
۲. یهودیت قرن اول
۳. اظهارات پولس در اول قرن تیان که به وضوح از دید تاریخی شکل گرفته است

- a. سیستم قانونی روم بت پرست (اول قرن‌تینان ۶)
- b. برده باقی ماندن (اول قرن‌تینان ۷:۲۰ الی ۲۴)
- c. امتناع از ازدواج (اول قرن‌تینان ۷:۱ الی ۳۵)
- d. باکره‌ها (اول قرن‌تینان ۷:۳۶ الی ۳۶)
- e. قربانی کردن غذا برای بت (اول قرن‌تینان ۸، ۲۳: ۱۰ الی ۳۳)
- f. کارهای بی ارزش در شام خدا (اول قرن‌تینان ۱۱)

۳. خدا به صورت کامل و به وضوح خودش را به عنوان یک فرهنگ مشخص در روز مشخص نشان داد. ما باید مکاشفه را جدی بگیریم، ولی نه تمام جنبه‌های تاریخی آن را. کلام خدا با کلمات انسانی نوشته شده و به یک فرهنگ مشخص در یک مقطع زمانی خاص خطاب شد.

B. تفسیر انجیلی باید در جستجوی نیت نویسنده اصلی باشد. به زبان عصر خودش چه می‌گوید؟ برای تفسیر درست، این یک امر بنیادی و حساس است. ولی بعد ما باید آن را با عصر خود مطابقت دهیم. مسئله اصلی تفسیر ممکن است تعریف اصطلاح باشد. آیا غیر از شبانه‌ی که به عنوان رهبر دیده شده‌اند، آیا بیشترین دیگری هم وجود داشتند؟ کاملاً مشخص است که پولس در اول قرن‌تینان ۱۴:۳۴ الی ۳۵ و اول تیموتائوس ۲:۹ الی ۱۵، تصریح می‌کند که زنان نباید دعا‌های عمومی را رهبری کنند! ولی چگونه آن را با عصر حاضر مطابقت دهیم؟ من نمی‌خواهم فرهنگ پولس و یا فرهنگ خودم کلام و اراده خدا را ساکت کند. احتمالاً روزگار پولس خیلی محدود کننده بوده است، ولی همچنین روزگار من هم بسیار باز است. با گفتن اینکه حرف‌های پولس و تعالیم او مشروط، مربوط به قرن اول و حقایق وضعیت محلی هستند، احساس ناراحتی می‌کنم. من کی هستم که فکرم یا فرهنگم با یک نویسنده تحت الهام و وحی مخالفت کند؟

با این وجود، وقتی در مورد زنانی که رهبر بودند، مثالهای انجیلی وجود دارند، چه کنم (حتی در نوشته‌های پولس، مراجعه شود به رومیان ۱۶)؟ یک مثال خوب در این مورد بحث پولس در مورد عبادت عمومی در اول قرن‌تینان ۱۱ الی ۱۴ است. در اول قرن‌تینان ۵: ۱۱ به نظر می‌رسد او به زنان، با سر پوشیده، اجازه موعظه و دعا خواندن در جمع را می‌دهد، با این وصف، در ۱۴:۳۴ الی ۳۵ از آنان می‌خواهد ساکت باشند! خادمین (مراجعه شود به رومیان ۱: ۱۶) و پیامبران زن (مراجعه شود به اعمال رسولان ۹: ۲۱) وجود داشته‌اند. این گوناگونی است که به من اجازه می‌دهد تشخیص دهم که توضیحات پولس (در بخشی که مربوط به محدود کردن زنان می‌شود) محدود به قرن‌تس و افسس قرن اول بوده است. در هر دو کلیساها مشکلاتی در مورد زنانی که آزادی جدید را یافته‌اند دیده می‌شد (مراجعه شود به *Bruce Winter, After Paul Left Corinth*) که می‌توانست باعث به وجود آمدن مشکلاتی برای کلیسا در رسیدن این جامعه (جامعه زنان) در رسیدن به مسیح شود. آزادی آنان باید محدود می‌شد تا انجیل بتواند موثرتر واقع افتد.

روزگار من درست مخالف روزگار پولس است. در روزگار من انجیل می‌تواند محدود شود اگر زنان ماهر و سخنور اجازه نداشته باشند که خبر خوش را پخش کنند، یا اجازه رهبری نداشته باشند! هدف غایی عبادت عمومی چیست؟ آیا بشارت و شاگردی نیست؟ با رهبری زنان آیا خدا مفتخر و خشنود نمی‌شود؟ به نظر می‌رسد که پاسخ انجیل به عنوان کل "بله" باشد! من می‌خواهم به پولس بگویم که الهیات من بر اساس نظریات پولس است. من نمی‌خواهم بیش از حد تحت نفوذ و بازیچه فمینیسم مدرن باشم! با این وجود احساس می‌کنم کلیسا در پاسخ به حقایق بدیهی انجیلی کند پاسخ می‌دهد، همانند بردگی، نژادپرستی، تعصب و جنس‌گرایی. همچنین در مورد سو استفاده از زنان در دنیای مدرن هم پاسخ و واکنش مناسب به کنده داده می‌شود. خدا در مسیح برده و زن را آزاد می‌کند. من اجازه نمی‌دهم که محدودیت‌های فرهنگی به اینها ریشخند بزند.

یک نکته دیگر: به عنوان یک مفسر، می‌دانم که قرن‌تس یک کلیسای بسیار درهم گسیخته بود. برکات کاربزماتیک به رخ کشیده می‌شدند. ممکن است زنان در این امر دست داشته می‌داشتند. همچنین باور دارم که افسس تحت تاثیر معلمین دروغینی بود که از زنان بهره می‌بردند و از آنان به عنوان سخنگویان جانشین در کلیساهای خانگی افسس استفاده می‌کردند.

C. منابعی برای مطالعات بیشتر

۱. How to Read the Bible For All Its Worth by Gordon Fee and Doug Stuart (pp. 61-77)
۲. Gospel and Spirit: Issues in New Testament Hermeneutics by Gordon Fee
۳. Hard Sayings of the Bible by Walter C. Kaiser, Peter H. Davids, F. F. Bruce, and Manfred T. Branch (pp. 613-616; 665-667)

۵: ۲۱ "یکدیگر" تسلیم متقابل یک اصل کلی است که به همه مؤمنان مربوط می‌شود، اما می‌تواند تنها از طریق ارادی به روح (یعنی کشتن خودبینی در زندگی) انجام شود. این شاهدهی بر بازگشت از گمراهی است.

"در ترس از مسیح"	NASB, NKJV
"به حرمت مسیح"	NRSV
"به واسطه احترام به مسیح"	TEV
"با اطاعت از مسیح"	NJB

"ترس" یک مفهوم عهد عتیقی از احترام است. تقدس و منحصر به فرد بودن یهوه و یا حتی حضور قلمرو معنوی (فرشتگان)، موجب واکنش شدید در بشر گمراه می‌شود!

روابط بین فردی مؤمن تحت تاثیر تعهد ایمان به مسیح قرار می‌گیرند. احترام به او احترام به همه انسانهایی است که او برایشان جان داد (رومیان ۱۴: ۱؛ ۱۵: ۱۳). مومنین با نشان دادن عشق خود به دیگران، عشق خود را نسبت به مسیح نشان می‌دهند (مراجعه شود به اول یوحنا ۴: ۲۰).

NASB (به روز شده): افسسیان ۵: ۲۲ الی ۲۴
 ۲۲ ای زنان، تسلیم شوهران خود باشید، همان‌گونه که تسلیم خداوند هستید.^{۲۳} زیرا شوهر سر زن است، چنانکه مسیح نیز سر کلیسا، بدن خویش، و نجات‌دهنده آن است.^{۲۴} پس همان‌گونه که کلیسا تسلیم مسیح است، زنان نیز باید در هر امری تسلیم شوهران خود باشند.

۵: ۲۲ "زنان، تسلیم باشید" در متن یونانی افسسیان ۵: ۲۲ هیچ فعلی وجود ندارد. این از افسسیان ۵: ۲۱ می‌آید (که یکی از پنج وجه وصفی حال است که زندگی پر شده با روح القدس را توصیف می‌کند). در این متن، یک فرمان نیست، بلکه یک وجه وصفی حال میانی یا وجه وصفی مجهول است. تنها فرمان به سوی شوهران در افسسیان ۵: ۲۵ خطاب شده است. (حال فعال امری)! شوهران باید فداکارانه و خالصانه و از روی عشق نسبت به همسران خود رفتار کنند، که پس از آن داوطلبانه خود را تسلیم کنند.

با این حال چندین عبارت همسو وجود دارند که در مورد اطاعت زن از شوهر صحبت می‌کنند:

۱. حال مجهول امری در کولسیان ۳: ۱۸
۲. وجه وصفی حال مجهول در تیتوس ۲: ۵ که به صورت امری استفاده شده است
۳. یک وجه وصفی حال مجهول دیگر در اول پطرس ۳: ۵ که به صورت امری استفاده شده است.

این عبارات همسو باعث شده که مترجمین افسسیان ۵: ۲۱ را به عنوان یک وجه وصفی حال مجهول بخوانند که به صورت امری مورد استفاده قرار گرفته است (نگاه کنید به اول پطرس ۳: ۱). هنوز هم قابل توجه است که حالت آن مجهول است. همسران باید به روح القدس اجازه دهند این کار را در زندگی آنان انجام دهد.

هم *Analytical Greek New Testament* اثر Barbara and Timothy Friberg و هم *Greek New Testament* اثر Max Zerwick and Mary Grosvenor این را یک فعل مجهول می‌نامند اما *The Analytical Greek Lexicon Revised*، ویرایش شده توسط Harold K. Moulton؛ و *Word Pictures In the New Testament* اثر A. T. Robertson؛ و *Ephesians in The Anchor Bible Commentary* اثر Markus Barth آن را زمان میانی می‌گویند. یونانی کوبین در حال فرآیند ادغام این دو صدای در یک صدا بود.

پولس زندگی پر از روح را با استفاده از سه عضو صحنه داخلی یونانی-رومی که هیچ حقی ندارند نشان می‌دهد: زنان، فرزندان و بردگان. او نشان داد که روح روابط فرهنگی را به روابط معنوی، و حقوق را به مسئولیتها تغییر می‌دهد.

■ اگر صفت مفعولی میانی باشد، بر مشارکت داوطلبانه همسر در تسلیم بر مسائل زناشویی تاکید می‌شود که از مزایای یک ازدواج همراه با آرامش و دوست داشتنی با همسر معتقد به شمار می‌رود. اگر صفت مفعولی مجهول باشد، این نشان دهنده نیاز همسر به اجازه روح به انجام کارهای او در قلب وی است (مراجعه شود به افسسیان ۵: ۱۸) که بر همسر و فرزندان و نیز برده‌های خانه تأثیر می‌گذارد.

■ "همان‌گونه که تسلیم خداوند هستید" باید کولسیان ۳: ۱۸، "در طریق سرور" مقایسه کرد. به این معنی نیست که شوهر قدرت نهایی است، بلکه این همسران به خاطر رابطه خود با مسیح، به شوهرانشان احترام می‌گذارند. عیسی الگو را هم برای تسلیم به اقتدار (یعنی، همیشه اراده پدر) و تجربه اقتدار (یعنی، کلیسا، مراجعه شود به افسسیان ۵: ۲۵) تنظیم می‌کند.

۵: ۲۳ "شوهر سر زن است، مسیح نیز سر کلیسا" در این آیه مسیح به عنوان شوهر و کلیسا به عنوان عروس به تصویر کشیده شده‌اند (مراجعه شود به مکاشفه ۱۹: ۷؛ ۲۱: ۲، ۹). شوهران باید به جای موقعیت رهبری خداوند، همانطور که مسیح انجام داد، عمل کنند. او برای کلیسا خودش را داد. این یک مسئله کنترل نیست، بلکه مسئله دادن از خویش است.

رهبری مردان مسئله بسیار بحث برانگیز در جامعه مدرن غربی ماست. این به چند دلیل است:

۱. رهبری یک خدمتگزار را درک نمی‌کنیم
۲. ما جوامع پدرسالارانه را، به خاطر ارزشهای دنیای مدرن و احترام گذاشتن به افراد، دوست نداریم
۳. به خاطر پارادوکسها و تناقضات انجیل که در جایی رهبری مردان تصریح میشود و در عبارتی دیگر بر تساوی تاکید میشود، گیج شده‌ایم.

به نظر من پاسخ در مثالی است که توسط عیسی از هدایت واقعی در ارتباط با کلیسا و خدمتگزار (خدمت) به خدای پدر تعیین شده است. این تسلیم به هیچ وجه نابرابری را بیان نمی‌کند، بلکه طراحی یک ساختار مدیریتی است. سرپرستی مردان نوعی رهبری را مطرح می‌کند که به نیازهای دیگران به شیوه ای از خود گذشتگی مانند عمل می‌کند. جامعه مدرن ما اقتدار را رد می‌کند، اما به دنبال قدرت است!

من شخصا می‌توانم رهبری مردان را به واسطه سقوط و گمراهی بپذیرم (مراجعه شود به پیدایش ۳: ۱۶؛ اول تیموتائوس ۲: ۱۲-۱۴). من همچنین می‌توانم آن را به عنوان یک مفهوم انجیلی در نور رهبری کلیسا توسط عیسی تصریح کنم (مراجعه شود به افسسیان ۵: ۲۲ الی ۳۳). اما آنچه پذیرش دشوار است یک حکومت پدرسالارانه (یعنی جوامع تحت سلطه مردان) به عنوان طرح آشکار خدا برای هر سنی و هر جامعه‌ای است (مراجعه شود به رومیان ۳: ۲۷؛ اول قرنتیان ۱۲: ۷، ۱۳؛ غلاطیان ۳: ۲۸-۲۹؛ کولسیان ۳: ۱۱). آیا دو جانبه بودن در پیدایش ۱: ۲۷، ۲: ۱۸ که در شورش آدم و حوا گم شد بسیار واضح بود (مراجعه شود به پیدایش ۳: ۱۶)، رستگاری را باز میگرداند؟ آیا لعنت گناه و سوگواری هر دو با رستگاری عیسی سر و کار دارند؟ همانطور که عصر جدید به زندگی مؤمنان برمی‌گردد، همچنین بازسازی دوستی کامل با خدا همانطوری که در عدن بود، هم اکنون آغاز می‌شود؟

من همچنین می‌خواهم یک نقطه تفسیری ایجاد کنم. به عنوان مترجم چیزی که به آن اعتقاد دارم، این است که در مورد خدای راستین و مسیح او خود افشاگر باشم، از جنبه فرهنگی کتاب مقدس حیرت زده می‌شوم. ما آن را به طور واضح در عهد عتیق (ختنه، قوانین غذا، قوانین تند و زنده، و غیره) می‌بینیم. اما برای ما، به عنوان مسیحیان مدرن، دیدن آنها در عهد جدید خیلی سخت‌تر است. من مطمئن هستم که این (۱) به خاطر عشق و احترام ما به کتاب مقدس و (۲) گرایش ما به گزاره گرایی لفظی است.

دو مسئله که به من مربوط می‌شوند تا جنبه‌های فرهنگی واضح داشته باشند (۱) جوامع تحت سلطه مردان (پدرسالاری) و (۲) برده داری هستند. عهد جدید هرگز تلاش نمی‌کند که به ناسازگاری این ستون‌های فرهنگی جهان باستان بپردازد. احتمالا به این دلیل که اگر این کار را میکرد، به معنای ویرانی مسیحیت بود. با این حال انجیل از طریق زمان، هر دورا از بین می‌برد! حقیقت خدا هرگز تغییری نمی‌کند، اما جوامع تغییر می‌کنند. این یک اشتباه بزرگ برای ما است که تلاش کنیم فرهنگ رومی-یونانی قرن اول را به اراده خداوند برای همه مردم در همه جا تبدیل کنیم، و البته برای فرهنگ اسرائیل نیز صادق است. خداوند هر یک از آنها را به روشهای قدرتمند و دائمی نشان داد. وظیفه واقعی این است که چگونه مطلق‌های ابدی را از پوسته فرهنگی خود دریافت کنید. یک کتاب خوب که در مورد این موضوع بسیار بحث می‌کند، *How to Read the Bible For All Its Worth*، اثر *Fee and Stuart* است.

یکی از راه‌های تلاش برای تعیین آنچه که ابدی است و بنابراین برای همه مؤمنان در همه دوره‌ها الزام آور است و ترجیحات فرهنگی یا شخصیتی این است که ببینید آیا کتاب مقدس (عهد عتیق و عهد جدید) یک پیام واحد ارائه میدهد و یا چند دیدگاه (مراجعه شود به *How to Read the Bible For All Its Worth*، اثر *Fee and Stuart*).

ترس من این است که ممکن است آموزش‌های مذهبی، شخصیت، فرهنگ و ترجیحات شخصی خود را به سکوت و یا حقیقت آشکاری کاهش دهم! نهایت اقتدار من، خدا و وحی او است (به عنوان مثال، در پسر او و در یک نوشته کتبی، کتاب مقدس). اما متوجه شدم که او خود را به یک دوره خاص تاریخ معرفی کرد، به یک فرهنگ خاص و هر چیزی در آن فرهنگ، بنا به اراده او نبود. با این حال، خدا مجبور بود با مردم در چهارچوب فرهنگ و مقوله‌هایی که می‌توانستند درک کنند، صحبت کند. پس کتاب مقدس یک سند تاریخی است. من جرأت نمیکنم جنبه ماورا طبیعی و یا جنبه فرهنگی آن را نادیده بگیرم.

موضوع خاص: سر (*kephalē*)

Special Topic: Head (*Kephalē*)

بحث معرفت‌شناسی گسترده‌ای در مورد معنای "سر" وجود دارد (*kephalē*). اصطلاح را می‌توان به این مفاهیم درک کرد:

۱. معادل عهد عتیقی عبری آن *rosh* (BDB 910, KB 1164) است که میتواند به یکی از این معانی باشد

a. سر

b. رئیس

c. شروع یا منشا (مراجعه شود به مزامیر ۸: ۲۳، جوامع ۳: ۱۱، اشعیا ۴۱: ۴)

d. مبلغ کل

(مراجعه شود به *Dictionary of Old Testament Theology and Exegesis*، جلد ۳، صفحات ۱۰۱۵ الی ۱۰۲۰)

۲. در LXX، rosh به این کلمات یونانی ترجمه میشود

a. *archē* (آغاز، شروع، مراجعه شود به مزامیر ۱:۳۷: ۶)

b. *prōtotokos* (نخست، مراجعه شود به اول تواریخ ۵: ۱۲)

c. *kephalē* (سر)

(۱) سر انسان

(۲) سر حیوان

(۳) قله کوه

(۴) بالای برج (مراجعه شود به انجیل متی ۲۱: ۴۲)

۳. در عهد جدید *kephalē*

a. سر انسان (مراجعه شود به اول قرنیتیان ۱: ۴ و ۵ و ۷)

b. سر حیوان

c. به طور مصطلح، برای یک انسان کامل

d. شروع یا منشا (مراجعه شود به اول قرنیتیان ۱: ۳)

e. جمع (مراجعه شود به رومیان ۱۳: ۹)

f. رهبر

(۱) عیسی سر تمام حاکمان و مقامات است، مراجعه شود به کولسیان ۲: ۱۰

(۲) عیسی سر کلیسا است (مراجعه شود به افسسیان ۴: ۱۵، ۵: ۲۳، کولسیان ۱: ۱۸، ۲: ۱۹)

g. شوهر (مراجعه شود به افسسیان ۵: ۲۳)

(مراجعه شود به Dictionary of New Testament Theology، جلد ۲، صفحات ۱۵۶ الی ۱۶۳)

۲۴: ۵ "پس همان گونه که کلیسا تسلیم مسیح است" شکل این فعل حال مجهول یا حال میانی اخباری است (نگاه کنید به یادداشت در بند چهار در افسسیان ۵: ۲۲). همانطور که زن تسلیم شوهرش است (۱) بهترین علاقه اش (صدای میانی) یا (۲) زیرا او توسط روح خدا (حالت مجهول) فعال شده است، همچنین کلیسا باید تسلیم مسیح باشد.

■ "کلیسا" به یادداشت افسسیان ۳: ۱۰ و موضوع خاص کولسیان ۱: ۱۸ مراجعه کنید.

■ "در هر امری" مسیح، نه شوهر، باید اقتدار نهایی باشد (متی ۱۰: ۳۴-۳۹). این آیه یک همسر معتقد را نه به یک شوهر سو استفاده گر زنجیر میکند و نه از کارهای پلیدی که توسط مستبد درخواست میکند، می گذرد.

NASB (به روز شده): افسسیان ۵: ۲۵ الی ۶: ۳

۲۵ ای شوهران، زنان خود را محبت کنید، آن گونه که مسیح نیز کلیسا را محبت کرد و جان خویش را فدای آن نمود، تا آن را به آب کلام بشوید و این گونه کلیسا را ظاهر ساخته، تقدیس نماید،^{۲۷} و کلیسای درخشان را نزد خود حاضر سازد که هیچ لک و چین و نقصی دیگر نداشته، بلکه مقدس و بی عیب باشد.^{۲۸} به همین سان، شوهران باید همسران خود را همچون بدن خویش محبت کنند. آن که زن خود را محبت می کند، خویشتن را محبت می نماید.^{۲۹} زیرا هرگز کسی از بدن خود نفرت ندارد، بلکه به آن خوراک می دهد و از آن نگاهداری می کند، همچنانکه مسیح نیز از کلیسا مراقبت می نماید؛^{۳۰} زیرا اعضای بدن اویمیم.^{۳۱} «از این رو مرد، پدر و مادر خود را ترک گفته، به زن خویش خواهد پیوست، و آن دو یک تن خواهند شد».^{۳۲} این راز، بس عظیم است - اما من درباره مسیح و کلیسا سخن می گویم.^{۳۳} باری، هر یک از شما نیز باید زن خود را همچون خویشتن محبت کند، و زن باید شوهر خویش را حرمت نهد.

۱ ای فرزندان، از والدین خود در خداوند اطاعت کنید، زیرا کار درست این است.^۲ «پدر و مادر خود را گرامی دار»، که این نخستین حکم با وعده است:^۳ «تا سعادت مند باشی و بر زمین عمر طولانی کنی».

۲۵: ۵ "ای شوهران، زنان خود را محبت کنید" این یک حال فعال امری است که فقط در این پاراگراف امری است. شوهر باید فضای معنوی را در خانه با ادامه دوست داشتن همسر خود، همانطور که مسیح کلیسا را دوست داشت، ایجاد کند. این در روزگار خود در عین حال یک عمل مثبت بود، اما در روزگار ما، تمام عبارت به نظر من منفی است؛ زیرا این نشان دهنده مفهوم الهیاتی سرپرستی مرد در خانه است (مراجعه شود به پیدایش ۳: ۱۶؛ اول قرنیتیان ۱۱: ۳؛ دوم تیموتائوس ۲: ۱۳) با این حال، شوهران مسیحی رهبران خدمتگزار هستند، نه رؤسایان.

■ **"جان خویش را فدای آن نمود"** حرف اضافه یونانی *hyper* به معنای "از طرف" است. این به قربانی شدن مسیح به عنوان جایگزین اشاره دارد. این نیز نوعی ابراز عشق است که از شوهر خواسته میشود.

۵: ۲۶ "تقدیس نماید" افعال اصلی در افسسیان ۵: ۲۶ و ۲۷ هر دو وجه شرطی آنوریست فعال هستند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۷: ۱۷-۱۹؛ تیتوس ۲: ۱۴؛ عبرانیان ۱۰: ۱۰، ۱۴، ۲۹؛ ۱۳: ۱۲). کلمه تقدیس از ریشه "مقدس" است. هدف از توجیه، تقدس است (افسسیان ۱: ۴؛ رومیان ۸: ۲۹-۲۰). حالت وجه شرطی خلق و خوی ذهنی یک یادداشت احتمالی را اضافه می کند. همانطور که کلیسا باید همکاری کند، همسر هم همینطور.

NASB "با تطهیر او با آن کلام"

NKJV "آن را به آب کلام بشوید"

NRSV "توسط شستن او با آب کلام"

TEV "با کلامش و پس از اینکه با آب او را شست"

NJB "او را در آب در قالب کلمات شست"

این احتمالاً یک استعاره عهد عتیقی برای تطهیر است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۵: ۳، تیتوس ۳: ۵). میتواند به یکی از اینها اشاره داشته باشد

۱. آئین تعمید (مراجعه شود به انجیل متی ۲۸: ۱۹-۲۰؛ اعمال ۳۸: ۲؛ تیتوس ۳: ۵)

۲. اعتراف عمومی به ایمان در هنگام تعمید (مراجعه شود به اعمال رسولان ۲۲: ۱۶؛ اول قرنتیان ۶: ۱۱)

۳. ادامه تصویرهای زناشویی، حمام عروسی عروس قبل از مراسم، به عنوان یک نماد فرهنگی پاکی

"کلام" احتمالاً به کتاب مقدس اشاره نمی کند، بلکه به کلمات سرپرست تعمید یا اقرار به ایمان تعمید گیرنده اشاره دارد.

۵: ۲۷ "کلیسای ... را نزد خود حاضر سازد" این یک وجه شرطی آنوریست فعال دیگر است که یک عنصر احتمالی را ارائه می دهد. به نظر می رسد به بره شام ازدواج اشاره می کند (نگاه کنید به مکاشفه ۱۹: ۶ الی ۹). درست همانطور که عیسی به خاطر کلیسا، کلیسا را انقلابی کرد، به همین ترتیب هم عشق شوهر به همسرش باید خانه مسیحی را تثبیت کند و برکت دهد.

■ "لک" این به مفهوم "ناپاک نبودن" است

■ "چین" این به مفهوم "نشانی از سالخوردگی نداشتن" است.

■ "مقدس" این از همان ریشه "تقدیس کردن" است که در افسسیان ۵: ۲۶ آمده است (مراجعه شود به افسسیان ۱: ۴). موضوع خاص: مقدس در افسسیان ۴: ۱ را مطالعه کنید.

■ "بی عیب" این یک اصطلاح مربوط به قربانی کردن در عهد عتیق است (مراجعه شود به اول پطرس ۱: ۱۹). همین مفهوم به عنوان اراده خدا برای کلیسا در افسسیان ۱: ۴ استفاده شده است. نگاه کنید به موضوع خاص: بی تقصیر در کولسیان ۱: ۲۲.

وزن تجمعی همه این اصطلاحات این است که خدا تقدس کامل مردم خود را می خواهد (افسسیان ۱: ۴). هدف مسیحیت همانند مسیح بودن است (رومیان ۸: ۲۹-۲۸؛ غلاطیان ۴: ۱۴). تصویر خدا در انسان احیا خواهد شد!

۵: ۲۸ "همچون بدن خویش" وقتی شوهر مسیحی عاشق زنان مسیحی خود هستند، خود را دوست دارند، زیرا در ایمان به مسیح آنها "یک گوشت" هستند (مراجعه شود به پیدایش ۲: ۲۴). همانطور که کلیسا گسترش دهنده مسیح است، شوهران و همسران گسترش دهنده یکدیگرند.

۵: ۲۹ "خوراک می دهد" این یک استعاره در رابطه با پرندگان است که به معنی "تغذیه تا بلوغ" است. این برای پرورش فرزندان در افسسیان ۶: ۴ استفاده شده است.

■ "نگاهداری می کند" این یک استعاره دیگر در مورد پرندگان است، "گرم کردن". این دو اصطلاح باید انگیزه دهنده به همه اعمال شوهر بالغ مسیحی نسبت به همسرش باشد. شوهران خدمتگزاران نعمات همسرانشان (و کودکانشان) و نیز خودشان هستند! رهبر معنوی خانه باید در پی بلوغ هر عضو خانواده در طریق مسیح باشد.

۵: ۳۰ "اعضای بدن اویم" کلیسا به عنوان یک جسم فیزیکی یکی از استعاره های مشارکتی پولس است که بر وحدت در میان تنوع تأکید می کند (مراجعه شود به اول قرنتیان ۱۲: ۱۲ الی ۲۷).

۵: ۳۱ این نقل قول از Septuagint (LXX) پیدایش ۲: ۲۴ است. همانطور که خانواده مسیحی یک واحد ارگانیک است، بنابراین کلیسا و مسیح هم هستند. خانواده یک واحد جدایی ناپذیر است، درست همانند کلیسا و سرور او (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۷: ۱۱، ۲۱-۲۲) که یک بدن هستند (مراجعه

شود به اول قرن‌تین (۱۲). این حقیقت منحصر به فرد، معلمان دروغین آن روز و هر روز را رد می‌کند.

۵: ۳۲ "راز" در نسخه لاتین والگیت "مقدس" است، اما این درج متن در پی تقدس‌گرایی کاتولیک رم است. پولس چندین بار اصطلاح "رمز و راز" را استفاده می‌کند، احتمالاً به این دلیل است که یک ترفند مورد علاقه معلمان دروغین عرفانی بود. پولس از چندین روش استفاده می‌کند. در اینجا آن را به مقایسه استعاری بین شوهران و همسران / مسیح و کلیسا مربوط می‌کند. برای بحث کامل ۱: ۹ و ۳: ۳ را ببینید.

۵: ۳۳ "محبت کنند... حرمت نهد" این یک حال فعال امری و وجه شرطی حال میانی (دپوننت) است. شوهر فرمان داده است که همسر خود را به عنوان خود بخواند (یک گوشت شوند، افسسیان ۵: ۳۱) و از همسران خواسته شده است که به شوهران خود احترام بگذارند و به آنها حرمت نهند. این خلاصه‌ای از کل عبارت (افسسیان ۵: ۲۱-۳۳) است.

سوالات بحث

این یک راهنمای مطالعاتی است، که بدین معنی است که شما خودتان مسئول تفسیر انجیل هستید. هر یک از ما باید در مسیر خودمان گام برداریم. شما، انجیل و روح القدس در اولویت تفسیر هستید. شما نباید این امر را به یک مفسر واگذار کنید.

این سوالات مباحثاتی به منظور کمک به شما در تفکر نسبت به مسائل اصلی این بخش از کتاب مطرح شده‌اند. آنها صرفاً تفکر برانگیز هستند نه قطعی.

۱. چرا خداپسندانه زندگی کردن مومنین اینقدر مهم است؟
۲. چرا در این متن بر گناهان جنسی تأکید شده است؟
۳. آیا مسیحیان میتوانند با شیوه زندگی خود از فیض سقوط کنند؟
۴. "پر شدن با روح" شامل چه چیزهایی است؟
۵. چرا ۵: ۲۲-۶: ۹ در روزگار خود اساساً مثبت به نظر می‌رسید، اما در روزگار ما بسیار منفی است؟
۶. آیا ۵: ۲۲-۳۳ می‌آموزد که زنان باید تسلیم مردان باشند و از آنان تبعیت کنند؟
۷. چرا پولس خانه مسیحی را با مسیح و کلیسا مقایسه می‌کند؟

افسیان ۶

پاراگراف‌های ترجمه‌های مدرن *

UBS ⁴	NKJV	NRSV	TEV	NJB
فرزندان و والدین	فرزندان و والدین	خانه مسیحی (۵: ۲۱ الی ۶: ۹)	فرزندان و والدین	اصول اخلاقی خانه (۵: ۲۱ الی ۶: ۹)
۶: ۱ الی ۴	۶: ۱ الی ۴	۶: ۱ الی ۳ ۶: ۴	۶: ۱ الی ۳ ۶: ۴	۶: ۱ الی ۴
بردگان و اربابان	خدمتکاران و اربابان	۶: ۵ الی ۸ ۶: ۹	۶: ۵ الی ۸	۶: ۵ الی ۹
نبرد علیه پلیدی	زره کامل خدا	زره خدا و نبرد مسیحی ۶: ۱۰ الی ۱۷ ۶: ۱۸ الی ۲۰	زره کامل خدا ۶: ۱۰ الی ۱۳ ۶: ۱۴ الی ۲۰	نبرد معنوی ۶: ۱۰ الی ۱۳ ۶: ۱۴ الی ۱۷ ۶: ۱۸ الی ۲۰
خداحافظی	خیر مقدم گویی دلپذیر	مسائل شخصی و افتخار	خداحافظی	خبرهای فردی و خداحافظی
۶: ۲۱ الی ۲۲	۶: ۲۱ الی ۲۴	۶: ۲۱ الی ۲۲	۶: ۲۱ الی ۲۲	۶: ۲۱ الی ۲۲
۶: ۲۳ الی ۲۴		۶: ۲۳ الی ۲۴	۶: ۲۳ الی ۲۴	۶: ۲۳ الی ۲۴

مطالعه حلقه سوم (رجوع کنید به "سمینار تفسیر کتاب مقدس")

به دنبال نیت اصلی نویسنده در سطوح پاراگراف

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور خود راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید.

کل کتاب مقدس را در یک نشست بخوانید. موضوعات را مشخص نمایید (مطالعه حلقه شماره ۳). تقسیمات موضوعی خود را با پنج ترجمه بالا مقایسه کنید. پاراگراف بندی به نویسنده الهام نشده است، اما کلید پیگیری اهداف اصلی نویسنده است که قلب تفسیر است. هر پاراگراف تنها و تنها یک موضوع دارد.

۱. پاراگراف اول
۲. پاراگراف دوم
۳. پاراگراف سوم و غیره
۴. و غیره

بینش متنی بر ۶: ۱ الی ۹

A. این واحد ادبی در افسسیان ۵: ۲۲ شروع شده، که استفاده پولس از خانه مسیحی به عنوان مثالی از چگونه زندگی پر شده از روح (مراجعه شود به افسسیان ۵: ۱۸) بر زندگی روزمره تاثیر میگذارد، را نشان میدهد.

B. مثال بومی پولس سه زوج را مورد خطاب قرار میدهد

۱. زنان و شوهران
 ۲. فرزندان و والدین
 ۳. بردگان خانه و اربابان
- C. پولس ابتدا کسانی که فاقد حقوق فرهنگی یا قدرت (زن و شوهر، فرزند، بردگی) هستند، را مورد خطاب قرار میدهد اما همچنین با کسانی که در قدرت هستند (شوهران، والدین، صاحب ثروتمند) هم صحبت می‌کند.
- D. این مثال بومی منحصر با یک خانه مسیحی سروکار دارد. قدرت احترام و عشق متقابل الگو را تعیین می‌کند. این متن فقط موضوع یک طرف از سه زوج مسیحی نیست. اقدامات مؤمنان نسبت به دیگران به وسیله رابطه آنها با مسیح تعیین می‌شود و نه با ارزش یا عملکرد طرف دیگر.

مطالعه عبارت و کلام

NASB (به روز شده): ۶: ۱ الی ۳

۱^۱ ای فرزندان، از والدین خود در خداوند اطاعت کنید، زیرا کار درست این است. ^۲ «پدر و مادر خود را گرامی دار»، که این نخستین حکم با وعده است: ^۳ «تا سعادت‌مند باشی و بر زمین عمر طولانی کنی».

۶: ۱ "فرزندان" مشخص نیست که به چه سنی در اینجا اشاره می‌شود. در دوران زندگی یهودی، پسر ۱۳ ساله به عنوان مرد تلقی می‌شود که باید به قانون احترام گذارد و ازدواج کند (یعنی *bar mitzvah*)؛ یک دختر در سن ۱۲ سالگی (یعنی *bath mitzvah*) زن تلقی می‌شود. در فرهنگ رومی یک پسر در سن ۱۴ سالگی، در فرهنگ یونانی، در سن ۱۸ سالگی بالغ تلقی می‌شد.

■ "اطاعت کنید" این فعل حال فعال امری است که ترکیب یونانی از "شنیدن" و "زیر" است. همسوی آن در کولسیان "در همه چیز" اضافه می‌کنند. این اطاعت باید برای یک دوره زمانی مشخص (دوران کودکی) باشد. حتی این دستور باید با انجیل متی ۱۰: ۳۴-۳۹ در تعادل باشد. اقتدار نهایی پدر و مادر نیست، بلکه الهی است.

■ "در خداوند" (در متن انگلیسی کلمه *Lord* به معنی سرور نوشته شده و ترجمه این عبارت "از والدین خود در طریق سرور اطاعت کنید" است) این عبارت در نسخ دستنویس B، D⁴، F و G یونانی باستان حذف شده است اما در نسخ P⁴⁶، A و D¹ و نیز ترجمه‌های Vulgate، Peshitta، Coptic و ارمنی وجود دارد. گنجاندن آن مشخص می‌کند که متن، خانه مسیحی است. این متن هم کودک مسیحی و هم والدین مسیحی را شامل می‌شود.

■ "زیرا کار درست این است" انجیل به وضوح رابطه خدا-دادی میان والدین و فرزند را بیان می‌کند (مراجعه شود به کولسیان ۳: ۲۰، امثال ۶: ۲۰، ۲۳: ۲۷). خانواده‌های قوی، جوامع قوی را تشکیل می‌دهند.

۶: ۲ "گرامی دار" این یک حال فعال امری است. این یک نقل قول از ده فرمان است (مراجعه شود به خروج ۲۰: ۱۲؛ تثنیه ۵: ۱۶). "گرامی داشتن" یک اصطلاح تجاری بود که به معنای "توجه به وزن" بود. این مفهوم عهد عتیق از آنچه سنگین است ارزشمند است. والدین باید برای فرزندان مسیحی مورد احترام و ارزشمند باشند. هیچ والدین کاملی وجود ندارد (همانطور که کودکان کامل نیستند).

■ "پدر و مادر" این نشان میدهد که هر دو والدین سزاوار احترام و قدردانی هستند.

■ "که این نخستین حکم با وعده است" (در متن انگلیسی این عبارت در داخل پرانتز است ولی در ترجمه فارسی، پرانتزها حذف شده اند) این نقل قول در افسسیان ۶: ۳ در تثنیه در چندین متن مختلف استفاده شده است (مراجعه شود به افسسیان ۴: ۴۰؛ ۵: ۱۶، ۳۳؛ ۳۰: ۱۷-۱۸). این وعده فردی طول عمر نیست بلکه وعده فرهنگی ثبات اجتماعی است. توجه داشته باشید که پولس با نقل قول از ده فرمان، نشان می‌دهد که شریعت (پیدایش-تثنیه) هنوز هم معتبر است تا آنجا که مکاشفه برای مسیح صورت می‌گیرد (مراجعه شود به افسسیان ۴: ۲۵، ۲۶؛ رومیان ۱۰: ۴؛ ۱۳: ۹-۱۰؛ غلاطیان ۲: ۱۵-۲۱) اما نه برای رستگاری (مراجعه شود به غلاطیان ۳).

۶: ۳ "بر زمین" پل، نقل قول عهد عتیق از "در سرزمینی که خداوند خدایتان به شما داده است" (مراجعه شود به خروج ۲۰: ۱۲، تثنیه ۵: ۱۶) را اقتباس کرده و آن را به یک اصل کلی تبدیل کرد. نویسندگان عهد جدید اغلب وعده‌های داده شده به اسرائیل در عهد عتیق را گرفته و با حقایق جهانی مطابقت میدهند.

NASB (به روز شده): افسسیان ۶: ۴

۴^۱ ای پدران، فرزندان خود را خشمگین مسازید، بلکه آنها را با تعلیم و تربیت خداوند بزرگ کنید.

در متن یونانی "پدران" نوشته شده است. ترجمه‌های معادل پویای مدرن انگلیسی (TEV و NJB) این معنای را به خاطر افسسیان ۶: ۲ گسترش داده‌اند که هر دو پدر و مادر ذکر شده‌اند. با این حال، در متن بزرگتر افسسیان ۵: ۲۱ الی ۶: ۹، پولس برای اولین بار سه گروه را که هیچ حقوق اجتماعی نداشتند - همسران، فرزندان، بردگان - اولویت داد و سپس به افرادی که همه دارای حقوق بودند، یعنی شوهران، پدران و اربابان رسیدگی می‌کند. مسئولیت معنوی برای هر عضو خانه مسیحی وجود دارد.

■ "خشمگین مسازید" این یک حال امری فعال با حرف اضافه نفی است که معمولاً به معنی متوقف کردن یک عمل در حال انجام است (مراجعه شود به کولسیان ۳: ۲۱). همانند ۵: ۲۵، این تعادل مورد نیاز، در جهان یونانی-رومی، و جهان ما بود. پدران مقامات نهایی نیست، بلکه خدمتگزاران مسیحی خانواده‌هایشان هستند.

پدران مسیحی باید نقش والدینی خود در زندگی فرزندان خویش را درک کنند. پدران نباید سلاقی شخصی خود را آموزش دهند، بلکه حقایق معنوی را باید آموزش دهند. هدف، اقتدار والدین نیست، بلکه انتقال اقتدار خدا به فرزندان است. همیشه یک شکاف نسبی میان نسل‌ها وجود دارد، اما هرگز شکافی در اقتدار الهی نیست. کودکان مجبور نیستند عاداتهای والدین، انتخابها یا شیوه زندگی آنان را برای خشنودی خدا بازتاب دهند. ما باید مراقب میل خود در قالب ریزی کردن ذهن فرزندانمان در درک فرهنگی فعلی خود و یا منعکس کردن ترجیحات شخصیتی خویش در آنان باشیم.

به عنوان یک شبان محلی نزدیک یک مدرسه دولتی بزرگ، متوجه شدم که بسیاری از وحشی‌ترین افراد جوان از خانه‌های مسیحی محافظه کار می‌آیند که به آنها اجازه انتخاب و یا آزادی شخصی نمی‌دادند. آزادی یک تجربه پر سر و صدا است و باید در مراحل مسئولانه معرفی شود. کودکان مسیحی باید براساس اعتقاد شخصی و ایمان زندگی کنند، نه راهنمایی دست دوم والدین.

■ "بزرگ کنید" این یک حال امری است که از همان ریشه کلمه، "تغذیه کردن تا بلوغ"، همانطور که در افسسیان ۵: ۲۹ است، می‌آید. همانطور که مسئولیت شوهر برای ادامه کمک به همسرش برای بلوغ معنوی و جوانی است، او همچنین به بلوغ معنوی و بلوغ کامل فرزندان خود کمک میکند (مراجعه شود به افسسیان ۴: ۷).

NASB, NRSV	"با نظم و راهنمایی سرور"
NKJV	"با آموزش و یادآوری‌های سرور"
TEV	"نظم و راهنمایی مسیحی"
NJB	"آنها را اصلاح و همانند سرورمان رهنمائی کنید"

اصطلاح اول از ریشه یونانی برای "کودک" است و به آموزش والدین کودکان (مراجعه شود به عبرانیان ۱۲: ۵، ۷، ۸، ۱۱) و برای آموزش سرور مؤمنان اشاره می‌کند (مراجعه شود به دوم تیموتائوس ۳: ۱۶).

اصطلاح دوم، اصطلاح عمومی برای هشدار، تصحیح یا اطاعت است (مراجعه شود به اول قرنتیان ۱۰: ۱۱؛ تیتوس ۳: ۱۰). آموزش ایمان به کودکان، تأکید عمده یهودیت بود (مراجعه شود به تثنیه ۴: ۹؛ ۶: ۷-۹، ۲۰-۲۵؛ ۱۱: ۱۸-۲۱؛ ۳۲: ۴۶). تعالیم والدین ضرورت انتقال ایمان شخصی و حقایق انجیلی خداوند، و نه سلاقی شخصی، و یا عقاید فرهنگی والدین، به نسل بعدی را به رسمیت می‌شناسد.

NASB (به روز شده): افسسیان ۶: ۵ الی ۸

۵ ای غلامان، اربابان زمینی خود را با احترام و ترس، و با اخلاص قلبی، اطاعت کنید، چنانکه گویی مسیح را اطاعت می‌کنید. ^۱ و این نیز، تنها نه هنگامی که مراقب شما هستند، همچون کسانی که در پی جلب رضایت انسانند، بلکه همچون غلامان مسیح، اراده خدا را با دل و جان به جای آورید. ^۲ با شور و شوق خدمت کنید، چنانکه گویی خداوند را خدمت می‌کنید نه انسان را، ^۳ زیرا می‌دانید که خداوند به هر کس پاداش همه کارهای نیکش را خواهد داد، خواه غلام باشد، خواه آزاد.

۶: ۵ "بردگان" این سومین مثال خانگی پولس است که نشان می‌دهد پر شدن با روح القدس چگونه در زندگی روزمره تفاوت ایجاد می‌کند (مراجعه شود به کولسیان ۳: ۲۲). "بردگان" (*douloi*) به خدمتکاران خانه اشاره دارد.

■ "اطاعت کنید" این یک حال امری است. در اول پطرس ۲: ۱۸-۲۱ یک متن همسوی بزرگ وجود دارد. موانع آشکاری میان زن و شوهر، فرزندان و بندگان وجود دارند، به جز اینکه به زنها دستور داده نشده که همانند فرزندان (برای یک دوره) و بردگان مطیع باشند.

موضوع خاص: نصایح پولس به بردگان

Special Topic: Paul's Admonitions To Slaves

۱. قانع باشید، ولی اگر فرصت آزادی برایتان پیش آمد، از آن استفاده کنید (اول قرنتیان ۷: ۲۱ الی ۲۴)
۲. در طریق مسیح هیچ برگی یا آزادی وجود ندارد (غلاطیان ۳: ۲۸، کولسیان ۳: ۱۱، اول قرنتیان ۱۲: ۱۳)
۳. با ایمان به سرورمان کنید، او پرداخت خواهد کرد (افسیسیان ۶: ۵ الی ۹، کولسیان ۳: ۲۲ الی ۲۵، اول پطرس ۲: ۱۸ الی ۲۰)
۴. در طریق مسیح بردگان برادر میشوند (اول تیموتائوس ۶: ۲، فیلمون ۱: ۱۶ الی ۱۷)
۵. بردگان خدا برای خدا افتخار می آورند (اول تیموتائوس ۶: ۱، تیتوس ۲: ۹)

نصایح پولس به برده داران:

بردگان و مالکان بردگان همگی یک ارباب دارند، بنابراین باید با یکدیگر با احترام رفتار کنند (افسیسیان ۶: ۹، کولسیان ۴: ۱).
بردگی یکی از اقلام فرهنگی (مانند فرهنگ پدرسالاری) است که یکی از ستونهای جهان قرن اول است. عهد جدید هیچ جنبه‌ای را به چالش نمی‌کشد. با این حال، حقیقت انجیل، در زمان خود این جنبه‌های فرهنگی را تغییر می‌دهد.

■ "اربابان زمینی خود" (در متن انگلیسی این عبارت چنین نوشته شده است: "که به واسطه جسم اربابان شما هستند") در اینجا جسم اصطلاح یونانی (سارکس) به معنای فیزیکی، نه پلیدی است. این حقیقت کلی مربوط به هر دو اساتید مسیحی و اساتید بت پرستان است (یعنی، هم کارفرمایان مهربان و هم نامهربان). توجه کنید که عبارت "در طریق سرور" در اینجا مثل دو نمونه قبلی داخلی دیده نمی‌شود (مراجعه شود به افسسیان ۵: ۲۱ و ۶: ۱).

فرهنگ غرب مدرن برده ندارد، با این حال این حقیقت روحانی مستقیماً به کارفرمایان مسیحی و کارمندان مسیحی مربوط می‌شود.

■ "با احترام و ترس" این استعاره‌ای از احترام است (مراجعه شود به اول قرنتیان ۲: ۲، دوم قرنتیان ۷: ۱۵، فیلیپیان ۲: ۱۲).

■ "با اخلاص قلبی" این یک استعاره از اصطلاح "تک بودن" است. این به دو صورت در عهد جدید استفاده شده است (۱) صمیمیت (مراجعه شود به کولسیان ۱: ۱۲، ۱۱: ۳، کولسیان ۳: ۲۲) یا (۲) آزادی (مراجعه شود به رومیان ۱۲: ۸؛ دوم قرنتیان ۸: ۲؛ ۹: ۱۱، ۱۳). در این زمینه واضح است که شماره ۱ مصداق دارد. انگیزه مومن همیشه کلید اقدام مناسب است، نه مشاهده (مراجعه شود به افسسیان ۶: ۶-۷). مؤمنان زندگی خود را در هر حوزه‌ای با ایمان به سرور (مراجعه شود به کولسیان ۳: ۲۲-۲۵ و رومیان ۱۴: ۷-۹) سپری می‌کنند. انگیزه آنها بر اساس ارزش یا شایستگی دیگری نیست، بلکه بر این است که آنها در طریق مسیح چه کسانی هستند.

شوهران مسیحی همسرانشان را دوست دارند، نه به این دلیل که همسرانشان کامل هستند یا شایستگی آن را دارند، بلکه به خاطر اینکه مسیحی هستند. این مربوط به تمام روابط بین فردی انسان است. مومنین با عشق ورزیدن به دیگران که در تصویر او ساخته شده‌اند، خدا را دوست دارند، زیرا او به خاطرشان مرد (مراجعه شود به اول یوحنا ۲: ۹، ۱۱: ۴؛ ۲۰). موضوع خاص: قلب در کولسیان ۲: ۲ را ببینید.

■ "گویی مسیح" مؤمنان نسبت به دیگران به دلیل ارتباط آنها با مسیح رفتار میکنند، نه به این دلیل که دیگران شایسته هستند (مراجعه شود به افسسیان ۵: ۲۲؛ رومیان ۱۴: ۷-۹). این امر مربوط به شوهران و همسران، والدین و فرزندان، اساتید و بردگان هم است. مؤمنان به خاطر تصویر خدا و عشق به آن اهمیت می‌دهند، نه به خاطر شایستگی شخصی.

۶: ۸ "همه کارهای نیکش" این متن یک محیط عبادی نیست، بلکه رابطه روزمره مؤمنان با دیگران، مسیحیان و غیر مؤمنان است. خداوند به تمام کارهای ما توجه دارد. هیچ سکولاری وجود ندارد، همه چیز مقدس است!

آیه ۸ الف یک جمله شرطی نوع سوم است که به معنای بالقوه بودن انجام عملی در آینده است. انتظار می‌رود که مومنین کارهای خوب انجام دهند (مراجعه شود به افسسیان ۱: ۴؛ ۲: ۱۰؛ ۴: ۱۷-۱۸؛ ۵: ۱۴). مؤمنان به واسطه کارهای خوب با خدا در مسیر درست نیستند، بلکه به واسطه کارهای خوب نجات می‌یابند.

■ "خداوند به هر کس پاداش همه کارهای نیکش را خواهد داد" (در نسخه انگلیسی انجیل، کلمه *Lord* به معنی سرور نوشته شده که به اشتباه خداوند در فارسی ترجمه شده است) خدا زندگی مؤمنان را تماشا میکند و آنها را به حساب می‌آورد (مراجعه شود به دوم قرنتیان ۵: ۱۰). انجیل از پاداشها (متی ۵: ۱۲، ۴۶؛ ۶: ۲-۱۰؛ ۴۱-۴۲؛ لوقا ۶: ۲۳، ۳۵؛ اول قرنتیان ۳: ۸؛ ۱۴: ۹؛ ۱۷-۱۸؛ دوم یوحنا ۸: مکاشفه ۱۱: ۱۸؛ ۱۴: ۱۳؛ ۲۲: ۱۲) و تاجها سخن می‌گوید (مراجعه شود به اول قرنتیان ۹: ۲۵؛ دوم تیموتائوس ۴: ۸؛ یعقوب ۱: ۲۳؛ اول پطرس ۵: ۴؛ مکاشفه ۲: ۱۰). پولس یک اصل کلی مشابه غلاطیان ۹: ۷ را بیان می‌داشت.

۹ و شما ای اربابان، با غلامان خود همین‌گونه رفتار کنید، و از تهدیدشان دست بردارید، زیرا می‌دانید او که هم ارباب ایشان است و هم ارباب شما، در آسمان است، و نزد او کسی را بر دیگری برتری نیست.

۹: ۶ "اربابان" این هنوز همان ادبیات ۵: ۲۲-۶: ۹ را دارد، که نمونه داخلی پولس از "زندگی پر از روح" است. در این آیه، اربابانی که به آنها اشاره می‌شوند، مسلماً مومن هستند، در حالی که در افسسیان ۶: ۵ آنها ممکن است مومن یا غیر مومن باشند.

■ "همین‌گونه رفتار کنید" این یک حال فعال امری است. باز هم تعادل مورد نیاز برای صاحبان برده‌ها، همانند ۵: ۲۹ به شوهران و ۶: ۴ به والدین است. هر کس باید با اصول خداپرستی (روح پر شده) عمل کند، نه امتیاز اجتماعی. حکم طلایی عیسی (متی ۷: ۱۲) در اینجا کاربرد دارد.

■ "از تهدیدشان دست بردارید" این یک وجه وصفی حال فعال است که به صورت امری مورد استفاده قرار گرفته است. این اصطلاح به مفهوم "به نرمی رفتار کردن" است.

■ "نزد او کسی را بر دیگری برتری نیست" (ترجمه درست این عبارت "او از کسی طرفداری نمی‌کند" است) اصطلاح "طرفداری" (*partiality*) ترکیبی از "صورت" و "بلند کردن" است. این بیانگر یک قاضی عهد عتیق است که بدون اینکه چهره متهم را ببیند تا تشخیص دهد آیا او را می‌شناسد یا خیر، به طور صحیح داوری کند. خداوند از هیچ کس را طرفداری نمی‌کند (مراجعه شود به تثنیه ۱۰: ۱۷، اعمال رسولان ۱۰: ۳۴؛ رومیان ۲: ۱۱؛ غلاطیان ۲: ۶؛ کولسیان ۳: ۲۵؛ اول پطرس ۱: ۱۷). همه تمایزات زمینی در طریق مسیح محو می‌شوند (مراجعه شود به رومیان ۳: ۲۲؛ غلاطیان ۳: ۲۶، ۲۸؛ کولسیان ۳: ۱۱). موضوع خاص: نژاد پرستی در کولسیان ۳: ۱۱ را مطالعه کنید.

سوالات بحث

این یک راهنمای مطالعاتی است، که بدین معنی است که شما خودتان مسئول تفسیر انجیل هستید. هر یک از ما باید در مسیر خودمان گام برداریم. شما، انجیل و روح القدس در اولویت تفسیر هستید. شما نباید این امر را به یک مفسر واگذار کنید.

این سوالات مباحثاتی به منظور کمک به شما در تفکر نسبت به مسائل اصلی این بخش از کتاب مطرح شده‌اند. آنها صرفاً تفکر برانگیز هستند نه قطعی.

۱. چرا این عبارت برای روزگار پولس بسیار شگفت‌انگیز بود؟
۲. آیا حقوق و یا وظایف را تحت تأثیر قرار می‌دهد؟
۳. این عبارت در مورد زنان چه می‌گوید؟ آیا این عبارت باید به عنوان یک راهنما برای روزگار ما استفاده شود؟
۴. چگونه افسسیان ۶: ۲۱ با ۵: ۲۲-۶: ۹ مرتبط است؟
۵. آیا بچه‌ها همیشه باید از والدین اطاعت کنند؟ "کودک" را تعریف کنید.
۶. آیا رابطه برده / ارباب با کارمند/کارفرما مشابه است؟
۷. چه ارتباطی میان زنان و فرزندان با بردگان وجود دارد؟

بینش متنی نسبت به آیات ۶: ۱۰ الی ۲۴

A. زندگی مسیحی یک نبرد معنوی است. مشکلات، رنج و آزار و شکنجه غیر طبیعی نیستند، اما برای مسیحیان در یک جهان گمراه، عادی هستند (رومیان ۵: ۳-۴؛ ۸: ۱۷-۱۸؛ اول پطرس ۱: ۶-۹؛ ۲: ۱۱؛ ۴: ۱۲-۱۷؛ ۵: ۱۰).

B. نزاع معنوی می‌تواند به لحاظ متنی مرتبط با زمان حال مجهول امری در "با روح پر شود"، از افسسیان ۵: ۱۸ و حال مجهول (یا میانی، به افسسیان ۵: ۲۲ توجه داشته باشید) امری "در سرور قوی گردید"، ۱۰: ۶ باشد. همانطور که پر بودن مربوط به روزانه همانند مسیح بودن است (مراجعه شود به کولسیان ۳: ۱۶) همینطور هم، نبرد معنوی است. مردم نزد خداوند اولویت دارند. میدان جنگ، روابط روزانه میان افراد است. فقط مردم ابدی هستند. اگر چه این زمانهای مجهول صحبت از قدرت خدا دارند، فرد مسیحی باید به روح اجازه دهد که در زندگی او کار کند. پیمان دو طرفه است، هر دو طرف انتخاب می‌کنند.

C. ما باید مراقب دو افراطی باشیم: (۱) شیطان مسبب همه چیز است و (۲) هیچ شیطان فردی وجود ندارد. من به خاطر توحید عهد عتیق تصور می‌کنم که شیطان یک موجود خلق شده و تحت کنترل است (مراجعه شود به اول پادشاهان ۲۲: ۱۹ الی ۲۳؛ یعقوب ۱-۲؛ زکریا ۳: ۱-۵). او نه همه جا هست و نه بر همه چیز دانا است. از شیطان در نامه افسسیان ۲: ۲ و ۴: ۱۴، ۲۷ نام برده شده است. او تنها یکی از سه دشمنی است که مسیحیان روزانه با آن روبرو می‌شوند - جهان، شیطان و گوشت/جسم (افسسیان ۲: ۲-۳؛ یعقوب ۴).

D. خداوند زرها و سلاح‌های معنوی خود را فراهم می‌کند، اما مومنین باید (۱) نبرد روحانی روزمره را تشخیص دهند و (۲) با ایمان از منابع خدا بهره‌مند شوند، و پس از آن (۳) ایستادگی کنند (مراجعه شود به افسسیان ۶: ۱۱، ۱۳، ۱۴) بلوغ معنوی نه به صورت خودکار است، و نه بر اساس

طول عمر، IQ (یعنی ضریب هوش)، و یا نعمت....

E. آیات ۲۱ تا ۲۲ تقریباً برابر با کولسیان ۴: ۷-۸ هستند. این یک شاهد اضافی مربوط به رابطه نزدیک بین این دو کتاب است. با این حال، جالب است که کل بحث در مورد جنگ روحانی در کولسیان حذف شده است. هر کتاب منحصر به فردی خود را دارد.

مطالعه عبارت و کلام

NASB (به روز شده): افسسیان ۶: ۱۰ الی ۱۷

۱۰ باری، در خداوند، و به پشتوانه قدرت مقتدر او، نیرومند باشید. ۱۱ اسلحه کامل خدا را بر تن کنید تا بتوانید در برابر حيله‌های ابليس بایستید. ۱۲ زیرا ما را کشتی گرفتن با جسم و خون نیست، بلکه ما علیه قدرتها، علیه ریاستها، علیه خداوندگاران این دنیای تاریک، و علیه فوجهای ارواح شریر در جایهای آسمانی می‌جنگیم. ۱۳ پس اسلحه کامل خدا را بر تن کنید، تا در روز شر شما را یارای ایستادگی باشد، و بتوانید پس از انجام همه چیز، بایستید. ۱۴ پس استوار ایستاده، کمربند حقیقت را به میان بندید و زره پارسایی را بر تن کنید، ۱۵ و کفش آمادگی برای اعلام انجیل سلامتی را به پا نمایید. ۱۶ افزون بر این همه، سپر ایمان را برگزید، تا بتوانید با آن، همه تیرهای آتشین آن شریر را خاموش کنید. ۱۷ کلاه خود نجات را بر سر نهدید و شمشیر روح را که کلام خداست، به دست بگیرید.

۶: ۱۰ "باری" (در نسخه انگلیسی *Finally* به معنی نهایتاً نوشته شده است) به معنای واقعی کلمه این "برای بقیه" است. این یکی از خصوصیات نوشته‌های پولس است که مفهوم آن این است که او در حال بستن و پایان دادن به نامه خود است (مراجعه شود به کولسیان ۱۳: ۱۱؛ فیلیپیان ۳: ۱؛ ۴: ۸؛ اول تسالونیکیان ۴: ۱؛ دوم تسالونیکیان ۳: ۱). این معمولاً انتقال به یک نقطه جدید را نشان می‌دهد.

■ "در خداوند، ... نیرومند باشید" (در متن انگلیسی کلمه *Lord* نوشته شده که معنی آن ارباب/سرور است، نه خدا/خداوند) این یک حال مجهول امری است، "نیرومند شوید"، یا یک حال میانی امری، "نیرومند باشید". شکل دستور زبانی یکسان است، تنها عملکرد متفاوت است. الهیات روشن است: مؤمنان باید همچنان اجازه دهند تا روح بتواند آنها را برای مبارزه روحانی مداوم تقویت کند (مراجعه شود به افسسیان ۳: ۲۰؛ اول قرنتیان ۱۶: ۱۳). این تناقض بین صدای مجهول (قدرت خدا از طریق ایمانداران) و صدای میانی (مؤمنان فعالانه در زندگی برای مسیح درگیر هستند) تنش دیالکتیکی در سراسر انجیل است. اساساً این تنش روابط پیمان است (فیلیپیان ۲: ۱۲-۱۳). خدا همیشه این ابتکار عمل را بدست می‌گیرد، همیشه برنامه را تنظیم می‌کند، اما او نیز انتخاب کرده است که انسانها باید (ابتدا و به طور مداوم) پاسخ دهند. گاهی اوقات انجیل بر پاسخ انسانی تأکید می‌کند (حزقیال ۱۸: ۳۱، "برای خود یک دل و روح جدید بسازید") و گاهی اوقات خداوند (مراجعه شود به حزقیال ۳۶: ۲۶-۲۷)، "من به شما یک قلب تازه داده و یک روح جدید درون شما میدهم" هر دو درست هستند!

چهار اصطلاح یونانی (dunamis = قدرت؛ energia = انرژی؛ kratos = قدرت و ischus = زور) در افسسیان ۱: ۱۰ برای توصیف قدرت خدا در طریق مسیح استفاده می‌شوند. در اینجا، سه تا از این واژه‌ها استفاده می‌شوند.

موضوع خاص: قوی باشید

Special Topic: Be Made Strong

این اصطلاح (*krataioō*) در صدای مجهول چندین بار در عهد جدید در مفاهیم مختلف مورد استفاده قرار گرفته است.

۱. توسعه طبیعی طبیعی عیسی به عنوان یک انسان، انجیل لوقا ۱: ۸۰، ۲: ۴۰
۲. مومنین توسط روح القدس نیرو می‌گیرند، افسسیان ۳: ۱۶
۳. مؤمنان به اعتقاد خود در مقابل مبارزات داخلی در کلیسای قرنتیان، قوی و متعهد هستند. اول قرنتیان ۱۶: ۱۳

■ "به پشتوانه قدرت مقتدر او" یهوه اغلب در عهد عتیق به عنوان یک جنگجوی زره بر تن (مراجعه شود به اشعیا ۴۲: ۱۳؛ ۴۹: ۲۴-۲۵؛ ۵۲: ۱۰ و به ویژه ۵۹: ۱۷-۱۶) توصیف شده است. این زره او است، نه ما. پیروزی ما در وجود او است (مراجعه شود به فیلیپیان ۲: ۱۳)، اما ما باید همکاری کنیم (مراجعه شود به فیلیپیان ۲: ۱۲).

۶: ۱۱ "اسلحه کامل خدا را بر تن کنید" این یک آتوریست امری میانی است که حس فوریت را بیان می‌کند (مراجعه شود به افسسیان ۶: ۱۳). این یک تصمیم قطعی از اراده مؤمن است. خدا تجهیزات الهی مورد نیاز ما را فراهم کرده است، اما ما باید نیاز خود را به رسمیت شناختن خدا و استفاده از آن برای زندگی روزمره (مراجعه شود به اول تسالونیکیان ۵: ۸) تشخیص دهیم. توجیه (رومیان ۴: ۶) از نزاع از مبارزه و وسوسه معنوی (از رومیان ۷) حاصل نمی‌شود.

حضور "مرد جدید" به معنای حذف "مرد قبلی" نیست. اغلب نبرد تشدید می شود. اگر شیطان نتواند ما را از رستگاری دور کند، او تلاش خواهد کرد تا ما را از نظر روحانی شکست دهد و خاموش کند!

■ "تا بتوانید در برابر حيله‌های ابليس بایستید" این حال مجهول نامحدود است که به دنبال آن یک آئوریست فعال نامحدود آمده است و مبارزات روزانه اشاره دارد نه یک "نبرد" یا وسوسه قاطع (این شبیه به وسوسه عیسی در لوقا ۴: ۱۳ است، جایی که شیطان تا زمان مناسب‌تر می‌رود) اصطلاح "ایستادن" یک اصطلاح نظامی برای برگزاری یک موقعیت است. این در افسسیان ۶: ۱۳ و ۱۴ تکرار می‌شود. این هدف کلیدی زره ایمان است.

موضوع خاص: ایستادگی (*histēmi*)

Special Topic: Stand (Histēmi)

این اصطلاح متداول در مفاهیم مختلف الهیاتی در عهد جدید استفاده شده است

۱. ایجاد کردن

- a. شریعت عهد عتیق، رومیان ۳: ۳۱
- b. پارسایی خود فرد، رومیان ۱۰: ۳
- c. پیمان جدید، رومیان ۱۰: ۳
- d. مسئولیت، دوم قرن‌تیاں ۱۳: ۱
- e. حقیقت خدا، دوم تیموتائوس ۲: ۱۹

۲. از نظر معنوی و روحانی مقاومت کردن

- a. شیطان، افسسیان ۶: ۱۱
- b. در روز داوری، مکاشفه ۶: ۱۷
- ۳. مقاومت کردن بوسیله محافظت کسی
 - a. استعاره نظامی، افسسیان ۶: ۱۴
 - b. استفاده مدنی، رومیان ۱۴: ۴
- ۴. مکانی در حقیقت، انجیل یوحنا ۸: ۴۴

۵. مکانی در فیض

- a. رومیان ۵: ۲
- b. اول قرن‌تیاں ۱۵: ۱
- c. اول پطرس ۵: ۱۲

۶. مکانی در ایمان

- a. رومیان ۱۱: ۲۰
- b. اول قرن‌تیاں ۷: ۳۷
- c. اول قرن‌تیاں ۱۵: ۱
- d. دوم قرن‌تیاں ۱: ۲۴

۷. غرور، اول قرن‌تیاں ۱۰: ۱۲

این اصطلاح بیانگر فضل و رحمت و مصلحت خدا است و این واقعیت که مؤمنان باید به آن پاسخ دهند و با ایمان به آن برسند. هر دو حقیقت انجیلی هستند. آنها باید با هم حفظ شوند! موضوع خاص: پیمان و موضوع خاص: پارادوکس در انجیل را مطالعه کنید.

"در برابر طرح شیطان"	NASB
"در برابر حيله‌های ابليس"	NKJV, NRSV
"علیه ترندهای پلید شیطان"	TEV
"تاکنیکهای شیطان"	NJB

مسیحیان توسط یک وسوسه کننده شیطانی، یعنی خود شیطان (مراجعه شود به افسسیان ۲: ۲؛ ۴: ۱۴، ۲۷؛ دوم قرن‌تیاں ۲: ۱۱؛ اول پطرس ۵: ۸-۹) مورد حمله قرار می‌گیرند. شیطان از طرح‌های بسیاری استفاده می‌کند (*methodia*).

۱. اختلاف نظر
۲. گناه شخصی
۳. معلمین دروغین
۴. دلسردی
۵. بی تفاوتی
۶. رنج کشیدن

اینها فقط چیزهایی هستند که گیرندگان این نامه با آن روبرو شدند. با این حال، مؤمنان نمی توانند همه گناهان و مشکلات را به وسوسه شیطانی یا حمله شیطان منتسب کنند. بشر گمراه، حتی بشریت توبه کار، با اینها روبرو است: (۱) یک طبیعت گناه آلود؛ (۲) یک سیستم جهانی گمراه؛ و (۳) یک حمله فرشته‌ای و شیطانی (افسیسیان ۲: ۲-۳؛ یعقوب ۴: ۱، ۴، ۷). نبرد در ذهن شروع می شود اما به سرعت به اعمال گناهکارانه می انجامد. موضوع خاص: شیطان فردی در ۲: ۲ را ببینید.

به تعداد دفعات "مقابل" که در این متن ظاهر شده (یکبار در آیه ۱۱ و چهار مرتبه در افسسیان ۶: ۱۲) توجه کنید. زره شیطان توسط زره خدا خنثی میشود!

۱۲:۶

NASB, NRSV	"نبرد ما نیست"
NKJV	"ما کشتی نمیگیریم"
TEV	"ما نمیجنگیم بر علیه"
NJB	"باید مبارزه کنیم"

این فعل زمان حال است که مستلزم یک مبارزه مداوم است، نه یک وسوسه یک باره. این یک استعاره نظامی یا ورزشی بود. این به معنای واقعی کلمه به دست به دست مبارزه است. زندگی مسیحی سخت است! زندگی مسیحی یک هدیه فراطبیعی است که از طریق توبه و ایمان به دست می آید، مانند رستگاری.

■ "جسم و خون نیست" ترتیب واقعی کلمات به معنای واقعی کلمه "خون و گوشت" است. به توالی غیر عادی این اصطلاحات توجه کنید. این فقط در اینجا و در عبرانیان ۲: ۱۴ دیده میشود. علت نامعلوم است، اما ممکن است مربوط به استنباط غلط معلمان دروغین فیزیکی (بشر بودن عیسی) باشد. ایمانداران باید به خاطر داشته باشند که مسئله معنوی گناه، بدی و شیطان است، نه رقابت از سوی دیگر انسانها!

■ "علیه قدرتها، علیه ریاستها" این شرایط را می توان در مورد مقامات انسانی مانند رومیان ۱۳: ۱-۷ استفاده کرد، اما در اینجا متن به سطوح فرشته (aeons) و اقتدار (رومیان ۸: ۳۸-۳۹؛ اول قرن تیان ۲: ۸؛ کولسیان ۱: ۱۶؛ ۲: ۱۰، ۱۵؛ افسسیان ۱: ۲۱؛ ۳: ۱۰؛ اول پطرس ۳: ۲۲) نیاز دارد. این بخشی از دنیای معلمان دروغین عرفان بود. این سطوح فرشته ای (aeons) ممکن است

۱. بد، یعنی، فرشتگان گمراه تحت کنترل شیطان
۲. مقامات فرشته ای به نام stoichea نامیده می شوند که لزوماً شرور نیستند (مراجعه شود به غلاطیان ۴: ۳، ۹؛ کولسیان ۲: ۸)

برای بحث خوب درباره موضوع، *Christ and the Powers* (Herald Press)، اثر Hendrik Berkhof را ببینید.
برای "حاکمان" موضوع خاص: منشأ در کولسیان ۱: ۱۶ را ببینید.

موضوع خاص: سطوح فرشتگان در نوشته های پولس

Special Topic: Angelic Levels In Paul's Writings

رَبی‌ها فکر می کردند که فرشتگان به عشق و توجه خداوند (به عنوان مثال، دادن قانون او در کوه سینا) به انسان گمراه حسادت می کردند و به همین دلیل نسبت به آنها خصمانه بودند. معلمان دروغین عرفان ادعا می کردند که رستگاری تنها با داشتن اسم رمز برای عبور از قلمرو فرشتگان متخاصم (به معنی کولسیان و افسسیان) امکان پذیر است، که منجر به بالا رفتن، و رسیدن به خدای خوب می شود.

George Eldon Ladd، خلاصه خوبی از اصطلاحات پولس برای فرشتگان را در کتاب «الهیات عهد جدید» به کار می برد:

"پولس نه تنها به فرشتگان خوب و بد، شیطان و شیاطین اشاره می کند؛ او از گروه دیگری از کلمات استفاده می کند تا صفوف فرشتگان را تعیین

کند. اصطلاحات به شرح زیر هستند:

- 'قانون' [archē]، اول قرتیان ۱۵: ۲۴، افسسیان ۱: ۲۱، کولسیان ۲: ۱۰
- 'حاکمان' [principalities. RSV; archai]، افسسیان ۳: ۱۰، ۶: ۱۲؛ کولسیان ۱: ۱۶، ۲: ۱۵؛ رومیان ۸: ۳۸
- 'مقام' [exousia]، اول قرتیان ۱۵: ۲۴، افسسیان ۱: ۲۱؛ کولسیان ۲: ۱۰
- 'مقامات' [RSV; exousiai]، "مقامات"، افسسیان ۱: ۲۱
- "قدرت" [dynamist]، اول قرتیان ۱۵: ۲۴، افسسیان ۱: ۲۱
- 'قدرتها' [dynamis]، رومیان ۸: ۳۸
- 'تاج و تخت' [thronoi]، کولسیان ۱: ۱۶
- 'اربابی' [RSV; kyriotēs]، "سلطه"، افسسیان ۱: ۲۱
- 'بزرگان' [kyriotētes]، کولسیان ۱: ۱۶
- 'حاکمان این جهان تاریک'، افسسیان ۶: ۱۲
- '(میزبانان) روحانی پلید در بهشت'، افسسیان ۶: ۱۲
- 'اقتدار تاریکی'، کولسیان ۱: ۱۳
- 'به هر نامی که خطاب میشود'، افسسیان ۱: ۲۱
- 'موجودات بهشتی، زمینی و زیر زمینی'، فیلیپیان ۲: ۱۰" (صفحه ۴۰۱).

موضوع خاص: فرشتگان و شیاطین

(Special Topic: Angels And Demons)

۱. مردم قدیم تصورگرا بودند. آنها شخصیت انسان را با نیروهای طبیعت، حیوانات و اشیا طبیعی توصیف می‌کردند. زندگی با تعامل میان این هویت‌های معنوی با انسان توصیف می‌شد.
 ۲. این شخصیت‌سازیها به مرور پلی‌تئیسم (*polytheism*) یا چند خدایی را به وجود آورد. معمولا شیطان (*genii*) خدای پائین‌تر یا کوچکتر بود و (نیکی در مقابل اهریمنی قرار داشت) که بر زندگی انسانها تاثیر می‌گذاشتند.
 - a. بین‌النهرین، شورش و تقابل
 - b. مصر، نظم و عملکرد
 - c. کنعان، به *Archaeology and the Religion of Israel* نوشته W. F. Albright جلد پنجم، صفحه ۶۷ الی ۹۲ مراجعه شود.
 ۳. عهد عتیق با موضوع خدایان کوچکتر، فرشتگان یا شیاطین صحبتی نمی‌کند، احتمالا به خاطر یکتاپرستی شدید (به موضوع خاص: یکتاپرستی مراجعه کنید، کتاب خروج ۸: ۱۰، ۹: ۱۴، ۱۵: ۱۱، تثنیه ۴: ۳۵ و ۳۹، ۶: ۴، ۳۳: ۲۶، مزمور ۳۵: ۱۰، ۷۱: ۱۹، ۸۶: ۸، اشعیا ۴۶: ۹، ارمیا ۱۰: ۶ الی ۷، میکاه ۷: ۱۸). به خدایان دروغین مردم کافر اشاره می‌کند (*Shedim*)، BDB 993، مراجعه شود به تثنیه ۳۲: ۱۷، مزمور ۱۰۶: ۳۷) و از برخی از آنها حتی اسم می‌برد.
 - a. *Se'im* (موجود نیمه‌انسان نیمه بز یا شیطان پشمالو، BDB 972 III، KB 1341 III، مراجعه شود به لایوان ۱۷: ۷، دوم تواریخ ۱۱: ۱۵، اشعیا ۱۳: ۲۱، ۳۴: ۱۴)
 - b. *Lilith* (مونث، شیطان متجاوز شبها، BDB 539، KB 528، مراجعه شود به اشعیا ۳۴: ۱۴)
 - c. *Mavet* (اصطلاح عبری برای مرگ که برای خدای زیر زمینی کنعانیان استفاده می‌شد، Mot، BDB 560، KB 560، مراجعه شود به اشعیا ۲۸: ۱۵ و ۱۸، ارمیا ۹: ۲۱، و احتمالا تثنیه ۲۸: ۲۲)
 - d. *Resheph* (بلا، آتش، نگرگ، BDB 958، KB 958، مراجعه شود به تثنیه ۳۲: ۲۴، مزمور ۷۸: ۴۸، حبقوق ۳: ۵)
 - e. *Dever* (بلا، BDB 184، مراجعه شود به مزمور ۹۱: ۵ الی ۶، حبقوق ۳: ۵)
 - f. *Az'azel* (معنی این اسم مشخص نیست، ولی احتمالا شیطان صحرا و یا نام مکانی است، BDB 736، KB 736، مراجعه شود به لایوان ۱۶: ۸ و ۱۰ و ۲۶)
- (این مثالها از Encyclopaedia Judaica جلد ۵، صفحه ۱۵۲۳ اقتباس شده‌اند.)

با این وجود، هیچ دوالیسم یا جدایی فرشتگان از یهوه در عهد عتیق وجود ندارد. شیطان خدمتگزار یهوه است (مراجعه شود به ایوب ۱ الی ۲، زکریا ۳)، نه یک دشمن مستقل و خود رای (مراجعه شود به A Theology of the Old Testament نوشته A. B. Davidson، صفحات ۳۰۰ الی ۳۰۶).

۴. یهودیت در طول دوران تبعید در بابل توسعه یافت (۵۸۶ تا ۵۳۸ قبل از میلاد). از نگاه الهیاتی، از دوالیسم دین زرتشت ایران تحت تاثیر قرار گرفت، یک خدای نیک و والا بنام مزدا یا اهورامزدا و شیطان در مقابلش بنام اهریمن. در دوران بعد از تبعید یهود این شخصیت بخشیدن دوالیسم میان یهوه و فرشتگانش و شیطان و فرشتگانش و شیاطین شکل گرفت.

شخصیت بخشیدن به شیطان در الهیات یهود به خوبی در کتاب *The Life and Times of Jesus the Messiah* نوشته Alfred Edersheim، جلد ۲، ضمیمه ۸، صفحات ۷۴۹ الی ۸۶۳ توصیف شده است. یهودیسم شیطان را به سه شیوه شخصیت داده:

a. شیطان یا سمائل

b. نیت شیطانی انسان (*yetzer hara*)

c. فرشته مرگ

ادرسهایم (*Edersheim*) اینها را به شیوه زیر مشخص می کند

a. متهم کننده

b. وسوسه کننده

c. تنبیه کننده (جلد ۲ صفحه ۷۵۶)

یک تمایز مشخص الهیاتی میان یهودیت بعد از تبعید و عهد جدید در معرفی شیطان وجود دارد.

۵. عهد جدید بخصوص اناجیل وجود و مقابله روح شیطانی انسانها با یهوه را تصریح می کنند (در یهودیت، شیطان دشمن انسانها است، نه دشمن خدا). آنها مخالف اراده، حکومت و پادشاهی خدا هستند.

عیسی با این اهریمنان مقابله کرده و آنها را از وجود انسانها خارج می کند، به آنها (۱) روح ناپاک (مراجعه شود به انجیل لوقا ۴: ۳۶، ۶: ۱۸) یا روح های شیطانی (مراجعه شود به انجیل لوقا ۷: ۲۱، ۸: ۲) گفته می شود. به وضوح عیسی تمایزی میان بیماری (فیزیکی و ذهنی) و اهریمن قائل می شود. او قدرت و بیش خود را با تشخیص دادن آنها و بیرون راندن این ارواح شیطانی به نمایش می گذارد. آنها اغلب او را شناخته و بر او شهادت می دهند ولی عیسی شهادت آنها را رد کرده و ساکت کرده و خارج می سازد. بیرون کردن شیطان، نشانه شکست پادشاهی شیطان است.

در نامه های شاگردان در عهد جدید هیچ گونه اطلاعاتی در این خصوص وجود ندارد. بیرون راندن شیطان هرگز به عنوان یک برکت معنوی فهرست نشده و هیچ روش یا فرایندی برای نسلهای بعد برای بشارت دهندگان یا مومنین ارائه نشده است.

۶. شیطان واقعی است، شیطان شخصی است، شیطان حضور دارد. نه مبدا او و نه هدفش فاش نشده است. انجیل واقعی بودن او را تصریح کرده و شدیداً با نفوذ او مقابله می کند. در واقعیت نهایت دوالیسمی وجود ندارد. همه چیز تحت کنترل کامل خدا است، شیطان شکست می خورد، قضاوت می شود و از مخلوقات بیرون رانده می شود.

۷. مردم خدا باید در مقابل شیطان مقاومت کنند. (مراجعه شود به جیمز ۴: ۷). نمی توانند توسط او کنترل شوند (مراجعه شود به اول یوحنا ۵: ۱۸)، ولی می توانند وسوسه شوند و شهادت و نفوذ آنها آسیب ببیند (مراجعه شود به افسسیان ۶: ۱۰ الی ۱۸) / شیطان یک بخش افشا شده در جهان بینی مسیحیان است. مسیحیان مدرن هیچ حقی ندارند که شیطان را دوباره تعریف کنند (تفسیر Rudolf Baltmann)، شیطان را بدون شخصیت کنند (ساختارهای اجتماعی پل تیلیچ)، نه سعی کنند تا او را با اصطلاحات روانشناسی توصیف کنند (زیگموند فروید). نفوذ او فراگیر است، ولی شکست می خورد. مومنین باید در مسیر پیروزی مسیح گام بردارند.

"در برابر نیروهای جهانی این تاریکی"	NASB
"علیه حاکمان تاریک این عصر"	NKJV
"علیه نیروهای کیهانی این تاریکی حاضر"	NRSV
"علیه نیروهای کیهانی این عصر تاریک"	TEV
"ارتش روحانی شیطانی در بهشت"	NJB

این حالت جمع اصطلاح یونانی *cosmocrator* است. این اصطلاح در یونانی کلاسیک و نوشته های ربی های یهودی برای توصیف کسی که در برابر کنترل جهان تعظیم کرده، استفاده می شود. این به نظر می رسد که از شیطان سخن می گوید (یوحنا ۱۲: ۳۱؛ ۱۴: ۳۰؛ دوم قرنتیان ۴: ۴؛ افسسیان ۲: ۲)

و شیطان (مراجعه شود به اول قرن‌تینان ۲: ۶، ۸، ۱۵: ۲۴؛ افسسیان ۳: ۱۰؛ ۶: ۱۲؛ کولسیان ۲: ۱۵).

■ "علیه فوجهای ارواح شریر" این عبارت در روزگار پولس توسط ستاره شناسان مورد استفاده قرار می‌گرفت و معتقد بودند که فرشته یا خدایان در پشت بدن آسمانی (رومیان ۸: ۳۹) وجود دارند که بر زندگی انسان (زودیاک) تأثیر می‌گذارد. این همه با طالع بینی بابلی آغاز شد. هنوز هم زنده است (طالع بینی).

NASB, NKJV,
NRSV
TEV
NJB
"در مکانهای بهشتی"
"در دنیای بهشتی"
"در بهشت"

این صفت مکانی جمع "مکانهای بهشتی" فقط در افسسیان (مراجعه شود به افسسیان ۱: ۲۰، ۲: ۶، ۳: ۱۰، ۶: ۱۲) استفاده شده است. از متن کلیه کاربردهای آن (به خصوص ۳: ۱۰ و ۶: ۱۲)، باید معنای قلمرو معنوی باشد که در آن مومنین در اینجا و در حال زندگی می‌کنند، نه در بهشت.

۶: ۱۳ "اسلحه کامل خدا را بر تن کنید" (در نسخه انگلیسی "زره کامل خدا را باید بردارید" نوشته شده است) این آئوریست فعال امری است که نیاز به عمل قاطع را نشان می‌دهد (مراجعه شد به آیه ۱۱). این یک اصطلاح نظامی دیگر است. احتمالاً یک الهام به یهوه به عنوان جنگجو از اشعیا ۵۹: ۱۷ است. زره‌ها به ترتیبی اشاره شده‌اند که یک سرباز آنها را بر تن میکند (به یاد داشته باشید پولس این را از زندان در حالی می‌نوشت که به دو سرباز رومی زنجیر شده بود). توجه داشته باشید که زره کامل، زره خداست! او فراهم می‌کند، اما مومنین باید نبرد را تشخیص دهند و مقررات خدا را اجرا کنند.

■ "شما را یارای ایستادگی باشد" این یک وجه شرطی آئوریست مجهول (دپوننت) با یک آئوریست فعال نامحدود است. یک نبرد معنوی پیش از و پس از ایمان آوردن وجود دارد. بعضی از مؤمنان نمی‌دانند جنگی مداوم و معنوی وجود دارد؛ آنها زره خدا را نمی‌گیرند و مقاومت نمی‌کنند. اصطلاحات مشابه یعقوب ۴: ۷ و اول پطرس ۵: ۹ هستند. مسیحیان می‌توانند از طریق یکی از اینها باعث از دست دادن یا آسیب رساندن به صلح، و اطمینان شده و خدمتکار باطل باشند (۱) نادانی، (۲) غفلت؛ و / یا (۳) گناه (مراجعه شود به اول قرن‌تینان ۹: ۲۷؛ ۱۵: ۲؛ غلاطیان ۲: ۲؛ ۳: ۴؛ فیلیپیان ۲: ۱۶؛ اول تیموتائوس ۱: ۱۹). این به بهشت یا جهنم اشاره نمی‌کند، بلکه خدمتگزاری موثر به پادشاهی است!

■ "در روز شر" این یک اصطلاح عهد عتیقی است که می‌تواند به (۱) یک روز از وسوسه اشاره کند؛ (۲) تمام عالم شیطانی که در آن زندگی می‌کنیم؛ یا (۳) یک روز از بدبختی (مراجعه شود به مزامیر ۴۹: ۵).

■ "پس از انجام همه چیز" این اصطلاح به این معنی بود که هر کاری را که مورد نیاز بود، انجام داد. پولس از این اصطلاح بیش از هجده بار در نامه‌هایش استفاده می‌کند. در قلمرو معنوی (۱) آماده سازی؛ (۲) سازگاری؛ و (۳) دانش بسیار مهم است!

■ "بایستید" (در نسخه انگلیسی "محکم بایستید" نوشته شده است) این یک آئوریست فعال نامحدود است که به معنای «سریع ایستادن» است. اصطلاح مشابهی در افسسیان ۶: ۱۱ (حال مجهول نامحدود) و ۱۴ (آئوریست امری فعال) استفاده شده است. به مؤمنان فرمان داده شده و تشویق می‌شوند که مقاومت کنند، غلبه کنند و در برابر طرح شیطان ایستادگی کنند (مراجعه شود به افسسیان ۴: ۱۴). این کار با استفاده از موارد زیر انجام میشود:

۱. شناخت مومنین از انجیل (کلاه رستگاری و شمشیر روح، افسسیان ۶: ۱۷)
۲. موقعیت مومن در راه مسیح
۳. چگونه روح القدس در مومن ساکن شده باشد
۴. شیوه پوشیدن زره چنگی خدا توسط مومن
۵. انتخابهای قاطع و اعمال مومن
۶. دعا (مراجعه شود به افسسیان ۶: ۱۸)

موضوع خاص: ایستادن در افسسیان ۶: ۱۱ را مطالعه کنید.

۶: ۱۴ سه وجه وصفی از چهار وجه وصفی زیر از متنی در اشعیا گرفته شده‌اند. همه آنها به صورت دستور زبانی به این آئوریست فعال امری مربوط می‌شوند، "ایستادن" در افسسیان ۶: ۱۳ (این ساختار مانند ۵: ۱۸، امری است و به دنبال آن پنج وجه وصفی، ۵: ۱۹-۲۱ می‌آیند).

۱. "به میان بستن" وجه وصفی آئوریست میانی (افسسیان ۶: ۱۴). این یک نقل قول از اشعیا ۱۱: ۵ است که در مورد مسیح مورد استفاده قرار گرفت.
۲. "بر تن کردن" وجه وصفی آئوریست میانی (افسسیان ۶: ۱۴). این نقل قول از اشعیا ۵۹: ۱۷ است، جایی که از جانب خداوند به عنوان یک جنگجو از جانب اسرائیل گناهکار قرار می‌گیرد، استفاده شده است (مراجعه شود به افسسیان ۵۹: ۱۲).
۳. "به پا کردن" وجه وصفی آئوریست میانی (افسسیان ۶: ۱۵). این نقل قول از اشعیا است. ۷: ۵۲، جایی که سرور به عنوان یک شاه جهت آوردن

اخبار خوب نزد قوم خود می آید (مراجعه شود به افسسیان ۶: ۱).

۴. "گرفتن" وجه وصفی آئوریست فعال (مراجعه شود به افسسیان ۶: ۱۶، مراجعه شود به افسسیان ۶: ۱۳). این در اشعیا ۵۹: ۱۷ ذکر شده است. مقررات خدا باید در زندگی روزمره اجرا شوند.

■ "حقیقت" در یونانی فاعل وجود ندارد، بنابراین ممکن است در عهد عتیق به معنای "صداقت" یا "اعتماد" ترجمه شود. موضوع خاص در افسسیان ۱: ۱۳ را مطالعه کنید.

■ "زره" (در متن انگلیسی "زره سینه" نوشته شده است) این یکی از قطعات زره است که در اشعیا ۵۹: ۱۷ ذکر شده است، همینطور هم کلاه افسسیان ۶: ۱۷ است.

■ "پارسایی" این به پارسایی مسیح اشاره دارد (مراجعه شود به دوم قرنتیان ۵: ۲۱). با این حال، مانند تنش دیالکتیکی مربوط به تقویت در افسسیان ۶: ۱۰، هم به پارسایی مسیح (توجه موضعی و تقدیس) و هم همانند مسیح بودن پیروان مترقی او (تقدیس مترقی) اشاره دارد که پیروزی در مبارزه روحانی روزانه را به ارمان می آورد. موضوع خاص در افسسیان ۴: ۲۴ را مطالعه کنید.

۶: ۱۵ "گفش آمادگی برای اعلام انجیل سلامتی را به پا نمایید" این یا به (۱) آمادگی اشاره می کند (مراجعه شود به اشعیا ۵۲: ۷) یا (۲) یک پایه مطمئن (مراجعه شود به ترجمه NEB). مومنین باید برای مبارزه روحانی که قطعاً می آید، آماده باشند.

۶: ۱۶ "افزون بر این" KJV این را به عنوان "بالاتر از همه" ترجمه می کند، اما این به معنای علاوه بر زره فوق، است.

■ "سپر" این اصطلاح مربوط به کلمه یونانی برای "درب" است. این به سپر بزرگ ۴x۲ کامل بدن اشاره دارد. این ساخته شده از چوب با پوشش چرمی محکم شده توسط فلز است. قبل از نبرد در آب خیس می شد، تا تیرهای آتشین خاموش شوند. این یک نماد حفاظت کامل بود.

■ "تیرهای آتشین" این به تیرهای قیراندود که مشتعل بودند، اشاره دارد. اینها استعاره‌ای از حملات معنوی بودند.

■ "آن شری" ابهامی وجود دارد که آیا این به معنای شر به طور کلی (خنثی) و یا شیطان به طور خاص (مذکر) اشاره دارد. مشابه این ابهام در انجیل متی ۵: ۳۷؛ ۶: ۱۳؛ ۱۳: ۳۸؛ انجیل یوحنا ۱۷: ۱۵؛ دوم تسالونیکیان ۳: ۳؛ اول یوحنا ۲: ۱۳-۱۴ دیده می شود. شکل کلمه در یونانی یکسان است (بنابراین، جنس را فقط می توان از متن تعیین کرد). در انجیل متی ۱۳: ۱۹؛ اول یوحنا ۵: ۱۸-۱۹ به صراحت به شیطان اشاره دارد (نگاه کنید به موضوع خاص در افسسیان ۲: ۲).

۶: ۱۷ "کلاه خود نجات را بر سر نهید" این آئوریست میانی (دیپوننت) امری است. این به صورت نمادین، نماد شناخت مؤمنان از انجیل و امید آنها به مسیح است (مراجعه شود به اول تسالونیکیان ۵: ۸).

■ "شمشیر روح را که کلام خداست" پولس به طور خاص سلاح های تهاجمی مؤمنان (به عنوان مثال، دانش و دعا کتاب مقدس، افسسیان ۶: ۱۸) را تعریف می کند. این یک اشاره به استعاره عهد عتیق برای خداوند که با مردم خود صحبت میکند، است (مراجعه شود به اشعیا ۴۹: ۲، هوشع ۶: ۵). مکاشفه خدا (هم کلام زنده، عیسی مسیح، و هم کلام مکتوب، انجیل) در شرایط مشابه در عبرانیان ۴: ۱۲ شرح داده شده اند. اگر چه اصطلاح یونانی برای "کلام" (*rhēma* در برابر *logos*) در عبرانیان استفاده می شود، یکسان است، اصطلاح شمشیر مشابه آن است (*word - sword* سلاح رومی کوچک زبان مانند).

خطرناک بودن تفاوت میان اصطلاحات همسو در یونانی کوبین (زبان تجاری و تمایزات یونانی کلاسیک محو شده است) مانند "*rhēma*" و "*logos*" بسیار متفاوت است. این ممکن است به استفاده از انجیل در طول وسوسه اشاره کند، مانند عیسی در انجیل متی ۴: ۱. شناخت مؤمنان از انجیل آنها را در مبارزات معنوی روزانه خود حفظ خواهد کرد. به همین دلیل است که حفظ انجیل و مطالعه کتاب مقدس شخصی بسیار ارزشمند است (مراجعه شود به مزامیر ۱۹: ۱۱-۱۷، ۱۰۵: ۱۱۹، امثال ۶: ۲۳). این تنها سلاح تهاجمی است که در میان زره ها ذکر شده است (اگر چه من فکر می کنم نماز در افسسیان ۶: ۱۸ یکی دیگر است). این برای حفاظت است همانطور که در افسسیان ۶: ۱۸ الی ۲۰ آن را می توان برای پیشبرد پادشاهی استفاده کرد!

NASB (به روز شده): افسسیان ۶: ۱۸ الی ۲۰

^{۱۸} و در همه وقت، با همه نوع دعا و تمنا، در روح دعا کنید و برای همین بیدار و هوشیار باشید و پیوسته با پایداری برای همه مقدسین دعا کنید.^{۱۹} برای من نیز دعا کنید، تا هرگاه دهان به سخن می گشایم، کلام به من عطا شود تا راز انجیل را دلیرانه اعلام کنم،^{۲۰} که سفیر آنم، هر چند در زنجیر! دعا کنید که آن را با شهامت اعلام کنم، چنانکه شایسته است.

۶: ۱۸ "در همه وقت، با همه نوع دعا و تمنا" به تعداد دفعاتی که عبارت "همه" در همه موارد در افسسیان ۶: ۱۸ استفاده شده است، توجه داشته باشید. دعا یکی دیگر از سلاحهای قدرتمند در نبرد معنوی که زندگی روزمره مسیحیان در این سقوط و گمراهی است، می باشد. پولس برای خود در افسسیان ۶: ۱۹

(مراجعه شود به کولسیان ۴: ۳-۴؛ اول تسالونیکیان ۵: ۱۷) درخواست دعا کرد. او برای مسائل شخصی درخواست نمی کرد، بلکه برای وضوح و جسارت در اعلام انجیل (مراجعه شود به کولسیان ۴: ۳-۴) درخواست میکرد. جالب است توجه داشته باشید که پولس در مورد نبرد معنوی در کولسیان بحث نمی کند، اما او بر نیاز به دعا تأکید می کند (مراجعه شود به کولسیان ۴: ۲).

■ "در روح" اصطلاح روح هیچ حرف تعریفی ندارد (anathrous). میتوان آن را به شیوه های متفاوتی درک کرد. میتواند به یکی از اینها اشاره داشته باشد:

۱. روح که برای مومنین دعا میکند (مراجعه شود به رومیان ۸: ۲۶ الی ۲۷)
۲. مسیحیانی که در قدرت معنوی دعا میکنند (مراجعه شود به یهودا ۱: ۲۰)
۳. همسو با انجیل یوحنا ۴: ۲۳ "در روح و حقیقت"
۴. "روح" متمایز از "ذهن" (مراجعه شود به اول قرن تیان ۱۴: ۱۴ الی ۱۵)

بدون دخالت روح، نماز مستحکم و مؤثر غیر ممکن است!

جنبه های نماز روحانی را ذکر کنید:

۱. در تمامی اوقات
۲. در روح
۳. با استقامت آگاه باشید
۴. برای تمامی قدیسان دعا کنید

■ "برای همه مقدسین" موضوع خاص: قدیسان در کولسیان ۱: ۲ را مطالعه کنید.

۱۹: ۶ "برای من نیز دعا کنید" (در نسخه انگلیسی نوشته شده "از طرف من دعا کنید") پولس درخواست دعا، نه برای خود شخصا، بلکه برای قدرت معرفی کردن انجیل در طی محاکمات خود در برابر مقامات رومی می کند (مراجعه شود به کولسیان ۴: ۳؛ اول تسالونیکیان ۵: ۲۵؛ دوم تسالونیکیان ۳: ۱):

۱. "این نطق به من گفته شود" (افسیان ۶: ۱۹)
۲. "با جسارت با رمز و راز انجیل آشنا شوید" (افسیان ۶: ۱۹ "آزادی بیان"، مراجعه شود به افسسیان ۳: ۱۲؛ عبرانیان ۴: ۱۶؛ ۱۰: ۱۹، ۳۵).
۳. "من ممکن است با جسارت سخن بگویم، همانطور که باید صحبت کنم" (افسیان ۶: ۲۰؛ کولسیان ۴: ۴).

موضوع خاص: دعای موثر

(Special Topic: Effective Prayer)

A. مرتبط با رابطه فردی با تثلیث خدا

۱. در رابطه با اراده پدر
 - a. انجیل متی ۶: ۱۰
 - b. اول یوحنا ۳: ۲۲
 - c. اول یوحنا ۱۴: ۵ الی ۱۵
۲. پایداری در عیسی
 - a. انجیل یوحنا ۷: ۱۵
 - b. انجیل یوحنا ۱۳: ۱۴ و ۱۴
 - c. انجیل یوحنا ۱۶: ۲۳ الی ۲۴

۳. دعا بنام عیسی

- a. افسسیان ۶: ۱۸
- b. یهودا ۱: ۲۰

B. در رابطه با انگیزه های فردی

۱. تردید نداشتن
 - a. انجیل متی ۲۱: ۲۲

b. یعقوب ۶:۱ و ۷

۲. تقاضای بیمورد داشتن

یعقوب ۳:۴

۳. از روی خودخواهی درخواست کردن

یعقوب ۲:۴ و ۳

C. در رابطه با گزینه‌های فردی

۱. استقامت

a. انجیل لوقا ۱:۱۸ الی ۸

b. کولسیان ۲:۴

c. یعقوب ۱۶:۵

۲. اختلاف نظر

اول پطرس ۷:۳

۳. گناه

a. مزمو ۱۸:۶۶

b. اشعیا ۱:۵۹ الی ۲

c. اشعیا ۷:۶۴

به دعاها پاسخ داده می‌شود، ولی همه دعاها برآورده نمی‌شوند. دعا یک رابطه دو طرفه است. بدترین کاری که خدا می‌تواند انجام دهد برآورده کردن درخواستهای نامناسب است.

■ "دلیرانه" موضوع خاص: جسارت (*Parrhēsia*) در کولسیان ۲:۱۵ را مطالعه کنید.

■ "راز انجیل" پولس از این اصطلاح به روشهای مختلف برای توصیف طرح رستگاری خدا استفاده می‌کند. در اینجا این به یهودیان معتقد و غیر یهودیان اشاره می‌شود که در بدن مسیح یکی هستند. این مفهوم به وضوح در افسسیان ۲:۱۱-۳:۱۳ بیان شده است. این اصطلاح به وضوح در افسسیان ۱:۹؛ ۳:۴، ۹؛ ۵:۳۲ به نظر می‌رسد. موضوع خاص در افسسیان ۳:۳ را مطالعه کنید.

۶:۲۰ "که سفیر آنم، هر چند در زنجیر" (ترجمه انگلیسی فارسی این عبارت "من سفیر در زنجیر هستم" است) پولس رسالت خود به غیر یهودیان به عنوان خادم (اول قرن‌تینان ۴:۱؛ ۱۷:۹؛ تیتوس ۱:۷) و یک سفیر (مراجعه شود به دوم قرن‌تینان ۵:۲۰) را درک کرده بود. او در زندان بود تا موعظه را به مقامات رومی در رم بگوید، همانطور که او باید به مقامات یهودیه (مراجعه شود به اعمال رسولان ۹:۱۵) میگفت.

NASB (به روز شده): افسسیان ۶:۲۱ الی ۲۲

^{۲۱} برای آنکه از احوال من آگاه باشید و بدانید چه می‌کنم، تیخیکوس، برادر عزیز و خادم وفادار در خداوند، همه چیز را به شما خواهد گفت. ^{۲۲} من او را به همین منظور نزدتان می‌فرستم تا از احوال ما آگاه شوید، و تا او تشویقتان کند.

۶:۲۱ "تیخیکوس، برادر عزیز و خادم وفادار در خداوند" (ترجمه درست این عبارت "تیخیکوس، برادر عزیز و خادم وفادار به سرور" میباشد) نام او در اعمال ۲۰:۴؛ کولسیان ۴:۷؛ تیتوس ۳:۱۲؛ دوم تیموتائوس ۴:۱۲ ذکر شده است. او حامل نامه بود. همچنین احتمالا نامه‌های کولسیان و فلیمون را به آسیای صغیر فرستاد و با Onesimus همراه بود. او همچنین ممکن بود نامه افسسیان را به همه کلیساهای آسیای صغیر برده باشد. او همچنین ممکن است به عنوان کاتب پولس مثل Tertius در رومیان ۱۶:۲۲ عمل کرده باشد.

۶:۲۱ الی ۲۲ این آیات در یونانی مشابه کولسیان ۴:۷-۸ هستند، به استثنای اینکه کولسیان "بنده در بند" را اضافه دارد، که نشان می‌دهد که احتمالا پولس دو کتاب را که از نظر زمانی به یکدیگر نزدیک بودند، نوشته است.

۶:۲۲ پولس کلیساهای را از شرایط خود مطلع کرد تا بتوانند برای او دعا کنند و نگران نباشند. او احساس کرد که او در زندگی خداوند و خدمتکاری در برنامه خداوند قرار دارد (مراجعه شود به اعمال رسولان ۹:۱۵).

■ "دلها" موضوع خاص در کولسیان ۲:۲ را مطالعه کنید.

■ آدم حیرت میکند که آیا پولس به قلم خودش این آیه و همچنین ۶: ۲۳ الی ۲۴ را نوشته باشد.

NASB (به روز شده): افسسیان ۶: ۲۳ الی ۲۴

۲۳ برادران را از جانب خدای پدر و عیسی مسیح خداوند، سلامتی و محبت با ایمان باد. ^{۲۴} فیض و نامیرایی بر همه کسانی که خداوند ما عیسی مسیح را دوست می‌دارند.

۶: ۲۳ الی ۲۴ همین موضوع نامه را آغاز میکند. پولس معمولاً تفکرات اختتامیه را به قلم خودش مینوشت تا اصل بودن نامه را اثبات کند.

۶: ۲۴

"با عشقی زوال نیافتنی"	NASB
"با صمیمیت"	NKJV
"عشق لایزال"	NRSV
"با عشق لایزال"	TEV
"حیات ابدی"	NJB

این اصطلاح معمولاً به معنای "بیقراری" است (مراجعه شود به اول قرن‌تین ۹: ۲۵؛ ۱۵: ۵۲؛ اول تیموتائوس ۱: ۱۷). این مفهوم چیزی غیر قابل تغییر و ابدی بود. این امر به سبب سردرگمی و درگیری ناشی از معلمان دروغین و نبرد معنوی تشویق شد.

سوالات بحث

این یک راهنمای مطالعاتی است، که بدین معنی است که شما خودتان مسئول تفسیر انجیل هستید. هر یک از ما باید در مسیر خودمان گام برداریم. شما، انجیل و روح القدس در اولویت تفسیر هستید. شما نباید این امر را به یک مفسر واگذار کنید.

این سوالات مباحثاتی به منظور کمک به شما در تفکر نسبت به مسائل اصلی این بخش از کتاب مطرح شده‌اند. آنها صرفاً تفکر برانگیز هستند نه قطعی.

۱. آیا در جهان ما یک نیروی پلید شخصی وجود دارد؟
۲. مسئولیت ما در مبارزه معنوی چیست؟
۳. چرا پولس از جنگ برای شرح زندگی مسیحی استفاده می‌کند؟
۴. پولس از خود چه می‌پرسد؟

مقدمه ای بر فیلمون

کلام آغازین

- A. این کتاب نمونه‌ای از یک نامه خصوصی است که در یونان-روم قرن اول رایج بود. احتمالاً در یک صفحه پاپيروس جا میشد (مراجعه شود به سوم یوحنا). مشخص نیست که چه کسی مورد خطاب است.
- a. فیلمون
- b. آفیا و آرچیپوس (مراجعه شود به کولسیان ۴: ۱۷)
- c. یا به مفهومی، کل کلیسای خانگی
- B. این نامه پنجره‌ای به سوی اینها باز میکند
- a. روشهای شخصی پولس رسول
- b. کلیسای خانگی قرن اول (مراجعه شود به رومیان ۱۶: ۵، اول قرنتیان ۱۰: ۱۹، کولسیان ۴: ۱۵)
- C. مسیحیت به طور اساسی در حال تغییر محیط اجتماعی جهان مدیترانه بود. موانع اجتماعی برای انجیل در حال سقوط بودند (مراجعه شود به اول قرنتیان ۱۲: ۱۳، غلاطیان ۳: ۲۸، کولسیان ۳: ۱۱).

نگارنده

- A. ماهیت شخصی این نامه اغلب خوانندگان را متقاعد می‌کند (یک استثناء، F.C. Baur) که نویسنده پولس رسول بود.
- B. فیلمون و کولسیان بسیار به یکدیگر مرتبط هستند.
۱. یک منشا
۲. به همان مردم سلام فرستاده میشود
۳. همان متن اختتامیه
۴. تیچیخوس نامه کولسیان را تحویل داد و با Onesimus سفر کرد (افسیان ۴: ۷، ۹). اگر فیلمون نوشته پولس باشد، کولسیان نیز وجود دارد (که توسط چندین محقق مدرن تردید شده است).
- C. این نامه در میان نامه‌های پولس توسط هم مارسیون (که در سال ۱۴۰ میلادی به رم آمد) و فهرست کتاب های مقدس، قطعه Muratorian (نوشته شده در رم بین سالهای ۱۸۰-۲۰۰ میلادی) ذکر شده است.

تاریخ

- A. تاریخ این نامه به یکی از دوره های زندان پولس (افسوس، فیلیپس، سزاریه یا رم) مرتبط است. دوره زندانی بودن در رم با واقعیتها مطابقت دارد.
- B. هنگامی که رم به عنوان مکان زندانی بودن در نظر گرفته شود، این سوال مطرح می‌شود که کدام زمان؟ پولس در اوایل دهه ۶۰ زندانی بود و این در اعمال رسولان ثبت شده است. با این حال، او آزاد شد و نامه‌های مقدس (اول و دوم تیموتائوس و تیتوس) را نوشت و سپس مجدداً دستگیر و قبل از ۹ ژوئن ۶۸ میلادی کشته شد (خودکشی نرون). حدس و گمان بهترین معلم برای نوشتن کولسیان، افسسیان و فیلمون اولین حبس پولس، اوایل دهه ۶۰ است. احتمالاً فیلیپیان در اواسط دهه ۶۰ نوشته شده باشد.
- C. تیچیخوس همراه با Onesimus احتمالاً نامه‌های کولسیان، افسسیان و فیلمون را به آسیای صغیر آورد. بعدها (احتمالاً چند سال بعد)، اپافرودیتوس، از بیماری جسمی بهبود یافت، نامه فیلیپیان را به کلیسای خانگی اش برد.
- D. زمانبندی احتمالی نوشته‌های پولس بر اساس F. F. Bruce و Murray Harris با سازگاریهای جزئی.

کتاب	تاریخ	مکان نگارش	ارتباط با اعمال رسولان
۱	غلاطیان	آنتیوخوس سوریه	
۲	اول تسالونیکیان	قرنتس	
۳	دوم تسالونیکیان	قرنتس	
۴	اول قرنتیان	افسس	
۵	دوم قرنتیان	مقدونیه	
۶	رومیان	قرنتس	
۷-۱۰	نامه های زندان		
	کولسیان	رم	
	فیلمون	رم	
	افسیان	رم	

رم	اواخر ۶۲-۶۳	فیلیپیان	
افسس (۴)		چهارمین سفر بشارتی	۱۱-۱۳
مقدونیه	۶۳ یادیرتر	اول تیموتائوس	
	۶۳ ولی قبل از ۶۸ میلادی)	تیتوس	
رم	۶۴	دوم تیموتائوس	

مناسبت نگارش نامه (کسانی که در فیلمون نام برده شده اند)

- A. فیلمون مالک برده Onesimus بود. او در کولوسی زندگی میکرد. او احتمالا توسط پولس ایمان آورده بود، احتمالا در حالی که پولس در افسس خدمت می کرد.
- B. Onesimus یکی از بردگان فراری فیلمون بود. او هم توسط پولس ایمان آورده بود، در حالی که در رم در زندان بود (۶۱-۶۳). معلوم نیست چگونه پولس و Onesimus ملاقات کردند. شاید
۱. هر دو زندانی بودند
 ۲. Onesimus برای انجام کاری نزد پولس فرستاده شده بود
 ۳. Onesimus در پی پولس برای مشاوره پس از تغییر عقیده خود در مورد فرار بود
- C. اپافراس مؤمنی از آسیای صغیر و بنیانگذار کلیساها در دره لیکوس (کولوسی، لائودیکیه و هیراپولیس) بود. او در زندان درباره پلیدی در کولوس و وفاداری فیلمون به پولس به زندان افتاد.
- D. تیچیخوس حامل سه نامه پولس به این منطقه بود: کولسیان، افسسیان و فیلمون (مراجعه شود به کولسیان ۴: ۷ الی ۹، افسسیان ۶: ۲۱-۲۲). Onesimus نیز با او رفت تا با استاد خود روبرو شود (مراجعه شود به فیلمون ۱: ۱۱). فیلمون یکی از دو نامه خصوصی در عهد جدید است (نگاه کنید به سوم یوحنا).
- حدود پنجاه سال بعد (۱۱۰ میلادی)، ایگناتوس، که در راه خود را به رم به شهادت رسید، نامه ("به افسسیان" ۱: ۳) به اسقف افسس به نام Onesimus نوشت. این ممکن است این همان برده ایمان آورده باشد!

هدف از نگارش نامه

- A. این نشان می دهد که چگونه پولس از اقتدار رسول بودن و شهامت خویش بهره می برد
- B. این نشان می دهد که چگونه مسیحیت بردگان و برده داران، غنی و فقیر را با هم خواهر و برادر ساخته است! این حقیقت، در زمان خودش، به طور اساسی امپراتوری روم را تغییر داد.
- C. این نشان می دهد که پولس اعتقاد دارد از زندان رم آزاد خواهد شد و به آسیای صغیر باز خواهد گشت.

خواندن حلقه اول

- این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید.
- کل کتاب مقدس را در یک نشست بخوانید. مرکزیت موضوع کل کتاب را در قالب کلمات خود بیان کنید.
۱. موضوع کل کتاب.
 ۲. نوع ادبیات

خواندن حلقه دوم

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور خود باید راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید. کل کتاب مقدس را در یک نشست بخوانید. موضوعات اصلی را مشخص کرده و سپس در یک جمله مبحث را بیان کنید.

۱. موضوع واحد ادبی اول
۲. موضوع واحد ادبی دوم
۳. موضوع واحد ادبی سوم
۴. موضوع واحد ادبی چهارم
۵. و غیره

فیلمون

پاراگراف‌های ترجمه‌های مدرن *

UBS ⁴	NKJV	NRSV	TEV	NJB
سلام بر فیلمون ۱: ۱ الی ۳	خیر مقدم	درود	درود	خطاب
	الف ۱	الف ۱	الف ۱	۱ الی ۳
	ب ۱	ب ۱ الی ۲	ب ۱ الی ۲	
	۲			
۳	۳	۳	۳	
محبت فیلمون و ایمان	محبت فیلمون و ایمان	شکرگزاری	محبت فیلمون و ایمان	شکرگزاری و دعا
۴ الی ۷	۴ الی ۷	۴ الی ۷	۴ الی ۷	۴ الی ۷
درخواست پولس برای اونسمیوس	درخواست پولس برای اونسمیوس	درخواست پولس برای اونسمیوس	درخواست برای اونسمیوس	درخواست در مورد اونسمیوس
۸ الی ۱۶	۸ الی ۱۶	۸ الی ۱۶	۸ الی ۱۱	۸ الی ۲۱
			۱۲ الی ۱۴	
	فیلمون تشویق به اطاعت میشود		۱۵ الی ۱۶	
	۱۷ الی ۲۲	۱۷ الی ۲۱	۱۷ الی ۲۰	
۱۷ الی ۲۰			۲۱ الی ۲۲	
		جمع بندی امیدها و وداع		درخواست شخصی، آرزوی خیر
۲۱ الی ۲۲		۲۲		۲۲
خداحافظی	وداع		بدرود نهایی	
۲۳ الی ۲۵	۲۳ الی ۲۵	۲۳ الی ۲۴	۲۳ الی ۲۴	۲۳ الی ۲۳
		۲۵	۲۵	۲۵

* اگر چه آنها الهام بخش نیستند، تقسیمات پاراگراف بندی، کلید درک و پیگیری اهداف اصلی نویسنده هستند. هر ترجمه مدرن پاراگرافها را تقسیم و خلاصه کرده است. هر پاراگراف دارای موضوع اصلی، حقیقت یا تفکر خود است. هر نسخه این موضوع را به شیوه ای متمایز به کار می گیرد. همانطور که متن را می خوانید، از خودتان سوال کنید که آیا ترجمه با درک شما از موضوع و تقسیم بندی آیه متناسب است.

در هر فصل ما ابتدا باید کتاب مقدس را بخوانیم و سعی کنیم موضوعات آن (پاراگراف ها) را شناسایی کنیم، سپس درک ما با نسخه های مدرن مقایسه شود. تنها زمانی که ما می توانیم به اهداف اصلی نویسنده با پیروی از منطق و ارائه درک کنیم، می توانیم واقعا کتاب مقدس را درک کنیم. فقط نویسنده اصلی الهام گرفته است - خوانندگان حق ندارند پیام را تغییر دهند یا اصلاح کنند. خوانندگان کتاب مقدس مسئولیت اعمال حقیقت الهام گرفته به روز و زندگی آنها را دارند. خوانندگان انجیل مسئولیت اعمال و مطابقت حقیقت تحت الهام را به روزگار و زندگی خود دارند.

توجه داشته باشید که تمام اصطلاحات فنی و اختصارات به طور کامل در اسناد زیر توضیح داده شده است: تعاریف مختصر ساختار دستور زبان یونانی، انتقاد متنی و واژه نامه.

مطالعه حلقه سوم (رجوع کنید به "سمینار تفسیر کتاب مقدس")

به دنبال نیت اصلی نویسنده در سطوح پاراگراف

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور خود راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید.

کل کتاب مقدس را در یک نشست بخوانید. موضوعات را مشخص نمایید (مطالعه حلقه شماره ۳). تقسیمات موضوعی خود را با پنج ترجمه بالا مقایسه کنید. پاراگراف بندی به نویسنده الهام نشده است، اما کلید پیگیری اهداف اصلی نویسنده است که قلب تفسیر است. هر پاراگراف تنها و تنها یک موضوع دارد.

۱. پاراگراف اول
۲. پاراگراف دوم
۳. پاراگراف سوم و غیره
۴. و غیره

مطالعه عبارت و کلام

NASB (به روز شده): فیلمون ۱: ۱ الف

۱ از پولس، زندانی مسیح عیسی، و تیموتائوس، برادر ما،

فیلمون ۱: ۱ "پولس" نام یونانی *Paulos* به معنای "کوچک" است. چندین نظریه در مورد منشا نام یونانی او پیشرفت کرده است

۱. یک نام مستعاری که قد فیزیکی اش را توصیف می‌کند، از روایات قرن دوم قرن پولس کوتاه، چاق، پاهای خمیده، ابروان پشمالو، چشم زاغ بود که از یک کتاب غیر مقدس در مورد تسالونیکیان به نام پولس و تکلا.
۲. ارزیابی معنوی شخصی پولس، او اغلب خود را "حقیر قدیسان" می‌نامید زیرا او کلیسا را همانند اعمال رسولان ۹: ۱-۲ مورد تحقیق قرار داده بود (اول قرن‌تبیان ۱۵: ۹؛ افسسیان ۳: ۸؛ اول تیموتائوس ۱: ۱۵)
۳. به اکثر یهودیان دیاسپورا (یهودیان) که خارج از فلسطین زندگی می‌کنند) در هنگام تولد دو نام داده می‌شود؛ یک عبری (شائول) و یک هلنیست (پولس/پل)

■ **"زندانی"** عهد جدید به طور خاص می‌گوید که پولس سه بار زندانی بود: (۱) در سزاریه؛ (۲) در فیلیپی؛ و (۳) در رم (با این احتمال که ممکن است در افسس هم زندانی شده باشد، مراجعه شود به اول قرن‌تبیان ۱۵: ۳۲، دوم قرن‌تبیان ۱: ۸). تصور میشود این نویسنده در اوایل دهه ۶۰ در رم زندانی بوده باشد. با توجه به ماهیت زیبای دوست داشتنی این نامه مختصر، بسیاری از مفسران تصور می‌کنند که پل این عنوان را به جای تکرار معمول رسولی خود انتخاب کرده است.

■ **"مسیح عیسی"** انواع عناوینی که برای عیسی مسیح در این نامه کوتاه مورد استفاده قرار گرفته‌اند، شگفت انگیز است. توجه کنید: مسیح عیسی؛ فیلمون ۱: ۱؛ سرور عیسی، مسیح، فیلمون ۱: ۳؛ سرورمان عیسی، فیلمون ۱: ۵؛ مسیح، فیلمون ۱: ۸؛ مسیح عیسی، فیلمون ۱: ۹؛ سرور، و مسیح، فیلمون ۱: ۲۰؛ مسیح عیسی، فیلمون ۱: ۲۳؛ و سرورمان عیسی مسیح، فیلمون ۱: ۲۵.

"Christ" معادل یونانی به معنی عبری "مسیح" است که به معنی "آن تدهین شده" است (نگاه کنید به موضوع خاص در کولسیان ۱: ۱). این به معنای "یکی برای انجام یک کار خاص توسط خدا فرا خوانده و تجهیز شده" است. در عهد عتیق سه گروه از رهبران تدهین شده بودند: کشیشان، پادشاهان و پیامبران. عیسی هر سه این مناصب را یکجا تحقق بخشید (عبرانیان ۱: ۲-۳).

"عیسی" به معنای "یهوه نجات میدهد" یا "رستگاری توسط یهوه است" (مراجعه شود به انجیل متی ۱: ۲۱). این نام عهد عتیقی "جاشوا" بود. "عیسی" از کلمه عبری برای رستگاری "هوشع"، مشتق شده و با نام پیمانی خدا "یهوه" به عنوان پسوند درست شده است (نگاه کنید به موضوع خاص در کولسیان ۱: ۳).

■ **"تیموتائوس"** نام او به معنای "افتخار داده شده توسط خدا" یا "افتخار دهنده برای خدا" است. او در اولین سفر بشارتی پولس به دربی/لیسترا و پس از

شهادت دادن پولس ایمان آورد (مراجعه شود به اعمال رسولان ۲۶: ۱). پولس او را دعوت کرد که در دومین سفر بشارتی به تیم مسیحی بپیوندد، احتمالاً جایگزین مرقس-یوحنا کرد (مراجعه شود به اعمال رسولان ۱۵: ۳۶-۴۱). او یک مادر یهودی و یک پدر یونانی داشت (اعمال رسولان ۱۶: ۱؛ دوم تیموتائوس ۱: ۵). پولس او را ختنه کرد تا کارش را در میان یهودیان تسهیل کند (مراجعه شود به اعمال رسولان ۱۶: ۳). او نماینده وفادار، مؤمن و مشکل گشای پولس بود (مراجعه شود به اعمال رسولان ۱۶: ۱-۱۷: ۱۴؛ ۱۸: ۵-۱۹: ۲۲؛ ۲۰: ۴؛ رومیان ۱۶: ۱؛ ۲۱: ۱؛ ۱۷: ۴؛ ۱۶: ۱۰؛ دوم قرنتیان ۱: ۱؛ ۱۹: ۱؛ فیلیپیان ۱: ۲؛ ۲: ۱۹؛ غلاطیان ۱: ۱؛ ۱: ۱؛ ۱۹: ۴؛ و دو کتاب اول تیموتائوس و دوم تیموتائوس).

نام او با پولس در چندین نام ذکر شده است (مراجعه شود به اول قرنتیان ۱: ۴۵؛ ۱۶: ۱۰؛ ۱: ۱؛ اول تیموتائوس ۱: ۲؛ دوم تیموتائوس ۱: ۲). این به معنای همکاری در نگارش نیست، بلکه حضور و تبریک تیموتائوس است. تیموتائوس ممکن است به عنوان منشی پولس و یا کاتب عمل میکرد، همانند سیلاس، ترتیوس و تیخیکوس.

NASB (به روز شده): فیلمون ۱: ۱ الی ۳

به دوست عزیز و همکار ما فیلمون، آبه خواهر ما آفئیا و هم‌زم ما آرخیپوس، و به کلیسایی که در خانه‌ات برپا می‌شود: آفیض و سلامتی از جانب خدا، پدر ما، و خداوند عیسی مسیح بر شما باد.

■ "فیلمون" یکی از اعضای فعال کلیسای کولسی. این شخص فقط در این نامه ذکر شده است. ظاهراً کلیسای محلی در کولسی در خانه او ملاقات می‌کرد. نظرات پولس در مورد او حاکی از این است که او شخصاً این مرد را می‌شناخت. اپافراس، کلیسا را در کولسی آغاز کرد نه پولس (مراجعه شود به کولسیان ۱: ۶-۷)، بنابراین، پولس باید او را زودتر، احتمالاً در افسس (فیلمون ۱: ۱۰، ۱۹) ملاقات کرده باشد. با این حال، ممکن است که پولس او را شخصاً نمی‌شناخت (مراجعه شود به فیلمون ۱: ۵) و این اپافراس بود که او را در مورد بشارت این مرد آگاه کرده بود.

فیلمون ۱: ۲ "آفئیا" احتمالاً او همسر فیلمون بوده، زیرا نام او دوم ذکر شده است.

■ "آرخیپوس" بعضیها فکر می‌کنند که این پسر فیلمون بود، اما او می‌توانست روحانی کلیسا باشد که در خانه فیلمون ملاقات می‌کردند (مراجعه شود به کولسیان ۴: ۱۷) یا کسی که برای ما شناخته شده نیست. E. J. Goodspeed و J. Knox ادعا می‌کنند که آرخیپوس مالک Onesimus بود و فیلمون کشیش محلی بود که آرخیپوس را تشویق کرد به برده فراری او رحم کند.

■ "هم‌زم" پل زندگی مسیحی را به عنوان یک مبارزه نظامی معرفی می‌کرد (افسیان ۶: ۱۰-۱۸). او از این ویژگی چندین بار استفاده می‌کند (مراجعه شود به فیلیپیان ۲: ۲۵؛ دوم تیموتائوس ۳: ۲).

■ "کلیسا" *Ekklesia* از دو کلمه یونانی "خارج از" (*ek*) و "تماس" (*kalaō*) است. این اصطلاح در یونانی کوبین (بین سالهای ۲۰۰ قبل از میلاد تا ۲۰۰ میلادی) برای توصیف هر نوع شورا، مانند یک مجمع شهر استفاده می‌شد (مراجعه شود به اعمال رسولان ۱۹: ۳۲). کلیسا این اصطلاح را انتخاب کرد زیرا Septuagint، ترجمه یونانی از عهد عتیق، که ۲۵۰ قبل از میلاد برای کتابخانه اسکندریه، در مصر نوشته شده، مورد استفاده قرار گرفته بود. این اصطلاح از ترجمه واژه عبری *qahal* است که در عبارت "شورای اسرائیل" در عهد عتیق مورد استفاده قرار گرفت (مراجعه شود به اعداد ۲۰: ۴). نویسندگان عهد جدید اظهار داشتند که آنها "فراخوانده شدگان الهی" بودند که باید در روزگار خود جزو مردمان خدا می‌بودند. آنها هیچ اختلاف ریشه‌ای میان مردمان خدای عهد عتیق و مردمان خدای عهد جدید نمیدیدند. مسیحیان ادعا می‌کنند که کلیسای عیسی مسیح، نه ربی‌های یهودی مدرن، مترجم واقعی و تحقق دهنده کتاب مقدس است. به موضوع خاص: کلیسا در کولسیان ۱: ۱۸ مراجعه کنید.

■ "که در خانه‌ات برپا می‌شود" (در متن انگلیسی "که در خانه‌شان ملاقات میکنند" [*that meets in their home*]) نوشته شده است) تا قرن سوم هیچ ساختمان کلیسایی وجود نداشت (مراجعه شود به اعمال رسولان ۲: ۴۰؛ ۵: ۴۲؛ ۲۰: ۲۰؛ رومیان ۱۶: ۵؛ اول قرنتیان ۱۶: ۱۹؛ کولسیان ۴: ۱۵). این "کلیساهای خانگی" به دنبال الگوی یهودیان کنیسه‌های محلی (خواندن کتاب مقدس، دعا، آهنگ‌ها و غیره) بود. متن یونانی مبهم است که کدام یک از دو مرد که در فیلمون ۱: ۱-۲ ذکر شده‌اند، مالک خانه‌ای بود که کلیسا در آن ملاقات می‌کرد.

فیلمون ۱: ۳ "پدر" این اصطلاح در مفهوم نسل جنسی یا توالی تاریخی استفاده نشده، بلکه برای نشان دادن رابطه صمیمانه خانوادگی استفاده شده است. خدا اصطلاحات خانوادگی را انتخاب کرد تا خود را به بشر گمراه نشان دهد (به عنوان مثال هوشع ۲ الی ۳ به عنوان عاشق وفادار و پرشور، هوشع ۱۱ به عنوان پدر و مادر دوست داشتنی). نگاه کنید به موضوع خاص: پدر در کولسیان ۱: ۲.

NASB (به روز شده): فیلمون ۱: ۴ الی ۷

آمن با یاد آوردنت در دعاهایم، همواره خدای خود را سپاس می‌گوییم، زیرا وصف ایمانت به خداوند عیسی و محبتت به همه مقدسین را می‌شنوم. دعایم این است که مشارکت ایمانت بسی کارگر افتاده، تو را به شناخت هر قابلیت نیکویی رهنمون شود که در جهت نیل به قامت

فیلمون ۱: ۴ "خدای خود را سپاس می‌گویم" این در دنیای روم و یونان رسم بود که نامه با یک فرمت استاندارد آغاز شود: (۱) از چه کسی؛ (۲) به چه کسی؛ و (۳) دعا و شکرگذاری. پولس این الگو را دنبال میکرد (شکرگزاری برای خوانندگان، مراجعه شود به رومیان ۱: ۸؛ اول قرنتیان ۱: ۴؛ فیلیپیان ۱: ۳؛ کولسیان ۱: ۳؛ اول تسالونیکیان ۱: ۲؛ دوم تسالونیکیان ۱: ۳؛ برکت خداوند، دوم قرنتیان ۱: ۳؛ افسسیان ۱: ۳؛ با تشکر از خداوند، مراجعه شود به اول تیموتائوس ۱: ۱۲؛ دوم تیموتائوس ۱: ۳). به موضوع خاص: ستایش، دعا و شکرگزاری پولس از خدا در افسسیان ۳: ۲۰ مراجعه شود.

■ "با یاد آوردن در دعاها" موضوع خاص: نماز روحانی در کولسیان ۴: ۳ را مطالعه کنید.

فیلمون ۱: ۵ "محبتت را میشنوم" پولس کلیسا را در کولسی برپا نکرد. ظاهراً اپافارس اطلاعات در مورد گسترش ارتداد در کولسی (مراجعه شود به کولسیان ۱: ۴) و بشارت فیلمون بر قدیسان (مراجعه شود به فیلمون ۱: ۷) را آورده بود.

■ "ایمان" (مراجعه شود به کولسیان ۱: ۴) اصطلاح یونانی (*πίστις*) به سه شیوه به زبان انگلیسی ترجمه شده است: "ایمان"، "باور" و "اعتماد". این اصطلاح یونانی سه معنی متمایز داشت.

۱. پس زمینه عهد عتیق به معنای "وفاداری" یا "اعتماد به نفس" است، بنابراین در مورد مؤمنان که به قابل اعتماد بودن خدا اعتقاد داشتند، استفاده می‌شد

۲. در عهد جدید در مورد پذیرش یا دریافت پیشنهاد خداوند برای آموزش از طریق مسیح استفاده می‌شود

۳. در مفهوم جمعی دکنترین مسیحی یا حقیقت در مورد عیسی استفاده شده است (مراجعه شود به اعمال رسولان ۶: ۷ و یهودا ۱: ۳، ۲۰)

در چندین عبارت، مشکل بتوان فهمید که منظور چیست (مراجعه شود به دوم تسالونیکیان ۳: ۳). موضوعات خاص: ایمان عهد جدید در کولسیان ۱: ۲ و ایمان عهد عتیق در افسسیان ۲: ۸ را مطالعه کنید.

■ "به همه مقدسین" این به معنای واقعی کلمه "مقدسین" است، کسانی که به طور انحصاری برای خدمت خداوند قرار دارند. این اشاره به شیوه زندگی بی‌سابقه نیست، بلکه به موقعیت قانونی مسیحیان در مسیح است. این همیشه جمع است به جز در فیلیپیان ۴: ۲۱، اما حتی در آنجا، در مفهوم مشارکتی استفاده شده است. برای نجات باید بخشی از یک خانواده بود. این اصطلاح نشان دهنده کاربرد عهد عتیقی برای جوامع بزرگ اسرائیلی به عنوان یک ملت مقدس است (مراجعه شود به خروج ۱۳: ۵، ۱۹: ۵ الی ۶، تثنیه ۷: ۶، اول پطرس ۲: ۹، و مکاشفه ۱: ۶).

اگر چه اصطلاح "مقدسین" مربوط به مؤمنانی که در طریق مسیح هستند، ولی به این معنا نیست که ریشه کلمه، "مقدس" است. مؤمنان نه تنها به نجات، بلکه به تقدیس مترقی نیز دعوت شده‌اند (مراجعه شود به غلاطیان ۲: ۱۵-۱۸، ۱۹-۲۰). تقدیر مومنین "مقدس بودن" است (متی ۵: ۴۸؛ رومیان ۸: ۲۹-۲۸؛ غلاطیان ۴: ۱۹؛ افسسیان ۱: ۴)، نه فقط بهشت؛ خدمت کردن است، نه برتری. موضوع خاص: تقدس در کولسیان ۱: ۲ را ببینید.

فیلمون ۱: ۶

NASB "که دوستی ایمانت"

NKJV, NRSV "که مشارکت ایمانت"

TEV "که رفاقت ما با شما به عنوان مومنین"

NJB "که کمک در ایمان"

این آیه به چندین مفهوم قابل تفسیر است

۱. رفاقت مومنان با یکدیگر (مراجعه شود به دوم قرنتیان ۸: ۴، فیلیپیان ۲: ۱ الی ۵)

۲. به اشتراک گذاشتن انجیل با غیر مومنین (مراجعه شود به فیلیپیان ۱: ۵)

۳. به اشتراک گذاشتن چیزهای خوب با دیگران

موضوع خاص: *KOINŌNIA* (رفاقت/دوستی)

Special Topic: *Koinōnia* (Fellowship)

اصطلاح "رفاقت/دوستی" (*koinōnia*) یعنی

۱. رابطه نزدیک با یک نفر

a. با پسر (مراجعه شود به اول قرنتیان ۱: ۹، اول یوحنا ۱: ۶)

b. با روح القدس (مراجعه شود به دوم قرنتیان ۱۳: ۱۴، فیلیپیان ۲: ۱)
 c. با پدر و پسر (مراجعه شود به اول یوحنا ۱: ۳)
 ۲. رابطه نزدیک با چیزها و گروه‌ها
 a. با انجیل (مراجعه شود به فیلیپیان ۱: ۵، فیلمون آیه ۶)
 b. با خون مسیح (مراجعه شود به اول قرنتیان ۱۰: ۱۶)
 c. نه با تاریکی (مراجعه شود به دوم قرنتیان ۶: ۱۴)
 d. با رنج (مراجعه شود به دوم قرنتیان ۱: ۷، فیلیپیان ۳: ۱۰، ۴: ۱۴، اول پطرس ۴: ۱۳)
 ۳. هدیه یا کار انجام شده به شیوه ای سخاوتمندانه (مراجعه شود به رومیان ۱۲: ۱۳، ۱۵: ۲۶، دوم قرنتیان ۸: ۴، ۹: ۱۳، فیلیپیان ۴: ۱۵، عبرانیان ۱۳: ۱۶)
 ۴. هدیه خدا از فضل از طریق مسیح، که همبستگی بشریت را با او و برادران و خواهرانش بازگرداند
 این رابطه افقی (انسان به انسان) را مطرح می‌کند که از طریق رابطه عمودی (انسان به خالق) به وجود می‌آید. همچنین بر نیاز و خوشبختی جامعه مسیحی تأکید دارد (مراجعه شود به عبرانیان ۱۰: ۲۵).

"از طریق دانستن/شناختن هر چیز خوب"	NASB
"با تایید هر چیز خوب"	NKJV
"وقتی که درک میکنیم چه کارهای خوبی که ممکن است انجام دهیم"	NRSV
"درک عمیقتری از هر نعمتی به ارمغان خواهد آورد"	TEV
"ممکن است در آگاهی کامل از همه چیز بیان شود"	NJB

در مورد تفسیر این عبارت سوالاتی مطرح هستند:

- این شناخت به چه کسی اشاره دارد - فیلمون، کلیسای در خانه او، اونسیموس، یا پولس
- این شناخت/دانش (*epignōskō*)، مراجعه شود به فیلیپیان ۱: ۱۰، کولسیان ۱: ۹، ۳: ۱۰) به چه چیزی اشاره دارد - بخشش، بردگی، اقتدار رسول، یا انجیل؟

در نوشته‌های پولس، عقل و دانش از زندگی اخلاقی جدا نیستند، بلکه یک واحد را تشکیل می‌دهند (مراجعه شود به فیلیپیان ۱: ۹؛ کولسیان ۱: ۹-۱۰).

"که به خاطر مسیح در شماست"	NASB
"که به واسطه مسیح عیسی در شما است"	NKJV
"که به خاطر مسیح انجام میدهم"	NRSV
"که با همبستگی با مسیح در زندگی خود داریم"	TEV
"برای مسیح میتوانیم انجام دهیم"	NJB

دو گزینه روشن برای تفسیر در این ترجمه‌ها وجود دارد: (۱) چیزهایی که ما به عنوان مؤمنان برای مسیح انجام می‌دهیم یا (۲) چیزهایی که ما به عنوان مومنین در مسیح داریم.

فیلمون ۱: ۷ "محبت" پولس از این اصطلاح (*agapē*) سه بار در این کتاب کوچک استفاده می‌کند. او از عشق و ایمان خود برای عیسی و پیروانش شنیده بود (فیلمون ۱: ۵)؛ او شادی و آرامش در عشق خود داشت (فیلمون ۱: ۷)؛ و او از این الهام استفاده کرد تا به فیلمون انگیزه (فیلمون ۱: ۹) دهد.

■ "دلها" این به معنای واقعی کلمه اصطلاح برای "شکم" (*splagchna*)، مراجعه شود به اعمال رسولان ۱: ۱۸). این احتمالاً مربوط به شیوه قربانی کردن عهد عتیقی این قسمت‌های خاص بدن در محراب است (مراجعه شود به خروج ۲۹: ۱۳؛ لایوان ۳: ۳-۴، ۱۰، ۱۵؛ ۴: ۸-۹؛ ۷: ۳-۴؛ ۸: ۱۶، ۲۵؛ ۹: ۱۰، ۱۶). در دوران باستان معتقد بودند که عواطف در بخش پائینی یا شکم قرار دارد (اشعیا، ۶۳: ۱۵؛ ارمیا ۴: ۱۹). برای پولس به عشق مسیحی مربوط میشود (مراجعه شود به ۲: ۱؛ دوم قرنتیان ۶: ۱۲؛ ۷: ۱۵؛ فیلیپیان ۱: ۸، ۲۱؛ کولسیان ۳: ۱۲؛ فیلمون ۱: ۷، ۱۲، ۲۰).

موضوع خاص: مقدسین (*hagios*)

(Special Topic: Saints)

این اصطلاح معادل یونانی اصطلاح عبری *kadosh* (اسم، BDB871، فعل BDB 872، KB 1066-1067، موضوع خاص: مقدس را بخوانید) است، که معنی پایه آن جدا کردن کسی یا چیزی یا مکانی برای استفاده انحصاری یهوه است. معادل انگلیسی این اصطلاح "sacred" است. اسرائیل "قوم مقدس" یهوه بود (مراجعه شود به اول پطرس ۲: ۹، که از کتاب خروج ۱۹: ۶ نقل قول میکند). یهوه به واسطه طبیعت او (جاودانی و خلق نشده) و شخصیت او (کمال اخلاقی) جدا از بشریت است. او استانداردی است که توسط آن همه چیز اندازه گیری و قضاوت می شود. او متعال و مقدس است.

خدا انسانها را برای دوستی خلق کرد، اما سقوط (پیدایش ۳) باعث ایجاد یک مانع ارتباطی و اخلاقی میان یک خدای مقدس و انسان گناهکار شد. خدا تصمیم گرفت که مخلوق آگاه خود را بازگرداند؛ بنابراین او از مردم خواسته است که "مقدس" باشند (مراجعه شود به لاویان ۱۱: ۴۴، ۱۹: ۲، ۲۰: ۷، ۲۶، ۲۱: ۸). با رابطه از روی ایمان با یهوه، مردم خود با موقعیت پیمانی خود در او مقدس می شوند، اما همچنین از آنان خواسته میشود تا زندگی مقدسی داشته باشند (به موضوع ویژه: تقدس، انجیل متی ۵: ۴۸، افسسیان ۴: ۱، ۱۷، ۵: ۲-۳، ۱۵، ۱ پطرس ۱: ۱۵ مراجعه شود).

این زندگی از روی تقدس محتمل است، زیرا معتقدین به طور کامل از طریق (۱) زندگی عیسی و (۲) کار و حضور روح القدس در ذهن و قلب خودشان، پذیرفته شده اند. این امر یک موقعیت پارادوکسی برای مؤمنان ایجاد می کند:

۱. مقدس بودن به خاطر پارسایی مسیح (به عنوان مثال، رومیان ۴)
۲. به خاطر حضور روح القدس خواسته شده تا با تقدس زندگی کرد (مراجعه شود به موضوع ویژه: تقدس) مؤمنان به واسطه این موارد "مقدس" (*hagioi*) هستند
۱. اراده آن مقدس (پدر، مراجعه شود به انجیل یوحنا ۶: ۲۹، ۴۰؛ اول پطرس ۱: ۱۵-۱۶)
۲. کار پسر مقدس (عیسی، دوم قرن تیان ۵: ۲۱، اول پطرس ۱: ۱۸-۲۱)
۳. حضور ماندگار روح القدس (مراجعه شود به رومیان ۸: ۹-۱۱، ۲۷)

عهد جدید همیشه به قدیسان به صورت جمع اشاره می کند (به جز یک بار در فیلیپیان ۴: ۲۱، اما حتی متن آن را جمع می سازد). نجات یافتن یعنی بخشی از یک خانواده، یک بدن، یک ساختمان شدن! ایمان انجیلی با پذیرش شخص شروع می شود، اما منجر به دوستی گروهی می شود. هر یک از ما نعمت (مراجعه شود به اول قرن تیان ۱۲: ۱۱) سلامتی، رشد و رفاه بدن مسیح - یعنی کلیسا (مراجعه شود به اول قرن تیان ۱۲: ۷) را داریم. ما نجات یافتیم تا خدمت کنیم. تقدس یک ویژگی خانوادگی است!

این تبدیل به عنوانی برای مؤمنان شد (مراجعه شود به اعمال رسولان ۹: ۱۳، ۳۲، ۴۱، ۱۰: ۲۶، رومیان ۱: ۷؛ اول قرن تیان ۱: ۲؛ دوم قرن تیان ۱: ۱؛ افسسیان ۱: ۱؛ فیلمون ۱: ۱؛ کولسیان ۱: ۲) و راهی برای خدمت به دیگران (رومیان ۱۲: ۱۳؛ ۱۶: ۲؛ افسسیان ۱: ۱۵؛ کولسیان ۱: ۴؛ اول تیموتائوس ۵: ۱۰؛ عبرانیان ۶: ۱۰). پولس یک پیشنهاد خاص از کلیساهای غیر یهودی برای فقرا در کلیسای مادر در اورشلیم دریافت کرد (رومیان ۱۵: ۲۶-۲۵؛ اول قرن تیان ۱۶: ۱؛ دوم قرن تیان ۸: ۴؛ ۹: ۱).

NASB (به روز شده): فیلمون ۱: ۸ الی ۱۶

^۸ از این رو، هر چند در مسیح این جسارت را دارم که تو را به انجام آنچه سزاوار است حکم کنم،^۹ ترجیح می دهم بر پایه محبت استدعا کنم. پس من، پولس پیر، که اکنون نیز زندانی مسیح عیسیام،^{۱۰} درباره پسر من اونسیموس که در بند او را پدر شده ام، استدعایی از تو دارم.^{۱۱} او در گذشته برای تو بی فایده بود، اما اکنون هم تو را و هم مرا مفید است.
^{۱۲} او را که پاره تن من است نزد تو باز می فرستم.^{۱۳} می خواستم نزد خود نگاهش بدارم تا در مدتی که به خاطر انجیل در بندم، سهم تو را در خدمت به من بر عهده گیرد.^{۱۴} اما نخواستم کاری بدون موافقت تو کرده باشم، تا احسانت از روی میل باشد، نه به اجبار.^{۱۵} چه بسا که از همین رو اندک زمانی از تو جدا شد تا برای همیشه نزدت بازگردد،^{۱۶} اما دیگر نه چون غلام، بلکه بالاتر از آن، چون برادری عزیز. او مرا بس عزیز است، اما تو را به مراتب عزیزتر است، خواه در مقام یک انسان و خواه در مقام برادری در خداوند.

فیلمون ۱: ۸

NASB "تا به شما فرمان دهد آنچه را که مناسب است انجام دهید"

NKJV "تا به شما دستور دهد آنچه را که لازم است"

NRSV "تا به شما فرمان دهد وظیفه خود را انجام دهید"

TEV "به شما دستور دهد کاری را که باید انجام شود"

NJB "به شما بگوید وظیفه تان چیست"

این نشان دهنده اقتدار پولس رسول است. با این حال، پولس ترجیح می دهد از تشویق (مراجعه شود به فیلمون ۱: ۹ و ۱۰ و ۱۷ و ۲۰) استفاده کند.

فیلمون ۱: ۹

NASB, NKJV "پولس سالمند"

NRSV "من، پولس، به عنوان یک مرد سالخورده این کار را انجام میدهم"

TEV "سفیر"

NJB "من هستم، پولس، یک مرد سالخورده"

این یک مسئله نسخه دستنویس یونانی نیست، زیرا تمام نسخ یونانی "سالخورده/سالمند" (*presbuttes*) دارند. محققان اشاره کرده اند که در یونانی کوبین اصطلاح "سالمند" و "سفیر" (*presbutēs*) ممکن است یکسان یا حداقل اغلب اشتباه شده باشند (به استثنای MSS از LXX؛ دوم تواریخ ۳۲: ۳۱). ترجمه های انگلیسی TEV، RSV و NEB "سفیر" دارند، در حالی که NJB و NIV "یک مرد سالخورده" دارند.

پولس چندین دلیل را مطرح می کند که چرا فیلمون باید درخواست او را برآورده کند:

۱. رسالت پولس (فیلمون ۱: ۸)
۲. سن پولس (فیلمون ۱: ۹)
۳. زندانی بودن پولس (فیلمون ۱: ۹)
۴. بشارت پولس بر زندگی اونسیموس (فیلمون ۱: ۱۰)
۵. بشارت احتمالی اونسیموس بر پولس (فیلمون ۱: ۱۱ و ۱۳)
۶. محبت پولس بر او (فیلمون ۱: ۱۲)
۷. اونسیموس از یک برده به یک برادر با ایمان به مسیح تغییر یافت (فیلمون ۱: ۱۵ الی ۱۶)
۸. گرایش فیلمون نسبت به پولس (فیلمون ۱: ۱۷)
۹. رستگاری فیلمون در زمان شهادت پولس (فیلمون ۱: ۱۹)
۱۰. بشارت فیلمون بر پولس (فیلمون ۱: ۲۰)

■ "زندانی مسیح عیسايم" به یادداشت مندرج در فیلمون ۱: ۱ مراجعه کنید.

فیلمون ۱: ۱۰ "پسرم" (در نسخه انگلیسی انجیل "فرزندم" [*my child*] نوشته شده است) ربه ها از این عبارت برای توصیف دانش آموزان خود استفاده می کنند، اما در این متن، اشاره به نجات یونسیموس از طریق شهادت پولس است (اول قرنتیان ۴: ۱۴ الی ۱۵، دوم قرنتیان ۶: ۱۳، ۱۴: ۱۲، غلاطیان ۴: ۱۹، اول تسالونیکیان ۲: ۱۱؛ اول تیموتائوس ۱: ۲؛ ۲: ۱؛ تیتوس ۱: ۴).

■ "در بند" (در نسخه انگلیسی "در طول زندان بودنم" نوشته شده است) این به مفهوم "در طول دوران در بند بودنم" است. مشخص نیست که چگونه اونسیموس پولس را در زندان دیده باشد:

۱. اونسیموس با پولس زندانی بود
۲. اونسیموس برای انجام کاری که به او سپرده شده بود نزد پولس رفته بود
۳. او نزد پولس رفت زیرا میدانست که او با فیلمون دوست است.

فیلمون ۱: ۱۰ الی ۱۱ "اونسیموس" این نام به معنای "مفید" یا "سودآور" است (مراجعه شود به فیلمون ۱: ۲۰). پولس از این بازی با کلمه برای درخواست تجدید نظر از فیلمون استفاده می کند. این برده ایمان آورده قبلا بی فایده بود (*achrienceos*)، اما در حال حاضر "مفید" (*euchrētiem*)، دوم تیموتائوس ۴: ۱۱) هم برای پولس و هم فیلمون مفید بود.

ترجمه F. F. Bruce از این قسمت در *Paul: Apostle of Heart Set Free*، در دیدن بازی کلمه بسیار مفید است:

"نام او اونسیموس است - یعنی سودآور و طبیعت سود آور. من می دانم که در روزهای گذشته شما آن را کاملا غیر سود آور یافتید، اما در حال حاضر، من به شما اطمینان می دهم، او آموخته است که مطابق نامش درست باشد - یعنی سود آور برای شما و سود آور برای من" (صفحه ۳۹۳)

فیلمون ۱: ۱۲ "نزد تو باز می فرستم" این عبارت حاوی مفاهیم حقوقی بود که "این مورد را نزد شما ارجاع میکنم". این نیز نشان می دهد که مومنین باید با عواقب اقدامات خود، حتی اگر آنها قبل از رستگاری مرتکب شده باشند، مواجه شوند. این همچنین حقوق قانونی صاحبان برده را تأیید کرد. (مراجعه شود

■ "اورا که پارهٔ تن من است... می فرستم" این یک بیانیه قوی است! پولس عمیقا از تحول و ایمان آوردن او احساس کرد. این مطمئنا قلب پرافتخار پولس را نشان می‌دهد، همانطور که تمایل او نسبت به رفتار و برخورد فیلمون نیز محسوب می‌شود.

فیلمون ۱: ۱۳ پولس ظاهرا از نظر مالی یک فرد مستقل بود. او اغلب از دریافت کمک مالی از کسانی که برایشان موعظه میکرد خودداری مینمود زیرا معلمین دروغین او را متهم به سوءاستفاده مالی میکردند. با این حال، سالهای بعد او توانست از بعضی از کلیساها که به آنها خدماتی کرده بود، کمک دریافت کند. این کمک به دو روش خاص بود.

۱. کلیسای فیلیپی (مراجعه شود به فیلیپیان ۱: ۵، ۷، ۴: ۱۵) و احتمالا کلیسای تسالونیکي (مراجعه شود به دوم قرنتیان ۱۱: ۹) برای کمک به هزینه‌هایش در زندان پول می‌فرستاد
 ۲. کلیسای فیلیپی یک نماینده ایاپروودیتوس، برای کمک به پولس فرستاد (فیلیپیان ۲: ۲۵)
- به شیوه مشابه، پولس اونسیموس را به عنوان هدیه ای از فیلمون و کلیسایی در کولسی مشاهده کرد.

فیلمون ۱: ۱۴ خداوند اول به قلب و انگیزه ها نگاه می‌کند (مراجعه شود به اول سموئیل ۱۶: ۷؛ اول پادشاهان ۸: ۳۹؛ اول تواریخ ۲۸: ۹؛ ۱۷: ۱۰؛ انجیل لوقا ۱۶: ۱۵؛ اعمال رسولان ۲۴: ۱). پولس فیلمون را به خاطر سخاوت و عشق به مسیح (مراجعه شود به دوم قرنتیان ۸ الی ۹)، نه فقط برای اطاعتش از دستور پولس (فیلمون ۱: ۸)، مورد تمجید قرار داد.

فیلمون ۱: ۱۵ "چه بسا که از همین رو اندک زمانی از تو جدا شد" این فعل مجهول است. این عبارت را می‌توان به دو صورت درک کرد: (۱) به معنای طرح پیشنهادی خداوند (پی نویس NASB دارای همسوی پیدایش ۴۵: ۵، ۸ است) یا (۲) که خدا از رفتار نامناسب اونسیموس به عنوان فرصت برای نجات او و برای خدمات فیلمون به مسیح و دوستی با پولس استفاده کرد (مراجعه شود به فیلمون ۱: ۱۶).

فیلمون ۱: ۱۶ "دیگر نه چون غلام، بلکه چون برادری عزیز" مسیحیت به صورت آشکارا به برده داری حمله نکرد (مراجعه شود به افسسیان ۶: ۵-۹، اما آن را از طریق دیدگاه و ارزشهای انسانی نابود کرد (مراجعه شود به غلاطیان ۳: ۲۸، کولسیان ۳: ۱۱). موضوع خاص: ادعاهای پولس به بردگان در افسسیان ۶: ۵ را مطالعه کنید.

NASB, NKJV, NRSV
TEV
NJB
"هم در کالبد و هم در طریق سرور"
"هم به عنوان برده و هم برادری در طریق سرور"
"هم در طریق طبیعی و هم در طریق سرور"

این عبارت می‌گوید که سود بازگشت اونسیموس در دو جهت بود، یک طبیعی (فیزیکی) و یک ماورا الطبیعه‌ای (معنوی) بود. فیلمون به عنوان یک مرد و یک مسیحی سود میبرد.

NASB (به روز شده): فیلمون ۱: ۱۷ الی ۲۰

۱۷ پس اگر مرا رفیق خود می‌دانی، او را همان‌گونه بپذیر که مرا می‌پذیری.^{۱۸} اگر خطایی به تو کرده، یا چیزی به تو بدهکار است، آن را به حساب من بگذار.^{۱۹} من، پولس، به دست خود می‌نویسم که آن را جبران خواهیم کرد - البته نیازی نمی‌بینم بگویم که تو جان خود را نیز به من مدیونی.^{۲۰} آری ای برادر، آرزو دارم در خداوند نفعی از تو به من برسد؛ پس جان مرا در مسیح تازه ساز.

فیلمون ۱: ۱۷ الی ۱۸ "اگر" دو جمله شرطی اول کلاس وجود دارد که از دیدگاه نویسنده یا اهداف ادبی او درست است. فیلمون دوست پولس بود و اونسیموس در مورد او اشتباه را مرتکب شد (مراجعه شود به فیلمون ۱: ۱۸).

■ "رفیق" این اصطلاح *koinōnus* است، که یک فرم از اصطلاح *koinōnia* است "به اشتراک گذاشتن با"، "همراه بودن" و "شریک بودن با". پولس از آن برای اشاره به سهم و مشارکت مالی استفاده می‌کند (مگر فیلیپیان ۴: ۱۵). بنابراین ممکن است یک بازی کلام در رابطه با دوستی پولس (فیلمون ۱: ۱۹) و صورت حساب اونسیموس (فیلمون ۱: ۱۷) باشد.

■ "او را همان‌گونه بپذیر که مرا می‌پذیری" بیانیه پولس ممکن است از کلام عیسی در انجیل متی ۲۵: ۴۴-۴۵ یا تجربه پولس با عیسی در راه دمشق (مراجعه شود به اعمال رسولان ۹: ۴) گرفته شده باشد. با آزار و اذیت مسیحیان، پولس مسیح را آزار میداد. با پذیرش اونسیموس، فیلمون پولس را پذیرفت. عشق واقعی شگفت‌انگیز است مشارکتی و متقابل. ما عشق خود را نسبت به خدا چنین نشان می‌دهیم که ما چگونه یکدیگر را دوست داریم (مراجعه شود به

فیلمون ۱: ۱۸ دستور زبان آیه ۱۸ میگوید که اونسیموس از فیلمون (جمله شرطی نوع اول) سرقت کرده بود، که اونسیموس به فیلمون بدهکار بود (حال فعال اخباری)، و پولس از فیلمون خواست تا اتهامات را به او وارد کند (حال فعال اخباری).

فیلمون ۱: ۱۹ "من، پولس، به دست خود می نویسم" ظاهراً پولس از یک کاتب برای نوشتن برای او استفاده کرد (مراجعه شود به *Tertius* در رومیان ۱۶: ۲۲)، احتمالاً به علت مشکلات چشمی خود (مراجعه شود به غلاطیان ۴: ۱۵، ۶: ۱۱)، احتمالاً در طول دوران تحول او به وجود آمده بود (مراجعه شود به اعمال رسولان ۹: ۱۸، ۸: ۱۱؛ ۲۲: ۱۳؛ ۲۶). با این حال ممکن است برخی نامه‌های جعلی وجود داشته باشند که ادعا می‌شود که توسط پولس نوشته شده و در بین کلیساها پخش می‌شود (مراجعه شود به دوم تسالونیکیان ۳: ۱۷). بنابراین، پولس قلم را برداشت و چند آیه آخر را نوشت (مراجعه شود به اول قرنتیان ۱۶: ۲۱؛ غلاطیان ۶: ۱۱؛ کولسیان ۴: ۱۸؛ دوم تسالونیکیان ۳: ۱۷؛ فیلمون ۱: ۱۹).

■ "تو جان خود را نیز به من مدیونی" این به شدت نشان می‌دهد که پولس فیلمون به ایمان به مسیح هدایت کرده بود. کی و کجا نامعلوم است، پولس کلیسا را در کولسی برپا نکرده بود. بهترین حدسی که می‌زنم این است که فیلمون، مانند اپافراس، در طی دوران دو ساله نگاهت در افسس نجات یافته است (مراجعه شود به اعمال رسولان ۱۹: ۱۰، ۲۰).

فیلمون ۱: ۲۰ این آیه مشابه رومیان ۱: ۱۲ است. اینکه چگونه به عنوان یک مسیحی زندگی میکنیم دیگر مسیحیان را تشویق و دلگرم میکند.

NASB (به روز شده): فیلمون ۱: ۲۱

^{۲۱} این را می نویسم چون از اطاعت تو اطمینان دارم و می دانم حتی بیش از آنچه می گویم، خواهی کرد.

فیلمون ۱: ۲۱ این شیوه تاکتیکی پولس برای تصریح ایمان فیلمون بود.

NASB (به روز شده): فیلمون ۱: ۲۲

^{۲۲} در ضمن، اتاقی نیز برایم مهیا کن، زیرا امید دارم به سبب دعاهایتان به شما بخشیده شوم.

فیلمون ۱: ۲۲ "اتاقی نیز برایم مهیا کن" پل انتظار داشت که آزاد شود (مراجعه شود به فیلیپیان ۱: ۲۵؛ ۲: ۲۴). نامه‌های مقدس (اول و دوم تیموتائوس و تیتوس) این چهارمین سفر بشارتی را ثبت می‌کنند، در حالی که اعمال رسولان پس از سفر بشارتی سوم پولس و زمانی که هنوز در زندان بود، پایان می‌یابد. شگفت آور است که فیلمون با کولسیان و افسسیان گروه بندی شده است که در اوایل زندان پولس رخ می‌دهد. در این کتابها، پولس از نتیجه محاکمه خود مطمئن نیست. در فیلیپیان، که در انتهای دوران زندان پولس نوشته شده بود، انتظار داشت که آزاد شود. بنابراین، این نظر در فیلمون ۱: ۲۲ ممکن است (۱) یک راه برای یادآوری فیلمون باشد که - احتمالاً به زودی- در مورد درخواست او برای بخشش و پذیرش اونسیموس باید شخصاً با پولس مواجه شود یا (۲) اصطلاحی برای مهمان نوازی باشد.

■ "به سبب دعاهایتان" پل به قدرت دعا اعتقاد داشت (افسیان ۶: ۱۸-۱۹). او همچنین آنچه را که موعظه کرده است تمرین می‌کند (به اصطلاحات مختلف یونانی که مورد استفاده قرار می‌گیرند، توجه داشته باشید: *deomai*، دوم قرنتیان ۵: ۲۰، ۸: ۴، اول تسالونیکیان ۳: ۱۰؛ *proseuchomai*، اعمال رسولان ۱۶: ۲۵؛ ۲۰: ۳۶؛ ۲۱: ۵؛ ۲۲: ۱؛ ۱۷: ۲۸؛ ۸: فیلیپیان ۱: ۹؛ کولسیان ۱: ۳، ۹؛ ۴: ۳؛ اول تسالونیکیان ۵: ۱۷، ۲۵؛ دوم تسالونیکیان ۱: ۱۱؛ ۳: ۱؛ اول تیموتائوس ۲: ۸؛ *Proseuchē*، اعمال رسولان ۱۶: ۱۳، ۱۶؛ رومیان ۱: ۹؛ ۱۲: ۱۲؛ ۱۵: ۳۰؛ اول قرنتیان ۷: ۵؛ افسسیان ۱: ۱۶؛ فیلیپیان ۴: ۶؛ کولسیان ۴: ۲، ۱۲؛ اول تسالونیکیان ۱: ۲؛ اول تیموتائوس ۲: ۱؛ ۵: ۵؛ فیلمون ۴، ۲۲).

NASB (به روز شده): فیلمون ۱: ۲۳ الی ۲۴

^{۲۳} اپافراس، همزندان من در مسیح عیسی، تو را سلام می‌فرستد. ^{۲۴} همچنین همکارانم، مرفس، آریستارخوس، دیماس و لوقا تو را سلام می‌گویند.

۲۳: ۱ الی ۲۵ این بسیار مشابه متن پایانی کولسیان است. این کتب (فیلمون و کولسیان) بر اثر یک شرایط تاریخی یکسان نوشته شده‌اند.

فیلمون ۱: ۲۳ "اپافراس" او بنیانگذار سه کلیسا (کولسی، هیراپولیس، لاتودیکیه) در دره رودخانه لیکوس (مراجعه شود به کولسیان ۴: ۱۲ الی ۱۳، فیلمون ۱: ۲۳) بود. او احتمالاً در طی دوران نگاهت پولس در افسس ایمان آورده بود (مراجعه شود به اعمال رسولان ۱۹: ۱۰). نام او یک شکل کوتاه اپافرودیوتوس بود، که از نظر اخلاقی با الهه افرودیته مرتبط بود. مرد دیگری هم با همین نام در فیلیپیان ۲: ۲۵؛ ۴: ۱۸ ذکر شده است. با این حال، او از یک منطقه

جغرافیایی متفاوت بود.

فیلمون ۱: ۲۴ "مرقس" او همچنین به عنوان یوحنا مرقس هم شناخته شده بود. خانه او ممکن است محل دعاهاى خداحافظی و مهمانی اتاق طبقه بالا باشد (مراجعة شود به اعمال رسولان ۱۲: ۱۲). او پسر عموی بارنابا بود. او نویسنده انجیل مرقس شده و نویسنده‌ای بود برای پطرس (مراجعة شود به اول پطرس ۵: ۱۳). او عامل مبارزه بزرگ میان بارنابا و پولس بود (مراجعة شود به اعمال رسولان ۱۲: ۲۵؛ ۱۳: ۵؛ ۱۵: ۳۶-۳۹). با این حال، پولس پس از آن او را بخشید و تأیید کرد (مراجعة شود به دوم تیموتائوس ۴: ۱۱).

■ **"دیماس"** دیماس یکی از افراد امین و از همکاران پولس بود. او با اپافراس، لوقا، آریستارخوس و مرقس در کولسیان ۴: ۱۰-۱۲ نام برده شد. دوم تیموتائوس ۴: ۹ دو تن از این همکاران را، لوقا و مرقس لیست می‌کند. کتاب مقدس بیان می‌گوید که "دیماس، با دوست داشتن این جهان کنونی، مرا ترک کرده است." پولس کمک بسیاری داشت. برخی، مانند لوقا، همیشه وفادار بودند. دیگران، مانند یوحنا مرقس، یک بار ناسپاس بودند اما به بشارت بازگشتند. ظاهراً دیماس خدمت بشارت را برای برخی از وسوسه‌ها و یا فرصتهای نامشخص ترک کرد. هیچ سندی وجود ندارد که او مسیح را ترک کرده باشد.

■ **"لوقا"** او همسفر دوست وفادار پولس، همکار و پزشک بود (مراجعة شود به کولسیان ۴: ۱۴، دوم تیموتائوس ۴: ۱۱). او در طول بسیاری از موعظه‌هایش در اعمال رسولان، با پولس بود. این توسط اظهارات "ما" در اعمال رسولان تأیید شده است (مراجعة شود به اعمال رسولان ۱۶: ۱۱، ۱۶: ۲۰؛ ۶، ۷، ۱۳: ۲۱؛ ۱، ۵؛ ۷، ۱۰، ۱۲، ۱۵، ۱۷، ۲۵: ۲۷، ۲۶، ۱۸، ۱، ۲۷). لوقا ممکن است "مرد مقدونیه" در اعمال رسولان ۱۶: ۹ بوده باشد.

NASB (به روز شده): فیلمون ۱: ۲۵
۲۵ فیض خداوند عیسی مسیح با روح شما باد.

فیلمون ۱: ۲۵ (در متن انگلیسی کلمه *Lord* نوشته شده که معنی آن "سرور" است و به اشتباه در فارسی "خداوند" ترجمه شده) این نمونه‌ای از یک متن پایان مکاتبات پولس است. توجه داشته باشید که عبارت «با روح خود» یک نمونه خوب از اسم خاص نبودن "روح" است (یا خود، مراجعه شود به اعمال رسولان ۷: ۵۹؛ دوم تیموتائوس ۴: ۲۲) و منظور روح القدس نیست (مراجعة شود به غلاطیان ۶: ۱۸؛ فیلیپیان ۳: ۴). با این حال، در بسیاری از موارد در عهد جدید، آن به روح انسان اشاره میکند که توسط روح القدس انرژی می‌گیرد. این احتمالاً در اینجا آمده است.

سوالات بحث

این یک راهنمای مطالعاتی است، که بدین معنی است که شما خودتان مسئول تفسیر انجیل هستید. هر یک از ما باید در مسیر خودمان گام برداریم. شما، انجیل و روح القدس در اولویت تفسیر هستید. شما نباید این امر را به یک مفسر واگذار کنید.

این سوالات مباحثاتی به منظور کمک به شما در تفکر نسبت به مسائل اصلی این بخش از کتاب مطرح شده‌اند. آنها صرفاً تفکر برانگیز هستند نه قطعی.

۱. کلیسای اولیه در کجا ملاقات میکرد؟
۲. این نامه خطاب به چه کسی است؟
۳. این نامه چگونه شیوه‌های شبانی پولس را آشکار میسازد؟
۴. چگونه این کتاب با مسئله بردگی مرتبط است؟
۵. چرا فیلمون ۱: ۲۲ حیرت‌انگیز است؟
۶. چرا کلمه "روح" در اینجا اسم خاص نیست (در متن انگلیسی با حرف S کوچک نوشته شده است)؟

مقدمه ای بر فیلیپیان

مقدمه

- A. این یکی از غیر رسمی ترین نامه های پولس است. با این، کلیسا نیازی به ادای قدرت خود نداشت. عشق سرشار او برای آنها واضح است. او حتی اجازه داد که برایش پول بفرستند (مراجعه شود به فیلیپیان: ۱: ۵، ۷: ۴: ۱۵)، که برای او بسیار غیر معمول بود.
- B. پولس در زندان است، اما او شانزده مرتبه از واژه شادی (اسم و فعل) استفاده می کند. صلح و امید او بر اساس شرایط نبود.
- C. یک عنصر آموزش نادرست در کلیسا وجود دارد (مراجعه شود به فیلیپیان ۳: ۲، ۱۸-۱۹). به نظر می رسد این یونانیان به آنچه در کلیساهای غلطیه، که یهودیان نامیده می شوند، شباهت دارند. آنها اصرار داشتند که قبل از اینکه کسی بتواند مسیحی باشد، باید یهودی شود.
- D. این نامه شامل نمونه‌ای از شعر مسیحی، اعتقاد و یا اشعار عبادی می شود (مراجعه شود به فیلیپیان ۲: ۶-۱۱). این یکی از زیباترین آثار مسیح شناسی در کل عهد جدید است (یوحنا ۱: ۱-۱۴؛ کولسیان ۱: ۱۳-۲۰؛ عبرانیان ۱: ۲-۳). پولس از آن به عنوان نمونه‌ای از فروتنی مسیح استفاده می کند که توسط هر مؤمن تقلید می شود (مراجعه شود به فیلیپیان ۲: ۵-۱)، و نه بیشتر به معنای دکترینی آن.
- E. در یک کتاب از ۱۰۴ آیه، نام یا عنوان عیسی ۵۱ بار تکرار می شود. واضح است که چه کسی در قلب، ذهن و الهیات پولس متمرکز است.

فیلیپی و مقدونیه

A. شهر فیلیپی

۱. در ۳۵۶ قبل از میلاد آن را توسط فیلیپ دوم مقدون، پدر اسکندر کبیر اسیر و بزرگ شد. روستای اصلی تراسیان *Krenides* (چشمه) نامگذاری شد. این شهر به دلیل سنگ معدن طلا در منطقه مهم بود.
۲. در نبرد Pydna در ۱۶۸ قبل از میلاد این منطقه به یک استان رومی تبدیل شد و بعد از آن یکی از چهار شهر اصلی در مقدونیه بود.
۳. در سال ۴۲ قبل از میلاد، بروتوس و کاسیوس (که از یک دولت جمهوریخواه حمایت می کردند) با آنتونی و اوکتایان (که از یک دولت امپریالیستی حکومت می کردند) در نزدیکی فیلیپی، به خاطر اصلاحات دولتی در رم، مبارزه کردند. پس از آن نبرد، آنتونی برخی از جانبازان پیروز خود را در اینجا مستقر کرد.
۴. در سال ۳۱ قبل از میلاد، پس از نبرد Actium که در آن اکتاوایان، آنتونی را شکست داد، طرفداران آنتونی در رم دستگیر و به اینجا تبعید شدند.
۵. در ۳۱ قبل از میلاد فیلیپی تبدیل به یک کولونی رومی شد (مراجعه شود به اعمال رسولان ۱۶: ۱۲). شهروندان، شهروندان روم اعلام شدند. لاتین صحبت شد و شهر به یک رم کوچک تبدیل شد. این محل در مسیر منحصر به فرد، بزرگراه رومی شرق به غرب واقع شده است. امتیازات ویژه‌ای که آنها به عنوان شهروندان رومی از آن برخوردار شده بودند عبارتند از:
- معاف از مالیات نظرسنجی و معاف از مالیات زمین
 - حق خرید و فروش زمین و ملک
 - برخورداری از تمامی حقوق قانونی روم
 - رهبران دولت محلی خاص (قضات و مجریان)

B. انجیل به فیلیپی می آید

۱. در دومین سفر بشارتی پولس، او می خواست شمال را به سمت شمال آسیای میانه (ترکیه مدرن، بیزانس کتاب مقدس) دور بزند. در عوض، در رویا او مردی (احتمالاً لوقا) از مقدونیه (شمال یونان) را دید که خواستار آمدن و کمک به آنها بود (اعمال رسولان ۱۶: ۶-۱۰). با این دیدگاه روح، پولس را به اروپا هدایت کرد.
۲. کمکی هایش، پولس را همراهی کردند
- سیلاس (سیلوانوس)
- ۱) سیلاس رهبر کلیسای اورشلیم و پیامبر بود که برنابا را به عنوان همکار مسیحی پولس (مراجعه شود به اعمال رسولان ۱۵: ۱۵، ۲۲، ۳۲، ۳۶-۴۱) جایگزین کرد.
- ۲) سیلاس و پولس هر دو در فیلیپی زندانی بودند (مراجعه شود به اعمال رسولان ۱۶: ۱۶ الی ۲۶)
- ۳) پولس همیشه او را "سیلوانوس" می نامید (مراجعه شود به دوم قرنتیان ۱: ۱۹؛ اول تسالونیکیان ۱: ۱؛ دوم تسالونیکیان ۱: ۱).
- ۴) ممکن است که سیلاس بعدها همیار پطرس شده باشد، همانطور که یوحنا مرقس شد (مراجعه شود به اول پطرس ۵: ۱۲).
- b. تیموتائوس

- ۱) او در اولین سفر رسمی پولس تحول یافت و ایمان آورد (مراجعه شود به اعمال رسولان ۱: ۱۶-۲؛ دوم تیموتائوس ۱: ۵؛ ۳: ۱۵)
- ۲) مادر بزرگ و مادرش یهودی بودند، اما پدرش یونانی بود (مراجعه شود به اعمال رسولان ۱: ۱۶؛ دوم تیموتائوس ۱: ۵).
- ۳) از آنجا که برادران از او به خوبی سخن گفته بودند (مراجعه شود به اعمال رسولان ۱: ۱۶؛ ۲) و پولس نعمت بشارت دادن را در او دیده بود (مراجعه شود به اول تیموتائوس ۴: ۱۴، دوم تیموتائوس ۱: ۶) او وی را به عنوان کمک کننده انتخاب کرد تا جایگزین یوحنا مرقس شود (مراجعه شود به اعمال رسولان ۱۳: ۱۳).
- ۴) پولس تیموتائوس را ختنه کرد تا او توسط یهودیان پذیرفته شود (مراجعه شود به اعمال رسولان ۱۶: ۳).
- ۵) تیموتائوس تبدیل به نماینده رسمی پولس رسول شد (مراجعه شود به فیلیپیان ۲: ۱۹-۲۲؛ اول قرنتیان ۴: ۱۷؛ ۲: ۳؛ ۶: ۲؛ دوم قرنتیان ۱: ۱، ۱۹).

c. لوقا

- ۱) او ناشناس بود، اما احتمالاً، نویسنده انجیل لوقا و اعمال رسولان، لوقا بود.
- ۲) ظاهراً او یک پزشک غیر یهودی بود (مراجعه شود به کولسیان ۴: ۱۴). برخی فکر می کنند که اصطلاح "پزشک" به معنای "بسیار تحصیل کرده" است. قطعاً درست است که او در چندین حوزه فنی علاوه بر پزشکی، مانند قایقرانی، اطلاعاتی داشت. با این حال، عیسی از همین اصطلاح یونانی برای "پزشک" استفاده کرد (مراجعه شود به انجیل متی ۹: ۱۲؛ مرقس ۲: ۱۷؛ ۵: ۲۶؛ لوقا ۴: ۲۳؛ ۵: ۳۱)
- ۳) او همسفر پولس بود (مراجعه شود به اعمال رسولان ۱۶: ۱۰ الی ۱۷، ۲۰؛ ۵ الی ۱۵، ۲۱؛ ۱ الی ۱۸، ۲۷؛ ۱ الی ۲۸؛ ۱۶، کولسیان ۴: ۱۴، دوم تیموتائوس ۴: ۱۱، فیلمون ۱: ۲۴).
- ۴) جالب است که بخش "ما" در اعمال رسولان شروع و در فیلیپی خاتمه می یابد. در *Paul, Apostle of the Heart Set*، F. F. Bruce، (ص ۲۱۹)، نشان می دهد که لوقا در فیلیپیا برای کمک به تازه ایمان آورندگان و جمع آوری کمک غیر یهودیان برای کلیسای اورشلیم است.
- ۵) لوقا ممکن است به نوعی پزشک شخصی پولس بوده باشد. پولس به واسطه ایمان آوردن او، چندین مشکل فیزیکی (مراجعه شود به اعمال رسولان ۹: ۳، ۹)، بشارت او (مراجعه شود به دوم قرنتیان ۴: ۷-۱۲؛ ۶: ۴-۱۰؛ ۱۱: ۲۳-۲۹) و ضعف خاص او (ص ۲ کور ۱۲-۱۰) داشت.

۳. پولس در سومین سفر بشارتی خود به فیلیپی بازگشت (مراجعه شود به اعمال رسولان ۲۰: ۱ الی ۳ و ۶). او سیلاس و تیموتائوس را پیشتر فرستاده بود (مراجعه شود به اعمال رسولان ۱۹: ۱۹ الی ۲۴، فیلیپیان ۲: ۱۹ الی ۲۴).

C. فیلیپی به عنوان یک کولونی روم

۱. پولس از وضعیت این شهر به عنوان یک کلنی رومی در اصطلاحات خود استفاده کرد
- a. "محافظان پرتوریان"، فیلیپیان ۱: ۱۳
- b. "شهروندی"، ۳: ۲۰ (اعمال رسولان ۱۶: ۲۲ الی ۳۴ و ۳۵ الی ۴۰)
- c. اهالی خانه سزار، فیلیپیان ۴: ۲۲
۲. اهالی این شهر از سربازان بازنشسته و تبعیدی رومی بودند. در بسیاری از موارد یک "رم کوچک" بود. اسطوره های رم را می توان در خیابانهای فیلیپی دید. (مراجعه شود به اعمال رسولان ۲۶: ۲۱).
۳. هم پولس (اعمال رسولان ۲۲: ۲۵؛ ۲۶: ۳۲) و سیلاس (اعمال رسولان ۱۶: ۳۷) شهروندان رومی بودند که به آنها حقوق قانونی و موقعیت اجتماعی آنها را داد.

D. استان مقدونیه

۱. زنان در مقدونیه بیشتر از هر جای امپراتوری روم دارای آزادی اجتماعی و فرصت های اقتصادی بیشتری بودند
۲. این امر با موارد زیر به تصویر کشیده شده است
- a. حضور بسیاری از زنان که در کنار رودخانه در خارج از فیلیپوس عبادت می کنند (مراجعه شود به اعمال رسولان ۱۶: ۱۳)
- b. زن تاجری به نام لیدیا (مراجعه شود به اعمال رسولان ۱۶: ۱۴)
- c. همکاران زن در انجیل (مراجعه شود به فیلیپیان ۴: ۲-۳)
- d. چندین زن برجسته در تسالونیکه (همچنین در مقدونیه، مراجعه شود به اعمال رسولان ۱۷: ۴)

نگارنده

- A. این نامه بسیار شخصی همواره به پولس منتسب شده است. ضماین اول شخص "من" و "به من / مال من" ۵۱ بار تکرار شده اند.
- B. نویسندگان اولیه بسیار از آن نقل قول می‌کردند (برای فهرست کامل نقل قولها، نگاه کنید به H. C. G. Moule, *Studies in Philipians*, صفحات ۲۰-۲۱، منتشر شده توسط Kregel):
۱. ۱. کلمنت رم در I Clement، به کلیسای قرنتس در حدود سال ۹۵ میلادی نوشت
 ۲. ایگناتیوس، در نامه های ایگناتیوس، در حدود سال ۱۱۰ میلادی
 ۳. پلیکارپ، همراه یوحنا رسول، در نامه ای به فیلیپیان، در حدود سال ۱۱۰ میلادی
 ۴. یک پرولوگ مارسین (یکی از پیروان مارسین) به نامه پولس به فیلیپیان در حدود سال ۱۷۰ میلادی
 ۵. ایرنئوس، در حدود سال ۱۸۰ میلادی
 ۶. کلمنت اسکندریه در حدود سال ۱۹۰ میلادی
 ۷. ترتولیان از کارتاژ، در حدود سال ۲۱۰ میلادی
- C. اگرچه نام تیموتائوس در کنار نام پولس در فیلیپیان ۱: ۱ ذکر شده است، او یک همکار بود، و نه یک نویسنده مشترک (اگر چه او ممکن است به عنوان یک کاتب در مقاطع زمانی مختلف برای پولس کار میکرد).

تاریخ

- A. تاریخ مربوط به جایی است که پولس در زندان است (مراجعه شود به دوم قرنتیان ۲۳: ۱۱)
- B. بیشتر اساتید بر این باورند که زندان رم با متن زندگی پولس و اعمال رسولان مناسبتر است. اگر چنین باشد، تاریخ در اوایل ۶۰ به احتمال زیاد درست به نظر میرسد.
- C. این کتاب به عنوان یکی از "نامه‌های زندان" (کولسیان، افسسیان، فیلیمون و فیلیپیان) شناخته شده است. از ملاحظات داخلی به نظر می‌رسد که کولسیان، افسسیان و فیلمون در اوایل دوران زندان پولس در رم نوشته شده بودند و توسط تیخیوکوس (کولسیان ۴: ۷؛ افسسیان ۶: ۲۱) با یکدیگر به آسیای صغیر فرستاده شدند. فیلیپیان تم متفاوت دارد. پولس اطمینان داشت که از زندان آزاد می‌شود (فیلیپیان ۱: ۱۷-۲۶) و می‌تواند از آنها بازدید کند (۲: ۲۴).
- این ساختار همچنین یک دوره زمانی را ارائه می‌کند: (۱) نفوذ پولس به سربازان (مراجعه شود به فیلیپیان ۱: ۱۳؛ اعمال رسولان ۲۸: ۱۶) و خدمتگزاران (فیلیپیان ۴: ۲۲) امپراتوری رسیده است و (۲) سفرهای متعدد بین پولس و رسولان از کلیسا در فیلیپی.

هدف نامه

- A. برای انتقال شکرگزاری پولس به این کلیسای دوست داشتنی که چندین مرتبه به او کمک مالی کرد و حتی یک کمکی برایش فرستاد، اپافرودیتوس (مراجعه شود به فیلیپیان ۱: ۳-۱۱؛ ۲: ۱۹-۳۰؛ ۴: ۱۰-۲۰). این نامه همچنین ممکن است برای تشریح علت بازگشت زود هنگام اپافرودیتوس به خانه، در حالی که پل هنوز در زندان بود، نوشته شده باشد.
- B. برای تشویق فیلیپیان در مورد شرایط او. انجیل در واقع در زندان پیشرفت می‌کرد. پولس در زنجیر شد، اما انجیل آزاد بود!
- C. برای تشویق فیلیپیان در میان تعالیم دروغین که بسیار شبیه به یهودیان غلاطی بود. از این یونانیان خواسته می‌شد که ابتدا یهودی شوند و سپس مسیحی (مراجعه شود به اعمال رسولان ۱۵).
- با این حال به دلیل لیست گناهان در فیلیپیان ۳: ۱۹ منطبق با آموزگاران دروغین یونانی (عرفان) بیشتر از یهودیان بود، هویت مرتدها نامشخص است. ممکن است برخی از مومنین به شیوه زندگی کافرانه قبلی خود بازگشته باشند.
- D. برای تشویق مؤمنان فیلیپیان حتی در میان آزار و اذیتهای داخلی و خارجی نیز شادی می‌کنند. لذت پولس به شرایطی بستگی ندارد، بلکه در ایمان او به مسیح است.
- این شادی در میان مشکلات، کناره گیری Stoic نیست، بلکه یک جهان بینی مسیحی و یک مبارزه ثابت است. پولس استعاره های چندین زمینه از زندگی را برای ارتباط تنش زندگی مسیحی به ارمغان می‌آورد.
۱. ورزشی (مراجعه شود به فیلیپیان ۳: ۱۲ و ۱۴، ۴: ۳)
 ۲. نظامی (مراجعه شود به فیلیپیان ۱: ۷ و ۱۲ و ۱۵ و ۱۶ و ۱۷ و ۲۲ و ۲۸ و ۳۰)
 ۳. تجاری (مراجعه شود به فیلیپیان ۳: ۷ و ۸، ۴: ۱۵ و ۱۷ و ۱۸)

ویژگی متن

- A. مشخص کردن ویژگیهای فیلیپیان دشوار است زیرا بسیار شخصی و غیر رسمی است. پولس با دوستان و همکاران مورد اعتماد که در طریق مسیح بودند صحبت می‌کرد. قلب او قبل از ذهنش می‌توانست افکار را سازماندهی کند. به طرق شگفت انگیزی این کتاب قلب رسول بزرگ را به غیر یهودیان نشان می‌دهد. پولس احساس "شادی" در طریق مسیح میکرد، در هر شرایط و در همه شرایط و در خدمت به انجیل!

B. واحدهای مفهومی

۱. یک مقدمه معمولی پولسی، فیلیپیان ۱: ۱ الی ۲
a. درود
(۱) از پولس (و تیموتائوس) فیلیپیان ۱: ۱
(۲) به قدیسان فیلیپی (از جمله ناظران و دعا خوانان)، فیلیپیان ۱: ۱
(۳) دعای سبکدار پولس، فیلیپیان ۲: ۱
b. دعا، فیلیپیان ۱: ۳ الی ۱۱
(۱) همکاران در انجیل از ابتدا، فیلیپیان ۵: ۱
(۲) طرفداران بشارت پولس، فیلیپیان ۷: ۱
(۳) درخواست پولس برای:
a) عشق فراوان، فیلیپیان ۹: ۱
b) دانش فراوان، فیلیپیان ۹: ۱
c) آگاهی فراوان، فیلیپیان ۹: ۱
d) مقدسات فراوان، فیلیپیان ۱: ۱۰
۲. نگرانی پولس برای آنها در مورد توجه آنها نسبت به او، در زندان، فیلیپیان ۱۲-۲۶
a. خداوند وقت خود را در زندان به کار برد تا انجیل را گسترش دهد
(۱) نزد سربازان سلطنتی، فیلیپیان ۱: ۱۳
(۲) نزد دیگران در قصر سزار، فیلیپیان ۱: ۱۳، ۴: ۲۲
(۳) زندانی شدن پولس همچنین واعظان را جسور کرد، فیلیپیان ۱: ۱۴-۱۸
b. اعتماد به نفس پولس برای آزادی به دلایل زیر بود
(۱) دعای آنان، فیلیپیان ۱: ۱۹
(۲) روح القدس، فیلیپیان ۱: ۱۹
c. اعتماد پولس در مورد آزادی یا مرگ، فیلیپیان ۱: ۲۰-۲۶
۳. تشویق پولس، فیلیپیان ۱: ۲۷ الی ۲: ۱۸
a. فراخواندن بر وحدت مسیحیان در میان آزار و اذیت، فیلیپیان ۱: ۲۷-۳۰
b. زندگی در از خودگذشتگی همانند مسیح، فیلیپیان ۲: ۱-۴
c. مسیح مثال ما، فیلیپیان ۲: ۵-۱۱
d. در نور سرمشق بودن مسیح برای زندگی در صلح و وحدت، فیلیپیان ۲: ۱۲-۱۸
۴. برنامه های پولس در رابطه با فیلیپی، فیلیپیان ۲: ۱۹ الی ۳۰
a. اعزام تیموتائوس، فیلیپیان ۲: ۱۹ الی ۲۴
b. بازگشت اپافرودیتوس، فیلیپیان ۲: ۲۵ الی ۳۰
۵. سخت ایستادن در برابر معلمین دروغین، فیلیپیان ۱: ۲۷ و ۴: ۱
a. سگ ها، ختنه شدگان دروغین، یهودی زدگان (اعمال رسولان ۱۵، غلاطیان)، فیلیپیان ۳: ۱-۴
b. میراث یهودی پولس
(۱) در نور معلمین دروغین، فیلیپیان ۳: ۵ الی ۶
(۲) در نور مسیح، فیلیپیان ۳: ۱۷ الی ۲۱
c. اندوه پولس برای آنان، فیلیپیان ۳: ۱۷ الی ۲۱
۶. پولس نصایح خود را تکرار میکند
a. وحدت، فیلیپیان ۴: ۱ الی ۳
b. ویژگیهای همانند مسیح بودن، فیلیپیان ۴: ۴ الی ۹
۷. پولس قدردانی خود را برای کمک فیلیپیان تکرار میکند
a. نعمت اخیر آنان، فیلیپیان ۴: ۱۰ الی ۱۴

b. نعمت قبلی آنان، فیلیپیان ۱: ۱۵ الی ۲۰ (۱: ۵)

۸. یک متن اختتامیه معمولی پولس، فیلیپیان ۴: ۲۱ الی ۲۳

خواندن حلقه اول

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید.

کل کتاب مقدس را در یک نشست بخوانید. مرکزیت موضوع کل کتاب را در قالب کلمات خود بیان کنید.

۱. موضوع کل کتاب.

۲. نوع ادبیات

خواندن حلقه دوم

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور خود باید راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید. کل کتاب مقدس را در یک نشست بخوانید. موضوعات اصلی را مشخص کرده و سپس در یک جمله مبحث را بیان کنید.

۱. موضوع واحد ادبی اول

۲. موضوع واحد ادبی دوم

۳. موضوع واحد ادبی سوم

۴. موضوع واحد ادبی چهارم

۵. و غیره

فیلیپیان ۱

پاراگراف‌های ترجمه‌های مدرن *

UBS ⁴	NKJV	NRSV	TEV	NJB
درد	خیر مقدم	درد	درد	خطاب
۱ : ۱ الی ۲	۱ : ۱ الی ۲	۱ الف : ۱	۱ الف : ۱	۱ : ۱ الی ۲
		۱ ب : ۱	۱ ب : ۱	
		۲ : ۱	۲ : ۱	
دعای پولس برای فیلیپیان	تشکر و دعا	شکرگزاری	دعای پولس برای خوانندگان	شکرگزاری و دعا
۱ : ۳ الی ۱۱	۱ : ۳ الی ۱۱	۱ : ۳ الی ۸	۱ : ۳ الی ۸	۱ : ۳ الی ۱۱
		۱ : ۹ الی ۱۱	۱ : ۹ الی ۱۱	
برای من عشق ورزیدن یعنی مسیح	مسیح موعظه میشود	شرایط حال پولس	زندگی کردن یعنی مسیح	شرایط خود پولس
۱ : ۱۲ الی ۱۴	۱ : ۱۲ الی ۱۸	۱ : ۱۲ الی ۱۴	۱ : ۱۲ الی ۱۴	۱ : ۱۲ الی ۲۶
۱ : ۱۵ الی ۲۶		۱ : ۱۵ الی ۱۸ الف	۱ : ۱۵ الی ۱۷	
		۱ : ۱۸ ب الی ۲۶	۱ : ۱۸ الی ۲۶	
	زندگی کردن یعنی مسیح			
	۱ : ۱۹ الی ۲۶			
	تلاش و رنج مسیح			نبرد برای ایمان
۱ : ۲۷ الی ۳۰	۱ : ۲۷ الی ۳۰	۱ : ۲۷ الی ۳۰	۱ : ۲۷ الی ۳۰	۱ : ۲۷ الی ۳۰

* اگر چه آنها الهام بخش نیستند، تقسیمات پاراگراف بندی، کلید درک و پیگیری اهداف اصلی نویسنده هستند. هر ترجمه مدرن پاراگرافها را تقسیم و خلاصه کرده است. هر پاراگراف دارای موضوع اصلی، حقیقت یا تفکر خود است. هر نسخه این موضوع را به شیوه ای متمایز به کار می‌گیرد. همانطور که متن را می‌خوانید، از خودتان سوال کنید که آیا ترجمه با درک شما از موضوع و تقسیم بندی آیه متناسب است.

در هر فصل ما ابتدا باید کتاب مقدس را بخوانیم و سعی کنیم موضوعات آن (پاراگرافها) را شناسایی کنیم، سپس درک ما با نسخه های مدرن مقایسه شود. تنها زمانی که ما می‌توانیم به اهداف اصلی نویسنده با پیروی از منطق و ارائه درک کنیم، می‌توانیم واقعا کتاب مقدس را درک کنیم. فقط نویسنده اصلی الهام گرفته است - خوانندگان حق ندارند پیام را تغییر دهند یا اصلاح کنند. خوانندگان کتاب مقدس مسئولیت اعمال حقیقت الهام گرفته به روز و زندگی آنها را دارند.

خوانندگان مسئولیت اعمال حقیقت الهام بخش را به روز و زندگی آنها دارند. توجه داشته باشید که تمام اصطلاحات فنی و اختصارات به طور کامل در اسناد زیر توضیح داده شده است: تعاریف مختصر ساختار دستور زبان یونانی، انتقاد متنی و واژه نامه.

مطالعه حلقه سوم (رجوع کنید به "سمینار تفسیر کتاب مقدس")

به دنبال نیت اصلی نویسنده در سطوح پاراگراف

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور خود راه برویم. شما،

کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستند. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید.

کل کتاب مقدس را در یک نشست بخوانید. موضوعات را مشخص نمایید (مطالعه حلقه شماره ۳). تقسیمات موضوعی خود را با پنج ترجمه بالا مقایسه کنید. پاراگراف بندی به نویسنده الهام نشده است، اما کلید پیگیری اهداف اصلی نویسنده است که قلب تفسیر است. هر پاراگراف تنها و تنها یک موضوع دارد.

۱. پاراگراف اول
۲. پاراگراف دوم
۳. پاراگراف سوم و غیره
۴. و غیره

بینش متنی

A. فیلیپیان ۱: ۱-۲ یک مقدمه کلی برای کل نامه را تشکیل می دهد. این مقدمه به طور معمول پولسی است به جز این واقعیت که هیچ تاکید بر رسول بودن او وجود ندارد. این کلیسا و پولس یک رابطه عالی داشتند. او نیازی به اقتدار رسولی خود نداشت. این کلیسا ظاهراً گاه به گاه کمک مالی برای پولس (فیلیپیان ۱: ۵، ۷: ۴: ۱۵) ارسال می کرد. تنها کلیسای دیگر پولسی که در مورد آن می دانیم از آن کمک دریافت می کرد، تسالونیک بود (مراجعه شود به دوم قرنتیان ۱۱: ۹).

B. نامه های یونانی قرن اول به طور معمول با دعای شکرگزاری آغاز میشدند. فیلیپیان ۱: ۳-۸ دعای پولس برای کلیسای فیلیپیان است. آنها حقایق اصلی مسیحیت را در بر می گیرند و دستور کار نامه را تنظیم می کنند.

C. این کتاب دارای تعداد غیر معمول ترکیبات با *syn* (یونانی "خورشید") است که به معنای "مشارکت مشترک با" است:

۱. فیلیپیان ۱: ۷: ۴: ۱۴ *syn + fellowship* (*koinōnia*)، همان ریشه، *syn + fellowship* (فیل ۱: ۵: ۲: ۱: ۳: ۱۰: ۴: ۱۴، ۱۶)
۲. فیلیپیان ۱: ۲۷ *syn* + تلاش (*athleō*) در فیلیپیان ۴: ۳ یک نام مناسب)
۳. فیلیپیان ۲: ۲ روح + *syn* + نفس، همان معنا در فیلیپیان ۱: ۲۷)
۴. فیلیپیان ۲: ۱۷-۱۸ هم + شادی (صندلی)
۵. فیلیپیان ۲: ۲۵: ۴: ۳ کارگر سینو + (*ergon*)، مراجعه شود به رومیان ۱۶: ۳ و ۹ و ۲۱: دوم قرنتیان ۱: ۲۴)
۶. فیلیپیان ۲: ۲۵ *syn + warrior* (*stratiōtē*)، فلیمون ۱: ۲)
۷. فیلیپیان ۳: ۱۰ *syn + form* (*morphē*)

۸. فیلیپیان ۳: ۱۷ آغازگر + *syn* (*animeomai*)، همان ریشه در اول قرنتیان ۴: ۱۶)

D. فیلیپیان ۱: ۹-۱۱ دعای پولس برای رشد معنوی و بلوغ کلیسا است. این آیات بر روی شیوه زندگی مسیحی فیلیپیان تمرکز می کنند، در حالی که آیات ۳-۸ بر موضع خود در طریق مسیح تاکید می کنند و به این ترتیب دو جنبه نجات را متصل می کنند: موقعیت ما در طریق مسیح (توجیه قانونی و به رسمیت شناختن موقعیت) و داشتن این موقعیت در همانند مسیح بودن (تقدیس پیشرونده)

E. چندین نکته وجود دارند که پولس در فیلیپیان ۱: ۱۷-۲۶ انتظار داشت از زندان آزاد شود:

۱. اصطلاح "رستگاری" در فیلیپیان ۱: ۱۹
۲. جمله شرطی نوع اول فیلیپیان ۱: ۲۲
۳. بیانیه پولس در فیلیپیان ۱: ۲۵
۴. عبارت مبهم فیلیپیان ۱: ۲۶

مطالعه عبارت و کلام

NASB (به روز شده): فیلیپیان ۱: ۱ الی ۲

۱) از پولس و تیموثائوس، خادمان مسیح عیسی، به همه مقدسین فیلیپی که در مسیح عیساوند، از جمله ناظران و خادمان: آفیض و سلامتی از جانب خدا، پدر ما، و خداوند عیسی مسیح، بر شما باد.

۱: ۱ "پولس" نام یونانی "پل/پولس" به معنای "کوچک" بود. نظریه های متعددی در مورد منشا نام او وجود دارند.

۱. یک نام مستعار که قد فیزیکی او را توصیف می کند، روایت قرن دوم میگوید که پولس کوتاه، چاق بود، پاهای خمیده داشت، ابروان پشمالو و چشمان زاغ پیشانی بلند داشت. اینها توصیف فیزیکی و تقریبی پولس بود. این از کتاب قرن دوم غیر مقدسی از تسالونیک به نام *Paul and Thekla* آمده است.

۲. ارزیابی معنوی شخصی پولس، نقل قولهایی مانند اول قرن‌تین ۱۵: ۹؛ افسسیان ۳: ۸؛ اول تیموتائوس ۱: ۱۵، جایی که او خود را "حقیرترین مقدسین" می‌نامد (شاید به این دلیل که کلیسا را مورد آزار و اذیت قرار داد، اعمال رسولان ۹: ۱-۲). برخی این حسهای "حقارت" را به عنوان منشاء این نام برای خود بیان کرده‌اند. با این حال، در کتابی مانند غلاطیان، جایی که او تأکید زیادی بر استقلال و برابری خود با دوازده رسول دارد، این گزینه بعید است (مراجعه شود به دوم قرن‌تین ۱۱: ۵؛ ۱۲: ۱۱؛ ۱۵: ۱۰).
۳. اکثر والدین یهودی دیاسپورا (یهودیانی که در خارج از فلسطین زندگی می‌کنند) در هنگام تولد دو نام به فرزندانشان می‌دهند. نام عبری پولس Saul/شائول بود و نام یونانی او پولس بود.

■ **"تیموتائوس"** نام او به معنی "افتخار خدا" یا "افتخار خدا" است. او در اولین سفر رسمی پولس به دربی / لیسترا (مراجعه شود به اعمال رسولان ۱۶: ۱) ایمان آورد. پولس او را دعوت کرد تا در سفر دوم بشارتی به تیم مسیحیان بپیوندد، احتمالاً جایگزین یوحنا مرقس شد. او مادر یهودی داشت (مراجعه شود به اعمال رسولان ۱۶: ۱؛ دوم تیموتائوس ۱: ۵) و یک پدر یونانی (مراجعه شود به اعمال رسولان ۱۶: ۱). پولس برای کمک به او در کارش میان یهودیان وی را ختنه کرد (مراجعه شود به اعمال رسولان ۱۶: ۳). او به نماینده وفادار رسول و مشکل‌گشای پولس تبدیل شد (مراجعه شود به اعمال رسولان ۱۶: ۱-۱۷: ۱۴؛ ۱۸: ۱۹-۵؛ ۲۲: ۲۰؛ ۴: رومیان ۱۶: ۲۱؛ اول قرن‌تین ۴: ۱۷؛ ۱۰: ۱۶؛ ۱۲: ۱ و ۱۹: فیلیپیان ۱: ۱؛ ۲: ۱۹؛ غلاطیان ۱: ۱؛ فیلمون ۱: ۴؛ و دو کتاب، اول تیموتائوس و دوم تیموتائوس. پولس او را به طور خاص به فیلیپا فرستاد تا به کلیسا کمک کند (مراجعه شود به اعمال رسولان ۱۹: ۲۲؛ فیلیپیان ۲: ۱۹-۲۴).

■ **"خادمان"** (در نسخه انگلیسی "خادمان در بند" نوشته شده است) این اشاره می‌کند به:

۱. یکی از افتخارات عهد عتیق در رابطه با یهوه (مراجعه شود به موسی، خروج ۱۴: ۳۱، یوشع، داوران ۲: ۸، پیامبران، عزرا ۹: ۱۱، ارمیا ۷: ۲۵، پیامبران، دانیال ۹: ۶، آموس ۳: ۷؛ و داوود، مزامیر ۷۸: ۷۰)
۲. تأکید بر عیسی به عنوان سرور (*kurios*) و مومنین به عنوان خادمان او (*doulos*)

■ **"به همه مقدسین"** این به معنای واقعی کلمه "مقدس" (*hagioi*) است، کسانی که به طور انحصاری برای خدمت خدا فرا خوانده و جدا می‌شوند. این اشاره ای به یک شیوه زندگی بی سابقه نیست، بلکه موقعیت قانونی مسیحیان در طریق مسیح است. این همیشه جمع است به جز در فیلیپیان ۴: ۲۱، اما حتی در آنجا در مفهوم مشارکتی و گروهی استفاده می‌شود. برای نجات باید بخشی از یک خانواده شد. این اصطلاح نشان دهنده کاربرد عهد عتیقی برای گروه‌های بزرگ اسرائیلی به عنوان یک ملت مقدس است (مراجعه شود به خروج ۱۳: ۵؛ ۱۹: ۵-۶؛ تثنیه ۷: ۶؛ اول پطرس ۲: ۹، مکاشفه ۱: ۶).

اگر چه اصطلاح "مقدسین" مربوط به مؤمنان در طریق مسیح است، اما تصادفی نیست که کلمه ریشه "مقدس" (*hagios*) است. مؤمنان نه تنها به نجات، بلکه به تقدیس مترقی نیز دعوت شده‌اند. مومنین به "تقدس" (*hagiasmos*، افسسیان ۱: ۴) اهمیت می‌دهند نه فقط بهشت؛ برای خدمت کردن، نه امتیاز و برتری. موضوع خاص: قدیسان در کولسیان ۱: ۲ را ببینید.

■ **"در مسیح عیسایند"** این یک قید مکان (در مفهوم قید حالت) است. این توصیف مورد علاقه پولس برای مؤمنین است. از فضای لازم یا محیطی که مسیحیان در آن زندگی می‌کنند، سخن می‌گویند (مراجعه شود به اعمال رسولان ۱۷: ۲۸). از لحاظ الهیاتی، همسو با "اطاعت در او" انجیل یوحنا است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۵) است.

این ساختار با همکاری صمیمانه با مسیح همراه است. این به موقعیت الهیاتی مومن و تجربه ذهنی مومن (رومیان ۳: ۲۴؛ ۴: ۱۷؛ ۸: ۳۹؛ ۱۵: ۱۷؛ اول قرن‌تین ۱: ۲؛ غلاطیان ۲: ۱۷؛ افسسیان ۱: ۴، ۷؛ فیلیپیان ۱: ۱۳؛ ۲: ۱، ۵؛ ۴: ۷، ۱۳) اشاره دارد. در بعضی نقل قولها «در طریق مسیح» تقریباً مترادف با «در طریق کلیسا» است (رومیان ۱۲: ۵؛ اول قرن‌تین ۴: ۱۵؛ غلاطیان ۱: ۲۲؛ ۳: ۲۸؛ افسسیان ۳: ۶؛ کولسیان ۱: ۲) برای نشان دادن استفاده پولس از این واژه به افسسیان ۱: ۳ الی ۱۴: ۱) در طریق مسیح، فیلیپیان ۱: ۳، ۱۰، ۱۲؛ ۲) در طریق او، فیلیپیان ۱: ۴، ۷، ۱۰، ۱۳ [دو بار]؛ ۳) در عزیز، فیلیپیان ۱: ۶ توجه کنید.

■ **"در فیلیپی"** این یک کولونی رومی بود (به مقدمه مراجعه شود)

NASB	"سرپرست"
NKJV, NRSV	"اسقف‌ها"
TEV	"رهبران کلیسا"
NJB	"رئیس مشایخ"

عناوین (۱) "شبان"، (۲) "شیخ"، (۳) "اسقف"، یا (۴) "سرپرست" همه به یک عملکرد مشابه در کلیسای محلی اشاره می‌کنند (مراجعه شود به اعمال رسولان ۲۰: ۱۷، ۲۸ و تیتوس ۱: ۵، ۷). اصطلاح "سرپرستان" (*episkopoi*) یک پس زمینه ایالتی یونانی دارد، در حالی که "مشایخ" (*presbuteroi*)

پس زمینه یهودی دارد. همچنین ممکن است که "نظارت کننده" همچنین دارای پس زمینه یهودی از استفاده از Mebaqerim (1QS 6: 11.20) از کتیبه بحر المیت باشد. همچنین به علامت جمع (اعمال رسولان ۲۰: ۱۷، افسسیان ۴: ۲۱) توجه کنید. فیلیپی یک کلیسا با رهبران متعدد داشت.

تمایل به ایجاد تمایز اداری (شیوه حکومت) بین این اصطلاحات موجب تغییراتی در نسخه دستنویس یونانی در فیلیپیان ۱: ۱؛ MSS B³، D^c و K تغییر "با" (syn) اسقف (episcopos) به "اسقف های همسایه" (synepiskopos) شد.

NASB, NKJV,
NRSV, NJB
TEV
"کمک کنندگان"
"دیاکونها"

این اصطلاح یونانی برای خدمتکاران خانگی است (diakonoi). ریشه شناسی اصلی آن "جمع آوری گرد و غبار با تمیز کردن" بود. این یک مفهوم کلی برای بشارت در مورد عیسی در انجیل مرقس ۱۰: ۴۳-۴۵ بود، برای رسولان در اعمال رسولان ۱: ۱۷ و برای همه هدایای معنوی در اول قرنیتیان ۱۲: ۵ این متن دو عملکرد رهبری در کلیسای محلی را پشتیبانی می کند، اگرچه زنان مسن (زنان بیوه) نیز در اول تیموتائوس ذکر شده اند. ۳: ۱۱ این اصطلاحات در ابتدا عملکردی بودند، اما بسیار سریع به عنوان عناوین و القاب تبدیل شدند (مراجعه شود به اول کلمنت ۴۲ و نامه ایگناتیوس به ترلاس، ۳: ۱ و نامه به اسامیرنا، ۸: ۱). ایگناتیوس آنتیوخوس (قرن دوم) سنت کاتولیک در استفاده از اصطلاح "اسقف" (نظارت کننده) را به عنوان کسی که برتر از دیگر رهبران محلی بود، آغاز کرد.

عهد جدید منعکس کننده هر سه حالت اداره کلیسا است:

۱. سیستم اسقفی (رسولان)
۲. سیستم پیشگروه (بزرگان/مشایخ)
۳. مدل همجوشی

همه این سه مورد را می توان در شورای اورشلیم در اعمال رسولان مشاهده کرد. این فرم به معنای معنویت رهبران نیست (مراجعه شود به اول تیموتائوس ۳: ۱۳-۱۱) به دست آوردن و حفظ قدرت، سبب فساد و فروپاشی همه چیز می شود.

۱: ۲ "فیض" این واژه یونانی (charis) شبیه به "سلام" ("چارین"، مراجعه شود به یعقوب ۱: ۱) است. پولس يك کتاب سنتی رساله ای یونانی انحصاراً مسیحی را ارائه کرد. عدم وجود هر گونه اشاره به رسول بودن پولس، قابل توجه است. اکثر نامه های او با تأکید بر عنوان رسمی خود (از جمله رومیان؛ اول و دوم قرنیتیان؛ غلاطیان؛ افسسیان؛ کولسیان؛ اول و دوم تیموتائوس و تیتوس). پل ارتباطی عالی با این کلیسای محلی داشت.

■ "سلامتی" این ممکن است منعکس کننده شالوم عبری باشد. پولس ممکن است یک تبریک یونانی و عبری را به عنوان راهی برای تشخیص این دو گروه در کلیسا ترکیب کند.

برخی ادعا می کنند که استفاده از فضل قبل از صلح و سلامتی برای پولس اهمیت الهیاتی داشت. این قطعاً درست است، اما این یک بیانیه الهی نیست، بلکه یک تبریک باز است. به موضوع خاص در کولسیان ۱: ۲۰ مراجعه کنید.

■ "از جانب خدا، پدر ما" عیسی به مومنین یاد داد تا یهوه را با نام خانوادگی صمیمی، پدر (مراجعه شود به انجیل متی ۶: ۹) صدا بزنند. این کاملاً شیوه نگاه کردن به خدا را تغییر می دهد (مراجعه شود به هویع ۱۱). مفهوم "خدا" متضمن تعالی است، در حالی که "پدر" یادداشتی از حضور در همه جا و حتی صمیمیت خانوادگی را می افزاید! به موضوع خاص در کولسیان ۱: ۲ مراجعه کنید.

■ "خداوند عیسی مسیح" این نکته کامل بر الهی بودن عیسی (سرور، مانند یهوه)، انسان (نام انسانی او) و عنوان (مسیح، آن تطهیر شده) تأکید می کند. این انتصاب کامل از نظر دستور زبانی با "خدا پدر ما" یک حرف اضافه برای هر دو است. این یک راهی بود که نویسندگان عهد جدید الهی بودن عیسی را تصریح می کردند. تنها یک ذات الهی وجود دارد، اما سه تظاهر شخصی وجود دارد. به یادداشت کامل در کولسیان ۱: ۱ و افسسیان ۱: ۱ الی ۲ مراجعه کنید.

NASB (به روز شده): فیلیپیان ۱: ۳ الی ۱۱

۳ هر گاه شما را به یاد می آورم، خدای خود را شکر می گویم^۴ و همواره در همه دعاها برای همگی شما شادمانه دعا می کنم، زیرا از روز نخست تا به امروز، در کار انجیل شریک بوده اید. ^۱ یقین دارم آن که کاری نیکو در شما آغاز کرد، آن را تا روز عیسی مسیح به کمال خواهد رسانید. ^۲ بجاست که درباره جمیع شما چنین بیندیشم، چرا که در دل من جای دارید؛ زیرا شما همه با من در فیض خدا شریکید، چه در زنجیر باشم و چه مشغول دفاع از انجیل و اثبات حقانیت آن. ^۳ خدا شاهد است که با عواطف خود مسیح عیسی، مشتاق همه شما هستم. ^۴ دعایم این است که محبت شما هر چه بیشتر فزونی یابد و با شناخت و بصیرت کامل همراه باشد، ^۵ تا بتوانید بهترین را تشخیص دهید و

۱: ۳ " هر گاه شما را به یاد می آورم، خدای خود را شکر می گویم" این "یادآوری" می تواند به (۱) هدیه پولی خود را به پولس اشاره کند؛ پیشوند یونانی "epi" می تواند علت یا تشکر را بیان کند (مراجعه شود به ترجمه James Moffatt و فیلیپیان ۱: ۵، ۷) یا (۲) تأکید معمولی عبارت آغازین پولس در "به یاد داشتن"، همانند رومیان ۱: ۸-۹؛ افسسیان ۱: ۱۶؛ اول تسالونیکیان ۳: ۶؛ فیلمون ۱: ۴.

۱: ۴ "همواره.... شادمانه دعا میکنم" شادی یک تأکید مکرر در کتاب است (Chara، فیلیپیان ۱: ۴، ۲۵؛ ۲: ۲؛ ۲۹؛ ۴: ۱)؛ "شادی" (chairō)، مراجعه شود به فیلیپیان ۱: ۱۸؛ ۲: ۱۷، ۱۸، ۲۸؛ ۳: ۱؛ ۴: ۴ [دو بار]، ۱۰؛ "شادی با" (sunchairō)، مراجعه شود به فیلیپیان ۲: ۱۷، ۱۸). این در حقیقت زندانی شدن پولس و مواجهه با مرگ است.

■ "برای همگی شما" اصطلاحات "همه"، "همیشه" و "هرکسی" مشخصه فیلیپیان است (فیلیپیان ۱: ۳، ۴، ۷، ۸، ۲۵؛ ۲: ۱۷؛ ۴: ۴، ۵، ۶، ۸، ۱۳، ۲۱). آنها ممکن است تاریخ و الهیات را به تقسیماتی که ناشی از آموزگاران دروغین یونانی و انحصارطلبی یهودی است، مرتبط سازند.

۵: ۱

NASB	"مشارکت شما در انجیل"
NKJV	"رفاقت شما در انجیل"
NRSV	"اشتراک گذاری شما در انجیل"
TEV	"شیوه ای که شما در کار انجیل به من کمک کردید"
NJB	"همکاری شما در انجیل"

این کلمه کلیدی (koinōnia) یعنی

۱. "همکاری مشترک در"
 ۲. "رفاقت در"، (مراجعه شود به فیلیپیان ۴: ۱۵)
 ۳. اصطلاحی برای دادن پول (مراجعه شود به فیلیپیان ۴: ۱۵؛ رومیان ۱۲: ۱۳؛ ۱۵: ۲۶؛ دوم قرنتیان ۹: ۱۳؛ غلاطیان ۶: ۶؛ اول تیموتائوس ۶: ۱۸) بنابراین ممکن است هدایای نقدی این کلیسا به پولس اشاره کند (فیلیپیان ۱: ۷، ۴: ۱۰، ۱۴-۱۸)
- موضوع خاص در فیلیپیان ۲: ۱ را مطالعه کنید.

■ "از روز نخست تا به امروز" این مرتبط با اعمال رسولان ۱۶: ۱۲-۴۰ است. این عبارت تمایل به تعریف عبارت قبلی را به عنوان اشاره به مشارکت آنها در بشارت انجیل دارد، نه هدیه مالی.

۱: ۶ "یقین دارم" این یک وجه وصفی کامل فعال از ریشه "متقاعد کردن" است، به معنی "من یقین داشتم و همچنان یقین دارم".

■ "آن که کاری نیکو در شما آغاز کرد" این یک وجه وصفی آئوربست میانی (دیپوننت) است. خدا (Theos) در متن نیست، اما او تصور می شود (رومیان ۸: ۱۱؛ غلاطیان ۱: ۶، ۱۵ و اول تسالونیکیان ۵: ۲۴). صدای میانی بر مشارکت فاعل در عمل فعل تأکید دارد. با این حال، حالت آن دیپوننت است، به این معنی که این اصطلاح در روزگار پولس حالت فعال ندارد، بنابراین حالت میانی میتواند به عنوان یک صدای فعال عمل کند. باید یک توازن الهیاتی بین عشق آغازین خدا و پاسخ ایمان اولیه و پایدار بشر وجود داشته باشد. این می تواند به یکی از موارد زیر اشاره کند

۱. شروع کلیسا
۲. شروع همکاری در انجیل
۳. شروع رستگاری فردی

NASB	"آن را کامل خواهد کرد"
NKJV	"آن را تکمیل خواهد کرد"
NRSV	"آن را به سوی کامل شدن خواهد آورد"
TEV	"تا زمانی که پایان یابد، حمل خواهد کرد"
NJB	"به کامل کردن آن ادامه خواهد داد"

این آینده اخباری فعال است که می تواند به اطمینان از رویداد اشاره کند. مؤمنان در تنش میان "در حال حاضر" و "هنوز تحقق نیافته" پادشاهی خدا

زندگی می کنند. مزایای پادشاهی کامل و در آینده است، در حالیکه شهروندی و وضعیت آن در حال حاضر تحقق یافته است. مؤمنان در همپوشی دو عصر یهودی زندگی می کنند. عصر جدید وارد شده است (بیت لحم-پنتیکاست) اما عصر قبلی باقی می ماند (طبیعت سقوط کرده هم در مخلوق فیزیکی و هم در انسان گمراه و سقوط کرده است).

■ "روز عیسی مسیح" ارجاع به آمدن دوم یک عنصر رایج از واژگان آغازین پولس در نامه های او است (مراجعه شود به اول قرن تیان ۱: ۷، ۸؛ دوم قرن تیان ۱: ۱۰؛ کولسیان ۱: ۵؛ اول تسالونیکیان ۱: ۱۰ و دوم تسالونیکیان ۱: ۴) این رویداد اسکاتولوژیکی در فیلیپیان ۱: ۶، ۱۰؛ ۲: ۱۶ نیز نشان داده می شود.

تاکید اسکاتولوژیکی روز خاصی که انسان، عیسی مسیح را (به عنوان نجات دهنده یا قاضی) ملاقات می کند، توسط چند نشانه در نوشته های پولس:

۱. "روز سرورمان عیسی مسیح" (اول قرن تیان ۱: ۸)
۲. "روز سرور" (اول قرن تیان ۵: ۵، اول تسالونیکیان ۵: ۲، دوم تسالونیکیان ۲: ۲)
۳. "روز سرور عیسی" (اول قرن تیان ۵: ۵، دوم قرن تیان ۱: ۱۴)
۴. "روز عیسی مسیح" (فیلیپیان ۱: ۶)
۵. "روز مسیح" (فیلیپیان ۱: ۱۰؛ ۲: ۱۶)
۶. "روز او (پسر انسان)" (انجیل لوقا ۱۷: ۲۴)
۷. "روزی که پسر انسان آشکار می شود" (انجیل لوقا ۱۷: ۳۰)
۸. "مکاشفه سرور ما عیسی مسیح" (اول قرن تیان ۱: ۷)
۹. "هنگامی که سرورمان عیسی در آسمان ظهور کند" (دوم تسالونیکیان ۱: ۷)
۱۰. "در حضور سرورمان عیسی در زمان آمدن او" (اول تسالونیکیان ۲: ۱۹)

در عهد عتیق، نویسندگان دو عصر را میدیدند، عصر شرور و عصر ظهور عدالت، عصر روح را میدیدند (نگاه کنید به موضوع خاص در افسسیان ۱: ۲۱). خداوند از طریق مسیح خود در تاریخ برای ایجاد این عصر جدید مداخله می کند. این رویداد به عنوان روز سرور شناخته شد. توجه داشته باشید که نویسندگان عهد جدید این را به مسیح نسبت میدهند. اولین ورود او، تجسم، در بسیاری از متون عهد عتیق پیش بینی شده بود. یهودیان منتظر یک فرد الهی نبودند، فقط انتظار یک مداخله الهی را داشتند. دو آمدن مسیح، یکی به عنوان رنج کشیده و نجات دهنده، یکی به عنوان داور و ارباب و سرور، برای مردم عهد عتیق واضح نیست.

■ "آن که آغاز کرد، به کمال خواهد رسانید" هر دو اصطلاح "شروع" و "کامل" اصطلاحات فنی برای آغاز و پایان قربانی کردن بودند (رومیان ۱۲: ۱-۲).

۷:۱

"شما را در قلب خود دارم"	NASB, NKJV
"مرا در قلب خود نگاه میدارید"	NRSV
"همیشه در قلب من هستید"	TEV
"در دل من جای دارید"	NJB

عبارت یونانی مبهم است. این می تواند به عشق پولس به آنها (NASB, NKJV, TEV, NKJV) یا عشق آنها به پولس (NRSV) اشاره کند. موضوع خاص: قلب/دل در کولسیان ۲: ۲ را ببینید.

"دفاع و تأیید انجیل"	NASB, NKJV,
"دفاع از انجیل و پایبندی سخت به آن"	NRSV
"دفاع و سازماندهی انجیل"	TEV

اینها اصطلاحات فنی برای "دفاع قانونی" بودند. اصطلاح اول، پافشاری است (مراجعه شود به اعمال رسولان ۲۲: ۱؛ ۲۵: ۱۶؛ دوم تیموتائوس ۴: ۱۶)؛ اصطلاح دوم *bebaiōsis* است (مراجعه شود به عبرانیان ۶: ۶ و *The Vocabulary of the Greek Testament Illustrated from the Papyri and Other Non-literary Sources* اثر James Moulton and George Milligan، صفحه ۱۰۸، که می گوید از "به طور قانونی تضمین شده" استفاده شده است. این ممکن است به ظاهر شدن پولس در برابر (۱) نرون و یا دیگر رهبران دولتی یا (۲) موعظه انجیل اشاره کند.

■ "شما همه با من در فیض خدا شریکید" این واژه ترکیبی *"syn"* و *"koinonia"* است. این عبارت نشان دهنده احساسات پولس از وحدت با این مؤمنان است. این کتاب دارای تعداد غیر معمولی از کلمات ترکیب شده با *"syn"* است که به معنای "همکاری مشترک با":

۱. فیلیپیان ۱: ۷، ۴: ۱۴، *syn + fellowship (koinonia)*
۲. فیلیپیان ۱: ۲۷، *syn + cooperation*
۳. فیلیپیان ۲: ۲، *syn + soul or mind*
۴. فیلیپیان ۲: ۱۷ الی ۱۸، *syn + rejoice*
۵. فیلیپیان ۲: ۴، ۳: ۴، *syn + worker*
۶. فیلیپیان ۲: ۲۵، *syn + soldier*
۷. فیلیپیان ۳: ۱۰، *syn + form*
۸. فیلیپیان ۳: ۱۷، *syn + initiator*
۹. فیلیپیان ۴: ۳، (یا یک نام مناسب) *syn + laborer*

اشکال مختلف کلمه "همبستگی با" (*koinōnia*) اغلب نیز ظاهر می شود (فلیپیان ۱: ۵، ۷: ۲؛ ۱: ۳؛ ۱۰: ۴؛ ۱۴، ۱۶). پولس کلیسا در روح و خدمتش احساس یگانگی می کرد.

۸: ۱ "خدا شاهد است" پولس سوگند می خورد. این یک تکنیک رایج برای تصریح صداقت اوست (رومیان ۱: ۹؛ دوم قرنتیان ۱: ۲۳؛ اول تسالونیکیان ۲: ۵، ۱۰).

■ "مشتاق همه شما هستم" پولس از این اصطلاح استفاده میکند تا علاقه شدید خود را بر با این دوستان بودن توصیف کند (مراجعه شود به فیلیپیان ۴: ۱، رومیان ۱: ۱۱ اول تسالونیکیان ۳: ۶، دوم تیموتائوس ۱: ۴).

■ "با عواطف خود مسیح" KJV این عبارت را "شکم مسیح" ترجمه می کند. این احتمالاً مربوط به عهد عتیق و اندام های درونی قربانی (که کنعانیان می خوردند) بر روی محراب در جشن خیمه ها است (مراجعه شود به خروج ۲۹: ۱۳؛ لاویان ۳: ۳ الی ۴ و ۱۰، ۱۵: ۴؛ ۸-۹: ۷؛ ۳-۴: ۸؛ ۱۶ و ۲۵: ۹؛ ۱۰، ۱۶). در دوران باستان معتقد بودند که عواطف در بخش پائینی یا شکم قرار دارد (اشعیا، ۶۳: ۱۵؛ ارمیا ۴: ۱۹). برای پولس آن مربوط به عشق است (فیلیپیان ۲: ۱؛ دوم قرنتیان ۶: ۱۲؛ ۷: ۱۵؛ فیلیپیان ۱: ۸، ۲۱؛ کولسیان ۳: ۱۲؛ فیلمون ۷، ۱۲، ۲۰).

۹: ۱ الی ۱۱ این دعای پولس از طرف کلیسا است. این آیات متمرکز بر شیوه زندگی همچون مسیح مومنین دارد، در حالیکه فیلیپیان ۱: ۳ الی ۸ بر موقعیت آنان در طریق مسیح تمرکز دارند. این دو جنبه رستگاری را با هم ترکیب میکند: موقعیت ما در طریق مسیح (قداست قانونی و قداست مکانی) و پردازش ما در همچون مسیح بودن (قداست پیشرونده). فیلیپیان ۱: ۹ الی ۱۱ در نسخه یونانی یک جمله است.

موضوع خاص: استقامت

(Special Topic: Persevere)

توضیح دکتربین انجیلی در ارتباط با زندگی مسیحی بسیار سخت است زیرا در قالب دیالکتیک شرقی ارائه شده است (به موضوع خاص: ادبیات شرق (پارادوکس های انجیلی) مراجعه شود). این دو متناقض به نظر می رسند، با این حال، هر دوی آنها انجیلی هستند. مسیحیان غربی گرایش به این دارند که یک حقیقت را بپذیرند و حقیقت دیگر را نادیده انگاشته و یا آن را کم ارزش تلقی کنند. برخی مثالها:

۱. آیا رستگاری یک تصمیم اولیه نسبت به ایمان آوردن به مسیح است یا یک تعهد مادام العمر که شاگرد او باشیم؟
۲. آیا رستگاری یک انتخاب است به وسیله لطف از جانب خداوند یا ایمان و پاسخ همراه با توبه از جانب نوع بشر به پیشنهاد الهی؟
۳. آیا وقتی رستگاری را دریافت کردیم، غیر ممکن است آن را از دست دهیم یا نیازمند تلاش مداوم برای حفظ آن است؟

در طول تاریخ کلیسا، مسئله استقامت همیشه مورد منازعه بوده است. مشکل با تضاد میان عبارات عهد جدید آغاز می شود:

۱. متون در ارتباط با اطمینان

a. اظهارات عیسی در انجیل یوحنا (انجیل یوحنا ۳۷: ۶، ۲۸: ۱۰ الی ۲۹)

b. اظهارات پولس (رومیان ۸: ۳۵ الی ۳۹، افسسیان ۱: ۱۳، ۲: ۵، ۸ الی ۹، فیلیپیان ۱: ۶، ۱۳: ۲، دوم تسالونیکیان ۳: ۳، دوم تیموتائوس

۱: ۱۲، ۱: ۱۸؛ ۴)

c. اظهارات پطرس (اول پطرس ۴: ۱ الی ۵)

۲. متونی که می گویند استقامت نیاز است

a. اظهارات عیسی در سایر اناجیل (انجیل متی ۲۲: ۱۰، ۱: ۱۳ الی ۹، ۲۴ الی ۳۰، ۲۴: ۱۳، انجیل مرقس ۱۳: ۱۳)

- b. اظهارات عیسی در انجیل یوحنا (انجیل یوحنا ۳:۱، ۴:۱۵ الی ۱۰)
- c. اظهارات پولس (رومیان ۱۱:۲۲، اول قرنتیان ۱۵:۲، دوم قرنتیان ۱۳:۵، غلاطیان ۱:۶، ۳:۴، ۵:۴، ۶:۹، فیلیپیان ۲:۱۲، ۳:۱۸ الی ۲۰، کولسیان ۱:۲۳، دوم تیموتائوس ۳:۲)
- d. اظهارات نویسندگان عبرانیان (۲:۱، ۳:۶، ۱۴:۴، ۱۱:۶)
- e. اظهارات یوحنا (اول یوحنا ۲:۶، دوم یوحنا ۹، مکاشفه ۲:۷ و ۱۷ و ۲۶، ۳:۵ و ۱۲ و ۲۱، ۲۱:۷)

رستگاری انجیلی حاصل عشق، رحمت، ترحم و بزرگی خدای سه گانه است. هیچ انسانی نمی تواند نجات یابد بدون شروع با روح القدس (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۴:۴ و ۶:۶۵). الهیات ابتدا می آید و دستور کار را تعیین می کند، ولی انسان باید با ایمان و توبه در آغاز و تداوم بر آنها پاسخ دهد. خدا بر اساس رابطه پیمانی با انسان کار می کند. مزایایی هست و همینطور هم مسئولیتهایی!

رستگاری به همه انسانها ارائه شد. مرگ عیسی با مشکل گناه انسان سقوط کرده سر و کار دارد! خدا راهی را ارائه کرده و می خواهد همه تمامی کسانی که آنها را به تصویر کشیده با عشق به عیسی به او پاسخ دهند.

اگر مایل هستید که در این زمینه بیشتر مطالعه کنید به منابع زیر مراجعه نمایید

۱. Dale Moody, The Word of Truth, Eerdmans, چاپ ۱۹۸۱، صفحات ۳۴۸ الی ۳۶۵
۲. Kept by the Power of God از انتشارات Bethany Fellowship, اثر Howard Marshall, چاپ ۱۹۶۹
۳. Life in the Son, انتشارات Westcott, اثر Robert Shank, چاپ ۱۹۶۱

انجیل به دو مسئله متفاوت در این زمینه اشاره می کند: (۱) کسب اطمینان به عنوان مجوزی برای یک زندگی بیشتر، یک زندگی خودخواهانه و یا (۲) تشویق کردن آنان که با بشارت و گناهان فردی در تقلا هستند. مسئله اینجاست که گروه اشتباه پیام اشتباه دریافت می کند و سیستم های الهیات انجیلی را بر روی عبارتهای محدود انجیل بنا می کند. برخی مسیحیان ناامیدانه به پیام اطمینان نیاز دارند، در حالیکه دیگران به هشدار سفت و محکم استقامت نیازمند هستند. شما عضو کدام گروه هستید؟

بحث های علمی تاریخی مربوط به آگوستین در مقابل پلاگیوس و کالوین در مقابل ارمینیوس (نیمه پلاگی) وجود دارند. مسئله، این سوال در مورد نجات را شامل می شود: اگر کسی واقعا نجات یابد، آیا او باید در ایمان و ثمردادن پایبند باشد؟

کالوینیستها در پشت متون مقدس که ادعای حاکمیت خداوند و قدرت نگه داشتن خدا دارند، (یوحنا ۱۰: ۲۷-۳۰؛ رومیان ۸: ۳۱-۳۹؛ اول یوحنا ۵: ۱۳، ۱۸؛ اول پطرس ۱: ۳-۵) و افعالی مانند وجه وصفی کامل مجهول افسسیان ۲: ۵ و ۸ خود را پنهان میکنند.

ارامنه، در پشت متون انجیلی که مؤمنان را به "نگه داشتن"، "نگه داشتن" یا "ادامه دادن (انجیل متی ۱۰: ۲۲، ۲۴: ۹-۱۳، انجیل مرقس ۱۳: ۱۳، انجیل یوحنا ۱۵: ۴ الی ۶، اول قرنتیان ۱۵: ۲، غلاطیان ۶: ۹؛ مکاشفه ۲: ۷، ۱۱، ۱۷، ۲۶: ۳، ۵، ۱۲، ۲۱: ۲، ۷) صف میکشند. من شخصا اعتقاد ندارم که عبرانیان ۶ و ۱۰ قابل اجرا باشند، اما بسیاری از ارامنه از آنها به عنوان هشدار علیه ارتداد استفاده می کنند. تمثیل دانه بذر در متی ۱۳ و مرقس ۴ مسئله ایمان ظاهری را مطرح می کنند، مانند یوحنا ۸: ۳۱-۵۹. همانطور که کالوینیستها افعال زمان کامل را برای توصیف نجات نقل قول میکنند، ارامنه زمانهای کامل مانند اول قرنتیان ۱: ۱۸، ۲: ۱۵، دوم قرنتیان ۲: ۱۵ را نقل قول میکنند.

این یک نمونه کامل از این است که چگونه نظامهای دینی از روش تفسیر اثبات شده استفاده می کنند. معمولا یک اصل هدایت کننده یا متن اصلی برای ساخت یک شبکه الهیاتی استفاده می شود که تمام متون دیگر را مشاهده می کند. مراقب چهار چوبهای هر منبع باشید. آنها از منطق غربی آمده اند نه مکاشفه. انجیل یک کتاب شرقی است. این حقیقت را در زوجهای پر تنش، و پارادوکسی ارائه می دهد. مسیحیان به معنای تایید هر دو و زندگی در درون تنش است. عهد جدید هم امنیت مؤمن و هم تقاضا برای ادامه ایمان را ارائه می دهد. مسیحیت پاسخ اولیه با توبه و ایمان است که به دنبال آن یک پاسخ مداوم توبه و ایمان را نیاز دارد. رستگاری یک محصول (بلیط بهشت یا یک سیاست بیمه آتش سوزی) نیست، بلکه یک رابطه است. این تصمیم و شاگردی است. این در عهد جدید، در تمام زمانهای فعل شرح داده شده است:

- آئوریست (عمل کامل شده)، اعمال رسولان ۱۵: ۱۱، رومیان ۸: ۲۴، دوم تیموتائوس ۱: ۹، تیتوس ۳: ۵
- کامل (عمل کامل شده با نتیجه ممتد) افسسیان ۲: ۵ و ۸
- حال (عمل در حال تداوم)، اول قرنتیان ۱: ۱۸، ۱۵: ۲، دوم قرنتیان ۱۵: ۲
- آینده (رخدادهای مربوط به آینده یا رخدادهایی خاص)، رومیان ۵: ۸ و ۱۰، ۱۰: ۹، اول قرنتیان ۳: ۱۵، فیلیپیان ۱: ۲۸، اول تسالونیکیان ۵: ۸ الی ۹، عبرانیان ۱: ۱۴، ۲۸

۹:۱ "محبت شما هر چه بیشتر فزونی یابد" این وجه وصفی حال فعال است که بر دعای خویش تاکید می کند که عشق آنها رشد کند (مراجعه شود به اول تسالونیکیان ۳: ۱۲). عشق شاهد و نشان یک مؤمن واقعی است (مراجعه شود به اول قرنتیان ۱۳: ۱، اول یوحنا ۴: ۷ - ۲۰). موضوع خاص: فراوانی (*Perisseuō*) در افسسیان ۱: ۸ را مطالعه کنید.

NASB	"دانش واقعی و همه آگاهی"
NKJV	"دانش و تمامی آگاهی"
NRSV	"دانش و بینش کامل"
TEV	"دانش واقعی و داوری کامل"
NJB	"دانش و درک کامل"

هر دوی این درخواستها شامل بینش معنوی کامل است که منجر به همچون مسیح بودن می شود (مراجعه شود به اول کولسیان ۱: ۹). نخستین، *epignōksō*، معمولا در عهد جدید برای دانش مورد نیاز برای رستگاری استفاده می شود (هم پیام واقعی که باید آن را باور داشت و هم شخصی که استقبال می شود). دومین (*Aisthēsis*) عمل گرا بود و بر انتخاب شیوه زندگی تاکید داشت (مراجعه شد به فیلیپیان ۲: ۱۵). بلوغ مسیحی شامل سه عنصر است:

۱. دکترین درست (مراجعه شود به اول یوحنا ۴: ۱ الی ۶)
۲. رابطه فردی (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱: ۱۲، ۳: ۱۶)
۳. شیوه زندگی خداپسندانه (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱: ۷، ۲: ۶)

به استقامت هم نیاز دارد (مراجعه شود به انجیل متی ۱۰: ۲۲، ۲۴: ۱۱ الی ۱۳، غلاطیان ۶: ۹، مکاشفه ۲: ۷، ۱۱، ۱۷: ۲۶، ۳: ۵، ۱۲، ۲۱، ۲۱: ۷).

۱۰:۱ "تا بتوانید بهترین را تشخیص دهید" این یک اصطلاح متالوژی بود (*dokimazaō*). این برای تست اصل بودن سکه یا فلزات گرانبها مورد استفاده قرار میگرفت. این امر به معنای "تست با دید تأیید" بود (رومیان ۲: ۱۸؛ اول قرنتیان ۱۶: ۳؛ اول تسالونیکیان ۲: ۴). به موضوع خاص: اصطلاحات یونانی برای آزمون و مفاهیم آنها در فیلیپیان. ۲: ۲۲ مراجعه کنید.

NASB, NKJV	"چیزهایی که عالی هستند"
NRSV, TEV	"آنچه بهترین است"
NJB	"تشخیص درست"

به معنای واقعی کلمه این "چیزهایی است که واقعا به حساب می آیند" است. این همان عبارت در رومیان ۱۸: ۲ است.

NASB, NKJV	"صمیمی"
NRSV	"خالص"
TEV	"به دور از ناخالصی"
NJB	"معصوم"

این واژه ترکیبی از "تابش آفتاب" (*eilē*) و "قاضی" (*krinō*) است. به معنای واقعی کلمه "آزمایش شده در نور" بود. به این ترتیب استعاره به صورت غیرمستقیم و به همین ترتیب (۱) صادقانه (مراجعه شود به اول قرنتیان ۵: ۸؛ دوم قرنتیان ۲: ۱۷؛ دوم پطرس ۳: ۱) یا (۲) "از نظر اخلاقی خالص" مراجعه شود به دوم قرنتیان ۱: ۱۲).

NASB, NRSV	"بی تقصیر"
NKJV	"بدون توهین"
TEV	"آزاد از.... تقصیر"
NJB	"آزاد از هر گونه رد و نشانی از گناه"

این به معنای واقعی کلمه "بدون توهین" یا "باعث لغزش دیگران نشوید" (مشابه دوم قرنتیان ۸: ۱۶). این اصطلاح به معنی یک زندگی بدون تقصیر و گناه است (مراجعه شود به اعمال رسولان ۲۴: ۱۶؛ اول قرنتیان ۱۰: ۳۲).

این مفهوم تقصیر به گناه عهد عتیق اشاره دارد (به عبارتی پیدایش ۴۴: ۱۰؛ یوشع ۲: ۱۷؛ داوران ۱۵: ۳). این گناه چندین بار در فیلیپیان مطرح شده است (فیلیپیان ۲: ۱۵؛ ۳: ۶). مؤمنان مسئول برادرانشان در طریق مسیح هستند و همچنین شاهد مثبتی (شیوه زندگی و کلامی) برای کافران هستند (مراجعه شود به اول تیموتائوس ۳: ۲ و ۷).

■ "تا روز مسیح" به موضوع خاص: اصطلاحات عهد جدید برای بازگشت مسیح در کولسیان ۳: ۴ مراجعه کنید.

۱۱: ۱ "آکنده باشید" این یک وجه وصفی کامل مجهول است. مفهوم "پر کردن" به قدرت خدا، روح متصل است (افسیان ۵: ۱۸). او کسانی که به او ایمان آورده و با وی همکاری می کنند، را همانند مسیح میکند که هدف از آن رستگاری است (مراجعه شود به رومیان ۸: ۲۸-۲۹؛ دوم قرنتیان ۳: ۱۸؛ غلاطیان ۴: ۱۹).

NASB	"ثمره پارسایی"
NKJV	"میوه های پارسایی"
NRSV	"درو کردن پارسایی"
TEV	"کیفیت های واقعا خوب"
NJB	"میوه های صاف"

توجه داشته باشید که اصطلاح "میوه" مفرد است، همانطور که در غلاطیان ۵: ۲۲ آمده، جایی که میوه روح عشق است. در اینجا میوه درست است. اصطلاح "پارسایی" در نوشته های پولس به طور معمول به یک مورد قانونی اعتقادی (توجیه موضعی و تقدس، نگاه کنید به موضوع خاص: ارتداد در افسسیان ۱: ۱) در برابر خدا (رومیان ۴-۸) اشاره دارد. در اینجا، با این حال، این به معنای تلاش برای نجات درونی است (تقدیس مترقی، مراجعه شود به فیلیپیان ۱: ۱۰؛ یعقوب ۳: ۱۸). نگاه کنید به موضوع خاص: پارسایی در افسسیان ۴: ۲۴.

■ "به تجلیل و سپاس خدا" (مراجعه شود به انجیل متی ۵: ۱۶، افسسیان ۱: ۶، ۱۲، ۱۴). زندگی مومنین باید برای خدا افتخار آفرین باشد! توجیه باید تقدس ایجاد کند. اگر ریشه ای نباشد، میوه ای نخواهد بود! مسیح هم ما را نجات می دهد و هم تصویر خدا را در انسان سقوط کرده احیا می کند. مومنین باید ویژگی های خانوادگی خدا را نمایش دهند! به یادداشت در مورد "جلال/شکوه" در افسسیان ۱: ۶ توجه کنید.

NASB (به روز شده): فیلیپیان ۱: ۱۲ الی ۱۸

۱۲ ای برادران، می خواهم بدانید که آنچه بر من گذشت، در عمل به پیشرفت انجیل انجامید،^{۱۳} به گونه ای که بر تمامی نگهبانان کاخ سلطنتی و بر همگان عیان شد که من به خاطر مسیح در زنجیرم؛^{۱۴} و زنجیرهایم سبب شد که بیشتر برادران، در خداوند قوی دل شوند تا با شهامت تمام، کلام خدا را بی واهمه بیان کنند.

۱۵ اما بعضی از حسد و حس رقابت مسیح را وعظ می کنند، حال آنکه بعضی دیگر با حسن نیت.^{۱۶} اینان از محبت چنین می کنند، زیرا می دانند که من برای دفاع از انجیل در اینجا گذاشته شده ام.^{۱۷} اما آنان از سر جاه طلبی به مسیح وعظ می کنند، نه با خلوص نیت، با این گمان که بر رنجهای من در زندان می افزایند.^{۱۸} اما چه باک؟ مهم این است که به هر صورت، مسیح موعظه شود، چه نیت درست باشد، چه نادرست! و من از این بابت شادمانم. آری، و باز هم شادی خواهم کرد،

۱۲: ۱ "میخواهم بدانید" این دلالت بر آن دارد که کلیسا سوالاتی از پولس (از قبیل قرنتس، مراجعه شود به اول قرنتیان ۷: ۱، ۲۵، ۸: ۱، ۱۲: ۱، ۱۶: ۱) از طریق اپافرودیتوس که در طول دوران زندانی بودنش، برایش کمکهای مالی برده بود، پرسیده بود (فیلیپیان ۲: ۲۵).

■ "آنچه بر من گذشت" (در نسخه انگلیسی "که شرایط من" نوشته شده است) این به بازداشت، زندانی شدن و محاکمه پولس اشاره می کند. آگابوس پیامبر دستگیری و زندانی شدن پولس را در اعمال رسولان ۲۱: ۱۰ پیش بینی کرده بود. این واقعیت که در برابر پادشاهان غیر یهودی صحبت می کرد، در اعمال رسولان ۹: ۱۵ بر آنانیاس آشکار شد. خدا هدفی را که برای بشارت پولس، تعیین کرده بود، کامل کرد، اما به گونه ای که پولس ظاهرا پیشبینی نکرده بود. این همان حقیقت مشهود در زندگی مؤمنان است. آنها با شانس یا سرنوشت کنترل نمی شوند. خداوند حتی از چیزهایی که به نوعی شگفت انگیز هراس آور و منفی هستند یا چنین به نظر می رسند، استفاده می کند (فیلیپیان ۱: ۲۰؛ رومیان ۸: ۲۸-۲۹).

■ "در عمل به پیشرفت انجیل انجامید" اصطلاح "پیشرفت" در فیلیپیان ۱: ۲۵ و اول تیموتائوس ۴: ۱۵ هم استفاده شده است. دو پس زمینه لغوی اصلی دارد که ممکن است مرتبط با نحوه استفاده پولس از این اصطلاح باشد:

۱. این یک اصطلاح نظامی برای پیشبرد نیروهای نظامی از طریق زمین های خشن با استفاده از راه بازکنها و بردارندگان موانع بود
۲. توسط فلاسفه رواقی یونانی به عنوان یک کلمه راهنما برای راه سخت به سوی خرد استفاده میشد

هر چند انجیل در حال پیشرفت بود، ولی گاهی اوقات سخت بود. جالب توجه است که پیشرفتهای ذکر شده مشخص شده اند:

۱. در فیلیپیان ۱: ۱۳ که انجیل از طریق نخبگان گارد سلطنتی و کاخ رم گسترش می یافت

۲. در فیلیپیان ۱: ۱۴ که دیگر مسیحیان واعظ در رم، در حالیکه پولس خود زندانی بود، از نگرش و اقدامات پولس برای اعلام انجیل شجاعت گرفتند.

"افسر نگهبان"	NASB
"نگهبان قصر"	NKJV
"گارد سلطنتی"	NRSV
"کل محافظان قصر"	TEV
"افسر"	NJB

ترجمه های NKJV, KJV و TEV دارای "کاخ" است که کاملا امکان پذیر است، زیرا این کلمه در اعمال رسولان ۲۳: ۳۵ مورد استفاده قرار گرفته است. در این متن، به دلیل استفاده از عبارت "و همه چیزهای دیگر"، که به ظاهر به افراد اشاره دارد، به یک دسته از سربازان اشاره می شود نه یک مکان. هویت دقیق این افراد ناشناخته است، اما احتمالا خدمتگزاران سلطنت، مشاوران حقوقی یا مقامات دادگاهی هستند که در دادگاه پولس شرکت داشتند.

موضوع خاص: گارد سلطنتی

Special Topic: Praetorian Guard

در ابتدا اصطلاح "praetorian" به چادر عمومی رومی ("پرتور") اشاره می کرد، اما پس از فتوحات روم، به معنای اداری برای نشان دادن ستاد یا محل سکونت دولت سیاسی / نظامی (مراجعه شود به انجیل متی ۲۷: ۲۷؛ انجیل یوحنا ۱۸: ۲۸، ۳۳: ۱۹؛ اعمال رسولان ۲۳: ۳۵؛ فیلیپیان ۱: ۱۳) استفاده می شد.

با این حال، در روم قرن اول، برای افسرانی که گارد ویژه امپراتوری را تشکیل می دادند، استفاده می شد. این گروه از نظامیان نخبه توسط آگوستوس (سال ۲۷ قبل از میلاد) آغاز شد، اما در نهایت در رم توسط تایبریوس متمرکز شد. آنها

۱. همه هم رتبه، رئیس دسته بودند
 ۲. دستمزد دو برابر دریافت میکردند
 ۳. امتیازات ویژه ای داشتند (یعنی پس از ۱۶ سال به جای ۲۵ سال بازنشسته شد)
 ۴. بسیار قدرتمند شد زیرا که منتخبین امپراتور همیشه از احترام زیادی برخوردار بودند
- سرانجام در زمان کنستانتین، این گروه نخبگان، و قدرتمندان سیاسی، منحل شد.

۱۴: ۱ عبارت یونانی "در سرور" می تواند با "برادران" یا با اصطلاح "شجاعت بیشتری" بیان شود که پایه ای برای اطمینان سایر واعظان در ملاقات پولس در زندان است. مهم است توجه داشته باشیم که رفتار، نگرش و رفتارهای یک شخص در طول زمان استرس و فشار، اغلب منبع اصلی تشویق دیگر مسیحیان است (مراجعه شود به یعقوب، ارمیا، پولس).

■ "با شهامت تمام، کلام خدا را بی واهمه بیان کنند" عبارت "کلام خدا" دارای برخی از تغییرات یونانی است. نسخ دستنویس یونان باستان، A, B, و P عبارت عامیانه "کلام خداوند" است. با این حال، در P46, Dc, و K, عبارت جنسیتی (مذکر-مونث) حذف می شود. UBS4 امتیاز "B" (تقریبا یقین) را به عبارت حذف شده، می دهد. همانطور که در مورد بسیاری از این تنوعات در نسخ دست نویس نیز صادق است، این تفاوتها تغییر چندانی در درک مطلب ایجاد نمیکنند.

۱۵: ۱ هویت این واعظان مسیحی عیسی (مراجعه شود به فیلیپیان ۱: ۱۵، ۱۷، ۱۸) بحثهای زیادی در میان مفسران ایجاد کرده است. از فیلیپیان ۱: ۱۱ الی ۱۸ به نظر واضح است که آنها واقعا عیسی را موعظه میکنند، اما از روی انگیزه هایی حقیرانه، که عمدتا به سمت عیسی و پیام انجیل هدایت نمی شوند، بلکه به طور خاص به سوی پولس هدایت میشوند. برخی معتقدند که اینها رهبران مسیحی (یهودی و غیر یهودی) هستند که از عقل و حضور روحانی پولس در هنگام آمدن به رم دور شده اند. احتمالا آنها یهودیانی مانند غلاطیان بودند، اما از قدرت کمتری برخوردار بودند. با این حال، به دلیل کلمات تیز پولس در کتاب غلاطیان (۳: ۲)، این غیر قابل باور است که این متن اشاره به معلمان دروغین باشد. در اینجا اینها به سادگی موعظه کنندگانی با انگیزه های ضعیف هستند. این به نظر می رسد بسیار شبیه به روزگار ما است: حسادت، رقابت، و حزبی بودن اغلب کلیسای عیسی مسیح، به جای عشق و پذیرش که در اول قرنتیان ۱۳، رومیان ۱۴: ۵؛ غلاطیان ۲۶ خواسته میشود.

۱۶: ۱

NASB, NKJV "من منصوب شدم"

"من اینجا گذاشته شده ام"
"خدا کار... را به من سپرده است"
"محکم میمانم"

NRSV
TEV
NJB

اصطلاح "منصوب" (*keimai*) اصطلاح نظامی برای یک سرباز در پست نگهبانی بود. به صورت استعاره از آن به عنوان فردی که برای انجام وظیفه‌ای منصوب می‌شود (مراجعه شود به انجیل لوقا ۲: ۳۴) استفاده شده است. زندان و محاکمه پولس در رم حادثه نبود، بلکه طرح پیشنهادی خداوند بود (مراجعه شود به اعمال رسولان ۹: ۱۵). زندگی برای عیسی نیز "تعیین شد" (مراجعه شود به انجیل لوقا ۲۲: ۲۲؛ اعمال رسولان ۲: ۲۳؛ ۳: ۱۸؛ ۴: ۲۸). خیلی کمک کننده است که زندگی خود را در همان چهارچوب جهان بینی الهیاتی ببینیم!

■ "دفاع از انجیل" این همان اصطلاح یونانی است (*apologia*) که در فیلیپیان ۱: ۷ استفاده شده است. از آن واژه انگلیسی "عذر خواهی" استخراج شده که به معنای "دفاع قانونی" است. این عبارت مستلزم محاکمات دولتی است (مراجعه شود به اعمال رسولان ۲۲: ۱)، اما همچنین می‌تواند به سخنرانی خود در کنیسه یهودی هم اشاره کند.

۱: ۱۶ الی ۱۷ جالب است که توجه داشته باشید که در *Texus Receptus* عبارات فیلیپیان ۱: ۱۶ و ۱۷ در تلاش برای مطابقت با نظم آیه ۱۵ معکوس می‌شوند. این تنوع نسخه یونانی (همانطور که بسیاری از آنها) بر حس متن تاثیر نمی‌گذارد.

۱: ۱۷ "سِرِ جاه طلبی" این اصطلاح در ابتدا به معنای "زیر و رو کردن پشم برای خرید" بود، اما به معنای سوءاستفاده اشرافی در برابر کسانی بود که مجبور بودند برای زندگی و زنده ماندن کار کنند. این به معنای استعاری برای جاه طلبی خودخواهانه بود. عظمت قلب پولس (فیلیپیان ۱: ۱۸) در این واقعیت است که او خوشحال شد که مسیح موعظه می‌شود حتی اگر گوینده دارای انگیزه های ضعیف بوده باشد. قدرت در کلام است نه در گوینده!

۱: ۱۸ پولس متوجه شد که پیام انجیل، رقابتهای شخصی را تغییر داده است. این آیه دارای پیامدهای فوق العاده‌ای برای تقسیمات مذهبی است که امروز در کلیسا یافت می‌شود و چگونه مؤمنان به آنها شخصا و از نظر الهیاتی مرتبط می‌شوند (رومیان ۱۴ و ۱ قرنیتیان ۸-۱۰).

■ "درست باشد" به موضوع خاص: حقیقت در نوشته‌های پولس در افسسیان ۱: ۱۳ مراجعه کنید.

NASB (به روز شده): فیلیپیان ۱: ۱۹ الی ۲۶

^{۱۹} زیرا می‌دانم که با دعاهای شما و باری روح عیسی مسیح، اینها به نجات من خواهد انجامید، ^{۲۰} چنانکه مشتاقانه انتظار می‌کشم و امید دارم که در هیچ چیز سرفاکننده نخواهم شد، بلکه با کمال دلیری، اکنون نیز چون همیشه، مسیح در بدنم جلال خواهد یافت، خواه در مرگ و خواه در زندگی. ^{۲۱} زیرا مرا زیستن مسیح است، و مردن، سود. ^{۲۲} اگر می‌باید به حیات خود در این بدن ادامه دهم، این برایم به منزله کار و کوششی پرثمر خواهد بود. و نمی‌دانم کدام را برگزینم! ^{۲۳} زیرا بین این دو سخت در کشمکشم: چرا که آرزو دارم زحمت از این جهان بریندم و با مسیح باشم، که این به مراتب بهتر است؛ ^{۲۴} اما مانندم در جسم برای شما ضرورتر است. ^{۲۵} چون از این یقین دارم، می‌دانم که برای پیشرفت و شادی شما در ایمان، زنده خواهم ماند و با همه شما به سر خواهم برد، ^{۲۶} تا با دوباره آمدنم نزد شما، فخرتان در مسیح عیسی به سبب من افزون گردد.

۱: ۱۹ "به نجات من خواهد انجامید" اصطلاح معنایی (*sōtēria*) به معنی "نجات" است. پولس اغلب از آن برای صحبت در مورد رستگاری معنوی در طریق مسیح استفاده می‌کند. (برخی مثالها: رومیان ۱: ۱۶؛ ۱۱: ۱۴؛ اول قرنیتیان ۱: ۲۱؛ ۷: ۶؛ اول تیموتائوس ۴: ۱۶؛ دوم تیموتائوس ۲: ۱۰؛ ۳: ۱۵؛ ۴: ۱۸؛ تیتوس ۳: ۵) با این حال، در اینجا در مفهوم آزادی فیزیکی عهد عتیقی (مراجعه شود به دوم تیموتائوس ۴: ۱۸، یعقوب ۵: ۱۵) استفاده شده است. این اصطلاح اغلب در متونی که مربوط به محاکمات هستند، استفاده می‌شود (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱۳: ۱۱؛ انجیل لوقا ۱۲: ۱۱-۱۲). حتی ممکن است که این اشاره به یعقوب ۱۳: ۱۶ در Septuagint (LXX) باشد، که در آن از یعقوب توسط خدا دفاع می‌شود (یعقوب ۴۲).

پولس احساس کرد که قرار بود آزاد شود (مراجعه شود به جمله شرطی نوع اول در فیلیپیان ۱: ۲۲). به نظر می‌رسد که کولسیان و افسسیان در ابتدای دوران حبس رومی پولس و فیلیپیان در انتهای دوره نوشته شده باشند. پولس آزاد شد و چهارمین سفر بشارتی را که در نامه‌های مقدس (اول تیموتائوس، تیتوس و دوم تیموتائوس) توصیف شده بود، انجام داد و سپس ظاهرا دوباره دستگیر و قبل از خودکشی نرون در سال ۶۸ میلادی، سرش قطع شد.

اعتماد به نفس پولس بر اساس دو عنصر است: (۱) دعاهای مسیحیان فیلیپیان و (۲) قدرت روح خداوند. جالب است که توجه کنید چگونه پولس از کلیساها دعوت به دعا کرد (رومیان ۱۵: ۳۰؛ دوم قرنیتیان ۱: ۱۱؛ افسسیان ۶: ۱۸-۱۹؛ کولسیان ۴: ۳؛ اول تسالونیکیان ۵: ۲۵). یک رازی در مورد نماز روحانی وجود دارد؛ خدا خودش را به دعاهای فرزندان محدود کرده است (متی ۷: ۷-۱۱؛ ۱۸: ۱۹؛ ۲۱: ۲۲؛ لوقا ۱۱: ۹-۱۳؛ یوحنا ۱۴: ۱۳-۱۴؛ ۱۵: ۷، ۱۶؛ ۱۶: ۲۳-۲۴؛ اول یوحنا ۳: ۲۲؛ ۵: ۱۴-۱۵). به هر حال، شفاعت صمیمانه و مداوم، قدرت روح را به شیوه‌ای غیر معمول رها می‌کند؛ "نداریم چون

درخواست نکردیم" (یعقوب ۴: ۲).

NASB	"ندارک"
NKJV	"عرضه"
NRSV, TEV	"کمک"
NJB	"پشتیبانی"

این اصطلاح در اصل توسط یک پشتیبان ثروتمند که یک کار روزانه را مشخص کرده، استفاده می‌شود. این اصطلاح به ۲ صورت استعاره برای استفاده کامل از منابع و امکانات فراوانی به کار می‌رود.

■ "روح عیسی مسیح" اغلب روح القدس با توجه به رابطه او با عیسی (رومیان ۸: ۹، اول قرنتیان ۱۵: ۴۵، دوم قرنتیان ۳: ۱۸، غلاطیان ۴: ۶ و اول پطرس ۱: ۱) توصیف می‌شود. عنوان G. Campbell Morgan برای روح "عیسی دیگر" بود! این کاملاً با هدف روح موجود در انجیل یوحنا ۱۶: ۷-۱۵ مطابقت دارد. بشارت اولیه روح القدس انسانها را در جایگاه محکومین قرار می‌دهد تا انجیل به عنوان شخص را بر آنها آشکار کرده و کار عیسی مسیح را به آنها نشان دهد، سپس آنها را به مسیح تعمیم دهند، و سپس مسیح را در آنها قالب میزند.

ارتباط پل با عیسی و روح نشان داد که عصر جدید آمده است. این "عصر روح" بود. روح عصر جدید عدالت را به ارمغان آورد. با این حال عصر جدید نیز مسیحی بود. عیسی مکانیسم پدر برای افتتاح عصر جدید روح بود. مقالات خاص: عیسی و روح در کولسیان ۱: ۲۶ و شخصیت روح در افسسیان ۱: ۱۴ را مطالعه کنید.

۱: ۲۰ "چنانکه مشتاقانه انتظار می‌کشیم" این واژه ممکن است توسط پولس ساخته شده باشد. این نیز در رومیان ۸: ۱۹ استفاده شده است. این استعاره‌ای از یک فرد است که سرش را بیرون آورده/بالا برده است تا به دنبال چیز خاصی یا کسی بگردد.

NASB	"شرمنده چیزی نخواهم شد"
NKJV	"از هیچ چیز شرمنده نخواهم بود"
NRSV	"به هیچ روی شرمنده نخواهم شد"
TEV	"هرگز در وظیفه ام شکست نخواهم خورد"
NJB	"هرگز نباید شکست بخورم"

این به احساس مسئولیت پولس در انجام وظیفه‌ای که به او محول شده، و مشکلات و وسوسه‌های آن برایش شناخته شده‌اند، اشاره می‌کند (مراجعه شود به اول قرنتیان ۴: ۱-۲۹؛ ۹: ۲۷).

NASB, NKJV,	
NRSV	"با گستاخی تمام"
TEV	"شهامت کامل"
NJB	"بیباکی کامل"

معنی اصلی این واژه یونانی، "گستاخی/شهامت در صحبت کردن" (۱) در حضور مافوق (خداوند، قاضی، پادشاه و غیره) یا (۲) در موقعیت‌های پر از تنش (مراجعه شود به اعمال رسولان ۴: ۱۳، ۲۹، ۳۱؛ افسسیان ۳: ۱۲؛ اول تیموتائوس ۳: ۱۳؛ عبرانیان ۱۰: ۹؛ اول یوحنا ۴: ۱۷) است. این دعای عادی پولس بود (افسسیان ۶: ۱۹؛ کولسیان ۴: ۳). به موضوع خاص: پرخاشگری (*Parrhesia*) در کولسیان ۲: ۱۵ مراجعه کنید.

NASB	"مسیح الان هم مثل همیشه در بدنم بزرگ خواهد شد"
NKJV	"مثل همیشه، اینک هم مسیح در بدنم بزرگ خواهد شد"
NRSV	"اینک مسیح مثل همیشه در بدنم به حد اعلی خواهد رفت"
TEV	"من با تمام وجود باید برای مسیح افتخار آفرین باشم"
NJB	"اکنون نیز چون همیشه، مسیح در بدنم جلال خواهد یافت"

این یک فعل آینده مجهول است که نشان می‌دهد که پولس بازیگر اصلی یا عنصر اصلی در افتخار آفرینی برای خدا نبود، بلکه مسیح از طریق پولس و به واسطه دعای برادران و قدرت روح القدس (فیلیپیان ۱: ۱۹) مفتخر می‌شود. قابل توجه است که پولس این عبارت را با واژه یونانی که برای "بدن" به کار می‌رود، پایان می‌دهد. مؤمنان با بدن خود به خداوند احترام می‌گذارند (مراجعه شود به اول قرنتیان ۶: ۲۰) و یا اصلاً به او احترام نمی‌گذارند! برای یونانیان

بدن پلیدی بود. برای پولس از لحاظ اخلاقی خنثی بود، اما این میدان نبرد وسوسه و مکانی برای احترام و پرستش مسیح بود و هست.

■ "خواه در مرگ و خواه در زندگی" مومنین مسیح را تحسین می کنند، بعضی از آنها با مرگ و بعضی دیگر با زندگی از روی وفاداری خود (رومیان ۱۴: ۸؛ دوم قرنتیان ۵: ۱-۱۰؛ اول تسالونیکیان ۵: ۲۰؛ مکاشفه ۱۳: ۱۴).

۱: ۲۱ "مرا زیستن مسیح است، و مردن، سود" زیستن "زمان حال فعال نامحدود است، در حالی که "مردن" آتوریست فعال نامحدود است. این بدان معنی است که عمل ادامه زندگی، مسیح است (رومیان ۱۲: ۱-۲). این یک عبارت دشوار برای درک است، اما زمانی که ما به نوشته‌های دیگر پولس نگاه کنیم، می‌بینیم که به این معنی است که مؤمنان مرده‌اند در گناه، در خود و در قانون مرده‌اند، اما برای خدا زنده هستند تا به او خدمت کنند (رومیان ۶: ۱-۱۱؛ کولسیان ۳: ۴؛ غلاطیان ۲: ۲۰؛ ۵: ۲۴؛ ۶: ۱۴). با این حال، در این زمینه باید به مرگ فیزیکی اشاره کرد. پولس برای زندگی‌اش محاکمه شد، اما زندگی او قبلاً گرفته شده بود، توسط مسیح گرفته شده بود!

■ "مردن سود" (اصطلاح افعال انگلیسی استفاده شده در این عبارت *to gain* به معنی بدست آوردن حاصل کردن است) از نظر پولس، مرگ به معنای رفاقت و نزدیکی کامل با خدا بود (مراجعه شود به فیلیپیان ۱: ۲۳). البته به این معنی نیست که پولس نسبت به مرگ کاملاً بی‌توجه است. او درباره ترس و رضایت خود در دوم قرنتیان ۵: ۱ الی ۱۰ بحث کرد. یک عنصر ترس در مرگ برای همه ما وجود دارد، اما انجیل مؤمنان را قادر می‌سازد تا به صورت جدی با مرگ فیزیکی و یک خدای مقدس مواجه شوند. با این حال ما باید درک کنیم که اصطلاح "بدست آوردن" در اینجا به معنی بدست آوردن شخصی برای پولس نیست بلکه برای انجیل به دست آوردن است (مراجعه شود به فیلیپیان ۱: ۱۲).

۱: ۲۲ "اگر" این یک عبارت شرطی نوع اول است.

■ "این بدن" موضوع خاص در کولسیان ۱: ۲۲ را مطالعه کنید.

■ "این برابری به منزله کار و کوششی پرثمر خواهد بود" این به دو صورت تفسیر شده است: (۱) بعضیها را به مثابه رشد و تکامل کار خود می‌دانند (۲) دیگران آن را به عنوان تمایل به کاری جدید می‌بینند. شواهد زیادی در کلیسای اولیه وجود دارد که پولس از زندان آزاد شد و تا چند ماه قبل از بازداشت زدن گردنش، قبل از سال ۶۸ میلادی، که سال خودکشی نرون است، فعالیت‌های بشارتی داشت.

شواهد آزادی او بشرح زیر هستند:

۱. استفاده از اصطلاح "رستگاری" در فیلیپیان ۱: ۱۹
۲. جمله شرطی نوع اول در فیلیپیان ۱: ۲۲
۳. زمانبندی نامه‌های مقدس با اعمال رسولان همخوان نیست
۴. کلمنت رم، در اولین نامه خود به قرنتیان (در سال ۹۵ میلادی)، به خصوص در فصل ۵، بیان می‌دارد که پولس از زندان آزاد شد و به مرزهای غرب رفت
۵. در مقدمه ای بر نامه‌های پولس در *Muratorian Fragment* بیان شده است
۶. در تاریخ جوامع ایزوبیوس ۲: ۲۲ بیان شده است
۷. در موعظه‌های کریسوستوم، که فعالیت‌های بعدیش را ذکر می‌کند، بیان شده است

■ "نمی‌دانم کدام را برگزینم" این واژه معمولاً به معنی «اعلام» است. پولس واقعا انتخابی در مورد زندگی یا مرگ خود نداشت، بلکه ادعا می‌کند خدا انجام داده است. با این وجود او بین این دو گزینه ذهنی مبارزه می‌کرد: (۱) برای خود، یعنی مرگ به عنوان شهید یا (۲) آزادی او برای کلیسا سودمند خواهد بود؛ زیرا او زمان بیشتری برای موعظه، آموزش و تشویق کردن داشت.

۱: ۲۳ "بین این دو سخت در کشمکش" اصطلاح *sunechō* به معنی "محکم کردن یا با هم نگهداشتن" (مراجعه شود به انجیل لوقا ۱۲: ۵۰، ۱۹: ۴۳) است و نشان دهنده مبارزه شخصی شدیدی است که با گزینه‌های بشارتی پولس مرتبط است.

■ "چرا که آرزو دارم رخت از این جهان بربندم" (این آیه در نسخه انگلیسی به صورت "تمایل دارم که خارج شده و بروم" نوشته شده است) اصطلاح "تمایل" یک اصطلاح بسیار قوی یونانی است که اغلب "شهوت" ترجمه می‌شود، اما در اینجا به معنای مثبت میل شدید استفاده می‌شود.

اصطلاح "خروج" یک کلمه یونانی بسیار جالب است که به کشتی که لنگر آن رها شده یا برای یک اردوگاه نظامی سقوط کرده یا نقل مکان کرده است، مربوط می‌شود (رجوع کنید به دوم تیموتائوس ۴: ۶). به دلیل استفاده پولس از این اصطلاح در دوم قرنتیان ۵: ۱، ۱۱، احتمالاً به مرگ فیزیکی خود اشاره می‌کند.

■ "و با مسیح باشم" فریسیان همیشه منتظر قیامت و رستاخیز بودند (یعقوب ۱۴: ۱۴-۱۵؛ ۱۹: ۲۵-۲۷؛ دانیاال ۱۲: ۲). این در بسیاری از عبارتهای عهد جدید بدیهی است که به آمدن دوم، داوری و زندگی فراتر از آن اشاره دارد. با این حال، در این بخش، بینش افزوده شده به مفهوم سنتی یهودی حادس به

ارمغان می آید: هنگامی که مؤمنان می میرند، به خوابی بیهوش یا نیمه هشیار نمیروند، بلکه به حضور سرورمان میروند (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱۲: ۲۶-۲۷؛ لوقا ۱۶: ۱۹-۳۱؛ ۲۳: ۴۳؛ دوم قرنتیان ۵: ۸). در این زمینه ابهام زیادی در کتاب مقدس وجود دارد. به نظر می رسد کتاب مقدس به یک حالت نیمه هشیار و بدوم بدن را تدریس می کند (مراجعه شود به اول قرنتیان ۱۵: ۵۱ الی ۵۲، اول تسالونیکیان ۴: ۱۳، ۱۷، مکاشفه ۶: ۹، ۲۰: ۴). در زمان مرگ مومنین با سرور خواهند بود، اما با رفاقتی محدود و این رفاقت تا روز رستاخیز به طور کامل تحقق نخواهد یافت (مراجعه شود به اول یوحنا ۳: ۲).

موضوع خاص: مردگان، کجا هستند؟ (SHEOL/HADES, GEHENNA, TARTARUS)

(Special Topic: The Dead, Where Are They? (Sheol/Hades, Gehenna, Tartarus))

I. عهد عتیق

a. همه انسانها به *Sheol* (دنیای زیر زمین در زبان عبری) میروند (هیچ ریشه‌ای برای این کلمه موجود نیست و ریشه آن مشخص نیست، BDB 982, KB 1368)، و شیوه‌ای است برای اشاره به مکانی که مردگان را در آنجا گذاشته و در آنجا زندگی می‌کنند یا قبر است، بیشتر در ادبیات عرفانی و اشعیا استفاده شده است. در عهد عتیق هستی در سایه، هشیار ولی بدون لذت وجود دارد (مراجعه شود به یعقوب ۲۱: ۱۰ الی ۲۲، ۳۸: ۱۷).
b. مشخصه‌های *Sheol*

۱. با داوری خدا همراه است (آتش)، تثنیه ۳۲: ۲۲
۲. زندانی با دروازه، یعقوب ۳۸: ۱۷، مزور ۱۳: ۹، ۱۸: ۱۰۷
۳. سرزمین بدون بازگشت، یعقوب ۷: ۹ (اصطلاح اکادادی برای مرگ)
۴. سرزمین/قلمرو تاریکی، یعقوب ۲۱: ۱۰ الی ۲۲، ۱۳: ۱۷، ۱۸: ۱۸
۵. مکان سکوت، مزور ۱: ۲۸، ۱۷: ۳۱، ۱۷: ۹۴، ۱۷: ۱۵، اشعیا ۵: ۴۷
۶. همراه با مجازات حتی قبل از روز داوری، مزور ۴: ۱۸ الی ۵
۷. همراه با شیطان (تخریب، موضوع خاص: شیطان را مطالعه کنید)، که در آن خدا نیز حضور دارد، یعقوب ۶: ۲۶، مزور ۸: ۱۳۹، عاموس ۲: ۹

۸. همراه با گودال است (قبر)، مزور ۱۰: ۱۶، ۳: ۸۸ الی ۴، اشعیا ۱۵: ۱۴، حزقیال ۳۱: ۱۵ الی ۱۷
۹. افراد شرور زنده وارد *Sheol* می‌شوند، اعداد ۱۶: ۳۰ الی ۳۳، یعقوب ۷: ۹، مزور ۱۵: ۵۵
۱۰. انسان حیوان‌نمایی با دهان بزرگ، اعداد ۱۶: ۳۰، امثال ۱: ۱۲، اشعیا ۱۴: ۵، حبقوق ۲: ۵
۱۱. به مردم آنجا رفاقت (یعنی روح مردگان) گفته می‌شود، یعقوب ۵: ۲۶، امثال ۲: ۱۸، ۱۶: ۲۱، ۱۴: ۲۶، اشعیا ۹: ۱۴ الی ۱۱
۱۲. با این وجود، حتی در اینجا نیز بیهوش حاضر است، یعقوب ۶: ۲۶، مزور ۸: ۱۳۹، امثال ۱۱: ۱۵

II. عهد جدید

- a. کلمه عبری *Sheol* در زبان یونانی به *Hades* ترجمه می‌شود (دنیای دیده نشده)
- b. مشخصه‌های *Hades* (همانند *Sheol* است)
۱. اشاره به مرگ دارد، انجیل متی ۱۶: ۱۸
 ۲. به مرگ مرتبط است، مکاشفه ۱: ۱۸، ۸: ۶، ۱۳: ۲۰ الی ۱۴
 ۳. اغلب شبیه مکانی برای مجازات دائمی است (*Gehenna* یا جهنم)، انجیل متی ۲۳: ۱۱ (نقل از عهد عتیق)، انجیل لوقا ۴۳: ۲۳ احتمالاً مجزا شده (روحانیون)
- c.
۱. بخش نیکی آن بهشت نامیده می‌شود (مراجعه شود به دوم قرنتیان ۴: ۱۲، مکاشفه ۲: ۷)، انجیل لوقا ۴۳: ۲۳
 ۲. بخش پلیدی آن که تارتاروس نامیده می‌شود، مکانی به مراتب پایینتر از *Hades*، دوم پطرس ۲: ۴، که در آن شیاطین هستند (مراجعه شود به پیدایش ۶، اول انوش). پرتگاه (*Abyss*)، انجیل لوقا ۳: ۸، رومیان ۷: ۱۰، مکاشفه ۱: ۹ الی ۲ و ۱۱، ۷: ۱۱، ۱۷: ۱ و ۲۰: ۳
- d. جهنم (جهنم)
۱. منعکس کننده یک عبارت عهد عتیقی است، "دره پسران هینوم"، (جنوب اورشلیم). مکانی بود که خدای آتش فینقیان، مولک (KB591, BDB 574) با قربانی کردن کودکی پرستش و عبادت می‌شد (مراجعه شود به دوم پادشاهان ۳: ۱۶، ۶: ۲۱، دوم قرنتیان ۳: ۲۸، ۶: ۳۳)، که در لایوان ۲۱: ۱۸، ۲: ۲۰ الی ۵ منع شده بود.

۲. ارمیا این مکان را از محل عبادت کفار و بت پرستان تبدیل به محل داوری یهوه کرد (مراجعه شود به ارمیا ۳۲:۷، ۱۹:۶ الی ۷). این مکان تبدیل به محل داوری آتشین در اول انوش ۲۶:۹۰ الی ۲۷ و خویشان ۱:۱۰۳

۳. یهودیان روزگار عیسی اجدادشان از حضور در مراسم عبادت بت پرستان و کفار به خاطر قربانی کردن کودکان ترسانده بودند، به همین دلیل آنها این مکان را تبدیل به زباله‌دانی شهر اورشلیم کرده بودند. بسیاری از استعاره‌های داوری جاودانی عیسی از این مکان می‌آیند (آتش، دود، کرمها، بوی تعفن، مراجعه شود به انجیل مرقس ۹:۴۴ و ۴۶). اصطلاح جهنما/جهنم فقط توسط عیسی استفاده شده است (به استثنای یعقوب ۳:۶).

۴. استفاده عیسی از جهنم

۱. آتش، انجیل متی ۵:۲۲، ۱۸:۹، انجیل مرقس ۹:۴۳
۲. همیشگی، انجیل مرقس ۹:۴۸ (انجیل متی ۲۵:۴۶)
۳. محل خراب شدن (هم روح و هم جسم)، انجیل متی ۱۰:۲۸
۴. همسو با شئول، انجیل متی ۵:۲۹ الی ۳۰، ۱۸:۹
۵. پلیدی را بیان می‌دارد مانند "فرزند جهنم"، انجیل متی ۲۳:۱۵
۶. نتیجه حکم داوری، انجیل متی ۲۳:۳۳، انجیل لوقا ۵:۱۲
۷. مفهوم جهنم همسو با مرگ دوم است (مراجعه شود به مکاشفه ۲:۱۱، ۶:۲۰ و ۱۴) یا دریاچه آتش (مراجعه شود به انجیل متی ۱۳:۴۲ و ۵۰، مکاشفه ۱۹:۲۰، ۱۰:۲۰ و ۱۴ الی ۱۵، ۸:۲۱). احتمال دارد که دریاچه آتش تبدیل به محل دائمی انسانها (از شئول) و شیطان (از تارتاروس، دوم پطرس ۲:۴، یهودا ۱:۶ یا هاویه، مراجعه شود به انجیل لوقا ۳:۱، ۸، مکاشفه ۹:۱ الی ۱۱، ۱:۲۰ و ۳) شود.
۸. این برای انسانها نبود، بلکه برای شیطان و فرشتگان او بود، مراجعه شود به انجیل متی ۲۵:۴۱

e. این احتمال هست، به واسطه همپوشانی حادس و شئول و جهنم که:

۱. همه انسانها به شئول/حادس بروند
۲. کارهای (نیک و بد) آنها پس از داوری تشدید می‌شود، ولی مکان پلیدی بود، به همین دلیل انجیل KJV حادس را قبر و جهنم را جهنم ترجمه کرده است.
۳. تنها جایی در انجیل که مجازات قبل از داوری را ذکر کرده، تمثیل انجیل لوقا ۱۹:۱۶ الی ۳۱ (ایلعازر و مرد ثروتمند) است. شئول به عنوان مکان فعلی مجازات توصیف شده (مراجعه شود به تثنیه ۲۲:۳۲، مزمور ۱۸:۱ الی ۵). با این حال، کسی نمی‌تواند برای آن دکترینی یا تمثیلی تعریف کند.

III. حالت میان مرگ و بازگشت از مرگ

a. انجیل جاودانگی روح را تعلیم نمی‌دهد، که یکی از چندین نگرش باستانی در مورد پس از مرگ است، و تصریح می‌کند که:

۱. روح انسان قبل از زندگی فیزیکی وجود داشته است
 ۲. روح انسان قبل و بعد از مرگ فیزیکی جاویدان است
 ۳. اغلب جسم فیزیکی به عنوان زندان دیده می‌شود و مرگ آن را به حالت قبل از وجود تبدیل می‌کند
- b. عهد جدید به حالت جدا شدن از بدن میان مرگ و رستاخیز اشاره می‌کند

۱. عیسی از حالت جدایی میان بدن و روح صحبت می‌کند، انجیل متی ۱۰:۲۸
۲. ابراهیم ممکن است جسم داشته باشد، انجیل مرقس ۱۲:۲۶ الی ۲۷، انجیل لوقا ۱۶:۲۳
۳. موسی و الیاس در زمان تغییر شکل بدن فیزیکی داشتند، انجیل متی ۱۷
۴. پولس تصریح می‌کند که در زمان آمدن دوم، مومنینی که با عیسی می‌آیند ابتدا بدن جدیدی می‌گیرند، اول تسالونیکیان ۴:۱۳ الی ۱۸
۵. پولس تصریح می‌کند که مومنین در روز رستاخیز بدن معنوی جدیدی می‌گیرند، اول قرنتیان ۱۵:۲۳ و ۵۲
۶. پولس تصریح می‌کند که مومنین به حادس نمی‌روند، ولی در زمان مرگ با عیسی هستند، دوم قرنتیان ۵:۶ و ۸، فیلیپیان ۱:۲۳. عیسی بر مرگ غلبه کرد و پارسایان را با خود به بهشت برد، اول پطرس ۳:۱۸ الی ۲۲.

IV. بهشت

a. این اصطلاح به سه مفهوم در انجیل استفاده شده است

۱. اتمسفر بالای زمین، پیدایش ۱:۱ و ۸، اشعیا ۵:۴۲، ۴۵:۱۸

۲. بهشت درخشان، پیدایش ۱۴:۱، تثنیه ۱۰:۱۴، مزمور ۱۴۸:۴، عبرانیان ۴:۱۴، ۷:۲۶
 ۳. محل پادشاهی خدا، تثنیه ۱۰:۱۴، اول پادشاهان ۸:۲۷، مزمور ۴:۱۴۸، افسسیان ۴:۱۰، عبرانیان ۹:۲۴ (بهشت سوم، دوم
 قرن‌تبار ۱۲:۲)
 b. انجیل مطالب زیادی در مورد پس از زندگی بیان نمی‌کند، احتمالاً به این دلیل که انسان گمراه نمی‌تواند یا توان درک آن را ندارد (مراجعه
 شود به اول قرن‌تبار ۹:۲)
 c. بهشت هم مکان (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۲:۱۴ الی ۳) و هم فرد (دوم قرن‌تبار ۶:۵ و ۸) است. بهشت می‌تواند باغ احیا شده عدن
 باشد (پیدایش ۱ الی ۲، مکاشفه ۲۱ الی ۲۲). زمین پاک شده و احیا می‌گردد (مراجعه شود به اعمال رسولان ۳:۲۱، رومیان ۸:۲۱،
 دوم پطرس ۳:۱۰). تصویر خدا (پیدایش ۱:۲۶ الی ۲۷) در مسیح احیا می‌شود. اینک دوستی صمیمانه باغ عدن دوباره امکانپذیر
 است.
 با این حال، این می‌تواند استعاره‌ای باشد (بهشت به عنوان یک شهر مکعب شکل عظیم مکاشفه ۹:۲۱ الی ۲۷) و نه فقط مفهومی.
 اول قرن‌تبار ۱۵ تفاوت‌های میان بدن فیزیکی و بدن معنوی را به عنوان بذر گیاه بالغ توصیف می‌کند. اول قرن‌تبار ۹:۲ (نقل قولی از
 اشعیا ۴:۶۴ و ۱۷:۶۵) وعده بزرگی است. می‌دانم که وقتی او را ببینیم، همانند او خواهیم بود (مراجعه شود به اول یوحنا ۳:۲).
 v. منابع مفید
 a. William Hendriksen, *The Bible On the Life Hereafter*
 b. Maurice Rawlings, *Beyond Death's Door*

■ "این به مراتب بهتر است" این یک مجموعه از سه مقایسه است که هیجان پولس در تصور با عیسی بودن را نشان می‌دهد.

۱:۲۵ این دلالت بر این دارد که پولس انتظار داشت که آزاد شود.

■ "فخرتان در مسیح عیسی به سبب من افزون گردد" (در نسخه انگلیسی کلمه *joy* نوشته شده که معنی آن 'شادی لذت‌آفرین' است نه 'فخر').
 فیلیپیان ۱: ۲۵-۲۶ در نسخه یونانی یک جمله را تشکیل می‌دهد. اگر درست است که اصطلاح "پیشرفت" (مراجعه شود به اول تیموتائوس ۴: ۱۵) دلالت بر
 یک سفر دشوار داشته باشد، پس مهم است که اصطلاح "شادی"، که یکی از ویژگی‌های این کتاب است، با مشکل بودن زندگی مسیحی زندگی مرتبط باشد. از
 دیگر متون عهد جدید، آشکار می‌شود که یکی از ویژگی‌های منحصر به فرد مسیحیان، در میان مشکلات جسمانی و آزار و اذیت، شادی است (متی ۵: ۱۰-
 ۱۲؛ رومیان ۵: ۳؛ ۸: ۱۸؛ اول تسالونیکیان ۵: ۱۶؛ یعقوب ۱: ۲-۴؛ اول پطرس ۴: ۱۲-۱۶).

۱:۲۶

NASB "اعتماد افتخار آفرین شما به من در طریق عیسی مسیح فراوان می‌شود"

NKJV "شادی شما برای من ممکن است در طریق عیسی مسیح بیشتر باشد"

NRSV "که ممکن است غرور شما بر عیسی مسیح را شدت به اشتراک بگذارم"

TEV "هنگامی که من دوباره با شما باشم، شما حتی دلیلی برای افتخار من در زندگی خود در اتحاد با مسیح عیسی خواهید داشت"

NJB "طوری که بازگشت من نزد شما ممکن است به غلبه بر غرور شما در عیسی مسیح به حساب من بیشتر شود"

این عبارت دو مورد ممکن است: (۱) مسیح یا (۲) پولس. آیا آنها در طریق مسیح و انجیل شادمان بودند و یا به خاطر بازگشت پولس نزد آنان و بشارتهایش؟
 این متن به نفع گزینه دوم است. مأموریت پولس مسیح را جلال می‌بخشد. نگاه کنید به موضوع خاص: فراوان (*Perisseuō*) در افسسیان ۱: ۸.

سوالات بحث ۱: ۱ الی ۲۶

این یک راهنمای مطالعاتی است، که بدین معنی است که شما خودتان مسئول تفسیر انجیل هستید. هر یک از ما باید در مسیر خودمان گام برداریم.
 شما، انجیل و روح القدس در اولویت تفسیر هستید. شما نباید این امر را به یک مفسر واگذار کنید.

این سوالات مباحثاتی به منظور کمک به شما در تفکر نسبت به مسائل اصلی این بخش از کتاب مطرح شده‌اند. آنها صرفاً تفکر برانگیز هستند نه قطعی.

۱. ناظران و دیاکونها چه کسانی هستند؟ مسئولیت آنها چه بود؟

۲. چرا این کلیسا برای پولس بسیار خاص بود؟

۳. چرا آیه ۶ چنین اهمیتی دارد؟ چگونه به آیات ۵ و ۱۰ مرتبط می‌شود؟

۴. چیزهایی که پولس برای این کلیسا دعا می‌کند را فهرست کنید.

۵. چگونه زندان بودن پولس انجیل را بیشتر گسترش داد؟

۶. رسولان مسیحی که از حسادت، رقابت و جانبداری از گروهی سخن می‌گویند، چه کسانی بودند؟
۷. چرا آیه ۱۸ در چگونگی برخورد با فرقه‌گرایی امروز بسیار مهم است؟
۸. چرا روح القدس روح عیسی مسیح را فرا خواند؟ اهمیت این تبادل چیست؟
۹. پولس به معنی "زندگی مسیح است و مرگ سود" چیست؟ این چطور به دنیای مسیحی روزمره شما مجهز است؟
۱۰. در زمان مرگ چه اتفاقی برای یک مسیحی می‌افتد؟
۱۱. مشکلات و شادی مربوط به تجربه مسیحی چیست؟

مطالعه عبارت و کلام

NASB (به روز شده): فیلیپیان ۱: ۲۷ الی ۳۰

^{۲۷} فقط از شما می‌خواهم که به شیوه شایسته انجیل مسیح رفتار کنید، تا خواه ببایم و شما را ببینم و خواه در غیابم از احوالتان بشنوم، خاطر من آسوده باشد که در یک روح استوارید و چون یک تن، دوش به دوش برای ایمان انجیل مجاهده می‌کنید،^{۲۸} و در هیچ چیز از مخالفان هراسی ندارید، که همین در مورد آنان نشان هلاکت است، اما نشان نجات شمامست، و این از خداست.^{۲۹} زیرا این افتخار نصیب شما شده که نه تنها به مسیح ایمان آورید، بلکه در راه او رنج هم ببرید.^{۳۰} چراکه شما را همان مجاهده است که مرا مشغول به آن دیدید و اکنون می‌شنوید که هنوز هم بدان مشغولم.

۱: ۲۷ " فقط از شما می‌خواهم که به شیوه شایسته انجیل مسیح رفتار کنید" فیلیپیان ۱: ۲۷-۳۰ یک جمله طولانی را در متن یونانی شکل می‌دهد. این یک حال میانی (دپوننت) امری از ریشه یونانی کلمه برای شهر است (*polis*)، مراجعه شود به فیلیپیان ۳: ۲۰؛ اعمال رسولان ۲۳: ۱؛ افسسیان ۲: ۱۹). این می‌تواند ترجمه شود "شما باید همچنان به عنوان شهروندان زندگی کنید" (مراجعه شود به فیلیپیان ۳: ۲۰). این در چند ترجمه انگلیسی نشان داده شده است:

۱. *The Berkeley Version of the New Testament (Gerrit Verkuyl)*
۲. *The New Testament: An American Translation (Edgar J. Goodspeed)*
۳. *The Emphasized New Testament: A New Translation (J. B. Rotherham)*

این امر می‌تواند وضعیت تاریخی فیلیپه را به عنوان یک کلونی رومی بازتاب دهد. همچنین به لحاظ الهیاتی می‌گوید که مؤمنان شهروندان دو جهان هستند و در هر دو صورت تعهداتی دارند. استعاره معمول پولس برای زندگی مسیحی کلمه "پایه روی" است. مسیحیان اولیه برای اولین بار به نام "راه" نامیده شدند (مراجعه شود به اعمال رسولان ۹: ۲؛ ۱۸: ۲۵-۲۶؛ ۱۹: ۹؛ ۲۳: ۲۲؛ ۲۴: ۱۴، ۲۲). مومنین باید زندگی شایسته‌ای داشته باشند (مراجعه شود به افسسیان ۴: ۱، ۱۷؛ ۵: ۲؛ ۱۵: ۱۰؛ اول تسالونیکیان ۲: ۱۲).

■ "تا خواه ببایم و شما را ببینم و خواه در غیابم" همین حقیقت در مورد نیاز به انسجام در زندگی مسیحی را می‌توان در فیلیپیان ۲: ۱۲ و در افسسیان ۶: ۶ یافت که پولس ماموران مسیحی را تحریک می‌کند تا دقت کند که آیا ارباب مراقب آنها هست یا خیر. خدا همیشه حاضر است!

■ "که در یک روح استوارید" این حال فعال اخباری است. پولس اغلب از عبارت "ایستادگی" در یکی از دو حواس استفاده می‌کند: (۱) موقعیت ما در مسیح (رومیان ۵: ۲؛ اول قرنتیان ۱۵: ۱)؛ یا (۲) نیاز ما به حفظ صمیمیت (مراجعه شود به فیلیپیان ۴: ۱؛ اول قرنتیان ۱۵: ۱؛ ۱۶: ۱۳؛ غلاطیان ۵: ۱؛ افسسیان ۶: ۱۱، ۱۳، ۱۴؛ اول تسالونیکیان ۳: ۸؛ دوم تسالونیکیان ۲: ۱۵). این یک فراخوان به وحدت کلیسا است (مراجعه شود به اعمال رسولان ۴: ۳۲؛ افسسیان ۴: ۱-۶).

مفهوم "یک روح" تا حد زیادی مورد بحث قرار گرفته است. این می‌تواند به روح بازخرید شده انسان یا روح القدس اشاره داشته باشد. این متن، و همچنین فیلیپیان ۲: ۱، هر دو جنبه را ترکیب می‌کند. توجه داشته باشید که مومنین باید در یک روح، در یک ذهن (*psuchē*) در کنار هم باشند. وحدت بسیار مهم است (افسسیان ۴: ۱-۶).

■ "دوش به دوش مجاهده می‌کنید" این وجه وصفی حال فعال است. این ترکیب *syn* است یا (۱) یک دوره ورزشی برای مشارکت تیم در بازیهای یونان یا (۲) یک دوره نظامی است. اصطلاح انگلیسی "ورزشکار" از این کلمه یونانی (مراجعه شود به فیلیپیان ۴: ۳؛ دوم تیموتائوس ۲: ۵) گرفته شده است. زندگی مسیحی به عنوان یک نبرد معنوی در افسسیان ۴: ۱۴؛ ۶: ۱۰-۲۰ بحث شده است.

به ترجمه NJB توجه داشته باشید: "مبارزه، به عنوان یک تیم با یک هدف، برای ایمان".

■ "برای ایمان انجیل" فاعل معلوم وجود دارد که «ایمان» است. متن می‌گوید که این به معنای حقیقت مسیحی مورد استفاده قرار می‌گیرد (مراجعه شود به

افسیسیان ۴: ۵؛ اول تیموتائوس ۴: ۲۰؛ دوم تیموتائوس ۱: ۱۴ و یهودا ۳، ۲۰).

مؤمنین سؤالات بسیاری مطرح می‌کنند که انجیل به آنها پاسخ نمیدهد (فرایند دقیق خلقت، منشا شیطان، منشا فرشتگان، ماهیت دقیق آسمان و جهنم و غیره). همه چیزهایی که برای رستگاری و زندگی مسیحی مؤثر ضروری هستند نشان داده شده‌اند. کنجکاو مقدس نباید بیشتر از آنچه که داده شده است تقاضا کند (مکاشفه).

۱: ۲۸ "در هیچ چیز از مخالفان هراسی ندارید" (در نسخه انگلیسی "به هیچ طریقی مخالفان هشدار ندادند" نوشته شده است) این یک وجه وصفی حال مجهول است که برای توصیف رم کردن حیوانات مورد استفاده قرار می‌گیرد (مراجعه شود به اعمال رسولان ۱۸: ۹، ۱۰؛ اول قرنتیان ۲: ۳). مخالفان می‌توانند از میان اینها باشند:

۱. یهودیان بومی، هر چند که جایی ثبت نشده که در فیلیپی کنیسه وجود داشته است
۲. یهودیان مخالف و مسافر، مانند اعمال رسولان ۱۷: ۱۳، یا همانند یهود-زدگان کلیساهای غلطیه (مراجعه شود به فیلیپیان ۳: ۲ الی ۶)
۳. کفار محلی (مراجعه شود به اعمال رسولان ۱۶: ۱۶ الی ۲۱)
۴. مقامات مدنی محلی (مراجعه شود به اعمال رسولان ۱۶: ۲۱ الی ۴۰)

■ "که همین در مورد آنان نشان هلاکت است" اصطلاح یونانی، "نشان"، به معنای اثبات بر اساس شواهد است (مراجعه شود به رومیان ۳: ۲۵، ۲۶؛ دوم قرنتیان ۸: ۲۴). "تخریب" یک استعاره نظامی به معنای "سست شدن"، "بیرون آوردن" یا "نابود کردن" بود. شهادت بدون ترس و شیوه زندگی مسیحیان شاهد قضاوت مخالفان و رستگاری مؤمنان بود.

■ "اما شما" ضمیر "شما" هم در فیلیپیان ۱: ۲۸ و هم در ۲۹ تأکیدی است. عجب تضادی میان مومنین و بی-ایمانان.

■ "نجات شما" این اصطلاح مبهم است، مثل فیلیپیان ۱: ۱۹. می‌توان آن را (۱) در معنای رستگاری کامل خود یا (۲) در معنای عهد عتیقی تحویل فیزیکی (نگاه کنید به یعقوب ۵: ۱۵) استفاده کرد. در زمینه معلمان دروغین و آزار و شکنجه خارجی، انتخاب بین دو گزینه دشوار است.

■ "و این از خداست" (در نسخه انگلیسی "و این هم از خداست" نوشته شده که در ترجمه فارسی "هم" حذف شده است) اصطلاحات "نشان" و "نجات" در فیلیپیان ۱: ۲۸ هر دو مونث هستند در حالی که اصطلاح "آن" خنثی است. بنابراین، اصطلاح "آن" ممکن است به شجاعت اشاره کند که خداوند مؤمنان را در مقابل این مخالفان قرار می‌دهد. این یک ساختار مشابه برای افسسیان ۲: ۸، ۹ است که در آن "آن" اشاره به "فضل" یا "ایمان"، دارد که همچنین مونث است، اما به کل روند رستگاری اشاره می‌کند.

۱: ۲۹ "زیرا این نصیب شما شده" این آئوریست مجهول اخباری است از ریشه *charis* است (مراجعه شود به فیلیپیان ۲: ۹، رومیان ۸: ۳۲). نعمات پر مهر خدا کلیدی برای رستگاری و زندگی مسیحی هستند (مراجعه شود به فیلیپیان ۱: ۲۸).

■ "نه تنها به مسیح ایمان آورید، بلکه در راه او رنج هم ببرید" اینها دو حال نامحدود هستند که مشخص میکنند خدا توسط مسیح چه چیزی به مؤمنان داده است. یکی مربوط به ادامه ایمان و دیگری برای ادامه بلوغ است. برای مؤمنان در فرهنگ مدرن غربی، بحث در مورد رنج بسیار دشوار است. در عهد جدید اغلب از چیزهای معمولی برای زندگی مسیحی بود (مراجعه شود به اعمال رسولان ۱۴: ۲۲؛ رومیان ۸: ۱۷؛ اول تسالونیکیان ۳: ۳؛ دوم تیموتائوس ۳: ۱۲؛ اول پطرس ۳: ۱۴؛ ۴: ۱۲-۱۶) تفکیک خلاصه ای از برخی اهداف رنج ممکن است اینها باشند:

۱. برای مسیح مفید بود (عبرانیان ۲: ۱۰؛ ۵: ۸)، بنابراین
۲. برای مؤمنان هم مفید خواهد بود (مراجعه شود به فیلیپیان ۲: ۱۰؛ رومیان ۵: ۳؛ یعقوب ۱: ۲-۴؛ اول پطرس ۱: ۷، ۶) و
۳. برای مومنین تضمین شادی در کنار مسیح می‌آورد (مراجعه شود به انجیل متی ۵: ۱۰-۱۲؛ اعمال رسولان ۵: ۴۱؛ یعقوب ۱: ۲؛ اول پطرس ۳: ۱۴؛ و ۴: ۱۲-۱۶)

۱: ۳۰ "شما را همان مجاهده است" مؤمنان فیلیپیان تحت آزار و شکنجه قرار گرفتند. اصطلاح "مبارزه"، که اغلب توسط پولس مورد استفاده قرار می‌گیرد، یک استعاره ورزشی یا نظامی بود. ما کلمه انگلیسی "*agony*" را از این کلمه یونانی گرفته‌ایم.

■ "که مرا مشغول به آن دیدید" ما از آزار و اذیت پولس در فیلیپیه از اعمال رسولان ۱۶: ۲۲-۲۴ و اول تسالونیکیان ۲: ۲ یک چیز یاد می‌گیریم و آن اینکه پولس مسیحیت را برای آنها و ما قالب‌ریزی کرد.

سؤالات بحث

این یک راهنمای مطالعاتی است، که بدین معنی است که شما خودتان مسئول تفسیر انجیل هستید. هر یک از ما باید در مسیر خودمان گام برداریم. شما، انجیل و روح القدس در اولویت تفسیر هستید. شما نباید این امر را به یک مفسر واگذار کنید.

این سوالات مباحثاتی به منظور کمک به شما در تفکر نسبت به مسائل اصلی این بخش از کتاب مطرح شده‌اند. آنها صرفاً تفکر برانگیز هستند نه قطعی.

۱. در فیلیپیان ۱: ۲۷ پولس از مومنین می‌خواهد چه کاری انجام دهند؟

۲. مخالفینی که در فیلیپیان ۱: ۲۸ ذکر شده‌اند، چه کسانی بودند؟

۳. چگونه آزار و شکنجه به نفع مومنین است؟

فیلیپیان ۲

پاراگراف‌های ترجمه‌های مدرن *

UBS ⁴	NKJV	NRSV	TEV	NJB
محبت مسیحیان و محبت مسیح	وحدت از طریق محبت کردن	محبت و الگوی مسیح	محبت مسیح و بزرگی	حفظ وحدت با محبت کردن
۱۱ الی ۲: ۱۱	۲: ۱۱ الی ۴	۲: ۱۱ الی ۱۱	۲: ۱۱ الی ۱۱	۲: ۱۱ الی ۱۱
	مسیح فروتن و والا			
	۲: ۱۱ الی ۵			
همانند نور در جهان درخشیدن	حاملان نور		همانند نور در جهان درخشیدن	کار برای رستگاری
۲: ۱۲ الی ۱۸	۲: ۱۲ الی ۱۸	۲: ۱۲ الی ۱۳	۲: ۱۲ الی ۱۳	۲: ۱۲ الی ۱۸
		۲: ۱۴ الی ۱۸	۲: ۱۴ الی ۱۶	
			۲: ۱۷ الی ۱۸	
و تیموتائوس و اپافرودیتوس	تیموتائوس ستایش کرد	تیموتائوس و اپافرودیتوس	تیموتائوس و اپافرودیتوس	ماموریت تیموتائوس و اپافرودیتوس
۲: ۱۹ الی ۲۴	۲: ۱۹ الی ۲۴	۲: ۱۹ الی ۲۴	۲: ۱۹ الی ۲۴	۲: ۱۹ الی ۳: ۱۱ الف
	اپافرودیتوس تمجید کرد			
۲: ۲۵ الی ۳۰	۲: ۲۵ الی ۳۰	۲: ۲۵ الی ۳: ۱۱ الف	۲: ۲۵ الی ۳۰	

مطالعه حلقه سوم (رجوع کنید به "سمینار تفسیر کتاب مقدس")

به دنبال نیت اصلی نویسنده در سطوح پاراگراف

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور خود راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید.

کل کتاب مقدس را در یک نشست بخوانید. موضوعات را مشخص نمایید (مطالعه حلقه شماره ۳). تقسیمات موضوعی خود را با پنج ترجمه بالا مقایسه کنید. پاراگراف‌بندی به نویسنده الهام نشده است، اما کلید پیگیری اهداف اصلی نویسنده است که قلب تفسیر است. هر پاراگراف تنها و تنها یک موضوع دارد.

۱. پاراگراف اول
۲. پاراگراف دوم
۳. پاراگراف سوم و غیره
۴. و غیره

بینش متنی نسبت به آیات ۲: ۱ الی ۱۱

A. این موضوع به وضوح مربوط به یکی از موضوعات کتاب است: "تقاضا برای وحدت میان مسیحیان در فیلیپه" (مراجعه شود به فیلیپیان ۱: ۲۷؛ ۲:

۴-۱؛ ۴: ۲-۳، ۵، ۷، ۹ و افسسیان ۴: ۱ الی ۶).

B. در میان مفسران بحث در مورد این که چگونه این سرود روحانی فوق العاده برای مسیح (به عنوان فیلسوف ۲: ۶-۱۱) برای اخلاق و یا برای رستگاری

عمل می‌کند، بحث وجود دارد.

۱. به عنوان الگویی برای مؤمنان عمل می کند تا زندگی دور از نفس پرستی و تواضع داشته و سخاوتمندانه را به ارمغان بیاورند (مراجعه شود به فیلیپیان ۲: ۱-۵).
۲. همچنین در مورد فروتنی و تحسین مسیح ماندگار که از قبل از خلقت وجود داشته نیز مطرح می شود.
۳. به روش های مختلف در هر دو زمینه عمل می کند.
- C. به نظر میرسد ۲: ۶ الی ۱۱ از اولین سرودهای مسیحی باشد
۱. فرم آن متریک، شاعرانه و یا حسی است
۲. شامل چند اصطلاح یونانی نادر است که توسط پل استفاده نشده اند.
۳. برخی از عناصر الهیاتی پولسی در مورد مسیح در آن نیست
۴. پولس دیگر سرودهای اولیه کلیسا، اشعار یا ساختارهای ادبی در اول تیموتائوس ۳: ۱۶ و دوم تیموتائوس ۲: ۱۱-۱۳ را نقل قول می کند.
۵. برای یک نظر دیگر، اثر Gordon Fee *To What End Exegesis?* صفحات ۱۷۳-۱۸۹ را مطالعه کنید.
- D. ساختار شعر برای مسیح مورد بحث قرار گرفته است. به نظر می رسد به دو تاکید مساوی تقسیم می شود.
۱. شخص عیسی و کارش
- a. از پیش بوده، فیلیپیان ۲: ۶
- b. قیام از مردگان، فیلیپیان ۲: ۷
- c. مرگ جایگزین، فیلیپیان ۲: ۸
۲. پاسخ خدای پدر
- a. ارباب جهان، فیلیپیان ۲: ۹
- b. اقرار جهانی، فیلیپیان ۲: ۱۰
- c. لقب والا (ارباب/سرور)، فیلیپیان ۲: ۱۱
- E. خلاصه ای از این سرود بزرگ برای مسیح
۱. آیات ۶ الی ۸
- a. فروتنی مسیح
- b. زمینه عهد عتیقی در پیدایش ۳ (نوع شناسی آدم/مسیح)
- c. تمرکز بر اعمال عیسی
۲. آیات ۹ الی ۱۱
- a. والایی عیسی
- b. زمینه عهد عتیقی در اشعیا ۵۲: ۱۳ الی ۵۳: ۱۲ وجود دارد (خدمتگزار رنج دیده)
- c. تمرکز بر کارهای خدای پدر
۳. بسیار مهم است که در کتب مقدسی که شعر را به صورت متفاوتی از نثر می نویسند، الگوی متریک و موازی را در آنها دید (مراجعه شود به (NRSV, TEV, NJB)
- F. حقایق اولیه ای که در مسیح شناسی این سرود یافت شد
۱. عیسی واقعا از نوع خداست (از نظر مفهومی، *morphē*)
۲. عیسی واقعا انسان است (در فرم، *schēma*)
۳. عیسی به راستی به دنبال بهترین ها برای ما بود، نه خود، و نیز مسیحیان باید چنین باشند
۴. به اراده خدا، عیسی باید موضوع اصلی دعاها باشد
- G. این سرود به هیچ وجه پولسی نیست
۱. قیام از مردگان را حذف کرده که تاکید اصلی و مکرر پولس است
۲. تأکید منظم پولس را بر رابطه عیسی با کلیسا از بین می برد
۳. از اصطلاحاتی استفاده می کند که پولس در هیچ جایی از آنها استفاده نکرده است
۴. پولس یکی دیگر از شعرهای کلیسای اولیه، اشعار کتکیزمالی یا ساختارهای ادبی را در اول تیموتائوس ۳: ۱۶؛ دوم تیموتائوس ۲: ۱۱-۱۳ و احتمالا کولسیان ۱: ۱۵-۲۰؛ اول تیموتائوس ۱: ۱۷؛ ۶: ۱۵-۱۶ نقل قول می کند.

NASB (به روز شده): فیلیپیان ۲: ۱ الی ۱۱

ا) پس اگر در مسیح دلگرمید، اگر محبت او مایه تسلی شماست، اگر در روخ رفاقت دارید، و اگر از رحم و شفقت برخوردارید،^۲ بیایید شادی مرا به کمال رسانید و با یکدیگر وحدت نظر و محبت متقابل داشته، یکدل و یکرای باشید.^۳ هیچ کاری را از سر جاه طلبی یا تکبر نکنید، بلکه با فروتنی دیگران را از خود بهتر بدانید.^۴ هیچ یک از شما تنها به فکر خود نباشد، بلکه به دیگران نیز بیندیشد.^۵ همان طرز فکر را داشته باشید که مسیح عیسی داشت:^۶ او که همذات با خدا بود، از برابری با خدا به نفع خود بهره نجست،^۷ بلکه خود را خالی کرد و ذات غلام پذیرفته، به شباهت آدمیان درآمد.^۸ و چون در سیمای بشری یافت شد خود را خوار ساخت و تا به مرگ، حتی مرگ بر صلیب مطیع گردید.^۹ پس خدا نیز او را به غایت سرفراز کرد و نامی برتر از همه نامها بدو بخشید،^{۱۰} تا به نام عیسی هر زانویی خم شود، در آسمان، بر زمین و در زیر زمین،^{۱۱} و هر زبانی اقرار کند که عیسی مسیح 'خداوند' است، برای جلال خدای پدر.

۲: ۱ "اگر" این اولین شرط از مجموعه چهار جمله شرطی نوع اول است که از دیدگاه نویسنده یا اهداف ادبی او درست است. آیات ۱-۴ در نسخه زبان یونانی یک جمله است.

■ "در مسیح دلگرمید" این اصطلاح را می توان چندین روش ترجمه کرد: "محرک"، "تجدید نظر"، "راحتی"، "تشویق" یا "نصیحت". این عبارت شبیه به بحث پولس از نگرشهایی است که وحدت را درون بدنهای مسیح در افسسیان ۴: ۲-۳ به وجود آورده و حفظ می کند.

"در مسیح" (قید مکان) رایج ترین روش شناسایی مؤمنان است. برای زندگی، زندگی واقعی، زندگی پر از فراوانی، مؤمنان باید با ایمان با مسیح باقی بمانند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۵).

■ "اگر محبت او مایه تسلی شماست" عشق همیشه ریشه و میوه زندگی مسیحی است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۳: ۳۴-۳۵؛ ۱۵: ۱۲، ۱۷؛ اول قرنتیان ۱۳: ۵؛ ۲۲؛ اول یوحنا ۳: ۱۱، ۲۷؛ ۴: ۷-۲۱) عیسی آن را زنده کرد، آن را آموخت و به پیروانش فرمان داد.

■ "اگر در روخ رفاقت دارید" این اصطلاح یونانی *koinōnia* است، که به معنای "مشارکت مشترک" است (مراجعه شود به دوم قرنتیان ۱۳: ۱۴). باز هم سوال این است: "آیا این به معنای کسانی که تازه ایمان آورده اند، روح انسانی آنها توسط روح القدس تحریک شده است" یا "روح القدس به آنها داده می شود"؟ هیچ فاعلی با اصطلاح "روح" وجود ندارد. این ممکن است ابهام هدفمند باشد. ممکن هم هست به لحاظ الهیاتی به هر دو اشاره داشته باشد.

موضوع خاص: *KOINŌNIA* (رفاقت/دوستی)

■ "اگر از رحم" این به معنای واقعی کلمه "شکم" است که در فیلیپیان ۱: ۸ نیز استفاده شده است. پیشینیان معتقد بودند که اندام تحتانی (شکم) محل احساسات است. هر دو این اصطلاحات نیز در کولسیان ۳: ۱۲ استفاده شده اند.

■ "شفقت" پولس از این اصطلاح چهار مرتبه استفاده می کند: (۱) توصیف شخصیت خدا (رومیان ۱۲: ۱؛ ۲ قرنتیان ۱: ۳) و (۲) برای توصیف اینکه چگونه مسیحیان باید با یکدیگر رفتار کنند (مراجعه شود به فیلیپیان ۲: ۲؛ ۱۱؛ کولسیان ۳: ۱۲). خداوند می خواهد شخصیت خود (تصویر) را در فرزندان اش احیا کند. بازسازی تصویر خداوند که در سقوط و گمراهی از دست رفته، هدف عیسی است.

۲: ۲ "شادی مرا به کمال رسانید" این یک آئوریست فعال امری است و نشان می دهد که پولس در مورد این مؤمنان چه احساسی داشت، حتی اگر در زندان و دور از آنها بود. کارها و گزینه های آنها موجب شادی یا درد پولس می شد.

■ "وحدت نظر و محبت متقابل داشته، باشید" این وجه وصفی حال فعال است که توسط چهار وجه وصفی ذکر شده (که احتمالاً به صورت امری مورد استفاده قرار گرفته اند) از فیلیپیان ۲: ۲ آغاز شده و تا فیلیپیان ۲: ۴ ادامه پیدا میکند. آنها با پرسش دشوار عملگرایانه درباره حفظ وحدت در مشارکت مسیحیان روبرو می شوند (رومیان ۱۴: ۱-۱۵: ۱۳؛ اول قرنتیان ۸: ۱-۱۳؛ ۱۰: ۲۳-۳۳). دستورالعملهای پولس نه تنها برای فیلیپیان قرن اول، بلکه برای کلیسای هر عصری بسیار مهم هستند. چهار حقیقت وجود دارند:

۱. حفظ همان عشق

۲. وحدت در روح و تمرکز بر یک هدف

۳. احترام گذاشتن بر دیگران به عنوان کسانی که از ما مهمتر هستند

۴. توجه به اطراف برای نفع رساندن به دیگران

مراقب دین فردگرا باشید. مسیحیت یک تجربه خانوادگی است.

پولس اغلب از اصطلاح "فکر کردن" (*phroneō*) در فیلیپیان استفاده میکند که تبدیل به موضوع دیگری شده است (مراجعه شود به فیلیپیان ۱: ۷، ۲: ۲ [دو مرتبه]، ۲: ۵، ۳: ۱۵ [دو مرتبه]، ۳: ۱۹، ۴: ۲، و ۴: ۱۰).

۳: ۲ "هیچ کاری را از سر جاه طلبی یا تکبر نکنید" این شاید وضعیت کلیسای فیلیپیان که توسط معلمین دروغین یا به واسطه آزار و اذیت ایجاد شده را توصیف کند (مراجعه شود به فیلیپیان ۱: ۱۵ و ۱۷، غلاطیان ۵: ۲۶). هیچ فعلی وجود ندارد ولی قدرت آیه امری است. تکرار "فکر کردن" (*phroneō*) در متن شاید دلالت بر این باشد که این فعل باید مد نظر قرار گیرد.

■ "بلکه با فروتنی" فروتنی یک مسئله پس از تقوا در جهان یونانی-رومی نبود، بلکه مسیح آن را یک جنبه منحصر به فرد از زندگی خود کرد و از پیروانش خواست در زندگی مسیحی خود آن را تقلید کنند (مراجعه شود به فیلیپیان ۲: ۸، انجیل متی ۱۱: ۲۹، اول پطرس ۵: ۵، ۶). این از نظر متنی مخالف "خودخواهی و خودبینی" است.

■ "دیگران را از خود بهتر بدانید" (در متن انگلیسی "دیگران را از خود مهمتر بدانید" نقلی کنید "نوشته شده است) این یک وجه وصفی حال میانی (دپوننت) است. این بر خلاف تمام گرایش های طبیعی و انسانی است، اما این اراده خداست (مراجعه شود به رومیان ۱۲: ۱۰؛ اول قرنتیان ۱۰: ۲۴، ۳۳؛ غلاطیان ۶: ۲؛ افسسیان ۵: ۲). برای "مهمتر"، به موضوع خاص: استفاده پولس از ترکیبات *huper* در افسسیان ۱: ۱۹ مراجعه کنید.

۴: ۲ "هیچ یک از شما تنها به فکر خود نباشد" این وجه وصفی حال فعال با حرف اضافه نفی (که به صورت امری مورد استفاده قرار می گیرد) است که معمولا به معنای توقف عمل در حال اجرا است. این بدان معناست که "به چیزی توجه شود" (مراجعه شود به دوم قرنتیان ۴: ۱۸). اصطلاح "علاقه" می تواند به (۱) چیزها؛ (۲) نعمات روحانی؛ یا (۳) امور و روابط اشاره کند. کلید واقعی در اینجا کلمه "تنها" است. این مؤمنان نیستند که به امور خود توجه می کنند (مراجعه شود به اول تیموتائوس ۵: ۸)، بلکه نباید به آنها اولویت داده و دیگران به ویژه مؤمنان، را حذف کرد. تعادلی در غلاطیان ۶: ۱-۲ دیده می شود. مومنین باید از خودشان مراقبت کنند تا بتوانند از دیگران هم مراقبت کنند.

۵: ۲ "همان طرز فکر را داشته باشید" این یک حال فعال امری است. به مؤمنان فرمان داده شده که همچون مسیح (*phroneō*) فکر کنند. هدف مسیحیت، همانند مسیح بودن در اندیشه و عمل است (مراجعه شود به کولسیان ۱۶: ۳). این آغاز یک نقل قول پولس از یک سرود مسیحی اولیه است. چندین اصطلاح در این بخش شعر وجود دارد که در هیچ نوشته دیگر پولس یافت نشده اند. نمونه های دیگری این نوع نقل قولهای پولس عبارتند از: افسسیان ۵: ۱۴، اول تیموتائوس ۳: ۱۶؛ دوم تیموتائوس ۲: ۱۱-۱۳ و احتمالا کولسیان ۱: ۱۵-۲۰؛ اول تیموتائوس ۱: ۱۷؛ ۶: ۱۵-۱۶.

مسیحیان توصیه میشوند از دو جهت الگوی مسیح را دنبال کنند: (۱) او شکوه و جلال الهی خود را برای تبدیل شدن به یک انسان، نه برای خود، بلکه برای دیگران ترک کرد و (۲) او حاضر به مرگ شد، نه به خاطر گناهان خودش، بلکه به خاطر دیگران. پیروان مسیح باید این خصوصیات از خودگذشتگی و خود حقیر بینی را تقلید کنند (مراجعه شود به اول یوحنا ۳: ۱۶). ما حافظان برادرمان هستیم، زیرا برادر ما در تصویر و شباهت خداوند است!

۶: ۲ "هر چند که او وجود داشت" (این عبارت در ترجمه فارسی دیده نمیشود) این به مفهوم "او که در فرم خدا است". این یکی از دو زمان حال (در اینجا وجه وصفی است) در میان مجموعه ای از افعال و وجوه وصفی آتوریست است. تأکید بر وجود عیسی ناصری (یوحنا ۱: ۱؛ ۸: ۵۷-۵۸؛ ۱۷: ۵، ۲۴؛ دوم قرنتیان ۸: ۹؛ کولسیان ۱۷: ۱۷؛ عبرانیان ۱۰: ۵-۷) است. از پیش وجود داشتن عیسی اثبات دیگری از الهی بودن او است. عیسی در بیت لحم به وجود نمی آمد. هیچ زمانی نبود که عیسی وجود نداشته باشد و الهی نباشد.

■ "همذات با خدا بود" این کلمه یونانی *morphē* است که در چند مفهوم استفاده می شود.

۱. حس گرایی ارسطویی
۲. حس طبیعت چیزی یا تغییر ماهیت چیزی (این است که چگونه پدران اولیه کلیسا آن را تفسیر میکردند)
۳. شکل خارجی چیزی، همانطور که در Septuagint (LXX) آمده. این بدان معنا نیست که یهوه دارای یک جسم فیزیکی است، اما ویژگیها و مشخصه ها - جوهر اصلی خدا پدر، در خدا پسر دیده می شود.

این روش دیگری است که می توان تماما الهی بودن مسیح را تصریح کرد. موضوع خاص: یکتاپرستی در افسسیان ۴: ۶ را مطالعه کنید.

■ "از برابری با خدا به نفع خود بهره نجست" به معنای واقعی کلمه این است که "فکر نمی کرد که از برابری با خدا سو استفاده کند". این زمان حال دیگری است (در اینجا نامحدود). واژه یونانی برای "برابری" در انگلیسی به صورت "ایزومتریک" وارد میشود. این روش دیگری است برای تصریح تماما الهی بودن عیسی است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱: ۱؛ ۱: ۱۳: ۲).

NASB "چیزی که باید فهمیده شود"

"دزدی"	NKJV
"چیزی که باید مورد استفاده قرار بگیرد"	NRSV
"که به زور"	TEV
"چیزی که باید درک شود"	NJB

این کلمه یونانی نادر، *harpagmos*، در اصل به معنی "عمل گرفتن چیزی" یا "مطلوب پس از جایزه" (*harpagma*) بود. با این حال، می توان آن را در معنی مجهول (پسوند یونانی *mos*) به معنای "آنچه که به تصرف درآید یا نگهداری می شود" استفاده می شود. احتمال سوم "چیزی که کسی دارد اما برای نفع شخصی از آن استفاده نمی کند." این در ترجمه فیلیپیان ۲: ۷ منعکس شده است. "هر مزیتی را از خود دور کرد."

عیسی در حال حاضر دارای برابری کامل با خدا بود. دلیل الهیاتی ابهام این عبارت، نوع شناختی آدم / مسیح است که آدم با خوردن میوه ممنوعه سعی کرد برابری با خدا را درک کند (مراجعة شود به پیدایش ۳). عیسی، دومین آدم (مراجعة شود به رومیان ۵: ۱۲)، از برنامه خدا به طور کامل اطاعت پیروی کرد که در آن رنج قبل از تمجید (مراجعة شود به اشعیا ۵۳) بود.

۷:۲

NASB, NRSV,

"خود را خالی کرد"

NJB

"هیچ افتخاری برای خود ایجاد نکرد"

NKJV

"به واسطه اراده آزاد خود از هر آنچه داشت صرفنظر کرد"

TEV

در اینجا ضمائر تأکیدی است. این انتخاب عیسی بود! نظریات متعددی در مورد عبارت عیسی خود را خالی کرد، وجود دارند (مراجعة شود به دوم قرنیتیان ۸: ۹).

۱. پولس از این اصطلاح چندین بار استفاده می کند (رومیان ۴: ۱۴؛ اول قرنیتیان ۱: ۱۷؛ ۹: ۱۵؛ دوم قرنیتیان ۹: ۳). ظاهراً عیسی تصمیم گرفت که به عنوان یک انسان زندگی کند. او داوطلبانه جلال الهی خود را ترک کرد و محدودیت‌های گوشت (بدن) را پذیرفت. مطمئناً او هنوز بینش و قدرت معنوی بیشتری نسبت به بشر معمولی دارد. او همان چیزی بود که همه انسانها در نظر داشتند. او دومین آدم و بیشتر از او بود.

۲. عیسی پس از قیامش از مردگان کمتر از خدا نبود، اما او ظاهراً بشر بودن را به الهی بودنش افزوده است. او جلال خدایی از خدای خود را ترک کرد و به شکل ظاهری یک انسان ظاهر شد. این جمع و منها نیست. در طول خدمت عیسی، روح القدس پر از قدرت بود، اما او نیز به طور کامل خدا و به طور کامل انسان بود (وسوسه، متی ۴: تلاش، جان ۴: ترس در گنمسانه، مرقس ۱۴: ۳۲-۴۲). او واقعا پدر را شناخت و آشکار کرد (یوحنا ۱: ۱۸). او واقعا با انسانیت ما بود (یوحنا ۱: ۴).

۳. ممکن است این خالی کردن راهی برای اشاره به اشعیا ۵۳: ۱-۳ باشد. اگر چنین است، آن مربوط به انسان بودن او نیست (فیلیپیان ۲: ۷-۸ الف)، بلکه به مصلوب شدن او (فیلیپیان ۲: ۸ ب) به عنوان بنده بیهوش (مراجعة شود به انجیل مرقس ۱۰: ۴۵-۱۵؛ ۵۳) مربوط است.

■ "ذات غلام پذیرفته" این همسوی دقیق ادبی با عبارت "ماهیت خدا" است (مراجعة شود به فیلیپیان ۲: ۶). اصطلاح "بنده خادم" (*doulos*) در اینجا می تواند به معنای بنده رنجور اشعیا ۴۲: ۱-۹؛ ۴۹: ۱-۷؛ ۵۰: ۴-۱۱؛ ۵۲: ۱۳-۵۳؛ ۱۲ استفاده شود. عیسی، جلال آسمانی خود را برای یک مدیر (مراجعة شود به دوم قرنیتیان ۸: ۹) ترک کرد. این نیز زمینه فیلیپیان ۲: ۹-۱۱ است. این آیه بر قیام عیسی از مردگان (وجه وصفی آئوریست) تأکید دارد نه مصلوب شدن او، که در فیلیپیان ۲: ۸ بیان شده است.

عیسی به وضوح نشان داد که رهبری واقعی، قدرت واقعی، قلب بنده است. برای رهبری، باید خدمت کرد (مراجعة شود به انجیل مرقس ۱۰: ۴۲-۴۵؛ متی ۲۰: ۲۵-۲۸). فروتنی او نشانه ای از قدرت واقعی است. عشق خودخواهانه او یک علامت واقعی از الهی بودن است.

■ "به شباهت آدمیان درآمد" RSV و NRSV این کلمه را به عنوان "متولد شدن" ترجمه می کنند. این دومین تأکید عمده این سرود کلیسایی اولیه است: انسان کامل بودن مسیح. این کار برای رد آموزگاران دروغین عرفان بود که به دوگانگی ابدی (هستی شناسی) بین روح و ماده برگشته بودند. ماهیت دوگانه عیسی یکی از مسائل مهم الهیات عهد جدید است (مراجعة شود به اول یوحنا ۴: ۱-۶). استفاده عیسی از واژه عهد عتیقی "پسر انسان" به این زمینه اشاره دارد. در مزامیر ۸: ۴ و حزقیال ۲: ۱ این اصطلاح معنای عادی یهودیان انسان را دارد. با این حال، در دانیال ۷: ۱۳ در خصوص ویژگیهای الهی (به عنوان مثال، سوار بر ابرهای آسمان و دریافت پادشاهی ابدی) است. عیسی از این عبارت برای خود استفاده کرد. این به طور گسترده ای توسط ربی ها مورد استفاده قرار نگرفت و هیچ اشاره نظامی، ملی یا انحصاری نداشت.

آغاز فیلیپیان ۲: ۸ بر همین حقیقت الهیاتی با این تمایز تأکید می کند که اگرچه عیسی به طور کامل انسان بود، ولی در ماهیت سقوط بشری مشارکت

نکرد (رومیان ۸: ۳؛ اول قرن‌تینان ۵: ۲۱؛ عبرانیان ۴: ۱۵؛ ۷: ۲۶؛ اول پطرس ۲: ۲۲؛ اول یوحنا ۳: ۵).

۸: ۲ "در سیمای بشری" در میان ترجمه‌ها، سردرگمی و ابهام وجود دارد که آیا این عبارت باید با آیه ۷ باشد یا ۸. این واژه یونانی "schēma" است که معمولاً با "morphē" مقایسه می‌شود. morphē در فلسفه یونانی به معنای "شکل درونی چیزی است که واقعا ذات خود را منعکس می‌کند"، در حالی که "schēma" به معنی "تغییر شکل خارجی چیزی است تا به طور کامل ذات خود را نشان ندهد" (مراجعه شود به اول قرن‌تینان ۷: ۳۱). عیسی مثل همه ماست، به غیر از طبیعت گناه انسان.

■ "خود را خوار ساخت و تا به مرگ، حتی مرگ بر صلیب مطیع گردید" این ممکن است یک اشاره به ترجمه Septuagint (LXX) اشعیا ۵۳: ۸ باشد. عیسی از برنامه رستگاری ابدی پدر (مراجعه شود به انجیل لوقا ۲۲: ۲۲؛ اعمال رسولان ۲: ۲۳؛ ۳: ۱۸؛ ۴: ۲۸) حتی به قیمت شکنجه و مرگ فیزیکی پیروی و اطاعت کرد (اُتوریست فعال اخباری و وجه وصفی اُتوریست).

■ "حتی مرگ بر صلیب" این صلیب به سنگ لغزان یهودیان تبدیل شد (مراجعه شود به اول قرن‌تینان ۱: ۲۳). آنها منتظر مسیح رنج کشیده نبودند، بلکه منتظر یک مسیح مهاجم بودند. همچنین به دلیل تشبیه ۲۱: ۲۳، که به این معنی است که اگر فرد بعد از مرگ در ملا عام نشان داده شود، این نشانه‌ای از لعنت خداست. یهودیان نمی‌توانستند ببینند که چگونه مسیح آنها می‌تواند توسط خدا نفرت بگیرد، اما این دقیقاً حقیقت غلطیان ۱۳: ۳ است، که او برای ما نفرین شد. مفهوم مسیح رنج و عذاب دیده (مراجعه شود به پیدایش ۳: ۱۵؛ مزامیر ۲۲) برای آنها مایه خجالت‌زدگی بود. با این حال، مسئله این است که چگونه یهوه با مشکل گناه انسانی، خاتمه جایگزینی مسیح مواجه است (اشعیا ۵۲: ۱۳-۵۳: ۱۲؛ انجیل مرقس ۱۰: ۴۵؛ انجیل یوحنا ۱: ۲۹؛ اول پطرس ۱: ۱۹). صلیب حقیقت مرکزی عهد جدید است که در آن عشق و عدالت خداوند تأمین و ادغام شده است.

۹: ۲

NASB, NKJV,

NRSV "بنابراین"

TEV "به این دلیل"

NJB "به همین خاطر"

عهد جدید عیسی را به دو شیوه نشان می‌دهد: (۱) کاملاً از جنس خدا و الهی که از پیش از پیدایش بوده (یوحنا ۱: ۱-۳، ۱۴؛ ۸: ۵۷-۵۸؛ کولسیان ۱: ۱۷)؛ و (۲) متعال الهی به خاطر اطاعت او، زندگی مقدس زمینی (رومیان ۱: ۴؛ فیلیپیان ۲: ۹). در کلیسای اولیه این منجر به درگیری بین متکلمان ارتدوکس و پذیرشی شد. با این حال، اکثراً، آنها هر دو جنبه‌ای از حقیقت را در بر داشتند. زیرا عیسی با آنچه که انجام داد تأیید می‌شود! دو نظریه مسیح شناسی وجود ندارد، اما دو راه برای مشاهده یک حقیقت مشابه وجود دارد. پاسخ ما نباید سعی کند تعیین کند کدام درست است، بلکه باید از مسیح که قبل از زمان، در زمان و فراتر از زمان، هست از خدا تشکر کنیم.

■ "خدا نیز او را به غایت سرافراز کرد" این یک الهام به ترجمه Septuagint (LXX) اشعیا ۵۲: ۱۳ است. شکل تشدید واژه *hyperupsoō* تنها در اینجا در عهد جدید و به ندرت در یونانی سکولار یافت می‌شود. به موضوع خاص: استفاده پولس از ترکیبات *hyper* در افسسیان ۱: ۱۹ مراجعه شود. این مسیح شناسی پذیرشی نیست، که ادعا می‌کرد که به عیسی توسط خدای پاداش الهیت داده شد. عیسی به شکوه و جلال پیشینیان الهی بازگردانده شد (افسسیان ۴: ۱۰). در انجیل یوحنا، مرگ عیسی مسیح به عنوان جلال او اشاره می‌شود (فیلیپیان ۷: ۳۹؛ ۱۲: ۱۶، ۲۳؛ ۱۳: ۳۱-۳۲؛ ۱۴: ۱۷؛ ۱: ۱۷). بنده فروتن اکنون شاه شاهان است!

■ "نامی برتر از همه نامها بدو بخشید" این نام فوق العاده ویژه "ارباب/سرور" است (مراجعه شود به فیلیپیان ۲: ۱۱). فعل (*echarisato*) در فیلیپیان ۲: ۹ بدین معنی است که "با مهربانی داده شده" مانند فیلیپیان ۱: ۲۹. اصطلاح "ارباب/سرور" اشاره‌ای است برای نام عهد عتیقی برای خدا، یهوه (مراجعه شود به خروج ۳: ۱۴؛ ۶: ۳)، که یهودیان از بر زبان آوردن آن می‌ترسیدند که مبدا یکی از ده فرمان را زیر پا گذارند (مراجعه شود به خروج ۲۰: ۷؛ تشبیه ۵: ۱۱). بنابراین، آنها اسم Adon را عوض کردند، که به معنی لرد، مالک، شوهر بود. عیسی که در قالب یک خدمتگزار آمده بود، به سروری کیهانی خود بازگشت (یوحنا ۱۷: ۵؛ کولسیان ۱: ۱۵-۲۰). "عیسی ارباب است" عهد عمومی و رسمی ایمان به کلیسای اولیه بود (رومیان ۱۰: ۹؛ اول قرن‌تینان ۸: ۶؛ ۱۲: ۳). به عیسی ناصری عنوان عالی الهی داده شد (مراجعه شود به افسسیان ۱: ۲۱ و عبرانیان ۱: ۴) داده شده است. نگاه کنید به موضوع خاص: اسامی الهی در کولسیان ۱: ۳.

۲: ۱۰ "هر زانویی خم شود، در آسمان، بر زمین و در زیر زمین" یک روز همه عیسی را به عنوان ارباب به رسمیت می‌شناسند. تنها سوال این است که آیا آنها با ایمان به موقع انجام خواهند داد و به این ترتیب بخشی از خانواده خداوند می‌شوند یا در روز سرور انجام می‌دهند و از سوی او محاکمه می‌گردند (متی ۲۵: ۴۸-۳۱؛ مکاشفه ۲۰: ۱۱ الی ۱۵).

عبارات همسو در این آیه اشاره به فرشتگان، هم آزاد و هم در بند و انسان، هم زنده و هم مرده است. تمام موجودات آگاه باید سروری عیسی را تصدیق کنند، اما فقط انسانها می توانند باز خرید شوند. به نظر می رسد آیات ۱۰-۱۱ به اشعیا ۴۵:۲۳ اشاره دارد، که در رومیان ۱۴: ۱۱ نقل شده است. در متن اصلی آن، عبادت یهوه بود که اکنون به مسیح منتقل شده است (متی ۵: ۲۳). انتقال عناوین و توابع بین یهوه و عیسی یکی دیگر از راههای نویسندگان عهد جدید برای دفاع کامل از الهی بودن عیسی است. به موضوع خاص: فرشتگان در نوشته‌های پولس در افسسیان ۶: ۱۲ مراجعه کنید.

۱۱: ۲ "هر زبانی اقرار کند" این یک وجه وصفی آنوریست میانی است (که به عنوان آینده مورد استفاده قرار گرفته، بعضی از MSSها آن را به صورت آینده نوشته‌اند، یعنی A, C, D, F, G) از *exomologeō* است که به رسمیت شناختن این واقعیت است که تصدیق عمومی، سروری مسیح، واقعیت آخر زمان است. این تصدیق سروری عیسی، اقرار اولیه ایمان بود (یعنی، آئین تعمید). پولس از این اصطلاح استفاده کرد، زیرا او از چندین نقل قول عهد عتیقی از Septuagint (از فیلیپیان ۲: ۱۱ و رومیان ۱۴: ۱۱ از اشعیا ۴۵: ۲۳ و رومیان ۱۵: ۹ از پیدایش ۱۸: ۴۹ استفاده کرد، *homologeō* در رومیان ۱۰: ۱۳ از یوئیل ۲: ۳۷).

موضوع خاص: اعتراف/اقرار

(Special Topic: Confession-Profession)

A. در زبان یونانی دو حالت متفاوت برای کلمه‌ای از یک ریشه برای "اعتراف" و "اقرار" به کار می‌رود، *exomologō / homologeō*. لفظ مرکب از *homo*، است مشابه *legō* به معنی صحبت کردن، یا *ex* به معنی بیرون از. معنی پایه گفتن یک مطلب مشابه یا موافق بودن است. حرف اضافه *ex* که اضافه شده دلالت بر اعلام عمومی است.

B. ترجمه انگلیسی این کلمه مرکب اینها هستند:

۱. Praise - ستایش
۲. Agree - موافق
۳. Declare - اعلام (رجوع شود به انجیل متی ۷: ۲۳)
۴. Profess - اقرار
۵. Confess - اعتراف (رجوع شود به عبرانیان ۴: ۱۴ و ۱۰: ۲۳)

C. این کلمه مرکب کاربردهای متضاد هم دارد

۱. ستایش کردن (خدا)
۲. اقرار به گناه

اینها ممکن است نشأت گرفته از احساسات انسانی نسبت به مقدس بودن خدا و گناهکار بودن خودش باشد. تأیید کردن حقیقت هر کدام تأیید کردن هر دو می‌باشد.

D. کاربردهای این کلمه مرکب در عهد جدید به شرح زیر می‌باشند.

۱. وعده دادن (رجوع شود به انجیل متی ۱۴: ۷، اعمال رسولان ۷: ۱۷)
۲. موافقت کردن یا رضایت دادن به چیزی (رجوع شود به انجیل یوحنا ۱: ۲۰، انجیل لوقا ۲۲: ۶، اعمال ۲۴: ۱۴، عبرانیان ۱۱: ۱۳)
۳. ستایش کردن (رجوع شود به انجیل متی ۱۱: ۲۵، انجیل لوقا ۱۲: ۸، انجیل یوحنا ۹: ۲۲، رومیان ۱۰: ۹، فیلیپیان ۲: ۱۱، اول یوحنا ۲: ۲۳، مکاشفه ۳: ۵)
۴. موافق بودن با
 - a. یک فرد (رجوع شود به انجیل متی ۱۰: ۳۲، انجیل لوقا ۱۲: ۸، انجیل یوحنا ۹: ۲۲، ۱۲: ۴۲، رومیان ۱۰: ۹، فیلیپیان ۲: ۱۱، اول یوحنا ۲: ۲۳، مکاشفه ۳: ۵)
 - b. حقیقت (رجوع شود به اعمال رسولان ۲۳: ۸، اول یوحنا ۴: ۲)
۵. اعلام عمومی کردن (مفهوم قانونی و حقوقی در تأیید مذهبی وارد شده است، مراجعه شود به اعمال رسولان ۲۴: ۱۴، اول تیموتائوس ۶: ۱۳)
 - a. بدون اقرار به گناه (رجوع شود به اول تیموتائوس ۶: ۱۲ و عبرانیان ۱۰: ۲۳)
 - b. با اقرار به گناه (رجوع شود به انجیل متی ۳: ۶، اعمال رسولان ۱۹: ۱۸، عبرانیان ۴: ۱۴، یعقوب ۵: ۱۶، اول یوحنا ۱: ۹)

■ "برای جلال خدای پدر" عبادت عیسی هدف خدا پدر در فرستادن او است. این عبارت "برای جلال خدا" مربوط به شیوه زندگی مؤمنان در فیلیپیان ۱:

۱۱ و اینجا در فیلیپیان ۲: ۱۱ برای نجات آنها، از طریق کار مسیح به ارمغان آورد. این همان عبارتی کلیدی است که سه بار در نماز ستایش از سوی خداوند سه گانه در افسسیان ۱: ۳-۱۴ استفاده شده است. در نهایت عیسی تمام قدرت، اقتدار و ستایش را به پدر می دهد که به آن تعلق دارد (مراجعه شود به اول قرنتیان ۱۵: ۲۷ الی ۲۸). به یادداشت کامل در مورد "جلال" در افسسیان ۱: ۶ توجه کنید.

بینش متنی نسبت به فیلیپیان ۲: ۱۲ الی ۳۰

- A. فیلیپیان ۲: ۱۲ الی ۱۸، همانند فیلیپیان ۲: ۱ الی ۱۱، مربوط به زندگی مسیحی است.
- B. فیلیپیان ۲: ۱۹ الی ۳۰ در رابطه با حامیان و کمک کنندگان به پولس تیموتائوس و اپافرودیتوس و آمدن آنها به فیلیپیه است.
۱. تیموتائوس، فیلیپیان ۲: ۱۹ الی ۲۴
 ۲. اپافرودیتوس، ۲: ۲۵ الی ۳۰

مطالعه عبارت و کلام

NASB (به روز شده): فیلیپیان ۲: ۱۲ الی ۱۳

۱۲ پس ای عزیزان، همان گونه که همیشه مطیع بوده اید، نه تنها در حضور من، بلکه اکنون بسی بیشتر حتی در غیابم، نجات خود را ترسان و لرزان به عمل آورید؛^{۱۳} زیرا خداست که با عمل نیرومند خود، هم تصمیم و هم قدرت انجام آنچه را که خوشنودش می سازد، در شما پدید می آورد.

۲: ۱۲ الی ۱۳ در نسخه یونانی اینها یک جمله هستند.

۲: ۱۲ "پس" این به وضوح به بحث قبلی درباره فروتنی و اطاعت مسیح مرتبط است. در نور مثال نهایی مسیح در فیلیپیان ۲: ۶-۱۱، از این مؤمنان خواسته شده که اینگونه زندگی کنند: (۱) فداکارانه و دلسوزانه، فیلیپیان ۲: ۱-۵ و (۲) مانند مسیح، فیلیپیان ۲: ۱۴-۱۸.

■ "ای عزیزان" پولس این کلیسا را به روش خاصی دوست داشت (فلیپیان ۴: ۱۵-۱۶). پولس از این عبارت اغلب برای توصیف افرادی که تحت بشارت خود قرار داشتند، استفاده میکرد (رومیان ۱۱۲: ۱۹، ۱۶: ۸، ۹، ۱۲؛ اول قرنتیان ۴: ۱۴، ۱۷: ۱۰؛ ۱۴: ۱۵؛ ۵۸: دوم قرنتیان ۷: ۱؛ ۱۲: ۱۹؛ افسسیان ۶: ۲۱؛ فیلیپیان ۴: ۱ [دو بار]؛ کولسیان ۴: ۷، ۹، ۱۴؛ اول تیموتائوس ۶: ۲؛ دوم تیموتائوس ۱: ۲؛ فلیمون ۱: ۱، ۲، ۱۶).

NASB, NKJV

"همان گونه که همیشه مطیع بوده اید"

NRSV, TEV

"همانطور که همیشه از من اطاعت کرده اید"

NJB

"همیشه مطیع بوده اید"

در متن مشخص نیست که چه کسی اطاعت کند. این ممکن است (۱) پدر / پسر / روح؛ (۲) ایمان مسیحی؛ یا (۳) پولس. اطاعت از مسیح، ذکر شده در فیلیپیان ۲: ۸ به عنوان نمونه ای برای پیروی فیلیپیان به شمار می رود (مراجعه شود به انجیل لوقا ۶: ۴۶). این عبارت ممکن است به اطاعت کلیسا به تدریس پولس اشاره داشته باشد (فیلیپیان ۲: ۱). مسیحیت یک فرایند است که شامل توبه، ایمان، اطاعت، خدمت کردن و استقامت است!

■ "نه تنها در حضور من، بلکه اکنون بسی بیشتر حتی در غیابم" مسیحیت آن چیزی است که ما هستیم نه آنچه انجام می دهیم! مؤمنان نباید کارهایی انجام دهند که دیده شود (مراجعه شود به فیلیپیان ۱: ۲۷؛ افسسیان ۶: ۶؛ کولسیان ۳: ۲۲).

■ "نجات خود را به عمل آورید" این فعل یک اصطلاح ریاضی است که از یک مسئله به نتیجه می رسد. شکل آن در حال میانی (دپوننت) امری جمع است.

آیات ۱۲ تا ۱۳ تمرکز بسیاری از بحث های الهیاتی مربوط به حاکمیت خداوند است که در فیلیپیان تأکید ۱۳: ۲ (مراجعه شود به فیلیپیان ۱: ۶) شده اند و اراده آزاد انسانها که در فیلیپیان ۲: ۱۲ فرا خوانده می شود. اصطلاح "نجات" در فیلیپیان ۲: ۱۲:

۱. اشاره به رابطه معنوی مومن با مسیح دارد. پولس فقط به مسیحی شدن در فیلیپیان ۲: ۹ الی ۱۰ اشاره کرد. این نمونه دیگری از تنش بین حاکمیت و آزادی خواهی است که هم ابتدایی و هم در حال انجام است (مراجعه شود به فیلیپیان ۲: ۱۶)
۲. به نجات معنوی اشاره ندارد، بلکه به:
 - a. "تحمل فیزیکی" عهد عتیقی
 - b. "یکپارچگی" آنطور که فیلیپیان ۱: ۱۹ آمده

این جنبه رستگاری به عنوان "یکپارچگی" در اعمال رسولان ۴: ۱۰، ۱۴: ۹؛ ۲۷: ۳۴ نیز دیده می شود. خدا لطف اولیه خدا و پاسخ لازم و از روی ایمان

انسان توبه کار به وضوح در افسسیان ۲: ۸-۹ دیده می شود. بدیهی است که مومنین برای رستگاری خود کار نمی کنند، بلکه بعد از اینکه نجات یافتند، با روح همکاری می کنند تا در یک بلوغ مسیحی زندگی کنند (مراجعه شود به فیلیپیان ۲: ۱۴-۱۷؛ افسسیان ۲: ۱۰؛ ۵: ۱۸). رستگاری تماما از سوی خدا بوده و کاملا رایگان است، ولی به یک پاسخ فعال، گرانبها، توبه آمیز و مستمر نیازمند دارد (مراجعه شود به انجیل متی ۱۳: ۴۴-۴۶).

این متن بر ضد یک تفسیر فردگرایانه به دلیل ضمیر "شما" در فیلیپیان ۲: ۱۲ است، "شما" در فیلیپیان ۲: ۱۳، و تمام افعال جمع هستند، که اشاره به کل کلیسای فیلیپیان دارد، نه به رستگاری معنوی یک نفر. اگر به نجات معنوی اشاره کند، مشارکتی (فیلیپیان ۱: ۲۸) و پیشرونده (مراجعه شود به اول قرنتیان ۱: ۱۸؛ ۱۵: ۲؛ دوم قرنتیان ۲: ۱۵) است. قدرت این عبارت ممکن است آنها را تشویق به اعتماد به حضور و هدف خدا برای کلیسا در فیلیپیه کند (مراجعه شد به غلاطیان ۳: ۴، اول قرنتیان ۱۵: ۲).

■ **"ترسان و لرزان"** این یک اصطلاح عهد عتیقی در مورد احترام و ترس نسبت به خدا بود (مراجعه شود به مزامیر ۲: ۱۱؛ ۱۱۹: ۱۲۰). این اصطلاح چندین بار در نوشته های پولس مورد استفاده قرار گرفته است (مراجعه شود به اول قرنتیان ۲: ۳؛ دوم قرنتیان ۷: ۱۵؛ افسسیان ۶: ۵). مؤمنان باید به فضل خدا را به خاطر داشته باشند.

۲: ۱۳ **"زیرا خداست که در شما پدید می آورد"** "خدا" در اول جمله برای تأکید قرار گرفته است. اصطلاح "کار" یک فعل وجه وصفی حال فعال است که به "کار موثر مداوم" اشاره دارد (مراجعه شود به غلاطیان ۵: ۶). این عبارت ترکیبی متفاوت از فیلیپیان ۲: ۱۲ است اما از همان ریشه می باشد. عبارت "در شما" جمع است و ممکن است به معنای "در میان شما" باشد، که بر فعالیت خدا در زندگی کلیسا تمرکز دارد (مراجعه شود به کولسیان ۱: ۲۷).

"هم به اراده و به کار و هم برای شادی او"	NASB
"هم از روی اراده و هم به خاطر شادی او"	NKJV
"هم به اراده و هم برای لذت بردن از کار خود"	NRSV
"شما را قادر می سازد تا از هدف او اطاعت کنید"	TEV
"برای هدف سخاوتمندانه شما، قصد و قدرت را به عمل می آورد"	NJB

نگرش و اقدامات مؤمنان توسط روح ایجاد می شود. وجه وصفی حال فعال فیلیپیان ۲: ۱۳ الف به صورت یک فعل حال فعال نامحدود در فیلیپیان ۲: ۱۳ ب تکرار شده است. این پارادوکس یک خداوند حاکم و خدای ایجاد کننده پیمان است. رستگاری یک هدیه رایگان و به قیمت همه چیز است! پولس مثال خوبی از فضل الهام دهنده خدا است (اول قرنتیان ۱۵: ۱۰). در این متن (مراجعه شود به غلاطیان ۳: ۴؛ اول قرنتیان ۱۵: ۲) اراده خدا برای یک کلیسای متحد، دوست داشتنی، شاهد و مؤثر است.

NASB (به روز شده): فیلیپیان ۲: ۱۴ الی ۱۸

^{۱۴} هر کاری را بدون غرغر و مجادله انجام دهید،^{۱۵} تا بی پیرایه و بی آرایش، و فرزندان بی عیب خدا باشید، در بین نسلی کج رو و منحرف که در میانشان همچون ستارگان در این جهان می درخشید،^{۱۶} همچنان که کلام حیات را استوار نگاه داشته اید. در این صورت، می توانم در روز مسیح مباحثات کنم که بیهوده ندویده و عبث محنت نکشیده ام.^{۱۷} اما حتی اگر چون هدیه ای ریختنی، بر قربانی و خدمت ایمانتان ریخته شوم، خوشحالم و با همه شما شادی می کنم.^{۱۸} و شما نیز باید همین گونه خوشحال باشید و با من شادی کنید.

۲: ۱۴ الی ۱۶ این آیات در نسخه یونانی یک جمله هستند.

۲: ۱۴ **"هر کاری را بدون غرغر و مجادله انجام دهید"** مشخص است که در میان فیلیپیان اختلاف نظر شدیدی وجود داشت. منع آن می توانست اینها باشد، ولی مشخص نیست.

۱. رهبران مسیحی که حسود بودند (مراجعه شود به فیلیپیان ۱: ۱۴ الی ۱۷)
۲. دو زنی که با یکدیگر در نبرد بودند (مراجعه شود به فیلیپیان ۴: ۲ الی ۳)
۳. معلمین دروغین (مراجعه شود به فیلیپیان ۳: ۲ به بعد)

متن مشخص نمی کند که آیا پولس، دیگر مسیحیان یا بی ایمانان موضوع این مجادلات بودند یا خیر.

۲: ۱۵

"که ممکن است خودتان را اثبات کنید"	NASB
"که ممکن است تبدیل شوید"	NKJV
"که شاید تبدیل شوید"	NRSV, TEV

این وجه شرطی آتوریست میانی است. همانطور که مومنین تصمیم میگیرند که نجات یابند و رستگار شوند، همینطور هم باید انتخاب کنند که برای مسیح زندگی کنند. عهد جدید، پیمان جدید است. مومن حقوق و مسئولیتهایی دارد!

■ **"بی پیرایه"** این به معنای "بدون نقص" است (مراجعه شود به فیلیپیان ۳: ۶). این اصطلاح قبلا در عهد عتیق به حیوانات قربانی اشاره می کرد، اما به طور استعاره ای برای انسان استفاده می شود (مراجعه شود به نوح، پیدایش ۶: ۹ و ۱۷ و یعقوب، یعقوب ۱: ۱). این در مورد عیسی در عبرانیان ۹: ۱۴ و اول پطرس ۱: ۱۹ استفاده میگردد. این روش دیگری بود که به زندگی همانند مسیح اشاره داشت. این اراده خداوند برای مردم خود است (لاویان ۱۹: ۲؛ تثنیه ۱۸: ۱۳؛ متی ۵: ۴۸؛ اول پطرس ۱: ۱۶). خداوند می خواهد خود را در مومنین («فرزندان خدا»، مراجعه شود به افسسیان ۱: ۴، ۶: ۲۷؛ کولسیان ۱: ۲۲، یهودا ۲۴) منعکس کند و به این ترتیب، جهان گمشده را به سوی خود جلب کند (فیلیپیان ۲: ۱۵). به موضوع خاص: بی تقصیر در کولسیان ۱: ۲۲ نگاه کنید.

■ **"بی آرایش"** این اصطلاح در صنعت شراب سازی در مورد "شراب خالص" استفاده میشود. در عهد جدید به صورت استعاره برای خلوص اخلاقی استفاده میشود (مراجعه شود به انجیل متی ۱۰: ۱۶، رومیان ۱۶: ۱۹).

■ **"بی عیب"** این در Septuagint (LXX) برای حیوانات قربانی مورد استفاده قرار گرفت. این اصطلاح اغلب به صورت استعاری در عهد جدید به معنای درست بودن اخلاق (مراجعه شود به افسسیان ۱: ۴، کولسیان ۱: ۲۲، یهودا ۲۴، مکاشفه ۱۴) استفاده می شود. این به معنای بدون گناه نیست، بلکه به معنی بلوغ است.

■ **"در بین نسلی کج رو و منحرف"** در تثنیه ۳۲: ۵ این عبارت به اسرائیل اشاره دارد، اما در این متن به جهان کفرآمیز اشاره می کند. این نمونه دیگری از ترجمه های متنوع نگارندگان عهد جدید است که متناسب با تمام بشر است. ریشه واژه "کج" و "ناسزا" مربوط به مفهوم عدالت خدا است که به عنوان یک چوب خط اندازه گیری (لبه راست یا حاکم) توصیف می شود. هر گونه انحراف از استاندارد او از نظر "کج" یا "خم" توصیف شده است. این اصطلاحات به انگلیسی "گناه"، "گناه" یا "تجاوز" ترجمه شده است. توجه کنید که در این متن کلیسا است که به نام نور در دنیای تاریک است.

NASB "شما به عنوان نور در جهان به نظر می رسد"

NKJV "شما به عنوان نور در جهان می درخشید"

NRSV "شما مانند ستارگان در جهان می درخشید"

TEV "شما باید در میان آنها مانند ستارگان نورانی آسمان بدرخشید"

NJB "درخشش در میان آنها مانند ستارگان روشن در جهان"

به حالت جمع که نشان دهنده یک عمل مشترک است، توجه داشته باشید. این به افراد اشاره نمی کند، مثل دانیال ۱۲، بلکه به کلیساها به عنوان یک کل (مراجعه شود به فیلیپیان ۲: ۱۲) اشاره می کند. دو دیدگاه ممکن از این عبارت وجود دارد:

۱. همانطور که مربوط به دانیال ۱۲: ۳ است، یعنی جایی که مومنین به صورت نورانی یا ستاره ای در آسمان توصیف می شوند

۲. کسانی که نور را (یعنی، انجیل فیلیپیان ۲: ۱۶) به جهان (*kosmos*) تحویل می دهند.

در انجیل متی ۵: ۱۴-۱۶ مؤمنان باید حاملان نور باشند، با عیسی به عنوان الگویی برای ما (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۸: ۱۲؛ افسسیان ۵: ۱۴).

۱۶: ۲

NASB, NKJV,

NRSV "کلام زندگی را سریع نگاه دارید"

TEV "پس به آنها پیام زندگی را پیشنهاد کنید"

NJB "کلام زندگی را پیشنهاد کنید"

این یک فعل زمان حال است که می تواند به دو صورت تفسیر شود: (۱) "نگه داشتن سریع"، اشاره به وفاداری پایدار مؤمنان یا (۲) "برگزاری"، اشاره به مومنین به عنوان شاهدان. هر دو می توانند در این متن درست باشند (به خصوص فیلیپیان ۲: ۱۲).

■ **"روز مسیح"** این به آمدن دوم مسیح اشاره دارد. عبارت بسیار مشابهی در فیلیپیان ۱: ۶، ۱۰ استفاده شده است. اغلب در عهد جدید آمدن دوم به عنوان یک انگیزه برای زندگی مسیحی فعلی مورد استفاده قرار می گیرد. به موضوع خاص در فیلیپیان ۱: ۱۰ مراجعه کنید.

■ **"می توانم مباحث کنم"** عبادت مسیحیان فیلیپیان (یعنی کلیساها) شهادی از رسول بودن پولس (فیلیپیان ۴: ۱؛ اول تسالونیکیان ۲: ۱۹-۲۰) بود.

■ "بیهوده ندویده و عبث محنت نکشیده‌ام" این به معنای واقعی کلمه است "که بیهوده ندوید و بیهوده کار نکرد" (به عنوان مثال برای ایجاد و تکثیر کلیساهای انجیلی). اینها دو فعل زمان آتوریست هستند. نخستین کلمه "TUN" در پاپیروس مصری برای آب هرز مورد استفاده قرار گرفته است. در این متن، "بیهوده" باید به بلوغ مسیحی اشاره کند (نه نجات آنها) در حین اینکه برای مسیح می‌درخشند! پولس اغلب ابراز نگرانی خود را نسبت به بلوغ و استقامت کلیساهای جدید با استفاده از استعاره‌هایی مانند اینها بیان می‌کند (مراجعه شود به غلاطیان ۲: ۲؛ ۴: ۱۱؛ اول تسالونیکیان ۲: ۱؛ ۳: ۳؛ ۵). پولس اغلب از بشارت خود به عنوان یک مسابقه ورزشی سخن می‌گوید (مراجعه شود به اول قرنتیان ۹: ۲۴-۲۷؛ اول تیموتائوس ۶: ۱۲؛ دوم تیموتائوس ۴: ۷).

۱۷:۲ و ۱۸ این آیات شامل چهار اصطلاح هستند که معمولاً "شادی" ترجمه می‌شوند. این نشان می‌دهد که حتی با چشم انداز مرگ (مجازات اعدام روم در حالی که در زندان)، پولس خوشحال شد که به مسیح و مسیحیان (به عنوان مثال، کلیساها که او تاسیس کرده بود) خدمت می‌کرد. او همچنین آنها را تحسین و تشویق می‌کند تا همین کار را انجام دهند. مومنین باید از جانب دیگران زندگی خود را بدهند همانطور که مسیح زندگی خود را به خاطر آنها داد (مراجعه شود به فیلیپیان ۲: ۵-۱۱؛ دوم قرنتیان ۵: ۱۳-۱۴؛ غلاطیان ۲: ۲۰؛ اول یوحنا ۳: ۱۶).

۱۷:۲ "اگر" این یک جمله شرطی نوع اول است که از منظر نویسندگان یا برای اهداف ادبی او درست است. این نباید به صورت پولس منتظر اعدام شدنش بود، برداشت شود. در همین کتاب او امید و انتظار خود را برای آزادی بیان کرد (فیلیپیان ۱: ۲۵؛ ۲: ۲۴).

NASB, NKJV	"به عنوان یک نوشیدنی ریخته می‌شوم"
NRSV	"به عنوان نوشیدنی پاشیده می‌شوم"
TEV	"خون حیات من به عنوان یک تقدیمی ریخته می‌شود"
NJB	"خونم باید مثل هدیه تقدیمی پاشیده شود"

این زمان حال مجهول اخباری است. پولس خود را به عنوان یک قربانی به نمایندگی از ایمان فیلیپیان (یعنی، غیر یهودیان، مراجعه شود به رومیان ۱۵: ۱۶) خود را می‌بیند. پولس چندین بار به بشارت خود به عنوان یک قربانی اشاره می‌کند (رومیان ۱۵: ۱۶؛ دوم تیموتائوس ۴: ۶). این اصطلاح یونانی یک اصطلاح عهد عتیقی برای پاشیدن شراب است (مراجعه شود به خروج ۲۹: ۳۸-۴۱؛ اعداد ۱۵: ۳-۱۰).

■ "بر قربانی و خدمت ایمانتان ریخته شوم" پولس زندگی و خدمت خود را به عنوان یک قربانی برای خدا میدید (رومیان ۱۲: ۱-۲). او غیر یهودیان را به سوی خدا آورد (رومیان ۱۵: ۱۶). عیسی قربانی برای همه بشریت بود (اشعیا ۵۳: انجیل مرقس ۱۰: ۴۵؛ دوم قرنتیان ۵: ۲۱؛ افسسیان ۵: ۲). مومنین باید از عیسی و پولس تقلید کنند (مراجعه شود به ۴: ۱۹).

NASB (به روز شده): فیلیپیان ۲: ۱۹ الی ۳: ۱

^{۱۹}در خداوند عیسی امید دارم تیموتائوس را به زودی نزد شما بفرستم تا با آگاهی از احوالتان دل شاد گردم. ^{۲۰} زیرا کسی دیگر را همدل ندارم که خالصانه به فکرتان باشد. ^{۲۱} چرا که همه در پی نفع خویشند، نه امور عیسی مسیح. ^{۲۲} اما شما می‌دانید که تیموتائوس آزمايش خود را پس داده، زیرا با من، همچون پسری با پدر خود، در کار انجیل خدمت کرده است. ^{۲۳} پس امیدوارم به محض روشن شدن تکلیفم، او را نزد شما بفرستم؛ ^{۲۴} و در خداوند اطمینان دارم که خود نیز به زودی خواهم آمد.

^{۲۵} افزون بر این، لازم می‌دانم ای‌افرو دیتوس را نزد شما باز پس فرستم، او را که از یک سو برادر، همکار و هم‌زم من است، و از سوی دیگر، فرستاده شما برای رسیدگی به نیازهای من. ^{۲۶} زیرا مشتاق دیدار همه شماست و از بابت اینکه شنیدید بیمار شده بود، غمگین است. ^{۲۷} برآستی که بیمار و حتی در آستانه مرگ بود. اما خدا بر او رحم کرد، و نه تنها بر او، بلکه بر من نیز، تا غمی بر غمهایم افزوده نشود. ^{۲۸} پس می‌خواهم او را هر چه زودتر بفرستم، تا دیگر بار با دیدنش شادمان شوید و از غم من نیز کاسته شود. ^{۲۹} در خداوند، او را با شادی تمام بپذیرید و چنین کسان را گرمی بدارید، ^{۳۰} زیرا در راه خدمت به مسیح تا سرحد مرگ پیش رفت و برای جبران کاستی خدمت شما به من، جان خود را به خطر انداخت. ^{۳۱} دیگر آنکه ای برادران من، در خداوند شاد باشید! تکرار این مطالب زحمتی برایم نیست بلکه ایمنی شماست.

۱۹:۲ "در خداوند عیسی امید دارم بفرستم" پولس می‌دانست که زندگی و برنامه‌های او، از خودش نیستند، بلکه توسط اراده خدا تحت کنترل بودند (فیلیپیان ۲: ۲۴؛ اول قرنتیان ۴: ۱۹؛ یعقوب ۴: ۱۳-۱۷).

■ "تا دل شاد گردم" این وجه شرطی حال فعال است. این اصطلاح به معنای "خداحافظی" و "موفقیت" استفاده شده است و در بسیاری از مقبره‌های باستانی یافت شده است. این تنها استفاده در عهد جدید است و به نظر می‌رسد به معنای "تشویق" (NRSV) استفاده می‌شود.

۲۰:۲
NASB "روح خوبشاوندی"

"همفکر"	NKJV
"همانند او"	NRSV
"که احساسات مشترکی داریم"	TEV
"صمیمانه به سلامتی شما اهمیت میدهد"	NJB

این به معنای واقعی کلمه "روح مشابه" (*isopsuchos*) است. این بدان معنی است که تیموتائوس به همانقدر که پولس کلیسای فیلیپیان را دوست داشت، به آن علاقه داشت. یک ترکیب مشابه "همفکر" (*sumpsuchos*) در فیلیپیان ۲: ۲ استفاده شده است.

"که واقعا برای رفاه شما نگران است؟"	NASB, NRSV
"که صمیمانه نگران وضعیت شماست"	NKJV
"که واقعا نگران شماست"	TEV
"صمیمانه برای سلامتی شما نگران است"	NJB

در اصل این اصطلاح به معنای "حلال زاده" بود، اما به نظر می رسد که به صورت استعاره ای برای "واقعی/اصل" استفاده شود. اصطلاح "نگران بودن" در فیلیپیان ۴: ۶ ظاهر می شود و به معنای "اضطراب" است و مفهوم منفی داشت. در این آیه، دارای مفهوم مثبت است.

۲: ۲۱ معلوم نیست پولس به چه کسی اشاره میکند، اما او به وضوح به دستیارانش در امر بشارت، اشاره دارد. این احتمالا مربوط به واعظان حسود در کلیسای روم است (فیلیپیان ۱: ۱۴-۱۷). دیگران آن را به عنوان معلم دروغین فصل ۳ به حساب می آورند. با این حال، این به نظر غیرعادی است، زیرا پولس به آنها به عنوان «واعظان مسیح» اشاره نمی کند (مراجعه شود به فیلیپیان ۱: ۱۵). مثال خوبی از نوع اولویت های مخلوطی که پولس به آنها اشاره میکند را میتوان در دماس دید (مراجعه شود به دوم تیموتائوس ۴: ۱۰). علاقه شخصی یک موضوع تکراری عادی است (مراجعه شود به اول قرنتیان ۲۴: ۱۰؛ ۱۳: ۵؛ فیلیپیان ۴: ۲).

۲: ۲۲ "آزمایش خود را پس داده" (در نسخه انگلیسی "ارزش خود را اثبات کرده" نوشته شده است) این اصطلاح در مورد تست سکه ها یا فلزات گرانبها برای اثبات واقعی بودن آنها استفاده می شد. تیموتائوس با پولس در فیلیپه بود که در اعمال ۱۶ و ۲۰ ثبت شده است. او با این کلیسا آشنا شد و آن را صمیمانه دوست داشت.

موضوع خاص: اصطلاحات یونانی برای آزمودن و مفاهیم آنها

(Special Topic: Greek Terms For Testing And Their Connotations)

دو اصطلاح یونانی وجود دارند که به مفهوم "آزمودن کسی برای هدفی" هستند.

۱. Dokimazō, Dokimion, Dokimasia

این اصطلاح یک اصطلاح متالورژیست است برای آزمودن اصل بودن چیزی (به صورت استعاره برای فردی) با استفاده از آتش (موضوع خاص: آتش را مطالعه کنید). آتش ماهیت واقعی فلز را نشان می دهد و مواد خارجی را می سوزاند (یعنی خالص می کند). این فرایند فیزیکی تبدیل به اصطلاحی قدرتمند برای خدا و یا شیطان و یا انسانها برای آزمودن دیگران شد. این اصطلاح فقط در مفهوم مثبت آزمایش و با دید پذیرش استفاده می شود (موضوع خاص: خدا مردمش را می آزماید [عهد عتیق] را مطالعه کنید).

در عهد عتیق برای آزمودن موارد زیر استفاده شده است:

a. گاوها، انجیل لوقا ۱۴: ۱۹

b. خودمان، اول قرنتیان ۱۱: ۲۸

c. ایمان ما، یعقوب ۱: ۳

d. حتی خدا، عبرانیان ۳: ۹

تصور می شد که حاصل این آزمونها مثبت باشد (مراجعه شود به رومیان ۲: ۱۸، ۱۴: ۲۲، ۱۶: ۱۰، دوم قرنتیان ۱۰: ۱۸، ۱۳: ۳ و ۷، فیلیپیان ۲: ۲۷، اول پطرس ۱: ۷)، بنابراین اصطلاح دربردارنده این عقیده در مورد کسی است که آزموده شده و پذیرفته می شود

a. ارزش دارد

b. خوب است

c. اصل است

d. ارزشمند است

e. قابل احترام است

۲. Peirazō, Peirasmus

این اصطلاح اغلب مفهوم آزمودن به منظور یافتن خطا و یا رد کردن دارد. در مورد وسوسه عیسی در بیابان استفاده شده است.

a. در بردارنده تلاش برای به دام انداختن عیسی است (مراجعه شود به انجیل متی ۴: ۱، ۱۶: ۱، ۱۹: ۳، ۲۲: ۱۸ و ۳۵، انجیل مرقس ۱: ۱۳، انجیل لوقا ۴: ۲، عبرانیان ۲: ۱۸)

b. این اصطلاح (Peirazōn) به عنوان لقبی برای شیطان در انجیل متی ۴: ۳، اول تسالونیکیان ۳: ۵ (یعنی "وسوسه") استفاده شده است

c. کاربرد

(۱) توسط عیسی استفاده شد تا به انسانها هشدار دهد خدا را مورد آزمون قرار ندهند (مراجعه شود به انجیل متی ۴: ۷، انجیل لوقا ۴: ۱۲، [یا مسیح مراجعه شود به اول قرنتیان ۱۰: ۹])

(۲) همچنین به تلاش برای انجام کاری است که شکست خورده است (مراجعه شود به عبرانیان ۱۱: ۲۹)

(۳) در رابطه با وسوسه و محاکمه مومنین استفاده شده است (مراجعه شود به اول قرنتیان ۷: ۵، ۱۰: ۹ و ۱۳، غلاطیان ۶: ۱، اول تسالونیکیان ۳: ۵، عبرانیان ۲: ۱۸، یعقوب ۱: ۲ و ۱۳ و ۱۴، اول پطرس ۴: ۱۲، دوم پطرس ۲: ۹)

■ "همچون پسری با پدر خود، در کار انجیل خدمت کرده است" (در نسخه انگلیسی این عبارت به صورت "همچون پسری که به پدر خود خدمت میکند..." نوشته شده است) این شیوه پولس را برای اشاره به یک کمک کننده خوب، وفادار و (مراجعه شود به تیتوس ۱: ۴) بود. با این حال، در مورد تیموتائوس، این نیز به معنی ایمان آوردن بود (مراجعه شود به اول تیموتائوس ۱: ۲؛ دوم تیموتائوس ۱: ۲).

۲: ۲۳ "به محض روشن شدن تکلیفم" پولس به زودی منتظر خبری در مورد پرونده قانونی خود بود، اما هنوز هم مطمئن نیست که آیا او کشته خواهد شد یا قادر به بازگشت و دیدار با آنها خواهد بود. ترتیب نامه‌های زندان پولس چنین به نظر می‌رسند: (۱) کولسیان، افسسیان و فیلمون در اوایل فرآیند محاکمه و (۲) فیلیپیان در حدود دوره زمانی نتیجه گیری از پرونده.

۲: ۲۴ "اطمینان دارم" این زمان اخباری کامل فعال است که در مفهوم "اطمینان یا اعتماد به نفس" مورد استفاده قرار می‌گیرد (مراجعه شود به دوم قرنتیان ۳: ۲؛ عبرانیان ۱۳: ۱۸). اعتماد به نفس پولس در سرور (فیلیپیان ۲: ۲۴)، در روح (۱: ۱۹ ب) و در دعای آنها (۱: ۱۹ ب) بود. در این کتاب پولس اطمینان خاطر بیشتری در مورد آزادی خود از زندان داشت تا در کولسیان یا افسسیان.

۲: ۲۵ "فکر کردم" (این عبارت در نسخه فارسی انجیل حذف شده است) اینها آثوریست هستند. پولس به گونه‌ای نوشته که گویی قبلاً آن را انجام داده بود.

■ "لازم" این یک کلمه بسیار قوی یونانی است (مراجعه شود به اعمال رسولان ۱: ۲۴؛ ۱۳: ۴۶؛ دوم قرنتیان ۹: ۵؛ عبرانیان ۸: ۳). برای تأکید در ابتدای جمله قرار داده شده است.

■ "اپافرودیتوس" نام او مربوط به خدای یونانی افرودیته است. وی همان کسی که به نام اپافراس در کولسیان ۱: ۷، ۴: ۱۲؛ فیلمون، ۲۳ ذکر شده است نیست. اگر چه اپافراس مخفف اپافرودیتوس است.

■ "برادر، همکار و هم‌رزم من" پولس این مرد را به عنوان یک همکار نزدیک دید. ظاهراً او توسط فیلیپیان فرستاده شده بود تا برای پولس در زندان هدایای مالی بیاورد و نزد وی بماند و به او کمک کند. در آنجا، او به بیماری مرگباری مبتلا شد (فیلیپیان ۲: ۲۷). پولس او را به کلیسای خانه‌اش بازگرداند و از آنها برای فرستادن او قدردانی کرد. پولس نمی‌خواست که چون او زودتر بازگشته، کلیسا از او عصبانی شود.

■ "فرستاده شما برای رسیدگی به نیازهای من" "پیام رسان" اصطلاح "رسول" است که به معنی "فرستنده" است. در اینجا، در معنی غیر فنی از آن استفاده می‌شود (فیلیپیان ۴: ۱۸؛ دوم قرنتیان ۸: ۲۳). به خاطر داشته باشید که متن معنی کلمه را تعیین می‌کند، نه لغت نامه / فرهنگ لغت.

۲: ۲۶ "زیرا مشتاق دیدار همه شماست" این یک اصطلاح قوی از تمایل پولس به دیدن این کلیسا در فیلیپیان ۱: ۸ و ۴: ۱ است. اپافرودیتوس دلتنگ و از نظر فیزیکی بیمار بود.

NASB, NKJV,

"پیشانی" NRSV

"بسیار ناراحت" TEV

"نگران بود" NJB

این اصطلاح می‌تواند به معنای "غم و اندوه" از یک کاربرد که در پاپیروس یونانی کوبین در مصر یافت شد، ترجمه شود. در اینجا او ضرب و شتم روحی خود را در گزارش بیماری جسمی خود به کلیسای فیلیپیان توصیف می‌کند. همین اصطلاح در مورد عذاب عیسی در گنسمانه (مراجعه شود به انجیل متی ۲۶: ۳۷؛ انجیل مرقس ۱۴: ۳۳) استفاده شده است.

۲: ۲۷ "بیمار و حتی در آستانه مرگ بود" ظاهراً پولس نتوانست او را درمان کند (مراجعه شود به فیلیپیان ۲: ۳۰). دشوار است که تعیین کنید چه موقع و چگونه رسولان از نعمات شفا استفاده کرده و در برخی موارد نتوانستند انجام دهند (مراجعه شود به دوم قرنتیان ۱۲، دوم تیموتائوس ۴: ۲۰). شفا دادن به صورت خودکار انجام نمی‌شود. آیا کسانی که واجد شرایط مدرن هستند و ادعا می‌کنند که خداوند همه را شفا می‌دهد، واقعا بر این باورند که پولس رسول، ایمان کافی در این مورد نداشت؟ ایمان کلیدی برای درمان الهی نیست، بلکه اراده خداوند و برای کسانی که شفا می‌گیرند، برنامه ریزی می‌شود.

۲: ۳۰ "جان خود را به خطر انداخت" این یک وجه وصفی آئوریست میانی است که به معنای "قمار کرد" است. باید به بیماری او اشاره داشته باشد. پولس از اصطلاح یونانی "روح" (*psychè*) برای اشاره به زندگی اپافرودیتوس استفاده می‌کند. کتاب مقدس از مفهوم یونانی که انسان "یک روح جاودانه" نیست، اما مفهوم عبری که انسان "روح زندگی" است (مراجعه شود به پیدایش ۲: ۷) پیروی نمی‌کند. بدن فیزیکی مرز بیرونی موجودیت زمینی ماست. انسانها در این سیاره همانند حیوانات با هم در ارتباط هستند، اما با خدا نیز رابطه دارند. با این حال، انسانها یکپارچه هستند، نه اینکه دوگانگی یا سه گانه باشند (مراجعه شود به اول تسالونیکیان ۵: ۲۳، عبرانیان ۴: ۱۲). این وحدت در عهد جدید به روشهای متضاد بحث شده است:

۱. انسان قدیم - انسان جدید
۲. خارجی - درونی
۳. عصر حاضر - عصری که خواهد آمد
۴. جسم - روح
۵. رستاخیز زندگی - روز رستاخیز

مراقب باشید الهیات اثبات شده که یک یا دو آیه را از چارچوب ادبی خود برداشت و ادعا می‌کند که آنها "کلید" تفسیر بقیه کتاب مقدس هستند، باشید. اگر کلید تفسیری کتاب مقدس سه گانگی انسان (بدن، روح، روح) است، پس تعلیم واضح عیسی یا پولس کجا است؟ هر کس می‌تواند یک آیه جداگانه را انتخاب و آن را به عنوان کلید، ادعا کند. این بدان معنی است که حقیقت خدا به وضوح برای انسان معمولی نوشته نشده است، بلکه فقط برای یک گروه نخبه با دانش مخفی از این آیه یا عقیده "کلید" (عرفان)، این رویکرد به تفسیر، طاعون در مسیحیت مدرن است.

"برای کامل کردن آنچه که در خدمت شما به من، کم بود"	NASB
"برای عرضه آنچه که در خدمت تو به من، وجود نداشت"	NKJV
"برای جبران کاستی خدمت شما به من"	NRSV
"به منظور کمک به من که شما خودتان نمی‌توانید برای من انجام دهید"	TEV
"برای انجام وظیفه به من که شما نمی‌توانید خودتان انجام دهید"	NJB

در زبان انگلیسی این به نظر می‌رسد تا حدودی منفی باشد، با این حال، یک اصطلاح یونانی نشان دهنده عدم فرصت است، اما با میل مثبت (مراجعه شود به فیلیپیان ۴: ۱۰؛ رومیان ۱: ۱۰).

۳: ۱ "دیگر آنکه" (در نسخه انگلیسی اصطلاح "نه‌ایتا" نوشته شده است) این به معنای "برای بقیه/از بابت بقیه" (*loipon*) است. پولس اغلب از این اصطلاح برای رفتن به یک موضوع جدید استفاده می‌کند، معمولاً در انتهای نامه (مراجعه شود به دوم قرنتیان ۱۳: ۱۱، افسسیان ۶: ۱۰، اول تسالونیکیان ۴: ۸، دوم تسالونیکیان ۳: ۱).

یک روند جدید در تفسیر عهد جدید به نام "*chiasm*" وجود دارد که به دنبال کشف یک نوع از ویژگیهای معکوس (به عنوان مثال A, B, C, B, A) است. این الگوی همبستگی از عهد عتیق شناخته شده است و بسیاری معتقدند که در اندیشه یونانی نیز رایج است. به نظر می‌رسد اغلب اختتامیه نامه‌های پولس، حقیقت میانی این همسویی ساختاری را معرفی می‌کنند.

■ "در خداوند شاد باشید" (در نسخه انگلیسی "در ایمان به سرور از باب *Lord*) شاد باشید" نوشته شده است) این یک موضوع تکراری است. شادی در رنج، شادی در رستگاری، شادی در ایمان به او.

■ "تکرار این مطالب زحمتی برایم نیست بلکه ایمنی شماست" حقیقت اصلی باید برای تأکید، تأثیر و حفظ، تکرار شود. پولس باید این موارد را به صورت شفاهی در فیلیپیان بنویسد و شاید در نامه قبلیش به آنها گفته باشد.

سوالات بحث

- این یک راهنمای مطالعاتی است، که بدین معنی است که شما خودتان مسئول تفسیر انجیل هستید. هر یک از ما باید در مسیر خودمان گام برداریم. شما، انجیل و روح القدس در اولویت تفسیر هستید. شما نباید این امر را به یک مفسر واگذار کنید.
- این سوالات مباحثاتی به منظور کمک به شما در تفکر نسبت به مسائل اصلی این بخش از کتاب مطرح شده‌اند. آنها صرفاً تفکر برانگیز هستند نه قطعی.
۱. معنی فیلیپیان ۲: ۱۲ الی ۱۳ (هم متنی و هم الهیاتی) را توضیح دهید.
 ۲. چرا مسیحیان فیلیپیان مضطرب شده و اعتراض میکنند (فیلیپیان ۲: ۱۴)؟
 ۳. چرا به نظر می‌رسید که همکاران بشارتی پولس منافع متفاوتی دارند (فیلیپیان ۲۱: ۲۱)؟
 ۴. چرا پولس نمی‌تواند اپافرودیتوس را درمان کند؟

فیلیپیان ۳

پاراگراف‌های ترجمه‌های مدرن *

UBS ⁴	NKJV	NRSV	TEV	NJB
رستگاری واقعی	همه چیز برای مسیح	یک هشدار	پارسایی راستین	شیوه درست رستگاری مسیحی
۱۱:۳ الی ۱۱	۱۱:۳ الی ۱۱	۳:۳ اب	۱۱:۳ الی ۱۱	۳:۳ اب الی ۱۶
		۳:۲ الی ۴ الف		
		۳:۴ اب الی ۶		
		۳:۷ الی ۷۷		
حرکت به سوی نشانه	حرکت با فشار به سوی هدف	اقرار و نصیحت	دویدن به سوی هدف	
۱۶:۳ الی ۱۲	۱۶:۳ الی ۱۲	۱۶:۳ الی ۱۲	۱۴:۳ الی ۱۲	۱۶:۳ الی ۱۵
	شهروندی ما در بهشت			
۱۷:۳ الی ۴	۱۷:۳ الی ۴	۱۷:۳ الی ۴	۱۷:۳ الی ۲۱	۱۷:۳ الی ۴

مطالعه حلقه سوم (رجوع کنید به "سمینار تفسیر کتاب مقدس")

به دنبال نیت اصلی نویسنده در سطوح پاراگراف

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور خود راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید.

کل کتاب مقدس را در یک نشست بخوانید. موضوعات را مشخص نمایید (مطالعه حلقه شماره ۳). تقسیمات موضوعی خود را با پنج ترجمه بالا مقایسه کنید. پاراگراف‌بندی به نویسنده الهام نشده است، اما کلید پیگیری اهداف اصلی نویسنده است که قلب تفسیر است. هر پاراگراف تنها و تنها یک موضوع دارد.

۱. پاراگراف اول
۲. پاراگراف دوم
۳. پاراگراف سوم و غیره
۴. و غیره

مطالعه عبارت و کلام

NASB (به روز شده): فیلیپیان ۳: ۱

۱ دیگر آنکه ای برادران من، در خداوند شاد باشید! تکرار این مطالب زحمتی برایم نیست بلکه ایمنی شماست.

۳: ۱ "دیگر آنکه" (در نسخه انگلیسی اصطلاح "نهایتاً" نوشته شده است) این به معنای "برای بقیه/از بابت بقیه" (*loipon*) است. پولس اغلب از این اصطلاح برای رفتن به یک موضوع جدید استفاده می‌کند، معمولاً در انتهای نامه (مراجعه شود به دوم قرن‌تینان ۱۳: ۱۱، افسسیان ۶: ۱۰، اول تسالونیکیان ۴: ۸، دوم تسالونیکیان ۳: ۱).

یک روند جدید در تفسیر عهد جدید به نام "*chiasm*" وجود دارد که به دنبال کشف یک نوع از ویژگیهای معکوس (به عنوان مثال A, B, C, B, A) است. این الگوی همبستگی از عهد عتیق شناخته شده است و بسیاری معتقدند که در اندیشه یونانی نیز رایج است. به نظر می‌رسد اغلب اختتامیه نامه‌های

پولس، حقیقت میانی این همسویی ساختاری را معرفی می کنند.

■ " در خداوند شاد باشید " (در نسخه انگلیسی " در ایمان به سرور ارباب (*Lord*) شاد باشید" نوشته شده است) این یک موضوع تکراری است. شادی در رنج، شادی در رستگاری، شادی در ایمان به او.

■ " تکرار این مطالب زحمتی بر این نیست بلکه ایمنی شماست " حقیقت اصلی باید برای تأکید، تأثیر و حفظ، تکرار شود. پولس باید این موارد را به صورت شفاهی در فیلیپیان بنویسد و شاید در نامه قبلیش به آنها گفته باشد.

NASB (به روز شده): فیلیپیان ۳: ۲ الی ۶

از آن سگها برحذر باشید! از آن شرارت‌پیشگان پرهیزید! از آن مُثله‌کنندگان دوری کنید! زیرا ختنه‌شدگان واقعی ما ایم که در روح خدا عبادت می‌کنیم، و فرمان به مسیح عیسی است و به افتخارات انسانی خود اتکا نداریم - هر چند من خود دلایل خوبی برای اتکا به آنها دارم. آری، اگر کسی می‌پندارد که دلایل خوبی برای اتکا به این گونه افتخارات انسانی دارد، من دلایلی محکمتر دارم: ختنه شده در روز هشتم، از قوم اسرائیل، از قبیله بنیامین، فرزند عبرانی از والدین عبرانی؛ به لحاظ اجرای شریعت، فریسی؛^۶ به لحاظ غیرت، آزاردهنده کلیسا؛ به لحاظ پارسایی شریعتی، بی‌عیب .

۳: ۲ " از آن سگها برحذر باشید" (در نسخه انگلیسی این آیه به صورت "مراقب آن سگها باشید، مراقب آن افراد شیطانی باشید، مراقب ختنه‌کنندگان دروغین باشید" نوشته شده) این یک حال فعال امری از "نگاه کردن به" (*blepō*) است که برای تأکید سه بار تکرار شده است. ربی‌ها غیر یهودیان را "سگ" خطاب میکردند. پل این عبارت را برای اشاره به معلمان دروغین تغییر داد. اصطلاح "سگ" در عهد عتیق اشاره به (۱) روسپیان مرد (مراجعه شود به تثنیه ۲۳: ۱۸) و یا (۲) مردم بد (مزامیر ۲۲: ۱۶، ۲۰) دارد. از لحاظ فرهنگی، اصطلاح به دورگه‌های خیابانی خشن اشاره دارد. این معلمان دروغین مانند سگ‌های گرسنه و کافران خبیث بودند (مراجعه شود به انجیل متی ۷: ۶؛ غلاطیان ۵: ۱۵؛ مکاشفه ۲۲: ۱۵).

NASB "ختنه دروغین"

NKJV "نقص عضو"

NRSV "آنان که بدن خود را ناقص میکنند"

TEV "آن که اصرار بر قطع بدن خود دارد"

NJB "بدن خود را ناقص کردن"

این اشاره به اصرار یهودیان بر ختنه دارد (مراجعه شود به اعمال رسولان ۱۵: ۱، ۵؛ غلاطیان ۵: ۲-۳، ۱۲). آنها اساساً تدریس می‌کردند که قبل از اینکه فرد بتواند مسیحی شود، باید یهودی باشد. تبدیل شدن به یک یهودی در معرض خشونت، ختنه کردن، غسل دادن و ارائه قربانی در معبد بود. محکومیت یک استعاره برای پذیرفتن "یوغ" شریعت موسی شد.

۳: ۳

NASB, NKJV,

NRSV "ختنه واقعی"

TEV "ختنه واقعی"

NJB "مردم راستین ختنه"

این ختنه روحانی / از روی ایمان در رومیان ۲: ۲۸-۲۹ و غلاطیان ۳: ۲۹ شرح داده شده است. کلیسا در برخی موارد اسرائیل روحانی است (مراجعه شود به غلاطیان ۶: ۱۶). در عهد عتیق، ختنه نشانه‌ای از عهد ابراهیم (مراجعه شود به پیدایش ۱۷: ۱۱، ۱۴، ۲۳-۲۵) بود. این یک نگرش صحیح، نه فقط یک روال فیزیکی را شامل می‌شود (مراجعه شود به لاویان ۲۶: ۴۱، تثنیه ۱۰: ۱۶ و ارمیا ۴: ۴). ختنه روحانی واقعی توسط سه وجه وصفی حال فعال توصیف می‌شود:

۱. کسانی که در روح خدا عبادت می‌کنند

۲. کسانی که در مسیح جلال پیدا میکنند

۳. کسانی که به بدن اعتماد نمیکنند

NASB "جلال در مسیح عیسی"

NKJV "شادی در ایمان به مسیح عیسی"

"و بالیدن به مسیح عیسی"	NRSV
"در زندگی ما در اتحاد با مسیح عیسی شادی کنید"	TEV
"کاری کنید مسیح عیسی به ما بیالد"	NJB

پولس اغلب از این کلمه استفاده می کند (رومیان ۲: ۲۳؛ ۳: ۲۷؛ ۴: ۲؛ ۵: ۲، ۳، ۱۱؛ ۱۱: ۱۸؛ ۱۵: ۱۷؛ اول قرنتیان ۱: ۳۱؛ ۳: ۲۱؛ ۴: ۷؛ ۵: ۶، ۷؛ ۸: ۱۴؛ ۹: ۲۴؛ ۹: ۴؛ ۱۱: ۱۶؛ ۱۰: ۱۰؛ ۱۲: ۱۰؛ دوم قرنتیان ۱: ۱۴؛ ۵: ۱۲؛ ۷: ۴؛ ۱۰: ۱۷؛ ۱۱: ۱۷، ۱۸، ۳۰؛ ۱۲: ۱، ۵، ۶، ۹، ۱۱؛ غلاطیان ۶: ۴، ۱۳، ۱۴؛ افسسیان ۲: ۹؛ فیلیپیان ۱: ۲۶؛ ۲: ۱۶؛ ۳: ۳؛ دوم تسالونیکیان ۱: ۴). با توجه به متن به عنوان "شادی"، "افتخار"، "غرور اعتماد به نفس"، و یا "تحسین" ترجمه شده است.

"بر بدن اعتماد نکنید"	NASB
"هیچ اعتمادی به بدن نکنید"	NKJV, NRSV
"به مراسم ظاهری هیچ اعتمادی نداریم"	TEV
"بر شرایط فیزیکی تکیه نمی کنیم"	NJB

این اصطلاح به معنای اعتماد به نفس در چیزی یا کسی است. این عبارت در مقایسه با عبارت قبلی است. رابطه پولس با مسیح و درک او از انجیل به او اعتماد به نفس می داد.

این ممکن است به غرور یهودی نوادگان ابراهیم اشاره کند (فیلیپیان ۳: ۴-۵؛ متی ۳: ۹؛ یوحنا ۸: ۳۳، ۳۷، ۳۹). این قطعا به مراسم یهودی مانند ختنه اشاره می کند (مراجعه شود به اعمال رسولان ۱۵ و غلاطیان).

۴: ۳ "اگر" این یک جمله شرطی نوع اول است که از منظر نویسندگان برای اهداف ادبی او شرط درست است.

■ "من خود دلایل خوبی برای اتکا به آنها دارم" (این آیه به صورت کامل در نسخه انگلیسی چنین است: "من به مراتب دلایل بیشتری برای اتکا به آنها دارم") پولس با اشاره به اعتقادات یهودی خویش، خود را با یهودیان مقایسه می کند. آنها بیش از او برتری نژادی و مذهبی نداشتند (فیلیپیان ۳: ۵-۶؛ دوم قرنتیان ۱۱: ۲۲). پولس از خود دفاع می کرد، زیرا با حمله به او، آنها سعی داشتند انجیل را بی اعتبار کنند.

۵: ۳ "ختنه شده در روز هشتم" یهودیان در روز هشتم پس از تولد ختنه می شدند (مراجعه شود به پیدایش ۱۷: ۹-۱۴؛ لایوان ۳: ۱۲). فلاویوس جوزفوس می گوید که اعراب در سن ۱۳ سالگی، به موجب پیدایش ۱۷: ۲۳-۲۷ ختنه می کردند.

■ "از قوم اسرائیل" برای فهرستی از امتیازات یهودیان، رومیان ۹: ۴-۵، ۱۱: ۱ را ببینید.

■ "قبیله بنیامین" این قبیله نخستین پادشاه اسرائیل، شائول بود. این نیز بخشی از پادشاهی جنوبی، یهودا، پس از قبایل تقسیم شده در ۹۲۲ قبل از میلاد بود.

■ "فرزند عبرانی از والدین عبرانی" این اصطلاح اشاره به (۱) نژاد خالص یا (۲) صحبت کردن به زبان عبری (آرامی) دارد.

۶: ۳ "به لحاظ اجرای شریعت، فریسی" این فرقه محبوب محافظه کار در میان یهودیان بود که در طول دوره مکابی توسعه یافت (یوحنا ۳: ۱). آنها تمایل داشتند که شریعت موسی را با تمام جزئیات نگه دارند (مراجعه شود به اعمال رسولان ۲۶: ۴-۵). آنها قوانین دقیقی برای هر حوزه زندگی که در طول زمان بین دو مکتب ربی ها (شامعه و هیلل) بحث شده بود، وضع کرده بودند. سنتهای شفاهی آنها بعدها در تلمود بابلی و فلسطین تثبیت شد. نیکودیموس و یوسف آرماتهی نمونه مثبتی از صداقت و تعهد آنها بودند.

موضوع خاص: فریسیان

(Special Topic: Pharisees)

I. منشا این اصطلاح احتمالا یکی از موارد زیر است

A. "جدا بودن". این گروه در طول دوره مکابی بسط یافتند (این دیدگاه بیشتر پذیرفته شده است)، و خود را از توده مردم جدا کردند تا

سنتهای شفاهی قوانین موسی را حفظ کنند (*Hasidim*).

B. "تقسیم کردن" یک معنی دیگر این اصطلاح از همان ریشه عبری لغت است (BDB 827, BDB 831 I, KB 976)، هر دو به

معنی تقسیم کردن هستند. برخی اساتید می گویند معنی آن مفسر یا مترجم است (مراجعه شود به نحیما ۸: ۸، دوم تیموتائوس ۲:

۱۵).

C. "پارسی" این معنی دیگر این اصطلاح از همان ریشه آرامی است (BDB 828, KB 970). برخی از دکتربین‌های فریسیان وجوه اشتراک زیادی با دوالیسم زرتشتیان ایران دارد.

II. نظریات زیادی وجود دارند که چه کسی فریسیان را به وجود آورد

A. یک بخش خداشناسی از یهودیسم اولیه (جوزفوس)

B. یک گروه سیاسی از دوره‌های هاسمونیان و هردویان

C. یک گروه اساتید مفسرین موسی که به مردم عادی کمک می‌کردند پیمان موسی و سنتهای شفاهی پیرامون آن را درک کنند

D. جنبشی از منشیان، مانند عزرا و Great Synagogue. در رقابت با رهبری روحانیون معبد

شکل‌گیری آنها ناشی از درگیری گروه‌های زیر بود

۱. مافوق‌های غیر یهودی (به خصوص آنتیخوس چهارم)

۲. اشراف در مقابل شریعت

۳. آنان که به پیمان زندگی متعهد بودند در برابر یهودیان عامی فلسطین

III. اطلاعات ما در مورد آنها از این منابع است

A. جوزفوس که فریسی بود

۱. *Antiquities of the Jews*

۲. *Wars of the Jews*

B. عهد جدید

C. منابع جدیدتر یهود

IV. دکتربین اصلی آنها

A. اعتقاد به آمدن مسیح، که تحت تاثیر ادبیات آخرالزمانی یهود قرار گرفته بود، مانند اول انوش.

B. اعتقاد به اینکه در زندگی روزانه ما خدا فعال است. این کاملاً مخالف اعتقادات صدوقیان بود (مراجعه شود به اعمال رسولان ۲۳: ۸). بسیاری از دکتربین‌های فریسیان از دیدگاه الهیات و خداشناسی در نقطه متضاد دکتربین‌های صدوقیان بود.

C. اعتقاد بر زندگی پس از مرگ بر اساس زندگی شیوه زندگی زمینی، که شامل پاداش و مجازات است (مراجعه شود به دانیال ۱۲: ۲)

D. اعتقاد بر اقتدار فرامین خدا در عهد عتیق بر اساس آنچه که در مدارس روحانیون تفسیر می‌شدند (شامای، محافظه کار و هیلل، لیبرال). تفسیر روحانیون بر اساس مناظره میان روحانیون دو مکتب فلسفی مختلف صورت می‌گرفت، یکی محافظه کار و دیگری لیبرال. این مناظرات شفاهی بر اساس معنی کتاب مقدس نهایتاً در دو حالت نوشته می‌شدند: تلموذ بابلی و تلموذ غیر کامل فلسطینی. آنها معتقد بودند که موسی این تفاسیر شفاهی را در کوه سینا گرفته است. شروع تاریخی این مباحثات با عزرا و مردان *Great Synagogue* که بعداً سانهدرین نامیده شدند آغاز شد.

E. اعتقاد به فرشته شناسی والا. این شامل هم معنویت خوب و معنویت شیطانی بود. این از دوالیسم پارسی و ادبیات کتاب مقدس یهود بسط یافت.

F. اعتقاد به پادشاهی خدا، و البته آزادی اراده انسان (*yetzers*)

V. قدرت جنبش فریسیان

A. آنها عاشق مکاشفه خدا بوده و به آن احترام می‌گذاشتند و اعتماد داشتند. (یعنی تمام آن، منجمله قوانین، پیامبران، نوشته‌ها، و سنتهای شفاهی).

B. آنها متعهد بودند که پیروان صادق (ایمان روزانه و زندگی) مکاشفه خدا باشند. آنها یک اسرائیل تحت عدالت می‌خواستند تا وعده‌های نبوتی روز جدید و پر رونق تحقق یابد.

C. آنها حامی برابری جامعه یهود بودند که شامل تمامی مردم از تمامی اقشار و سطوح بود. به مفهومی، آنها رهبری روحانیون (یعنی صدوقیان) و الهیات آنها را رد می‌کردند (مراجعه شود به اعمال رسولان ۲۳: ۸).

D. آنها با یک مولفه انسانی معبر بر پیمان موسی فائق آمدند. آنها تماماً پادشاهی خدا تصریح کردند، ولی همچنین نیاز انسان بر تجربه آزادی اراده را حفظ نمودند (دو *yetzers*).

E. عهد جدید از چندین فریسی قابل احترام نام می‌برد (مثلاً نیکودیموس، حاکم ثروتمند جوال، و جوزف ازآریماتتا).

VI. آنها تنها گروه قرن اول یهودی بودند که از تخریب اورشلیم و معبد توسط رومیان در سال ۷۰ میلادی باقی ماندند. آنها یهودیان مدرن شدند.

■ "به لحاظ غیرت" (در نسخه انگلیسی "از روی اشتیاق/مشتاقانه" نوشته شده) اشتیاق به صورت خودکار از جانب خدا نیست (مراجعه شود به رومیان ۱۰: ۲).

■ "آزاردهنده کلیسا" شائول ظاهراً زندانی و احتمالاً حتی مؤمنان را به قتل رسانده است (مراجعه شود به اعمال رسولان ۸: ۳؛ ۹: ۱، ۱۳، ۲۱؛ اول قرنتیان ۱۵: ۹؛ غلاطیان ۱: ۱۳-۱۴، ۲۳؛ اول تیموتائوس ۱: ۱۳). این یک مرجع واضح برای کلیسای جهانی است (مراجعه شود به انجیل متی ۱۶: ۱۸؛ افسسیان ۱: ۲۲؛ ۳: ۱۰، ۲۱؛ ۵: ۲۳-۲۴). به موضوع خاص: کلیسا (*Ekklesia*) در کولسیان ۱: ۱۸ مراجعه کنید.

■ "به لحاظ پارسایی شریعتی، بی‌عیب" پولس از درک پیش مسیحی خود از شریعت موسی (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱۰: ۲۰) و تفسیر آن (تلموذ) سخن گفت. اگر این معلمین دروغین می‌خواستند در یهودیت شادی کنند، پولس نیز می‌توانستند (مراجعه شود به دوم قرنتیان ۱۱: ۱۶ الی ۲۳). به موضوع خاص در افسسیان ۴: ۲۴ مراجعه کنید.

اصطلاح "بی‌عیب" در اصل در عهد عتیق در مورد حیوانات قربانی مورد استفاده قرار می‌گرفت (مراجعه شود به فیلیپیان ۲: ۱۵). این به معنای "گناه" نیست (مراجعه شود به پیدایش ۶: ۹، ۱۷؛ یعقوب ۱: ۱)، بلکه کسی که آنچه را که از اراده خدا درک کرده است، برآورده سازد.

موضوع خاص: بی‌تقصیر/بی‌عیب در کولسیان ۱: ۲۲ را مطالعه کنید.

NASB (به روز شده): فیلیپیان ۳: ۷ الی ۱۱

اما آنچه مرا سود بود، آن را به خاطر مسیح زیان شمردم. ^۸ بلکه همه چیز را در قیاس با ارزش برتر شناخت خداوند مسیح عیسی، زیان می‌دانم، که به خاطر او همه چیز را از کف داده‌ام. آری، اینها همه را فضل می‌شمارم تا مسیح را به دست آورم ^۹ و در او یافت شوم، نه با پارسایی خویشتن که از شریعت است، بلکه با آن پارسایی که از راه ایمان به مسیح به دست می‌آید، آن پارسایی که از خداست و بر پایه ایمان. ^{۱۰} می‌خواهم مسیح و نیروی رستخیزش را بشناسم و در رنجهای او سهیم شده، با مرگش همشکل گردم، ^{۱۱} تا به هر طریق که شده به رستخیز از مردگان نایل شوم.

۳: ۷ "آن را... زیان شمردم" این زمان کامل میانی (دپوننت) اخباری است. پولس آمد تا ببیند که آیین و قوانین به عنوان وسیله ای برای به دست آوردن و حفظ عدالت واقعی تا چه اندازه بی‌فایده هستند (مراجعه شود به کولسیان ۲: ۱۶-۲۳). این یک تغییر عمده خداشناسی از تأکید بر آموزش مذهبی قبلی و شیوه زندگی پولس بود که در دوران ایمان آوردن او در دمشق رخ داد (مراجعه شود به اعمال رسولان ۹: ۱-۲۲؛ ۲۳: ۳-۱۶، ۲۶: ۹-۱۸).

۳: ۸ الی ۱۱ این آیات در نسخه یونانی یک جمله هستند.

۳: ۸ "می‌شمارم" این حال میانی (دپوننت) اخباری است. این اصطلاح سه مرتبه در فیلیپیان ۳: ۷ و ۸ استفاده شده است. این یک اصطلاح تجاری برای "جریمه و زیان" است. هر آنچه را که پیشتر بر آن جهت پارسایی اعتماد داشت (نژادش و اعمال مذهبی او) اینک برایش به عنوان "زیان" محسوب میشود.

NASB, NRSV در قیاس با ارزش برتر شناخت خداوند مسیح عیسی

NKJV "برای دانش عالی عیسی مسیح سرور من"

TEV "به خاطر آنچه که بسیار ارزشمند است، دانش مسیح عیسی سرور من"

NJB "به خاطر مزیت فوق العاده شناختن مسیح عیسی سرور من"

کلید مسیحیت رابطه فردی با عیسی است در زبان عبری، "شناختن" دلالت بر رابطه فردی صمیمانه دارد، نه حقایق درباره چیزی یا کسی (مراجعه شود به پیدایش ۴: ۱، ۱۰؛ ارمیا ۱: ۵).

انجیل (۱) یک فرد است که از او استقبال می‌شود؛ (۲) محتوایی است برای ایمان آوردن؛ و (۳) شیوه زندگی است! برای "ارزش بیش از حد" (*hyperēchō*) به موضوع خاص: استفاده پولس از ترکیبات *hyper* در افسسیان ۱: ۱۹ مراجعه کنید. همین کلمه در فیلیپیان ۲: ۳؛ ۳: ۸؛ و ۴: ۷ استفاده شده است.

■ "همه چیز را از کف داده‌ام" این یک آتوریست مجهول اخباری است. این می‌تواند به خانواده، وراثت، شایستگیهای مذهبی و / یا آموزش روحانی اشاره کند. همه چیزهایی که قبلاً ارزشمند در نظر گرفته بود، ناگهان تمام ارزش خود را از دست دادند! همه چیز در جاده دمشق تغییر کرد (مراجعه شود به اعمال رسولان ۹: ۲۲؛ ۱۶-۳؛ ۲۶: ۹-۱۸).

NASB, NKJV "آنها را زباله شمرد"

NRSV "آنها را زباله تلقی کرد"

این به معنای واقعی کلمه اصطلاح "مدفوع حیوانات" و یا احتمالاً یک اختصار محبوب عبارت "به سگ پرتاب شده" است (مراجعه شود به فیلیپیان ۳: ۲). به طور استعاره‌ای به معنای "بدون ارزش" بود.

■ "تا مسیح را به دست آورم" این یک وجه شرطی آتوریست فعال است. پولس از این اصطلاح تجاری به صورت استعاره‌ای برای "به دست آوردن" یا "بردن" مسیح یا انجیل به آن طور که در فیلیپیان ۱: ۲۱؛ ۳: ۷، ۸؛ و اول قرنتیان ۹: ۱۹-۲۲ [پنج بار] استفاده میکند. در تیتوس ۱: ۱۱ او از آن به معنای واقعی استفاده می‌کند.

۳: ۹ "و در او یافت شوم" این یک وجه شرطی آتوریست مجهول است. عمیق ترین دعای پولس را بیان می‌کند. "در او" یا "در مسیح" ساختار دستور زبانی مورد علاقه پولس برای مؤمنان بود (برای یک مثال خوب به افسسیان ۱: ۳، ۴، ۶، ۷، ۹، ۱۰ [سه مرتبه]، ۱۲، ۱۳ [دو مرتبه] توجه کنید).

■ "نه با پارسایی خویشتن که از شریعت است" این مسئله کلیدی است (مراجعه شود به رومیان ۳: ۹-۲۱، ۱۸-۳۱). چطور انسان با خدا برخورد می‌کند؟ عملکرد یا فیض؟ به این سوال یک بار و برای همیشه در جاده دمشق برای پولس پاسخ داده شد (مراجعه شود به اعمال رسولان ۹: ۲۲؛ ۳-۱۶؛ ۲۶: ۹-۱۸). موضوع خاص در افسسیان ۴: ۲۴ را مطالعه کنید.

■ "آن پارسایی که از راه ایمان به مسیح به دست می‌آید" ایمان این است که چگونه افراد هدیه فیض خدا را در ایمان به مسیح دریافت می‌کنند (رومیان ۳: ۲۴؛ ۶: ۲۳؛ افسسیان ۲: ۸-۹). ایمان و توبه، دو جنبه ضروری پاسخ بشر به عهد جدید است (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱: ۱۵؛ اعمال رسولان ۳: ۱۶، ۱۹؛ ۲۰: ۲۱).

■ "آن پارسایی که از خداست و بر پایه ایمان" عدالت هدیه ای از سوی خداست (مراجعه شود به *dōrea*، رومیان، ۵: ۱۵؛ دوم قرنتیان ۹: ۱۵؛ افسسیان ۳: ۷؛ *dōrēma*، رومیان ۵: ۱۶؛ *dōron*، افسسیان ۲: ۸؛ *charisma*، رومیان. ۶: ۲۳) او همیشه ابتکار عمل را به دست می‌گیرد (یوحنا ۶: ۴۴، ۶۵). خداوند می‌خواهد که همه انسانها نجات یابند (مراجعه شود به حزقیال ۱۸: ۲۳، ۳۲؛ اول تیموتائوس ۲: ۴؛ دوم پطرس ۳: ۹)؛ او راه را برای همه انسانها فراهم کرده تا نجات یابند! آنها باید پاسخ دهند و به آن ادامه دهند با:

۱. توبه
۲. ایمان
۳. اطاعت
۴. خدمت کردن
۵. استقامت

موضوع خاص در افسسیان ۴: ۲۴ را مطالعه کنید.

۳: ۱۰ "نیروی رستاخیزش" این باید به زندگی جدید مؤمنان در ایمان به مسیح اشاره کند. این سری از عبارات در فیلیپیان ۳: ۱۰ ممکن است رنجهای پولس را برای انجیل (مراجعه شود به دوم قرنتیان ۴: ۷-۱۲، ۱۶؛ ۶: ۴-۱۰؛ ۱۱: ۲۳-۲۸) خود را نشان می‌دهد که شامل زندان فعلی هم میشود.

دیگران همه این عبارات را در فیلیپیان ۳: ۱۰ به عنوان جنبه‌ای از اتحاد عرفانی مؤمنان با مسیح یا بلوغ مسیحی آنها می‌بینند. همانطور که عیسی با چیزهایی که او رنج فراوانی به خاطرشان برد، کامل شد (عبرانیان ۵: ۸)، بنابراین مؤمنان از طریق رنج به بلوغ می‌رسند (رومیان ۵: ۱-۵).

■ "در رنجهای او سهیم شده" درد و رنج یک موضوع مشترک تجربه مسیحی قرن اول است که در بسیاری از جوامع امروز در جهان وجود دارد (رومیان ۸: ۱۷؛ اول تسالونیکیان ۳: ۳؛ دوم تیموتائوس ۳: ۱۲؛ اول پطرس ۳: ۱۴؛ ۴: ۱۲-۱۹). همانطور که مؤمنان پیروزی عیسی را نیز به اشتراک می‌گذارند، همچنین از خدمات او تقدیر می‌کنند (متی ۱۰: ۲۴؛ لوقا ۶: ۴۰؛ یوحنا ۱۳: ۱۴-۱۶؛ ۱۵: ۲۰؛ ۲۱: دوم تیموتائوس ۳: ۱۲) موضوع خاص: *Koinōnia* در فیلیپیان ۲: ۱ را مطالعه کنید.

■ "با مرگش همشکل گردم" این وجه وصفی حال مجهول است. مومنین باید گناه و خود مرده باشند و برای خدا زنده (متی ۱۶: ۲۴-۲۶؛ رومیان ۶: ۱-۱۱؛ غلاطیان ۲: ۲۰؛ کولسیان ۳: ۳). زندگی واقعی مرگ زندگی قدیمی است!

۱۱: ۳ این یک جمله شرطی نوع سوم است که به معنای احتمال وقوع در آینده است. آیه ۱۱ باید در نور آیه ۱۰ تفسیر شود. این عبارت شفقت در مورد رستگاری را بیان نمی‌کند، بلکه فروتنی را بیان می‌کند!

■ "تا به هر طریق که شده نایل شوم" در اینجا مجدداً مدل دیالکتیکی یا پارادوکسی الهیات پولس بیان شده است. پولس می‌دانست که او مسیحی است و همانطور که مسیح توسط روح مطرح شد، او نیز مطرح می‌شود (رومیان ۸: ۹-۱۱). با این حال، پولس رستگاری را نه تنها به عنوان یک رویداد تکمیل گذشته (مراجعه شود به اعمال رسولان ۱۵: ۱۱؛ رومیان ۸: ۲۴؛ دوم تیموتائوس ۱: ۹؛ تیتوس ۳: ۵)، بلکه یک فرآیند در حال اجرا است (مراجعه شود به اول قرنتیان ۱: ۱۸؛ ۱۵: ۲؛ دوم قرنتیان ۲: ۱۵) و در نهایت در یک نتیجه‌گیری آینده (رومیان ۵: ۹، ۱۰؛ ۱۰: ۹؛ اول قرنتیان ۳: ۱۵؛ فیلیپیان ۱: ۲۸؛ اول تسالونیکیان ۵: ۸-۹؛ عبرانیان ۱: ۱۴؛ ۹: ۲۸). مسیحیت در شخصیت و هدیه خدا در مسیح است و زندگی تهاجمی، مداوم و شدید از خدمات سپاسگزار خداوند (مراجعه شود به افسسیان ۲: ۸-۹ و ۱۰) استوار است. George E. Ladd, *A Theology of the New Testament*, صفحات ۵۲۱-۵۲۲، بحث خوبی در مورد این موضوع است.

■ "رستاخیز از مردگان" این اصطلاح ترکیبی غیر معمول است. این اصطلاح فقط در اینجا در عهد جدید یافت می‌شود. این به معنای واقعی کلمه "بازگشت از میان مردگان به زندگی" است. پولس در مورد رابطه شخصی صمیمی خود با مسیح که از مردگان برخاسته بحث کرده است. او برای روز آخر زمان آرزو داشت که زمانی که او نیز قیام معنوی/روحانی از مردگان را تجربه کند (رومیان ۶: ۴-۱۱؛ دوم قرنتیان ۵: ۱۷؛ اول یوحنا ۳: ۲) تجسس فیزیکی را تجربه کند. این بخشی از تنش "در حال حاضر، اما نه هنوز" پادشاهی خدا است، همپوشانی دو عصر یهودی.

NASB (به روز شده): فیلیپیان ۳: ۱۲ الی ۱۶

۱۲ نمی‌گویم هم‌اکنون به اینها دست یافته‌ام یا کامل شده‌ام، بلکه خود را به پیش می‌رانم تا چیزی را به دست آورم که مسیح عیسی برای آن مرا به دست آورد. ۱۳ برادران، گمان نمی‌کنم هنوز آن را به دست آورده باشم؛ اما یک کار می‌کنم، و آن اینکه آنچه در عقب است به فراموشی می‌سپارم و به سوی آنچه در پیش است خود را به جلو کشانده، ۱۴ برای رسیدن به خط پایان می‌کوشم، تا جایزه‌ای را به دست آورم که خدا برای آن مرا در مسیح عیسی به بالا فرا خوانده است. ۱۵ همه ما که بالغیم، باید چنین بیندیشیم؛ و اگر درباره موضوعی به گونه‌ای دیگر می‌اندیشید، این را نیز خدا بر شما آشکار خواهد فرمود. ۱۶ مهم این است که به هر مرحله‌ای که رسیده‌ایم، مطابق آن رفتار کنیم.

۳: ۱۲ "نمی‌گویم هم‌اکنون به اینها دست یافته‌ام" پولس در تنش "در حال حاضر ولی هنوز تحقق نیافته" پادشاهی خدا زندگی میکرد. او می‌دانست، او مسیح را میشناخت، می‌دانست که او در ایمان کامل مسیح است، می‌دانست که او توسط مسیح پذیرفته شده است، اما در تقلا برای زندگی مسیح گونه بود (رومیان ۷). پولس رسیده بود اما به طور کامل نرسیده بود او کامل بود اما کاملاً کامل نشده بود.

برخی از نسخ دستنویس باستانی یونانی، P⁴⁶، D* و G، افزودن "یا عادل بوده اند" را اضافه دارد. علاوه بر این نیز در متون یونانی استفاده شده توسط ایرنئوس و Ambrosiaster یافت می‌شود. با این حال، متن کوتاه را MSS P⁶¹، A، B، C، D، K و P و همچنین ترجمه‌های باستانی والگیت، سیریاک و کپتیک پشتیبانی می‌کنند.

NASB, TEV	"یا دیگر کامل شده است"
NKJV	"یا کامل شده ام"
NRSV	"یا دیگر به هدف رسیده ام"
NJB	"هنوز به هدف نرسیده"

این یک زمان کامل مجهول اخباری است که نشان می‌دهد چیزی در گذشته اتفاق افتاده است که تبدیل به شرایطی ماندگار شده است و این امر توسط خدا انجام شده است. این اصطلاح خود به این معانی است

۱. کاملاً بسط یافته
۲. کاملاً تجهیز شده
۳. کامل
۴. بالغ
۵. مناسب

من مفهوم انگلیسی کمال را بدون گناه را نداشتم.

■ "به پیش می‌رانم" این حال اخباری فعال است. این در اصل یک واژه شکار به معنی "دنبال/تعقیب کردن حیوان/شکار" بود. این مورد به صورت استعاری از یک مسابقه پیاده روی استفاده می‌شود. پولس در پی رستگاری نبود (مراجعه شود به رومیان ۹: ۳۰) بلکه دنبال بلوغ، همانند مسیح بودن (رومیان ۶: ۴-۹) بود.

"تا چیزی را به دست آورم که مسیح عیسی برای آن مرا به دست آورد"	NASB
"من ممکن است آن را بدست آورم چرا که مسیح عیسی نیز آن را برایم نگه داشته"	NKJV
"آن را از آن خود سازم زیرا مسیح عیسی مرا از آن خود کرده"	NRSV
"برای گرفتن جایزه زیرا مسیح عیسی مرا از آن خود کرده"	TEV
"در تلاش برای گرفتن جایزه که مسیح عیسی من را نگه داشت"	NJB

این قسمت با یک جمله شرطی نوع سوم (با استفاده از *ei* به جای *ean*) شروع می شود که به معنی احتمال وقوع در آینده است (مراجعه شود به فیلیپیان ۳: ۱۱). این می تواند به (۱) رستگاری (فیلیپیان ۳: ۹)؛ (۲) مسیحیت (فیلیپیان ۳: ۱۰)؛ یا (۳) رستخیز (فیلیپیان ۳: ۱۱) اشاره کند.

این یک کلمه قوی یونانی است. پولس در جاده دمشق توسط مسیح "ربوده شد" (مراجعه شود به اعمال رسولان ۹: ۱-۲۲؛ ۳: ۱۶-۲۶؛ ۹-۱۸). کسی که پیروانش را مورد آزار و اذیت قرار داده است اکنون با او به عنوان پروردگار بزرگ مقابله کرده است. کلیسا و تجربه شخصی ادغام شدند! پولس اکنون سعی داشت مثل کسانی باشد که او را یک بار مورد حمله قرار دادند.

۳: ۱۲ "گمان نمی کنم هنوز آن را به دست آورده باشم" این یک زمان کامل فعال نامحدود است. این اصطلاح در فیلیپیان سه بار استفاده شده است. ۳: ۱۲-۱۳. پولس تلاش کرد که در ایمان به مسیح به بلوغ برسد، اما می دانست که او هنوز از بلوغ مسیحیت کم دارد (رومیان ۷). با این حال، حقیقت بزرگ انجیل این است که در ایمان به مسیح او (و همه مومنین) قبلاً کامل شده بود (توجیه و تقدیس شده، مراجعه شود به رومیان ۸: ۲۹-۳۰).

اصطلاحات "توجه"، "محکوم کردن" یا "حساب کردن" (رومیان ۴: ۳؛ ۶: ۱۱؛ اول قرنتیان ۱۳: ۵) همه به یک تصدیق ذهنی اشاره می کنند که به موجب آن انسان گمراه انجیل را درک می کند و تصمیم می گیرد در آن زندگی کند، در نور حقیقت جدید و جهان بینی جدید در ایمان به مسیح!

در این جمله تفاوت‌هایی در میان نسخ دستنویس میان کلمه "هنوز" در مقابل "نه" وجود دارد. متون باستانی بین این دو گزینه تقسیم شده اند. بهترین توضیح این است که کاتبین "نه" پولس را به "نه هنوز" تغییر داده اند، زیرا شاید فکر می کردند وی بیش از اندازه فروتن است. همانند بسیاری از تغییرات نسخه دستنویس، این بر تفسیر تاثیر بسیار کمی می گذارد.

■ "آنچه در عقب است به فراموشی می سپارم" این یک وجه وصفی حال میانی (دپوننت) است. پولس روحانیت را آغاز کرد. او گذشته یهودی خود را ترک کرده است. با این حال، به دلیل اینکه زمان فعل این عبارت زمان حال است، ممکن است شامل کارش به عنوان رسول یا مربوط به زندانی شدنش باشد. موضع روحانی او در برابر خدا بر اساس عملکرد انسانی گذشته یا حال نیست!

■ "به سوی آنچه در پیش است خود را به جلو کشانده" این یک زمان حال میانی (دپوننت) دیگر است. این اولین بار در یک سری از اصطلاحات ورزشی است. این به معنای "فرونده ای که به سوی هدف میرود" بود. این یک ترکیب تشدید شده با دو پیش فرض *epi* و *ek* است. پولس به صورت یک فرد شدیداً قدردان زندگی می کرد. پس از رستگاری، سطح شدت قدردانی او همان اندازه باقی ماند، اما انگیزه به طور اساسی از تلاش خود جهت خدمت به انجیل تغییر کرد.

۳: ۱۴ این یک مجموعه از استعاره های ورزشی است. آنها به ما نشان می دهند که تلاشهای شدیدی برای زندگی مسیحی لازم است (مراجعه شود به اول قرنتیان ۹: ۲۴ و ۲۷، عبرانیان ۱۲: ۱).

■ "خدا مرا به بالا فرا خوانده است" موضوع خاص: فرا خوانی/فرا خواندن در افسسیان ۴: ۱ را مطالعه کنید.

۳: ۱۵ "همه ما که بالغیم" این همان اصطلاح "کامل" است که در فیلیپیان ۳: ۱۲ استفاده شده، اما پولس از آن در دو مفهوم مختلف استفاده میکند. مسیحیان بدون داشتن بیگناه بودن، می توانند بالغ باشند (مراجعه شود به اول قرنتیان ۲: ۶؛ ۱۴: ۲۰؛ افسسیان ۴: ۱۳؛ عبرانیان ۵: ۱۴؛ ۶: ۱).

■ "باید چنین بیندیشیم" پولس معمولاً به فرآیندهای ذهنی اشاره میکند. پولس از چند واژه یونانی برای استدلال و تفکر استفاده می کند. این فعل وجه شرطی حال فعال از "*phroneō*" است (فیلیپیان ۱: ۷؛ ۳: ۱۵، ۱۹)؛ "*ginosko*" (فیلیپیان ۱: ۱۲)؛ "*psuchē*" (نگاه کنید به فیلیپیان ۱: ۲۷)؛ "*noēma*" (فیلیپیان ۴: ۷)؛ "*logizomai*" (فیلیپیان ۴: ۹)؛ "*manthano*" (فیلیپیان ۴: ۹، ۱۱). مؤمنان باید با ذهن خود خدا را پرستش کنند (مراجعه شود به تنبیه ۶: ۲۳ نقل قول شده در انجیل متی ۲۲: ۳۶-۳۸؛ انجیل مرقس ۱۲: ۲۹-۳۴؛ انجیل لوقا ۱۰: ۲۷-۲۸). مسیحیت واقعی نمی تواند ضد روشنفکری باشد. با این حال، ما نباید به استدلال انسانی فاسدمان اعتماد کنیم، بلکه در افشای خدا (کتاب مقدس).

■ "اگر" این یک جمله شرطی نوع اول است، که از منظر نویسنده یا اهداف ادبی او شرط درست است. در دوستی کسانی بودند که "برخورد متفاوتی" داشتند.

■ "این را نیز خدا بر شما آشکار خواهد فرمود" در میان مومنین اختلاف نظر در مورد بسیاری از جنبه های ایمان وجود دارد. پولس به پیمان جدیدی که

شامل روح ساکن، قلب جدید و ذهن تازه‌ای بود، و در نهایت تمام مؤمنان را آگاه و اصلاح می‌کرد (مراجعه شود به ارمیا ۳۱: ۳۱-۳۴؛ حزقیال ۳۶: ۲۶-۲۷؛ یوحنا ۶: ۴۵؛ افسسیان ۱: ۱۷؛ اول تسالونیکیان ۴: ۹؛ اول یوحنا ۲: ۲۷) اعتقاد داشت.

متن این عبارت، دیدگاه پولس درباره اقتدار پیام او را نشان می‌دهد. او احساس کرد که او توسط روح هدایت میشود (مراجعه شود به اول قرنتیان ۲: ۱۰؛ ۷: ۱۰-۱۲؛ ۱۱: ۲۳؛ ۱۴: ۳۷-۳۸؛ دوم قرنتیان ۱۰: ۸؛ ۱۲: ۱؛ غلاطیان ۱: ۱۲؛ ۱۶: ۲؛ دوم تسالونیکیان ۳: ۱۴). این روش دیگری بود که منعکس کننده احساس مسئولیت پذیری اوست.

این را می‌توان به دو صورت تفسیر کرد: (۱) خدا حقیقت خود را به مؤمنان منحرف و خطاکار آشکار می‌کند یا (۲) خداوند خود را بر مؤمنانی که در دکتربین و عمل خود غلط هستند، آشکار می‌سازد. در متن مورد ۲ به نظر می‌رسد بهترین گزینه باشد.

۱۶:۳

NASB

"با این حال، اجازه دهید زندگی ما را با همان استاندارد که ما به دست آورده ایم، زندگی کنیم"

NKJV

"با این وجود، همان اندازه که ما در حال حاضر به دست آورده ایم، به ما اجازه می‌دهد که با همان قاعده گام برداریم، بیائید

همفکر باشیم"

NRSV

"فقط اجازه دهید آنچه را که ما به دست آورده ایم، سریع نگاهداریم"

TEV

"با این حال ممکن است، بگذارید براساس قوانینی که تا به امروز دنبال کرده ایم، پیش برویم"

NJB

"در همین حال، اجازه دهید از نقطه ای که هر کدام به دست آورده ایم، پیش برویم"

(ترجمه فارسی آیه ۳: ۱۶ با متن انگلیسی هیچیک از *NASB*، *NKJV*، *NRSV*، *TEV*، *NJB* مطابقت ندارد) این آیه نصیحت پولس برای ادامه زندگی به عنوان یک مسیحی است (مراجعه شود به افسسیان ۴: ۱، ۱۷؛ ۵: ۲، ۱۵). مومنین از طریق ایمان به مسیح، با هدیه خداوند تقدیس می‌شوند، اما آنها باید همچنان برای رسیدن به بلوغ مسیحی تلاش کنند (مراجعه شود به دوم قرنتیان ۳: ۱۸).

مجموعه‌ای از آثار در نسخه‌های یونانی باستان وجود دارد. کوتاه‌ترین متن (*NRSV* و *NASB*) در نسخ یونانی *P⁴⁶*، *P¹⁶*، *A*، *B* قرار دارد. *UBS⁴* به این متن کوتاه رتبه "A" (یقین) می‌دهد. *Textus Receptus* می‌افزاید: "اجازه دهید ما از همان ذهن باشیم" (*NKJV*) است که در *MSS* *κ* و *K* یافت می‌شود. چندین افزونه دیگر وجود دارند که به نظر می‌رسد تمایل کاتبین را برای اصلاح و اضافه کردن به این آیه نشان می‌دهد.

NASB (به روز شده): فیلیپیان ۳: ۱۷ الی ۴: ۱

^{۱۷} ای برادران، با هم از من سرمشق بگیرید، و توجه خود را به کسانی معطوف کنید که مطابق الگویی که در ما سراغ دارید، رفتار می‌کنند. ^{۱۸} زیرا همان گونه که بارها به شما گفته‌ام و اکنون نیز اشکریزان تکرار می‌کنم، بسیاری چون دشمنان صلیب مسیح رفتار می‌کنند. ^{۱۹} عاقبت چنین کسان هلاکت است. خدای آنان شکمشان است و به چیزهای ننگ‌آور مباحثات می‌کنند، و افکارشان معطوف به امور زمینی است. ^{۲۰} حال آنکه ما تبعه آسمانیم و با اشتیاق تمام انتظار می‌کشیم که نجات‌دهنده، یعنی خداوندمان عیسی مسیح، از آنجا ظهور کند. ^{۲۱} او با نیرویی که وی را قادر می‌سازد تا همه چیز را به فرمان خود درآورد، بدنهای حقیر ما را تبدیل خواهد کرد تا به شکل بدن پر جلال او درآید. ^۱ پس، ای برادران محبوب من که مشتاق دیدارتانم، ای شما که شادی و تاج سر من هستید، ای عزیزان، بدین گونه در خداوند استوار باشید.

۳: ۱۷ "با هم از من سرمشق بگیرید" این آیه دو حال امری دارد. پولس آنها را تشویق می‌کند که در پی او به دنبال مسیح باشند (فیلیپیان ۴: ۹؛ اول قرنتیان ۴: ۱۶؛ ۱۱: ۱؛ اول تسالونیکیان ۱: ۶؛ دوم تسالونیکیان ۳: ۷، ۹). این عبارت به صورت منطقی با فیلیپیان ۳: ۱۵-۱۶ مرتبط است. توجه کنید که چگونه مثال پولس را بسط می‌دهد تا تیم بشارتی و احتمالاً اپرا فرودیتوس ("من" - "ما") را هم شامل شود.

■ "سرمشق" موضوع خاص زیر را مطالعه کنید

موضوع خاص: فرم (*Tupos*)

Special Topic: Form (*Tupos*)

اصطلاح *tupos* معانی گسترده‌ای دارد.

۱. *The Vocabulary of the Greek New Testament*, Moulton and Milligan, صفحه ۶۴۵

a. الگو

b. طرح

c. فرم یا شیوه نگارش

d. فرمان یا حکم

e. حکم یا تصمیم

f. مدل بدن انسان به عنوان پیشنهاد نذری به خدای شفا دهنده

g. به صورت فعل، به معنی اجرای قانون

۲. Louw and Nida, *Greek-English Lexicon*، جلد ۲، صفحه ۲۴۹

a. جای زخم (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۲۰: ۲۵)

b. تصویر (مراجعه شود به اعمال رسولان ۷: ۴۳)

c. مدل (مراجعه شود به عبرانیان ۸: ۵)

d. الگو/مثال/سرمشق (مراجعه شود به اول قرن‌تینان ۱۰: ۶، فیلیپیان ۳: ۱۷)

e. نمونه اولیه (مراجعه شود به رومیان ۵: ۱۴)

f. نوع (مراجعه شود به اعمال رسولان ۲۳: ۲۵)

g. محتوا (مراجعه شود به اعمال رسولان ۲۳: ۲۵)

۳. Harold K. Moulton, *The Analytical Greek Lexicon Revised*، صفحه ۴۱۱

a. ضربه، تصویر، علامت (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۲۰: ۲۵)

b. طرح

c. یک تصویر (مراجعه شود به اعمال رسولان ۷: ۴۳)

d. یک فرمول، طرح (مراجعه شود به رومیان ۶: ۱۷)

e. فرم، مفهوم (مراجعه شود به اعمال رسولان ۲۳: ۲۵)

f. شکل، همتا (مراجعه شود به اول قرن‌تینان ۱۰: ۶)

g. شکل ظاهری، نوع (مراجعه شود به رومیان ۵: ۱۴، اول قرن‌تینان ۱۰: ۱۱)

h. الگوی مدل (مراجعه شود به اعمال رسولان ۷: ۴۴، عبرانیان ۸: ۵)

i. یک الگوی اخلاقی (فیلیپیان ۳: ۱۷؛ اول تسالونیکیان ۱: ۷؛ دوم تسالونیکیان ۳: ۹؛ اول تیموتائوس ۴: ۱۲؛ اول پطرس ۵: ۳)

به خاطر داشته باشید که واژه نامه‌ها معنی را تعیین نمی‌کنند؛ فقط استفاده از کلمات در جملات / پاراگراف مجموعه معنی (به عنوان مثال، متن) را تعیین می‌کنند. مراقب باشید که یک تعریف کلی را برای یک کلمه در نظر نگیرید و از آن در هر مکان استفاده کنید. معنی کلمه در کتاب مقدس در متن تعیین می‌شود. متن، متن، متن معنی را تعیین می‌کند!

۱۸: ۳ "زیرا همان‌گونه که بارها به شما گفته‌ام" معلمین دروغین در کلیسا وجود داشتند. در این کتاب آنها می‌توانند یا یهودی باشند (مراجعه شود به فیلیپیان ۳: ۲-۱۶)، همانطور که در کتاب غلاتیان و اعمال رسولان ۱۵، یا عرفانی (مراجعه شود به اول یوحنا ۲: ۱۸، ۲۲: ۴-۱). تنها راه محافظت از خود در برابر خطا، شناختن، پذیرفتن و در حقیقت و راستی زندگی کردن است! معلمین دروغین مردمانی تیز، منطقی، سخنور ماهر و جذاب هستند. بر پسر اطمینان کنید، کتاب را دنبال کنید، از روح پیروی نمایید.

■ "نیز اشکریزان" این اصطلاحی برای غم و اندوه شدید است (متی ۲: ۱۸؛ ۲۶: ۷۵؛ مرقس ۵: ۳۸-۳۹؛ یوحنا ۱۱: ۳۱؛ یعقوب ۴: ۹؛ ۵: ۱). پولس دیگران را در معرض خطاهای اخلاقی یا الهی قرار نمی‌دهد.

■ "دشمنان صلیب مسیح" عدم اطمینان در مورد هویت این "دشمنان صلیب" وجود دارد. عبارات استفاده شده توسط پولس بسیار شدید هستند. به نظر می‌رسد آنها به معلمان دروغین باور نکردنی فیلیپیان ۳: ۲-۱۶ اشاره دارند. گناهان ذکر شده در فیلیپیان ۳: ۱۹ یهودیان قانونی را دوست ندارند، اما آموزگاران دروغین آنتیسومی یونانی یا احتمالاً مسیحیان تبدیل شده اند که به شیوه‌های شیطانی قبیله بازگشته اند (مراجعه شود به کولسیان ۲: ۱۶-۲۳؛ دوم پطرس ۲: ۲۰-۲۲). این متن آخرین گزینه را پشتیبانی می‌کند. اما، اگر چنین است، کنتراست فیلیپیان ۲۰: ۳ نشان می‌دهد که پولس فکر می‌کرد آنها واقعا نجات نیافته اند (متی ۷: ۱۳؛ اول یوحنا ۲: ۱۹؛ دوم پطرس ۲: ۱-۲۲؛ مکاشفه ۲: ۴-۵؛ ۱۰-۱۱: ۱۶-۱۷؛ ۲۵-۲۶: ۳؛ ۲، ۵، ۱۱، ۲۱).

مراقب باشید که الهیات سیستماتیک (معنوی، تجربی، فرهنگی) این متن را تفسیر نمی‌کند. متن ادبی و هدف اصلی نویسنده باید معیار اصلی باشند. عهد جدید یک نمایش منظم از حقیقت نیست، بلکه یک سبک شرقی و پارادوکسی است. عهد جدید به طور منظم حقیقت را در جفت‌های ظاهراً متناقض (پارادوکس) ارائه می‌دهد. زندگی مسیحی زندگی پر از تعهد، اطمینان و امید و همچنین مسئولیت و هشدار است! رستگاری یک محصول نیست، بلکه یک

زندگی جدید است!

NASB, NKJV,

NRSV

TEV

NJB

"که پایان آن تخریب است"

"کارشان به جهنم ختم میشود"

"نقدیرشان گمراهی است"

اینها صادقانه، آگاهانه و مردمی مذهبی بودند. پولس از این واژه برای توضیح قضاوت نهایی خدا (مراجعه شود به فیلیپیان ۱: ۲۸، رومیان ۹: ۲۲، دوم تسالونیکیان ۲: ۳؛ اول تیموتائوس ۶: ۹) استفاده می کند. با این حال، در انجیل، باید پذیرفته شود که در معنای "هدر رفته" استفاده شده است (متی ۲۶: ۸؛ انجیل مرقس ۱۴: ۴). بنابراین، غیرممکن است بدانیم که پولس به چه کسی اشاره میکند (مؤمنان یا غیر مؤمنان).

NASB

NKJV, NRSV

TEV

NJB

"دنبال خدای کی هستند"

"که خدایشان شکمشان است"

"زیرا خدای آنها خواسته های بدن آنها است"

"خدای آنها شکمشان است"

این نشان می دهد که آنها تمایل به (۱) شیوه های آنتیمومی یا (۲) ناراحتی و ماتریالیسم دارند. بیشتر همانند معلمین دروغین یونانی (رومیان ۱۶: ۱۸-۱۷) به نظر می رسد تا قانون گرایان یهودی (مراجعه شود به فیلیپیان ۳: ۲-۶). TEV ممکن است معنای استعاری را به دست آورده باشد، "به این دلیل که خدای آنها خواسته های بدنشان است".

■ "به چیزهای ننگ آور مباحثات می کنند" این عبارت میتواند به یکی از اینها اشاره داشته باشد

۱. تأکید یهودی بر ختنه یا غرور یهودی

۲. تأکید عرفان برای دانش

۳. سبک زندگی غیر اخلاقی بی بند و بار و فاسق

این معلمان دروغین در مورد چیزهایی که باید به خاطرشان شرم میکردند، افتخار می کردند! معلمان دروغین عهد جدید اغلب با استثمار مالی و / یا جنسی مشخص می شوند.

■ "افکارشان معطوف به امور زمینی است" این نشان دهنده منشاء بیشتر تعصبات مذهبی بشریت است (مراجعه شود به اشعیا ۲۹: ۱۳؛ کولسیان ۲: ۲۳-۱۶؛ ۳: ۱-۲).

۳: ۲۰

NASB, NKJV

NRSV

TEV

NJB

"زیرا شهروندی ما در بهشت است"

"چون شهروندی ما در بهشت است"

"ما، با این حال، شهروندان بهشت هستیم"

"ولی سرزمین مادری ما بهشت است"

این آیه متضاد فیلیپیان ۳: ۱۸-۱۹ است. ضمیر "ما" تأکیدی است. "بهشت" جمع (مراجعه شود به دوم قرنتیان ۱۲: ۲؛ افسسیان ۱۰: ۴؛ عبرانیان ۴: ۱۴؛ ۷: ۲۶) و در دنباله استفاده عبری (*shamayim*) است. احتمالاً پولس از وضعیت استعماری روم این شهر، به عنوان یک تصویر استفاده کرده باشد (مراجعه شود به فیلیپیان ۱: ۲۷).

■ "با اشتیاق تمام انتظار می کشیم که نجات دهنده، یعنی خداوندان عیسی مسیح، از آنجا ظهور کند" پولس اغلب از این اصطلاح "مشتاقانه منتظر" در ارتباط با آمدن دوم استفاده می کند (رومیان ۸: ۱۹، ۲۳، ۲۵؛ اول قرنتیان ۱: ۷؛ غلاطیان ۵: ۵؛ عبرانیان ۹: ۲۸). تمایل مؤمنان برای آمدن دوم، شواهدی از رابطه آنها با مسیح و انگیزه برای زندگی مسیحی است (رومیان ۸: ۱۹، ۲۳؛ اول قرنتیان ۱: ۷).

تأکید پولس بر روی بازگشت سرور عادی است، اما درک او از عنصر زمان مبهم است. چندین عبارت وجود دارند که در آنها پولس خود را جزو گروهی قرار داده که در موقع آمدن دوم، زنده هستند (اول قرنتیان ۱۵: ۵۱-۵۲؛ دوم قرنتیان ۵: ۵؛ فیلیپیان ۳: ۲۰؛ اول تسالونیکیان ۴: ۱۵، ۱۷) با این حال، عباراتی دیگر وجود دارند که در آنها، به بازگشتی در آینده اشاره میکند که فراتر از ابعاد زمانی خود است (مراجعه شود به اول قرنتیان ۶: ۱۴؛ دوم قرنتیان ۴: ۱۴ و به ویژه دوم تسالونیکیان). ممکن است "ما" در گروه اول متن مفهوم ادبی باشد یا اینکه دیدگاه های پولس درباره این موضوع توسعه یافته باشد. دشوار است

فرض کنیم که یک نویسنده الهام گرفته "الهیات" خود را توسعه داده باشد. یک رویکرد بهتر این است که یک مدل دیالکتیکی را مدنظر قرار دهیم. پولس، مانند همه نویسندگان عهد جدید، "زود-بودن" آمدن دوم را تصریح کرد. مؤمنان باید منتظر بازگشت هر لحظه سرور باشند! با این حال، عیسی (متی ۲۴) و پولس (دوم تسالونیکیان ۲) از وقایع تاریخی است که باید قبل از آمدن دوم رخ دهند. هر دو به نوعی درست هستند! بازگشت عیسی یک امید محرک برای هر نسل از مومنین است، اما واقعیت تنها یک نسل است!

این یکی از دو مرتبه‌ای است که پولس عیسی را قبل از نامه‌های مقدس (اول تیموتائوس، دوم تیموتائوس، تیتوس) "نجات دهنده" (مراجعه شود به افسسیان ۵: ۲۳) می نامد، که در آنها از آن عنوان ده بار استفاده می شود. این اصطلاح برای امپراتوری روم مقدس بود. در تیتوس، استفاده از این اصطلاح بین خدا پدر و عیسی پسر (مراجعه شود به فیلیپیان ۱: ۳ در مقابل ۱: ۴؛ ۲: ۱۰ در مقابل ۲: ۱۳؛ ۳: ۴ در مقابل ۳: ۶). مسیحیان اولیه مایل به مرگ بودند، نه اینکه این عنوان را به امپراتور واگذار کنند. هر دو "نجات دهنده" و "سرور/ارباب" القاب سلطنتی رومی بودند که مسیحیان به طور انحصاری برای عیسی استفاده می کردند.

۳: ۲۱ "بدنهای حقیر ما را تبدیل خواهد کرد تا به شکل بدن پر جلال او درآید" پولس تأکید مثبت بر وجود جسمانی مؤمن (مراجعه شود به دوم قرنتیان ۵: ۱۰-۱)، هم در اینجا و هم در بهشت دارد. این از نظر الهی به عنوان شکوه و عظمت (مراجعه شود به رومیان ۸: ۳۰، ۱ یوحنا ۳: ۲) اشاره میکند، زمانی که رستگاری کامل شده و تحقق یابد. بدن گرد و غباری ما (مراجعه شود به مزامیر ۱۰۳: ۱۴) با یک (اول تسالونیکیان ۴: ۱۳ الی ۱۸) بدن معنوی مانند همچون عیسی (مراجعه شود به اول قرنتیان ۱۵: ۴۵؛ اول یوحنا ۳: ۲) عوض خواهد شد.

■ "همه چیز را به فرمان خود در آورد" مسیح قیام کرده، سرور همه است (مراجعه شود به اول قرنتیان ۱۵: ۲۴ الی ۲۸، کولسیان ۱: ۲۰).

سوالات بحث

این یک راهنمای مطالعاتی است، که بدین معنی است که شما خودتان مسئول تفسیر انجیل هستید. هر یک از ما باید در مسیر خودمان گام برداریم. شما، انجیل و روح القدس در اولویت تفسیر هستید. شما نباید این امر را به یک مفسر واگذار کنید.

این سوالات مباحثاتی به منظور کمک به شما در تفکر نسبت به مسائل اصلی این بخش از کتاب مطرح شده اند. آنها صرفاً تفکر برانگیز هستند نه قطعی.

۱. در فیلیپیان ۱: ۲ پولس به چه کسی اشاره میکند؟
۲. چرا پولس اعتبار یهودی خود را میدهد؟
۳. عملاً فیلیپیان ۳: ۱۰ چگونه به مومنین مربوط است؟
۴. آیا این معلمین دروغین نجات می یابند؟

فیلیپیان ۴
پاراگراف‌های ترجمه‌های مدرن *

UBS ⁴	NKJV	NRSV	TEV	NJB
نصایح	متحد و شاد باشید و دعا کنید	درخواست‌های نهایی	راهنماییها	آخرین نصیحت
(۱:۴ الی ۱۷:۴)	(۱:۴ الی ۱۷:۴)	(۱:۴ الی ۱۷:۴)	۱:۴	(۱:۴ الی ۱۷:۴)
۷:۴ الی ۲:۴	۷:۴ الی ۲:۴	۳:۴ الی ۲:۴	۳:۴ الی ۲:۴	۳:۴ الی ۲:۴
		۷:۴ الی ۴:۴	۴:۴	۹:۴ الی ۴:۴
			۷:۴ الی ۵:۴	
۹:۴ الی ۸:۴	۹:۴ الی ۸:۴	۹:۴ الی ۸:۴	۹:۴ الی ۸:۴	
تصدیق هدیه فیلیپیان	سخت‌و‌تندی فیلیپیان		تشکر بابت هدیه	از کمک متشکرم. رسید
۱۴:۴ الی ۱۰:۴	۲۰:۴ الی ۱۰:۴	۱۴:۴ الی ۱۰:۴	۱۳:۴ الی ۱۰:۴	۲۰:۴ الی ۱۰:۴
			۲۰:۴ الی ۱۴:۴	
۲۰:۴ الی ۱۵:۴		۲۰:۴ الی ۱۵:۴		
کلام آخر	سلامتی و برکت		کلام آخر	بدرود و آرزوی آخر
۲۳:۴ الی ۲۱:۴	۲۳:۴ الی ۲۱:۴	۲۲:۴ الی ۲۱:۴	۲۲:۴ الی ۲۱:۴	۲۲:۴ الی ۲۱:۴
		۲۳:۴	۲۳:۴	۲۳:۴

مطالعه حلقه سوم (رجوع کنید به "سمینار تفسیر کتاب مقدس")

به دنبال نیت اصلی نویسنده در سطوح پاراگراف

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور خود راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید.

کل کتاب مقدس را در یک نشست بخوانید. موضوعات را مشخص نمایید (مطالعه حلقه شماره ۳). تقسیمات موضوعی خود را با پنج ترجمه بالا مقایسه کنید. پاراگراف‌بندی به نویسنده الهام نشده است، اما کلید پیگیری اهداف اصلی نویسنده است که قلب تفسیر است. هر پاراگراف تنها و تنها یک موضوع دارد.

۱. پاراگراف اول
۲. پاراگراف دوم
۳. اراگراف سوم و غیره
۴. و غیره

مطالعه عبارت و کلام

NASB (به روز شده): فیلیپیان ۱:۴
ا'پس، ای برادرانِ محبوب من که مشتاق دیدارتانم، ای شما که شادی و تاجِ سر من هستید، ای عزیزان، بدین‌گونه در خداوند استوار باشید.

۱:۴ " ای برادرانِ محبوب من " پولس دو اصطلاح معمول عهد جدید برای مؤمنان را با هم ترکیب کرد: "محبوب" [دو بار] و "برادران". او با این ترکیب

مهربان، عشق بزرگ خود را به این کلیسا نشان داد، همانطور که در عبارت بعدی و همسو در فیلیپیان ۱: ۸ دیده می شود.

■ "که مشتاق دیدارتانم" همین اصطلاح قوی (*epiphotheō*) در فیلیپیان ۱: ۸، ۲: ۲۶، دوم قرنتیان ۹: ۱۴ هم استفاده شده است.

■ "شادی و تاج سر من" اصطلاح "تاج" (*stephanos*) به معنی تاج برنده در مسابقه ورزشی بود. این را می توان در نظرات پل به دیگر کلیسای مقدونیه مشاهده کرد (مراجعه شود به اول تسالونیکیان ۲: ۱۹-۲۰، ۳: ۹). این کلیسا اثبات رسول بودن مؤثر پولس بود (مراجعه شود به اول قرنتیان ۹: ۲، اول تسالونیکیان ۲: ۱۹).

■ "استوار باشید" این یک حال فعال امری است. این استعاره نظامی به توانایی مسیحیان در حفظ وفاداری در میان مسائل اشاره می کند (مراجعه شود به فیلیپیان ۱: ۲۷؛ اول قرنتیان ۱۶: ۱۳؛ افسسیان ۶: ۱۱-۱۴). این نیز در ارتباط با استقامت و مقاومت است (به موضوع خاص در فیلیپیان ۱: ۹-۱۱ مراجعه کنید)، که تنها "در خداوند" (مراجعه شود به غلاطیان ۶: ۹، مکاشفه ۲: ۷ و ۱۱ و ۱۷ و ۲۶؛ ۳: ۵، ۱۲، ۲۱) ممکن می باشد.

این یکی دیگر از پارادوکس های انجیلی در رابطه بین حاکمیت خدا و اراده آزاد بشریت است (حزقیال ۱۸: ۳۱ را با حزقیال ۳۶: ۲۶-۲۷ مقایسه کنید). در این آیه به مؤمنان فرمان داده شده که "پایدار باشند"، در حالی که در یوحنا ۱: ۲۴ این خدا است که آنها را حفظ می کند. به هر حال، هر دو درست هستند.

NASB (به روز شده): فیلیپیان ۴: ۲ الی ۳

از اُفودیه استدعا دارم و از سینتیخی تمنا می کنم که در خداوند یکرأی باشند. ^۳ و از تو نیز ای همکار وفادار، تقاضا دارم که این دو بانورا یاری کنی، زیرا همراه با اُکلیمنس و دیگر همکارانم که نامشان در دفتر حیات نوشته شده است، دوشادوش من برای کار انجیل مجاهده کرده اند.

۴: ۲ "اُفودیه سینتیخی" ظاهراً، حتی در این کلیسای دوست داشتنی هنوز تنش داخلی وجود دارد. این به تناقضات مذهبی اشاره نمی کند، که در فصل ۳ ذکر شده اند، بلکه تنش روحی و روانی نوعی است. نام اول به معنای "یک سفر موفق یا موفقیت" است. نام دوم به معنای "آشنایی دلپذیر" یا "موفق بودن" است. نام آنها با اقدامات فعلی آنها مطابقت نداشت. در مقدونیه زنان دارای آزادی بیشتری نسبت به هر نقطه در جهان روم باستان بودند (مراجعه شود به اعمال رسولان ۱۶: ۱۲-۱۵). گاهی اوقات آزادی به ترجیح شخصی یا حتی مجوز تبدیل می شود.

■ "در خداوند یکرأی باشند" (در نسخه انگلیسی کلمه *Lord* نوشته شده که به معنی سرور ارباب است، نه خدا یا خداوند) کلید هماهنگی رابطه مؤمنان با مسیح است که روابط خود را با برادران و خواهران میثاق خود تغییر می دهد. عشق ورزیدن به مومنین برای خداوند به وضوح در عشق خود به یکدیگر دیده می شود (افسسیان ۴: ۱-۶؛ ۲: ۱-۵؛ اول یوحنا ۴: ۲۰-۲۱).

۳: ۴

NASB, NKJV	"رفیق واقعی"
NRSV	"همراه وفادار"
TEV	"شریک وفادار"
NJB	"شریک"

این اغلب به معنای واقعی کلمه به عنوان "رفیق واقعی" (مراجعه شود به: *A Greek-English Lexicon of the New Testament* اثر Arndt and Gingrich، صفحه ۷۸۳) ترجمه می شود. با این حال، این یک اسم مذکر مفرد است که در لیستی از نامهای بسیاری دیگر، احتمالاً نام درستی بوده، Syzygus (مراجعه شود به NJB و *The Vocabulary of the Greek Testament* اثر Moulton and Milligan، صفحه ۶۰۷)، که بازی با معنی اسم بوده است.

این ممکن است که شیوه پولس برای اشاره به لوقا بوده باشد. قسمت های "ما" از اعمال رسولان شروع و توقف در فیلیپیه. لوقا ممکن است آنجا بماند تا به قربانیان جدید کمک کند و برای کلیسا در اورشلیم کمک جمع آوری کند.

■ "این دو بانورا یاری کنی" این یک حال میانی امری است که به معنی "نگه داشتن" است. پولس یکی از اعضای کلیسای فیلیپیان را تحسین کرد تا به این دو زن بر اختلافات خود در ایمان به سرور غلبه کند (مراجعه شود به غلاطیان ۶: ۱-۴).

NASB	"دوشادوش من برای کار انجیل مجاهده کرده اند"
NKJV	"با من کار کردند"
NRSV	"در کنار من تلاش کردند"
TEV	"سخت با من کار کردند"

این اصطلاح فقط در اینجا و در فیلیپیان ۱: ۲۷ استفاده می شود. این یک اصطلاح نظامی یا ورزشی برای "مبارزه سخت" است. این استعاره برای شدت کار انجیل است. این زنان به پولس در مأموریت امدادسانی کمک کردند. بسیاری از حامیان پولس که در رومیان ۱۶ ذکر شده بودند، زنان بودند. حتی مسیحیان اختلاف نظر دارند (مراجعه شود به اعمال رسولان ۱۵: ۳۶-۴۱). این که چگونه این مسئله را به عنوان مسیحی حل کردند نکته و شهادت است.

■ "اکلیمنٹس" این یک نام متداول در دنیای روم بود. از این شخص هیچ جای دیگری در عهد جدید نام برده نشده است. با این حال، اوریگن اسکندریه، ایزوبیوس و جروم معتقد بودند که این به کلمنت روم اشاره میکند که نامه‌ای به کلیسای قرنتس در بعضی زمانهای منتهی به پایان قرن اول نوشته بود (سال ۹۵ میلادی). با این حال، این شناسایی به نظر بسیار سودآور است.

■ "و دیگر همکارانم" پولس مایل بود از کمکهای بسیاری در کار انجیل خود استفاده کند. او پریمادونا نبود؛ او ظاهراً مسئولیت را به مردان و زنان دیگر اختصاص داده بود. جالب است که به تعداد زنانی که دستیار پولس بودند در رومیان ۱۶ توجه شود.

■ "که نامشان در دفتر حیات نوشته شده است" این ممکن است به ثبت نام مردم تحت پیمان در عهد عتیق اشاره کند (مراجعه شود به دانیال ۷: ۱۰؛ ۱۲: ۱) که به صورت استعاره‌ای بر حافظه خدا بود. دو کتاب در دانیال ۷: ۱۰ و مکاشفه ۲۰: ۱۲ الی ۱۵ ذکر شده اند. (۱) کتاب خاطرات و (۲) کتاب زندگی. کتاب خاطرات شامل اسم و اعمال هر دو بازخرید شده و از دست رفته است (مراجعه شود به مزامیر ۵۸: ۶؛ ۱۳۹: ۱۶؛ اشعیا ۶۵: ۶؛ ملاکی ۳: ۱۶). کتاب زندگی شامل نامهای بازخرید شده است و در خروج ۳۲: ۳۲، مزامیر ۶۹: ۲۸، اشعیا ۴: ۳؛ دانیال ۱۲: ۱؛ لوقا ۱۰: ۲۰؛ فیلیپیان ۴: ۳؛ عبرانیان ۱۲: ۲۳؛ مکاشفه ۳: ۵؛ ۱۳: ۸؛ ۱۷: ۸؛ ۲۰: ۱۲، ۱۵؛ ۲۱: ۲۷ دیده می شود. خداوند کسانی را که متعلق به او هستند می شناسد. او پیروانش را پاداش می دهد و بر شریان داوری می کند (متی ۲۵: ۳۱-۴۶؛ مکاشفه ۲۰: ۱۱-۱۵). در جهان یونان و روم این اصطلاح به ثبت رسمی یک شهر اشاره کرد؛ اگر چنین باشد، ممکن است بازی دیگری در وضعیت رسمی این شهر به عنوان یک کلونی رومی (مراجعه شود به فیلیپیان ۱: ۲۷، ۳: ۲۰) باشد.

NASB (به روز شده): فیلیپیان ۴: ۴ الی ۷

همیشه در خداوند شاد باشید؛ باز هم می گویم: شاد باشید. ^۵بگذارید ملایمت شما بر همگان آشکار باشد. خداوند نزدیک است. ^۶برای هیچ چیز نگران نباشید، بلکه در هر چیز با دعا و استغاثه، همراه با شکرگزاری، درخواستهای خود را به خدا ابراز کنید. ^۷بدین گونه، آرامش خدا که فراتر از تمامی عقل است، دلها و ذهنهاتان را در مسیح عیسی محفوظ نگاه خواهد داشت.

۴: ۴ دو حالت حال فعال امری از اصطلاح "شادی" در فیلیپیان ۴: ۴ وجود دارد. این اصطلاح را می توان به عنوان یک وعده ترجمه کرد، اما در این متن باید آنها را "شادی کن" ترجمه کرد (مراجعه شود به اول تسالونیکیان ۵: ۱۶). این یک موضوع اصلی در فیلیپیان است. به تعداد دفعاتی که اصطلاحات "همه" و "هر کدام" در فیلیپیان ۴: ۴ الی ۱۳ استفاده می شوند، توجه کنید. همانطور که در فیلیپیان ۱: ۱-۸ مبینید، شادی نباید با شرایط مرتبط باشد. کلید ارتباط مؤمنان با مسیح است ("در ایمان به سرور").

۵: ۴

NASB	"روح لطیف"
NKJV, NRSV	"ملايتم"
TEV	"گرایش لطیف"
NJB	"حس خوب"

این فرا خواندن به شیوه زندگی مسیحی در فیلیپیان ۳: ۱ آغاز شد. اما بحث درباره معلمان دروغین، از ذهن پولس رفت تا زمانیکه این تأکید را دوباره تجدید می کند. اصطلاح خودش بهتر است "نوع"، "ملايتم" یا "تساوی" ترجمه شود (مراجعه شود به اول تیموتائوس ۳: ۳، تیتوس ۳: ۲، یعقوب ۳: ۱۷، اول پطرس ۲: ۱۸).

■ "بر همگان آشکار باشد" این آیه را به دو شیوه میتوان ترجمه کرد:

۱. مؤمنان باید این ملاطفت را نسبت به مؤمنان دیگر داشته باشند تا کسانی که در خارج از کلیسا قرار دارند، متوجه شده و به سوی مسیح جذب شوند (متی ۵: ۱۶)
۲. این ملاطفت باید نسبت به همه افراد بدون توجه به رابطه آنها با سرور، به عنوان شاهدهی برای قدرت او در زندگی این کفار ایمان آورده و به عنوان عامل بازدارنده انتقاد ناعادلانه توسط کافران باشد (مراجعه شود به رومیان ۱۲: ۱۷، ۱۴: ۱۸، دوم قرنتیان ۸: ۲۱؛ اول پطرس ۲: ۱۲، ۱۵: ۳؛ ۱۶).

این کلمه "نزدیک"، برای زمان استفاده می شود (متی ۲۴: ۳۲، ۳۳). آمدن دوم یک موضوع مکرر در فیلیپیان است. این معنای بسیار مشابه کلمه آرامی *maranatha* (مراجعة شود به اول قرن تیان ۱۶: ۲۲؛ افسسیان ۲۲: ۱۰) دارد. هر لحظه انتظار آمدن دوم، تشویقی برای زندگی مسیحی است (رومیان ۱۳: ۱۲؛ یعقوب ۵: ۸-۹).

همچنین ممکن است که این به لحظه لحظه حضور خداوند در کنار مؤمنان اشاره کند (انجیل متی ۲۸: ۲۰؛ رومیان ۱۰: ۸ و *Answers to Questions*، اثر F. F. Bruce، صفحه ۲۰۱).

موضوع خاص: ماراناتا

Special Topic: Maranatha

این یک عبارت آرامی است که نشان دهنده الهیات اولیه فلسطین (۱) الهی بودن عیسی (مزامیر ۱۱۰) یا (۲) آمدن دوم عیسی (اعمال رسولان ۳: ۱۹-۲۱) است. معنی آن بستگی به این دارد که چگونه کلمه را تقسیم شود:

۱. "سرورم، بیا" (*marana-tha*) معنی یک عبارت عرفی مشابه در مکاشفه ۲۲: ۲۰ است. بنابراین، بیشتر ترجمه‌ها معنی اول قرن تیان ۱۶: ۲۲ را مد نظر قرار میدهند. اگر چنین باشد، پس این دعا برای بازگشت عیسی خواهد بود.
۲. "سرورمان آمده است" (*maran-atha*) یک زمان کامل آرامی خواهد بود. این ترجمه است که کریسوستوم (۳۴۵ الی ۴۰۷ میلادی) ترجیح داده است، که از قیام عیسی سخن بگوید.
۳. "سرورمان در حال آمدن است"، یک زمان نبوتی کامل در دستور زبان عبری، که بسیاری از آنها به عنوان انگیزه‌ای برای بشارتهای مسیحی استفاده می کنند، منعکس می شود. آمدن دوم همیشه برای مؤمنان در هر سنی تشویق شده است.
۴. *Didache* (که در اواخر قرن اول یا دوم نوشته شده است) ۱۰: ۶ از همان عبارت در متن شام سرور استفاده می کند که در آن حضور عیسی و آینده مسیحیت هر دو در دعا تأکید می شوند.

۴: ۶ " برای هیچ چیز نگران نباشید" این یک حال فعال امری است. کلیسای فیلیپیان تحت تنش شدید قرار داشت، هم از بیرون و هم از درون. اضطراب و بی‌زگی مناسب برای زندگی مسیحی نیست (متی ۶: ۲۵-۳۴ و اول پطرس ۵: ۷). هیچ چیز وجود ندارد که مؤمنان نگران باشند مگر آنکه احتمالاً آنها در ایمان به سرور و خدمت به او سستی کنند. دشمن بزرگ صلح اضطراب است.

■ "بلکه در هر چیز با دعا و استغاثه، همراه با شکرگزاری" این یک پاسخ کلیدی برای اضطراب است، برای دیگران و خودمان، همراه با شکرگزاری. جالب است که چگونه پولس از اصطلاح "قدردانی" در کنار دعا استفاده می کند (افسسیان ۵: ۲۰؛ کولسیان ۴: ۲؛ اول تسالونیکیان ۵: ۱۷-۱۸؛ اول تیموتائوس ۲: ۱). تضاد واضحی میان "برای هیچ چیز" و "در همه چیز" وجود دارد. به موضوع خاص: ستایش، نماز و شکرگذاری پولس افسسیان ۳: ۲۰ مراجعه کنید.

■ "درخواستهای خود را به خدا ابراز کنید" این یک حال مجهول امری است. چندین عبارت در عهد جدید وجود دارند که بر مؤمنین تأکید دارد که باید در دعا اصرار ورزند (مراجعة شود به انجیل متی ۷: ۷-۱۱؛ لوقا ۱۸: ۲-۸). احتمالاً، شکرگزاری و پشتکار داشتن، دو عنصر گمشده در الهیات مناسب نماز است. خدا می داند چه چیزی مورد نیاز است، اما او تمایل به مشارکت و اعتماد در دعا دارد. خداوند در دعاها فرزندانش در بسیاری از مناطق محدود شده است. "ما نداریم چون درخواست نکردیم" (مراجعة شود به یعقوب ۴: ۲).

۴: ۷ "آرامش خدا" جالب است که در این زمینه صلح خدا در فیلیپیان ۴: ۷ ذکر شده است و خدایی که آن را میدهد در فیلیپیان ۴: ۹ ذکر شده است. اولی تأکید بر آن چیزی می کند که خدا می دهد و دومی بر شخصیت او تأکید دارد. صلح در مفاهیم مختلفی در عهد جدید مورد استفاده قرار گرفته است:

۱. می توان یک عنوان باشد (مراجعة شود به اشعیا ۹: ۶؛ رومیان ۱۵: ۳۳؛ ۱۶: ۲۰؛ دوم قرن تیان ۱۳: ۱۱؛ فیلیپیان ۴: ۹؛ اول تسالونیکیان ۵: ۲۳؛ دوم تسالونیکیان ۳: ۱۶)
۲. می تواند به صلح انجیلی در مفهوم عینی اشاره کند (یوحنا ۱۴: ۲۷، ۱۶: ۳۳؛ کولسیان ۱: ۲۰)
۳. می تواند صلح انجیلی را در مفهوم ذهنی بیان کند (افسسیان ۲: ۱۴-۱۷؛ کولسیان ۳: ۱۵)

گاهی اوقات ۲ و ۳ در رومیان ۵: ۱ ترکیب می‌شوند. به موضوع خاص: صلح در کولسیان ۱: ۲۰ مراجعه کنید.

■ "که فراتر از تمامی عقل است" این وجه وصفی حال فعال است. این عبارت به دو صورت تفسیر شده است: (۱) صلح خدا بهتر از دلیل انسانی است؛ (۲) صلح خداوند فراتر از ذهنیت انسان است. متن همسو در افسسیان ۳: ۲۰ مفید است. راه‌های خدا فراتر از راه‌های ما هستند (اشعیا ۵۵: ۸-۹). یک مثال از این صلح که تمام توانایی انسان را درک می‌کند در زندگی پولس در این فصل بسیار یافت می‌شود (فیلیپیان ۴: ۱۱-۱۳). صلح با خدا باید با شرایط غیر مرتبط باشد و به طور ایمن به شخص و کار مسیح قفل شود. برای "فراتر" (*huperechō*) به موضوع خاص: استفاده پل از ترکیبات *huper* در افسسیان ۱: ۱۹ مراجعه کنید.

■ "دلها و ذهنهائتان را محفوظ نگاه خواهد داشت" صلح خدا به عنوان سربازی که از ایمان محافظت می‌کند، عمل مینماید. مشابه همین حقیقت زیبا در مورد حرمت خدا که فرزندانش را مستقر میکند، را می‌توان در اول پطرس ۱: ۴، ۵ مشاهده کرد. دو اصطلاح یونانی "قلب" (کاردیا) و "ذهن" (نوس) در زمان صحبت کردن در مورد کل فرد (احساس و فکر کردن) مترادف هستند. پولس بر تفکر مسیحی در طول این نامه تأکید دارد. به یادداشت فیلیپیان ۳: ۱۵ توجه کنید. موضوع خاص: قلب/دل در کولسیان ۲: ۲ را مطالعه کنید.

■ "در مسیح عیسی" او کلید الهیات پولس است. تمامی مزایا و برکات خداوند در زندگی انسان گمراه و سقوط کرده از طریق تعالیم، مرگ، قیام، آمدن دوم و اتحاد شخصی با عیسی مسیح داده میشود. مؤمنان با او زندگی می‌کنند. این از لحاظ الهی مترادف با "اطاعت از من" در انجیل یوحنا ۱۵ است.

NASB (به روز شده): فیلیپیان ۴: ۸ الی ۹

در پایان، ای برادران، هرآنچه راست است، هرآنچه والا است، هرآنچه درست است، هرآنچه پاک است، هرآنچه دوست‌داشتنی و هرآنچه ستودنی است، بدان ببندید. اگر چیزی عالی است و شایان ستایش، در آن تأمل کنید. آنچه از من آموخته و پذیرفته‌اید و هرآنچه از من شنیده و یا در من دیده‌اید، همان را به عمل آورید، که خدای آرامش با شما خواهد بود.

۴: ۸ الی ۹ این ادامه تأکید بر تفکر زندگی مومنین است. رومی‌ها ذهن را به عنوان بستر روح می‌شناختند. آنچه ما فکر می‌کنیم تبدیل به کسی می‌شود که هستیم این آیات در زندگی کلیسای مدرن غربی در روزگاری که شرارت اجتماعی پذیرفته شده، بسیار مورد نیاز است. لیست پولس شبیه فهرست فضایل استوکیک است. پولس به عنوان یک شهروند تاروسوس با فلسفه یونان آشنا شد. او حتی از چندین نویسنده یونانی نقل قول می‌کند (مراجعه شود به اعمال رسولان ۱۷: ۲۸؛ اول قرنتیان ۱۵: ۳۷ و تیتوس ۱: ۱۲). نگاه کنید به موضوع خاص: فساد و تقوا در عهد جدید در کولسیان ۳: ۵.

۴: ۸ "در پایان" به یادداشت فیلیپیان ۳: ۱ مراجعه کنید.

■ "راست" این درست در برابر خطا است، با این حال، حقیقت آکادمیک نیست، بلکه شیوه زندگی خدا پسندانه است. همین اصطلاح برای خدا در رومیان ۴: ۳ استفاده شده است.

■ "والا" این به معنای واقعی کلمه "باوقار" است. این اصطلاح اغلب "قبر" ترجمه شده است و برای رهبران کلیسا در اول تیموتائوس ۳: ۸، ۱۱ و تیتوس ۲: ۲ استفاده می‌شود. به نظر می‌رسد در مفهوم "شرافت" با "جذابیت" در مورد هم نجات یافته و هم از دست رفته به کار رفته است.

■ "درست" این به یک شخصیت سازگار با استاندارد شخصیت خدا اشاره دارد و در نتیجه یک شخصیت اخلاقی است. در عهد عتیق اصطلاح عبری برای "درست" از کلمه "چوب اندازه‌گیری" می‌آید و به طبیعت خدا به عنوان استاندارد اشاره دارد که همه انسانها را داوری می‌کند. این بدان معنا نیست که انسانها با تلاش خود در مسیر درستی با خدا قرار می‌گیرند، اما خداوند آزادانه عدالت مسیح را به کسانی که به او ایمان می‌آورند، به عهده می‌گیرند. بعد از آن، شخصیت خدا، گیرنده را متحول می‌کند!

■ "پاک" این اصطلاح در مفهوم پاکی اخلاقی استفاده شده است (مراجعه شود به اول یوحنا ۳: ۳)

■ "دوست‌داشتنی" این اصطلاح تنها در اینجا در عهد جدید استفاده شده است. به نظر می‌رسد به معنای "خشنود"، "مهربان"، "دوستانه" یا "دلپذیر" باشد. این یک فراخوان دیگر برای مؤمنان است تا زندگی جذابی داشته باشند.

NASB	"دارای حسن شهرت"
NKJV	"شایان ستایش"
NRSV	"ستودنی"
TEV	"شایان تمجید"
NJB	"تحسین"

این اصطلاح تنها در اینجا در عهد جدید استفاده شده است. این به معنای "ستایش و شایستگی" یا "جذاب" است.

■ "اگر چیزی عالی است" شکل دستور زبانی این هشت مورد که در فیلیپیان ۴: ۸ استفاده شده اند، بعد از مورد ششم تغییر می کند و به عبارت شرطی نوع اول تبدیل می شوند که تصور می شود شرط درست باشد. اصطلاح "عالی" تنها در اینجا در نوشته های پولس و تنها در سه بار در پطرس مورد استفاده قرار گرفته است (مراجعه شود به اول پطرس ۲: ۹؛ دوم پطرس ۱: ۳، ۵). این اشاره به انجام کاری است که اعتبار همراه آن است. این یک اصطلاح متداول در میان فلاسفه اخلاق یونانی بود (Stoics). این برای بیان خوب بودن در مفهوم عملی است.

■ "شایان ستایش" این به معنای «آن چیزی که توسط خدا و توسط انسان تصدیق شده بود» است (مراجعه شود به فیلیپیان ۱: ۱۱). این به معنای از نظر اجتماعی برای یک فرهنگ قابل قبول بودن به منظور جذب افراد به سوی خدا است (مراجعه شود به اول تیموتائوس ۳: ۲ و ۷ و ۱۰، ۵: ۷، ۶: ۱۴).

NASB "در این چیزها ساکن شوید"

NKJV "به این چیزها فکر کنید"

NRSV "درباره اینها فکر کنید"

TEV "ذهن خود را با آن چیزها پر کنید"

NJB "بگذارید ذهنتان پر شود با"

(این تفسیر مربوط به عبارتی است که در فارسی "در آن تأمل کنید" ترجمه شده که این ترجمه با هیچیک از متون انگلیسی مورد استفاده برای این تفسیر مطابقت ندارد) این یک حال میانی امری است. این اصطلاح تجاری (*logizomai*)، فرایند محاسبه یا استدلال است که مستمر و دارای اولویت است. در این موارد باقی بمانید تا بتوانید تفکر و زندگی خود را شکل دهید (به فیلیپیان ۳: ۱۵ مراجعه کنید). خداوند سهم خود را در زندگی مؤمنان از طریق فیض انجام خواهد داد، اما آنها باید از طریق برداشتن چیزهایی که می دانند، قلبشان را از سرور دور می کنند، سهم خود را انجام دهند (مراجعه شود به اول تسالونیکیان ۵: ۲۱ الی ۲۲) بردارند.

۴: ۹ "آنچه از من آموخته و پذیرفته اید و هرآنچه از من شنیده و یا در من دیده اید" همه این چهار فعل، آئوریست فعال اخباری هستند. این مربوط به فعالیتهای پولس در فیلیپیه است. هم محتوای الهیات مؤمنان و هم شیوه زندگی آنها (عزرا ۱۰: ۷) مهم هستند، اگر مؤمنان منعکس کننده پروردگار باشند و دیگران را به سوی او جذب کنند.

جالب است که کلمه دوم "دریافت شده" (*paralambanō*) یک اصطلاح رسمی برای "سنت پذیرفته شده" شد و به همین ترتیب توسط پولس در اول قرنیتیان ۱۱: ۲۳؛ ۱۵: ۳ استفاده شد.

■ "دیده اید" این تأکید در فیلیپیان ۳: ۱۷ آغاز میگردد. همانطور که پولس از مسیح پیروی می کند، مومنین هم باید پیروی کنند.

■ "همان را به عمل آورید" (در نسخه انگلیسی "این چیزها را تمرین کنید" نوشته شده است) این یک حال فعال امری است، "به تمرین این چیزها ادامه دهید!" نه فقط شنوندگان، بلکه انجام دهندگان (مراجعه شود به انجیل لوقا ۱۱: ۲۸؛ یعقوب ۱: ۲۲). این بسیار شبیه مفهوم عبری، شیما است (مراجعه شود به تثنیه ۵: ۱؛ ۶: ۴؛ ۹: ۱؛ ۲۰: ۳؛ ۲۷: ۹-۱۰)، که به معنی "شنیدن جهت انجام دادن" است. مسیحیت نباید تبدیل به یک اعتقاد جدا از زندگی روزمره خدایی شود.

■ "خدای آرامش" همانطور که آیه ۷ بر صلی که خداوند می دهد، تأکید می کند، این آیه بر ماهیت کسی که آن را می دهد، تأکید می کند. این تأکید بر صلح آمیز بودن خدا در رومیان ۱۵: ۳۳، ۱۶: ۲۰، دوم قرنیتیان ۱۳: ۱۱، اول تسالونیکیان ۵: ۲۳، عبرانیان ۱۳: ۲۰ دیده می شود. عیسی در دوم تسالونیکیان ۳: ۱۶ ارباب صلح نامیده می شود.

NASB (به روز شده): فیلیپیان ۴: ۱۰ الی ۱۴

۱۰ در خداوند بسیار شادمانم که اکنون دیگر بار دغدغه شما برای احتیاجات من شکوفه آورده است. البته شما همیشه به فکر من بوده اید، اما فرصت ابراز آن را نداشتید. ۱۱ این را از سر نیاز نمی گویم، زیرا آموخته ام که در هر حال قانع باشم. ۱۲ معنی نیازمند بودن را می دانم، نیز معنی زندگی در وفور نعمت را. در هر وضع و حالی، رمز زیستن در سیری و گرسنگی، و بی نیازی و نیازمندی را فرا گرفته ام. ۱۳ قدرت هر چیز را دارم در او که مرا نیرو می بخشد. ۱۴ با این حال، لطف کردید که در زحمات من شریک شدید.

۴: ۱۰ "شادمانم" پولس از کمک این کلیسا (پول، توجه، دعا، اپافرودیتوس) قدردانی می کند.

NASB, NRSV "که در حال حاضر توجه شما برای من احیا شده است"

NKJV

TEV

NJB

"که اکنون دیگر بار دغدغه شما برای احتیاجات من شکوفه آورده است"
"پس از مدت زمان زیادی بار دیگر فرصتی پیش آمد که شما به من اهمیت دهید"
"اکنون که در نهایت توجه شما به من دوباره شکوفا شده است"

در نگاه اول چنین به نظر می‌رسد یک بیان منفی به زبان انگلیسی باشد. این بسیار شبیه به عبارت موجود در رومیان ۱: ۱۰ است. اصطلاح "زنده" به معنای "دوباره شکوفا شدن" است. پولس به سادگی می‌گوید که آنها می‌خواستند به او کمک کنند، ولی فرصت نداشتند (هر دو فعل فیلیپیان ۴: ۱۰ ب غیر کامل و نامحدود هستند). این احتمالاً به یک هدیه نقدی اشاره دارد (فیلیپیان ۴: ۱۴). برای یک مقاله خوب می‌توانید *To What End Exegesis?* اثر Gordon Fee صفحه ۲۸۲-۲۸۹ را مطالعه کنید).

۴: ۱۱ " **آموخته‌ام که در هر حال قانع باشم**" این یک زمان آتوریست است که یک اصطلاح رواقی (*autarkēs*) را به کار گرفته است. رواقیون این اصطلاح را "تحسین" ترجمه کرده و از آن به عنوان هدف فلسفه خود استفاده می‌کردند که دوری از بی‌رحمیهای امور زندگی، و "خود کفایی" بود. پولس نمیگفت که او خودکفا بود، بلکه میگفت عیسی برایش کافی بود ("در سرور"، فیلیپیان ۴: ۱۰). صلح خدا به شرایط مرتبط نیست، بلکه با شخص و کار مسیح مرتبط است. این رضایت هم جهان بینی مسیحی است و هم دوستی با نجات دهنده. مفهوم الهیاتی رضایت مسیحی نیز در دوم قرن‌تیا ۹: ۸، اول تیموتائوس ۶: ۶ و ۸، عبرانیان ۱۳: ۵ یافت می‌شود.

۴: ۱۲ این آیه دارای سه فعل کامل و شش فعل حال نامحدود است. این یک اعتقاد زیبا و هنری از اعتماد پولس نسبت به اعتقاد خداوند در هر لحظه "در ایمان به مسیح" است. موضوع خاص: ثروت در افسسیان ۴: ۲۸ را مطالعه کنید.

■ "در هر وضع و حالی، رمز زیستن در سیری و گرسنگی، و بی‌نیازی و نیازمندی را **افرا گرفته‌ام**." دو اصطلاح "من می‌دانم" هستند که کامل فعال اخباری هستند. پولس با خواستن و فراوانی آشنا بود. اصطلاح اول در فیلیپیان ۲: ۸ "فروتنی" ترجمه شده است، جایی که در مورد عیسی استفاده شده است. در اینجا این یعنی "کمتر از آنچه که برای زندگی روزمره مورد نیاز است".

کلمه دوم به معنی "بسیار بیشتر از آنچه زندگی روزمره نیاز دارد." دو خطری وجود دارد که مؤمنان در شیوه زندگی مسیحی خود با آن مواجه می‌شوند: فقر و ثروت (مراجعه شود به امثال ۳۰: ۷ الی ۹). خطر این است که با فقر، فرد از خدا دلسرد و مایوس میشود و با ثروت فرد خودکفا شده و از خدا جدا می‌شود.

■ "بی‌نیازی اطمینان" موضوع خاص: فراوانی در افسسیان ۱: ۸ را مطالعه کنید.

NASB, NRSV,

TEV

NKJV

NJB

"رازی را **افرا گرفته‌ام**"

"**فرا گرفته‌ام**"

"در رازی استاد شده‌ام"

این به معنای "من کاری را یاد گرفته‌ام" است. این یک زمان کامل مجهول اخباری دیگر است. این اصطلاح تنها در اینجا در عهد جدید استفاده شده است. در ادیان رمز و راز برای کسی که به فرقه خود وارد شده بود مورد استفاده قرار گرفت. پولس ادعا کرد که با تجربه و الهیات آموخته است که راز واقعی خوشبختی در مسیح است نه در شرایط (مراجعه شود به *The Christian's Secret of a Happy Life*, اثر Hannah Whithall Smith).

۴: ۱۳ اصطلاح "مسیح" در نسخه پادشاه جیمز دیده میشود ولی در این آیه در قدیمی‌ترین نسخ یونانی (A, B یا D*) یافت نمی‌شود. با این حال، عبارات "او" قطعاً به عیسی اشاره دارند. این یکی از حقایق موجود در یوحنا ۱۵: ۵ است. حقیقت انجیل اغلب در زوج پر از تنش ارائه می‌شود. معمولاً یک طرف تأکید بر دخالت خداوند تأکید دارد و طرف دیگر، بر بشریت. این روش شرقی ارائه حقیقت برای مردم غربی بسیار دشوار است. بسیاری از تنشها بین فرقه‌ها یک سوء تفاهم از این نوع ارائه‌های دیالکتیکی حقیقت است. تمرکز کردن بر روی یکی از جنبه‌ها حاصلش این است که دیگری را از دست می‌دهید! این متون اثبات شده، به سیستم‌های الهیاتی تبدیل شده‌اند که در واقع تنها "نیمی از حقیقت" هستند!

■ "نیرو می‌بخشد" این یک وجه وصفی حال فعال است: "کسی که به تقویت ادامه می‌دهد" (مراجعه شود به افسسیان ۳: ۱۶؛ کولسیان ۱: ۱۱؛ اول تیموتائوس ۱: ۱۲، دوم تیموتائوس ۴: ۱۷). مومنین باید توسط مسیح تقویت شوند. آنها همچنین باید قوی باشند (مراجعه شود به اول قرن‌تیا ۱۶: ۱۳، افسسیان ۶: ۱۰، دوم تیموتائوس ۲: ۱). این تنش پارادوکسیتی است که اغلب در انجیل یافت می‌شود. مسیحیت یک پیمان است؛ خداوند آن را آغاز می‌کند و شرایط و امتیازات را تعیین می‌نماید، اما انسانها باید پاسخ دهند، اطاعت کنند و ادامه دهند! این مؤمنان تحت فشار داخلی و خارجی معلمان دروغین و مجرمان قرار گرفتند! همانطور که پولس در هر شرایطی مطمئن بود، بنابراین باید آنها هم باشد (و ما هم همینطور).

۴: ۱۴ این مؤمنان با گسترش انجیل (فیلیپیان ۱: ۵) و آزار و اذیتی که آن را به ارمغان آورده بود، با پولس اشتراک داشتند. موضوع خاص: ترس و وحشت در

NASB (به روز شده): فیلیپیان ۴: ۱۵ الی ۲۰

^{۱۵} شما نیز، ای فیلیپیان، نیک می‌دانید که در اوایل ایمانتان به انجیل، پس از آنکه مقدونیه را ترک کردم، هیچ کلیسایی جز شما در امر دادن و گرفتن با من شریک نشد. ^{۱۶} زیرا حتی زمانی که در تسالونیکه بودم، چند بار برای رفع احتیاجاتم فرستادید. ^{۱۷} نه اینکه در پی دریافت هدیه باشم، بلکه در پی بهره‌ای هستم که بر حساب شما افزوده شود. ^{۱۸} وجه کامل به من پرداخت شد و بیش از احتیاج خود دارم. حال که کمک ارسالی شما را از اپافرودیتوس دریافت کرده‌ام، از همه چیز به فراوانی برخوردارم. هدیه شما عطر خوشبو و قربانی مقبولی است که خدا را خشنود می‌سازد. ^{۱۹} و خدای من، همه نیازهای شما را بر حسب دولت پرجلال خود در مسیح عیسی رفع خواهد کرد. ^{۲۰} خدا و پدر ما را تا ابد جلال باد. آمین.

۴: ۱۵ و ۱۶ این به عنوان متضاد دوم قرن‌تین ۱۱: ۸-۹ در نظر گرفته شده است، که دلالت بر این دارد سایر کلیساهای مقدونیه نیز به پولس کمک کردند. با این حال، عنصر زمان قابل توجه است. پولس می‌گوید که در این زمان خاص کلیسای دیگری علاوه بر این کلیسا در فیلیپیه به او کمک نکرده بود. پولس بسیار مشتاق پذیرش کمکهای مالی بود (مراجعه شود به اول قرن‌تین ۹: ۴-۱۸؛ دوم قرن‌تین ۱۱: ۷-۱۰؛ ۱۲: ۱۳-۱۸؛ اول تسالونیکیان ۲: ۵-۹؛ دوم تسالونیکیان ۳: ۷-۹).

۴: ۱۵ "شما نیز... نیک میدانید" (ترجمه متن انگلیسی این عبارت "شما خودتان... نیز میدانید" خوانده میشود) در این عبارت "شما خودتان" یک عبارت تأکیدی فعال اخباری است. پولس خود را با این کلیسا همسو می‌کند و آنها مقابله می‌کند.

موضوع خاص: کلیسا (EKKLESIA)

NASB, NKJV,

NRSV "در امر دادن و گرفتن با من شریک نشد"

TEV "شریک شدن در ضرر و زیان من"

NJB "حساب مشترکی با من ایجاد کردند برای امر هزینه‌ها و رسیدها"

یک سری از اصطلاحات تجاری در فیلیپیان ۴: ۱۵-۱۸ وجود دارند که می‌توان از پاپیروس یونانی کوبین که در مصر و اوسترا یافت شده (تکه شکسته ظرف که به عنوان مواد نوشتاری استفاده میشد) تایید و تعریف شده است. اولی یک اصطلاح بانکی برای یک حساب باز بود.

پولس به شدت از مشکلات ناشی از مالی آگاه بود. به عنوان یک ربی، او مجاز به آموزش دادن در برابر پرداخت پول نبود. اتهامات غلط جناحها قرن‌تس، او را مجبور به امتناع از کمک پولی از کلیساهای، کرد. پولس باید با این جماعت منحصر به فرد احساس راحتی کند.

۴: ۱۷ "در پی... در پی" این اصطلاح یونانی بسیار قوی است که دو بار برای نشان دادن احساسات مبهم پولس در مورد شکرگزاری او برای هدیه استفاده می‌شود و هنوز به طور جدی به دنبال کمک آنها نیست. او متوجه شد که آنها از خداوند دست و دلبازی و خدمت در انجیل برکت و نعمت دریافت کرده‌اند. برای این او خوشحال بود.

■ "بهره‌ای... که بر حساب شما افزوده شود" این استعاره تجاری دیگری است که اشاره به سودی دارد که در حساب دیگری جای گرفته است. دادن به انجیل موجب نتایجی در برآورده شدن برکات انجیل میشود (مراجعه شود به فیلیپیان ۴: ۱۹).

۴: ۱۸ "وجه کامل به من پرداخت شد" این یک اصطلاح تجاری دیگر برای دریافت وجه به طور کامل است. پولس احساس کرد این کلیسا هر چیزی را که انتظار میرفت فراوان انجام میداد، و حتی خیلی فراوانتر از آن را انجام می‌داد. (استفاده از اصطلاح "فراوان" یا "فراوانی" و زمان کامل اخباری "به طور کامل عرضه شده").

■ "اپافرودیتوس" او نماینده کلیسای فیلیپیان بود که برای دادن هدیه پولی فرستاده شد و برای کمک به پولس (مراجعه شود به فیلیپیان ۲: ۲۵-۳۰) نزد او ماند.

■ "عطر خوشبو و قربانی مقبولی است که خدا را خشنود می‌سازد" این از یک استعاره عهد عتیقی از یک قربانی پذیرفته شده بر روی محراب سوزاندن (مراجعه شود به پیدایش ۸: ۲۱؛ خروج ۲۹: ۱۸، ۲۵، ۴۱؛ لوقا ۹: ۱۳؛ حزقیال ۲۰: ۴۱) به وجود آمد. این همان نوع استعاره پولس در دوم قرن‌تین ۲: ۱۵ و افسسیان ۵: ۲ است.

کمکی که به پولس به عنوان بشارت دهنده انجیل شد در واقع به خدا داده شده است و او بازپرداخت کرده و برکت داده است!

۴: ۱۹ " خدای من، همه نیازهای شما را رفع خواهد کرد " این یک چک سفید از خدا نیست! "نیاز" باید تعریف شود. این باید در پرتو اصول دادن روحانی که در دوم قرن‌تین ۸ و ۹، به ویژه ۹: ۶-۱۵ انجام شود. این یک وعده است که می‌تواند از محیط خارج شود و برای هر میل انسان مورد استفاده قرار گیرد. در این زمینه، مربوط به بشارت دادنهای پولس است. خداوند همواره کسانی را که خیرخواه هستند و به دیگران کمک میکنند، به آنها کمک می‌کند. این بدان معنا نیست که به آنها برای استفاده شخصی بیشتر داده میشود، بلکه به خاطر مناسبت‌های انجیلی بیشتر به آنها داده میشود!

■ " بر حسب دولت پرجلال خود در مسیح عیسی " لازم به ذکر است که انگیزه کل این فصل کار مسیح است و همه آنچه که در زندگی مسیحی انجام می‌شود، با کمک سرور است، "در ایمان به سرور" (مراجعه شود به فیلیپیان ۴: ۱، ۲، و ۴). همه نعمات خداوند از طریق مسیح می‌آیند.

۴: ۲۰ " خدا و پدر ما را تا ابد جلال باد " این بسیار شبیه به دعای پایانی پولس در کتب دیگر است. اصطلاح "برای همیشه و همیشه" به معنای واقعی کلمه "به عصر همه اعصار" است که اصطلاح یونانی برای "همیشه" است. به موضوع خاص: ستایش، نماز و شکرگزاری پولس در افسسیان ۳: ۲۰ مراجعه کنید.

توصیف خدا به عنوان پدر یکی از بزرگترین حقایق انجیل است (مراجعه شود به هوشع ۱۱). استعاره‌های خانوادگی برای خدا (پدر، پسر) به انسان کمک می‌کنند طبیعت و شخصیت او را درک کند. خداوند با استفاده از عناوین انسانی، قیاس‌های انسانی و نفی، خود را به فهم انسان مطابقت دهد. برای یادداشت کاملتر در مورد "شکوه/جلال" به افسسیان ۱: ۶ مراجعه کنید.

■ "آمین" کلمه عبری برای "ایمان" یا "وفاداری" است (مراجعه شود به حقوق ۲: ۴). در اصل این اصطلاح برای توصیف موضع پایدار مورد استفاده قرار می‌گرفت. این به معنای استعاری از کسی که وفادار، پایدار، استوار، قابل اعتماد، بود استفاده می‌شد. بعدها آن را معمولاً به معنای تأیید یک بیانیه معتبر استفاده کردند. موضوع خاص در افسسیان ۳: ۲۰ را مطالعه کنید.

NASB (به روز شده): فیلیپیان ۴: ۲۱ الی ۲۳

۲۱ به همه مقدسین در مسیح عیسی سلام برسانید. برادرانی که با من هستند، شما را سلام می‌گویند. ۲۲ همه مقدسین اینجا شما را سلام می‌فرستند، بخصوص آنان که از دربار قیصرند.
۲۳ فیض خداوند عیسی مسیح با روح شما باد. آمین.

۴: ۲۱ الی ۲۳ ممکن است که این به دست خود پولس نوشته شده باشد که یک روش رایج برای تأیید صحت نامه‌هایش بود (مراجعه شود به اول قرن‌تین ۱۶: ۲۱، غلاطیان ۶: ۱۱، کولسیان ۴: ۱۸، دوم تسالونیکیان ۳: ۱۷، فیلمون ۱: ۱۹). این نیز یک عمل معمول در پایروس یونانی کوبین یافت شده در مصر بود. اکثر نامه‌های پل به وسیله یک کاتب نوشته شده بودند (مراجعه شود به رومیان ۱۶: ۲۲).

۴: ۲۱ "به همه مقدسین سلام برسانید" (در نسخه انگلیسی این عبارت "به هر قدیسی سلام برسانید" خوانده میشود) این تنها استفاده از کلمه "قدیس" در عهد جدید به صورت مفرد است. این در فیلیپیان ۴: ۲۲ به صورت جمع است. حتی در فیلیپیان ۴: ۲۱ به مفهوم مشارکتی و جمعی استفاده می‌شود. رستگار شدن، یک بخش از یک خانواده، بدن، یک میدان، یک ساختمان، یک نفر را می‌سازد! غیرممکن است که یک روحانی تنها یک روحانی باشد. انجیل به صورت فردی دریافت می‌شود، اما منجر به نتیجه جمعی می‌شود.

مراقب تاکید بیش از حد دنیای مدرن غرب بر حقوق و آزادیهای فردی باشید. مسیحیت یک تجربه گروهی است. حتی شعارهای اصلاح طلب معروف (لوتر) مانند "کشیشی مومنین" از نظر انجیلی نادرست است. مردمان عهد جدید خدا با عبارات مقدس عهد عتیقی توصیف می‌شوند (مراجعه شود به اول پطرس ۲: ۵ و ۹، مکاشفه ۱: ۶۰). اما توجه داشته باشید که همه آنها جمع هستند، "یک پادشاهی از کشیشان".

به یاد داشته باشید که به مؤمنان به طور جداگانه در زمان رستگاری نعمتی جهت خیر عمومی داده میشود (مراجعه شود به اول قرن‌تین ۱۲: ۷). ما برای خدمت رستگار میشویم. محیط فرهنگ مدرن ما تمرکز کتاب مقدس را به "چه چیزی در آن برای من دارد؟" تغییر داده است. به این ترتیب، نجات به جای یک زندگی از بشارت، به یک بلیط بهشت تبدیل می‌شود. مؤمنان نجات نیافته‌اند تا بتوانند آزادی خود را تجربه کنند و پتانسیل خود را تحقق بخشند، آنان از گناه نجات پیدا میکنند تا به خدمت کنند (رومیان ۶). موضوع خاص: مقدسین در کولسیان ۱: ۲ را ببینید.

۴: ۲۲ " بخصوص آنان که از دربار قیصرند " این به وضوح به بندگان، بردگان و مقامات کوچک در رم در خدمات دولتی مربوط می‌شود (مراجعه شود به فیلیپیان ۱: ۱۳). انجیل پولس حتی به کارکنان خود امپراتور حمله کرد و یک روز باعث فروپاشی تمام نظام‌های کفر شد.

۲۳: ۴

NASB, NRSV,

"با روح شما باد"

NJB

"با همه شما باشد"

NKJV, TEV

این به شخص انسانی اشاره دارد. در عهد جدید اغلب دشوار است بدانید که آیا نویسنده به روح القدس اشاره میکند (با حرف بزرگ "S") یا روح انسانی که توسط روح القدس (با حرف کوچک "s") انگیزه میگیرد. در این آشکارا، آشکارا با حرف کوچک است.

تنوعی در میان نسخ دستنویس در متن پایانی پولس وجود دارد (مراجعه شود به غلاطیان ۶: ۱۸ و فیلمون ۲۵). بعضی از متون یونانی، K، NC، و Textus Receptus (NKJV)، "با همه شما" دارد، که متن پایانی پولس در اول قرن‌تبار ۱۶: ۲۴؛ دوم قرن‌تبار ۱۳: ۱۳؛ دوم تسالونیکیان ۳: ۱۸ و تیتوس ۳: ۱۵ بود. در اکثر پاپیروس‌های یونانی باستان و نسخ خطی غیر رسمی "با روح شما باد" دارند.

سوالات بحث

این یک راهنمای مطالعاتی است، که بدین معنی است که شما خودتان مسئول تفسیر انجیل هستید. هر یک از ما باید در مسیر خودمان گام برداریم. شما، انجیل و روح القدس در اولویت تفسیر هستید. شما نباید این امر را به یک مفسر واگذار کنید.

این سوالات مباحثاتی به منظور کمک به شما در تفکر نسبت به مسائل اصلی این بخش از کتاب مطرح شده‌اند. آنها صرفاً تفکر برانگیز هستند نه قطعی.

۱. عبارت کلیدی این فصل کدام است؟
۲. "محکم ایستادن" یعنی چه؟
۳. اصول حل اختلاف در کلیسای محلی کدامها هستند؟
۴. جنبه‌هایی از دعا که پولس در آیات ۴-۷ ذکر می‌کند را بیان کنید.
۵. با کلمات خود اهمیت آیات ۸ و ۹ بر روزگار ما را توضیح دهید.
۶. آیا آیه ۱۰ یک نکته منفی از سوی پل است که فیلیپیان را به خاطر کمک نکردن به او سرزنش میکند؟
۷. راز واقعی خوشبختی که در آیات ۱۱-۱۳ بیان شده، چیست؟
۸. سه اصطلاح تجاری که در آیات ۱۵، ۱۷ و ۱۸ یافت میشوند را فهرست و توضیح دهید.
۹. توضیح دهید که چگونه متن، تفسیر مناسب آیه ۱۹ الف را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

اصطلاحات دستور زبان یونانی

یونانی کوین (*Koine Greek*) که اغلب یونانی هلنی (*Hellenistic Greek*) هم گفته می‌شود، زبان متداول در منطقه مدیترانه بود که از زمان اسکندر کبیر (۳۳۶ تا ۳۲۳ قبل از میلاد) رایج شد و تا هشت صد سال (۳۰۰ قبل از میلاد تا ۵۰۰ بعد از میلاد) دوام یافت. این زبان صرفاً یک زبان ساده شده و کلاسیک یونانی نبود، بلکه از جهات مختلف حالت جدیدی از زبان یونانی بود که تبدیل به زبان دوم سرزمینهای باستانی خاور نزدیک و مدیترانه شده بود.

نسخه یونانی عهد جدید از برخی جهات منحصر به فرد است، زیرا نویسندگان آن به استثنای لوقا و نویسندگان عبری، زبان اولش احتمالاً آرامی بود. بنابراین نوشته‌های او تحت تاثیر کلمات و چارچوب ساختاری زبان آرامی بود. همچنین آنها Septuagint (ترجمه یونانی عهد عتیق) را می‌خواندند و از آن نقل قول می‌کردند که آن هم به زبان یونانی کوین نوشته شده بود. ولی Septuagint توسط اساتید یهودی که زبان مادری آنها یونانی نبود، نوشته شده بود.

این امر به ما یادآوری می‌کند که ما نمی‌توانیم عهد جدید را در قالب دستور زبانی درست ببینیم. منحصر به فرد است و وجوه اشتراک زیادی با (۱) Septuagint، (۲) نوشته‌های یهودی مانند نوشته‌های جوزفوس و (۳) پاپیروسی که در مصر یافت شد، دارد. پس چگونه می‌توانیم عهد جدید را از نظر دستور زبانی مورد بررسی و تحلیل قرار دهیم؟

ویژگی‌های دستور زبانی یونانی کوین و عهد جدید روان هستند. از جهات بسیاری نوعی ساده‌سازی دستور زبان است. متن راهنمای اصلی ما می‌باشد. کلمات فقط در متون طولانی دارای معنی هستند، بنابراین ساختار دستور زبانی را فقط می‌توان در سایه (۱) شیوه نگارش یک نویسنده خاص، و (۲) یک متن خاص درک کرد.

زبان یونانی کوین اساساً یک زبان گفتاری بود. اغلب کلید تفسیر و ترجمه نوع و فرم کلمات و افعال هستند. در بیشتر عبارات اصلی فعل اول می‌آید تا برتری آن را نشان دهد. در تحلیل فعل در زبان یونانی باید به سه بخش اطلاعات توجه کرد: (۱) تاکید اولیه زمان فعل، لحن گفتار و حس گفتار (اصول صرف و نحو و تاریخ لغوی)، (۲) معنی اصلی یک فعل خاص (واژه نگاری)، و (۳) موضوع متن (هماهنگی قسمتهای مختلف متن).

I. زمان فعل

A. زمان یا وضع فعل شامل رابطه افعال برای تکمیل یک عمل یا کامل نشدن یک عمل است. این اغلب "کامل" یا "ناکامل" گفته می‌شود.

۱. فعل زمان کامل بر رخداد یک عمل تمرکز دارد. هیچ گونه اطلاعات بیشتری داده نمی‌شود به جز اینکه اتفاقی رخ داده است! شروع، طول مدت یا دوام و پایان آن مشخص نمی‌شود.
۲. فعل زمان ناکامل بر تداوم فرایند یک عمل تمرکز دارد. می‌توان آن را در قالب یک حرکت خطی، مدت زمان سپری شده و پیشرفت عمل توصیف کرد.

B. زمانهای افعال را می‌توان بر اساس اینکه نویسنده چگونه پیشرفت عمل را می‌بیند، طبقه‌بندی کرد

۱. رخ داد (عمل انجام شد) = آنوریستی
 ۲. رخ داد و نتایج آن متوقف شد = کامل
 ۳. در زمان گذشته در حال انجام بود و خاتمه یافت، ولی نه در حال = ماضی بعید
 ۴. در حال وقوع است = زمان حال
 ۵. در حال انجام بود = ناکامل
 ۶. بوقوع خواهد پیوست = آینده
- یک مثال صریح از اینکه چگونه این زمان‌ها به ترجمه و تفسیر کمک می‌کنند می‌تواند فعل "نجات دادن" (save) باشد. این در چندین حالت زمانی مختلف استفاده شده است تا روند اجرا و نقطه اوج آن نشان داده شود.

۱. آنوریست - "نجات داد" (رجوع شود به رومیان ۸: ۲۴)

۲. کامل - "نجات داده شد و نتیجه آن همچنان ادامه دارد" (رجوع شود به افسسیان ۲: ۵ و ۸)

۳. حال - "نجات داده می‌شود" (رجوع شود به اول قرن تیان ۱: ۱۸، ۱۵: ۲)

۴. آینده - "نجات داده خواهد شد" (رجوع شود به رومیان ۵: ۹ و ۱۰، ۱۰: ۹)

C. با تمرکز بر روی زمان فعل، مترجمین باید دنبال دلیلی بگردند که چرا نویسنده اصلی یک زمان خاصی را برای بیان عبارت خویش استفاده کرده است. زمان فعل "ریشه‌دار نکردن" آنوریستی بود. از آن می‌توان برای طیف وسیعی از شیوه‌هایی که متن باید تعیین کننده باشد، استفاده کرد. خیلی ساده، می‌گوید که اتفاقی رخ داده است. جنبه گذشته زمان صرفاً به منظور این است که نشان دهنده حالت باشد. اگر هر زمان دیگری استفاده شده بود، بر روی چیزی دقیقتر تاکید شده بود. ولی چه؟

۱. زمان کامل. از کامل شدن عملی با نتیجه مشخص صحبت می‌کند. در برخی شرایط، ترکیبی از زمان آنوریستی و زمان حال است. معمولاً

- تمرکز بروی نتایج حاصله و یا کامل شدن عمل است (مثال: افسسیان ۲: ۵ و ۸، "از راه ایمان نجات یافته‌اید")
۲. زمان ماضی بعید. این زمان همانند زمان کامل است با این تفاوت که نتیجه آن کامل شده است. مثال: انجیل یوحنا ۱۸: ۱۶ "پطرس پشت در ایستاد".
۳. زمان حال. این زمان از عملی ناقص و خاتمه نیافته صحبت می‌کند. تمرکز آن معمولاً بر روی ادامه یک رخداد است. مثال: اول یوحنا ۳: ۶ و ۹، "آن که در او می‌ماند گناه نمی‌کند". "آن که از خدا مولود شده است گناه نمی‌کند"
۴. زمان غیر کامل. در این زمان، رابطه با زمان حال مشابه رابطه میان زمان کامل و ماضی بعید است. زمان غیر کامل از کامل نشدن عملی در گذشته خبر می‌دهد. مثال: انجیل متی ۳: ۵ "مردمان اورشلیم و سراسر یهودیه و تمامی نواحی اطراف رود اردن، جملگی نزد او می‌رفتند" یا "پس همه مردم اوشلیم بیرون آمده و نزد او می‌رفتند".
۵. زمان آینده. این زمان از عملی صحبت می‌کند که باید در یک مقطع زمانی در آینده رخ دهد. تمرکز آن بر روی احتمال وقوع آن است تا حتم بر وقوع آن. مثال: انجیل متی ۵: ۴ الی ۹، "خوشا به حال ... خواهد شد".

II. لحن گفتار

- A. لحن یا صدای گفتار از رابطه میان عمل فعل و موضوع سخن می‌گوید.
- B. لحن فعال یک شیوه معمولی، قابل انتظار، غیر تأکیدی برای بیان موضوعی است که عمل فعل بر روی آن انجام می‌گیرد.
- C. لحن مجهول یعنی موضوع عمل فعل را که توسط یک عامل خارجی انجام شده، دریافت می‌کند. عامل خارجی که عمل را ایجاد می‌کند در نسخه یونانی عهد جدید با حروف اضافه و حالات مختلف نشان داده‌اند.
۱. عامل مستقیم فردی توسط *hupo* با مفعول عنه (رجوع شود به انجیل متی ۱: ۲۲، اعمال رسولان ۲۲: ۳۰)
 ۲. یک عامل فردی واسطه توسط *dia* با مفعول عنه (رجوع شود به انجیل متی ۱: ۲۲)
 ۳. یک عامل غیر فردی توسط *en* با حالت موردی
 ۴. گاهی اوقات یک عامل فردی یا غیر فردی و توسط مفعول عنه به تنهایی
- D. لحن متوسط یعنی موضوع عمل فعل را ایجاد می‌کند و همچنین به صورت مستقیم با عمل فعل در ارتباط است. این حالت اغلب لحن بلند با اهداف شخصی گفته می‌شود. این ساختار به شیوه‌ای تأکید بر موضوع جمله یا عبارت دارد. این ساختار در زبان انگلیسی وجود ندارد. احتمالات زیادی برای معانی و ترجمه آن از زبان یونانی وجود دارد. برخی مثالهای این حالت به شرح زیر هستند:
۱. انعکاسی - عمل مستقیم موضوع بر روی خودش. مثال: انجیل متی ۲۷: ۵، "خود را حلق‌آویز کرد"
 ۲. شدید - موضوع عملی را برای خودش ایجاد می‌کند. مثال: دوم قرنتیان ۱۱: ۱۴، "شیطان نیز خود را به شکل فرشته نور درمی‌آورد"
 ۳. متقابل - عمل متقابل دو موضوع. مثال: انجیل متی ۲۶: ۴، "شور کردند"

III. حس گفتار (یا "حالت")

- A. در یونانی کوبین چهار نوع حالت وجود دارد. آنها، حداقل از دیدگاه شخصی نویسنده، دلالت بر رابطه فعل با واقعیت دارند. حالت‌ها به دو گروه کلی تقسیم می‌شوند: آنها که بر واقعیت دلالت دارند (دلالت کننده) و آنها که بطور بالقوه دلالت می‌کنند (وجه شرطی، دستوری و آرزویی).
- B. حالت دلالت کننده حالت معمولی برای بیان عملی است که رخ داده است و یا در حال وقوع است، حداقل از دیدگاه نویسنده. اینها حالتی در دستور زبان یونانی هستند که زمان مشخصی را بیان می‌کنند، و حتی در اینجا این یک جنبه ثانویه است.
- C. حالت وجه شرطی احتمال وقوع عمل در آینده است. چیزی که هنوز اتفاق نیافتاده است، ولی احتمال وقوع آن می‌رود. این زمان وجه اشتراک زیادی با آینده دلالت کننده دارد. تفاوت در این است که وجه شرطی تردیدی را نشان می‌دهد. در انگلیسی این حالت معمولاً با *may, would, could* و یا *might* بیان می‌شود.
- D. حالت آرزو، آرزویی را که از نظر تئوری وقوع آن ممکن است را بیان می‌دارد. یک گام جلوتر از واقعیت نسبت به وجه شرطی در نظر گرفته شد. حالت آرزویی احتمال وقوع را تحت شرایط خاصی بیان می‌دارد. حالت آرزویی در عهد جدید به ندرت استفاده شده است. بیشترین کاربرد آن توسط پولس در جمله معروف او است: "شاید که هرگز نباشد" (انجیل نسخه شاه جیمز، "خدا منع می‌کند")، پانزده مرتبه استفاده شده است (رجوع شود به رومیان ۳: ۴ و ۶ و ۳۱، ۶: ۲ و ۱۵، ۷: ۷ و ۱۳، ۹: ۱۴، ۱۱: ۱ و ۱۱، اول قرنتیان ۶: ۱۵، غلاطیان ۲: ۱۷، ۳: ۲۱، ۶: ۱۴)
- E. حالت دلالت کننده بر فرمانی که احتمالش هست، تأکید می‌کند، ولی تأکید بر روی قصد گوینده است. فقط احتمال قابل نقض و مشروط، انتخاب دیگر است. یک کاربرد دلالت کننده خاص در درخواست دعای شخص ثالث هم هست. این دستورات فقط در زمان آنوریستی در عهد جدید هستند.

F. برخی دستورات گرامری ضمائر مفعولی را به عنوان نوع دیگری از حالت طبقه‌بندی می‌کنند. آنها در عهد جدید یونانی بسیار متداول هستند، معمولاً به عنوان صفت شفاهی تعریف می‌شوند. تنوع زیادی در ترجمه صفات مفعولی وجود دارد. آنها در ترکیب با فعل اصلی که به آن مرتبط هستند ترجمه می‌شوند. احتمال تنوع در ترجمه صفت مفعولی بسیار زیاد است. بهترین کار این است که به ترجمه‌های مختلف مراجعه کرد. *The Bible in Twenty Six Translations* از انتشارات بیکر کمک زیادی می‌کند.

G. زمان آنوریست دلالت‌کننده فعال یک شیوه معمولی و بدون نشان برای ثبت یک رخداد است. سایر زمانها، لحن یا حالت یک اهمیت تفسیری خاصی دارند که نویسنده اصلی قصد داشته تا بدان طریق ارتباط برقرار کند.

IV. برای کسی که با زبان یونانی آشنایی نداشته باشد، مطالعات ذیل کمک کرده و اطلاعات مورد نیاز را ارائه می‌کنند:

A. باربارا و تیموتی فرایبرگ. *Analytical Greek New Testament*. انتشارات بیکر، سال ۱۹۸۸

B. آلفرد مارشال. *Interlinear Greek-English New Testament*. انتشارات زوندروان، سال ۱۹۷۶

C. ویلیام دی. ماونس. *The Analytical Lexicon to the Greek New Testament*. انتشارات زوندروان، سال ۱۹۹۳

D. ری سامرز. *Essentials of New Testament Greek*. انتشارات برادمن، سال ۱۹۵۰

E. دروس مکاتباتی زبان یونانی کوبین که دارای تائید آکادمیک می‌باشند نیز توسط Moody Bible Institute در شیکاگوی ایلینویز قابل دسترسی است.

V. اسم

A. از نظر دستور زبان، اسم‌ها بر اساس موردی طبقه‌بندی می‌شوند، یعنی بر اساس یک اسم که رابطه آن با فعل و سایر اجزا جمله را نشان می‌دهد، طبقه‌بندی می‌شوند. در زبان یونانی کوبین، بسیار از عملکردهای مورد دلالت بر ضمائر مفعولی دارند. از آنجا که حالت مورد می‌تواند روابط مختلفی را شناسایی کند، از ضمیر مفعولی برای بسط آن استفاده می‌شود تا تفکیک سازی بهتر این اعمال انجام شود.

B. مورد در دستور زبان یونانی به هشت گروه زیر تقسیم می‌شود:

۱. حالت فاعلی برای نامگذاری استفاده می‌شد و معمولاً موضوع جمله یا عبارت بود. همچنین برای اسم‌های پیش فرض و صفت با متصل کردن به افعال "بودن" یا "شدن" استفاده می‌شد.

۲. حالت مضاف الیه برای توصیف کردن استفاده می‌شد و معمولاً یک صفت یا کیفیتی که با آن در ارتباط بود، به کلمه اطلاق می‌شد. این به سوال "چه نوعی" پاسخ می‌دهد. در زبان انگلیسی با حرف اضافه of این حالت توصیف می‌شود.

۳. حالت مفعول عنه به همان شیوه صرف شده برای مضاف الیه استفاده می‌شد، ولی برای توصیف جداسازی به کار می‌رفت. معمولاً برای بیان جدا شدن از یک نقطه در زمان، مکان، مبدا، منشا یا درجه استفاده می‌شد. در زبان انگلیسی این حالت با حرف اضافه "از" (*from*) بیان می‌شود.

۴. حالت مفعولی برای توصیف نفع شخصی استفاده می‌شد. می‌توانست به جنبه مثبت یا منفی دلالت کند. اغلب مفعول غیر مستقیم بود. اغلب در زبان انگلیسی با حرف اضافه "به" (*to*) بیان می‌شد.

۵. حالت مکانی مشابه فرم صرفی حالت مفعولی است، ولی موقعیت یا مکان را در فضا، زمان یا محدودیت‌های منطقی بیان می‌کرد. این معمولاً در زبان انگلیسی با یکی از حروف اضافه "در"، "آن"، "روی"، "میان"، "در طول"، "توسط"، و "باضافه" بیان می‌شود.

۶. حالت‌یابی مشابه همان حالت صرف حالت مفعولی و حالت مکانی است. از آن برای بیان ابزار یا پیوستگی استفاده می‌شد. اغلب در زبان انگلیسی با "بوسیله" یا "با" بیان می‌شد.

۷. حالت مفعولی اتهامی برای توصیف جمع‌بندی یک عمل استفاده می‌شد. این حالت محدودیت را بیان می‌کرد. استفاده اصلی آن برای مفعول بیواسطه بود. این حالت به سوال "چه اندازه" یا "تا چه حد" پاسخ می‌دهد.

۸. حالت آوایی برای بیان مستقیم استفاده می‌شد.

VI. حروف ربط

A. یونانی زبان بسیار دقیقی است زیرا کلمات ربط بسیار زیادی دارد. آنها افکار (عبارات، جملات و پاراگرافها) را به یکدیگر متصل می‌سازند. آنها بسیار متداول هستند بطوری که بودن آنها اغلب اهمیت خاصی دارد. در حقیقت، این حروف ربط مشخص‌کننده مسیر فکری نویسنده هستند. اغلب آنها در تعیین اینکه گوینده دقیقاً چه چیزی می‌خواهد بگوید بسیار مهم هستند.

B. در اینجا فهرستی از برخی حروف ربط و معنی آنها را ارائه می‌کنم (این اطلاعات بیشتر از *A Manual Grammar of the Greek New Testament* اثر H. E. Dana and Julius K. Mantey گردآوری شده‌اند.)

۱. حروف ربط زمانی

a. *epei, epeidē, hopote, hōs, hote, hotan* (موضوع) - "وقتی که"

- b. *heōs* "در حالی که"
 c. *hotan, epan* (موضوع) - "هر وقت"
 d. *heōs, achri, mechri* (موضوع) - "تا وقتی که"
 e. *priv* (مصدر) - "قبل از"
 f. *Hōs* - "از وقتی که"، "وقتی که"، "از"

۲. حروف ربط منطقی

- a. هدف
 (۱) *hina, hopōs, hōs* - به منظور، "که"
 (۲) *hōste* (مصدر مفعولی) - "که"
 (۳) *Pros* - (مصدر مفعولی) یا *eis* (مصدر مفعولی) - "که"
 b. نتیجه (ارتباط نزدیکی میان حالات دستوری هدف و نتیجه وجود دارد)
 (۱) *hōste* (مصدر، این متداولترین است) - "به منظور اینکه"، "بنابراین"
 (۲) *hiva* (موضوع) - "تا"
 (۳) *Ara* - "بنابراین"
 c. دلیل یا سبب
 (۱) *gar* (سبب/تاثیر یا دلیل/جمع بندی) - "برای"، "زیرا"
 (۲) *dioi, hotiy* - "از"
 (۳) *dia* (با حالت مفعولی) و (با حالت مفصل انتزاعی) - "زیرا"
 d. استنتاج
 (۱) *ara, poinun, hōste* - "بنابراین"
 (۲) *dio* (قویترین حرف ربط استنتاجی) - "به چه حسابی"، "بر چه اساسی"، "بنابراین"، "به چه دلیل"
 (۳) *oun* - "بنابراین"، "در نتیجه"، "بدنبال آن"
 (۴) *Toinoun* - "متعاقبا"
 e. حرف نقض یا مخالف
 (۱) *Alla* (قویترین حرف نقض) - "ولی"، "بجز"
 (۲) *De* - "ولی"، "اما"، "با این حال"، "به عبارت دیگر"
 (۳) *kai* - "اما"
 (۴) *mentoi, oun* - "معهدا"
 (۵) *plēn* - "با این وجود"
 (۶) *oun* - "معهدا"
 f. مقایسه
 (۱) *hōs, kathōs* - (معرفی جمله مقایسه‌ای)
 (۲) *kata* - (در ترکیب، *kathosper, kathaper, katho*)
 (۳) *hosos* - (در عبرانیان)
 (۴) *ē* - "از"
 g. توالی یا سری
 (۱) *de* - "و"، "حالا"
 (۲) *kai* - "و"
 (۳) *tei* - "و"
 (۴) *hina, oun* - "که"
 (۵) *oun* - "بعد" (در انجیل یوحنا)
 ۳. کاربردهای تاکیدی

- a. *Alla* - "قطعیت"، "اری"، "در حقیقت"
 b. *ara* - "در واقع"، "یقیناً"، "واقعا"
 c. *gar* - "اما واقعا"، "یقیناً حتما"
 d. *de* - در واقع
 e. *ean* - "حتی"
 f. *kai* - "حتی"، "در واقع"، "واقعا"
 g. *mentoi* - "در واقع"
 h. *oun* - "واقعا"، "با تمام قوا"

VII. جملات شرطی

- A. یک جمله شرطی جمله‌ای است که شامل یک یا چند شرط باشد. این ساختار دستور زبانی به تفسیر جمله کمک می‌کند زیرا شرایط یا دلایلی را ارائه می‌دهد یا عواملی را نشان می‌دهد که چرا عمل فعل اصلی انجام شده یا انجام نشده است. چهار نوع جمله شرطی وجود داشتند. آنها از آن که تصور می‌شود از دیدگاه نگارنده یا برای منظورش درست بودند شروع می‌شود و تا اینکه فقط یک آرزو بود ختم می‌شوند.
- B. جمله شرطی نوع اول برای بیان عمل یا حضوری استفاده می‌شود که از دیدگاه نگارنده و یا به خاطر منظورش تصور می‌شود درست باشد، حتی در صورتیکه "اگر" در جمله به کار رفته باشد. در بسیاری از جملات می‌توان آن را "از آنجا که" ترجمه کرد (رجوع شود به انجیل متی ۳: ۴، رومیان ۸: ۳۱). با این حال، این بدین معنی نیست که تمامی جملات شرطی نوع اول در واقعیت درست هستند. اغلب از آنها برای ایجاد یک نکته در بحث و یا مشخص کردن یک اشتباه استفاده می‌شود (رجوع شود به انجیل متی ۱۲: ۲۷).
- C. به حالت جملات نوع دوم شرطی اغلب "برخلاف واقعیت" گفته می‌شود. بیان کننده چیزی است که خلاف واقعیت است و برای ایجاد یک نکته استفاده می‌شود. مثالها:
۱. "اگر این مرد برآستی پیامبر بود، می‌دانست این زن که لمسش می‌کند کیست و چگونه زنی است - می‌دانست که بدکاره است" (انجیل لوقا ۷: ۳۹)
 ۲. "اگر موسی را تصدیق می‌کردید، مرا نیز تصدیق می‌کردید، چرا که او درباره من نوشته است" (انجیل یوحنا ۵: ۴۶).
 ۳. "اگر همچنان در پی خشنودی مردم بودم، خادم مسیح نمی‌بودم" (غلاطیان ۱: ۱۰)
- D. حالت سوم از احتمال وقوع عملی در آینده صحبت می‌کند. اغلب احتمال وقوع عملی را تصور می‌کند. معمولاً بر یک احتمال دلالت دارد. عمل فعل اصلی احتمال عمل در "اگر" است. مثالهای این حالت: اول یوحنا ۱: ۶ الی ۱۰، ۲: ۴ و ۶ و ۹ و ۱۵ و ۲۰ و ۲۱ و ۲۴ و ۲۹، ۳: ۱۶ و ۲۱، ۴: ۲۰، ۵: ۱۴ و ۱۶.
- E. حالت چهارم شرط، دورترین حالت احتمال است. این حالت به ندرت در عهد جدید به کار رفته است. در واقع، هیچ جمله شرطی نوع چهارمی که در آن هر دو حالت شرط در آن قرار بگیرند، کامل نمی‌شوند. به عنوان مثال جمله شرطی چهارم در اول پطرس ۳: ۱۴ دیده می‌شود. مثال جمله شرطی نوع چارم تقریباً جمله جمع‌بندی در اعمال رسولان ۸: ۲۱ می‌باشد.

VIII. ممانعت‌ها

- A. زمان حال امری با پسوند $\bar{M}\bar{E}$ اغلب (ولی نه انحصاراً) تأکید بر متوقف کردن عملی را دارد که در حال حاضر در حال انجام است. برخی مثالها: "بر زمین گنج می‌اندوزید" انجیل متی ۶: ۱۹، "نگران زندگی خود نباشید" (انجیل متی ۶: ۲۵)، "اعضای بدن خود را تسلیم گناه نکنید تا ابزار شرارت باشند" (رومیان ۶: ۱۳)، "روح قدوس خدا را که بدان برای روز رهایی مهر شده‌اید، غمگین مسازید" (افسیسیان ۴: ۳۰)، "مست شراب مشوید" (افسیسیان ۵: ۱۸).
- B. وجه شرطی آنوریستی با پسوند $\bar{M}\bar{E}$ تأکید بر "عملی را حتی شروع یا آغاز نکن" دارد. برخی مثالها: "گمان مبرید که آمده‌ام تا تورات و نوشته‌های پیامبران را نسخ کنم" (انجیل متی ۵: ۱۷)، "پس نگران نباشید و نگویید چه بخوریم یا چه بنوشیم و یا چه بپوشیم" (انجیل متی ۶: ۲۱)، "از شهادت بر خداوند ما عار مدار" (دوم تیموتائوس ۱: ۸).
- C. منفی مضاعف با حالت وجه شرطی نفی کاملاً محرز است. "هرگز، نه هرگز"، یا "تحت هیچ شرایطی نه". برخی مثالها: "مرگ را تا به ابد نخواهد دید" (انجیل یوحنا ۸: ۵۱)، "تا ابد گوشت نخواهم خورد" (اول قرتیان ۸: ۱۳).

IX. حرف تعریف

- A. در یونانی کوبین حرف تعریف مطلق "the" کاربردی دقیقاً مشابه انگلیسی دارد. کاربرد اصلی آن به عنوان یک نشانگر است که توجه به یک کلمه، اسم یا عبارت جلب شود. کاربرد آن میان نویسندگان عهد عتیق متفاوت است. حرف تعریف مطلق می‌تواند کاربردهای زیر را

داشته باشد

۱. به عنوان تضاد روش برای نشان دادن ضمیر
 ۲. به عنوان نشان برای اشاره کردن که موضوع یا فردی که قبلاً معرفی شده
 ۳. شیوه‌ای برای شناسایی موضوع در یک جمله با فعل ربط. مثالها: "خدا روح است" (انجیل یوحنا ۴: ۲۴)، "خدا نور است" (اول یوحنا ۱: ۵)، "خدا محبت است" (اول یوحنا ۴: ۸ و ۱۶)
- B. یونانی کوبین حرف تعریف نامعین همانند "a" یا "an" نداشت. عدم وجود حرف تعیین مطلق به یکی از معانی زیر می‌تواند باشد:
۱. تمرکز بر روی مشخصه یا کیفیت چیزی
 ۲. تمرکز بر روی طبقه‌بندی چیزی
- C. نویسندگان عهد جدید از روش‌های کاملاً متنوعی برای استفاده از حرف تعریف استفاده کرده‌اند.
- X. راه‌های نشان دادن تاکید در عهد عتیق یونانی
- A. در عهد جدید تکنیک‌های به کار رفته برای نشان دادن تاکید میان نگارندگان کاملاً متفاوت است. رسمی‌ترین و ثابت‌ترین قدم‌ترین نویسندگان لوقا و نویسنده عبرانیان بودند.
- B. بیشتر گفتیم که آئوریست دلالت کننده فعال یک روش استاندارد برای تاکید است، ولی زمان، لحن و حالت اهمیت تفسیری دارند. این دلالت بر این ندارد که آئوریست دلالت کننده فعال اغلب برای مفاهیم دستور زبانی مهمی بکار نمی‌رفت. (مثال: در رومیان ۶: ۱۰ دو مرتبه تکرار شده)
- C. ترتیب کلمه در یونانی کوبین
۱. زبان یونانی کوبین زبان متفاوتی است که به ترتیب کلمات مانند زبان انگلیسی وابسته نیست. در نتیجه، نویسنده می‌تواند از ترتیبی که انتظار می‌رود برای نشان دادن موارد زیر استفاده کند
 - a. آنچه که نگارنده می‌خواهد به خواننده تاکید کند
 - b. آنچه که نگارنده تصور می‌کند برای خواننده حیرت‌انگیز باشد
 - c. آنچه نگارنده عمیقاً بدان فکر می‌کند
 ۲. هنوز ترتیب درست کلمات در ادبیات یونانی معضلی است. با این حال، ترتیبی که تصور می‌شود درست باشد، به شرح زیر است
 - a. برای وصل کردن افعال
 - ۱) فعل
 - ۲) فاعل
 - ۳) متمم
 - b. برای افعال متعدی
 - ۱) فعل
 - ۲) فاعل
 - ۳) مفعول
 - ۴) مفعول با واسطه
 - ۵) حرف اضافه
 - c. برای عبارات اسمی
 - ۱) اسم
 - ۲) تعدیل کننده
 - ۳) حرف اضافه
 ۳. ترتیب کلمات می‌تواند یک نکته بیش از حد مهم در ترجمه و تفسیر باشد. مثالها:
 - a. "دست رفاقت به من و برنابا دادند." عبارت "دست رفاقت" در متن اصلی و انگلیسی جدا شده و در ابتدای جمله آمده تا اهمیت آن نشان داده شود (غلاطیان ۲: ۹).
 - b. "با مسیح" در اول جمله آمده. مرگ او در وسط (غلاطیان ۲: ۲۰).
 - c. "بارها و از راه‌های گوناگون" (عبرانیان ۱: ۱) در اول جمله قرار گرفته است. این شیوه‌ای است که خدا خودش را نشان داد که متناقض است، نه واقعیت مکاشفه.

معمولا مقداری تاکید نشان داده می شود توسط:

۱. تکرار ضمیری که قبلا در حالت تعریف فعل معرفی شده است. مثال: "من هر روزه تا پایان این عصر با شما هستم!" (انجیل متی ۲۸: ۲۰)
 ۲. نبود حرف ربطی که باید باشد، یا سایر اضافاتی که میان کلمات، عبارات یا جملات باید باشند. به این حالت غیر مرتبط گفته می شود. انتظار یک رابط می رفت، بنابراین نبود آن جلب توجه می کند. مثالها:
 - a. سعادت جاویدان، انجیل متی ۵: ۳ (تاکید در لیست)
 - b. انجیل یوحنا ۱۴: ۱ (موضوع جدید)
 - c. رومیان ۹: ۱ (بخش جدید)
 - d. دوم قرن تیان ۱۲: ۲۰ (تاکید در لیست)
 ۳. تکرار کلمات یا عبارات حاضر در یک متن مشخص. مثالها: "فیض پر جلال او ستوده شود" (افسیان ۱: ۶ و ۱۲ و ۱۴). از این عبارت استفاده شده تا نقش هر فرد در تثلیث نشان داده شود.
 ۴. استفاده از یک کلمه (صدا) یا اصطلاح برای بازی میان کلمات
 - a. Euphemisms - کلمات با فاعل های تابورا جایگزین می کند مانند "خواب" برای مرگ (انجیل یوحنا ۱۱: ۱۱ الی ۱۴) یا "پا" برای اندام تناسلی مرد (روت ۳: ۷ و ۸، اول سموئیل ۲۴: ۳)
 - b. بیان غیر مستقیم - نام خدا را با کلمات دیگر جایگزین می کند، مانند "پادشاهی بهشت" (انجیل متی ۳: ۲) یا "صدایی از بهشت" (انجیل متی ۳: ۱۷)
 - c. حالات سخن گفتن
 - ۱) اغراق غیر ممکن (انجیل متی ۳: ۹، ۵: ۲۹ و ۳۰، ۱۹: ۲۴)
 - ۲) اظهارات زیادی ملایم (انجیل متی ۳: ۵، اعمال رسولان ۲: ۳۶)
 - ۳) تجسم شخصیت (اول قرن تیان ۱۵: ۵۵)
 - ۴) وارونه گویی (غلاطیان ۵: ۱۲)
 - ۵) شعر (فیلیپیان ۲: ۶ الی ۱۱)
 - ۶) اصوات میان کلمات
- (a) کلیسا
- i. کلیسا (افسیان ۳: ۲۱)
 - ii. صدا کردن (افسیان ۴: ۱ و ۴)
 - iii. فرا خوانده شدن (افسیان ۴: ۱ و ۴)
- (b) آزاد
- i. زن آزاد (غلاطیان ۴: ۳۱)
 - ii. آزادی (غلاطیان ۵: ۱)
 - iii. آزاد (غلاطیان ۵: ۱)
- d. زبان اصطلاحی - زبانی است که اولاً فرهنگی و مشخص است
- ۱) استفاده تمثیلی از "غذا" (انجیل یوحنا ۴: ۳۱ الی ۳۴)
 - ۲) استفاده تمثیلی از "معبد" (انجیل یوحنا ۲: ۱۹، انجیل متی ۲۶: ۶۱)
 - ۳) اصطلاح عبری مقایسه، "نفرت" (سفر پیدایش ۲۹: ۳۱، تثنیه ۲۱: ۱۵، انجیل لوقا ۱۴: ۲۶، انجیل یوحنا ۱۲: ۲۵، رومیان ۹: ۱۳)
 - ۴) "همه" در مقابل "بسیاری". اشعیا ۵۳: ۶ (همه) را با ۵۳: ۱۱ و ۱۲ (بسیاری) مقایسه کنید. اصطلاحات مترادف هستند مانند آنچه رومیان ۵: ۱۸ و ۱۹ نشان می دهد.
 ۵. استفاده از یک عبارت کامل دستوری در مقابل یک کلمه. مثال: "خداوند عیسی مسیح".
 ۶. استفاده خاص *autos*
 - a. وقتی که با مفعول (صفت مکانی) "همان" ترجمه شده باشد
 - b. وقتی که بدون مفعول (موقعیت پیش بینی شده) و به عنوان ضمیر انعکاسی با شدت ترجمه شده باشد، مانند "خودش".

E. دانشجویی که انجیل غیر یونانی را مطالعه می کند، می تواند تاکیدها را به شیوه های مختلف شناسایی کند:

۱. استفاده تحلیلی فرهنگ لغت و مقایسه سطر به سطر متن یونانی/انگلیسی
۲. مقایسه ترجمه های مختلف انگلیسی، به خصوص ترجمه هایی از دیدگاه های مختلف. مثال: مقایسه "کلمه به کلمه" (نسخه شاه جیمز، نسخه بازبینی شده شاه جیمز، نسخه استاندارد انگلیسی، نسخه انگلیسی امروز، نسخه بازبینی شده استاندارد، نسخه استاندارد بازبینی شده جدید) با "معادل دینامیک" (ویلیامز، نسخه انگلیسی استاندارد، انجیل انگلیسی جدید، نسخه انگلیسی بازبینی شده، انجیل اورشلیم، انجیل جدید اورشلیم، نسخه انگلیسی امروز). کمک مفید در اینجا - *The Bible in Twenty Six Translations* از انتشارات بیکر است.
۳. استفاده از *The Emphasized Bible* اثر جوزف برایانت روترهام (کرگل، ۱۹۹۴)
۴. استفاده از ترجمه های تحت الفظی
 - a. *The American Standard Version* (نسخه استاندارد امریکایی) از سال ۱۹۰۱
 - b. *Young's Literal Translation of the Bible* از رابرت یانگ (انتشارات گاردین، ۱۹۷۶)

مطالعه دستور زبان خسته کننده است ولی برای ترجمه درست لازم است. این تعاریف، تفسیرها و مثالهای مختصر به منظور تشویق و آماده کردن خوانندگانی است که نسخه غیر یونانی را می خوانند تا بتوانند از توضیحات دستور زبانی که در اینجا قید شده استفاده نمایند. به طور قطع این تعاریف بیش از حد ساده شده اند. از آنها نباید بطور محض (دگماتیک) یا غیر قابل انعطاف استفاده شوند، بلکه به عنوان آگاهی بیشتر برای درک بهتر می باشند. امیدواریم که این تعاریف به درک خواننده از ترجمه های سایر منابع مطالعاتی مانند تفاسیر فنی عهد جدید کمک کنند.

ما باید بتوانیم تعبیر خود را بر اساس بخشهای اطلاعاتی که در متون انجیل یافت می شوند، تأیید نمائیم. دستور زبان یکی از کمک کننده ترین این موارد است. سایر اقلام شامل زمینه های تاریخی، متون تحت الفظی، و کاربرد کلمات امروزی عبارات مترادف می باشند.

موضوع خاص: انتقادات متنی

این موضوع خاص جهت توضیح یادداشتهای متنی است که در این تفسیر یافت می‌شوند. رئوس مطالب زیر مورد بهره برداری قرار خواهند گرفت:

I. منابع انگلیسی انجیل

A. عهد قدیم

B. عهد جدید

II. توضیح مختصر مسائل و نظریات "نقد کوتاه" یا "انتقاد متنی"

III. منابع پیشنهادی برای مطالعه بیشتر

I. منابع متنی انجیل انگلیسی ما

A. عهد قدیم

۱. منبع مازراتی (Masoretic Text - MT) - متن عبری مختلط که توسط ربی آکویبا (Rabbi Aquiba) در سال ۱۰۰ پس از میلاد تنظیم شده است. اضافه کردن حروف صدا دار، تاکیدها، پی نویسیها، علامتگذاریها و نشانه گذاریها در قرق ششم پس از میلاد شروع و در قرن نهم پس از میلاد خاتمه یافت. این کار توسط یک خانواده تحصیل کرده یهودی بنام مازراتی انجام شد. فرم متنی که مورد استفاده قرار گرفت مشابه همان فرمی است که در میشنا، تلمود، تارگومز، پشیتا و والگیت استفاده شد.

۲. سپتواگینت (Septuagint - LXX) - روایتی می‌گوید که سپتواگینت (ترجمه یونانی عهد عتیق) توسط هفتاد استاد یهودی در هفتاد روز برای کتابخانه اسکندریه تحت حمایت شاه پتولمی دوم (Ptolemy) (۲۸۵ الی ۲۴۶ قبل از میلاد) تهیه شد. این ترجمه ظاهراً به درخواست یک رهبر یهودی که در اسکندریه زندگی می‌کرد تهیه شده است. این روایت از "نامه‌های ارسطو" می‌آید. LXX عمدتاً بر اساس تفاوت‌های میان متن سنتی عبری از متن ربی آکویبا (MT) هستند.

۳. کتیبه دریای سیاه (Dead Sea Scrolls - DSS) - کتیبه دریای سیاه به زبان رومی در دوره ۲۰۰ تا ۷۰ بعد از میلاد توسط یک فرقه یهودی بنام "اسنس" (Essenes) نوشته شده بود. نسخه دستنویس عبری، در چندین نقطه در اطراف دریای سیاه یافت شد، که نگارشهای مختلف متن عبری MT و LXX در پی هم نشان می‌دهد.

۴. برخی مثالها که نشان می‌دهند چگونه مقایسه این متون به مترجمین کمک کرده است که عهد عتیق را بهتر درک کنند.

a. LXX به مترجمین و اساتید کمک کرده است که تا MT را درک کنند

(۱) LXX اشعیا ۵۲: ۱۴، "چنانکه بسیاری از او در حیرت شدند"

(۲) MT اشعیا ۵۲: ۱۴ "بسیاری از تو به حیرت درآمدند"

(۳) در اشعیا ۵۲: ۱۵ تمایز ضمیر در LXX تأیید می‌شود.

i. LXX پس بسیاری از ملتها از او در حیرت خواهند شد

ii. MT پس او ملت‌های زیادی را شگفت زده می‌کند

b. DSS به مترجمین و اساتید کمک کرد که MT را درک کنند

(۱) DSS اشعیا ۲۱: ۸ "آنگاه دیدبان فریاد برآورد از بالای برج من ایستاده ام..."

(۲) MT اشعیا ۲۱: ۸ "و من فریاد زدم، شیر! خداوندا، من همیشه در روز در برج ایستاده و مراقب خواهم بود"

c. هر دو DSS و MT به روشن شدن اشعیا ۵۳: ۱۱ کمک کرده‌اند

(۱) DSS و LXX "ثمره مشقت جان خویش را خواهد دید و سیر خواهد شد"

(۲) MT "او خواهد دید.... مصیبت روحش را، او اقتناع خواهد شد"

B. عهد جدید

۱. بیش از ۵۳۰۰ دستنویس از نسخه یونانی عهد جدید وجود دارند. حدود ۸۵ نسخه بر روی پاپیروس و ۳۶۸ نسخه دستنویس با حروف بزرگ نوشته شده‌اند. بعدها، در حدود قرن نهم میلادی، یک نسخه منحصراً به فرد تنظیم شد. تعداد نسخ یونانی به صورت دستنویس حدود ۲۷۰۰ نسخه می‌باشد. همچنین حدود ۲۱۰۰ کپی از فهرست کتاب مقدس برای دعا استفاده می‌شد که ما به آنها "صورت آیات" می‌گوییم.

۲. حدود ۸۵ نسخه یونانی حاوی بخشهایی از عهد جدید بر روی پاپیروس هستند که در موزه نگهداری می‌شوند. قدمت برخی از آنها به قرن دوم میلادی بازمی‌گردد، ولی بیشتر آنها مربوط به قرنهای سوم و چهارم میلادی هستند. هیچکدام از این MSSها متن کامل کتاب مقدس را شامل نمی‌شوند. صرفاً به دلیل اینکه اینها قدیمیترین کپی‌های عهد جدید هستند، بدین معنا نیست که انواع دیگری وجود نداشته باشد.

از روی بسیاری از اینها برای استفاده داخلی کپی برداری شد. در طول این فرایند، به مراقبت از آنها توجهی نشد. بنابراین در میان آنها تنوع و تفاوت وجود دارند.

۳. Codex Sinaiticus که با حرف ۴ (الف) یا (۰۱) شناخته می‌شود، در صومعه سنت کاترین در کوه سینا توسط تیشندورف پیدا شد. قدمت آن به قرن چهارم میلادی باز می‌گردد. و حاوی هم LXX عهد عتیق و هم یونانی عهد عتیق است. این یکی از انواع "متون اسکندریه‌ای" است.

۴. Codex Alexandrinus که با "A" هم شناخته می‌شود، دستنویس متعلق به قرن پنجم میلادی است که در اسکندریه مصر یافت شد.

۵. Codex Vaticanus که با "B" یا (۰۳) هم شناخته می‌شود، در کتابخانه واتیکان در رم یافت شد و قدمت آن مربوط به اواسط قرن چهارم بعد از میلاد است. حاوی هم LXX عهد عتیق و هم نسخه یونانی عهد جدید است. این متن از نوع "متن اسکندریه‌ای" است.

۶. Codex Ephraemi، که با "C" یا (۰۴) هم شناخته می‌شود، یک نسخه دستنویس یونانی است که بخشی از آن نابود شده است.

۷. Codex Bezae، که با "D" یا (۰۵) هم شناخته می‌شود، یک نسخه دستنویس یونانی مربوط به قرن پنج یا شش میلادی است. این نسخه اصلی است که نماینده چیزی است که امروز "انجیل غربی" خوانده می‌شود. حاوی اضافات بسیاری است و شاهد اصلی است برای ترجمه شاه جیمز.

۸. NT MSS را می‌توان در سه یا شاید چهار گروه/خانواده تقسیم بندی کرد که در مشخصه‌های خاصی با هم وجه اشتراک دارند.

a. متن اسکندریه‌ای از مصر

(۱) P⁶⁶, P⁷⁵ (حدود سال ۲۰۰ میلادی)، که اناجیل را ثبت می‌کند

(۲) P⁴⁶ (حدود سال ۲۲۵ میلادی)، که نامه‌های پطرس را ثبت می‌کند

(۳) P⁷² (حدود سالهای ۲۲۵ تا ۲۵۰ میلادی)، که پطرس و یهودا را ثبت می‌کند

(۴) Codex B که به آن Vaticanus هم گفته می‌شود (حدود سال ۳۲۵ میلادی) که شامل متن کامل عهد عتیق و عهد جدید است

(۵) نقل قول اورینگن از این نوع متن

(۶) سایر MSSها که این نوع متن را نشان می‌دهند: ۳۳, W, L, C, ۴

b. متن غربی از آفریقای شمالی

(۱) نقل قولهای پدران کلیسای آفریقای شمالی ترتولیان، سایپریان، و ترجمه قدیمی به لاتین

(۲) نقل قولهایی از ایرانیوس (Irenaeus)

(۳) نقل قولهایی از تائیان و ترجمه قدیمی سیریاک

(۴) Codex D یا "Bezae" که به این نوع متن نوشته شده

c. متن بیزانس شرقی از قسطنطنیه

(۱) این نوع متن منعکس کننده بیش از ۸۰٪ از ۵۳۰۰ متن MSS است

(۲) نقل قول شده از Antioch از پدران کلیسای سوریه، کاپادوسیانس (Cappadoceans)، کریسوستوم (Chrysostom) و تروودورت (Therodoret)

(۳) Codex A فقط در انجیل

(۴) Codex E (قرن هشتم) برای متن کامل عهد جدید

d. نوع احتمالاً چهارم سزازی از فلسطین

(۱) عمدتاً فقط در انجیل مرقس دیده میشود

(۲) برخی از اقرارها به آن در P⁴⁵ و W هستند

.II. مسائل و نظریات "نقد کوتاه" یا "نقد متنی"

A. تنوعات چگونه به وجود آمدند

۱. غیر عمدی یا تصادفی (طیف وسیعی از پیش آمدها)

a. خطای چشمی در زمان کپی و دستنویسی که چشم دو کلمه مشابه را می‌بیند و یکی یا همه کلمات بین آنها را ناخودآگاه حذف می‌کند (homoioteleuton)

(۱) خطای چشم در حذف کلمات دو حرفی یا عبارات

(۲) خطای ذهن در تکرار عبارت یا جمله یک متن یونانی

- b. خطای شنیداری در زمان دستنویسی و هنگامی که فرد متن را برای کپی کننده می خواند و در این حالت خطای نوشتاری صورت می گیرد. اغلب اغلاط املائی به دلیل تشابه صوتی کلمات یونانی صورت گرفته اند.
- c. نسخ اولیه متن یونانی فصل بندی و آیه بندی نشده بود، علامتگذاری بسیار کم و اغلب نداشتند و هیچ فاصله ای میان کلمات نبود. این احتمال وجود دارد که یک کلمه از جاهای مختلف جدا شود و بدین ترتیب کلمه دیگری شده و معنی دیگری بدهد

۲. عمدی

- a. تغییراتی اعمال شدند تا ساختار دستور زبانی متن کپی شده بهبود یابد
- b. تغییراتی اعمال شدند تا متن با سایر متون انجیل همخوانی داشته باشد (هارمونی مترادفها)
- c. تغییراتی اعمال شدند تا با ادغام دو یا چند متن متفاوت یک متن مرکب طولانی به وجود آید (تالیف)
- d. تغییراتی اعمال شدند تا مشکلی که در مشاهده شده بود اصلاح گردد (مراجعه شود به اول قرنتیان ۱۱: ۲۷ و اول یوحنا ۵: ۷ و ۸)
- e. برخی اطلاعات توضیحی در مورد رخداد های تاریخی یا تفسیر مناسب متن به صورت پی نویسی توسط یک نگارنده اضافه شد و نگارنده بعدی آن را به داخل متن منتقل کرد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۵: ۴)

B. فرضیه های اولیه نقد متنی (راهنماییهای منطقی برای تعیین اینکه کدام متن اصلی وقتی تنوع زیادی موجود است خوانده شود)

۱. عجیبترین و غیر معمولترین دستور زبان به کار رفته در متن احتمالاً اصل است
۲. کوتاهترین متن احتمالاً اصل است
۳. به متن قدیمتر بهای بیشتری داده می شود به دلیل نزدیکی تاریخی به اصل، بقیه برابر هستند
۴. MSS ها که از نظر جغرافیایی پراکنده هستند، معمولاً خوانندگان اصل دارند
۵. متونی که از نظر دکتربین ضعیف هستند، به خصوص آنها که در ارتباط با بحثهای اصلی الهیات در دوران تغییر دستنویسها بودند مانند تثلیث در اول یوحنا ۵: ۷ الی ۸ باید ترجیح داده شود.
۶. متنی که به بهترین شکل بتواند سایر نسخه های متفاوت را توضیح دهد
۷. دو نقل قول که می توانند به برقراری توازن میان سایر نسخه های متفاوت کمک کنند و آن را نشان دهند

- a. کتاب *Introduction to New Testament Textual Criticism* اثر J. Harold Greenlee "هیچ دکتربین مسیحی نمی تواند نسبت به یک متن قابل بحث کوتاه بیاید، و دانشجوی عهد جدید باید آگاه باشد که متن او باید ارتدکسی تر یا از نظر دکتربین باید قویتر از نسخه اصل که تحت الهام بوده، باشد" (صفحه ۶۸).
- b. W. A. Criswell به Greg Garrison از *The Birmingham News* گفته که او (کریسول) باور ندارد که تمامی کلمات انجیل تحت الهام باشد، "حد اقل نه تمامی کلماتی که طی قرنهای توسط مترجمین به دنیای مدرن منتقل کرده اند". کریسول گفت:

"من شدیداً به نقد متن اعتقاد دارم. بدین ترتیب، فکر می کنم، نیمه آخر فصل شانزدهم انجیل مرقس ارتداد است. تحت الهام نیست، صرفاً ساختگی است... وقتی آن دستنویسهای بسیار قدیمی را مقایسه می کنیم، چنین جمع بندی که در کتاب مرقس آمده وجود ندارد. کسی آن را اضافه کرده است...."

بزرگان SBC همچنین ادعا کردند که اضافاتی هم در انجیل یوحنا ۵، در قسمتی که عیسی در کنار حوض بیت الحم است صورت گرفته است. و در مورد دو شیوه مختلف قتل یهودا صحبت می کند (مراجعه شود به انجیل متی ۲۷ و اعمال رسولان ۱). کریسول می گوید: "این صرفاً یک نگرش متفاوت نسبت قتل است". "اگر در انجیل قرار دارد، توضیحی برای آن وجود دارد. و دو شرح از قتل یهودا در انجیل وجود دارد." کریسول اضافه می کند "نقد متنی به نوبه خود، علم حیرت انگیزی است. زودگذر نیست، بی ربط نیست، پویا و مرکز...."

III. مشکلات دستنویس (نقد متن). منابع پیشنهادی برای مطالعه بیشتر

- a. *Biblical Criticism: Historical, Literary and Textual* اثر آر. اچ. هریسون
- b. *The Text of the New Testament: Its Transmission, Corruption and Restoration* اثر بروس ام مترگر
- c. *Introduction to New T*

واژه نامه

Adoptionism/پذیرش/فرزندخواندگی. این یکی از نخستین دیدگاه‌ها نسبت به رابطه عیسی با خدا بود. اساسا این دیدگاه می‌گفت که عیسی از هر جنبه یک انسان معمولی بود و به مفهومی خاص، در زمان تعمید فرزند خدا شد (مراجعه شود به انجیل متی ۳: ۱۷، انجیل مرقس ۱: ۱۱) و یا در زمان قیامش از مردگان (مراجعه شود به رومیان ۱: ۴). عیسی آنچنان زندگی نمونه‌ای داشت که خدا در مقطعی، (تعمید، قیام)، او را به عنوان "پسر" خود قبول کرد (مراجعه شود به رومیان ۱: ۴، فیلیپیان ۲: ۹). این دیدگاه کلیسای اولیه و کلیسای قرن هشتم بود. بجای اینکه خدا تبدیل به انسان شود، عمل عکس صورت گرفته و انسان تبدیل به خدا می‌شود!

سخت است بیان اینکه چگونه عیسی، خدای پسر، با وجود از پیش وجود داشتن الهی، به خاطر زندگی نمونه‌اش پاداش می‌گیرد. اگر او خدا بوده و از قبل وجود داشته، چگونه می‌تواند پاداش بگیرد؟ اگر او شکوه و جلال از قبل وجود داشتن را داشته، چگونه می‌تواند بیشتر مورد تقدیر قرار بگیرد؟ هر چند درک و هضم این برای ما مشکل است، ولی به نوعی پدر به شیوه‌ای خاص به دلیل تحقق بخشیدن کامل به اراده‌اش او را مورد تقدیر قرار می‌دهد.

Alexandrian School/مکتب اسکندرون. این شیوه ترجمه و تفسیر انجیل در اسکندریه، مصر در قرن دوم میلادی توسعه یافت. این مکتب از اصول ترجمه و تفسیر فیولا، که از پیروان افلاطون بود استفاده می‌کند. به این شیوه اکثرا روش مجازی گفته می‌شود. این روش تا دوران اصلاحات در کلیسا رواج داشت. اورینگن و اگوستین از طرفداران این مکتب و شیوه بودند. جهت اطلاعات بیشتر به *Moises Silva, Has The Church Misread The Bible? (Academic, 1987)* مراجعه کنید.

Alexandrinus/الکساندرینوس. این نسخه دستنویس یونانی قرن پنجم از اسکندریه، مصر شامل عهد عتیق، آپوکریفا، و بیشتر عهد جدید بوده و یکی از شواهد اصلی برای کل نسخه یونانی عهد جدید است (به استثنای انجیل متی، یوحنا و دوم قرنتیان). این دستنویس، رتبه A دریافت کرده، و دستنویس اطلاق شده به آن رتبه B (*Vaticanus*) در خواندن مطابقت دارد، و از جانب اکثر اساتید در بیشتر بخشها اصل تلقی می‌شود.

Allegory/قیاس. این نوعی تفسیر انجیلی است که در ابتدا توسط یهودیسم اسکندریه توسعه یافت. این روش توسط فیولا از اسکندریه محبوبیت یافت. قدرت پایه آن در میل به ساختن کتاب مقدس در رابطه با فرهنگ فرد یا سیستم فلسفی با نادیده انگاشتن ترتیبات تاریخی و یا مفهوم واقعی متن است. این روش در جستجوی مفاهیم پنهان یا معنوی در فراسوی هر متن کتاب مقدس است. باید اذعان داشت که عیسی، در انجیل متی ۱۳، و پولس در غلاطیان ۴، از تمثیل برای بیان حقیقت استفاده کرده‌اند. با این وجود، روش قیاس در قالب نوع‌شناسی است نه فقط تمثیل.

Analytical Lexicon/تحلیل واژگانی. این یک شیوه ابزار تحلیل است که اجازه می‌دهد فرد هر حالت کلمه یونانی را در عهد جدید شناسایی کند. در ترتیب الفبای یونانی، تلفیقی است از حالت و مفهوم پایه کلمه. با ترکیب ترجمه سطری، اجازه می‌دهد مومنینی که متن یونانی را نمی‌خوانند بتوانند اصطلاحات دستور زبانی یونانی و صرف و نحو آنها را تحلیل کنند.

Analogy of Scripture/تشابه در کتاب مقدس. این عبارتی است که برای توصیف دیدگاهی که تمام انجیل تحت الهام خدا است و بنابراین متناقض نبوده بلکه مکمل یکدیگر هستند، به کار می‌رود. این تصریح پیش فرض پایه‌ای است برای استفاده متون همسو در تفسیر متون انجیلی.

Ambiguity/ابهام. این اشاره به عدم قطعیت در نتایج حاصله در متن دارد، زمانی که دو یا چند مفهوم وجود دارند و یا وقتی که همزمان دو معنی یا مفهوم خاص به یک موضوع اشاره کند. احتمال دارد که یوحنا از روی عمد از ابهام استفاده کرده باشد (دو مفهومی).

Anthropomorphic/انسان شناسی. به معنی "داشتن مشخصه‌هایی که به انسان‌ها اطلاق می‌شود" است، از این اصطلاح برای توصیف زبان مذهبی ما درباره خدا استفاده می‌شود. این عبارت از اصطلاح یونانی که برای نوع بشر استفاده می‌شود آمده است. به این معنی است که ما به شیوه‌ای درباره خدا صحبت می‌کنیم که گویی انسان است. خدا در قالب اصطلاحات فیزیکی، اجتماعی و فیزیولوژیکی توصیف می‌شود که مربوط به انسانها است (مراجعه شود به پیدایش ۳: ۸، اول پادشاهان ۲۲: ۱۹ الی ۲۳). البته این فقط قیاس است. هیچ طبقه‌بندی یا اصطلاحی غیر از اصطلاحات انسانی وجود ندارند که بتوان از آنها استفاده کرد. بنابراین، دانش ما در مورد خدا، هر چند درست است، ولی محدود می‌باشد.

Antiochian School/مکتب آنتیوخیا. این روش تفسیر انجیل در آنتیوخ سوریه در قرن سوم میلادی به عنوان واکنشی در برابر روش قیاس اسکندریه مصر بسط یافت. فشار اولیه آن بر روی تمرکز بر معانی تاریخی انجیل است. این روش انجیل را به صورت متن معمولی و انسانی ترجمه و تفسیر می‌کند. این مکتب وارد جدل بر سر این شد که آیا عیسی دارای دو ماهیت است (*Nestorianism*) یا یک ماهیت (تماما الهی و تماما انسانی). توسط کلیسای کاتولیک رم این به مکتب برچسب تاریخی زده شد و به پاس منتقل شد و اهمیت چندانی ندارد. اصول پایه‌ای تفسیر این مکتب بعدها تبدیل به اصول تفسیر اصطلاح طلبان کلاسیک پروتستان شد (اوتر و کالوین).

Antithetical/ضد و نقیض. این یکی از سه اصطلاحی است که در مورد رابطه میان ابیات اشعار عبری استفاده می‌شود. در رابطه با ابیات شعر است که معنی تضاد دارند (مراجعه شود به امثال ۱۰: ۱، ۱۵: ۱)

Apocalyptic literature/ادبیات آخر زمانی. این یک بحث غالب و حتی احتمالاً منحصر به فرد در موضوعات یهودی است. این یک شیوه نگارش رمزی بود که در دوران تهاجم و اشغال یهودیان توسط قدرتهای جهانی استفاده می‌شد. تصور می‌کند که خدا رخدادها را ایجاد کرده و کنترل می‌کند، و اینکه اسرائیل یکی از علائق خاص او است. این ادبیات وعده پیروزی نهایی از طریق تلاش خاص خدا را می‌دهد.

این ادبیات شدیداً نمادین و تخیلی است و اصطلاحات رمزی زیادی دارد. اغلب حقیقت را در قالب رنگها، اعداد، نگرش، روایا، فرشتگان واسطه، کلمات رمزی و دوگانگی شدید میان خوب و بد نمایش می‌دهد.

برخی از مثالهای این موضوع (۱) در عهد عتیق، حزقیال (فصلهای ۳۶ الی ۴۸)، دانیال (فصلهای ۷ الی ۱۲)، زکریا، و (۲) در عهد جدید، انجیل متی ۲۴، انجیل مرقس ۱۳، دوم تسالونیکیان و مکاشفه دیده می‌شوند.

Apologist (Apologetics)/دفاعی. این اصطلاح از ریشه یونانی برای "دفاع قانونی" است. مبحث خاصی در الهیات وجود دارد که در جستجوی شواهد و مباحثات مربوطه برای ایمان مسیحی است.

A priori/استقرا. این اصطلاح مترادف با "پیش فرض" است. شامل دلیل آوردن برای مفاهیم، اصول یا موقعیتهایی است که پیش‌تر صحت آنها پذیرفته شده است. حالتی است که بدون آزمایش یا تحلیل پذیرفته شده است.

Arianism/آریانیسم. آریوس شبان کلیسا در اسکندریه مصر در قرن سوم و اوایل قرن چهارم بود. او تصریح کرده بود که عیسی از پیش وجود داشت ولی الهی نبود (نه در مفهوم پدر)، احتمالاً از امثال ۸: ۲۲ الی ۳۱ ایده گرفته بود. او توسط اسقف کلسیای اسکندریه به چالش کشیده شد که از سال ۳۱۸ میلادی جدلی آغاز شد و سالهای زیادی ادامه یافت. آریانیسم تبدیل به فرقه ای در کلیسای شرق شد. شورای نیکا در سال ۳۲۵ میلادی آریوس را محکوم کرد و یکسانی بودن الهی و انسانی بودن پسر را تصریح کرد.

Aristotle/ارسطو. او یکی از فلاسفه یونان باستان و شاگرد افلاطون و معلم اسکندر کبیر بود. نفوذ او، حتی امروز، بر زمینه‌های گسترده‌ای از مطالعات مدرن حاکم است. این امر به دلیل آن است که او بر دانش بر پایه مشاهده و طبقه‌بندی تاکید داشت. این یکی از گرایش‌ها و روشهای علمی است.

Autographs/دستخط/دست‌نوشته. این نامی است که به نسخه اولیه نوشته‌های انجیل داده شده است. این نسخ اصل و دست‌نویس همگی از بین رفته‌اند. فقط نسخه‌ای از کپی آنها موجود است. این منشا بسیاری از متون متنوع دست‌نویس عبری و یونانی باستانی است.

Bezae/بزا. این نسخه دست‌نویس یونانی و لاتین قرن ششم میلادی است. به این نسخه رتبه D داده شده است. حاوی اناجیل، اعمال رسولان و برخی نامه‌های عمومی است. از مشخصه‌های آن اضافات حاشیه‌ای دست‌نویس بسیار زیاد است. این نسخه مبنای Textus Receptus، نسخه دست‌نویس قدیمی یونانی است که در ورای نسخه شاه جیمز قرار دارد.

Bias/تعصب. از این اصطلاح برای توصیف آمادگی و گرایش شدید نسبت به یک موضوع یا دیدگاه استفاده می‌شود. ذهنیتی است که توسط آن بی‌طرفی نسبت به یک موضوع یا دیدگاه غیر ممکن است. این یک موضعگیری متعصبانه است.

Biblical Authority/اقتدار کتاب مقدس. این اصطلاح در یک مفهوم خیلی خاص استفاده می‌شود. این اصطلاح به شکل درک آنچه نویسنده اصلی در روزگار خودش گفته و اعمال این حقیقت در روزگار امروز تعریف می‌شود. اقتدار کتاب مقدس یا اقتدار انجیلی معمولاً به صورت نگرش به خود انجیل به عنوان تنها راهنمای مجاز ما تعریف می‌شود. با این وجود، در نور تفاسیر و ترجمه‌های نامناسب جاری، من این مفهوم را به انجیل به آن طور که توسط اعتقادات مذهبی و شیوه‌های دستور زبان قدیم تفسیر می‌شود، محدود کرده‌ام.

Canon/مجموعه کتب. این اصطلاح برای توصیف نوشته‌هایی که باور بر این است که صورت انحصاری تحت وحی نوشته شده‌اند، استفاده می‌شود. این اصطلاح در مورد هم عهد عتیق و هم عهد جدید استفاده می‌شود.

Christocentric/کریستوسنتریک. این اصطلاح برای توصیف مرکزیت و محوریت مسیح استفاده می‌شود. من از این اصطلاح در رابطه با مفهوم "عیسی سرور کل انجیل است"، استفاده می‌کنم. عهد عتیق به او اشاره می‌کند و او تحقق و هدفش است (مراجعه شود به متی ۵: ۱۷ الی ۴۸).

Commentary/تفسیر. این یک نوع کتاب تخصصی در زمینه تحقیق است. یک زمینه کلی در مورد کتب انجیل ارائه می‌دهد. سپس تلاش می‌کند معانی هر بخش کتاب را توضیح دهد. برخی بر کاربرد تمرکز می‌کنند، در حالی که دیگران در ارتباط با متن به شیوه تخصصی‌تر هستند. این کتب مفید هستند، ولی

فرد باید پس از اینکه خودش مطالعات اولیه‌ای را انجام داد، آنها را مطالعه کند. بدون انتقاد نباید تفسیر مفسرین را بی‌قید و شرط پذیرفت. معمولاً مطالعه و مقایسه چندین مفسر از چند دیدگاه مختلف مفید و کمک کننده است.

Concordance/تطابق. این یک نوع ابزار تحقیقاتی برای مطالعه انجیل است. تکرار هر کلمه را در عهد عتیق و عهد جدید فهرست می‌کند. به چندین شیوه کمک می‌کند: (۱) مشخص ساختن کلمه عبری یا یونانی که در پس هر کلمه انگلیسی خاص قرار دارد، (۲) مقایسه عبارتهایی که یک اصطلاح مشابه یونانی یا عبری استفاده شده است، (۳) نشان دادن جاهایی که دو کلمه عبری یا یونانی خاص به یک کلمه انگلیسی خاص ترجمه شده‌اند، مشخص کردن تناوب استفاده از کلماتی خاص در کتبی خاص یا نوشته‌های نویسنده‌ای خاص، (۵) کمک کردن در یافتن عبارت خاص در انجیل (مراجعه شود به Walter Clark's *How to Use New Testament Greek Study Aids*، صفحه ۵۴ الی ۵۵).

Dead Sea Scrolls/کتیبه بحر المیت. این اشاره به مجموعه متون باستانی نوشته شده به زبانهای عبری و آرامی دارد که در سال ۱۹۴۷ در نزدیکی بحر المیت پیدا شدند. آنها کتابخانه‌ای از یک فرقه یهودی قرن اول هستند. فشار رومیان اشغالگر و جنگهای متعصبانه دهه ۶۰ باعث شد کتیبه‌ها را در کوزه‌های در بسته داخل غارها و سوراخها پنهان کنند. آنها به ما کمک کرده‌اند تا شرایط تاریخی فلسطین قرن اول را درک کنیم و تأیید می‌کنند که متون مازراتی، حداقل تا اواخر دوران قبل از میلاد کاملاً دقیق هستند. این متون با اختصار DSS مشخص می‌گردند.

Deductive/استقرایی/قیاسی. این روش منطق یا استدلال از طریق اصول، از اصول کلی به کاربردهای خاص منتقل می‌شود. این استدلال مخالف استدلال استنتاجی است که روش علمی را با حرکت از جزئیات مشاهده شده به نتیجه کلی (نظریه‌ها) بازتاب می‌دهد.

Dialectical/مناظره‌ای. این روش استدلال است که به موجب آن، آنچه که متناقض یا متضاد به نظر می‌رسد در یک تنش با هم حضور دارند، به دنبال پاسخی یکپارچه است که شامل هر دو جنبه متضاد است. بسیاری از آموزه‌های کتاب مقدس دارای جفت دیالکتیکی هستند، اراده آزاد است. امنیت-استقامت؛ ایمان-کارها؛ تصمیم‌گیری-شاگردی؛ آزادی مسیحی-مسئولیت مسیحی.

Diaspora/دیاسپورا. این اصطلاح یونانی است که یهودیان فلسطینی برای توصیف یهودیان دیگر که در خارج از مرزهای جغرافیایی سرزمین موعود زندگی می‌کنند، استفاده می‌نمایند.

Dynamic equivalent/معادل پویا. این یک نظریه ترجمه کتاب مقدس است. ترجمه کتاب مقدس را می‌توان به عنوان یک متن پیوسته از مکاتبات "کلمه به کلمه" مشاهده کرد، که در هر عبارت، به ازای هر کلمه عبری یا یونانی باید یک کلمه انگلیسی ارائه شود، و در آن تنها اندیشه و تفکر ترجمه می‌شود کمتر به اصطلاحات اولیه یا عبارت توجه می‌شود. در میان این دو نظریه، "معادل پویا" است که تلاش می‌کند متن اصلی را به طور جدی در نظر بگیرد، اما آن را در قالب‌های اصطلاحی و اصطلاحات مدرن ترجمه می‌کند. بحث جالبی را در مورد نظرات مختلف برای ترجمه می‌توانید در *Fee and Stuart's How to Read the Bible For All Its Worth*, p. 35 and in Robert Bratcher's Introduction to the TEV مطالعه کنید.

Eclectic/منتخب. این اصطلاح در ارتباط با انتقاد متنی استفاده می‌شود. این اصطلاح اشاره به انتخاب یک متن از نسخ دستنویس مختلف یونانی است تا بتوان به متنی دست یافت که به بیان نگارنده اصلی نزدیک باشد. این اصطلاح دیدگاهی را که معتقد به اصل بودن هر یک از نسخ یونانی است، مردود می‌داند.

Eisegesis/تفسیر به رای. این مخالف تفسیر است. اگر تفسیر استخراج قصد نویسنده اصلی باشد، این اصطلاح به معنای "وارد کردن" یک ایده یا عقیده خارجی است.

Etymology/ریشه‌یابی. این یک جنبه از مطالعه کلمه است که تلاش می‌کند تا معنی اصلی کلمه را تعیین کند. از این ریشه به معنی، کاربردهای تخصصی به راحتی شناسایی می‌شوند. در تفسیر، ریشه شناسی تمرکز اصلی نیست، بلکه معنای معاصر و استفاده از یک کلمه است.

Exegesis/تفسیر. این اصطلاح فنی برای تفسیر یک متن خاص است. به معنی "استخراج کردن" (از متن) بوده و حاکی از این است که هدف ما درک هدف نویسنده اصلی به سبب شرایط تاریخی، زمینه ادبی، نحو و معنای معاصر است.

Genre/نوع. این یک اصطلاح فرانسوی است که انواع متفاوتی از ادبیات را نشان می‌دهد. محور اصطلاح عبارت است از تقسیم اشکال ادبی به دسته‌هایی است که ویژگیهای مشترک دارند: روایت تاریخی، شعر، ضرب المثلی، آخرزمانی و قانون.

Gnosticism/عرفان. بیشتر دانش ما در مورد این ملکوت از نوشته‌های عرفانی قرن دوم می‌آید. با این حال، ایده‌های ابتدایی در قرن اول (و قبل از آن) وجود داشت.

برخی از اصول ادعای والتاین و عرفان سرینتین قرن دوم عبارتند از: (۱) ماده و روح همسو باقی مانده اند (دوگانگی هستی شناختی). کالبد بد است، روح خوب است. خداوند، که روح است، نمی تواند مستقیماً با قالب‌زیری کالبد شریر کاری داشته باشد؛ (۲) خلقت (اثون یا فرشتگان) بین خدا و ماده وجود دارد. آخرین و یا کمترین آن یهوه در عهد عتیق بود که جهان را تشکیل داد. (۳) عیسی مانند یهوه بود اما در مقیاس بالاتر، نزدیک به خدا واقعی است. بعضی او را به عنوان بالاترین می دانند، اما هنوز هم کمتر از خداوند است (انجیل یوحنا ۱: ۱۴). از آنجا که ماده بد است، عیسی نمی تواند بدن انسان داشته باشد و در عین حال الهی هم باشد. او شبیح معنوی بود (مراجعه شود به اول یوحنا ۱: ۱ الی ۳، ۴ الی ۶)؛ و (۴) رستگاری از طریق ایمان به عیسی به همراه دانش ویژه به دست می آید، که تنها توسط افراد خاص شناخته می شود. دانش (رمزها) برای گذر از حوزه های آسمانی مورد نیاز بود. قانونگرایی یهودی برای رسیدن به خدا لازم بود.

معلمان دروغین عرفانی از دو نظام مخالف اخلاقی حمایت می کردند: (۱) برای برخی، سبک زندگی به هیچ وجه به نجات منجر نمی شود. برای آنها، رستگاری و معنویت به دانش مخفی (کلمه عبور) از طریق فرشتگان محصور شدند. یا (۲) برای دیگران، شیوه زندگی برای نجات بسیار مهم بود. آنها تاکید کردند که شیوه زندگی زاهدانه در حکم سند معنویت واقعی است.

Hermeneutics/علم تفسیر. این یک اصطلاح فنی برای اصولی است که راهنمای تفسیر را ارائه می دهد. این هم مجموعه ای است از دستورالعملهای خاص و هنر/هدیه. علم تفسیر کتاب مقدس معمولاً به دو دسته تقسیم می شود: اصول کلی و اصول خاص. این مربوط به انواع مختلف ادبیات موجود در کتاب مقدس است. هر نوع مختلف (ژانر) دارای رهنمودهای منحصر به فرد خود می باشد، ولی همچنین برخی از مفروضات و روشهای تفسیر مشترک را نیز به اشتراک می گذارد.

Higher Criticism/انتقاد بالا. این روش تفسیر کتاب مقدس است که بر شرایط تاریخی و ساختار ادبی یک کتاب مقدس خاص متمرکز است.

Idiom/اصطلاح. این کلمه برای عباراتی که در فرهنگهای مختلف یافت می شوند، استفاده می گردد که مفهوم خاصی دارند و معنی لغوی بر آن حاکم نیست. برخی از نمونه های مدرن از این اصطلاحات عبارتند از: "که خیلی معرکه بود" یا "منو میکشی". کتاب مقدس همچنین شامل این نوع عبارات است.

Illumination/نورانی/چراغانی. این نام به مفهومی است که خدا با انسان صحبت کرده است. مفهوم کامل معمولاً با سه اصطلاح بیان می شود: (۱) وحی - خدا در تاریخ بشری کار کرده است؛ (۲) الهام بخش - او تفسیر مناسب از اعمال او و معنای آن دادن وحی و الهام به برخی از افراد منتخب است تا کلام خدا را برای انسان ثبت کنند؛ و (۳) روشنایی - او روح خود را برای کمک به بشر گمراه فرستاد تا به انسانها کمک کند و او را بشناسند.

Inductive/استنتاجی/القایی. این یک روش منطقی برای استدلال است که از جزء به کل می رسد. این روش تجربی علم مدرن بوده و اساساً رویکرد ارسطویی است.

Interlinear/خطی/سطری. یک نوع ابزار پژوهشی است که اجازه می دهد کسانی که یک زبان کتاب مقدس (یونانی/آرامی/عبری) را مطالعه نمی کنند، بتوانند معنی و ساختار آن را تجزیه و تحلیل کنند. این روش ترجمه انگلیسی کلمه به کلمه در زیر کلمات زبان اصلی کتاب مقدس قرار می دهد. این ابزار، همراه با "تحلیل لغوی"، به تعاریف اساسی عبری و یونانی شکل می داد.

Inspiration/وحی/الهام. این مفهومی است که خداوند با هدایت نویسندگان کتاب مقدس به بشریت سخن گفته است و به وضوح وحی او را ثبت کرده اند. مفهوم کامل معمولاً با سه اصطلاح بیان می شود: (۱) مکاشفه - خدا در تاریخ بشر کار کرده است؛ (۲) وحی - او تفسیر مناسب از اعمالش و معنای آن را به برخی از مردان منتخب جهت برای انسان داده است؛ و (۳) روشنایی - او روح خود را برای کمک به بشر در درک و افشای خود داده است.

Language of description/زبان توصیف. این در رابطه با اصطلاحاتی است که در عهد عتیق نوشته شده است. از دنیای ما در رابطه با مواردی صحبت می کند که در حواس پنجگانه ظاهر می شوند و یک توصیف علمی نیست.

Legalism/قانون پرستی. این نگرش با تاکید بیش از حد بر قوانین یا آیینها مشخص می گردد. تمایل به این دارد که به عملکرد انسان بر مقررات به عنوان ابزار پذیرش خداوند تکیه کند. این نگرش تمایل بر این دارد که روابط را از بین ببرد و عملکرد را افزایش دهد، که هر دو جنبه مهمی از روابط میان خدا و مقدس و انسان گناهکار است.

Literal/تحت اللفظی/مفهومی. این نام دیگری برای روش تمرکز بر متن و روش تاریخی علم تفسیر انجیل از آنتیخوس است. به این معناست که تفسیر معنای عادی و آشکار زبان بشری را در بر می گیرد، البته هنوز زبان مجازی را به رسمیت می شناسد.

Literary genre/سبک ادبی. این به اشکال متمایزی که انسانها می تواند ارتباط برقرار کنند، مانند شعر یا روایت تاریخی، اشاره می کند. هر نوع ادبیات علاوه بر اصول کلی نوشته شده، دارای رویکرد خاص در علم تفسیر است.

Literary unit/واحد ادبی. این مفهوم به تقسیمات فکری مهم در کتاب مقدس اشاره دارد. این مفهوم را می‌توان از تشکیل چند آیه، پاراگراف یا فصل شکل داد.

Lower Criticism/انتقاد سطح پائین. موضوع خاص: انتقاد متنی را مطالعه کنید.

Manuscript/دستخط. این اصطلاح مربوط به نسخه‌های مختلف عهد جدید یونانی است. معمولاً آنها را به انواع مختلف تقسیم می‌کنند (۱) مواد که بر روی آن نوشته شده‌اند (پاپیروس، چرم)، یا (۲) شکل خود نوشتن (همه با حروف بزرگ و یا دستخط). این عبارت "MS" (منحصر به فرد) یا "MSS" (جمع) است.

Masoretic Text/متن مازروتی. به نسخ خطی عبری از عهد عتیق قرن نوزدهم اشاره دارد که طی چندین نسل توسط اساتید یهودی تهیه شده و حاوی حروف صدا دار و دیگر نکات متنی هستند. این متن اصلی برای عهد عتیق انگلیسی ما است. متن آن به طور تاریخی توسط MSS عبری تأیید شده، به ویژه اشعیا، از کنیه دریای مرده. این اختصار این اصطلاح "MT" است.

Metonymy/کنایه. شکلی از بیان است که در آن نام یک چیز برای نشان دادن چیز دیگری مرتبط با آن استفاده می‌شود. به عنوان مثال، "کنتری جوش" در واقع "آب در داخل کنتری جوش است."

Muratorian Fragments/قطعه موراتورین. فهرستی از کتابهای عهد جدید است که قبل از سال ۲۰۰ میلادی در رم نوشته شده بود. این همان بیست و هفت کتاب را به عنوان عهد جدید پروتستان معرفی کرده به وضوح نشان می‌دهد کلیساهای محلی در نقاط مختلف امپراتوری روم "عملاً" کانون را قبل از شورای بزرگ کلیسای قرن چهارم تشکیل داده بودند.

Natural revelation/مکاشفه طبیعی. این یک طبقه‌بندی از افشای خدا به انسان است. این شامل نظم طبیعی (رومیان ۱: ۱۹ الی ۲۰) و آگاهی اخلاقی (رومیان ۲: ۱۴ الی ۱۵) است. از آن در مزامیر ۱۹: ۱ الی ۶ و رومیان ۱ الی ۲ توضیح داده شده است. این مشخصه از وحی ویژه است که خود افشاء خاص خدا در کتاب مقدس است و در عیسی ناصری متعالی است.

بر این طبقه‌بندی الهیاتی با جنبش "زمین قدیم" در میان دانشمندان مسیحی مجدداً تأکید شده (به عنوان مثال نوشته‌های Hugh Ross). آنها از این طبقه‌بندی استفاده می‌کنند تا ادعا کنند که همه حقیقت، حقیقت خدا است. طبیعت درها را برای دانش در مورد خدا باز نموده و آن را از وحی ویژه (کتاب مقدس) متمایز می‌کند. به علوم مدرن اجازه می‌دهد با آزادی نظم طبیعی را بررسی کند. به نظر من این یک فرصت فوق العاده جدید است تا به جهان مدرن علمی غربی شهادت داده شود.

Nestorianism/نستوریستی. نستوریوس پدرسالار قسطنطنیه در قرن پنجم بود. او در آنتیوخ سوریه آموزش دیده و تأیید کرد که عیسی دارای دو طبیعت بود، یکی کاملاً انسان و یک فرد کاملاً الهی. این دیدگاه از دیدگاه طبقاتی اسکندریه از دیدگاه ارتدوکس منحرف شد. نگرانی اصلی Nestorius عنوان "مادر خدا" است که به مریم داده شده است. نستوریوس با سیریل اسکندریه مخالف بود و به طور ضمنی آموزش خود را در اسکندریه برگزار کرد. آنتیوخ ستاد رویکرد تاریخی-دستوری-متنی به تفسیر کتاب مقدس بود، در حالی که اسکندریه مقرر چهارم (تفسیری) مدرسه تفسیر بود. نستوریو در نهایت از مقام خود خلع و تبعید شد.

Original Author/نویسنده اصلی. این عبارت به نویسندگان اصلی کتب مقدس اشاره دارد.

Papyri/پاپیروس. این یکی از موادی است که از مصر بوده و بر روی آن می‌نوشتند. این ماده از نی کنار رودخانه‌ها ساخته می‌شد. این ماده‌ای است که قدیمی‌ترین نسخه‌های عهد جدید یونانی بر روی آن نوشته شده است.

Parallel passages/عبارتهای همسو. این قبیل عبارات بخشی از مفهومی هستند که تمام کتاب مقدس از جانب خدا داده شده و بنابراین، به نوبه خود بهترین مترجم از حقایق دوگانه است. این نیز هنگامی که یک نفر تلاش می‌کند بخشی که نامشخص یا مبهم است را بتواند تفسیر کند. همچنین به شما کمک می‌کند تا واضحترین بخش در مورد یک موضوع مشخص شده را درک و همچنین تمام جنبه‌های معنوی یک موضوع مشخص را بیابید.

Paraphrase/ترجمه/تفسیر/ترجمه آزاد. این نام یک نظریه در مورد ترجمه کتاب مقدس است. ترجمه کتاب مقدس را می‌توان به عنوان یک متن دنباله‌دار "کلمه به کلمه" از مکاتبات مشاهده کرد، جایی که باید به ازای هر واژه عبری یا یونانی یک کلمه انگلیسی، بدون توجه به اصطلاح اولیه یا اصطلاح ترجمه شده قرار گیرد. در میان این دو نظریه، "معادل پویا" است که تلاش می‌کند متن اصلی را جدی بگیرد، اما آن را با اصطلاحات مدرن دستور زبانی ترجمه می‌کند. بحث بسیار خوبی در مورد نظریه‌های مختلف ترجمه را می‌توانید در Fee and Stuart's *How to Read the Bible For All Its Worth* صفحه ۳۵ مطالعه کنید.

Paragraph/پاراگراف. این واحد ادبی تفسیر اصلی متن است. شامل یک موضوع اصلی و گسترش آن است. اگر ما مفهوم و قصد نویسنده را حفظ کنیم، چیزی از نیت اصلی نویسنده را، از دست نخواهیم داد.

Parochialism/پاروسیاالیسم. این مربوط به تعصباتی است که در یک محیط محلی فرهنگی بسته هستند. ماهیت فرامنتیقی آن، حقیقت کتاب مقدس یا کاربرد آن را به رسمیت نمی‌شناسد.

Paradox/دوگانگی. به حقایق اشاره دارد که به نظر می‌رسد متناقض هستند، هر چند در تنش با یکدیگرند، ولی هر دو درست می‌باشند. آنها حقیقت را با بیان اینکه اگر از طرف مقابل هستند، شکل می‌دهند. حقیقت کتاب مقدس در جاهای پارادوکسی (یا دیالکتیکی) ارائه شده است. حقایق کتاب مقدس همانند ستارگانی منفک هستند، اما یک کهکشان از ستارگان، از مجموعه ستارگان منفک تشکیل می‌شود.

Plato/افلاطون. او یکی از فیلسوفان یونان باستان بود. فلسفه او از طریق محققان اسکندریه، مصر و بعداً، آگوستین بر کلیسای اولیه تأثیر گذاشت. او بر این عقیده بود که همه چیز روی زمین، توهم است و فقط یک نسخه از یک نمونه اولیه معنوی است. به علاوه نظریه پردازان بعدها "شکلها/ایده‌های" افلاطون را با قلمرو روحانی برابر می‌کردند.

Presupposition/پیش فرض. این به درک پیشین ما از یک موضوع اشاره دارد. اغلب ما عقاید یا قضاوت‌های مربوط به مسائل را قبل از اینکه به کتاب مقدس مراجعه کنیم، تشکیل می‌دهیم. این حالت نیز به عنوان یک تعصب، یک موقعیت پیشین، یک فرض یا یک مقدمه شناخته شده است.

Proof-texting/اثبات متن. این تمرین تفسیر کتاب مقدس با نقل قول از یک آیه بدون در نظر گرفتن زمینه آن و یا زمینه بزرگتر در واحد ادبی آن است. ارتباط آیات را از نیت نویسنده اصلی حذف می‌کند و معمولاً در تلاش است تا یک نظر شخصی را در هنگام تایید اقتدار کتاب مقدس بیان کند.

Rabbinical Judaism/یهودیت روحانی. این مرحله از زندگی یهودیان در تبعید بابلی آغاز شد (۵۸۶-۵۳۸ قبل از میلاد). همانطور که نفوذ کشیشان و معبد از بین رفت، کنیسه‌های محلی بر زندگی یهودی تمرکز کردند. این مراکز محلی فرهنگ یهودی، مذهبی، عبادت و مطالعه کتاب مقدس تبدیل به محور زندگی مذهبی ملی شده‌اند. در روزگار عیسی این "کاتبین مذهبی" با کشیشان همسو بود. پس از سقوط اورشلیم در سال ۷۰ میلادی، فرم کاتبین که تحت فرمانروایی فریسیان بود، بر زندگی مذهبی یهودیان کنترل و نظارت داشت. آن را با یک تفسیر عملی و قانونی از تورات می‌توان مشخص کرد که در سنت شفاهی (تالمود) توضیح داده شده است.

Revelation/افشا. این نام به مفهومی است که خدا با بشریت سخن گفته است. مفهوم کامل معمولاً با سه اصطلاح بیان می‌شود: (۱) مکاشفه - خدا در تاریخ بشر کار کرده است؛ (۲) وحی - او تفسیر مناسب از اعمالش و معنای آن را به برخی از مردان منتخب جهت برای انسان داده است؛ و (۳) روشنایی - او روح خود را برای کمک به بشر در درک و افشای خود داده است.

Semantic field/زمینه معنایی. این به کل محدوده معانی مرتبط با یک کلمه اشاره دارد. این اساساً مفاهیم متفاوت یک کلمه در متون مختلف است.

Septuagint. این نام به ترجمه یونانی عهد عتیق عبری داده شده است. سنت می‌گوید که در هفتاد روز توسط هفتاد محقق یهودی برای کتابخانه اسکندریه مصر نوشته شده است. تاریخ سنتی حدود ۲۵۰ قبل از میلاد (در حقیقت احتمالاً بیش از صد سال طول کشید). این ترجمه قابل توجه است زیرا (۱) به ما یک متن باستانی را با مقیاس الهام بخش مقدس می‌دهد؛ (۲) به ما وضعیت تفسیر یهودیان در قرن سوم و دوم قبل از میلاد را نشان می‌دهد؛ (۳) به ما مفهوم مسیح یهودی را قبل از رد عیسی نشان می‌دهد. اختصار آن "LXX" است.

Sinaiticus. یک نسخه یونانی از قرن چهارم میلادی است. این توسط محقق آلمانی، Tischendorf، در صومعه سنت کاترین در جبل موسی، مکان سنتی کوه سینا یافت شد. این دستنوشته با اولین حرف الفبای عبری به نام "א" تعیین شده است. این شامل عهد قدیم و عهد جدید است. این یکی از قدیمی‌ترین MSSهای غیر رسمی ما است.

Spiritualizing/معنوی. این واژه مترادف با تمثیل است به این معنی که زمینه تاریخی و ادبی یک متن و تفسیر آن بر اساس معیارهای دیگر آن را حذف می‌کند.

Synonymous/مترادف. به اصطلاحات با معانی دقیق یا بسیار مشابه اشاره دارد (اگر چه در واقع دو کلمه هیچ یک همپوشانی معناشناسی کامل ندارند)، آنها خیلی نزدیک به هم هستند به طوری که می‌توانند جایگزین یکدیگر در یک جمله بدون از دست دادن معنی باشند. همچنین برای تعیین یکی از سه شکل همسو در اشعار عبری استفاده می‌شود. به این معنا، به دو بیت شعر می‌گویند که یک حقیقت را بیان می‌کنند (مراجعه شود به مزامیر ۱۰۳: ۳).

Syntax/نحو. این اصطلاح یونانی است که به ساختار جمله اشاره دارد. این مربوط به راه‌هایی است که بخش‌هایی از یک جمله برای ایجاد یک تفکر کامل ساخته می‌شوند.

Synthetical. این یکی از سه اصطلاحی است که مربوط به انواع اشعار عبری است. این اصطلاح از ابیات شعر می‌گوید که بر اساس یک معنی نوشته می‌شوند، گاهی اوقات "climatic" نامیده می‌شوند (ش. ۱۹: ۷-۹).

Systematic theology/الهیات سیستماتیک. این مرحله‌ای از تفسیر است که تلاش می‌کند تا حقایق کتاب مقدس را به شیوه‌ای متحدالشکل و منطقی مرتبط سازد. این یک رویکرد منطقی و نه صرفاً تاریخی از نظر الهیات مسیحی طبقه بندیها (خدا، انسان، گناه، نجات، و غیره) است.

Talmud/تلمود. این عنوان برای تدوین سنت شفاهی یهودی است. یهودیان معتقد بودند که او به موسی به در کوه سینا گفته است. در واقع، به نظر می‌رسد که این خرد جمعی معلمان یهودی طی این سالها باشد. دو نسخه مختلف نوشته شده از تلمود وجود دارند: نسخه بابلی که کوتاهتر است و نسخه ناتمام فلسطینی.

Textual criticism/انتقاد متنی. این علم مطالعه نسخ خطی کتاب مقدس است. انتقاد متنی ضروری است زیرا هیچ نسخه اصلی وجود ندارد و همه نسخه‌ها با یکدیگر تفاوت دارند. این تلاش برای توضیح تغییرات و رسیدن به (نزدیکترین حد ممکن) به اصطلاحات اصلی دستنویس عهد عتیق و جدید است. این اغلب "انتقاد کمتر" است.

Textus Receptus. این نام به نسخه Elzevir از عهد جدید یونانی در سال ۱۶۳۳ اطلاق شد. اساساً این یک نوع عهد جدید یونانی است که از چند نسخه خطی یونانی و نسخه‌های لاتین اراسموس (۱۵۱۰-۱۵۲۵)، استفانوس (۱۵۴۶-۱۵۵۹) و الزویر (۱۶۲۴-۱۶۷۸) تهیه شده است. در *An Introduction to the Textual Criticism of the New Testament*، ص. ۲۷، A. T. Robertson می‌گوید: "متن بیژانس عملاً Textus Receptus است." متن بیژانس کم ارزشترین نسخه از سه نوع نسخ خطی یونانی (غربی، اسکندریه و بیژانسی) است. این شامل خطاهای انباشته شده طی قرن‌ها از متون دستکاری شده است. با این حال، A. T. Robertson همچنین می‌گوید: «Textus Receptus برای ما متن قابل ملاحظه دقیقی را حفظ کرده است» (ص ۲۱). این نسخه دستنویس یونانی (به خصوص نسخه سوم Erasmus 1522) نسخه مبنای انجیل شاه جیمز در سال ۱۶۱۱ میلادی را شکل می‌دهد.

Torah/تورات. این واژه عبری برای "آموزش" است. این عنوان رسمی برای نوشته‌های موسی بود (از پیدایش تا تثنیه). این بخش برای یهودیان، قدرتمندترین بخش است.

Typological/تایپوگرافی. این یک نوع تفسیر تخصصی است. معمولاً این امر شامل حقیقت عهد جدید است که در عبارات عهد عتیق با استفاده از علامتهای متشابه یافت می‌شود. این طبقه‌بندی از علم تفسیر انجیل یک عنصر اصلی از روش اسکندریه بود. به دلیل سوء استفاده از این روش تفسیر، باید استفاده از آن را به نمونه‌های خاصی که در عهد جدید وارد شده محدود کرد.

Vaticanus/واتیکانوس. این نسخه یونانی قرن چهارم است. این در کتابخانه واتیکان یافت می‌شود. در اصل شامل تمام عهدعتیق، Apocrypha و عهد جدید بود. با این حال، برخی از بخشها از بین رفته‌اند (پیدایش، مزامیر، عبرانیان، کشیشان، فیلیمون و مکاشفه). این یک نسخه خطی بسیار مفید در تعیین قالب‌بندی اصلی نسخ دستنویس است. این نسخه امتیاز "B" بزرگ دریافت کرده است.

Vulgate/والگیت. این نام لاتین کتاب مقدس جروم است. این نسخه تبدیل به نسخه مبنای "مشترک" برای کلیسای کاتولیک روم شد. در سال ۳۸۰ میلادی این کار صورت گرفت.

Wisdom literature/ادبیات عرفانی. این یک نوع ادبیات رایج در خاور نزدیک باستان (و جهان مدرن) بود. اساساً تلاشی بود به عنوان دستورالعملی برای راهنمایی نسل جدید جهت زندگی موفق از طریق شعر، تمثیل یا مقاله بود و بیشتر فرد را مورد خطاب قرار می‌داد تا جامعه. به تاریخ اشاره نداشت، اما بر تجربیات و مشاهدات زندگی استوار بود. در کتاب مقدس، وظیفه از طریق غزل غزلها حضور و پرستش یهوه را پذیرفت، اما این دیدگاه مذهبی در هر تجربه انسانی در هر زمان صریح نیست.

به عنوان یک ژانر، حقیقت عمومی را بیان کرد. با این حال، از این ژانر/نوع نمی‌توان در هر وضعیت خاصی استفاده کرد. اینها اظهارات کلی هستند که همیشه برای هر وضعیت فردی قابل اعمال نیستند.

این حکما شهادت این را داشتند تا سوالاتی سخت در مورد زندگی بپرسند. اغلب آنها دیدگاه‌های سنتی مذهبی (یعقوب، جامعه) را به چالش کشیدند. آنها تعادل و تنش را به پاسخ آسان در مورد تراژدی‌های زندگی می‌رسانند.

World picture and worldview/تصویر و جهان بینی جهانی. اینها اصطلاحات همراه هستند. آنها هر دو مفاهیم فلسفی مربوط به خلقت هستند. اصطلاح "تصویر جهان" به "چگونگی" خلقت اشاره می‌کند در حالی که "جهان بینی" مربوط به "چه کسی است". این اصطلاحات در ارتباط با تفسیری هستند که پیدایش ۱-۲ در درجه اول با چه کسی، نه چگونه، خلقت صورت گرفت، سر و کار دارد.

YHWH/یهوه. این نام خدا در عهد عتیق است. این نام در خروج ۳: ۱۴ تعریف شده است. این شکل ظاهری اصطلاح عبری "بودن" است. یهودیان می‌ترسیدند این نام را بر زبان آورند مبادا نابجا به کار برند، بنابراین، اصطلاح عبری آدونایی، "ارباب" جایگزین کردند. به این دلیل است که پیمان در انگلیسی این چنین ترجمه می‌شود.

بیانیه دکترین

من به بیانیه ایمان یا عقاید اهمیت چندانی نمی‌دهم. ترجیح می‌دهم به خود کتاب مقدس اعتراف کنم. با این وجود، می‌دانم که بیانیه ایمان برای کسانی که مرا نمی‌شناسند راهی را فراهم می‌کند تا دیدگاه‌های اعتقادی مرا بسنجند. در روزگاری که سرشار است از فریب و خطاهای الهیاتی، من حاصل تحقیقاتم را در زمینه الهیات مسیح، در زیر به طور خلاصه تقدیم می‌کنم.

۱. کتاب مقدس، شامل عهدعتیق و عهدجدید هر دو کلام الهامی، لغزش‌ناپذیر، با اقتدار و جاودانی خدا هستند. این کتاب مکاشفه شخصی خدا می‌باشد که تحت هدایت روح به وسیله انسانها ثبت شده است. کتاب مقدس تنها منبع حقیقت روشن در مورد خدا و اهداف اوست. تنها منبع ایمان و عمل برای کلیسای او.
۲. تنها یک خدای ابدی، خالق و نجات دهنده وجود دارد. آفریننده همه چیزهای دیدنی و نادیدنی اوست. او خود را به صورت خدای محبت و توجه مکشوف کرده است با این حال منصف و عادل نیز هست. او خدا را در سه شخصیت متمایز مکشوف کرد: پدر، پسر و روح القدس، کاملاً مجزا و در عین حال دارای ذات واحد.
۳. خدا فعالانه بر جهان تسلط دارد. هم طرحی ابدی برای خلقتش دارد که تغییرناپذیر است و هم طرح فردی که اراده آزاد انسان را ممکن می‌سازد. بدون اذن و اطلاع خدا هیچ چیز اتفاق نمی‌افتد، با وجود این او به فرشتگان و انسانها امکان انتخابهای شخصی را می‌دهد. عیسی انسان برگزیده پدر بود و از طریق او همه بالقوه برگزیده هستند. دانش پیشاپیش خدا در مورد وقایع انسان را تا حد نسخه از پیش پیچیده شده تنزل نمی‌دهد. ما همه مسئول افکار و اندیشه‌های خود هستیم.
۴. گرچه انسان به سیمای خدا و عاری از گناه خلق شد، اما تصمیم گرفت بر ضد خدا طغیان کند. آدم و حوا حتی با آنکه توسط عاملی فوق طبیعی وسوسه شدند، اما به خاطر خودخواهی ارادیشان مسئولند. نافرمانی آنها بشر و خلقت را تحت اثر قرار داد. همه ما چه به لحاظ شرایطی که از آدم و حوا به ارث برده‌ایم و چه به خاطر نافرمانی شخصی و ارادیمان به رحمت و فیض خدا نیاز داریم.
۵. خدا برای بخشش و احیای انسان سقوط کرده راهی فراهم کرد. عیسی مسیح، پسر یگانه خدا، انسان شد، بدون گناه زیست و از طریق مردن به جای ما مجازات گناه انسان را پرداخت. او تنها راه احیاء و داشتن رابطه با خدا است. جز از طریق ایمان به کار تکمیل شده او راه دیگری برای رسیدن به نجات وجود ندارد.
۶. هر کدام از ما هدیه بخشش و احیای خدا در عیسی را باید شخصا دریافت کند. این به وسیله اعتماد ارادی به وعده‌های خدا از طریق عیسی و دوری ارادی از گناه شناخته شده محقق می‌شود.
۷. همه ما بر اساس ایمانمان به مسیح و توبه از گناه کاملاً بخشوده و احیاء می‌شویم. با وجود این، زندگی تغییر یافته و در حال ما گواه این رابطه تازه است. هدف خدا بری انسان این است که اکنون زندگی مسیحگونه داشته باشد، نه اینکه تنها روزی وارد بهشت شود. کسانی که واقعا نجات را دریافت کرده‌اند، با آنکه گاهی گناه می‌کنند، اما در طول عمر خود در ایمان و توبه ثابت قدم می‌مانند.
۸. روح القدس "عیسای دیگر" است. او در این جهان حاضر است تا گمشده را به سوی مسیح هدایت و چهره مسیحگونه را در نجات یافته آشکارتر نماید. شخص هنگام نجات، عطایای روح را دریافت می‌کند. این عطایا زندگی و خدمت عیسی هستند که بین بدنش یعنی کلیسا تقسیم شده‌اند. عطایا که اساسا روشها و انگیزه‌های عیسی هستند باید به وسیله ثمرات روح به حرکت درآیند. روح در عصر ما فعال است، همانطور که در ایام کتاب مقدس بود.
۹. پدر عیسی مسیح قیام یافته را داور همه چیز قرار داده است. او به زمین باز خواهد گشت تا انسانها را داوری کند. کسانی که به عیسی ایمان آورده‌اند و نامشان در دفتر حیات نوشته شده است، به هنگام بازگشت او بدنهای جلال یافته جاودانی دریافت خواهند کرد. آنها تا ابد با او خواهند بود. اما آنها که حقیقت خدا را نپذیرفته‌اند برای همیشه از شادی رفاقت با خدای تثلیث محروم خواهند شد.
۱۰. آنها به همراه شیطان و فرشتگانش محکوم خواهند شد.

مطمئناً مواردی که ذکر کردم کامل یا بی نقص نیستند اما امیدوارم در مورد الهیاتی که من به آن باور قلبی دارم به شما ایده‌ای بدهد. سخن زیر برای من جالب است:

"اتحاد - در ضروریات، آزادی - در مسایل حاشیه‌ای، محبت - در همه چیز"